



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عزیز ما صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

دانش نامه

قرآن و حدیث

فارسی - عربی

محمدی ری شهری



ترجمه

با همکاری

حمیدرضا شیخی

جمعی از پژوهشگران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی جلد ۱۳
۱۹	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۸	ادامه عنوان برکت
۲۸	فصل سیزدهم : شغل های بابرکت
۲۸	۱ / ۱۳ کشاورزی
۳۲	۲ / ۱۳ تجارت
۳۴	۳ / ۱۳ بزازی
۳۴	۴ / ۱۳ خیاطی
۳۶	۵ / ۱۳ ریسندگی
۳۸	۶ / ۱۳ و این چند کار
۴۰	فصل چهاردهم : تأثیر برخی از ذکرها و عبادت ها و دعاها در برکت
۴۰	۱ / ۱۴ استغفار
۴۶	۲ / ۱۴ بسم الله گفتن
۴۶	۳ / ۱۴ حمد گفتن و صلوات فرستادن
۴۶	۴ / ۱۴ نماز
۴۸	۵ / ۱۴ نماز شب
۵۰	۶ / ۱۴ حج
۵۰	۷ / ۱۴ دعای برکت منزل
۵۲	۸ / ۱۴ دعای برکت روزی
۵۴	۹ / ۱۴ دعای برکت ازدواج
۵۸	۱۰ / ۱۴ دعای برکت کودک
۵۸	۱۱ / ۱۴ دعای برکت کشت

۵۸	۱۲ / ۱۴ دعای برکت روز
۶۰	۱۳ / ۱۴ دعای برکت ماه
۶۲	۱۴ / ۱۴ دعای برکت قضا و قدر
۶۶	فصل پانزدهم : نمونه های از برکات دعا
۶۶	۱ / ۱۵ برکت های دعای پیامبر صلی الله علیه وآله
۷۳	۲ / ۱۵ برکت دعای امام رضا علیه السلام
۷۵	۳ / ۱۵ برکت دعای امام زمان علیه السلام
۷۷	فصل شانزدهم : آنچه موجب زوال برکت است
۷۷	۱ / ۱۶ فساد نیت
۷۷	۲ / ۱۶ کارهای بد
۸۳	۳ / ۱۶ ترک امر به معروف و نهی از منکر
۸۵	۴ / ۱۶ دشنام دادن به مسلمان
۸۵	۵ / ۱۶ داوری به ستم
۸۷	۶ / ۱۶ سبک شمردن نماز
۸۷	۷ / ۱۶ سبک شمردن نماز جمعه
۸۹	۸ / ۱۶ ناسپاسی نعمت
۹۱	۹ / ۱۶ خیانت
۹۱	۱۰ / ۱۶ زنا
۹۳	۱۱ / ۱۶ دروغ
۹۳	۱۲ / ۱۶ مال حرام
۹۵	۱۳ / ۱۶ اسراف
۹۵	۱۴ / ۱۶ بخل
۹۷	۱۵ / ۱۶ ندادن زکات
۹۹	۱۶ / ۱۶ ندادن حق مسلمانان
۹۹	۱۷ / ۱۶ فریب دادن مسلمان
۹۹	۱۸ / ۱۶ فروتنی در برابر دنیا داران

- ۹۹ ----- ۱۶ / ۱۹ دوری از دانشمندان
- ۱۰۱ ----- ۱۶ / ۲۰ علم آموزی ریایی
- ۱۰۱ ----- ۱۶ / ۲۱ سوگند خوردن به هنگام فروش
- ۱۰۳ ----- ۱۶ / ۲۲ بسم الله نگفتن به هنگام خوردن
- ۱۰۳ ----- ۱۶ / ۲۳ فروش ملک
- ۱۰۵ ----- ۱۶ / ۲۴ خرید از شخص کم بخت و کم روزی
- ۱۰۵ ----- ۱۶ / ۲۵ خواب صبحگاهان
- ۱۰۷ ----- ۱۶ / ۲۶ درخواست
- ۱۰۹ ----- ۱۶ / ۲۷ غذای داغ
- ۱۱۱ ----- ۳۶ . برهان
- ۱۱۱ ----- اشاره
- ۱۱۳ ----- درآمد
- ۱۱۳ ----- برهان ، در لغت
- ۱۱۷ ----- فرق میان «برهان» و «دلیل»
- ۱۱۷ ----- برهان ، در قرآن و حدیث
- ۱۱۷ ----- اشاره
- ۱۱۸ ----- ۱ . واژه های مشابه برهان در قرآن
- ۱۱۸ ----- الف - سلطان
- ۱۱۸ ----- ب - آیه
- ۱۱۹ ----- ج - حجت
- ۱۱۹ ----- د - بینه
- ۱۲۰ ----- ۲ . ارزش و اهمیت برهان
- ۱۲۰ ----- ۳ . تأملی در آنچه برهان نامیده شده
- ۱۲۱ ----- ۴ . اوصاف و انواع براهان های خداوند
- ۱۲۳ ----- ۵ . آثار پیروی از برهان
- ۱۲۳ ----- الف - رهایی از خرافه پرستی

- ب - رهایی از پیروی کورکورانه از دیگران ----- ۱۲۴
- ج - دستیابی به یقین ----- ۱۲۴
- د - برخورداری از امنیت ----- ۱۲۴
- ه - پیروزی بر مخالفان ----- ۱۲۴
۶. آثار مخالفت با برهان ----- ۱۲۵
- الف - پیروی از حدس و گمان ----- ۱۲۵
- ب - پیروی از تمایلات نفسانی ----- ۱۲۵
- ج - سرنوشت شوم ----- ۱۲۵
- فصل یکم: ارزش برهان ----- ۱۲۸
- ۱ / ۱ پایه دعوت به خدا ----- ۱۲۸
- ۲ / ۱ پایه دعوت به معاد ----- ۱۳۶
- ۳ / ۱ پایه دعوت به نبوت ----- ۱۳۸
- ۴ / ۱ پایه دعوت به امامت ----- ۱۴۰
- ۵ / ۱ جدا سازنده حق از باطل ----- ۱۴۲
- فصل دوم: ریشه برهان ----- ۱۴۶
- ۱ / ۲ فطرت ----- ۱۴۶
- ۲ / ۲ خرد ----- ۱۴۸
- فصل سوم: آنچه «برهان» یا مشابه آن، نامیده شده است ----- ۱۵۲
- ۱ / ۳ قرآن ----- ۱۵۲
- الف - برهان نامیده شدن قرآن ----- ۱۵۲
- ب - حجت نامیده شدن قرآن ----- ۱۵۹
- ج - برهان نامیده شدن تورات ----- ۱۶۱
- ۲ / ۳ پیامبران علیهم السلام ----- ۱۶۳
- الف - برهان نامیده شدن پیامبر صلی الله علیه وآله ----- ۱۶۳
- ب - دلیل روشن نامیده شدن پیامبر صلی الله علیه وآله ----- ۱۶۳
- ج - حجت نامیده شدن پیامبر صلی الله علیه وآله ----- ۱۶۵

- د - حجت نامیده شدن پیامبران ۱۶۷
- ۳ / ۳ معجزات پیامبران ۱۶۹
- الف - برهان نامیده شدن معجزه ۱۶۹
- ب - دلیل روشن نامیده شدن معجزه ۱۷۱
- ج - آیه نامیده شدن معجزه ۱۷۱
- د - سلطان نامیده شدن معجزه ۱۷۳
- ۴ / ۳ خاندان پیامبرعلیهم السلام ۱۷۳
- ۵ / ۳ اسلام ۱۸۱
- ۶ / ۳ علم ۱۸۳
- ۷ / ۳ راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام ۱۸۵
- ۸ / ۳ نیکان ۱۸۵
- ۹ / ۳ پیروان تهی دست اهل بیت علیهم السلام ۱۸۷
- ۱۰ / ۳ آنچه مانع نافرمانی می شود ۱۸۹
- ۱۱ / ۳ گواه در داوری ۱۹۳
- ۱۲ / ۳ و این چند چیز ۱۹۵
- فصل چهارم : ویژگی برهان های خدا ۲۰۱
- ۱ / ۴ روشنگری و وضوح ۲۰۱
- ۲ / ۴ رسایی ۲۰۵
- ۳ / ۴ فراگیری ۲۱۱
- ۴ / ۴ استمرار ۲۱۱
- ۳۷ . بَسْمَلَه ۲۱۷
- اشاره ۲۱۷
- درآمد ۲۱۸
- بَسْمَلَه ، در لغت ۲۱۸
- اشاره ۲۱۸
- ۱ . معنای «اسم» ۲۱۹

- ۲۱۹ ۲ . فرق اسم و صفت
- ۲۱۹ ۳ . اتحاد اسم و صفت در باره خداوند عزوجل
- ۲۲۰ ۴ . معنای أسما و صفات الهی
- ۲۲۱ ۵ . معنای ذکر «بسم الله»
- ۲۲۳ ۶ . عظمت ذکر «بسم الله»
- ۲۲۴ ۷ . فضیلت تعلیم «بسم الله»
- ۲۲۴ ۸ . برکات ذکر «بسم الله»
- ۲۲۵ ۹ . چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟
- ۲۲۷ فصل یکم : تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم»
- ۲۲۷ ۱ / ۱ معنای «اسم»
- ۲۳۴ ۲ / ۱ معنای الله
- ۲۴۱ ۳ / ۱ معنای (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)
- ۲۴۷ فصل دوم : ویژگی های (بسم الله الرحمن الرحيم)
- ۲۴۷ ۱ / ۲ نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است
- ۲۴۹ ۲ / ۲ سرآغاز هر کتاب آسمانی
- ۲۵۲ سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله»
- ۲۵۵ ۳ / ۲ نخستین چیزی که بر پیامبر صلی الله علیه وآله ، نازل شد
- ۲۵۵ ۴ / ۲ با عظمت ترین آیه در کتاب خدا
- ۲۵۵ ۵ / ۲ تاج سوره ها
- ۲۵۹ ۶ / ۲ آغاز نماز
- ۲۶۷ فصل سوم : جایگاه های ذکر (بسم الله)
- ۲۶۷ ۱ / ۳ نگارش
- ۲۷۱ ۲ / ۳ بامداد و شامگاه
- ۲۷۳ ۳ / ۳ هنگام خارج شدن از خانه یا وارد شدن به آن
- ۲۷۵ ۴ / ۳ هنگام وضو گرفتن
- ۲۷۷ ۵ / ۳ هنگام ایستادن برای نماز

- ۲۷۹ ----- ۶ / ۳ هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن
- ۲۸۱ ----- ۷ / ۳ هنگام ذبح حیوان
- ۲۸۳ ----- ۸ / ۳ هنگام خوردن و آشامیدن
- ۲۸۵ ----- ۹ / ۳ هنگام خوابیدن
- ۲۸۷ ----- ۱۰ / ۳ هنگام پوشیدن جامه
- ۲۸۹ ----- ۱۱ / ۳ هنگام قضای حاجت
- ۲۹۱ ----- ۱۲ / ۳ هنگام هم بستر شدن
- ۲۹۱ ----- ۱۳ / ۳ هنگام کوتاه کردن سبیل
- ۲۹۳ ----- ۱۴ / ۳ هنگام نشستن بر مرکب
- ۲۹۵ ----- ۱۵ / ۳ هنگام سفر
- ۲۹۷ ----- ۱۶ / ۳ در هر کاری
- ۳۰۴ ----- فصل چهارم : آثار «بسم الله»
- ۳۰۴ ----- ۱ / ۴ برکت یافتن
- ۳۰۴ ----- ۲ / ۴ قرار گرفتن در پناه خدا
- ۳۰۸ ----- ۳ / ۴ شفا یافتن
- ۳۱۰ ----- ۴ / ۴ مستجاب شدن دعا
- ۳۱۰ ----- ۵ / ۴ تسبیح گویی کوه ها همراه کسی که «بسم الله» می گوید
- ۳۱۰ ----- ۶ / ۴ کوچک شدن شیطان
- ۳۱۲ ----- ۷ / ۴ محفوظ ماندن از اشرار
- ۳۱۴ ----- ۸ / ۴ در امان ماندن از غرق شدن
- ۳۱۶ ----- ۹ / ۴ گرداندن بلا
- ۳۱۶ ----- ۱۰ / ۴ برطرف شدن وحشت
- ۳۱۸ ----- ۱۱ / ۴ سنگین شدن ترازوی اعمال
- ۳۱۸ ----- ۱۲ / ۴ رهیدن از آتش دوزخ
- ۳۲۰ ----- فصل پنجم : آداب «بسم الله الرحمن الرحيم»
- ۳۲۰ ----- ۱ / ۵ بلند گفتن

- الف - سزاوارترین آیه به خوانده شدن با صدای بلند ۳۲۰
- ب - بلند (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) گفتن پیامبر خداصلی الله علیه وآله ۳۲۰
- ج - بلند «بِسْمِ اللَّهِ» گفتن پیامبر خداصلی الله علیه وآله در نماز ۳۲۴
- د - بلند «بِسْمِ اللَّهِ» گفتن اهل بیت علیهم السلام در نماز ۳۲۶
- ه - بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» از نشانه های ایمان است ۳۳۰
- پژوهشی در باره جهر به «بِسْمِ اللَّهِ» ۳۳۳
۱. جهر به «بِسْمِ اللَّهِ» در سنت نبوی صلی الله علیه وآله ۳۳۳
۲. سنت جهر به «بِسْمِ اللَّهِ»، در عمل صحابه ۳۳۳
۳. دگرگونی سنت جهر به «بِسْمِ اللَّهِ» ۳۳۵
۴. ستیز اهل بیت علیهم السلام با این بدعت ۳۳۶
- ۵ / ۲ نیکو نوشتن «بِسْمِ اللَّهِ» ۳۳۸
- ۵ / ۳ احترام نهادن به نوشته «بِسْمِ اللَّهِ» ۳۴۰
۳۸. گشاده رویی و خوش رویی ۳۴۲
- اشاره ۳۴۲
- درآمد ۳۴۳
- «بشاشت» و «بِشْر» ، در لغت ۳۴۳
- گشاده رویی ، در حدیث ۳۴۴
۱. رابطه گشاده رویی و حُسْنِ خُلُق ۳۴۴
۲. ارزش گشاده رویی ۳۴۴
۳. فواید گشاده رویی ۳۴۵
۴. خاستگاه گشاده رویی ۳۴۵
۵. گشاده رویی زیانبار ۳۴۶
- فصل یکم : تشویق به گشاده رویی و خوش رویی ۳۴۸
- ۱ / ۱ ارزش گشاده رویی و خوش رویی ۳۴۸
- الف - از خوی های والای پیامبران و اولیا ۳۴۸
- ب - از ویژگی های پیامبرصلی الله علیه وآله ۳۴۸

- ج - از ویژگی های علی علیه السلام ۳۵۰
- د - از ویژگی های عارفان ۳۵۲
- ه - نخستین احسان و دَهِش ۳۵۲
- و - آغاز جوان مردی ۳۵۲
- ز - یکی از دو دَهِش ۳۵۲
- ح - یکی از دو مزده ۳۵۴
- ط - یکی از دو میهمان نوازی ۳۵۴
- ی - یکی از دو کامیابی ۳۵۶
- ۲ / ۱ تأکید بر گشاده رویی با همه مردم ۳۵۶
- ۳ / ۱ تأکید بر گشاده رو بودن حکمرانان و کارگزاران ۳۶۶
- ۴ / ۱ گشاده رویی از روی مدارا و ملاحظه ۳۶۸
- ۵ / ۱ نکوهش شخص ترش رو ۳۷۰
- ۶ / ۱ گوناگون ۳۷۲
- فصل دوم : خاستگاه های گشاده رویی ۳۷۶
- ۱ / ۲ خرد ۳۷۶
- ۲ / ۲ ایمان ۳۷۶
- ۳ / ۲ پرهیزگاری ۳۷۸
- ۴ / ۲ آزادگی ۳۷۸
- ۵ / ۲ آزم ۳۸۰
- ۶ / ۲ بزرگواری و بزرگ منشی ۳۸۰
- فصل سوم : برکت های گشاده رویی ۳۸۲
- ۱ / ۳ اُنس و الفت ۳۸۲
- ۲ / ۳ محبت ۳۸۲
- ۳ / ۳ از بین رفتن کنیه ۳۸۴
- ۴ / ۳ از بین رفتن بدی ها و گناهان ۳۸۶
- ۵ / ۳ نزدیک شدن به خداوند سبحان ۳۸۶

۳۸۸ ۶ / ۳ رفتن به بهشت
۳۹۰ فصل چهارم : گشاده رویی نکوهیده
۳۹۰ ۱ / ۴ گشاده رویی با بدعت گذار
۳۹۰ ۲ / ۴ گشاده رویی با گنه پیشگان
۳۹۲ ۳ / ۴ گشاده رویی فاسقان
۳۹۴ بصیرت . ۳۹
۳۹۴ اشاره
۳۹۵ درآمد
۳۹۵ بصیرت ، در لغت
۳۹۷ بصیرت ، در قرآن و حدیث
۳۹۷ اشاره
۳۹۹ ۱ . همتایان بصیرت ، در مفهوم
۳۹۹ الف - یقظه
۴۰۰ ب - نور
۴۰۰ ج - فرقان
۴۰۱ ۲ . بینای مطلق
۴۰۱ ۳ . معنای دیده بصیرت
۴۰۳ ۴ . خاستگاه های بصیرت
۴۰۴ ۵ . عوامل تقویت دیده بصیرت
۴۰۵ ۶ . برکات افزایش نیروی بصیرت
۴۰۵ ۷ . اصلی ترین آفت دیده بصیرت
۴۰۸ فصل یکم : چشم بصیرت
۴۱۲ فصل دوم : تشویق به تحصیل بصیرت
۴۱۲ ۱ / ۲ بصیرت ، از صفات خداست
۴۱۶ ۲ / ۲ ارزش بصیرت
۴۲۲ فصل سوم : خاستگاه های بصیرت

- ۴۲۲ سرشت ۱ / ۳
- ۴۲۴ کتاب خدا ۲ / ۳
- ۴۲۶ اسلام ۳ / ۳
- ۴۲۶ توفیق ۴ / ۳
- ۴۳۰ فصل چهارم : عوامل رشد بصیرت
- ۴۳۰ اندیشیدن ۱ / ۴
- ۴۳۳ خردمندی ۲ / ۴
- ۴۳۵ دانش آموختن ۳ / ۴
- ۴۳۷ عبرت آموختن ۴ / ۴
- ۴۳۹ پروای از خدا ۵ / ۴
- ۴۴۱ یاد خدا ۶ / ۴
- ۴۴۵ اخلاص ۷ / ۴
- ۴۴۵ پارسایی ۸ / ۴
- ۴۴۷ نصیحت پذیری ۹ / ۴
- ۴۴۷ پیشواز رفتن کارها ۱۰ / ۴
- ۴۴۷ گرسنگی ۱۱ / ۴
- ۴۴۹ دعا ۱۲ / ۴
- ۴۵۵ فصل پنجم : آثار بصیرت
- ۴۵۵ دانایی ۱ / ۵
- ۴۵۷ ایمان ۲ / ۵
- ۴۶۱ عبرت آموختن ۳ / ۵
- ۴۶۱ اشاره
- ۴۶۴ توضیحی در باره این که بصیرت ، حاصل عبرت -
- ۴۶۷ دورانندیشی ۴ / ۵
- ۴۶۷ شجاعت ۵ / ۵
- ۴۶۷ تیزهوشی ۶ / ۵

- ۴۶۷ ۷ / ۵ دیدن عیب های خود
- ۴۶۹ ۸ / ۵ انجام دادن کار نیک
- ۴۶۹ ۹ / ۵ درستی درون ها
- ۴۶۹ ۱۰ / ۵ رسیدن به راه سلامت
- ۴۷۱ ۱۱ / ۵ و این چند اثر
- ۴۷۵ فصل ششم : اهل بصیرت
- ۴۷۵ ۱ / ۶ پیشوایان بصیرت
- ۴۸۱ ۲ / ۶ دعا برای اهل بصیرت
- ۴۸۵ فصل هفتم : نداشتن بصیرت
- ۴۸۵ ۱ / ۷ بر حذر داشتن از بی بصیرتی
- ۴۸۷ ۲ / ۷ نکوهش شخص بی بصیرت
- ۴۸۹ ۳ / ۷ زیان های بی بصیرتی
- ۴۸۹ الف - شک
- ۴۹۱ ب - گم راهی
- ۴۹۳ ج - ریا
- ۴۹۵ د - کین ورزی با اهل بیت علیهم السلام
- ۴۹۵ ه - پشیمانی در روز قیامت
- ۴۹۷ فصل هشتم : موانع بصیرت
- ۴۹۷ ۱ / ۸ پیروی از هوای نفس
- ۴۹۹ ۲ / ۸ گرایش به دنیا
- ۵۰۱ ۳ / ۸ غفلت
- ۵۰۳ ۴ / ۸ عشق و نفرت
- ۵۰۵ ۵ / ۸ عمل نکردن به علم
- ۵۰۵ ۶ / ۸ لجاجت و خیره سری
- ۵۰۵ ۷ / ۸ این خصلت ها
- ۵۱۱ ۴۰ . کینه (/ نفرت)

۵۱۱ اشاره
۵۱۲ درآمد
۵۱۲ بُغض ، در لغت
۵۱۳ بغض ، در قرآن و حدیث
۵۱۴ دین محبت
۵۱۵ خطر بیماری بغض
۵۱۷ خطرناک ترین بغض
۵۱۸ ریشه اصلی بیماری بغض
۵۱۸ ۱ . عوامل بیرونی
۵۱۸ ۲ . عوامل درونی
۵۱۹ درمان بیماری بُغض
۵۲۰ فلسفه بُغض برای خدا
۵۲۱ معنای دشمنی برای خدا
۵۲۳ تلازم حبّ و بُغض
۵۲۳ چند ره نمود مهم در مورد بُغض
۵۲۳ اشاره
۵۲۴ ۱ . اجتناب از ظلم
۵۲۴ ۲ . اجتناب از زیاده روی
۵۲۵ ۳ . اجتناب از جدایی
۵۲۵ ۴ . رعایت احتیاط
۵۲۷ فصل یکم : دشمنی با یکدیگر و آشتی دادن دو دشمن
۵۲۷ ۱ / ۱ نهی از دشمن داشتن یکدیگر
۵۳۱ ۲ / ۱ نکوهش کسی که مردم را دشمن بدارد و مردم ، او را
۵۳۳ ۳ / ۱ دشمن داشتن همدیگر ، بیماری امت هاست
۵۳۵ ۴ / ۱ تشویق به آشتی دادن دو دشمن
۵۳۹ ۵ / ۱ تبدیل بغض و کینه دشمن به دوستی

۵۴۱ ۶ / ۱ گوناگون

۵۴۵ فصل دوم : بر حذر داشتن از دشمنی با اینان

۵۴۵ ۱ / ۲ خدا و پیامبرش

۵۴۵ ۲ / ۲ خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله

۵۴۹ ۳ / ۲ امام علی علیه السلام

۵۵۳ ۴ / ۲ فاطمه زهرا علیها السلام

۵۵۵ ۵ / ۲ حسن و حسین علیهم السلام

۵۵۷ ۶ / ۲ مؤمن

۵۵۹ ۷ / ۲ دانشمند

۵۶۱ ۸ / ۲ حق گویان

۵۶۱ ۹ / ۲ مستضعفان

۶۰۳ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : موسوعه معارف الکتاب و السنه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی / محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران ؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 13 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 99 .

شابک : 1500000 ریال: دوره : 0-494-493-964-978 ؛ ج. 4 : 9-587-493-964-978 ؛ ج. 5 : 588-493-964-978-978 ؛ ج. 6 : 9-590-493-964-978 ؛ ج. 8 : 6-591-493-964-978 ؛ ج. 9 : 3-592-493-964-978 ؛ ج. 10 : 978-964-493-964-978 ؛ ج. 12 : 4-595-493-964-978 ؛ ج. 13 : 1-596-493-964-978 ؛ ج. 14 : 493-964-978-978-964-493-964-978 ؛ ج. 15 : 5-598-493-964-978 ؛ ج. 16 : 2-599-493-964-978

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم .

یادداشت : این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است .

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

رده بندی کنگره : 1390 2د34م/BP136/9

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 2747877

الفصل الثالث عشر : حرف ذات بركة 13 / 1 الزَّراعة رسول الله صلى الله عليه وآله : اَطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي حَبَايَا الْأَرْضِ - يَعْنِي فِي الْحَرْثِ وَالزَّراعةِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : ما مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا ، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ زَرَعَ زَرْعًا فَأَكَلَ مِنْهُ الطَّيْرُ أَوْ العَافِيَةُ ، كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام : قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ فَقَالَ : يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ ، إِنَّكُمْ تُحِبُّونَ المَاشِيَةَ فَأَقْلُوا مِنْهَا ، فَإِنَّكُمْ بِأَقْلِّ الْأَرْضِ مَطْرًا ، وَاحْتَرِثُوا ؛ فَإِنَّ الْحَرْثَ مُبَارَكٌ ؛ وَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الْجَمَاجِمِ . (4)

-
- 1- .الفردوس : ج 1 ص 80 ح 243 ، مسند أبي يعلى : ج 4 ص 253 ح 4367 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 404 ح 694 «التمسوا» بدل «اطلبوا» وكلها عن عائشة ، تفسير القرطبي : ج 13 ص 15 ، كنز العمال : ج 4 ص 21 ح 9302 نقلاً عن المعجم الكبير وشُعَبَ الإيمان .
 - 2- .صحيح البخاري : ج 2 ص 817 ح 2195 ، صحيح مسلم : ج 3 ص 1189 ح 12 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 295 ح 12497 ، تاريخ بغداد : ج 11 ص 260 الرقم 6019 وليس فيه «طير» وكلها عن أنس .
 - 3- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 564 ح 16558 عن خَلاَّدِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ أَبِيهِ وَج 10 ص 295 ح 27111 عن أمِّ مَبِشَرٍ نَحْوَهُ ، كنز العمال : ج 3 ص 892 ح 9054 .
 - 4- .السنن الكبرى : ج 6 ص 229 ح 11753 عن عليِّ بنِ عمرٍ عن أبيه ، كنز العمال : ج 4 ص 31 ح 9348 وفيه من «احتريثوا...» وص 33 ص 9359 وص 129 ح 9876 .

ادامه عنوان برکت

فصل سیزدهم : شغل های بابرکت

13 / 1 کشاورزی

فصل سیزدهم : شغل های بابرکت 13 / 1 کشاورزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزی را در نهفته های زمین بجوید . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مسلمانی نیست که نهالی بنشانند یا زراعتی بکارند و پرنده ای یا انسانی یا حیوانی از آن بخورد، مگر این که آن برای او صدقه شمرده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس کشتی بکارند و پرنده یا جنبه ای از آن بخورد، آن برای او صدقه ای خواهد بود.

امام زین العابدین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آمد. آن گاه فرمود: «ای گروه قریش! شما دام، دوست دارید . از آن بکاهید ؛ چرا که شما در سرزمینی کم باران هستید، و به کشاورزی پردازید؛ چرا که کشاورزی، برکت است، و مجموعه ها (2) را در آن [مزارع] زیاد کنید» .

1- الفردوس در ادامه حدیث، توضیح داده است : «یعنی در کشت و زرع» .

2- استخوان هایی که در مزارع عَلم و آویزان می کرده اند برای ترساندن پرندگان و نیز دفع چشم زخم [چیزی مثل مترسک] (فیض القدير : ج 1 ص 246) .

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ؛ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ . (1)

بحار الأنوار: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ أَمْوَالِنَا أَفْضَلُ؟ قَالَ: الْحَرْثُ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ أَبِي يَقُولُ: خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ؛ تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ، أَمَّا الْبُرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ اسْتَغْفَرَ لَكَ، وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعَنَهُ، وَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَهَائِمُ وَالطَّيْرُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: الْكَيْمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ . (4)

عنه عليه السلام: الزَّارِعُونَ كُنُوزَ الْأَنْبَاءِ، يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا، وَأَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً، يَدْعُونَ الْمُبَارَكِينَ . (5)

كتاب من لا يحضره الفقيه: سُئِلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (6)، قَالَ: الزَّارِعُونَ . (7)

تهذيب الأحكام عن يزيد بن هارون الواسطي: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَلَاحِينَ، فَقَالَ: هُمْ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَمَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا، إِلَّا إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ حَيَّاطًا . (8)

راجع: ميزان الحكمة: ج 5 ص 480 (غرس الشجر).

1- قرب الإسناد: ص 115 ح 404 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 103 ص 65 ح 10.

2- بحار الأنوار: ج 64 ص 124 نقلًا عن الزمخشري في الفائق.

3- الكافي: ج 5 ص 260 ح 5 عن أحمد بن أبي عبد الله عن بعض أصحابنا، جامع الأحاديث للقمي: ص 188 نحوه، بحار الأنوار: ج 103 ص 69 ح 26.

4- الكافي: ج 5 ص 261 ح 6.

5- الكافي: ج 5 ص 261 ح 7 عن يزيد بن هارون.

6- إبراهيم: ص 12.

7- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 253 ح 3916، تفسير العياشي: ج 2 ص 222 ح 6 عن الحسن بن ظريف عن محمد.

8- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 384 ح 1138، عوالي اللآلي: ج 3 ص 204 ح 40 وفيه «سأل هارون بن يزيد الواسطي الباقر عليه السلام...».

امام علی علیه السلام: هر کس آب و خاکی بیابد و سپس تهی دست بماند، خدایش دور کند!

بحار الأنوار: به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند: کدام يك از دارایی های ما، برتر است؟ فرمود: «کشت ها».

امام باقر علیه السلام: پدرم می فرمود: «کشاورزی، بهترین کارهاست. دانه را می کاری و نیکوکار و بدکار، از آن می خورند: نیکوکار، هر مقدار که چیزی بخورد، برای تو آموزش می طلبد، و بدکار، هر آنچه او از آن می خورد، لعنتش می کند. و چارپایان و پرندگان هم از آن می خورند».

امام صادق علیه السلام: کشاورزی، بزرگ ترین کیمیاگری است.

امام صادق علیه السلام: کشاورزان، گنجینه های مردم اند. چیز پاکیزه ای می کارند که خداوند، آن را رویانده است. آنان در روز قیامت، جایگاهی بهتر از همه دارند، منزلتشان از همه به خدا نزدیک تر است و آنان را «مبارک» می خوانند.

کتاب من لایحضره الفقیه: از علی علیه السلام در باره سخن خداوند: «توگل کنندگان، بر خداوند، توگل کنند» پرسیدند. فرمود: «کشاورزان [، مقصودند]».

تهذیب الأحكام_ به نقل از یزید بن هارون واسطی _ از امام صادق علیه السلام در باره کشاورزان پرسیدم. فرمود: «آنان، کشتگران گنج های خدا در زمین او هستند. نزد خدا، هیچ يك از اعمال، محبوب تر از کشاورزی نیست و خداوند، هیچ پیامبری را برنمیگيخت، مگر آن که کشاورز بود، جز ادریس علیه السلام که خیط بود».

ر. ک: میزان الحکمة: ج 5 ص 480 (درختکاری).

13 / 2 التَّجَارَةُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْبَرَكََةَ فِي التَّجَارَةِ، وَلَا يُفْقِرُ اللَّهُ صَاحِبَهَا إِلَّا تَاجِرًا حَالِفًا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الْخَيْرُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، أَفْضَلُهَا التَّجَارَةُ؛ إِذَا أَخَذَ الْحَقُّ وَأَعْطَى الْحَقَّ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الْبَرَكََةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةٌ أَعْشَارِهَا فِي التَّجَارَةِ، وَالْعُشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: اتَّجَرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ؛ فَإِنِّي قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: الرَّزْقُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي التَّجَارَةِ وَوَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا. (4)

عنه عليه السلام: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (5)

-
- 1- . مستدرك الوسائل : ج 13 ص 9 ح 14574 نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازي عن ابن عباس .
 - 2- . مستدرك الوسائل : ج 13 ص 9 ح 14572 نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازي عن أبي أمامة .
 - 3- . الخصال : ص 445 ح 44 عن عبد المؤمن الأنصاري عن الإمام الباقر عليه السلام . وقال الشيخ الصدوق رحمه الله في ذيل الحديث : يعني بالجلود : الغنم .
 - 4- . الكافي : ج 5 ص 319 ح 59 عن الفضل بن أبي قرّة عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 192 ح 3722 ، عدّة الداعي : ص 72 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 13 ح 60 وراجع : عوالي اللآلي : ج 2 ص 242 ح 2 .
 - 5- . الكافي : ج 5 ص 149 ح 9 عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 193 ح 3723 ، الخصال : ص 621 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وزاد في آخره «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَحِبُّ الْعَبْدَ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينُ» ، بحار الأنوار : ج 103 ص 96 ح 21 .

13 / 2 تجارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برکت در تجارت (داد و ستد) است و خداوند، تجارت پیشه را تهی دست نمی کند، مگر آن را که اهل سوگند خوردن باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خیر، ده بخش است. برترین آنها، تجارت است، هر گاه به حق داد و ستد کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برکت، ده بخش است: نه دهم آن، در تجارت است و یک دهم باقی مانده، در پرورش گوسفند. (1)

امام علی علیه السلام: تجارت کنید تا خداوند به شما برکت دهد؛ زیرا من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «روزی، ده بخش است: نه بخش، در تجارت است و یک بخش، در غیر آن».

امام علی علیه السلام: به سراغ داد و ستد بروید، که برای شماست در آن، بی نیازی از آنچه در دست مردم است.

1- این ترجمه، با توجه به تفسیر شیخ صدوق در ذیل حدیث مذکور در الخصال است.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ . (1)

عنه عليه السلام: التِّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ . (2)

13 / 3 تِجَارَةُ الْبُرِّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيْكَ بِالْبُرِّ ؛ فَإِنَّ فِيهِ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الْبَرَكَةِ . (3)

دعائم الإسلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله : أَنَّهُ اسْتَحَبَّ تِجَارَةَ الْبُرِّ وَكَرِهَ تِجَارَةَ الْحِنِطَةِ ؛ وَذَلِكَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْحُكْرَةِ الْمُضِرَّةِ بِالْمُسْلِمِينَ ، فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ التِّجَارَةُ بِهَا مُحَرَّمَةً . (4)

تاريخ بغداد عن أبي هريرة : سَأَلَ رَجُلٌ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بِمَ تَأْمُرُنِي أَنْ أُتَّجِرَ؟ قَالَ : عَلَيْكَ بِالْبُرِّ ، ثُمَّ سَأَلَهُ : بِمَ تَأْمُرُنِي أَنْ أُتَّجِرَ؟ ثَلَاثًا ، قَالَ : عَلَيْكَ بِالْبُرِّ ؛ فَإِنَّ صَاحِبَ الْبُرِّ يُعْجِبُهُ أَنْ يَكُونَ النَّاسُ بِخَيْرٍ وَفِي خِصْبٍ . (5)

13 / 4 الْخِيَاطَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنْ رِجَالِ أُمَّتِي الْخِيَاطَةُ . (6)

- 1- .الكافي : ج 5 ص 148 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 3 ح 5 كلاهما عن محمد الزعفراني ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 233 ح 3858 عن روح ، بحار الأنوار : ج 64 ص 118 ح 1 ؛ كنز العمال : ج 4 ص 30 ح 9342 نقلاً عن سنن سعيد بن منصور .
- 2- .الكافي : ج 5 ص 148 ح 2 عن أبي بكير عمّن حدّثه ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 191 ح 3717 .
- 3- .كنز العمال : ج 4 ص 32 ح 9356 نقلاً عن الديلمي عن ابن عباس .
- 4- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 16 ح 13 .
- 5- .تاريخ بغداد : ج 10 ص 152 الرقم 5305 ، كنز العمال : ج 4 ص 31 ح 9346 وفيه من «عليك بالبرّ فإنّ...» .
- 6- .تاريخ بغداد : ج 9 ص 15 الرقم 4613 ، ربيع الأبرار : ج 2 ص 535 وليس فيه «أمتي» وكلاهما عن سهل بن سعد ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 41 وليس فيه «أمتي» .

امام صادق علیه السلام: نه دهم روزی، در داد و ستد است .

امام صادق علیه السلام: تجارت، عقل را می افزاید.

13 / 3 بَرّازی (1) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بَرّازی کن، که نه دهم برکت، در آن است .

دعائم الإسلام_ در باره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ :ایشان بَرّازی را دوست می داشت و از تجارت گندم، خوشش نمی آمد؛ چرا که در آن، احتکاری است که برای مسلمانان، زیانبار است، که اگر آن (احتکار) نباشد، تجارت با آن، حرام نیست.

تاریخ بغداد_ به نقل از ابوهریره _ :مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید : مرا دستور می دهی که چه چیزی داد و ستد کنم؟ فرمود: «بَرّازی کن». سپس پرسید: مرا دستور می دهی که چه چیزی داد و ستد کنم؟ (سه بار). فرمود: «بَرّازی کن؛ چرا که پارچه فروش، دوست دارد که مردم در خیر و فراوانی نعمت باشند».

13 / 4 خِیاطی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خِیاطی، کار مردان نیک امت من است.

1- بَرّازی، از واژه «بَرّ» ساخته شده است . «بَرّ»، جامه است . نوعی از جامه، یا وسایل خانه بخصوص پوشاک را نیز گفته اند (ر.ک: لسان العرب: ج 5 ص 311).

الزهد لابن حنبل عن سعيد بن المسيّب: إِنَّ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ كَانَ خَيَّاطًا . (1)

قصص الأنبياء عن وهب بن منبه: أنزل الله على إدريس ثلاثين صحيفةً . وهو أوّل من خطّ بالقلم ، وأوّل من خاط الثياب ولبسها ، وكان من كان قبله يلبسون الجلود . وكان كلما خاط سبح الله وهللّه وكبّره ووحدّه ومجّدّه . (2)

13 / 5 الغزير رسول الله صلى الله عليه وآله : عمّل الأبرار من النساء المغزّل . (3)

الكافي عن أم الحسن النخعيّة : مرّ بي أمير المؤمنين عليه السلام فقال : أي شيء تصنعين يا أمّ الحسن؟ قلت : أغزّل ، فقال : أما إنّه أحلّ الكسبِ _ أو من أحلّ الكسبِ _ . (4)

تفسير العياشي عن محمد بن خالد الضبيّ : مرّ إبراهيم النخعيّ على امرأة وهي جالسة على باب دارها بكرّةً ، وكان يقال لها : أمّ بكرٍ ، وفي يدها مغزّل تغزّل به ، فقال : يا أمّ بكرٍ ، أما كبرت؟! ألم يأن لك أن تصدعي هذا المغزّل؟! فقالت : وكيف أضدعه وسمعت عليّ بن أبي طالب أمير المؤمنين عليه السلام يقول : هو من طيبات الكسب؟! (5)

1- الزهد لابن حنبل : ص 64 ، المعارف لابن قتيبة : ص 55 وليس فيه «الحكيم» ، ربيع الأبرار : ج 2 ص 535 وفيه «النبّي» بدل «الحكيم» .

2- قصص الأنبياء للراوندي : ص 79 ح 61 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 279 ح 9 وراجع : مجمع البيان : ج 6 ص 802 .

3- تاريخ بغداد : ج 9 ص 15 الرقم 4613 ، ربيع الأبرار : ج 2 ص 535 كلاهما عن سهل بن سعد ، كنز العمال : ج 4 ص 31 ح 9347 نقلاً عن ابن لال وابن عساكر ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 41 .

4- الكافي : ج 5 ص 311 ح 32 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 382 ح 1127 وليس فيه «أو من أحلّ الكسب» .

5- تفسير العياشي : ج 1 ص 150 ح 494 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 53 ح 15 .

الزهد، ابن حنبل_ به نقل از سعید بن مُسَیب _ :لقمان حکیم، خیاط بود.

قصص الأنبياء_ به نقل از وهب بن مُنبه _ : خداوند، سی صحیفه (نوشته) را بر ادريس عليه السلام نازل کرد . او اولین کسی بود که با قلم، خط نگاشت و نخستین کسی بود که جامه دوخت و آن را پوشید و پیش از او، مردم، پوست می پوشیدند . وی، هر گاه می دوخت، خدا را تسبیح می گفت و ستایش می نمود و او را به یگانگی و عظمت می ستود.

13 / 5 ریسندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ریسندگی ، کار زنان نیک است.

الکافی_ به نقل از أم الحسن نخعی _ : امیر مؤمنان علیه السلام بر من گذشت و پرسید: «أم الحسن! چه می کنی؟» . گفتم: می ریسم . فرمود: «آگاه باش که ریسندگی ، حلال ترین کسب است» یا فرمود : «از حلال ترین کسب هاست» .

تفسیر العیاشی_ به نقل از محمد بن خالد ضبی _ : ابراهیم نخعی، بر زنی به نام ام بکر گذشت که صبح زود ، جلوی خانه اش نشسته بود و در دستش دوکی بود و با آن نخ می ریسید . گفت: ای أم بکر! پیر نشدی؟ آیا وقت آن نشده که این دوک را کنار بگذاری؟ گفت: چگونه کنار بگذارم، که از علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان علیه السلام ، شنیدم که می فرمود : «آن ، از پاکیزه ترین کسب هاست»!؟

13 / 6 تلك الأمور رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثٌ فيهنَّ البركةُ: البيعُ إلى أجلٍ، والمُقارضةُ، وأخراطُ البرِّ بالشَّعيرِ للبيتِ لا للبيعِ .
(1)

1- .سنن ابن ماجة: ج 2 ص 768 ح 2289 ، مشكاة المصابيح : ج 2 ص 116 ح 2936 ، تاريخ دمشق : ج 21 ص 263 ح 4783
كلها عن صهيب ، كنز العمال : ج 4 ص 47 ح 9436 .

13 / 6 و این چند کار

13 / 6 و این چند کار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در سه چیز، برکت است: فروشِ مدّت دار (نسیه دادن جنس تا وقت مقرر)، وام دادن ، و آمیختن گندم و جو برای [مصرف در] خانه و نه برای فروش.

الفصل الرابع عشر : دور بعض الأذكار والعبادات والأدعية في البركة 14 / 1 الإستغفار الكتاب «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ». (1)

«وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ». (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا ، وَمِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا ، وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . (3)

1- هود : 3 .

2- هود : 52 .

3- سنن أبي داود: ج 2 ص 85 ح 1518، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1255 ح 3819، السنن الكبرى: ج 3 ص 490 ح 6421، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 535 ح 2234 وفيه «أكثر» بدل «لزم» وكلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 1 ص 476 ح 2069؛ الجعفریات: ص 228 عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، عدّة الداعي: ص 249 عن الإمام الصادق عليه السلام، أعلام الدين: ص 294 وفيها «أكثر» بدل «لزم»، بحار الأنوار: ج 77 ص 172 ح 8 .

فصل چهاردهم: تأثیر برخی از ذکرها و عبادت‌ها و دعاها در برکت

14 / 1 استغفار

فصل چهاردهم: تأثیر برخی از ذکرها و عبادت‌ها و دعاها در برکت 14 / 1 استغفار قرآن «و این که از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به سوی او باز گردید، تا شما را به بهره‌ای نیکو تا زمانی معین، بهره‌مند سازد و به هر صاحب‌فضلی، پاداش نیکی‌اش را بدهد».

«و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید و به سوی او باز گردید تا باران رحمتش را از آسمان بر شما فراوان ببارد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و هرگز گنهکارانه، روی گردان نشوید».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که پیوسته آمرزش خواه باشد، خداوند برای او در هر تنگنایی، راهی برای بیرون آمدن، و در هر اندوهی، گشایشی قرار می‌دهد، و از آن جا که او نمی‌پندارد، روزی اش می‌دهد.

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرَّزْقَ . (1)

الإمام علي عليه السلام_ في خُطْبَةٍ لَهُ _ : قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبِيلاً لِدُرُورِ الرَّزْقِ ، وَرَحْمَةً الْخَلْقِ ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ : « اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ... » (2) ، فَرَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ ، وَاسْتَقَالَ خَطِيئَتَهُ ، وَبَادَرَ مَنِيئَتَهُ . (3)

الفرج بعد الشدة عن أيوب بن العباس بن الحسن: إن أعرابياً شكاً إلى أمير المؤمنين عليه السلام شكوى لِحَقَّتْهُ ، وَضِيقاً فِي الْحَالِ ، وَكَثْرَةً مِنَ الْعِيَالِ ، فَقَالَ لَهُ : عَلَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : « اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا » . فَمَضَى الرَّجُلُ وَعَادَ إِلَيْهِ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي قَدِ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا وَمَا أَرَى فَرْجًا مِمَّا أَنَا فِيهِ! فَقَالَ : لَعَلَّكَ لَا تُحْسِنُ الْإِسْتِغْفَارَ! قَالَ : عَلَّمَنِي ، فَقَالَ : أَخْلِصْ نِيَّتَكَ وَأَطِعْ رَبَّكَ وَقُلْ : « اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِي عَلَيْهِ بَدَنِي بِعَافِيَتِكَ ، أَوْ نَالَتهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ بَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَابِغِ رِزْقِكَ ، أَوْ اتَّكَلْتُ فِيهِ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَمَانِكَ وَوَقَّعْتُ فِيهِ بِحِلْمِكَ ، وَعَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرَمِ عَفْوِكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ خِفْتُ (4) فِيهِ أَمَانَتِي ، أَوْ بَخَسْتُ فِيهِ نَفْسِي ، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لِدَانِي ، أَوْ أَثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِي ، أَوْ سَدَّ عَيْتُ فِيهِ لِغَيْرِي ، أَوْ اسْتَغْوَيْتُ إِلَيْهِ مَنْ تَبَعَنِي ، أَوْ غَلَبْتُ فِيهِ بِفَضْلِ حِيلَتِي ، أَوْ أَحَلْتُ فِيهِ عَلَى مَوْلَايَ فَلَمْ يُعَاجِلْنِي عَلَى فِعْلِي ؛ إِذْ كُنْتُ سُبْحَانَكَ كَارِهاً لِمَعْصِيَتِي غَيْرَ مُرِيدهاً مِنِّي ، لَكِنْ سَبَقَ عِلْمُكَ فِي بَاخْتِيَارِي وَاسْتِعْمَالِ مُرَادِي وَإِشَارِي ، فَحَلَمْتَ عَنِّي وَلَمْ تُدْخِلْنِي فِيهِ جَبْرًا ، وَلَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا ، وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي ، يَا مُؤَنِّسِي فِي وَحْدَتِي ، يَا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي ، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي . يَا كَاشِفَ كُرْبَتِي ، يَا مُسْتَمَعَ دَعْوَتِي ، يَا رَاحِمَ عِبْرَتِي ، يَا مُقِيلَ عَثْرَتِي . يَا إِلَهِي بِالتَّحْقِيقِ ، يَا رُكْنِي الْوَثِيقِ ، يَا جَارِي لِلصَّبِيقِ ، يَا مَوْلَايَ الشَّفِيقِ ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ، أَخْرِجْنِي مِنَ حَلْقِ الْمَصِيقِ إِلَى سَعَةِ الطَّرِيقِ ، بِفَرَجٍ مِنْ عِنْدِكَ قَرِيبٍ وَثِيقٍ ، وَكَاشِفٍ عَنِّي كُلِّ شِدَّةٍ وَضِيقٍ ، وَكَافِيٍّ مَا أُطِيقُ وَمَا لَا أُطِيقُ . اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ ، وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ حُزْنٍ وَكَرْبٍ ، يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ ، وَيَا مُنْزِلَ الْقَطْرِ ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّ ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا ، صَلِّ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، وَفَرِّجْ عَنِّي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي ، وَعَيْلَ مِنْهُ صَبْرِي ، وَقَلَّتْ فِيهِ حِيلَتِي ، وَصَدَّعَتْ لَهُ قُوَّتِي ، يَا كَاشِفَ كُلِّ صَدْرٍ وَبَلِيَّةٍ ، وَيَا عَالِمَ كُلِّ سِرٍّ وَخَفِيَّةٍ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، « وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ » (5) ، وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ » . قَالَ الْأَعْرَابِيُّ : فَاسْتَغْفَرْتُ بِذَلِكَ مَرَارًا ، فَكَشَفَ اللَّهُ عَنِّي الْغَمَّ وَالصَّبِيقَ ، وَوَسَّعَ عَلَيَّ فِي الرَّزْقِ ، وَأَزَالَ الْمِحْنَةَ . (6)

1- الخصال : ص 615 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 106 عن الإمام علي عليه السلام ، كنز الفوائد : ج 2 ص 197 وفيهما «فإنه يجلب الرزق» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 278 ح 6 .

2- نوح : 10 .

3- نهج البلاغة : الخطبة 143 ، أعلام الدين : ص 285 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 313 ح 3 .

4- وفي كنز العمال : «خُنْتُ» مكان «خفت» وهو الأقرب .

5- غافر : 44 .

6- الفرج بعد الشدة : ج 1 ص 42 ، كنز العمال : ج 2 ص 258 ح 3966 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بسیار استغفار کنید تا روزی را فراهم آورید.

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی های ایشان _ : خداوند سبحان، استغفار را مایه فراوانی روزی و رحمت مردم قرار داده و فرموده است: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ همانا او بسیار آمرزنده است...». پس، رحمت خدا بر کسی باد که به توبه اش روی آورد و از خطایش پوزش طلبد و پیش از مرگش کاری بکند .

الفرج بعد الشدة_ به نقل از ایوب بن عباس بن حسن _ : بادیه نشینی از رنجی که داشت و از تنگنای زندگی و فراوانی اهل و عیال، به امیر مؤمنان علیه السلام شکوه کرد. امام علیه السلام فرمود: «استغفار کن؛ چرا که خداوند می فرماید: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ همانا او بسیار آمرزنده است»». آن مرد رفت و بار دیگر آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من بسیار استغفار کردم؛ ولی در کارم گشایشی ندیدم. فرمود: «شاید استغفار کردن نمی دانی». گفت: مرا بیاموز. فرمود: «بیت خویش را خالص کن و از پروردگارت فرمان برداری کن و بگو: خدایا! از هر گناهی که بدنم با عافیت بخشی تو، بر انجام دادن آن، نیرو یافته است، و از هر گناهی که به فضل نعمت تو، بر آن، توان یافته ام، یا در سایه روزی فراوان تو، به آن دست گشوده ام، یا در انجام دادن آن به بردباری و امان تو_ آن گاه که از آن ترس داشتم _ اعتماد کرده و به بزرگواری و عفو تو تکیه داشته ام، از تو آمرزش می خواهم . خداوند! از هر گناهی که در آن، نسبت به امانت خیانته کرده ام، یا جان خود را ارزان فروخته ام، یا کامیابی هایم را مقدم داشته و خواسته دلم را برگزیده ام، یا برای دیگری سخن چینی کرده ام، یا پیروان خودم را به گم راهی کشانده ام، یا به کمک نیرنگ خویش، چیرگی یافته ام، یا بر مولای خودم، نیرنگ زده ام و او هم در کيفر من، شتاب نکرده است، از تو آمرزش می خواهم؛ چرا که تو_ ای خدای سبحان _ نافرمانی ام را خوش نمی داشتی و آن را از من نمی خواستی ؛ لیکن پیش تر می دانستی که من با اختیار و اراده و گزینش خودم، آن را انجام می دهم. پس با من بردباری ورزیدی و مرا به اجبار، به آن و نداشتی و آن را به زور، بر من تحمیل نکردی و هیچ ستمی به من نکردی، ای مهربان ترین مهربانان! ای همراه من در گرفتاری ام، ای مونس من در تنهایی ام، ای نگهبان من در غربتم، ای صاحب من در نعمتم، ای زداینده رنجم، ای شنوای دعایم، ای ترحم کننده بر اشکم ، ای بخشاینده لغزشم، ای خدای راستین من، ای تکیه گاه استوارم، ای همسایه تنگانیم، ای مولای مهربانم، ای خدای خانه عتیق (کعبه)! مرا با گشایشی نزدیک و استواژ از سوی خودت، از کام تنگنایی، به وسعت راه، برون آر، و هر سختی و تنگنایی را از من، برطرف ساز، و نسبت به آنچه در توان من یا بیرون از توان من است، کفایت کن! خدایا! هر اندوه و غمی را از من برطرف ساز و هر غصه و رنجی را از من برون آر، ای زداینده اندوه و برطرف سازنده غم! ای فرستنده باران، ای پاسخگوی دعای گرفتار، ای بخشاینده و مهربان دنیا و آخرت! بر برگزیده خود از آفریده هایت و بر دودمان پاک او، درود فرست و از من، اندوهی را که سینه ام را تنگ کرده و صبرم را به پایان آورده و چاره ام را کاسته و توانم بر آن ناتوان شده، برطرف ساز، ای زداینده هر رنج و بلا، ای دانای هر راز و پنهان، ای مهربان ترین مهربانان! «و همه کارم را به خدا وا می گذارم؛ همانا خداوند به بندگان، بیناست» «و توفیقم جز از سوی خدا نیست». «بر او تکیه کرده ام و او پروردگار عرش عظیم است» . آن بادیه نشین گفت: با این دعا، بارها از خداوند، آمرزش خواستم. پس اندوه و تنگنایی مرا زدود و روزی ام را افزود و رنجم را برطرف ساخت.

الإمام الصادق عليه السلام_ لِسْتَفِيَانِ حِينَ سَأَلَهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ مَا لَمْ يَفْقَهُ _ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، إِذَا جَاءَكَ مَا تُحِبُّ فَأَكْثِرِ مِنَ الْحَمْدِ ، وَإِذَا جَاءَكَ مَا تَكْرَهُ فَأَكْثِرِ مِنَ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ، وَإِذَا اسْتَبْطَأَتِ الرَّزْقَ فَأَكْثِرِ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ . (1)

امام صادق علیه السلام_ خطاب به سفیان، آن گاه که از ایشان درخواست کرد که به او چیزی بیاموزد که نمی دانسته است _ ای ابو عبد الله! هر گاه چیزی برایت پیش آمد که دوست داری، خدا را زیاد ستایش کن، و هرگاه چیزی برایت پیش آمد که دوست نداری، زیاد «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگو، و اگر روزی ات به تأخیر افتاد، زیاد استغفار کن.

14 / 2 التَّسْمِيَةُ رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قال العَبْدُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ - : بِدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي ، وَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أُتَمِّمَ لَهُ أُمُورَهُ ، وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أحوَالِهِ . (1)

14 / 3 التَّحْمِيدُ وَالصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَهُوَ أَفْطَعُ أَبْتَرُ ، مَمْحُوقٌ مِنْ كُلِّ بَرَكَتَةٍ . (2)

14 / 4 الصَّلَاةُ رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ ، وَفِيهَا مَرَضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ ، فَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ . وَلِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ ، وَهُدًى ، وَإِيمَانٌ ، وَنُورٌ الْمَعْرِفَةِ ، وَبَرَكَتَةٌ فِي الرِّزْقِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِنَّ مَا أَخَذْنَ إِلَّا بِسَهْمَةٍ ؛ حِرْصًا عَلَى مَا فِيهِنَّ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ : التَّأَذُّنُ بِالصَّلَاةِ ، وَالتَّهَجُّيرُ بِالْجَمَاعَاتِ ، وَالصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ الصُّفُوفِ . (4)

-
- 1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 300 ح 59 ، الأماشي للصدوق : ص 239 ح 253 كلاهما عن يوسف بن محمد بن زياد وعلي بن محمد بن سيار عن أبيهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 226 ح 3 .
 - 2- .كنز العمال : ج 1 ص 558 ح 2510 نقلاً عن الرهاوي عن أبي هريرة .
 - 3- .الخصال : ص 522 ح 11 عن ضمرة بن حبيب ، بحار الأنوار : ج 82 ص 231 ح 56 .
 - 4- .كنز العمال : ج 15 ص 814 ح 43235 نقلاً عن ابن النجار عن أبي هريرة وج 16 ص 235 ح 44290 .

14 / 2 بسم الله گفتن

14 / 3 حمد گفتن و صلوات فرستادن

14 / 4 نماز

14 / 2 بسم الله گفتنیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده بگوید: بسم الله الرحمن الرحیم، خدای متعال می گوید: «بنده من با نام من آغاز کرد. بر من است که کارهایش را به انجام رسانم و او را در همه حال، برکت دهم».

14 / 3 حمد گفتن و صلوات فرستادن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر امر مهمی که با حمد خداوند و درود فرستادن بر من آغاز نشود، بریده و ناقص و تهی از هر برکت است.

14 / 4 نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، از آیین های دین است و رضای پروردگار، در آن است و آن، راه پیامبران است. برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، فروغ معرفت، و برکت در روزی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه کار است که اگر مردم می دانستند چه [ثوابی] در آنهاست، آن سه کار جز با قرعه افکندن، به دست نمی آمد (1)، به شوق خیر و برکتی که در آنهاست: اذان گفتن برای نماز، شتافتن به سوی [نماز] جماعت، و [خواندن] نماز در صف اول

1- یعنی همگان برای انجام دادن آنها می شتافتند و در نتیجه، لازم می آمد که قرعه کشی شود.

الكافي عن إسحاق بن يزيد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، يَسْبِقُنِي الْإِمَامُ بِالرَّكْعَةِ فَتَكُونُ لِي وَاحِدَةً وَلَهُ ثِنْتَانِ؛ فَاتَّشَهَّدُ كُلَّمَا قَعَدْتُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ؛ فَإِنَّمَا الشَّهْدُ بَرَكَةٌ. (1)

14 / 5 صلاة الليل رسول الله صلى الله عليه وآله: صلاة الليل مَرَضَةٌ لِلرَّبِّ، وَحُبُّ الْمَلَائِكَةِ، وَسُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَنُورُ الْمَعْرِفَةِ، وَأَصْلُ الْإِيمَانِ، وَرَاحَةُ الْأَبْدَانِ، وَكَرَاهِيَةٌ لِلشَّيْطَانِ، وَسِبَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَإِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ، وَقَبُولُ الْأَعْمَالِ، وَبَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: صلاة الليل تُحَسِّنُ الْوَجْهَ، وَتُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَتُطَيِّبُ الرِّيحَ، وَتُدِرُّ الرِّزْقَ. (3)

عنه عليه السلام: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُصَلِّي بِاللَّيْلِ وَيَجُوعُ بِالنَّهَارِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ضَمِنَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ قُوتَ النَّهَارِ. (4)

1- الكافي: ج 3 ص 381 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 270 ح 779.

2- إرشاد القلوب: ص 191 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 87 ص 161 ح 52.

3- ثواب الأعمال: ص 64 ح 8 عن معاوية بن عمّار الدهني، الدعوات: ص 77 ح 184، بحار الأنوار: ج 87 ص 153 ح 31.

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 120 ح 456، ثواب الأعمال: ص 64 ح 5 كلاهما عن عمر بن عليّ عن عمّه [محمد بن عمر] عمّن حدّثه، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 474 ح 1371، بحار الأنوار: ج 87 ص 153 ح 31.

14 / 5 نماز شب

الكافی_ به نقل از اسحاق بن یزید _ : به امام صادق علیه السلام گفتم : امام جماعت، از من يك ركعت، جلوتر است، [بدین ترتیب که [ركعت اول من و ركعت دوم اوست . آیا هر گاه نشستیم ، تشهد بخوانم؟ فرمود: «آری ، همانا تشهد ، برکت است».

14 / 5 نماز شب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز شب، [موجب] رضایت پروردگار ، دوستی با فرشتگان، سنت پیامبران ، فروغ معرفت ، ریشه ایمان ، آسایش بدن ها، مایه ناراحتی شیطان ، سلاحی بر ضد دشمنان ، و مایه اجابت دعا و قبولی اعمال و برکت در روزی است.

امام صادق علیه السلام : نماز شب ، چهره را زیبا ، اخلاق را نیکو ، بورا خوش ، و روزی را سرشار می کند.

امام صادق علیه السلام : دروغ می گوید آن که می گوید نماز شب می خواند و با این حال ، در روز ، گرسنه است ؛ چرا که خدای متعال به سبب نماز شب ، روزی روز را تضمین کرده است.

14 / 6 الحَجْرَسول الله صلى الله عليه وآله : حُجَّوْا تَسْتَعْنُوا . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام : حُجَّوْا وَاعْتَمِرُوا ؛ تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ ، وَتَسَّعَ أَرْزَاقُكُمْ . (2)

راجع : ص هذه الموسوعة : ج 12 ص 384 (البركة / الفصل الثالث : ما يوجب بركة العمر / تية الحج بعد الرجوع من مكة) . الخير والبركة في الكتاب والسنة: ص 148 (الفصل الثاني : أسباب البركة / ما يوجب بركة العمر / استمرار الحج والعمرة) .

14 / 7 الدُّعَاءُ لِبرَكَةِ الْمَنْزِلِ لكتاب « وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ » . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا نَزَلْتَ مَنْزِلاً فَقُلْ : اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ . (4)

1- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 265 ح 2387 ، المحاسن : ج 2 ص 79 ح 1203 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 342 عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 99 ص 11 ح 30؛ المصنّف لعبدالرزاق : ج 5 ص 11 ح 8819 عن صفوان بن سليم ، الفردوس : ج 2 ص 130 ح 2663 عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 5 ص 10 ح 11822 .

2- . الكافي : ج 4 ص 252 ح 1 عن خالد القلانسي عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 70 ح 3 عن علي بن أسباط رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ص 76 ح 181 وفيهما «أجسامكم» بدل «أبدانكم» ، بحار الأنوار : ج 99 ص 25 ح 106 .

3- . المؤمنون : 29 .

4- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 298 ح 2508 ، المحاسن : ج 2 ص 124 ح 1345 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الخصال : ص 634 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام ، تحف العقول : ص 122 عن الإمام علي عليه السلام وليس فيهما «يا علي» ، إذا نزلت منزلاً» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 248 ح 42 .

14 / 7 دعای برکت منزل

14 / 6 حجیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج بگزارید تا بی نیاز شوید.

امام زین العابدین علیه السلام : حج و عمره بگزارید تا بدن هایتان سالم و روزی هایتان افزون گردد.

ر . ك : همین دانش نامه : ج 12 ص 385 (برکت / فصل سوم : آنچه موجب برکت عمر است / تبت دوباره به حج رفتن بعد از برگشتن) . و خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث : ص 149 (فصل سوم : اسباب نیکی / ریشه های عملی و اخلاقی / استمرار حج و عمره .

14 / 7 دعای برکت منزل قرآن «و بگو : پروردگارا! مرا در منزلگاهی خجسته فرود آور ، و تو بهترین فرود آورندگان» .

حدیثیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به امام علی علیه السلام _ : ای علی! هر گاه در جایی فرود آمدی ، بگو : «خدایا! مرا در منزلگاهی خجسته فرود آور ، و تو بهترین فرود آورندگان» .

14 / 8 الدُّعَاءُ لِبرَكَةِ الرِّزْقِ الكِتَابُ «إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَنَطْمِئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ * قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَءَايَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ». (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ الله أنزلَ مائدةً على عيسى عليه السلام، وباركَ له في أربعة أرغفةٍ وسُميكَاتٍ حتَّى أكلَ وشبعَ منها أربعةً آلافٍ وسبعمئةً. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اغفر لي ذنبي، ووسِّع لي في رزقي، وبارك لي في ما رزقتني. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صلِّ على مُحَمَّدٍ وآله، وامنعي من السَّرَفِ، وحصِّن رزقي من التَّلَفِ، ووفِّرْ ملكتي بالبركة فيه. (4)

عنه عليه السلام_ في مُنَاجَاتِهِ _: اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَقْسَطَهَا... وَمِنَ الزِّيَادَاتِ أَتَمَّهَا، وَمِنَ الْبَرَكَاتِ أَعَمَّهَا، وَمِنَ الصَّالِحَاتِ أَعْظَمَهَا. (5)

1- المائدة: 112 _ 114 .

2- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 195 ح 91، بحار الأنوار: ج 14 ص 249 ح 37 .

3- سنن الترمذي: ج 5 ص 527 ح 3500 عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 578 ح 16599 وفيه «داري» بدل «رزقي» وج 9 ص 61 ح 23248 وفيه «ذاتي» بدل «في رزقي» وكلاهما عن عبيد بن القعقاع، المصنف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 62 ح 2 عن أبي موسى وفيه «داري» بدل «رزقي» .

4- الصحيفة السجادية: ص 86 الدعاء 20 .

5- بحار الأنوار: ج 94 ص 155 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

14 / 8 دعای برکت روزی

14 / 8 دعای برکت روزی قرآن «آن گاه که حواریان گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند از آسمان، مائده ای (طعامی) بر ما فرود آورد؟ گفت: «اگر ایمان دارید، از خدا پروا کنید». گفتند: می خواهیم از آن بخوریم و دل هایمان اطمینان یابد و بدانیم که به ما راست گفته ای و از گواهان بر آن باشیم. عیسی بن مریم گفت: «خدایا، پروردگارا! بر ما طعامی از آسمان فرود فرست تا برای اول و آخر ما، عید باشد و نشانه ای از تو؛ و ما را روزی بده، و تو بهترین روزی دهندگانی»» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند، سفره ای بر عیسی علیه السلام فرود فرستاد و به چهار گرده نان و چند ماهی کوچک او چندان برکت داد که چهار هزار و هفتصد نفر، از آن خوردند و سیر شدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدایا! گناهانم را بیامرز و روزی ام را وسعت بخش و در آنچه به من روزی داده ای، برکت قرار بده .

امام زین العابدین علیه السلام : خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از اسراف، دور بدار و روزی مرا از تلف شدن، نگه دار و دارایی ام را با برکت دادن در آن، افزون بگردان .

امام زین العابدین علیه السلام _ در مناجات خویش _ : خدایا، ای پروردگار جهانیان، ای برترین داوران، و ای مهربان ترین مهربانان! از گواهی، عادلانه تریش را ... و از افزوده ها، کامل تریش را، و از برکت ها، فراگیر تریش را، و از کارهای شایسته، بزرگ تریش را از تو می خواهم.

الإمام الصادق عليه السلام_ في دُعَائِهِ عِنْدَ زِيَارَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ :... اللَّهُمَّ وَأَوْسِعْ لِفَقِيرِنَا مِنْ سَعَتِكَ مَا قَضَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ ،
وَالْهُدَى مَا أَبْقَيْتَنَا ، وَالْكَرَامَةَ مَا أَحْيَيْتَنَا ، وَالْكَرَامَةَ إِذَا تَوَفَّيْتَنَا ، وَالْحِفْظَ فِي مَا يَبْقَى مِنْ عُمُرِنَا ، وَالْبَرَكَاتَةَ فِي مَا رَزَقْتَنَا . (1)

عنه عليه السلام_ فِي الدُّعَاءِ بَعْدَ الصَّلَاةِ الْكَامِلَةِ _ :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ قِسْمٍ أَوْ رَزَقْتَنِي مِنْ رِزْقٍ فَاجْعَلْهُ
حَالاً طَيِّباً ، وَاسِعاً مُبَارَكاً ، قَرِيبَ الْمَطْلَبِ ، سَهْلَ الْمَأْخِذِ ، فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، وَسَلَامَةٍ وَسَعَادَةٍ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (2)

14 / 9 الدُّعَاءُ لِبِرْكَةِ الزَّوْجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا زُفَّتْ إِلَى الرَّجُلِ زَوْجَتُهُ وَأُدْخِلَتْ إِلَيْهِ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ، وَلْيَمْسَحْ عَلَى نَاصِيَتَيْهَا ،
ثُمَّ لِيَقُلْ : اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَبَارِكْ لَهَا فِيَّ ، وَمَا جَمَعْتَ بَيْنَنَا فَاجْمَعْ بَيْنَنَا فِي خَيْرٍ وَيُؤْمِنُ وَبِرَكَّةٍ ، وَإِذَا جَعَلْتَهَا فُرْقَةً فَاجْعَلْهَا فُرْقَةً إِلَى كُلِّ
خَيْرٍ . ثُمَّ لِيَقُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَى صَدْلَاتِي ، وَأَغْنَى فَقْرِي ، وَنَعَشَ خُمُولِي ، وَأَعَزَّ ذَلَّتِي ، وَأَوَى عَيْلَتِي ، وَزَوَّجَ عُزْبَتِي ، وَأَخْدَمَ مِهْنَتِي ،
وَأَنَسَ وَحْشَتِي ، وَرَفَعَ خَسِيئَتِي ؛ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا عَلَى مَا أَعْطَيْتَ يَا رَبِّ ، وَعَلَى مَا قَسَمْتَ ، وَعَلَى مَا أَكْرَمْتَ . (3)

1- . تهذيب الأحكام : ج 6 ص 36 ح 74 عن يونس بن ظبيان .

2- . جمال الأسبوع : ص 198 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 377 ح 66 .

3- . دعائم الإسلام : ج 2 ص 210 ح 772 ، الجعفریات : ص 109 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج
103 ص 268 ح 18 .

14 / 9 دعای برکت ازدواج

امام صادق علیه السلام در دعای خویش به هنگام زیارت امیر مؤمنان علیه السلام _ پروردگارا! از گشایش خویش ، آنچه را بر خود حتمی ساخته ای ، برای فقیر ما گشایش بخش ، و تا ما را باقی داشته ای ، هدایتمان کن ، و ما را با کرامت، زنده بدار ، و ما را با کرامت ، بمیران ، و ما را در باقی مانده عمرمان نگه دار ، و در آنچه روزی مان داده ای، برکت قرار بده .

امام صادق علیه السلام در دعای پس از نماز کامل _ :خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آنچه را برایم تقسیم کرده ای یا روزی نموده ای ، حلال و پاک و فراوان و بابرکت و دست یافتنی و آسان به دست آمدنی قرار بده ، به همراه آسانی و عافیت و تن درستی و سعادت از سوی خود ؛ همانا تو بر هر چیز ، توانایی.

14 / 9 دعای برکت ازدواج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [در شب زفاف،] هر گاه همسر کسی را نزد او فرستادند ، دو رکعت نماز بخواند و دست بر پیشانی زن بکشد و بگوید : «خدایا! برای من در همسرم و برای همسرم در من ، برکت قرار ده و تا آن گاه که میان ما را جمع می کنی ، با خیر و خجستگی و برکت باشد ، و اگر میان ما جدایی انداختی ، جدایی را به سوی هر نیکی قرار بده» . سپس بگوید : «سپاس ، خدایی را که از گم راهی ، هدایتم نمود ، فقرم را برطرف ساخت ، بی حالی مرا نشاط بخشید ، ذلتم را عزت قرار داد ، از تنگ دستی پناهم داد ، مرا از بی همسری در آورد ، حرفه ای را به خدمت من گماشت ، تنهایی ام را مونس بخشید ، و پستی ام را رفعت بخشید ؛ سپاسی فراوان ، پاک و خجسته برای آنچه عطا کردی _ ای پروردگار من _ و برای آنچه قسمت (روزی) نمودی و برای آنچه کرامت بخشیدی» .

الكافي عن أبي عبد الله البرقي رفعه: لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالُوا: بِالرِّفَاءِ وَالْبَنِينَ، فَقَالَ: لَا بَلْ عَلَيَّ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ. (1)

عمل اليوم واللييلة للنسائي عن ابن بريدة عن أبيه: إِنَّ نَفَرًا مِنَ الْأَنْصَارِ قَالُوا لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِنْدَكَ فَاطِمَةُ؟ فَدَخَلَ عَلِيُّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: مَا حَاجَةُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: ذَكَرْتُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: مَرَحَبًا وَأَهْلًا، لَمْ يَزِدْهُ عَلَيْهَا، فَخَرَجَ إِلَى الرَّهْطِ مِنَ الْأَنْصَارِ يَنْتَظِرُونَهُ، فَقَالُوا: مَا وَرَاءُكَ؟ قَالَ: مَا أُدْرِي، غَيْرَ أَنَّهُ قَالَ لِي: مَرَحَبًا وَأَهْلًا، قَالُوا: يَكْفِيكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِحْدَاهُمَا؛ قَدْ أَعْطَاكَ الْأَهْلَ وَأَعْطَاكَ الرَّحْبَ. فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ بَعْدَمَا زَوَّجَهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلْعُرْسِ مِنَ وَلِيْمَةٍ. قَالَ سَدَّ عُنْدِي كِبْشٌ، وَجَمَعَ لَهُ رَهْطٌ مِنَ الْأَنْصَارِ أَصْحَابًا مِنْ ذُرِّيَّةٍ. قَالَ: فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ الْبِنَاءِ قَالَ: لَا تُحَدِّثْ شَيْئًا حَتَّى تَلْقَانِي، فَدَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَاءٍ فَتَوَضَّأَ مِنْهُ ثُمَّ أفرغَهُ عَلَى عَلِيٍّ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهِمَا، وَبَارِكْ عَلَيْهِمَا، وَبَارِكْ لَهُمَا فِي شِبْلِهِمَا. (2)

الكافي عن أبي بصير: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا تَزَوَّجَ أَحَدُكُمْ كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قُلْتُ: لَا أُدْرِي، قَالَ: إِذَا هَمَّ بِذَلِكَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَيَحْمَدِ اللَّهَ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ، فَتَقْدِرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَنَ فَرَجًا، وَأَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِيهَا وَفِي مَالِي، وَأَوْسَدَ عَهْنٍ رِزْقًا، وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَاتًا. (3)

1- الكافي: ج 5 ص 568 ح 52، بحار الأنوار: ج 43 ص 144 ح 46 وراجع: كنز العمال: ج 16 ص 484 ح 45571 و 45572.
2- عمل اليوم واللييلة للنسائي: ص 253 ح 258، عمل اليوم واللييلة لابن السني: ص 214 ح 605 وفيه إلى «وأعطاك الرحب»، المعجم الكبير: ج 2 ص 20 ح 1153 وفيه «بنائهما» بدل «شبلهما»، الصواعق المحرقة: ص 234 وفيه «نسلهما» بدل «شبلهما»، كنز العمال: ج 13 ص 681 ح 37745 نقلًا عن الروياني وابن عساكر؛ كشف الغمة: ج 1 ص 365، بحار الأنوار: ج 43 ص 137 ح 34.

3- الكافي: ج 3 ص 482 ح 2 و ج 5 ص 501 ح 3 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 394 ح 4387، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 407 ح 1627 وفيه «فأقدر» بدل «فقدر».

الكافی_ به نقل از ابو عبد الله برقی _ : چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به همسری داد ، گفتند : با سازش و با اولاد باشد! فرمود : «نه ؛ بلکه [بگویند :] با خیر و با برکت باشد!».

عمل الیوم و اللیلة ، نسایی_ به نقل از ابو بریده ، از پدرش _ : گروهی از انصار به علی علیه السلام گفتند : آیا فاطمه نزد توست؟ [علی علیه السلام] نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و سلام داد . پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید : «پسر ابو طالب ، چه کار دارد؟» . گفت : [برای ازدواج ،] به یاد فاطمه دختر پیامبر خدا ، افتادم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خوش آمدی!» و بیش از آن نفرمود . علی علیه السلام نزد آن گروه از انصار که منتظرش بودند ، باز گشت . گفتند : چه خبر؟ گفت : نمی دانم ، جز این که به من فرمود : «خوش آمدی!» . گفتند : از پیامبر خدا ، یکی از این دو برای تو بس است . او به تو ، هم همسر داده و هم گشایش . پس از آن ، آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را همسر می داد ، فرمود : «ای علی! برای عروسی ، مهمانی لازم است» . سعد گفت : من قوچی دارم . نیز گروهی از انصار ، چند صاع (1) ذرت فراهم آوردند . چون شب عروسی شد ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «کاری نکن ، تا مرا دیدار کنی» و آن گاه آبی طلبید و با آن ، وضو گرفت . سپس آن را به روی علی علیه السلام ریخت و چنین دعا کرد : «خدایا! بر این دو ، مبارك گردان . بر این دو ، مبارك گردان ، و برای این دو و فرزندانشان مبارك گردان» .

الكافی_ به نقل از ابو بصیر _ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «وقتی یکی از شما ازدواج می کند ، چه می کند؟» . گفتم : نمی دانم . فرمود : «هر گاه به ازدواج تصمیم گرفت ، دو رکعت نماز بخواند و خدا را سپاس گوید . سپس بگوید : خداوندا! من می خواهم ازدواج کنم . از زنان ، آن را که پاک دامن تر ، خودنگهدارتر ، مال نگهدارتر ، خوش روزی تر ، و بابرکت تر است ، برایم مقدر ساز» .

1- . صاع ، پیمانه ای است که چهار مُد بگیرد . هر مد ، يك چارك (حدود ده سیر) است .

14 / 10 الدُّعَاءُ لِبِرْكَةِ الصَّبِيِّ سَنَنْ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَائِشَةَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُؤْتِي بِالصَّبِيَّانِ ، فَيَدْعُو لَهُمْ بِالْبِرْكَةِ . (1)

فضائل الصحابة لابن حنبل عن مدرك أبي الحجاج: رَأَيْتُ عَلِيًّا لَهُ وَفْرَةٌ ، وَأَتَيْ بِصَبِيٍّ فَبَرَكَ عَلَيْهِ وَمَسَحَ عَلَى رَأْسِهِ . (2)

14 / 11 الدُّعَاءُ لِبِرْكَةِ الزَّرْعِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أُرِدْتَ أَنْ تَزْرَعَ زَرْعًا فَخُذْ قَبْضَةً مِنَ الْبَدْرِ وَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَقُلْ : «أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (3) ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، ثُمَّ تَقُولُ : «بَلِ اللَّهُ الزَّارِعُ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، ثُمَّ قُلْ : «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَكًا وَارزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ» ثُمَّ انْثُرِ الْقَبْضَةَ الَّتِي فِي يَدِكَ فِي الْقَرَّاحِ . (4)

14 / 12 الدُّعَاءُ لِبِرْكَةِ الْيَوْمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ اسْتِقَاظِهِ مِنْ نَوْمِهِ _ :اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَنُورَهُ ، وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ ، وَطَهْرَهُ وَمُعَافَاتَهُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ . (5)

1- .سنن أبي داود : ج 4 ص 328 ح 5106 .

2- فضائل الصحابة لابن حنبل : ج 2 ص 556 ح 937 .

3- الواقعة : 63 و 64 .

4- الكافي : ج 5 ص 262 ح 1 عن ابن بكير ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 161 ح 2394 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 67 ح 18 نقلًا عن كشف الغمّة وكلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه .

5- مكارم الأخلاق : ج 1 ص 94 ح 181 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 253 .

14 / 10 دعای برکت کودک**14 / 11 دعای برکت کشت****14 / 12 دعای برکت روز**

14 / 10 دعای برکت کودکسنن اُبی داوود_ به نقل از عایشه _ :کودکان را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می آوردند . ایشان برای آنان دعا می کرد که برکت یابند .

فضائل الصحابة، ابن حنبل_ به نقل از مُدرك (پدر حَجَّاج) _ :علی علیه السلام را دیدم که موی سرش تا گوشش رسیده بود . کودکی را نزد او آوردند . او تبرکش نمود و بر سرش دست کشید.

14 / 11 دعای برکت کشتامام صادق علیه السلام :هر گاه خواستی زراعت کنی ، مشتی از بذر را بگیر ، رو به قبله بایست و سه بار بگو : «آیا آنچه را کشت می کنید، ملاحظه کرده اید؟ آیا شما آن را [بی یاری ما] می کارید ، یا ماییم که زراعت می کنیم؟» . آن گاه سه بار می گویی : «بلکه خداست که می کارد». سپس بگو : «خدایا! آن را دانه ای بابرکت قرار ده و به ما در آن ، سلامت بخش» . آن گاه آن مشت [بذر] را که در دست توست ، به مزرعه بیفشان.

14 / 12 دعای برکت روزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ وقتی از خواب بیدار می شد، این دعا را می خواند _ :پروردگارا! از تو خیر و روشنی ، و هدایت و برکت ، و پاکی و عافیتِ این روز را می طلبم . خدایا! از تو خیرِ این روز و خیر آنچه را در آن است ، می خواهم و از شرّ این روز و شرّ آنچه پس از آن است ، به تو پناه می برم .

الإمام الصادق عليه السلام - لِعَمَّارِ السَّاباطِيِّ - : تَقُولُ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ، سُبْحَانَ رَبِّ الْمَسَاءِ وَالصَّبَاحِ ، اللَّهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَتِهِ وَعَافِيَتِهِ ، وَسُدِّ رُورِ وَقُرَّةِ عَيْنٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَنْزِلُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا تَشَاءُ ، فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، رِزْقًا حَالًا ، طَيِّبًا وَاسِعًا ، تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام : اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ ، وَلِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ ، فَأَسْأَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ إِلَيْكَ سَبِيًّا ، وَقَدَّمْتَهُ أَمَامَ طَلِبَتِي ، أَنْ تُعَرِّفَنِي بِبَرَكَاتِ يَوْمِي هَذَا وَعَامِي هَذَا وَشَهْرِي هَذَا . (2)

14 / 13 الدُّعَاءُ لِبَرَكَاتِ الشَّهْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا رَأَيْتَ الْهَيْلَالَ فَلَا تَبْرَحْ وَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ ، وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَطَهْرَهُ وَرِزْقَهُ ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ ، اللَّهُمَّ ادْخُلْهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ، وَالْبَرَكَاتِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى . (3)

-
- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 501 ح 1438 عن عمّار بن موسى الساباطي ، مصباح المتهدّج : ص 199 ح 282 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه «حلالاً طيباً» ، بحار الأنوار : ج 87 ص 356 ح 23 و 24 .
 - 2- .مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ : ص 283 عن عليّ بن مهزيار وص 305 عن يونس بن بكير عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «وسيلتي إليك» بدل «إليك سببي» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 183 ح 11 وص 348 ح 4 .
 - 3- .الكافي : ج 4 ص 76 ح 8 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 197 ح 564 وليس فيه «وفتحه» وكلاهما عن الحسين بن مختار مرفوعاً ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 100 ح 1845 ، مصباح المتهدّج : ص 541 ح 627 ، المصباح للكفعمي : ص 745 وليس فيهما «وفتحه» وراجع : كنز العمال : ج 8 ص 596 ح 24310 .

14 / 13 دعای برکت ماه

امام صادق علیه السلام به عمّار ساباطی _ وقتی صبح دمید، می گویی: «سپاس، خدایی را که شکافنده صبح است. منزه است پروردگار شام و بامداد. خدایا! بامدادِ خاندانِ محمّد را با برکت و عافیت و خوشی و چشم روشنی، قرار بده. خدایا! تو در شب و روز، آنچه می خواهی، فرو می فرستی. پس بر من و خانواده ام، از برکت آسمان ها و زمین، روزی ای حلال و پاک و گسترده نازل بگردان که مرا به سبب آن، از همه آفریده هایت بی نیاز سازی».

امام کاظم علیه السلام: خدایا! هر توسّل جوئی، پاداشی دارد و هر صاحب شفاعتی، حقی. تو را می خوانم، به حقّ آن کسی که او را برای من وسیله (دستاویز) قرار داده ای و او را در پیشگاه خواسته ام تقدّم داشته ای، که برکت امروز و امسال و این ماه را به من بشناسانی.

14 / 13 دعای برکت ماه امام علی علیه السلام: هر گاه ماه نورا دیدی، همان دم بگو: «پروردگارا! از تو، خیر و گشایش و روشنی و یاری و برکت و پاکی و روزی این ماه را می خواهم، و از تو، خیر آنچه را در این ماه و پس از آن است، می طلبم، و از شرّ این ماه و آنچه پس از آن است، به تو پناه می برم. خدایا! آن را با ایمنی، ایمان، تن درستی، اسلام، برکت، و توفیق بر آنچه دوست داری و می پسندی، بر ما وارد کن».

رسول الله صلى الله عليه وآله - إذا رأى الهلال - :اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الدَّخِلِ . (1)

شعب الإيمان عن أنس :كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ رَجَبٌ قَالَ : اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ ، وَيَلْغِنَا رَمَضَانَ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَيْلَالِ - :أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكَ ، وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ ، وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ يَجْعَلَكَ هَيْلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمَحُّقُهَا الْأَيَّامُ ... هَيْلَالَ سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ ، وَيُؤْمِنَ لَا نَكْدَ مَعَهُ . (3)

14 / 14 الدعاء لِبَرَكَةِ الْقَضَاءِ وَالْقَدْرِ رسول الله صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ حَتَّى كَأَنِّي أَرَاكَ أَبْدَا حَتَّى أَلْقَاكَ ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ ، وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ . (4)

-
- 1- تاريخ دمشق : ج 12 ص 239 ح 2931 عن زياد ؛ الإقبال : ج 1 ص 66 عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «الداخل» .
 - 2- شعب الإيمان : ج 3 ص 375 ح 3815 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 189 ح 3939 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 557 ح 2346 وفيه «إذا دخل رجل» بدل «إذا دخل رجب» و «وبارك لنا في» بدل «وبلغنا» ، كنز العمال : ج 7 ص 79 ح 18049 ؛ الإقبال : ج 3 ص 173 وفيه «إذا رأى هلال رجب» بدل «إذا دخل رجب» ، بحار الأنوار : ج 98 ص 376 ح 1 .
 - 3- الصحيفة السجادية : ص 163 الدعاء 43 ، المصباح للكفعمي : ص 746 ، الأمالي للطوسي : ص 496 ح 1086 عن إسحاق بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام ، مصباح المتهجد : ص 542 ح 628 وفيهما من «جعلك الله هلال بركة ...» ، بحار الأنوار : ج 96 ص 379 ح 4 .
 - 4- المعجم الأوسط : ج 6 ص 121 ح 5982 عن أبي هريرة ؛ الكافي : ج 2 ص 577 ح 1 عن جندب عن الإمام الصادق عليه السلام ، الإقبال : ج 2 ص 78 ، البلد الأمين : ص 253 وليس فيها «أبدا حتى ألقاك» و كلاهما عن الإمام زين العابدين عليه السلام .

14 / 14 دعای برکت قضا و قدر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ وقتی ماه نورا می دید _ :خدایا! این ماه را که بر ما وارد می شود ، برایمان مبارک گردان .

شعب الایمان_ به نقل از انس _ :هر گاه ماه رجب وارد می شد ، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود : «خدایا! رجب و شعبان را بر ما مبارک کن و ما را به رمضان برسان» .

امام زین العابدین علیه السلام_ از دعاهای ایشان ، وقتی به ماه نو می نگریست _ :از پروردگار من و پروردگار تو ، از پروردگار من و آفریدگار تو ، از تقدیرگر من و تقدیرگر تو ، و از تصویرگر من و تصویرگر تو می خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستد و تورا هلال برکتی قرار دهد که [گذشتِ] روزها آن [برکت] را نابود نمی سازند ... ؛ هلال میمندی که رنج و بدبختی با آن نیست ، و هلال سعادتی که نُحوستی در آن نیست .

14 / 14 دعای برکت قضا و قدر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! مرا چنان کن که از تو بترسم ، تا آن جا که گویا تورا می بینم ، همیشه تا هنگامی که دیدارت می کنم ؛ و مرا با پروامندی از خودت ، سعادت مند کن و با نافرمانی ات ، به شقاوتم میفکن ؛ و در حکم خویش برایم خوبی را برگزین و در تقدیر خود ، برایم مبارکی قرار بده ، تا دوست نداشته باشم که آنچه تو به تأخیرش انداخته ای ، پیش افتد و نه آنچه تو پیش افکنده ای ، به تأخیر افتد .

الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ فَقُلْ: ... اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي قَدْرِكَ، وَرَضِّنَا بِقَضَائِكَ، حَتَّى لَا نُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخِّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ _ :اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ، وَارزُقْنِي شُكْرًا وَتَوْفِيقًا وَعِبَادَةً وَخَشْيَةً، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. (2)

1- .الكافي : ج 5 ص 488 ح 2 عن محمد بن عجلان ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 75 ح 233 عن عبد الله بن السراج عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام ، المقنعة : ص 178 ، مصباح المتهجد : ص 548 ح 639 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، فتح الأبواب : ص 162 عن أحمد بن محمد بن يحيى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ج 2 ص 578 ح 1 عن عبد الله بن جندب عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 376 ؛ المعجم الأوسط : ج 6 ص 121 ح 5982 عن أبي هريرة نحوه .

2- .الإقبال : ج 2 ص 129 عن سلمة بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 247 .

امام باقر علیه السلام: هر گاه از خانه ات بیرون رفتی، بگو: «... پروردگارا! تقدیرت را بر ما مبارک گردان و ما را به قضای خویش راضی ساز، تا دوست نداشته باشیم که آنچه تو به تأخیر انداخته ای، پیش افتد و نه آنچه تو پیش افکنده ای، به تأخیر افتد».

امام صادق علیه السلام_ در دعای روز عَرَفَه _ :خدایا! تقدیرت را بر من، مبارک گردان، و مرا به قضای خویش راضی ساز. خدایا! گوش های دلم را به یاد خودت باز کن، و مرا شکرگزاری و توفیق و عبادت و خشیت، روزی گردان، ای پروردگار جهانیان!

الفصل الخامس عشر: نماذج من بركات الدعاء 15 / 1 بركاتُ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُنَاقِبِ لابن شهر آشوب: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ وَهُوَ يَصْنَعُ شَيْئًا مِنْ طِينٍ مِنْ لُغَبِ الصَّبِيَانِ، فَقَالَ: مَا تَصْنَعُ بِهَذَا؟ قَالَ: أُبِيعُهُ. قَالَ: مَا تَصْنَعُ بِثَمَنِهِ؟ قَالَ: أَشْتَرِي رُطْبًا فَأَكُلُهُ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُ فِي صَفْقَةِ يَمِينِهِ. فَكَانَ يُقَالُ: مَا اشْتَرَى شَيْئًا قَطُّ إِلَّا رُبِحَ فِيهِ، فَصَارَ أَمْرُهُ إِلَى أَنْ يُمَثَّلَ بِهِ، فَقَالُوا: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَوَادِ، وَكَانَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَتَدَايِنُونَ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَطَاءُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ.

(1)

سنن أبي داود عن حكيم بن حزام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ مَعَهُ بِدِينَارٍ يَشْتَرِي لَهُ أُضْحِيَّةً، فَاشْتَرَاهَا بِدِينَارٍ وَبَاعَهَا بِدِينَارَيْنِ، فَرَجَعَ فَاشْتَرَى أُضْحِيَّةً بِدِينَارٍ وَجَاءَ بِدِينَارٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَصَدَّقَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدَعَا لَهُ أَنْ يُبَارَكَ لَهُ فِي تِجَارَتِهِ. (2)

-
- 1- المنانق لابن شهر آشوب: ج 1 ص 84 ، بحار الأنوار: ج 18 ص 17 ح 45 .
 2- سنن أبي داود: ج 3 ص 256 ح 3386 ، السنن الكبرى: ج 6 ص 186 ح 11618 ؛ الأماي للطوسي: ص 399 ح 890 ، بحار الأنوار: ج 103 ص 136 ح 4 .

فصل پانزدهم : نمونه های از برکات دعا

15 / 1 برکت های دعای پیامبر صلی الله علیه وآله

فصل پانزدهم : نمونه های از برکات دعا 15 / 1 برکت های دعای پیامبر صلی الله علیه و آله المناقب ، ابن شهر آشوب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر عبد الله بن جعفر گذشت که با گِل ، اسباب بازی کودکانه می ساخت . فرمود : «با این ، چه می کنی؟» . گفت : آن را می فروشم . فرمود : «با پول آن ، چه می کنی؟» . گفت : خرما می خرم و می خورم . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «خدایا ! در کسب و کار او برکت قرار ده» . گفته می شد : او هرگز چیزی نخرید ، مگر این که در آن ، سود برد و کارش به آن جا رسید که ضرب المثل شد و می گفتند : عبد الله بن جعفر بخشنده . مردم مدینه از یکدیگر وام می گرفتند ، تا آن گاه که عطای عبد الله بن جعفر [از بیت المال] برسد .

سنن ابی داوود_ در باره حکیم بن حزام _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، دیناری به او داد تا برای ایشان يك قربانی بخرد . او قربانی را به يك دینار خرید و آن را به دو دینار فروخت و برگشت . دوباره يك قربانی به يك دینار خرید و دینار دیگر را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد . پیامبر خدا هم آن را صدقه داد و برای او دعا کرد که در تجارتش برکت یابد.

مسند ابن حنبل عن أبي عمرة الأنصاري: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي غُرَاةٍ، فَأَصَابَ النَّاسَ مَخْمَصَةٌ، فَاسْتَأْذَنَ النَّاسُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَحْرِ بَعْضِ ظُهُورِهِمْ، وَقَالُوا: يُبَلِّغُنَا اللَّهَ بِهِ، فَلَمَّا رَأَى عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ هَمَّ أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي نَحْرِ بَعْضِ ظُهُورِهِمْ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ بِنَا إِذَا نَحْنُ لَقِينَا الْقَوْمَ غَدًا جِيعًا أَرْجَالًا؟ وَلَكِنْ إِنْ رَأَيْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ تَدْعُو لَنَا بِبَقَايَا أَزْوَاجِهِمْ فَتَجْمَعَهَا ثُمَّ تَدْعُو اللَّهَ فِيهَا بِالْبَرَكَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - سَيُبَلِّغُنَا بِدَعْوَتِكَ - أَوْ قَالَ: سَيُبَارِكُ لَنَا فِي دَعْوَتِكَ - فَدَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِبَقَايَا أَزْوَاجِهِمْ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَجِيئُونَ بِالْحَيْثِيَّةِ مِنَ الطَّعَامِ وَفَوْقَ ذَلِكَ، وَكَانَ أَعْلَاهُمْ مَنْ جَاءَ بِصَاعٍ مِنْ تَمْرٍ فَجَمَعَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ قَامَ فَدَعَا مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَدْعُو، ثُمَّ دَعَا الْجَيْشَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَحْتَشُوا، فَمَا بَقِيَ فِي الْجَيْشِ وَعَاءٌ إِلَّا مَلُوءٌ وَبَقِيَ مِثْلُهُ، فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى بَدَتِ نَوَاجِذُهُ، فَقَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ، لَا يَلْقَى اللَّهَ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ بِهِمَا إِلَّا حُجِبَتْ عَنْهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام في بيان معجزات النبي صلى الله عليه وآله لنفر من اليهود: إِنَّهُ نَزَلَ بِأُمَّ شَرِيكٍ، فَأَتَتْهُ بِعُكَّةٍ فِيهَا سَمْنٌ يَسِيرٌ، فَأَكَلَ هُوَ وَأَصْحَابُهُ، ثُمَّ دَعَا لَهَا بِالْبَرَكَةِ، فَلَمْ تَزَلِ الْعُكَّةُ تَصُبُّ سَمْنَا أَيَّامَ حَيَاتِهَا. (2)

المستدرک علی الصحیحین عن هشام بن حبیش بن خویلد: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ مُهَاجِرًا إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَبُو بَكْرٍ وَمَوْلَى أَبِي بَكْرٍ عَامِرُ بْنُ فُهَيْرَةَ وَدَلِيلُهُمَا اللَّيْثِيُّ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَرِيْقِطٍ، مَرَّوَا عَلَى خَيْمَتِي أُمَّ مَعْبَدٍ الْخَزَاعِيَّةِ، وَكَانَتْ امْرَأَةً بَرَزَةً جَلْدَةً تَحْتَبِي بِفَنَاءِ الْخَيْمَةِ ثُمَّ تَسْقِي وَتُطْعِمُ، فَسَأَلُوهَا لَحْمًا وَتَمْرًا لِيَشْتَرُوا مِنْهَا، فَلَمْ يُصِيبُوا عِنْدَهَا شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ، وَكَانَ الْقَوْمُ مُرْمِلِينَ مُسْتِنِينَ، فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى شَاةٍ فِي كِسْرِ الْخَيْمَةِ، فَقَالَ: مَا هَذِهِ الشَّاةُ يَا أُمَّ مَعْبَدٍ؟ قَالَتْ: شَاةٌ خَلَفَهَا الْجَهْدُ عَنِ الْغَنَمِ، قَالَ: هَلْ بِهَا مِنْ لَبَنِ؟ قَالَتْ: هِيَ أَجْهَدُ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: أَتَأْذِنِينَ لِي أَنْ أَحْلُبَهَا؟ قَالَتْ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي إِنْ رَأَيْتَ بِهَا حَلَبًا فَاحْلُبْهَا. فَدَعَا بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ فَمَسَحَ بِيَدِهِ صُرْعَهَا وَسَمَّى اللَّهَ تَعَالَى وَدَعَا فِي شَاتِهَا فَتَمَاجَتْ عَلَيْهِ وَدَرَّتْ فَاجْتَرَّتْ، فَدَعَا بِإِنَاءٍ يُرْبِضُ الرَّهْطَ، فَحَلَبَ فِيهِ نَجًّا حَتَّى عَلَا الْبَهَاءُ، ثُمَّ سَقَاهَا حَتَّى رَوَيْتَ وَسَقَى أَصْحَابَهُ حَتَّى رَوُوا وَشَرِبَ آخِرُهُمْ حَتَّى أَرْضُوا. ثُمَّ حَلَبَ فِيهِ الثَّانِيَةَ عَلَى هِدَاةٍ (3) حَتَّى مَلَأَ الْإِنَاءَ، ثُمَّ غَادَرَهُ عِنْدَهَا، ثُمَّ بَايَعَهَا وَارْتَحَلُوا عَنْهَا. فَقَلَّ مَا لَبِثَ حَتَّى جَاءَهَا زَوْجُهَا أَبُو مَعْبَدٍ لِيَسُوقَ أَعْزَاةً عَجَافًا؛ يَنْسَاوَكْنَ هِزَالًا؛ مُخْهَنٌ قَلِيلٌ، فَلَمَّا رَأَى أَبُو مَعْبَدٍ اللَّبَنَ أَعْجَبَهُ، قَالَ: مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا يَا أُمَّ مَعْبَدٍ وَالشَّاءُ عَازِبٌ حَائِلٌ، وَلَا حَلُوبَ فِي الْبَيْتِ؟ قَالَتْ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا أَنَّهُ مَرَّ بِنَا رَجُلٌ مُبَارَكٌ مِنْ حَالِهِ كَذَا وَكَذَا. (4)

1- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 264 ح 15449 ، الطبقات الكبرى : ج 1 ص 180 ، الزهد لابن المبارك : ص 321 ح 917 ، المعجم الكبير : ج 1 ص 211 ح 575 نحوه وراجع : صحيح ابن حبان : ج 1 ص 454 ح 221 .

2- .قرب الإسناد : ص 329 ح 1228 عن معمر عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 17 ص 235 وراجع : المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 103 .

3- .في بعض المصادر «على بدء» بدل «على هدة» .

4- .المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 10 ح 4274 ، المعجم الكبير : ج 4 ص 48 ح 3605 ، دلائل النبوة لأبي نعيم : ج 2 ص 337 ح 238 كلاهما عن حبیش بن خالد ، الطبقات الكبرى : ج 1 ص 230 عن أبي معبد الخزاعي نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 669 ح 46300 ؛ بحار الأنوار : ج 19 ص 99 ح 52 نقلًا عن الفائق للزمخشري وراجع : كشف الغمة : ج 1 ص 24 و إعلام الوری : ج 1 ص

76 ومسند ابن حنبل : ج 9 ص 218 ح 23883 وج 5 ص 174 ح 15032 و مسند أبي يعلى : ج 2 ص 193 ح 1514 والسيرة النبويّة لابن هشام : ج 3 ص 229 وصحيح مسلم : ج 3 ص 1625 ح 174 .

مسند ابن حنبل - به نقل از ابو عمره انصاری - در جنگی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم . مردم ، دچار گرسنگی شدند . از پیامبر خدا اجازه خواستند تا بعضی از شتران خود را ذبح کنند و گفتند : خداوند ، با آنها ما را سیر می کند . عمر بن خطاب ، چون دید پیامبر خدا تصمیم دارد که به آنان اجازه دهد تا بعضی شترانشان را ذبح کنند ، گفت : ای پیامبر خدا ! چگونه خواهد شد ، اگر فردا گرسنه و پیاده با دشمن ، رو به رو شویم؟! ای پیامبر خدا ! اگر صلاح بدانید ، باقی مانده توشه خود را بیاورند و آنها را جمع کنید و دعا کنید که خدا به آنها برکت دهد ، خدای متعال با دعای شما ما را سیر خواهد کرد - یا گفت : با دعای شما برای ما برکت خواهد داد - . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود تا باقی مانده توشه هایشان را بیاورند . مردم ، مشت مشت یا بیشتر ، غذا می آوردند . بیشترین مقداری که کسی آورد ، يك صاع خرما بود . پیامبر خدا همه آنها را جمع کرد . سپس برخاست و دعا کرد . آن گاه سپاهیان را فرا خواند تا ظرف های خود را بیاورند و دستور داد که آنها را پر کنند . در سپاه ، هیچ ظرفی نماند ، مگر این که آن را پر کردند ، و [باز] به همان اندازه ماند . پیامبر خدا ، چنان خندید که دندان های آسیایش پیدا شد . آن گاه فرمود : « گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و من ، فرستاده خدایم . هیچ بنده ای نیست که خدا را با این دو (توحید و نبوت) دیدار کند ، مگر آن که روز قیامت ، آتش دوزخ از او دور می شود» .

امام کاظم علیه السلام - در بیان معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله برای گروهی از یهود - ایشان به خانه امّ شریک رفت . وی ظرفی آورد که اندکی روغن در آن بود . پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش از آن خوردند . سپس پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن زن دعا کرد که برکت یابد . آن زن تا زنده بود ، آن ظرف ، از روغن پر می شد .

المستدرک علی الصحیحین - به نقل از هشام بن حبیب بن خویلد - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به قصد هجرت به مدینه ، از مکه خارج شد . ایشان به همراه ابو بکر و غلامش (عامر بن فُهیره) و راه نمای آن دو (عبد الله بن اُرَیقَط لیشی) بر خیمتا امّ مَعْبَد خُزاعی ، گذر کردند . او زنی عاقل و قوی بود و جلوی در خیمه می نشست و به دیگران آب و غذا می داد . از او پرسیدند که آیا گوشت و خرما دارد تا از وی بخزند . [ولی] از اینها چیزی نزد او نبود . آنان هم توشه خود را تمام کرده بودند . پیامبر خدا به گوسفندی که کنار خیمه بود ، نگاه کرد و فرمود : « امّ معبد! این گوسفند چیست؟ » . گفت : گوسفندی است که ناتوانی ، آن را از گوسفندان دیگر ، جا گذاشته است . [پیامبر صلی الله علیه و آله] پرسید : « شیر دارد؟ » . گفت : او ناتوان تر از این است . فرمود : « اجازه می دهی آن را بدوشم؟ » . گفت : پدر و مادرم فدایت! اگر در آن شیری دیدی ، بدوش . پیامبر خدا آن گوسفند را خواست . دست خود را بر پستانش کشید و نام خدا را برد و برای گوسفند دعا کرد . گوسفند ، پاهای خود را [به نشانه شیر دادن] از هم گشاد و شیر از پستانش جاری شد و شروع به نشخوار کرد . [پیامبر صلی الله علیه و آله] ظرفی طلبید که آن عده را سیر می کرد . آن گاه شیر فراوانی از آن دوشید ، تا آن که از ظرف ، بالا آمد . از آن شیر ، به آن زن نوشانید و به اصحاب خود هم نوشاند تا همه سیراب شدند . [پیامبر صلی الله علیه و آله ، گوسفند را] دوباره دوشید تا آن ظرف را پر کرد . سپس آن را پیش زن گذاشت و بهای آن را پرداخت . آن گاه از آن جا کوچ کردند . چیزی نگذشت که شوهر آن زن ، ابو مَعْبَد ، آمد تا چند بُز نحیف را که از شدت لاغری ، نای راه رفتن نداشتند و مغز استخوانشان اندک بود ، برای چِرا ببرد . چون شیر را دید ، شگفت زده گفت : امّ معبد! این شیر از کجاست؟ گوسفندها که در صحرايند و هنوز نزائیده اند و در خیمه هم گوسفند شیردهی نیست ! [امّ معبد] گفت : بله ، به خدا! مردی بر ما گذر کرد که پُر برکت بود و چنین و چنان بود .

الخرائج والجرائح عن جعيل الأشجعي: غَزَوْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ: سِرْ يَا صَاحِبَ الْفَرَسِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَجْفَاءُ ضَعِيفَةٌ، فَرَفَعَ مِخْفَقَةً مَعَهُ فَضَرَبَهَا ضَرْبًا خَفِيفًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُ فِيهَا. قَالَ: لَقَدْ رَأَيْتُنِي مَا أُمْسِكُ رَأْسَهَا أَنْ تَقْدَمَ النَّاسُ، وَلَقَدْ بَعْتُ مِنْ بَطْنِهَا بِائِنِي عَشْرَ أَلْفًا. (1)

1- الخرائج والجرائح: ج 1 ص 54 ح 85، المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 83 عن مرة بن جعيل، بحار الأنوار: ج 18 ص 12 ح 30؛ دلائل النبوة للبيهقي: ج 6 ص 153 نحوه.

الخرائج و الجرائح_ به نقل از جعیل اشجعی _ : در یکی از غزوات ، همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودم . [به من] فرمود : «ای صاحب اسب! حرکت کن و بشتاب» . گفتم : ای پیامبر خدا! لاغر و ناتوان است . ایشان با شلاقی که در دست داشت ، آهسته بر آن زد و گفت : «خدایا! او را در این اسب ، برکت بده» . دیدم که نمی توانم سر او را مهار کنم تا از دیگران جلو نزنند، و از زاد و ولد آن ، دوازده هزار کسب کردم.

إعلام الوري: قال عبد الله بن جعفر: ... أتانا رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أساوم شاة أخ لي، فقال: اللهم بارك له في صفته. قال عبد الله: فما بعث شينا ولا اشتريت شينا إلا بورك لي فيه. (1)

15 / 2 بركة دعاء الإمام الرضا عليه السلام عن أخبار الرضا عليه السلام عن محمد بن الوليد بن يزيد الكرمانى عن أبي محمد المصري: قدم أبو الحسن الرضا عليه السلام، فكتب إليه أسأله الإذن في الخروج إلى مصر أتجر إليها، فكتب إلي: أقم ما شاء الله. قال: فأقمت سنتين، ثم قدم الثالثة فكتب إليه أسأله، فكتب إلي: أخرج مباركاً لك صنع الله لك؛ فإن الأمر يتغير. قال: فخرجت فأصبت بها خيراً، ووقع الهرج ببغداد، فسلمت من تلك الفتنة. (2)

-
- 1- إعلام الوري: ج 1 ص 214 عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 21 ص 57 ح 8؛ المغازي: ج 2 ص 767، تاريخ دمشق: ج 27 ص 257 كلاهما عن يحيى بن أبي يعلى، كنز العمال: ج 13 ص 448 ح 37163.
- 2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 222 ح 41، دلائل الإمامة: ص 365 ح 316 وليس فيه «فإن الأمر يتغير فخرجت فأصبت بها خيراً»، بحار الأنوار: ج 49 ص 43 ح 33.

15 / 2 برکت دعای امام رضاعلیه السلام

إعلام الوری: عبد اللہ بن جعفر می گوید: ... پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیش ما آمد، در حالی که من مشغول فروش گوسفندی برای برادرم بودم. فرمود: «خدایا! در معامله اش برکت قرار بده». از آن پس، چیزی نفروختم و چیزی نخریدم، مگر آن که برایم برکت داشت.

15 / 2 برکت دعای امام رضا علیه السلام معیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از محمد بن ولید بن یزید کرمانی، از ابو محمد مصری_
 امام رضا علیه السلام آمد. نامه ای به او نوشتم و اجازه خواستم که برای تجارت به مصر بروم. برایم نوشت: «مدتی بمان». دو سال ماندم و سال سوم آمد. نامه نوشتم و از او اجازه خواستم. برایم نوشت: «برو؛ این سفر برای تو مبارک باشد و خدا برای تو [خیر] بسازد! همانا وضع، دگرگون می شود». من رفتم و در مصر، به خیر رسیدم. در بغداد، آشوب شد و بدین سان، از آن فتنه، سالم ماندم.

15 / 3 بركة دعاء صاحب الزمان عليه السلام الغيبة للطوسي عن محمد بن علي بن الحسين وأخيه الحسين بن علي: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَسْوَدُ قَالَ: سَأَلَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ بَعْدَ مَوْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمْرِيِّ قَدَسَ سِرُّهُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَا الْقَاسِمِ الرَّوْحِيَّ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - أَنْ يَسْأَلَ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ وَلَدًا ذَكَرًا. قَالَ: فَسَأَلْتُهُ فَأَنْهَى ذَلِكَ، ثُمَّ أَخْبَرَنِي بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَنَّهُ قَدْ دَعَا لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رَحِمَهُ اللَّهُ فَانْتَهَى سَبِيلُ لَهْ وَلَدٌ مُبَارَكٌ يَنْفَعُ اللَّهَ بِهِ، وَبَعْدَهُ أَوْلَادٌ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَسْوَدُ: وَسَأَلْتُهُ فِي أَمْرِ نَفْسِي أَنْ يَدْعُوَ لِي أَنْ أُرْزَقَ وَلَدًا ذَكَرًا، فَلَمْ يُجِبْنِي إِلَيْهِ، وَقَالَ لِي: لَيْسَ إِلَيَّ هَذَا سَبِيلٌ. قَالَ: فَوُلِدَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ تِلْكَ السَّنَةَ (ابنة) مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَبَعْدَهُ أَوْلَادٌ، وَلَمْ يُولَدْ لِي. (1)

1- الغيبة للطوسي: ص 320 ح 266، كمال الدين: ص 502 ح 31، الخرائج والجرائح: ج 3 ص 1124 ح 42، الثاقب في المناقب: ص 614 ح 560 كلاهما نحوه، إعلام الوری: ج 2 ص 268، بحار الأنوار: ج 51 ص 335 ح 61.

15 / 3 برکت دعای امام زمان علیه السلام

15 / 3 برکت دعای امام زمان علیه السلام مالغیبة، طوسی۔ به نقل از محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق) و برادرش حسین بن علی۔
 ابو جعفر، محمد بن علی اسود، برایم نقل کرد که: علی بن حسین بن موسی بن بابویه، پس از درگذشت محمد بن عثمان عمّری، از من خواست که از ابو القاسم روحی۔ که خداوند، روحش را رستگار نماید۔ بخوادم که از مولایمان، صاحب الزمان علیه السلام، بخوادم که دعا کند تا خداوند به او پسری روزی نماید. از او خواستم. او هم انجام داد. سه روز پس از آن، به من خبر داد که ایشان برای علی بن حسین دعا کرده است و به زودی، صاحب فرزندی بابرکت خواهد شد که خدا به سبب آن، سود می رساند و پس از او نیز فرزندی خواهند بود. ابو جعفر، محمد بن علی اسود، می گوید: از او در باره خودم درخواست کردم که برایم دعا کند تا صاحب پسری شوم. پاسخ مثبت به من نداد و گفت: «برای اجابت این درخواست، راهی نیست». همان سال برای علی بن حسین، پسرش محمد بن علی و پس از او فرزندی به دنیا آمدند؛ اما برای من فرزندی به دنیا نیامد.

الفصل السادس عشر : ما يوجب زوال البركة 16 / 1 فساد النية الإمام علي عليه السلام : عند فساد النية ترتفع البركة . (1)

راجع : هذه الموسوعة : ج 12 ص 398 (البركة / الفصل الخامس : ما يوجب البركة من الأخلاق / حسن النية) .

16 / 2 الأعمال السيئة الكتاب «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» . (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : أربعة لا تدخل بيتا واحدة منهن إلا خرب ولم يعمر بالبركة : الخيانة ، والسرقه ، وشرب الخمر ، والزنا (3) .

1- غرر الحكم : ج 4 ص 327 ح 6228 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 338 ح 5771 .

2- الأنفال : 53 .

3- ثواب الأعمال : ص 289 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الأموال للصدوق : ص 482 ح 652 ، الأموال للطوسي : ص 439 ح 982 كلاهما عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 75 ص 170 ح 2 .

فصل شانزدهم : آنچه موجب زوال برکت است

16 / 1 فساد نیت

16 / 2 کارهای بد

فصل شانزدهم : آنچه موجب زوال برکت است 16 / 1 فساد نیت امام علی علیه السلام : هر گاه نیت فاسد باشد ، برکت برداشته می شود.

ر . ك : همین دانش نامه : ج 12 ص 399 (برکت / فصل پنجم / خویی هایی که موجب برکت اند / نیت نیک).

16 / 2 کارهای بد قرآن «این ، بدان جهت است که خداوند، هرگز نعمتی را که به گروهی بخشیده است، تغییر نمی دهد ، تا آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند؛ و همانا خداوند، شنوای داناست» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار چیزند که یکی از آنها وارد هیچ خانه ای نمی شود، مگر آن که [آن خانه] خراب می شود و هرگز با برکت، آباد نمی گردد : خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.

الإمام علي عليه السلام: ما زالت نعمة عن قوم ولا غصارة عيش إلا بذنوب اجتروها؛ إن الله ليس بظلام للعبيد. (1)

عنه عليه السلام: ما أنعم الله على عبد نعمة فظلم فيها إلا كان حقيقاً أن يزيلها عنه. (2)

عنه عليه السلام: البغي يزيل النعم. (3)

عنه عليه السلام: سفك الدماء بغير حقها يدعو إلى حلول النعمة، وزوال النعمة. (4)

عنه عليه السلام في الاستسقاء: الأ- وإن الأرض التي تُقلُّكم والسَّماء التي تُطلُّكم مُطيَّعتان لربكم، وما أصبَحتا تجودان لكم ببركتيهما توجعا لكم، ولا زلفاة إليكم، ولا لخير ترجوانه منكم، ولكن أمرتا بمنافعكم فأطاعتا، وأقيمتا على حدود مصالحكم فقامتا. إن الله يبتلي عباده عند الأعمال السيئة بنقص الثمرات، وحبس البركات، وإغلاق خزائن الخيرات؛ ليتوب تائب، ويقبل مقلع، ويتذكر متذكراً، ويزدجر مُزدجراً. وقد جعل الله سبحانه الاستغفار سبباً لدرور الرزق ورحمة الخلق، فقال سبحانه: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (5). فرحم الله امرأً استقبل توبته، واستقال خطيئته، وبادر منيته! (6)

- 1- كنز الفوائد: ج 2 ص 162، غرر الحكم: ج 6 ص 88 ح 9629 نحوه، بحار الأنوار: ج 78 ص 93 ح 103.
- 2- غرر الحكم: ج 6 ص 115 ح 9710، عيون الحكم والمواعظ: ص 482 ح 8888.
- 3- غرر الحكم: ج 1 ص 131 ح 486، عيون الحكم والمواعظ: ص 19 ح 76.
- 4- غرر الحكم: ج 4 ص 145 ح 5628، عيون الحكم والمواعظ: ص 286 ح 5178.
- 5- نوح: 10_12.
- 6- نهج البلاغة: الخطبة 143.

امام علی علیه السلام: هرگز نعمت و طراوت زندگی، از مردمی زایل نمی شود، مگر به سبب گناهایی که انجام داده اند. خداوند، هرگز به بندگان، ستم نمی کند.

امام علی علیه السلام: خداوند، به هر بنده ای نعمتی دهد و او در آن ستم کند (به حقوق دیگران تجاوز کند)، سزاوار باشد که نعمت را از او زایل کند.

امام علی علیه السلام: ستم (تجاوز)، نعمت ها را از بین می برد.

امام علی علیه السلام: به ناحق ریختن خون ها، موجب فرود آمدن عذاب و از بین رفتن نعمت است.

امام علی علیه السلام _ در دعای باران _ : آگاه باشید! زمینی که شما را بر پشت دارد و آسمانی که بر شما سایه می افکند، فرمانبر پروردگار شماست و اگر برکت خود را به شما می بخشند، از روی همدردی با شما، یا منزلت یافتن در نزد شما و یا به خاطر خیری که از شما امید دارند، نیست؛ بلکه مأمور شده اند تا به شما سود برسانند، پس اطاعت می کنند؛ و بر مرزهای منافع شما برافراشته شده اند، پس برپایند. خداوند، بندگان را، آن گاه که کارهای بد می کنند، به کاهش میوه ها و حبس برکت ها و بستن گنجینه های خیرات مبتلا می کند، تا توبه کننده توبه کند و دست کشنده [، از بدی] دست بکشد و پند گیرنده، پند پذیرد و ترك کننده، ترك کند. خدای متعال، استغفار را سبب فراوان شدن روزی و رحمت خلق قرار داده و فرموده است: «پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ همانا او بسیار آمرزنده است. آسمان را بر شما [به صورت باران] فرو می ریزد و با اموال و فرزندان، شما را یاری می رساند و برایتان باغ هایی قرار می دهد و برایتان نهرهایی قرار می دهد». پس رحمت خدا بر آن که به توبه اش روی آورد و از خطایش پوزش بطلبد و نسبت به مرگ خویش، پیش دستی کند!

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمُ الرَّزْقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ . (1)

الإمام علي عليه السلام: مُدَاوِمَةُ الْمَعَاصِي تَقْطَعُ الرَّزْقَ . (2)

عنه عليه السلام: إِحْذَرُوا الذُّنُوبَ ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ فَيَحْبَسُ عَنْهُ الرَّزْقُ . (3)

الكافي عن الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُدْرَأُ عَنْهُ الرَّزْقُ . وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ * وَلَا يَسْتُنُونَ * فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ» (4) . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ رِزْقَهُ . (6)

الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى الْعِيِّ ، وَيُضِلُّ عَنِ الرُّشْدِ ، وَيُقِلُّ الرَّزْقَ ، وَيَمْحُو الْبِرْكَاتَ ، وَيُخَمِّلُ الذِّكْرَ ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْ لِي ، يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (7)

-
- 1- سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1334 ح 4022 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 330 ح 22476 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 670 ح 1814 وج 3 ص 548 ح 6038 ، مسند الروياني : ج 1 ص 408 ح 626 وص 420 ح 643 وفيه «يعمله» بدل «يصيبه» وفي الثلاثة الأخيرة «العبد» بدل «الرجل» ، المعجم الكبير : ج 2 ص 100 ح 1442 ، الزهد لابن المبارك : ص 29 ح 86 كلها عن ثوبان ؛ الكافي : ج 2 ص 270 ح 8 عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام وص 271 ح 11 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالي للطوسي : ص 136 ح 219 عن بكر بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه .
 - 2- غرر الحكم : ج 6 ص 127 ح 9771 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 485 ح 8951 .
 - 3- الخصال : ص 620 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 351 ح 47 .
 - 4- القلم : 17_ 19 .
 - 5- الكافي : ج 2 ص 271 ح 12 ، المحاسن : ج 1 ص 206 ح 361 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 324 ح 9 .
 - 6- ثواب الأعمال : ص 288 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 206 ح 362 كلاهما عن بكر بن محمد الأزدي ، بحار الأنوار : ج 71 ص 247 ح 6 .
 - 7- بحار الأنوار : ج 87 ص 327 ح 5 نقلاً عن البلد الأمين : ص 39 وفيه «يمحق التلذذ» بدل «يمحو البركة» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا آدمی به سبب گناهی که مرتکب می شود، از روزی، محروم می گردد.

امام علی علیه السلام: استمرار بر گناهان، روزی را قطع می کند.

امام علی علیه السلام: از گناهان پرهیزید؛ چرا که بنده گناه می کند، پس روزی اش حبس می شود.

الکافی_ به نقل از فضیل_ : امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا آدمی گناه می کند، در نتیجه روزی از او دور داشته می شود» و آن گاه این آیه را خواند: «آن گاه که سوگند خوردند که صبحگاهان برخیزند و میوه باغ را برچینند؛ ولی «إن شاء الله» نگفتند. پس، در حالی که خوابیده بودند، بلایی از سوی پروردگار، بر آن باغ به گردش در آمد».

امام صادق علیه السلام: همانا مؤمن، تبت گناه می کند، و بر اثر آن از روزی اش محروم می شود.

امام علی علیه السلام: خداوند! از تو برای هر گناهی که به گم راهی، فرا می خواند و از راه هدایت به بیراهه می برد و روزی را می کاهد و برکت را از بین می برد و یاد گمنامی می آورد، آمرزش می طلبم. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و آن گناه مرا بیامرزد، ای بهترین آمرزندگان!

عنه عليه السلام: إذا ظَهَرَتِ الجِنَايَاتِ ارْتَفَعَتِ البرَكَاتُ . (1)

عنه عليه السلام_ من استغفاره في سَحَرِ كُلِّ لَيْلَةٍ بَعْدَ رَكَعَتَيْ الفَجْرِ _ :اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَمَحُوقُ الحَسَنَاتِ ، وَيُضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ . (2)

16 / 3 تَرَكَ الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ المُنْكَرِ رسول الله صلى الله عليه وآله :لا- يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقْوَى ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ البرَكَاتُ ، وَسَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ ناصِرٌ فِي الأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله :إِنَّ النَّاسَ ، إِنْ اللّهُ يَقُولُ : لَتَأْمُرَنَّ بِالمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ قَبْلَ أَنْ تُجَدِّبُوا ؛ فَتَسْتَسْقُونَ فَلَا تُسْقَوْنَ . أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنْ اللّهُ يَقُولُ : لَتَأْمُرَنَّ بِالمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا فَلَا يُسْتَجَابَ لَكُمْ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله :إِذَا تَرَكَوا [أَي أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ المُنْكَرِ حُرِمَتِ بَرَكَةُ الوَحْيِ . (5)

- 1- غرر الحكم : ج 3 ص 128 ح 4030 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 134 ح 3024 وفيه «الخيانة» .
- 2- البلد الأمين : ص 43 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 333 ح 46 .
- 3- تهذيب الأحكام : ج 6 ص 181 ح 373 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 126 ، مشكاة الأنوار : ص 105 ح 239 ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 188 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 94 ح 95 .
- 4- مسند أبي يعلى : ج 4 ص 440 ح 4893 عن عائشة وراجع : سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1327 ح 4004 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 504 ح 25310 ، صحيح ابن حبان : ج 1 ص 526 ح 290 ، كنز العمال : ج 3 ص 73 ح 5554 .
- 5- تفسير جوامع الجامع : ج 1 ص 470 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 183 ح 6070 نقلاً عن الحكيم عن أبي هريرة وزاد فيه «وإذا تسابّت أمتي سقطت من عين الله» .

16 / 3 ترك امر به معروف و نهی از منکر

امام علی علیه السلام: هر گاه بزهکاری ها، آشکار شوند، برکت ها برداشته می شوند.

امام علی علیه السلام_ از استغفارش در سحرگاه هر شب، پس از دو رکعتِ فجر_ : خدایا! از تو برای هر گناهی که خوبی ها را نابود می سازد و بدی ها را چند برابر می کند، آمرزش می طلبم.

16 / 3 ترك امر به معروف و نهی از منکر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردم، همواره در نیکی اند، تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و یکدیگر را در نیکی و تقوا، یاری می رسانند . آن گاه که چنین نکنند، برکت ها از آنان جدا می شود و برخی بر برخی دیگر مسلط می گردند ، و هیچ یآوری، نه در زمین و نه در آسمان، نخواهند داشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! خداوند می فرماید: «حتما امر به معروف و نهی از منکر کنید، پیش از آن که دچار خشک سالی شوید . و هر چه طلب باران کنید ، بارانی به شما داده نشود» . ای مردم! خداوند می فرماید : «حتما امر به معروف و نهی از منکر کنید ، پیش از آن که [چنان شود که]دعا کنید و دعایتان مستجاب نگردد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [امت محمد صلی الله علیه و آله] هر گاه امر به معروف و نهی از منکر را ترك کنند، از برکت وحی ، محروم می شوند.

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا عَظَّمْتَ أُمَّتِي الدُّنْيَا نَزَعَتْ مِنْهَا هَيْبَةُ الْإِسْلَامِ، وَإِذَا تَرَكَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ حُرِمَتْ بَرَكَاتُ الْوَحْيِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا نَاشٍ نَشَأَ فِي قَوْمِهِ ثُمَّ لَمْ يُؤَدِّبْ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَوَّلَ مَا يُعَاقِبُهُمْ فِيهِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَرْزَاقِهِمْ. (2)

16 / 4 سَبُّ الْمُسْلِمِ الْكَافِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ (3): الْكَافِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ (4): مَنْ فَحَشَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ، نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَاتَ رِزْقِهِ، وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ. (5)

16 / 5 الْقَضَاءُ بِالْجَوْرِ الْكَافِي عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادِ الْحَنَاطِ فِي حَدِيثِ أَخْبَرَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَضَاءٍ لَمْ يَرْضَ بِهِ الْإِمَامُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي مِثْلِ هَذَا الْقَضَاءِ وَشِبْهِهِ، تَحْبِسُ السَّمَاءُ مَاءَهَا وَتَمْنَعُ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا. 6

1- كنز العمال: ج 3 ص 183 ح 6070، الجامع الصغير: ج 1 ص 117 ح 760 كلاهما نقلًا عن الحكيم عن أبي هريرة.

2- ثواب الأعمال: ص 266 ح 1 عن الحسين بن سالم، بحار الأنوار: ج 100 ص 78 ح 32.

3- المعصوم المروي عنه غير معلوم، فإن كان الصادق عليه السلام فالإرسال بأزيد من واحد، وأحمد كأثره البنظي، وما زعم أنه ابن عيسى بعيد كما لا يخفى على المتدرب، فيمكن الإرسال بواحد. وقوله: «فحش» ككرم، وربما يقرأ على بناء التفعيل. ومن جملة أسباب فساد المعيشة نفرة الناس عنه وعن معاملته (مرآة العقول: ج 10 ص 278).

4- الكافي: ج 2 ص 325 ح 13 وراجع: بحار الأنوار: ج 76 ص 365.

5- الكافي: ج 5 ص 290 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 215 ح 943 وفيه «عقر» بدل «غمز»، بحار الأنوار: ج 47 ص 375 ح 98.

16 / 4 دشنام دادن به مسلمان

16 / 5 داوری به ستم

امام صادق علیه السلام: هر کس که در میان قوم خود، بزرگ شود و به خاطر گناهش ادب نشود، اولین عقوبت خدا بر آنان، این است که از روزی های آنان می کاهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه امت من، دنیا را بزرگ بشمارند، هیبت (شکوه) اسلام از آنان گرفته می شود و هر گاه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، از برکت وحی، محروم می شوند.

16 / 4 دشنام دادن به مسلمانان کافی_ به نقل از احمد بن احمد، از یکی از استادانش [، از یکی از امامان علیهم السلام] (1) _ هر کس به برادر مسلمانش دشنام دهد، خداوند، برکت روزی اش را از او می گیرد و او را به خودش وا می گذارد و زندگی اش را برایش تباہ می کند.

16 / 5 داوری به ستم کافی_ به نقل از ابن محبوب، از ابو ولاد حنّاط، در حدیثی که امام صادق علیه السلام را به قضاوتی خبر داد که امام علیه السلام آن را نپسندید _ پس فرمود: «در مثل این داوری و همانند آن است که آسمان، آب خود را، و زمین، برکت خود را دریغ می کند!» .

1- این حدیث، هم «مُضْمَر» است (نام امام گوینده آن، معلوم نیست) و هم «مُرْسَل» است (در سند آن، افتادگی است)؛ اَمَّا عَلَّامَهُ مَجْلِسِي، احتمال داده است که احمد بن احمد، همان «بِرْنَطِي» و حدیث نیز از امام صادق علیه السلام باشد.

16 / 6 الاستخفاف بالصلاة رسول الله صلى الله عليه وآله في بيان ما يُصيب المُتَهَاوِنَ بِصَلَاتِهِ _ : أَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا : فَالْأُولَى : يَرْفَعُ اللَّهُ الْبِرْكَةَ عَنْ عُمْرِهِ ، وَيَرْفَعُ اللَّهُ الْبِرْكَةَ مِنْ رِزْقِهِ ، وَيَمْحُو اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ سِيْمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ ، وَكُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤْجِرُ عَلَيْهِ ، وَلَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ ، وَالسَّادِسَةُ : لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ . (1)

16 / 7 الاستخفاف بصلاة الجمعة رسول الله صلى الله عليه وآله : إَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْجُمُعَةَ ، فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي وَلَهُمْ إِمَامٌ عَادِلٌ ؛ اسْتِخْفَافًا بِهَا وَجُحُودًا لَهَا ، فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ ، وَلَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ ، أَلَا وَلَا صَلَاةَ لَهُ ! أَلَا وَلَا زَكَاةَ لَهُ ! أَلَا وَلَا حَجَّ لَهُ ! أَلَا وَلَا صَوْمَ لَهُ ! أَلَا وَلَا بَرَكَةَ لَهُ حَتَّى يَتُوبَ ! (2)

1- .فلاح السائل : ص 61 ح 1 عن فاطمة عليها السلام ، بحار الأنوار : ج 83 ص 21 ح 39 .

2- .عوالي اللآلي : ج 2 ص 54 ح 146 ؛ سنن ابن ماجة : ج 1 ص 343 ح 1081 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 244 ح 5570 كلاهما عن جابر بن عبد الله ، حلية الأولياء : ج 8 ص 295 عن سعيد بن المسيب وكلها نحوه .

16 / 6 سبک شمردن نماز**16 / 7 سبک شمردن نماز جمعه**

16 / 6 سبک شمردن نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آنچه به سبک شمارنده نماز می رسد _ : اَمَّا پیامدهای دنیوی سبک شمردن نماز ، نخست، آن که: خداوند، برکت را از عمرش بر می دارد . خداوند، برکت را از روزی اش بر می دارد و خداوند عز و جل ، نشانِ صالحان را از چهره اش می زداید و هر عملی را که انجام می دهد ، پاداش نمی یابد ، و دعایش به آسمان، بالا نمی رود ، و ششم، آن که: در دعای صالحان ، بهره ای نخواهد داشت .

16 / 7 سبک شمردن نماز جمعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدانید که خداوند، نماز جمعه را بر شما واجب ساخته است . پس هر کس در زمان حیات من و پس از مرگ من، از روی سبک شمردن و یا انکار ، آن را ترک کنند ، با وجود این که پیشوای عادلّی دارند ، خداوند، جمع او را جمع نمی کند ، و در کارش به او برکت نمی دهد ، و نه نمازش پذیرفته است، نه زکات او ، نه حج او ، نه روزه او ، و نه [زندگی او] برکتی خواهد داشت ، تا آن که توبه کند.

16 / 8 كُفْرَانُ النَّعْمَةِ الْكِتَابِ «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». (1)

«أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ». (2)

«سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا ءَاتَيْنَاهُمْ مِنْ ءَايَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». (3)

الحديث للإمام علي عليه السلام: سَبَبُ زَوَالِ النَّعْمِ الْكُفْرَانُ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَظُمَتْ عَلَيْهِ النَّعْمَةُ اشْتَدَّتْ مَوَدَّةُ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَإِنْ هُوَ قَامَ بِمَوَدَّتِهِمْ اجْتَلَبَ زِيَادَةَ النَّعْمَةِ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ، وَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ عَرَضَ النَّعْمَةَ لِزَوَالِهَا. (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ أَقْوَامًا يَخْتَصُّهُمْ بِالنَّعْمِ لِمَنْفَعِ الْعِبَادِ، وَيُقِرُّهَا فِيهِمْ مَا بَدَّلُوها؛ فَإِذَا مَنَعُوا نَزْعَهَا عَنْهُمْ فَحَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ. (6)

1- النحل: 112 .

2- إبراهيم: 28 .

3- البقرة: 211 .

4- غرر الحكم: ج 4 ص 121 ح 5517، عيون الحكم والمواعظ: ص 281 ح 5060 .

5- الكافي: ج 4 ص 38 ح 4 عن مسعدة بن صدقة .

6- تاريخ بغداد: ج 9 ص 459 الرقم 5089، حلية الأولياء: ج 10 ص 215 وفيه «عبادا» بدل «أقواما» وكلاهما عن ابن عمر،

كنز العمال: ج 6 ص 350 ح 16008 نقلاً عن ابن أبي الدنيا في قضاء الحوائج؛ نهج البلاغة: الحكمة 425، تاريخ يعقوبي: ج 2 ص

97 وفيهما «عبادا» بدل «أقواما»، بحار الأنوار: ج 74 ص 418 ح 39 .

16 / 8 ناسپاسی نعمت

16 / 8 ناسپاسی نعمتقرآن«و خداوند، مثلی زد، [اهالی] آبادی ای را که ایمن و آسوده بودند و روزی آنان، از هر جا، فراوان می آمد. پس به نعمت های خدا ناسپاسی کردند. خدا هم جامه گرسنگی و ترس را به خاطر کارهایشان، بر آنان چشانده».

«آیا ننگریستی به آنان که نعمت خدا را با ناسپاسی تغییر دادند و قوم خود را به سرای هلاکت نشاندهند؟».

«از بنی اسرائیل پرس که: چه قدر به آنان نشانه روشن دادیم؟! هر کس نعمت خدا را _ پس از آن که به او رسید _ تغییر دهد، پس خداوند، سخت کیفر است.».

حدیثامام علی علیه السلام: ناسپاسی، سبب نابودی نعمت هاست.

امام صادق علیه السلام: هر که نعمت بر او بزرگ (بسیار) باشد، نیاز مردم به او نیز زیاد خواهد شد. پس اگر به رفع نیاز آنان برخیزد، از سوی خدا افزایش نعمت را برای خود فراهم آورده است؛ و اگر چنین نکند، نعمت را در معرض زوال، قرار داده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، گروه هایی دارد که برای سود [رسانی به] بندگان، نعمت ها را به آنان ارزانی می دارد و تا وقتی از آن نعمت ها بیخشند، آنها را برایشان نگه می دارد. پس هر گاه از بخشش دریغ کنند، خداوند، نعمت ها را از آنان گرفته، به دیگران می دهد.

16 / 9 الخيانة رسول الله صلى الله عليه وآله: تُرْفَعُ الْبَرَكَةُ مِنَ الْبَيْتِ إِذَا كَانَتْ فِيهِ الْخِيَانَةُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: يَدُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِي الْمُشْتَرِكِينَ مَا لَمْ يَخُنْ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ؛ فَإِذَا خَانَ أَحَدُهُمَا رَفَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَنِ أَيْدِيهِمَا، وَذَهَبَتِ الْبَرَكَةُ مِنْهُمَا. (2)

16 / 10 الزنار رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، فِي الزَّانَا سِتُّ خِصَالٍ: ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ. فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ، وَيُعْجَلُ الْفَنَاءُ، وَيَقْطَعُ الرَّزْقُ؛ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَسَوْءُ الْحِسَابِ، وَسَخَطُ الرَّحْمَنِ، وَخُلُودُ النَّارِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: الذُّنُوبُ ... الَّتِي تَحْسِبُ الرَّزْقَ الزَّانَا. (4)

الإمام الكاظم عليه السلام: اتَّقِ الزَّانَا؛ فَإِنَّهُ يَمْحَقُ (5) الرَّزْقَ وَيُبْطِلُ الدِّينَ. (6)

1- الفردوس: ج 2 ص 73 ح 2413 عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 402 ح 41560 وفيه «الكناسة» بدل «الخيانة».

2- جامع الأحاديث للقمي: ص 141 وراجع: الفردوس: ج 5 ص 258 ح 8118.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 367 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ص 321 ح 3 عن أنس بن محمد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و ح 4 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، علل الشرائع: ص 480 ح 1 عن ابن إسحاق الخراساني عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 79 ص 22 ح 15.

4- الكافي: ج 2 ص 447 ح 1، معاني الأخبار: ص 269 ح 1، علل الشرائع: ص 584 ح 27 كلها عن مجاهد عن أبيه، الاختصاص: ص 238 عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 73 ص 374 ح 11.

5- المحقق: النقصان وذهاب البركة (لسان العرب: ج 10 ص 338 «محق»).

6- الكافي: ج 5 ص 541 ح 2 عن علي بن سالم.

16 / 9 خیانت

16 / 10 زنا

16 / 9 خیانت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برکت از خانه ای که در آن خیانت باشد، برداشته می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دست خدا روی دستِ دو شریک است، تا وقتی که یکی از آن دو به دیگری خیانت نکند. پس هر گاه یکی از آن دو، خیانت کند، خداوند، دست خود را از روی دست آنان بر می دارد و برکت، از هر دو می رود.

16 / 10 زنا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! زنا، شش اثر دارد؛ سه تا در دنیا و سه تا در آخرت. آنچه در دنیاست: شکوه را می برد، نابودی را شتاب می دهد، و روزی را قطع می کند. و آنچه در آخرت است: بدی (سختی) حساب، خشم خداوند، و جاودانگی در آتش.

امام صادق علیه السلام: گناهی که ... جلوی روزی را می گیرد، زناست.

امام کاظم علیه السلام: از زنا پرهیز، که روزی را می کاهد و دین را خراب می کند.

أبو الحسن عليه السلام: إِيَّاكَ وَالرِّزْنَ! فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبَرَكَةَ، وَيُهْلِكُ الدِّينَ . (1)

11 / 16 الكذِّبِرَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْكَذِبُ يَنْقُصُ الرَّزْقَ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام: إِعْتِيَادُ الْكَذِبِ يورِثُ الْفَقْرَ . (3)

12 / 16 الْمَالُ الْحَرَامُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَكْسِبُ عَبْدٌ مَالاً مِنْ حَرَامٍ فَيَنْفِقُ مِنْهُ فَيُبَارِكُ لَهُ فِيهِ، وَلَا يَتَصَدَّقُ بِهِ فَيَقْبَلَ مِنْهُ، وَلَا يُتْرَكَ خَلْفَ ظَهْرِهِ إِلَّا كَانَ زَادَةً إِلَى النَّارِ . (4)

أبو الحسن عليه السلام: إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي، وَإِنْ نَمَى لَا يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ، وَمَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهِ، وَمَا خَلَّفَهُ كَانَ زَادَةً إِلَى النَّارِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: كَثْرَةُ السُّحْتِ يَمْحَقُ الرَّزْقَ . (6)

1- الكافي: ج 5 ص 542 ح 6 عن عليّ بن سويد .

2- مساوي الأَخلاق للخرائطي: ص 58 ح 117، إحياء العلوم: ج 3 ص 198، المغني عن حمل الأسفار: ج 2 ص 806 ح 2952، كنز العمال: ج 3 ص 623 ح 8220 نقلاً عن الخرائطي في مساوي الأَخلاق؛ الأمالي للشجري: ج 1 ص 52 وج 2 ص 118 كلّها عن أبي هريرة .

3- الخصال: ص 505 ح 2 عن سعيد بن علاقة، مشكاة الأنوار: ص 229 ح 645، روضة الواعظين: ص 499، بحار الأنوار: ج 76 ص 314 ح 1 .

4- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 34 ح 3672، شُعب الإيمان: ج 4 ص 396 ح 5524 وفيه «فَيَتَصَدَّقُ فَيَنْفِقُ» وكلاهما عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 4 ص 17 ح 9280 وح 9281 نقلاً عن ابن النجار عن ابن مسعود وج 15 ص 862 ح 43431 .

5- الكافي: ج 5 ص 125 ح 7 عن داود الصّرّمي .

6- تحف العقول: ص 372، بحار الأنوار: ج 78 ص 256 ح 133 .

16 / 11 دروغ

16 / 12 مال حرام

امام هادی علیه السلام: از زنا پرهیز، که برکت را می برد و دین را تباه می سازد.

16 / 11 دروغ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دروغ، روزی را کم می کند.

امام علی علیه السلام: عادت به دروغگویی، تهی دستی می آورد.

16 / 12 مال حرام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده، مالی را از حرام به دست آورد، چنانچه از آن، انفاق کند، برایش در آن برکت قرار داده نمی شود، و چنانچه از آن، صدقه دهد، از او قبول نمی شود، و چنانچه بعد از او باقی بماند، ره توشه او به جهنم خواهد بود.

امام هادی علیه السلام: همانا حرام، افزایش نمی یابد و اگر افزایش یابد، برکتی در آن نیست، و اگر آن را انفاق کند، پاداشی نمی برد، و آنچه بر جای می گذارد، توشه اش به سوی آتش خواهد بود.

امام صادق علیه السلام: زیاد شدن کسب حرام، روزی را نابود (/ بی برکت) می سازد.

16 / 13 الإسراف لإمام علي عليه السلام: لا غنى مع إسرافٍ . (1)

عنه عليه السلام: الإسرافُ يُفني الكثيرَ ، الإقتصادُ يُنمي اليسيرَ . (2)

عنه عليه السلام: القصدُ مثراً ، والسرفُ متواةً . (3)

عنه عليه السلام: كثرةُ السرفِ تُدمرُ . (4)

عنه عليه السلام: كم ترفٍ (5) من سرفٍ! (6)

الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ مع الإسرافِ قلةُ البركةِ . (7)

عنه عليه السلام: إنَّ السرفَ يورثُ الفقرَ ، وإنَّ القصدَ يورثُ الغنى . (8)

الإمام الكاظم عليه السلام: من بذرَ وأسرفَ زالت عنه النعمةُ . (9)

16 / 14 البخل للكتاب «وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَعْنَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى * وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى» . (10)

- 1- .غرر الحكم : ج 6 ص 363 ح 10538 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 531 ح 9664 .
- 2- .غرر الحكم : ج 1 ص 139 ح 515 و 514 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 42 و 970 و 969 .
- 3- .الكافي : ج 4 ص 52 ح 4 عن علي بن محمد رفعه ، مجمع البحرين : ج 1 ص 234 .
- 4- .غرر الحكم : ج 4 ص 597 ح 7122 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 390 ح 6613 .
- 5- .في بحار الأنوار: « قرف » بدل « ترف » .
- 6- .مطالب السؤل : ج 1 ص 234 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 12 ح 70 .
- 7- .الكافي : ج 4 ص 55 ح 3 عن ابن أبي يعفور ويوسف بن عمار(ة) .
- 8- .الكافي : ج 4 ص 53 ح 8 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 174 ح 3659 كلاهما عن عبيد بن زرارة .
- 9- .تحف العقول : ص 403 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 327 ح 4 .
- 10- .الليل : 8 _ 11 .

13 / 16 اسراف امام علی علیه السلام: با اسراف ، بی نیازی نخواهد بود.

امام علی علیه السلام: اسراف ، فراوان را نابود می کند [و] میانه روی، اندک را افزایش می دهد.

امام علی علیه السلام: میانه روی ، افزایش دهنده است و اسراف، نابود کننده .

امام علی علیه السلام: اسراف فراوان ، [زندگی را] نابود می سازد.

امام علی علیه السلام: ای بسا بیماری که ریشه در اسراف (زیاده روی در خوراك) دارد.

امام صادق علیه السلام: اسراف ، با کم برکتی همراه است .

امام صادق علیه السلام: اسراف ، تهی دستی می آورد و میانه روی، بی نیازی می بخشد.

امام کاظم علیه السلام: هر کس ولخرجی و اسراف کند ، نعمت از او زایل می شود.

14 / 16 بخلقرآن «و اما کسی که بخل ورزد و احساس بی نیازی کند و وعده نیک [خدا] را دروغ پندارد ، سختی را برایش فراهم می سازیم

و مالش برای او کارساز نیست ، آن گاه که نابود گردد» .

الحديث الكافي عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام في قول الله عز وجل: «وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى» _ قَالَ: بَخِلَ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ عز وجل . «وَوَكَّدَبَ بِالْحُسْنَى» بِأَنَّ اللَّهَ يُعْطِي بِالْوَاحِدَةِ عَشْرَةَ إِلَى مِئَةِ أَلْفٍ فَمَا زَادَ . «فَسُنِّيَتْهُ لِطَعْنِي» قَالَ: لَا يُرِيدُ شَيْئًا مِنَ الشَّرِّ إِلَّا يَسْرَهُ لَهُ . «وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى» قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا هُوَ تَرَدَّى فِي بِنْرِ وَلَا مِنْ جَبَلٍ وَلَا مِنْ حَائِطٍ ، وَلَكِنْ تَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما مَحَقَّ الْإِيمَانَ مَحَقَّ الشُّحِّ شَيْءٌ... إِنَّ لِهَذَا الشُّحِّ دَبِيبًا كَدَيْبِ النَّمْلِ ، وَشُعْبًا كَشُعْبِ الشَّرِكِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: ما مَحَقَّ الْإِسْلَامَ مَحَقَّ الشُّحِّ شَيْءٌ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْعُ الْخُبْزِ يَمْحَقُ الْبِرْكَاتِ . (4)

15 / 16 مَنْعُ الزَّكَاةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا . (5)

1- الكافي: ج 4 ص 46 ح 5 ، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 109 ح 316 عن سعد بن طريف .

2- الخصال: ص 26 ح 93 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج 73 ص 301 ح 8 ، مستدرک الوسائل: ج 7 ص 27 ح 7554 نقلًا عن كتاب الأخلاق لأبي القاسم الكوفي وفيه صدره نحوه .

3- الكافي: ج 4 ص 45 ح 5 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 63 ح 1716 ، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 295 ح 921 ، عوالي اللآلي: ج 1 ص 377 ح 112 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 307 ح 34 ؛ مسند أبي يعلى: ج 3 ص 405 ح 3475 ، المعجم الأوسط: ج 3 ص 175 ح 2843 كلاهما عن أنس ، كنز العمال: ج 3 ص 448 ح 7386 .

4- الفردوس: ج 4 ص 150 ح 6465 عن الإمام الحسين عليه السلام .

5- الكافي: ج 2 ص 374 ح 2 و ج 3 ص 505 ح 17 وليس فيه «من الزرع...» ، ثواب الأعمال: ص 301 ح 1 ، علل الشرائع: ص 584 ح 26 ، الأمالي للصدوق: ص 385 ح 493 كلُّها عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 73 ص 369 ح 13 و ج 96 ص 15 ح 32 و ج 100 ص 46 ح 3 .

16 / 15 ندادن زکات

حدیث‌الکافی_ به نقل از سعد بن طریف ، از امام باقر علیه السلام_ : «و اما کسی که بخل ورزد و احساس بی نیازی کند» ، [یعنی]نسبت به آنچه خداوند به او داده است، بخل ورزد . «و وعده نیک [خدا] را دروغ پندارد» ، [یعنی : آنچه را] خدا وعده داده است که در مقابل یکی ، ده تا صد هزار و بیشتر ، پاداش می دهد . «سختی را برایش فراهم می سازیم» ، [یعنی] : هیچ بدی را اراده نمی کند، مگر آن که برایش آسان می سازد . «و مالش برای او کارساز نیست، آن گاه که نابود گردد» . به خدا سوگند ، مقصود [از نابود گشتن]، افتادن در چاه یا افتادن از کوه یا دیوار نیست؛ بلکه افتادن در آتش دوزخ است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ چیز ، همانند بخل ، ایمان را نابود نمی سازد این بخل را حرکتی همچون حرکت مورچه و شعبه هایی همچون شعبه های شرک است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ چیز ، همانند بخل ، اسلام را از بین نبرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دریغ کردن نان [از نیازمندان] ، برکت را از بین می برد.

16 / 15 ندادن زکات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه [مردم] زکات ندهند ، زمین ، برکت خود را از زراعت و میوه ها و معادن، از همه اینها ، بر می گیرد .

16 / 16 مَنَعَ حَقَّ الْمُسْلِمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ حَبَسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَةَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ .
(1)

16 / 17 غُشُّ الْمُسْلِمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ ، نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَةَ رِزْقِهِ . (2)

16 / 18 الْخُضُوعُ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا إِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَلَمْ يَخَالَفْهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَا ، أْخَمَلَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا ، وَمَقَّتَهُ عَلَيْهِ ، وَوَكَّلَهُ إِلَيْهِ ؛ فَإِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَا فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا بَرَكَةً مِنْهُ . (3)

16 / 19 الْإِبْتِعَادُ عَنِ الْعُلَمَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى النَّاسِ يَقْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَقْرُ الْغَنَمُ عَنِ الذَّنْبِ ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ ابْتَلَاهُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ : الْأَوَّلُ : يَرْفَعُ الْبَرَكَةَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ ، وَالثَّانِي : سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا ، وَالثَّلَاثُ : يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلَا إِيْمَانٍ . (4)

-
- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 15 ح 4968 ، الأمالي للصدوق : ص 516 ح 707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 335 وح 104 ص 293 ح 2 .
 - 2- .ثواب الأعمال : ص 337 ح 1 عن أبي هريرة وابن عباس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 365 ح 30 .
 - 3- .الكافي : ج 5 ص 105 ح 3 ، الأمالي للمفيد : ص 100 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 294 ح 1 كلُّها عن حديد ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 330 ح 914 عن حريز ، فقه الرضا : ص 367 ح 100 عن العالم عليه السلام وفيه «أهمله» بدل «أخمله» وليس فيه «فصار إليه منه شيء» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 108 ح 11 .
 - 4- .جامع الأخبار : ص 456 ح 995 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 453 ح 11 .

16 / 16 ندادن حق مسلمانان

16 / 17 فریب دادن مسلمان

16 / 18 فروتنی در برابر دنیاداران

16 / 19 دوری از دانشمندان

16 / 16 ندادن حق مسلمانپيامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چیزی از حق برادر مسلمانش را نگه دارد [و به او ندهد] ، خداوند ، برکت روزی را بر او حرام می کند، مگر آن که توبه کند.

16 / 17 فریب دادن مسلمانپيامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برادر مسلمانش را بفریبد ، خداوند، برکت روزی اش را از او می گیرد.

16 / 18 فروتنی در برابر دنیاداران امام صادق علیه السلام: هر کس در برابر يك قدرتمند و یا کسی که با او در دینش مخالف است ، فروتنی کند تا از دنیایی که در دست اوست، به دست آورد ، خداوند ، او را بی نام و نشان می کند و نزد آن شخص منفورش می گرداند و او را به همان شخص وا می گذارد ، و اگر به چیزی از دنیای او هم دست یافت و چیزی به دستش رسید ، خداوند ، برکت را از آن می گیرد .

16 / 19 دوری از دانشمندانپيامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر مردم خواهد آمد که آنان از عالمان می گریزند ، آن گونه که گوسفند از گرگ می گریزد . هر گاه چنین شد، خداوند ، آنان را به سه چیز مبتلا- می سازد: یکم: برکت را از اموالشان بر می دارد؛ دوم: حاکمی ستمگر را بر آنان مسلط می سازد؛ و سوم: از دنیا، بی ایمان خارج می شوند.

16 / 20 تَعَلَّمُ الْعِلْمَ رِيَاءً رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَسُدَّ مَعَهُ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا، نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ، وَضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ، وَوَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ وَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ. (1)

16 / 21 الْحَلْفُ عِنْدَ الْبَيْعِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَلْفُ مَنْفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلْبِرَّةِ. (2)

الإمام علي عليه السلام: بيعوا ولا تحلفوا؛ فإنَّ اليمينَ تُنفِقُ السَّلْعَةَ وَتَمَحِّقُ البِرَّةَ. (3)

عنه عليه السلام: إيتاكم والحلف! فإنه يُنفِقُ السَّلْعَةَ، وَيَمَحِّقُ البِرَّةَ. (4)

-
- 1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 348 ح 2660 عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج 77 ص 100 ح 1.
 - 2- صحيح البخاري: ج 2 ص 735 ح 1981، سنن أبي داود: ج 3 ص 245 ح 3335 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 16 ص 699 ح 46399 وص 697 ح 46384؛ مسند زيد: ص 256 عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله.
 - 3- المناقب للخوارزمي: ص 121 ح 136، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ج 62 ص 96، المناقب للكوفي: ج 2 ص 602 ح 1103 كلّها عن أبي مطر، كنز العمال: ج 13 ص 183 ح 36547؛ كشف الغمّة: ج 1 ص 164 عن أبي مطر، مسند زيد: ص 256 عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليه السلام وليس فيه صدره، بحار الأنوار: ج 40 ص 332 ح 14.
 - 4- الكافي: ج 5 ص 162 ح 4 عن أبي إسماعيل رفعه، الغارات: ج 1 ص 110 عن أبي سعيد الخدري، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 13 ح 57 عن الإمام الصادق عليه السلام مع تقديم وتأخير، بحار الأنوار: ج 103 ص 102 ح 44.

16 / 20 علم آموزی ریایی

16 / 21 سوگند خوردن به هنگام فروش

16 / 20 علم آموزی ریایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از روی ریا یا شهرت طلبی و به قصد دنیاخواهی علم بیاموزد، خداوند، برکتش را از آن می گیرد، زندگی اش را بر او تنگ می سازد و او را به حال خودش وا می گذارد، و هر کس که خدا او را به حال خودش وا گذارد، هلاک شده است.

16 / 21 سوگند خوردن به هنگام فروشی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند خوردن، به کالا رونق می بخشد؛ اما برکت را از بین می برد.

امام علی علیه السلام: داد و ستد کنید و سوگند نخورید؛ چرا که سوگند خوردن، کالا را رونق می بخشد، اما برکت را از بین می برد.

امام علی علیه السلام: از سوگند خوردن پرهیزید؛ چرا که کالا را رونق می بخشد و برکت را از بین می برد.

الكافي عن أبي حمزة رفعه: قام أمير المؤمنين عليه السلام على دار ابن أبي مُعَيْطٍ، وكان يُقامُ فيها الإِبِلُ، فقَالَ: يا معاشِرَ السَّمَاوِيَةِ، أَقْلُوا الأَيْمَانَ! فَإِنَّهَا مَنْفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلرِّبْحِ. (1)

16 / 22 تَرَكَ البَسْمَلَةَ عِنْدَ الأَكْلِ رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَلَا بَرَكَةَ فِيهِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا وُضِعَتِ المَائِدَةُ حَفَّتْهَا أَرْبَعَةٌ أَلْفِ مَلِكٍ، فَإِذَا قَالَ العَبْدُ: بِسْمِ اللّهِ، قَالَتِ المَلَائِكَةُ: بَارَكَ اللّهُ عَلَيْكُمْ فِي طَعَامِكُمْ، ثُمَّ يَقُولُونَ لِلشَّيْطَانِ: أَخْرِجْ يَا فَاسِقُ، لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيْهِمْ. (3)

16 / 23 بَيْعُ العَقَارِ رسول الله صلى الله عليه وآله: اللّهُمَّ مَنْ بَاعَ رِبَاعَهُ فَلَا تُبَارِكْ لَهُ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُبَارِكُ فِي ثَمَنِ أَرْضٍ وَلَا دَارٍ لَا يُجْعَلُ فِي أَرْضٍ وَلَا دَارٍ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ بَاعَ دَارًا وَلَمْ يَشْتَرِ بِثَمَنِهَا دَارًا، لَمْ يُبَارِكْ لَهُ فِيهَا أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ ثَمَنِهَا. (6)

-
- 1- الكافي: ج 5 ص 162 ح 2.
 - 2- تاريخ دمشق: ج 60 ص 325 عن عقبة بن عامر، كنز العمال: ج 15 ص 238 ح 40741.
 - 3- الكافي: ج 6 ص 292 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.
 - 4- الكافي: ج 5 ص 92 ح 7، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 170 ح 3643 وفيه «رقعة من أرض» بدل «رباعه» وكلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 19 ص 119 ح 4.
 - 5- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 402 ح 1650 عن سعيد بن زيد، كنز العمال: ج 3 ص 54 ح 4564.
 - 6- السنن الكبرى: ج 6 ص 55 ح 11174 عن حذيفة، كنز العمال: ج 3 ص 54 ح 5462.

16 / 22 بسم الله نكفتن به هنگام خوردن

16 / 23 فروش ملك

الكافى_ به نقل از ابو حمزه ، كه سند آن را به امام على عليه السلام رسانده است _ :امير مؤمنان عليه السلام بر در خانه ابن ابى مُعِيط _ كه در آن، شتر براى فروش نگهدارى مى شد _ ايستاد و فرمود: «اى گروه دلالان! كم سوگند بخوريد؛ چرا كه سوگند خوردن کالا را مى كاهد و سود را از بين مى برد».

16 / 22 بسم الله نكفتن به هنگام خوردن پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر غذايى كه نام خدا بر آن گفته نشود ، درد است و بركتى ندارد.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر گاه سفره نهاده مى شود ، چهار هزار فرشته در اطراف آن گرد مى آيند . چون بنده بگويد : «بسم الله» ، فرشتگان مى گويند: «خداوند، به غذايتان بركت دهد!». سپس به شيطان مى گويند : «اى فاسق! بيرون شو . تو بر آنان، راه تسلط ندارى».

16 / 23 فروش ملك پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :خدايا! هر كه خانه مسكونى اش را مى فروشد، برايش مبارك مگردان .

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :بهاى زمين يا خانه اى كه در خريد زمين يا خانه ديگر خرج نشود ، بركت ندارد.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر كس خانه اى بفروشد و با پول آن خانه اى نخرد، نه آن خانه برايش بركت خواهد داشت، نه بهاى آن.

الإمام الصادق عليه السلام: مُشْتَرِي الْعُقْدَةِ مَرْزُوقٌ، وَبَائِعُهَا مَمْحُوقٌ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: ثَمَنُ الْعَقَارِ مَمْحُوقٌ، إِلَّا أَنْ يُجْعَلَ فِي عَقَارٍ مِثْلِهِ. (2)

راجع: ص 8 (البركة / الفصل الثالث عشر: حِرْفَ ذَاتِ بَرَكَةٍ / الزراعة).

16 / 24 الشُّرَاءُ مِنَ الْمُحَارِفِ إِلَى إِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ - يَا وَلِيدُ، لَا تَشْتَرِ لِي مِنْ مُحَارِفٍ شَيْئًا؛ فَإِنَّ خُلُطَتَهُ لَا بَرَكَةَ فِيهَا (3).

عنه عليه السلام: لَا تَشْتَرِ مِنْ مُحَارِفٍ؛ فَإِنَّ صَفَقَتَهُ لَا بَرَكَةَ فِيهَا. (4)

16 / 25 نَوْمُ الْغَدَاةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ. (5)

-
- 1- الكافي: ج 5 ص 92 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 388 ح 1156 كلاهما عن وهب الحريري، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 169 ح 3641 وفيه «العقار» بدل «العقدة».
 - 2- الكافي: ج 5 ص 92 ح 6 عن هشام بن أحمر.
 - 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 164 ح 3600، علل الشرائع: ص 526 ح 1 عن صبيح عن أبيه، الدعوات: ص 119 ح 279 وزاد في آخره «ولا تحالطوا إلا من نشأ في الخير»، بحار الأنوار: ج 103 ص 83 ح 3.
 - 4- الكافي: ج 5 ص 157 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 11 ح 41 وفيه «حرفته» بدل «صفقته» وكلاهما عن الوليد بن صبيح.
 - 5- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 158 ح 530 و 533، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 4 ص 180 ح 4731، مسند الشهاب: ج 1 ص 73 ح 65، تاريخ دمشق: ج 14 ص 343 ح 3605 كلُّها عن عثمان بن عفان، كنز العمال: ج 6 ص 473 ح 16613 عن أنس.

16 / 24 خرید از شخص کم بخت و کم روزی

16 / 25 خواب صبحگاهان

امام صادق علیه السلام: کسی که باغستان می خرد، روزی می یابد و کسی که آن را می فروشد، زیان می کند (مال باخته می گردد).

امام کاظم علیه السلام: پول زمین [و مِلْک]، از بین می رود، مگر آن که با آن، زمینی [یا مِلْکی] مانند همان خریده شود.

ر. ک: ص 9 (برکت / فصل سیزدهم: شغل های با برکت / کشاورزی).

16 / 24 خرید از شخص کم بخت و کم روزی امام صادق علیه السلام به ولید بن صَبیح _ ای ولید! برای من از آدم کم بخت و روزی، چیزی خرید مکن؛ چرا که معامله و معاشرت با او، بی برکت است.

امام صادق علیه السلام: از آدم بی بخت و روزی، خرید نکن؛ چرا که داد و ستد با او، برکت ندارد.

16 / 25 خواب صبحگاهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خواب بامدادی، جلوی روزی را می گیرد.

الإمام الصادق عليه السلام: نَوْمَةُ الْغَدَاةِ مَشْوَمَةٌ تَطْرُدُ الرَّزْقَ . (1)

عنه عليه السلام_ في قوله تعالى : «فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا» (2) _ : الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ ، فَمَنْ نَامَ فِي مَا بَيْنَهُمَا نَامَ عَنِ رِزْقِهِ . (3)

16 / 26 السُّؤَالُ الرَّسُولُ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا فَتَحَ رَجُلٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ يُرِيدُ بِهَا كَثْرَةَ إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِهَا قَلْبَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعْفِفْهُ اللَّهُ ، وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ . (5)

الإمام علي عليه السلام : السُّؤَالُ يُضْعِفُ لِسَانَ الْمُتَكَلِّمِ ، وَيَكْسِرُ قَلْبَ الشُّجَاعِ الْبَطَلِ ، وَيُوقِفُ الْحُرَّ الْعَزِيزَ مَوْقِفَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ ، وَيُذْهِبُ بِهَاءِ الْوَجْهِ ، وَيَمْحَقُ الرَّزْقَ . (6)

1- . تهذيب الأحكام : ج 2 ص 139 ح 540 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 502 ح 1441 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 74 ح 2181 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 182 ح 18 وج 86 ص 130 ح 2 .

2- . الذاريات : 4 .

3- . تهذيب الأحكام : ج 2 ص 139 ح 541 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 504 ح 1450 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 74 ح 2183 كلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 130 ح 2 .

4- . مسند ابن حنبل : ج 3 ص 434 ح 9630 ، شُعَبُ الْإِيمَانِ : ج 3 ص 233 ح 3413 وفيه «مسكة» بدل «مسألة» وكلاهما عن أبي هريرة ، الدر المنثور : ج 7 ص 360 ، كنز العمال : ج 3 ص 643 ح 8304 وج 6 ص 362 ح 16072 وص 506 ح 16748 .

5- . صحيح البخاري : ج 2 ص 519 ح 1361 عن ابن حزم وج 5 ص 2375 ح 6105 ، سنن الترمذي : ج 3 ص 374 ح 2024 ، الموطأ : ج 2 ص 997 ح 7 ، البداية والنهاية : ج 9 ص 4 كلهما عن أبي سعيد الخدري .

6- . غرر الحكم : ج 2 ص 141 ح 2110 .

امام صادق علیه السلام: خواب صبحگاهان، شوم است و روزی را می راند.

امام صادق علیه السلام در باره آیه: «سوگند به تقسیم کنندگان کار» _ فرشتگان، روزی آدمی زادگان را از طلوع سپیده تا طلوع آفتاب، تقسیم می کنند. پس هر کس در این فاصله بخوابد، از روزی اش محروم می شود. (1)

26 / 16 درخواست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مردی در درخواستی را به قصد افزایش مال ننگشود، مگر آن که خداوند، به این سبب، بر تنگ دستی او افزود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس عفاف ورزد، خداوند، نگاهش می دارد و هر کس بی نیازی نشان دهد [و درخواست نکند]، خداوند، بی نیازش می کند.

امام علی علیه السلام: درخواست، زبان گوینده را ناتوان می کند، دل قهرمان شجاع را می شکند، آزاده عزتمند را در جایگاه برده خوار قرار می دهد، آبرو را می برد، و روزی را نابود می سازد.

1- ظاهراً منظور این احادیث، مواردی است که نماز صبح، از آغاز وقت آن تا طلوع آفتاب، با خوابیدن، ترك شود.

16 / 27 الطَّعَامُ الْحَارُّ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطَّعَامُ الْحَارُّ غَيْرُ ذِي بَرَكَةٍ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ أُتِيَ بِطَعَامٍ حَارٍّ حِدًّا ، فَقَالَ : مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ . أَقْرَبُهُ حَتَّى يَبْرُدَ وَيُمْكِنَ ؛ فَإِنَّهُ طَعَامٌ مَمْحُوقُ
الْبَرَكَةِ . (2)

1- .الكافي : ج 6 ص 322 ح 3 ، المحاسن : ج 2 ص 174 ح 1486 كلاهما عن محمد بن حكيم ، بحار الأنوار : ج 66 ص 402 ح 11 و ص 410 ح 7 نقلاً عن مكارم الأخلاق ؛ المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 132 ح 7125 ، كنز العمال : ج 15 ص 249 ح 40802 كلاهما عن جابر وفيهما «أبردوا الطعام...» .

2- .الكافي : ج 6 ص 322 ح 2 ، المحاسن : ج 2 ص 173 ح 1483 كلاهما عن السكوني ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 117 ح 388 وليس فيهما «يبرد» ، بحار الأنوار : ج 66 ص 403 ح 15 .

16 / 27 غذای داغ

16 / 27 غذای داغ امام صادق علیه السلام: غذای داغ، برکت ندارد.

امام صادق علیه السلام: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، غذای بسیار داغی آوردند. فرمود: «خدای متعال، چنان نیست که به ما آتش بخوراند. بگذارید تا سرد و قابل خوردن شود؛ چون غذای داغ، غذایی بی برکت است».

36. برهان

اشاره

36. برهاندرآمدفصل یکم: ارزش برهانفصل دوم: ریشه برهانفصل سوم: آنچه «برهان» یا مشابه آن، نامیده شده استفصل چهارم: ویژگی برهان های خدا

برهان، در لغت

درآمدبرهان، در لغتواژه «برهان»، در لغت به معنای آوردن حجّت و دلیل روشن و قاطع است. صاحب بن عبّاد، در این باره می گوید: **الْبُرْهَانُ: بَيَانُ الْحُجَّةِ وَ إِضَاحُهَا**. (1) برهان، آوردن حجّت و واضح گردانیدن آن است. همچنین آزهری، به نقل از لیث، آورده است: **الْبُرْهَانُ: الْحُجَّةُ وَ إِضَاحُهَا**. (2) برهان، حجّت و واضح گردانیدن آن است. واژه شناسان، در ریشه شناسی «برهان»، دچار اختلاف نظر شده اند: الف - برخی الف و نون آن را زاید شمرده اند و برهان را مصدر ثلاثی مجرد از مادّه «بره» دانسته اند که بر معنای روشن و واضح، دلالت می کند. زمخشری

1- المحيط في اللغة: ج 3 ص 483 مادّه «بره».

2- تهذيب اللغة: ج 1 ص 322. ابن منظور، در ذیل مادّه «بره» می گوید: «الْبُرْهَانُ: الْحُجَّةُ الْفَاصِلَةُ لِمَا الْبَيِّنَةُ» و ذیل مادّه «برهن» می گوید: «الْبُرْهَانُ: بَيَانُ الْحُجَّةِ وَ إِضَاحُهَا» (لسان العرب: ج 13 ص 51 مادّه «برهن» و ص 476 مادّه «بره»).

می گوید: أبرة فلان: جاء بالبرهان؛ و «برهن» مؤلّد؛ و البرهان: بيان الحجّة و إيضاؤها؛ من البرهنة، و هي البيضاء من الجوارى. (1)

أبرة فلان، یعنی: «فلائی، برهانی را آورد» و واژه «برهن»، مؤلّد (غیر اصیل) است و بعداً ساخته شده است و برهان، آوردن حجّت و واضح گردانیدن آن است و از واژه «برهنة» گرفته شده که به معنای زنان سپیدروست. ب- برخی آن را رباعی مجرّد و فعل آن را «برهن» دانسته اند. جوهری، در موضع ذکر ماده «برهن» می گوید: البرهان: الحجّة؛ و قد برهنَ علیه، أى أقام الحجّة. (2) برهان، به معنای حجّت است و «قد برهنَ علیه»، یعنی: بر آن، برهان اقامه کرد. ج- گروهی نیز برهان را هم جزو ثلاثی ها آورده اند و هم جزو رباعی ها. (3) در مقام داوری و رفع اختلاف در این مقوله، می توان گفت: «برهان»، در اصل مصدر و از ماده «بره» است، به معنای «آوردن حجّت و دلیل روشن»؛ لیکن در فرآیند کثرت استعمال و فزونی انس ذهنی میان لفظ و معنای «برهان»، از این واژه، فعل ثلاثی مزیدی بر وزن فَعَلَنَ، (4) «منحوت» گشت و «برهن» به همان معنای «أبرة» به کار رفته است. سپس فزونی کاربرد «برهن» و غلبه استعمالی اش، چنان بین این لفظ و معنا در اذهان اهل گویش تازی، انس و پیوند ایجاد نمود که در کاربرد «برهن» و مشتقات آن، دیگر عنایتی به ماده «بره» نمی شد؛ یعنی ماده «برهن»، خود وضع مستقلّ می یابد و حقیقت، در معنای دلیل و برهان روشن آوردن، می گردد. با این توجّه، «برهن» از وزن «فَعَلَنَ» نیز به وزن «فَعَلَل» در می آید. از شواهد این سخن، فرآیند تاریخی کاربرد واژه های «برهان» و «برهن» و مشتقات آنها در گویش عرب و ذکر آنها در معاجم لغوی است (5). (6)

1- أساس البلاغة: ص 21 ماده «بره».

2- صحاح اللغة: ج 5 ص 2078 ماده «برهن». شایان ذکر، این که جوهری در ذیل ماده «بره»، هیچ یادی از واژه «برهان» و «برهن» نمی کند.

3- مانند آزه‌ری در تهذیب اللغة (ج 1 ص 322) که در ماده «بره»، آن را ذکر نموده، از لیث و ابن اعرابی نقل می کند که آنان، فعل «برهن» را از واژگان مؤلّد (زایا) می شمارند. سپس خود این احتمال را روا می شمارد که نون آن، اصلی باشد. همچنین، ر. ک: لسان العرب: ج 13 ص 51 ماده «برهن» و ص 476 ماده «بره»، تاج العروس: ج 18 ص 55 ماده «برهن» و ج 19 ص 15 ماده «بره»، المصباح المنیر: ص 46.

4- این فعل، از ابواب غیر مشهور و بر وزن عروضی فعل رباعی مجرّد است. اصطلاحاً این گونه افعال و مصادرشان را «منحوت» می نامند و این فعل، به فعل مجرّد، ملحق می شود. سیبویه، در کتاب خود، بابی با عنوان: «باب ما لحقته الزوائد من بنات الثلاثة و الحق بنات الأربعة، حتّی صار یجری مجری ما لا زیادة فیهِ، و صارت زیادة بمنزلة ما هو من نفس الحرف» باز کرده و سپس اوزان و مثال هایی را ذکر می کند. از جمله این اوزان است: «فَوَعَلْتُ»، «فَیَعَلْتُ»، «فَعَوَلْتُ»، «فَعَلَيْتُ» و «فَعَنْلْتُ». نمونه های آنها نیز: «حَوَقَلْتُ»، «بَیَطَرْتُ»، «هَیْنَمْتُ»، «جَهَوَرْتُ»، «قَلَسْتُ یَتُّ»، «قَلَسْتُ یَتُّ»، «قَلَسْتُ یَتُّ» و «شَدَّ یَطْنُتُّ» هستند که همگی را بر وزن عروضی «دَحْرَجْتُ» می آورد و سپس اوزان و مثال هایی را برای ملحقات به رباعی مزید، بر می شمارد؛ مانند: «تَقَلَسْتُ»، «تَشِیْطُنُّ»، «تَمَكَّنُّ»، «تَمَسَكُنُّ» که همگی بر وزن عروضی «تدحرج» آمده اند (ر. ک: الكتاب: ج 2 ص 402_404).

5- از نمونه ها و شواهدی که می توان برای این تحلیل برشمرد، ملاحظه کاربرد واژه «برهان» و عدم کاربرد فعل «برهن» و مشتقات آن در قرآن کریم و دیگر متون اسلامی تا اواخر قرن دوم هجری و نیز نوع ذکر آنها در کتب لغت شناسان کهن، میانی و متأخر است؛ زیرا لغویان کهن همچون خلیل بن احمد (م 170 ق)، تنها به ذکر ماده «بره» و «برهان» بسنده می کنند و اصلاً از فعل «برهن» و مشتقاتش

یاد نمی‌کنند و لغویان میانی مانند لیث (م ح 203ق) و ابن اعرابی (م ح 231ق)، از شاگردان خلیل، آن را با نوعی تردید، ذکر می‌کنند و احیانا مؤلّد می‌شمارند؛ ولی این واژه در گفتار لغویان متأخرتر از آنان، مانند جوهری (متوفای سال سیصد و نود و اندی) و آزهری (م ح 370ق)، جایگاه مستقر و جا افتاده تری می‌یابد و به صورت مادّه ای مستقل، آن را ذکر می‌نمایند. این فرآیند، در گفتار لغت شناسان متأخر، نمایان است (ر. ک: تهذیب اللّغة: ج 1 ص 322 ذیل مادّه «بره» و «برهن»، الصحاح: ج 5 ص 2078 ذیل مادّه «برهن»، لسان العرب: ج 13 ص 476 ذیل مادّه «بره» و ج 13 ص 51 ذیل مادّه «برهن»، تاج العروس: ج 18 ص 55 مادّه «برهن» و ج 19 ص 15 مادّه «بره»، المصباح المنیر: ص 46 موضع ذکر ماده «بره»).

6- گفتنی است که واژه شناسی این مبحث، توسط محقق ارجمند جناب آقای محمّد احسانی فر انجام ف گردیده است.

فرق میان «برهان» و «دلیل»

برهان، در قرآن و حدیث

اشاره

فرق میان «برهان» و «دلیل» ابو هلال عسکری، در بیان فرق میان برهان و دلیل، می گوید: **الْفَرْقُ بَيْنَ الْبُرْهَانِ وَالِدَّلِيلِ: الْبُرْهَانُ: الْحُجَّةُ الْقَاطِعَةُ الْمُنْفِيْدَةُ لِلْعِلْمِ، وَ اَمَّا مَا يُفِيْدُ الظَّنَّ فَهُوَ الدَّلِيْلُ**. (1) تفاوت میان برهان و دلیل، این است که برهان، به معنای حجت قاطع و مفید برای علم است؛ اما آنچه برای ظن، مفید باشد، دلیل است. باری! ریشه واژه «برهان» هر چه باشد، تردیدی نیست که این واژه از نظر واژه شناسان، به معنای دلیلی است که به روشنی و با قاطعیت بتواند مدعا را اثبات نماید؛ (2) اما به تدریج از معنای اصلی خود، فاصله گرفته و در اصطلاح منطق، به نوع خاصی از استدلال، اطلاق شده است. (3)

برهان، در قرآن و حدیث در قرآن و حدیث، «برهان» در معنای لغوی خود، یعنی دلیل واضح و روشن و مفید برای علم، اطلاق شده است. این واژه در قرآن، هفت بار به صورت مفرد (4) و یک بار به صورت تثنیه آمده است. (5)

1- معجم الفروق اللغوية: ص 97.

2- ر. ك: ترتيب كتاب العين: ص 80، لسان العرب: ج 13 ص 51 ماده «برهن»، الصحاح: ج 5 ص 2078 ماده «برهن»، تاج العروس: ج 18 ص 55 ماده «برهن»، المصباح المنير: ص 46 و... .

3- برای آشنایی با معنای اصطلاحی برهان، ر. ك: دائرة المعارف بزرگ اسلامی و دانش نامه جهان اسلام: ذیل واژه «برهان».

4- بقره: آیه 111، نساء: آیه 174، یوسف: آیه 24، انبیا: آیه 24، مؤمنون: آیه 117، نمل: آیه 64 و قصص: آیه 75.

5- قصص: آیه 32.

1. واژه های مشابه برهان در قرآن

الف - سلطان

ب - آیه

مهم ترین نکاتی که برای آشنایی با جایگاه برهان در قرآن و حدیث، قابل توجه اند، عبارت اند از:

1. واژه های مشابه برهان (1) در قرآن و حدیث، واژه هایی وجود دارند که در معنای برهان به کار می روند. این واژه ها عبارت اند از:

الف - سلطانبرهان، از آن رو که بر عقل ها و دل ها سلطه می یابد (2) و به انسان، قدرت مقابله با مخالفان اعتقادی را می دهد، سلطان نامیده می شود، مانند: «أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ» (3) یا دلیلی آشکار [در دست] دارید؟»

ب - آیهبرهان، دلیلی روشن و آشکار بر حقانیت آورنده آن است و از این رو، در برخی از موارد، از آن به «آیه» (4) تعبیر شده است، مانند:

1- برای توضیح بیشتر این واژه ها، ر. ک: دائرة المعارف قرآن: ج 5 ص 509 (اسامی و شئون برهان).

2- «سُمِّيَ الْحُجْبَةُ سُلْطَانًا وَ ذَلِكَ لِمَا يَلْحَقُ مِنَ الْهَجُومِ عَلَى الْقُلُوبِ وَ لَكِنْ أَكْثَرُ تَسَلُّطِهِ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ وَ الْحِكْمَةِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ حَبَّتْ رَا سُلْطَانٌ نَامِيْدَةٌ اَنْد؛ چْرا كه به دل ها هجوم می آورد، اما بیشترین تسلط آن، بر مؤمنانی است كه اهل علم و حكمت اند» (مفردات ألفاظ القرآن: ص 420 ماده «سلط»). در الميزان في تفسير القرآن (ج 11 ص 177) نیز آمده: «و السلطان هو البرهان لتسلطه على العقول؛ سلطان، همان برهان است؛ چرا كه بر عقل ها تسلط می یابد».

3- صافات: آیه 156. نیز، ر. ک: هود: آیه 96، ابراهیم: آیه 10، كهف: آیه 15، مؤمنون: آیه 45، نمل: آیه 36، دخان: آیه 19، طور: آیه 38 و ...

4- «الآية: هي العلامة الظاهرة؛ آیه، یعنی نشانه آشکار» (مفردات ألفاظ القرآن: ص 101 ماده «أى»).

ج - حَجَّتْ

د - يَتَنَّهُ

«ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (1) سِپس موسى و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار، فرستادیم». در این آیه، از عصای موسی علیه السلام و «ید بیضاء (دست ...))» و دیگر امور خارق العاده ای که به دست موسی علیه السلام ظاهر شد و حقیقت او را ثابت کرد، به «آیات» تعبیر شده است، در حالی که در آیه ای دیگر، از عصا و ید بیضا، به عنوان دو برهان، یاد گردیده است: «فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ (2) این دو [نشانه]، دو برهان از جانب پروردگار توست [که باید] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری]».

ج - حجتبرهان، دلیل قاطع و راهی روشن برای احقاق حق و ابطال باطل است. از این رو، «حجّت» (3) نامیده گردیده است، مانند: «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ (4) برهان رسا، ویژه خداست».

د - بینبرهان، دلیلی واضح، روشن و آشکار برای اثبات مدعا و تشخیص حق از باطل

1- مؤمنون: آیه 45. نیز، ر. ک: هود: آیه 96.

2- قصص: آیه 32.

3- «الْحُجَّةُ: الدَّلَالَةُ الْمُبَيِّنَةُ لِلْمَحَجَّةِ، أَيْ الْمَقْصِدُ الْمَسْتَقِيمُ الَّذِي يَقْتَضِي صِحَّةَ أَحَدِ النَّقِيضَيْنِ؛ حَجَّتْ، عِبَارَةٌ اسْتِزْهَاجِيَّةٌ مِنْ دَلِيلِ رُشْدٍ كُنْتُمْ كُنْتُمْ مَحَجَّةً، يَعْنِي رَاحَةً رَاسَةً، بِصُورَتِي كَيْفِيَّةٍ مِنْ طَرَفَيْنِ نَقِيضَيْنِ رَاحَةً رَاسَةً» (مفردات ألفاظ القرآن: ص 219 ماده «حج»).

4- انعام: آیه 149.

2. ارزش و اهمیت برهان

3. تأملی در آنچه برهان نامیده شده

است. از این رو، به آن «بیّنه» (1) اطلاق گردیده است، مانند: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ . (2) آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است؟». «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْتَةٍ . (3) تا کسی که [گم راه و] هلاک می شود، از روی برهان، هلاک گردد، و کسی که زنده می شود [و هدایت می یابد]، از روی برهان، زنده بماند».

2. ارزش و اهمیت برهانبر اساس قرآن و احادیث نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت بزرگوار ایشان، برهان، پایه و اساس اسلام در عقیده، اخلاق و عمل است. لذا مردم را بر مبنای برهان، به توحید، نبوت، معاد و امامت، و همچنین به ارزش های اخلاقی و عملی دعوت می نمایند و در يك کلام، از نظر اسلام، برهان، میزان و معیار سنجش حق و باطل است. اسلام، خود بر برهان تکیه می کند و از مخالفان نیز برهان طلب می نماید. (4)

3. تأملی در آنچه برهان نامیده شدهبا تأمل در آنچه در قرآن و حدیث، برهان نامیده شده (مانند: خود قرآن، انبیا، معجزات انبیا و اهل بیت علیهم السلام)، در کنار آیات و احادیثی که فطرت و عقل را معیار سنجش حق و باطل می دانند، به این نتیجه می رسیم که از نظر اسلام، عقل سلیم و فطرت پاک، پایه و اساس برهان است. معجزات انبیا، بدان جهت برهان نامیده

1- البَيِّنَةُ: الدَّلَالَةُ الواضِحَةُ عَقْلِيَّةٌ كَانَتْ أَوْ مَحْسُوسَةً؛ بَيِّنَةٌ، دَلِيلٌ وَّاضِحٌ وَرُوشَنٌ اسْتِ، خواه عقلی باشد یا محسوس (مفردات ألفاظ القرآن: ص 157 «بان»).

2- هود: آیه 17.

3- انفال: آیه 42.

4- ر. ك: بقره: آیه 156، انبیا: آیه 24، نمل: آیه 64، قصص: آیه 75.

4. اوصاف و انواع برهان های خداوند

شده که عقل، به روشنی دلالت آنها را بر صدق مدّعی نبوّت، درک می کند. انبیا، قرآن، اسلام و اهل بیت علیهم السلام، از آن رو، برهان نامیده شده اند که برنامه هایی که برای زندگی ارائه می دهند، منطبق با موازین عقلی و فطری است. همچنین نام گذاری موارد دیگری به برهان، نشانه هماهنگی آنها با فطرت و عقل است. بر این اساس، در اسلام، چیزی که ضدّ عقل و فطرت باشد، وجود ندارد و اگر چیزی به خدا و انبیا و اهل بیت علیهم السلام، نسبت داده شود که ضدّ عقل و فطرت است، قطعاً صحیح نیست. (1)

4. اوصاف و انواع برهان های خداوند بر پایه متون حدیثی ای که در فصل چهارم آمده، برهان های الهی با چهار صفت، توصیف شده اند: وضوح، بلوغ، شمول و دوام. آنچه قابل بحث و بررسی است، این که: آیا همه برهان های الهی، دارای این اوصاف هستند یا ویژگی های یاد شده به نوع خاصی از برهان های الهی اختصاص دارند؟ برای پاسخ به این سؤال، باید گفت: برهان های الهی، به دو دسته تقسیم می شوند: برهان های ظاهر و برهان های باطن، چنان که از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: *إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً؛ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ.* (2) برای خدا بر مردم، دو حجّت است: حجّتی بیرونی و حجّتی درونی. حجّت بیرونی، فرستادگان و پیامبران و امامان اند، و حجّت درونی، خردهایند.

1- این سخن، بدین معنا نیست که عقل می تواند به همه حقایق دینی، احاطه پیدا کند و برای مثال، گُنه خدا را درک کند یا حقیقت روح و ملائکه را کشف نماید. این امور، فوق عقل اند، نه ضدّ عقل.

2- ر. ک: ص 128 ح 28.

برهان های باطنی خداوند متعال ، یعنی برهان های فطری و عقلی ، دارای همه ویژگی هایی هستند که بدانها اشاره شد ، بدین معنا که همه انسان ها در طول تاریخ ، به طور واضح و روشن ، خوب و بد را ذاتا تشخیص می داده اند و برای نمونه ، می دانسته اند که عدل ، نیکوست و ظلم ، بد است . خداوند متعال ، در قرآن کریم ، در این باره فرموده است : « وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا . (1) سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد ، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن ، الهام کرد » . در حدیثی از امام صادق علیه السلام _ که می تواند به همین موضوع اشاره داشته باشد _ ، آمده است : ما مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ حُجَّةٌ . (2) هیچ بنده ای نیست ، مگر آن که خدا را بر او حجّتی است . اما برهان های ظاهری خداوند ، یعنی انبیا و اوصیای آنان ، دارای همه اوصافی که بدانها اشاره شد ، نیستند ؛ زیرا چه بسا حجّت های الهی به دلیل وجود مانع ، آشکار نباشند یا دستیابی همه مردم به آنها امکان پذیر نباشد ، چنان که امام مهدی علیه السلام قرن هاست که از دیده ها پنهان است . در این باره ، از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود : لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا ، وَإِمَّا خَائِفًا (3) مغمورا ؛ لَيْلًا تَبْطَلُ حُجَجَ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ . (4)

1- شمس : آیه 7 _ 8 .

2- ر . ك : ص 188 ح 142 .

3- در الأمالی طوسی ، در متن حدیث ، به جای « خائفا (بیمناک) » ، « مستترا (پنهان) » آمده است .

4- ر . ك : ص 192 ح 146 .

5. آثار پیروی از برهان

الف - رهایی از خرافه پرستی

زمین، از کسی که حجّت خدا را بر پا دارد، خواه آشکار و شناخته یا بیمناک و گم نام، خالی نمی ماند تا آن که حجّت ها و گواه های خدا از بین نروند. اما این که برهان پنهان و امام غایب، چه سودی برای جامعه دارد، مسئله دیگری است که توضیح آن در مبحث امامت گذشت. (1) نکته قابل توجه، این است که برهان باطنی، یعنی برهان فطری و عقلی، نمی تواند مبنا و معیار تکلیف الهی باشد. قرآن کریم، تصریح می فرماید: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا» (2) و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی پردازیم». این سخن، بدین معناست که هر چند انسان، خود می تواند اجمالاً خوب و بد را تشخیص دهد؛ لیکن تا تکالیف الهی از طریق پیامبران یا اوصیای آنان به انسان ابلاغ نشود، خداوند، او را مؤاخذه نخواهد کرد.

5. آثار پیروی از برهان پیروی از برهان، موجب معرفت یافتن به حقایق هستی و کامیابی مادی و معنوی، و دنیوی و آخروی است. مهم ترین آثار پیروی از برهان را در این عناوین می توان خلاصه کرد:

الف - رهایی از خرافه پرستی قرآن کریم با دعوت کردن مردم به پیروی از برهان، آنان را از خرافاتی مانند شرك و بت پرستی، (3) فرزنددار بودن خداوند متعال، (4) دختران خدا خواندن

1- ر. ک: همین دانش نامه: ج 6 ص 302 (پژوهشی در باره حکمت امامت و رهبری).

2- اسرا: آیه 15.

3- ر. ک: مؤمنون: آیه 117، انبیا: آیه 24، نمل: آیه 64، اعراف: آیه 71، یوسف: آیه 40 و...

4- ر. ک: یونس: آیه 68.

ب - رهایی از پیروی کورکورانه از دیگران**ج - دستیابی به یقین****د - برخورداری از امنیت****ه - پیروزی بر مخالفان**

فرشتگان، (1) گروه گرایی و نژادپرستی (2) و... باز می دارد.

ب - رهایی از پیروی کورکورانه از دیگران پیرو برهان، نمی تواند بدون دلیل روشن، از کسی پیروی کند. از این رو، پیروان راستین قرآن، هیچ گاه کورکورانه از پدر و مادر، شخصیت های معروف، احزاب و گروه های سیاسی و اجتماعی، دنباله روی نخواهند کرد. (3)

ج - دستیابی به یقین پیروی از برهان، انسان را از شك - که آفت زندگی معنوی است -، رهایی می بخشد (4) و به سر منزل یقین رسانده، به حقایق هستی، ره نمون می گردد. (5)

د - برخورداری از امنیتیکی از آثار مهم پیروی از برهان، احساس آرامش و امنیت روانی است که در نتیجه رسیدن به یقین، برای انسان، حاصل می شود و بدین سان، اولیای الهی در هیچ شرایطی احساس ناامنی، ترس و وحشت ندارند. (6)

ه - پیروزی بر مخالفان پیروان برهان، هیچ گاه در میدان مبارزه اعتقادی، شکست نمی خورند؛ زیرا برهان، آنها را با حق همراه می سازد. بر پایه سنت های ثابت الهی، حق، همواره بر

1- ر. ك: صافات: آیه 149_ 156، نجم: آیه 21.

2- ر. ك: بقره: آیه 111.

3- ر. ك: هود: آیه 88.

4- ر. ك: هود: آیه 17.

5- ر. ك: انعام: آیه 75_ 79 و 83.

6- ر. ك: انعام: آیه 81، انبیا: آیه 103، یونس: آیه 62 و 64.

6. آثار مخالفت با برهان**الف - پیروی از حدس و گمان****ب - پیروی از تمایلات نفسانی****ج - سرنوشت شوم**

باطل پیروز است و در میدان مبارزات سیاسی نیز پیروزی نهایی با پیروان برهان است. (1)

6. آثار مخالفت با برهانبر عکس آنچه گفته شد، مخالفت با برهان، مایه گم راهی و ناکامی مادی و معنوی است. شماری از خطرهای بی توجهی و مخالفت با برهان، عبارت اند از:

الف - پیروی از حدس و گمانکسی که آمادگی ندارد از عقل و برهان عقلی پیروی کند، طبعاً در زندگی، راهی جز پیروی از حدس و گمان ندارد. از این رو، در بسیاری از آیات قرآن، هنگامی که برهان یا علم نفی شده، در کنار آن، پیروی از گمان و تکیه بر تخمین، مطرح گردیده است. (2)

ب - پیروی از تمایلات نفسانیدومین خطری که در نتیجه مخالفت برهان، دامنگیر انسان می شود، پیروی از تمایلات نفسانی است. کسی که برهان را رها کند، ناگزیر در دام هوس ها و خواسته های نامشروع می افتد. لذا قرآن کریم، پیروی از هوای نفس را در کنار پیروی از گمان، نتیجه پیروی نکردن از برهان، شمرده است. (3)

ج - سرنوشت شومقرآن کریم، سرشار از یادآوری سرگذشت دردناک و عبرت آموز اقوامی است که در

1- ر. ک: انبیا: آیه 18، اسرا: آیه 81، مجادله: آیه 21، مائده: آیه 56 و

2- ر. ک: نجم: آیه 23 و 27-28، انعام: آیه 148، زخرف: آیه 20، نسا: آیه 157.

3- ر. ک: نجم: آیه 23، محمد: آیه 47.

برابر براهین روشن الهی ایستادند و خطرناک ترین سرنوشت ها را برای خویش ، رقم زدند . (1) روی گردانی اهل مَدین از حجت های روشنِ شعیب علیه السلام و فرجام هلاکتبار این قوم ، از نمونه های بارز این یادآوری هاست . (2)

1- ر . ك : دائرة المعارف قرآن کریم : ج 5 ص 516 .

2- ر . ك : هود : آیه 91_ 94 .

الفصل الأول : قيمة البرهان 1 / 1 مَبْنَى الدَّعْوَةِ إِلَى الْمَبْدَأِ الْكِتَابِ « أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ » . (1)

« أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ » . (2)

« وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ » . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ - يَا مَنْ فِي الْآفَاقِ آيَاتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ ... يَا مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنِيِّينَ ، يَا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاطِرِينَ . (4)

1- النمل : 64 .

2- الأنبياء : 24 .

3- المؤمنون : 117 .

4- البلد الأمين : ص 405 و 409 ، المصباح للكفعمي : ص 340 و 345 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 389 و 394 .

فصل یکم : ارزش برهان

1 / 1 پایه دعوت به خدا

فصل یکم : ارزش برهان 1 / 1 پایه دعوت به خداقرآن «آیا آن کس که آفرینش موجودات را می آغازد ، سپس آنها را باز می گرداند ، و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ بگو : اگر راست می گوید ، برهان خویش را بیاورید» .

«آیا به جای خداوند ، خدایانی برای خود گرفته اند؟ بگو : برهانتان را بیاورید . این است یادکرد هر که با من است و یادکرد هر که پیش از من بوده است ؛ [نه!] بلکه بیشترشان ، حق را نمی شناسند و در نتیجه ، از آن روی گردان اند» .

«و هر کس با وجود خداوند ، معبود دیگری را بخواند که برای آن برهانی ندارد ، حسابش فقط با پروردگارش است . بی تردید ، کافران ، رستگار نخواهند شد» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعای «جوشن کبیر» _ : ای آن که کران تا کران ، نشانه های [هستی] اوست ! ای آن که نشانه ها [یش] ، برهان [وجود و قدرت] اوست !... ای آن که راهش برای بازگشت کنندگان [به سوی] روشن است ! ای آن که نشانه هایش برای بینندگان ، برهان است !

الإمام علي عليه السلام_ في دُعاءِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ _ :سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ ، وَأَعْلَى مَكَانَكَ ، وَأَنْطَقَ بِالصِّدْقِ بُرْهَانَكَ . (1)

عنه عليه السلام_ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ خَطَبَهَا حِينَما سَأَلَهُ سَائِلٌ أَنْ يَصِفَ اللَّهَ تَعَالَى _ ... وَأَرَانَا مِنْ مَلَكُوتِ قُدْرَتِهِ ، وَعَجَائِبِ ما نَطَقَتْ بِهِ آثَارُ حِكْمَتِهِ ، وَاعْتِرَافِ الْحَاجَةِ مِنَ الْخَلْقِ إِلَى أَنْ يُقِيمَهَا بِمَسَاكِ قُوَّتِهِ ، ما دَلَّنَا بِاضْطِرَارِ قِيَامِ الْحُجَّةِ لَهُ عَلَى مَعْرِفَتِهِ ، فَظَهَرَتْ الْبِدَائِعُ الَّتِي أَحَدَتْهَا آثَارُ صَدِّقَتِهِ ، وَأَعْلَامُ حِكْمَتِهِ ، فَصَارَ كُلُّ ما خَلَقَ حُجَّةً لَهُ وَدَلِيلًا عَلَيْهِ ؛ وَإِنْ كَانَ خَلْقًا صَامِتًا ، فَحُجَّتُهُ بِالتَّدْبِيرِ ناطِقَةً ، وَدَلالَتُهُ عَلَى الْمُبْدِعِ قَائِمَةٌ . (2)

عنه عليه السلام :الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ ، وَالظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ ... ، فَدِ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ ، وَوَضَّحَتْ مَحَبَّةُ الْحَقِّ لِخَابِطِهَا (3) ، وَأَسْفَرَتْ السَّاعَةُ عَنْ وَجْهِهَا ، وَظَهَرَتْ الْعَلَامَةُ لِمُتَوَسِّمِهَا . (4)

عنه عليه السلام_ في بَيانِ احتِجاجِ اللَّهِ سُبْحانَهُ عَلَى الْمُلْحِدِينَ في دِينِهِ وَكِتابِهِ _ ... وَاحتِجَّ سُبْحانَهُ عَلَيْهِمْ ، وَأَوْضَحَ الْحُجَّةَ وَأَبَانَ الدَّلِيلَ ، وَأَثَبَتِ الْبُرْهَانَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ، وَمِنَ الْأَفَاقِ وَمِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ ، وَدَلالِ الْبُرْهَانِ ، وَأَوْضَحَ الْبَيَانَ في تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ ، كُلُّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى الصَّانِعِ الْقَدِيمِ ، الْمُدَبِّرِ الْحَكِيمِ ، الْخَالِقِ الْعَلِيمِ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ مِنْ دُعاءِهِ بَعْدَ الْعَصْرِ _ :قَدِّمْتُ الثَّقَةَ بِكَ وَسَيِّلَةً فِي اسْتِنْجَازِ مَوْعُودِكَ ... وَاسْتِرْشَادًا لِبُرْهَانِ آيَاتِكَ . (6)

1- البلد الأمين : ص 94 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 141 ح 7 .

2- نهج البلاغة : الخطبة 91 ، التوحيد : ص 52 ح 13 كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، وفيه من « فظهرت البدائع » ، بحار الأنوار : ج 57 ص 107 ح 90 .

3- الخبط : كل سير على غير هدى (لسان العرب : ج 7 ص 282 «خبط»).

4- نهج البلاغة : الخطبة 108 ، أعلام الدين : ص 63 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 34 ص 240 ح 999 .

5- بحار الأنوار : ج 93 ص 34 نقلاً عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام .

6- مصباح المتهجد : ص 395 ح 519 ، جمال الأسبوع : ص 285 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، البلد الأمين : ص

77 من دون إسناد إلى أحد أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 78 ح 2 .

امام علی علیه السلام_ در دعای روز جمعه _ : پاکا تو! وه که چه بزرگ است مقام تو، و چه بلند است پایگاه تو، و چه راستگوست برهان تو!

امام علی علیه السلام_ از سخنانی که چون خواهنده ای از او خواست تا خدای متعال را برایش وصف کند، آن را بیان فرمود _ : و از مظاهر قدرت بی کرانه اش، و نشانه های شگفت انگیز حکمتش، و نیازمندی گویای مخلوقات به قدرت نگه دارنده اش، به ما آن نشان داد که لاجرم، حجت خداوندی را تمام می کند و ما را به شناخت او، ره نمون می شود. پس بدایعی که آثار صُنع او و نشانه های حکمتش پدید آورده اند، آشکار است، و آنچه آفریده، حجت او و دلیل و راه نمای به سوی اوست. اگر مخلوقی خاموش [و بی زبان] باشد، تدبیر کردن آن، خود، حجت گویای اوست و دلیل بر آفریننده اش.

امام علی علیه السلام: سپاس، خدایی را که با آفرینش خود، برای آفریدگانش آشکار گشته و با حجت خویش، در دل های آنان، نمودار است اسرار پنهان، برای بینشوران هویدا شده و شاه راه حق، برای گام زندگان در آن، روشن گردیده و قیامت، پرده از رُخسارش برکشیده شده، و نشانه های آن برای نشانه شناسان، نمایان شده است.

امام علی علیه السلام_ در بیان حجت آوری خداوند سبحان برای انکار کنندگان دین و کتاب او _ : خداوند سبحان، برای آنان استدلال کرد، و حجت روشن و دلیل آشکار آورد و از وجود خودشان، و از عالم بیرون، و از آسمان ها و زمین، با مشاهدات عینی و دلایل برهان، برایشان اقامه برهان کرد و در قرآن، برایشان توضیحاتی آورد. همه اینها، دلیلی است بر وجود سازنده ازلّی و مدبّر فرزانه و آفریننده دانا.

امام زین العابدین علیه السلام_ از دعای ایشان بعد از نماز عصر _ : اعتماد به تو را وسیله ای برای تحقّق بخشیدن وعده ات ... و راه نمایی جستن از برهان نشانه هایت، قرار داده ام.

عنه عليه السلام: سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي... أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَظْهَرْتَ عَلَيْنَا حُجَّتَكَ، وَأَسْبَغْتَ (1) عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَهَدَيْتَنَا إِلَى تَوْحِيدِكَ، وَسَهَّلْتَ لَنَا الْمَسْلَكَ إِلَى النَّجَاةِ، وَحَدَّرْتَنَا سَبِيلَ الْمَهْلَكَةِ، فَكَانَ جَزَاؤُكَ مِنَّا أَنْ كَافَأْنَاكَ عَلَى الْإِحْسَانِ بِالْإِسَاءَةِ، اجْتِرَاءً مِنَّا عَلَى مَا أَسْحَطَ، وَمُسَارَعَةً إِلَى مَا بَاعَدَ مِنْ رِضَاكَ، وَاجْتِبَاطًا بِغُرُورِ آمَالِنَا، وَإِعْرَاضًا عَلَى زَوَاجِرِ آجَالِنَا. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ عَلَى النَّاسِ بِمَا آتَاهُمْ وَعَرَّفَهُمْ. (3)

عنه عليه السلام: إِنَّ أَمْرَ اللَّهِ كُلَّهُ عَجِيبٌ، إِلَّا أَنَّهُ قَدْ احْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمَا قَدْ عَرَّفَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ. (4)

عنه عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْزَلَ اللَّهُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (5). فَكَانَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ رَدٌّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ مِنْهُمْ، لَمَّا قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» فَكَانَ رَدًّا عَلَى الدَّهْرِيَّةِ (6) الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَا بَدَأَ لَهَا وَهِيَ دَائِمَةٌ، ثُمَّ قَالَ: «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ»، فَكَانَ رَدًّا عَلَى الثَّنَوِيَّةِ (7) الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّ النُّورَ وَالظُّلْمَةَ هُمَا الْمُدْبِرَانِ، ثُمَّ قَالَ: «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» فَكَانَ رَدًّا عَلَى مُشْرِكِي الْعَرَبِ الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّ أَوْثَانَنَا إِلَهَةٌ. ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» إِلَى آخِرِهَا، فَكَانَ رَدًّا عَلَى مَنْ ادَّعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ ضِدًّا أَوْ نِدًّا. قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَصْحَابِهِ: قُولُوا: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» أَي: نَعْبُدُ وَاحِدًا لَا نَقُولُ كَمَا قَالَتِ الدَّهْرِيَّةُ: إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَا بَدَأَ لَهَا وَهِيَ دَائِمَةٌ، وَلَا كَمَا قَالَتِ الثَّنَوِيَّةُ الَّذِينَ قَالُوا: إِنَّ النُّورَ وَالظُّلْمَةَ هُمَا الْمُدْبِرَانِ، وَلَا كَمَا قَالَ مُشْرِكُو الْعَرَبِ: إِنَّ أَوْثَانَنَا إِلَهَةٌ، فَلَا نَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ إِلَهًا كَمَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ الْكُفَّارُ، وَلَا نَقُولُ كَمَا قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى: إِنَّ لَكَ وَآدَا تَعَالَيْتَ عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا. قَالَ: فَذَلِكَ قَوْلُهُ: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى» (8) وَقَالَتْ طَائِفَةٌ غَيْرُهُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْكُفَّارِ مَا قَالُوا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مُحَمَّدُ: «تِلْكَ أَمَانِيَّتُهُمْ» الَّتِي يَتَمَنَّوْنَهَا بِلا حُجَّةٍ: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» وَحُجَّتَكُمْ عَلَى دَعْوَاكُمْ «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» كَمَا أَتَى مُحَمَّدٌ بِبُرَاهِينِهِ الَّتِي سَمِعْتُمُوهَا. (9)

1- إسباغُ النعمة: توسعتها (مجمع البحرين: ج 2 ص 810 «سبغ»).

2- بحار الأنوار: ج 94 ص 124 نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي.

3- الكافي: ج 1 ص 162 ح 1، التوحيد: ص 410 ح 2 كلاهما عن ابن الطيّار، المحاسن: ج 1 ص 369 ح 803 عن النضر بن قرواش، بحار الأنوار: ج 5 ص 196 ح 8.

4- الكافي: ج 1 ص 86 ح 3 عن إبراهيم بن عمر.

5- الأنعام: 1.

6- الدهرية: قوم يقولون: لا رب ولا جنّة ولا نار، ويقولون: ما يهلِكُنَا إِلَّا الدهر (مجمع البحرين: ج 1 ص 616 «دهر»).

7- الثنوية: هم فرقة من المجوس يُثبتون مبدئين: مبدأ للخير ومبدأ للشرّ، وهما النور والظلمة (مجمع البحرين: ج 1 ص 257 «ثنى»).

8- البقرة: 111.

9- الإحتجاج: ج 1 ص 45 ح 21، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 542 ح 324، بحار الأنوار: ج 9 ص 266 ح 1.

امام زین العابدین علیه السلام: پاکی تو، ای معبود من! ... ما را به شناخت خودت، گرامی داشتی و حجت را به ما شناساندی و نعمت هایت بر ما سرشار ساختی و به یکتایی ات، ره نمودمان گشتی و راه رسیدن به نجات را برایمان، هموار ساختی و از راهی که به نابودی می انجامید، هشدارمان دادی؛ اما پاداش تو از جانب ما این بود که نیکی تو را با بدی جبران کردیم، بدین گونه که به آنچه تو را ناخشنود می سازد، دست یازیدیم، و به آنچه از خشنودی تو دور می گرداند، شتافتیم و به فریب آرزوهایمان، شاد گشتیم و مرگ را که [یادش] باز دارند [از گناه و معصیت] است، از یاد بردیم.

امام صادق علیه السلام: خداوند، با آنچه به مردم داده (یعنی عقل و فهم) و به ایشان شناسانده (یعنی پیامبران و کتب آسمانی)، بر آنان اقامه حجت کرده است. (1)

امام صادق علیه السلام: کار خدا، همه اش شگفت انگیز است، جز آن که با شناختی که از خودش به شما داده، بر شما اقامه حجت کرده است.

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «خداوند، فرو فرستاده است: «سپاس، خدای را که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی ها را پدید آورد. با این همه، کسانی که کفر ورزیده اند، برای پروردگار خود، همتا قرار می دهند». در این آیه، پاسخی به سه گروه از ایشان است. این که فرموده: «سپاس، خدای را که آسمان ها و زمین را آفرید»، پاسخ به دَهریان است که می گویند: عالم، آغازی ندارد و همیشگی است. سپس فرمود: «و تاریکی ها و روشنایی ها را پدید آورد». این پاسخ، به ثنویان است که می گویند: روشنایی و تاریکی، تدبیر کننده آموزند. سپس فرمود: «با این همه، کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده اند، برای پروردگار خود، همتا قرار می دهند». در این [آیه]، پاسخی است به مشرکان عرب که می گفتند: بت های ما، خدایان ما هستند. سپس خداوند، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را تا آخرش، نازل فرمود، و این، پاسخی بود به کسانی که برای خدا، رقیب یا مانندی قائل بودند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود: بگویند: «تورا می پرستیم»؛ یعنی: یک خدا را می پرستیم و مانند دَهریان نمی گوئیم که: جهان، آغازی ندارد و همیشگی است، و نه مانند ثنویان که می گویند: روشنایی و تاریکی، مدبّر عالم اند، و نه چون مشرکان عرب که می گفتند: بت های ما، جزو خدایان هستند. پس چیزی را شریک تو نمی سازیم و غیر از تو، خدایی را نمی خوانیم، چنان که این کافران می گویند؛ و نه مانند یهود و نصارا که می گویند: تو دارای فرزند هستی، در حالی که تو بسی والاتر و برتر از این سخنانی. خداوند می فرماید: «و گفتند: هرگز به بهشت نمی رود، مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد»، و گروه دیگری از این کافران هم سخنانی دیگر گفتند. خدای متعال فرمود: ای محمّد! «این، آرزوهای ایشان است» که بی دلیل، در سر می پروراندند. «بگو: برهان خود را بیاورید» و حجّتتان را برای این ادّعیاتان، «اگر راست می گویند»، همچنان که محمّد، برهان های خود را که شنیدید، آورده است».

1- یا: خداوند، به مقدار عمل و فهمی که به مردم داده و مطابق خیر و شرّی که به آنها شناسانده است، از آنان، بازخواست می کند و بیش از این، از آنها مسئولیتی نمی خواهد.

بحار الأنوار عن صّحف إدريس عليه السلام: إنَّ في البَعُوضَةِ الَّتِي تَسْتَحِقُّهَا، وَالذَّرَّةَ (1) الَّتِي تَسْتَصْغِرُهَا مِنَ الْعَظَمَةِ لِمَنْ تَدَبَّرَهَا مَا فِي
أَعْظَمِ الْعَالَمِينَ، وَمِنَ اللَّطَائِفِ لِمَنْ تَفَكَّرَ فِيهَا مَا فِي الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، مَا يَخْلُو صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ مِنْ بُرْهَانٍ عَلَيَّ وَآيَةٍ فِيَّ. (2)

مصباح المتهدّد - فيما يُسْتَحَبُّ الدُّعَاءُ بِهِ قَبْلَ الشُّرُوعِ فِي نَوَافِلِ الزَّوَالِ - : وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَا بَيْنَهُمَا آيَاتٌ دَلِيلَاتٌ عَلَيْكَ،
تُؤَدِّي عَنْكَ الْحُجَّةَ، وَتَشْهَدُ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، مَوْسُومَاتٌ بِبُرْهَانٍ قُدْرَتِكَ وَمَعَالِمِ تَدْبِيرِكَ، فَأَوْصَدَ لَمْتَ إِلَى قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ مَعْرِفَتِكَ مَا آتَتْهَا
مِنْ وَحْشَةِ الْفِكْرِ، وَوَسْوَاسَةِ الصَّدْرِ. (3)

1- الذَّرُّ : النمل الأحمر الصغير، واحدها: ذرّة (النهاية: ج 2 ص 157 « ذرر »).

2- بحار الأنوار: ج 95 ص 458.

3- مصباح المتهدّد: ص 34 ح 38 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 78 ص 1359؛ شرح نهج
البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 255 ح 1 وفيه: «بأثار نعمتك» بدل «ببرهان قدرتك».

بحار الأنوار_ به نقل از صحف ادریس علیه السلام_ در پشه ای که شما به آن ، با دیده حقارت می نگرید و در مورچه ای که آن را خُرد [و بی مقدار] می شمارید ، برای کسی که در عظمت آنها تدبّر کند ، چنان عظمتی است که در بزرگ ترین موجودات هستی است . برای کسی که در آنها ریزبین باشد ، به اندازه همه موجودات عالم ، از ریزی بینی و دقایق برخوردارند . هیچ موجود کوچک و بزرگی از برهان بر [وجود] من و نشانه ای در باره من ، خالی نیست .

مصباح المتهجد_ در دعاهای مستحبیّی پیش از شروع نافله های ظهر_ :گواهی می دهم که آسمان ها و زمین ها و آنچه بین آنهاست ، نشانه هایی دالّ بر وجود تو هستند و از جانب تو ، حجّت می آورند و بر پروردگاری تو ، گواهی می دهند و برهان قدرت تو و علامت های تدبیر تو هستند . پس ، [از ره گذر اینها] چنان شناختی از خودت به دل های مؤمنان رساندی که آنها را از وحشت اندیشه و وسوسه سینه رهایی و آرامش بخشید .

1 / 2 مَبْنَى الدَّعْوَةِ إِلَى المَعَادِ الكِتَاب « وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ » . (1)

« وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ » . (2)

« وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ » . (3)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام_ في قَوْلِهِ تَعَالَى : « وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا » _ : مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْ هَذِهِ الأُمَّةِ إِمَامَهَا « فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ » . (4)

راجع : ص 120 (الفارق بين الحق والباطل) .

1- الروم : 27 .

2- البقرة : 111 .

3- القصص : 75 .

4- تفسير القمّي : ج 2 ص 143 عن أبي الجارود .

1 / 2 پایه دعوت به معاد

1 / 2 پایه دعوت به معاد قرآن (و اوست آن که آفرینش موجودات را می آغازد ، سپس آنها را باز می گرداند) .

(و گفتند : «هرگز به بهشت نمی رود ، مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد» . این ، آرزوهای ایشان است . بگو : برهانتان را بیاورید ، اگر راست می گوید» .

(و از میان هر امتی ، گواهی را بیرون می کشیم و می گوئیم : «برهان خود را بیاورید» . پس بدانند که حق ، از آن خداست و آنچه بر می بافتند ، از دستشان می رود» .

حدیث امام باقر علیه السلام_ در باره سخن خداوند متعال «و از میان هر امتی ، گواهی را بیرون می کشیم» _ : [یعنی] از هر گروهی از این امت ، پیشوایشان را [بیرون می کشیم] «و می گوئیم : «برهان خود را بیاورید» ، پس بدانند که حق ، از آن خداست و آنچه بر می بافتند ، از دستشان می رود» .

ر . ك : ص 121 (جدا سازنده حق از باطل) .

1 / 3 مَبْنَى الدَّعْوَةِ إِلَى التَّبَوُّةِ الْكِتَابِ « وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ يُبَدُّونَهَا وَتُحْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ » .
(1)

« قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ » . (2)

الحديث الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف عن أبي رافع: لَمَّا أَحْضَرَ نَبِيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَقَدْ وَجَّهَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ فَقَالَ لَهُ: أُحْكِمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَلَا تُجَاوِزْهُ؛ فَلَمَّا أُدْبِرَ قَالَ: كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ خُدِعَ. قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَلِمَ تُوَجَّهُهُ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ مَخْدُوعٌ؟ فَقَالَ: يَا بُنَيَّ، لَوْ عَمِلَ اللَّهُ فِي خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ مَا احْتَجَّ عَلَيْهِمُ بِالرُّسُلِ. (3)

الإمام علي عليه السلام: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِلَى كَمْ تَوْعَظُونَ وَلَا تَتَّعِظُونَ؟ فَكَمْ قَدْ وَعَظْتُمْ الْوَاعِظُونَ، وَحَدَّرْتُمْ الْمُحَدَّرُونَ، وَزَجَرْتُمْ الزَّاجِرُونَ، وَبَلَّغْتُمْ الْعَالِمُونَ، وَعَلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ دَلَّكُمْ الْأَنْبِيَاءُ وَالْمُرْسَلُونَ، وَأَقَامُوا عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ، وَأَوْضَحُوا لَكُمْ الْمَحَبَّةَ فَبَادِرُوا الْعَمَلَ. (4)

1- الأنعام: 91 .

2- يونس: 16 .

3- الطرائف: ص 511، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 261 عن عبد الله بن أبي رافع، بحار الأنوار: ج 41 ص 310 ح 39 .

4- غرر الحكم: ج 6 ص 463 ح 11000، عيون الحكم والمواعظ: ص 552 ح 10184 .

1 / 3 پایه دعوت به نبوت

1 / 3 پایه دعوت به نبوتقرآن «و آن گاه که [یهودیان] گفتند: «خدا، چیزی را بر بشری نازل نکرده است»، بزرگی خدا را _ چنان که باید _ نشناختند. بگو: «چه کسی آن کتابی را که موسی آورده، نازل کرده است؛ [همان کتابی را] که برای مردم، روشنایی و ره نمود است و آن را به صورت طومارها در می آورید؟!». [آنچه را] از آن [می خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می کنید، در صورتی که چیزی را که نه شما می دانستید و نه پدرانتان، [به وسیله آن] به شما آموخته شد. بگو: «خدا [همه را فرستاده]». آن گاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود، به بازی سرگرم شوند».

«بگو: اگر خدا می خواست، آن را بر شما نمی خواندم، و خدا هم شما را به آن، آگاه نمی گردانید. قطعاً پیش از [آوردن] آن، روزگاری در میان شما به سر برده ام [که درس نخوانده و خط ننوشته ام و ادّعایی نداشته ام و به ناگاه، این کتاب، بر زبانم جاری شده است]. پس آیا نمی اندیشید؟».

حدیثالطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف _ به نقل از ابورافع _ :امیر مؤمنان علیه السلام مرا به حضور طلبید و ابو موسی اشعری را [برای حکمیت] فرستاد و به او فرمود: «بر اساس کتاب خدا، داوری کن و از آن، فراتر مرو». چون ابو موسی رفت، امام علیه السلام فرمود: «می بینم که فریب خورده است». من گفتم: ای امیر مؤمنان! شما که می دانی فریبش می دهند. پس چرا او را فرستادی؟ فرمود: «پسرم! اگر خدا با خلقش به علم خود عمل می کرد، پیامبران را به عنوان حجّت بر آنان نمی فرستاد».

امام علی علیه السلام: ای مردم! تا کی شما را موعظه کنند و پند نگیرید؟ چه بسیار که اندرز دهندگان، شما را اندرز دادند و هشدار دهندگان، هشدارتان دادند و باز دارندگان، بازتان داشتند و دانشمندان، به شما ابلاغ کردند و پیامبران و فرستادگان [الهی]، شما را به راه نجات، ره نمون شدند و حجّت را بر شما تمام نمودند و راه راست را برایتان، روشن ساختند. پس، در عمل کردن بکوشید.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ النَّاسَ عَلَى الْفِطْرَةِ الَّتِي فَطَرَهُمُ اللَّهُ عَلَيْهَا، لَا يَعْرِفُونَ إِيْمَانًا بِشْرِيْعَةٍ وَلَا كُفْرًا بِجُحُودٍ، ثُمَّ ابْتَعَتْ اللَّهُ الرَّسُلَ إِلَيْهِمْ، يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِيْمَانِ بِاللَّهِ حُجَّةً لِلَّهِ عَلَيْهِمْ، فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَاهُ اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ يَهْدِهِ. (1)

عنه عليه السلام_ لِلرَّزْدِيقِ الَّذِي سَأَلَهُ: مِنْ أَيْنَ أُثْبِتُ الْأَنْبِيَاءَ وَالرُّسُلَ؟ _: إِنَّا لَمَّا أُثْبِتْنَا أَنَّ لَنَا خَالِقًا صَانِعًا مُتَعَالِيًا عَنَّا وَعَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقَ، وَكَانَ ذَلِكَ الصَّانِعُ حَكِيمًا مُتَعَالِيًا لَمْ يَجْزُ أَنْ يُشَاهِدَهُ خَلْقُهُ، وَلَا يُلَامِسُوهُ، فَيَبْأِشِرُهُمْ وَيُبَاشِرُوهُ، وَيُحَاجُّهُمْ وَيُحَاجُّوهُ، ثَبَّتَ أَنْ لَهُ سَفَرَاءٌ فِي خَلْقِهِ، يُعْبَرُونَ عَنْهُ إِلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَيَدُلُّونَهُمْ عَلَى مَصَالِحِهِمْ وَمَنَافِعِهِمْ وَمَا بِهِ بَقَاؤُهُمْ، وَفِي تَرْكِهِ فَنَاءُؤُهُمْ، فَثَبَّتَ الْأَمْرُونَ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ فِي خَلْقِهِ وَالْمُعْبَرُونَ عَنْهُ جَلَّ وَعَزَّ، وَهُمْ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصَفَوْتُهُ مِنْ خَلْقِهِ، حُكَمَاءَ مُؤَدِّبِينَ بِالْحِكْمَةِ، مَبْعُوثِينَ بِهَا، غَيْرَ مُشَارِكِينَ لِلنَّاسِ _ عَلَى مُشَارَكَتِهِمْ لَهُمْ فِي الْخَلْقِ وَالتَّرْكِيبِ _ فِي شَيْءٍ مِنْ أحوَالِهِمْ، مُؤَيَّدِينَ مِنْ عِنْدِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ بِالْحِكْمَةِ، ثُمَّ ثَبَّتَ ذَلِكَ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ مِمَّا أَتَتْ بِهِ الرَّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ مِنَ الدَّلَائِلِ وَالتَّبْرَاهِينِ، لِكَيْلَا تَخْلُوَ أَرْضُ اللَّهِ مِنْ حُجَّةٍ يَكُونُ مَعَهُ عِلْمٌ يَدُلُّ عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ وَجَوَازِ عَدَالَتِهِ. (2)

1 / 4 مَبْنَى الدَّعْوَةِ إِلَى الإِمَامَةِ الإمام علي عليه السلام_ فِي خُطْبَةِ الغَدِيرِ _: إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ، فِيهِ وَقَعَ الفَرَجُ، وَرُفِعَتِ الدَّرَجُ (3) وَوَضَحَتِ الحُجُجُ ... وَيَوْمُ البُرْهَانِ. (4)

-
- 1- .علل الشرائع : ص 121 ح 5 ، الكافي : ج 2 ص 417 ح 1 نحوه وكلاهما عن الحسين بن نعيم الصحَّاف ، بحار الأنوار : ج 11 ص 40 ح 39 .
 - 2- .الكافي : ج 1 ص 168 ح 1 ، التوحيد : ص 249 ح 1 ، علل الشرائع : ص 120 ح 3 كلَّها عن هشام بن الحكم ، الاحتجاج : ج 2 ص 213 ح 223 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 164 ح 2 وص 199 .
 - 3- .الدَّرَجُ : الذي يُكْتَبُ فِيهِ ، وكذلك الدَّرَجُ (لسان العرب : ج 2 ص 269 « درج ») .
 - 4- .مصباح المتهدِّج : ص 755 ح 843 عن الفياض بن محمَّد الطرسوسي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، المصباح للكفعمي : ص 923 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 43 ، بحار الأنوار : ج 37 ص 164 ح 40 .

1 / 4 پایه دعوت به امامت

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل مردم را بر فطرتی که در نهادشان سرشت (توحید)، آفرید. نه ایمان به شریعتی را می شناختند و نه کفر و انکاری را. سپس خداوند، پیامبران را به عنوان حجّت خود بر مردمان، به سوی ایشان فرستاد تا آنها را به ایمان به خدا، فرا خوانند. پس خدا، برخی از ایشان را هدایت کرد و برخی شان را هدایت نکرد.

امام صادق علیه السلام به زندیقی که از ایشان پرسید: پیامبران و فرستادگان خداوند را از چه راهی اثبات می کنی؟ _ چون ثابت کردیم که برای ما، آفریننده و سازنده ای است که از ما و از همه آنچه آفریده، برتر است و آن سازنده، فرزانه و والاست، به طوری که ممکن نیست آفریدگانش، او را ببینند یا با او در تماس باشند و در نتیجه، بتوانند با یکدیگر، ارتباط مستقیم و بی واسطه برقرار کنند و برای هم حجّت بیاورند، ثابت شد که برای او در میان آفریدگانش سفیرانی است که سخنان او را برای آفریدگان و بندگانش بیان می کنند و ایشان را به مصالح و منافعشان و به عوامل ماندگاری و نابودی شان، ره نمون می شوند. بنا بر این، ثابت می شود که در میان آفریدگانش، کسانی هستند که از جانب خدای فرزانه و دانا، امر و نهی می نمایند و سخنگوی او _ که بزرگ و عزّتمند است _ هستند. اینان، همان پیامبران صلی الله علیه و آله و برگزیدگان او از میان آفریدگانش هستند؛ حکیمانی که به حکمت، تربیت شده و به حکمت، برانگیخته شده اند و با آن که در خلقت و ساختمان بدنی، مانند دیگر مردمان اند، احوالشان به کلی با آنان، متفاوت است و از جانب خدای فرزانه دانا با حکمت، تأیید شده اند. سپس، آمدن فرستادگان و پیامبران در هر عصر و زمانی، از طریق دلایل و براهینی که آورده اند، ثابت می شود، تا زمین خدا از حجّت خالی نباشد؛ حجّتی که با او علمی باشد که بر راست بودن گفتارش و درستی عدالتش دلالت کند.

1 / 4 پایه دعوت به امامت امام علی علیه السلام در خطبه غدیر _ امروز، روزی بس ارجمند است. در این روز، گشایش حاصل شد، و نوشته [ی الهی]، بالا برده شد و حجّت ها [ی خدا]، آشکار شدند ... و روز برهان است.

الإمام الحسن عليه السلام: يبعث الله رجلاً في آخر الزمان... يملأ الأرض قسطاً وعدلاً ونوراً وبرهاناً. (1)

1 / 5 الفارق بين الحق والباطل لكتاب «وقالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصارى تلك أمانيهم قل هاتوا برهانكم إن كنتم صادقين» (2).

«قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغيبي له ما في السموات وما في الأرض إن عندكم من سلطان بهذا أتقولون على الله ما لا تعلمون». (3)

«قال ياقوم أراءيتم إن كنت على بينة من ربي وءاتاني منه رحمة فمن ينصرني من الله إن عصيته فما تريدونني غير تحسير». (4)

«هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه الهة لولا يأتون عليهم بسطان بين فمن أظلم ممن افترى على الله كذباً». (5)

راجع: الروم: 35، الطور: 38.

1- الإحتجاج: ج 2 ص 70 ح 158 عن زيد بن وهب الجهني، بحار الأنوار: ج 44 ص 20 ح 4.

2- البقرة: 111.

3- يونس: 68.

4- هود: 63.

5- الكهف: 15.

1 / 5 جدا سازنده حق از باطل

امام حسن علیه السلام: خداوند در آخر زمان، مردی را بر می انگیزد... که زمین را از برابری و دادگری و روشنایی و برهان، آکنده می کند

1 / 5 جدا سازنده حق از باطلقرآن» و گفتند: «هرگز به بهشت نمی رود، مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد». این، آرزوهای [واهی] ایشان است. بگو: اگر راست می گوئید، برهان خود را بیاورید».

گفتند: «خدا، فرزندی برای خود اختیار کرده است». منزه است او! او بی نیاز است! آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. شما را بر این [ادعا] حجّتی نیست. آیا چیزی را که نمی دانید، به دروغ، بر خدا می بندید؟».

گفت: ای قوم من! چه بینید اگر [در این دعوا] بر حجّتی روشن از پروردگار خود باشم و او از جانب خود، رحمتی به من داده باشد؟ پس اگر او را نافرمانی کنم، چه کسی مرا در برابر خدا، یاری می کند؟ در نتیجه، شما جز بر زیان من نمی افزایید».

«این قوم ما، جز او، معبودانی اختیار کرده اند. چرا بر [حقّانیت] آنها، برهانی آشکار نمی آورند؟ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد؟!».

ر. ك: روم: آیه 35، طور: آیه 38.

الحديث للإمام الصادق عليه السلام: الجِدَالُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ قَدْ قَرَنَهُ الْعُلَمَاءُ بِالَّذِينَ ، وَالْجِدَالُ بِغَيْرِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ مُحَرَّمٌ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَى شِيعَتِنَا ، وَكَيْفَ يُحَرَّمُ اللَّهُ الْجِدَالَ جُمْلَةً وَهُوَ يَقُولُ : « وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى » وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : « تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ » فَجَعَلَ عِلْمَ الصِّدْقِ وَالْإِيمَانَ بِالْبُرْهَانِ ، وَهَلْ يُؤْتَى بِبُرْهَانٍ إِلَّا فِي الْجِدَالِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ . (1)

1- الإحتجاج : ج 1 ص 24 ح 20 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 527 ح 322 كلاهما عن الإمام العسكري عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 2 ص 125 ح 2 .

حدیث امام صادق علیه السلام: جدال به شیوه نیکو را، علما با دین پیوند زده اند و جدال کردن به شیوه نانیکو، حرام است و خداوند، آن را بر پیروان ما، تحریم کرده است. چگونه ممکن است خداوند، جدال را به طور کلی حرام کند، در حالی که خود می فرماید: «وگفتند: هرگز به بهشت نمی رود، مگر کسی که یهودی یا نصرانی باشد» و خدای متعال، [در پاسخ آنان] فرمود: «این، آرزوهای [واهی] آنان است. بگو: برهانتان را بیاورید، اگر راست می گوئید». پس [خداوند] شناخت راستگویی و ایمان را در گرو آوردن برهان قرار داد، و مگر برهان، جز در جدال به شیوه نیکوتر آورده می شود؟!!

الفصل الثاني : أصل البرهان 1 / 2 الفِطْرَةُ الكِتَاب « فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ » . (1)

«فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» . (2)

الحديثالمحاسن عن رفاعة عن الإمام الصادق عليه السلام_ في قوله تعالى : « وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ » (3) _ قال [أبو عبد الله] عليه السلام : نَعَمْ ، لِلَّهِ الْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ، أَخَذَهُمْ يَوْمَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ هَكَذَا _ وَقَبَضَ يَدَهُ . (4)

1- .الروم : 30 .

2- .الشمس : 8 .

3- .الأعراف : 172 .

4- .المحاسن : ج 1 ص 377 ح 830 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 37 ح 103 نحوه وكلاهما عن رفاعة ، بحار الأنوار : ج 3 ص 280 ح

فصل دوم : ریشه برهان

2 / 1 فطرت

فصل دوم : ریشه برهان 1 / 2 فطرتقرآن «پس ، روی خود را با گرایش تمام به حق ، به سوی این دین (اسلام) بگردان ؛ همان آیین فطری خدا که مردم را بر پایه آن ، سرشته است . آفرینش خدا ، تغییرپذیر نیست . این است همان دین پایدار ؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند» .

«پس ، پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن ، الهام کرد» .

حدیثالمحاسن_ به نقل از رفاعه ، در باره این سخن خداوند متعال : «و آن گاه که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ، ذریّه آنان را بر گرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که : آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند : چرا» _ :امام صادق علیه السلام فرمود : «آری ! خدا را بر همه آفریدگانش حجّت است . آنان را در آن روز پیمان گیری ، چنین بر گرفت» و دستش را مشت کرد .

الإمام الرضا عليه السلام: بِصُنْعِ اللَّهِ يُسْتَدَلُّ عَلَيْهِ، وَبِالْعَقُولِ تُعْتَقَدُ مَعْرِفَتُهُ، وَبِالْفِطْرَةِ تَثْبُتُ حُجَّتُهُ. (1)

راجع: هذه الموسوعة: ج 5 ص 164 (الله / الفصل الثالث: مبادئ معرفة الله / الفطرة).

2/2 العقلا لكتاب «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: كُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُ كَانَ، وَمَيِّزْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ بِعَقْلِكَ؛ فَإِنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَوَدِيعَتُهُ (3) فِيكَ، وَبَرَكَاتُهُ (4) عِنْدَكَ. (5)

الإمام علي عليه السلام: الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ. (6)

عنه عليه السلام: الْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ دَاخِلٍ، وَالشَّرْعُ عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ. (7)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ خَالِقَ الْحَوَاسِّ جَعَلَ لَهَا قَلْبًا احْتَجَّ بِهِ عَلَى الْعِبَادِ، وَجَعَلَ لِلْحَوَاسِّ الدَّلَالَاتِ عَلَى الظَّاهِرِ الَّذِي يُسْتَدَلُّ بِهَا عَلَى الْخَالِقِ سُبْحَانَهُ. (8)

1- الأمامي للمفيد: ص 254 ح 4، العدد القويّة: ص 295 ح 25 كلاهما عن محمد بن زيد الطبري، التوحيد: ص 35 ح 2 عن محمد بن يحيى بن عمر، الإحتجاج: ج 2 ص 360 ح 283، بحار الأنوار: ج 3 ص 2855.

2- البقرة: 242.

3- في المصدر: «...فإنّ حجة الله عليك وديعة فيك...» وما في المتن أثبتناه من جواهر المطالب.

4- في جواهر المطالب: «برهانه» بدل «بركاته».

5- الفردوس: ج 5 ص 318 ح 8307، كشف الخفاء: ج 2 ص 135 ح 2025 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، جواهر المطالب: ج 2 ص 148.

6- غرر الحكم: ج 1 ص 70 ح 272، عيون الحكم والمواعظ: ص 27 ح 354.

7- مجمع البحرين: ج 2 ص 1249.

8- بحار الأنوار: ج 3 ص 162 و ج 61 ص 57 ح 45 كلاهما عن المفضل بن عمر.

2 / 2 خرد

امام رضا علیه السلام: از ساخته های خدا، به وجود او پی برده می شود و با خردها، به شناخت او، باور آورده می شود و با فطرت، حجت او ثابت می شود.

ر. ک: همین دانش نامه: ج 5 ص 165 (خدا / فصل سوم: ابزارهای معرفت خدا / فطرت).

2 / 2 خرد قرآن «این گونه خداوند، آیات خود را برای شما بیان می کند. باشد که خرد بورزید».

حدیثیامیر خدا صلی الله علیه و آله: با حق باش، هر جا که بود، و آنچه را [از حق] بر تو مشتبه می شود، با خردت تشخیص ده؛ زیرا خرد، حجت خدا بر تو و ودیعه او در وجود تو و برکت های (1) او در نزد توست.

امام علی علیه السلام: خرد، فرستاده حق است.

امام علی علیه السلام: خرد، شریعتی درونی است و شریعت، خردی بیرونی.

امام صادق علیه السلام: آفریننده حواس، برای آنها قلبی قرار داد و آن را بر بندگان، حجت قرار داد و حواس را راه نمای بر ظاهر (پدیده های عینی) قرار داد که از طریق آن، به آفریدگار سبحان، پی می توان بُرد.

1- در جواهر المطالب، به جای «برکت های او»، «برهان او» آمده است.

عنه عليه السلام: حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيِّ، وَالْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَبَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: يا هِشَامُ، إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَحُجَّةً بَاطِنَةً؛ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيْمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ. (2)

الكافي عن أبي يعقوب البغدادي: قَالَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... تَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَكَ قَطُّ، فَمَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ؟ قَالَ: فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ، يُعْرَفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيَصِدُّهُ، وَالْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيَكْذِبُهُ. قَالَ: فَقَالَ ابْنُ السَّكِّيتِ: هَذَا وَاللَّهِ هُوَ الْجَوَابُ. (3)

راجع: هذه الموسوعة: ج 5 ص 186 (مبادئ معرفة الله / العقل) و موسوعة العقائد الإسلامية: ج 1 ص 223 (المعرفة / الفصل الثالث: التعقل / حجية العقل).

1- الكافي: ج 1 ص 25 ح 22، عن عبد الله بن سنان.

2- الكافي: ج 1 ص 16 ح 12، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 35 كلاهما عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص 386، بحار الأنوار: ج 1 ص 137 ح 30.

3- الكافي: ج 1 ص 24 _ 25 ح 20، علل الشرائع: ص 122 ح 6، تحف العقول: ص 450، الاحتجاج: ج 2 ص 438 ح 309، بحار الأنوار: ج 11 ص 70 ح 1.

امام صادق علیه السلام: حجت خدا بر بندگان، پیامبر است و حجت میان بندگان و خدا، خرد است.

امام کاظم علیه السلام: ای هشام! خدا را بر مردم، دو حجت است: حجتی بیرونی و حجتی درونی. حجت بیرونی، فرستادگان و پیامبران و امامان اند، و حجت درونی، خردهایند.

الکافی_ به نقل از ابو یعقوب بغدادی_: ابن سبکیت، به امام هادی علیه السلام گفت: ... به خدا سوگند، هرگز مانند تویی را ندیده ام. امروز، حجت بر مردم چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «خرد. به وسیله آن، [امام] راستگو، شناخته می شود و تصدیقش می کند، و دروغگورا می شناسد و تکذیبش می نماید». ابن سبکیت گفت: به خدا سوگند که پاسخ، همین است.

ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی (معرفت شناسی): ج 1 ص 291 (فصل سوم: خردورزی / حجت خرد) و همین دانش نامه: ج 5 ص 187 (مبانی شناخت خدا / خرد).

الفصل الثالث : المسمى بالبرهان وما في معناه 3 / 1 القرآناً _ تسمية القرآن بالبرهان الكتاب «يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في وصيته للأَنْصَارِ _ كِتَابُ اللَّهِ وَأَهْلُ بَيْتِي ، فَإِنَّ الْكِتَابَ هُوَ الْقُرْآنُ ، وَفِيهِ الْحُجَّةُ وَالنُّورُ وَالْبُرْهَانُ . (2)

الإمام علي عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ ، وَعَوَاقِبُ الْأَمْرِ ، نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ ، وَنَبِّرُ بُرْهَانِهِ . (3)

عنه عليه السلام : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ... جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ ، لِيُنذِرَ بِالْقُرْآنِ الْمُنِيرِ ، وَالْبُرْهَانِ الْمُسْتَنِيرِ . (4)

1- النساء : 174 .

2- طرف من الأنباء والمناقب : ص 144 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 22 ص 477 ح 27 .

3- نهج البلاغة : الخطبة 182 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 313 ح 40 .

4- الكافي : ج 8 ص 360 ح 551 عن الأصبغ بن نباتة ، بحار الأنوار : ج 34 ص 204 ح 984 .

فصل سوم: آنچه «برهان» یا مشابه آن، نامیده شده است

3 / 1 قرآن

الف - برهان نامیده شدن قرآن

فصل سوم: آنچه «برهان» یا مشابه آن، نامیده شده است 3 / 1 قرآنالف - برهان نامیده شدن قرآن «ای مردم! برای شما از جانب پروردگارتان، برهانی آمده است و ما به سوی شما، نوری تابناک، فرو فرستاده ایم».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش ایشان به انصار: [شما را به] کتاب خدا و اهل بیت [سفارش می کنم]. کتاب، همان قرآن است، و دلیل روشنایی و برهان، در آن است.

امام علی علیه السلام: سپاس، خدایی را که حرکت آفریدگان و فرجام کار، به سوی اوست. او را بر احسان بی پایانش و برهان روشنش، سپاس می گوئیم.

امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست، و محمد، فرستاده خداست... حق را از جانب حق آورد تا با قرآن روشنی بخش و برهان نورانی، [به مردمان] هشدار دهد.

عنه عليه السلام: ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ ... جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ، وَرَبِيعًا لِقُلُوبِ الْفُقَهَاءِ ... وَبُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ، وَشَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ. (1)

عنه عليه السلام_ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ فِي صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ :إِبْتَعَثَهُ بِالتَّوْرِ الْمُضِيِّ، وَالبُّرْهَانَ الجَلِيَّ، وَالمِنْهَاجَ البَادِي، وَالكِتَابَ الهَادِي. (2)

عنه عليه السلام_ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ لَهُ بَيَّنَّ فِيهَا فَضْلَ الإِسْلَامِ وَالقُرْآنِ _ :ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الكِتَابَ، نورا لا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ ... وَفُرْقَانًا لا يُخَمَدُ بُرْهَانُهُ، وَتَبْيَانًا لا تُهْدَمُ أَرْكَائُهُ. (3)

عنه عليه السلام: بَيَّنَّ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بَيْنَ الحَقِّ وَالبَاطِلِ فِي كَثِيرٍ مِنْ آيَاتِ القُرْآنِ، وَلَمْ يَجْعَلْ لِلْعِبَادِ عُذْرًا فِي مُخَالَفَةِ أَمْرِهِ بَعْدَ البَيَانِ وَالبُّرْهَانِ. (4)

فاطمة عليها السلام_ فِي خُطْبَتَيْهَا فِي حَدِيثِ فَدَكَ _ :كِتَابُ اللَّهِ بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، وَآيٌ مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، وَبُرْهَانٌ مُتَجَلِّيةٌ ظَوَاهِرُهُ. (5)

الإمام الكاظم عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ... كَذَلِكَ وَصَفَتْ نَفْسَكَ فِي كِتَابِكَ المَكْنُونِ، المُطَهَّرِ المُنْزَلِ، البُّرْهَانِ المُضِيِّ. (6)

الإمام الحسين عليه السلام_ فِي خَبَرِ احْتِجَاجِ دَارِ بَيْنَ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَيْنَ يَهُودِيٍّ كَانَ قَدْ قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالإِنْجِيلَ وَالرَّبُّورَ وَصُحُفَ الأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَرَفَ دَلَالَتِهِمْ _ :قَالَ لَهُ اليَهُودِيُّ: فَإِنَّ هَذَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ بَهَتَ (7) الَّذِي كَفَرَ بِبُرْهَانِ نُبُوَّتِهِ؟ قَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ كَانَ كَذَلِكَ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَاهُ مُكْذَبٌ بِالبَعْثِ بَعْدَ المَوْتِ وَهُوَ أُبَيُّ بْنُ خَلْفِ الجَمَحِيِّ، مَعَهُ عَظْمٌ نَجْرٌ، فَفَرَكَهُ ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ « مَنْ يُحْيِي العِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ » (8) فَأَنطَقَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، وَبَهَتَهُ بِبُرْهَانِ نُبُوَّتِهِ، فَقَالَ: « يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ » (9)، فَانصَرَفَ مَبْهُوتًا. (10)

1- نهج البلاغة: الخطبة 198، بحار الأنوار: ج 92 ص 21 ح 21.

2- نهج البلاغة: الخطبة 161، بحار الأنوار: ج 18 ص 222 ح 58.

3- نهج البلاغة: الخطبة 198، بحار الأنوار: ج 92 ص 21 ح 21.

4- بحار الأنوار: ج 69 ص 82 ح 29 نقلًا عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 567 ح 4940، علل الشرائع: ص 248 ح 2 كلاهما عن زينب بنت علي عليهما السلام،

دلائل الإمامة: ص 113 عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام عنها عليها السلام، كشف الغمّة: ج 2 ص 109، بحار الأنوار: ج 6 ص

107 ح 1.

6- بحار الأنوار: ج 95 ص 445 ح 1 نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي.

7- البُهْتُ: التَّحْيِيرُ (النهاية: ج 1 ص 165 « بهت »).

8- .يس : 78 .

9- .يس : 79 .

10- .الاحتجاج : ج 1 ص 505 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 32 ح 1 .

امام علی علیه السلام: سپس قرآن را بر او، فرو فرستاد... و آن را برطرف کننده عطش دانشمندان و بهار دل های دانایان قرار داد... و برهانی برای آن کس که بدان، سخن گوید و گواهی برای آن که به وسیله آن، اقامه دعوا کند.

امام علی علیه السلام از سخنان ایشان در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله: او را با نوری روشنگر، برهانی آشکار، راهی روشن و کتابی هدایتگر فرستاد.

امام علی علیه السلام از سخنان ایشان در بیان برتری اسلام و قرآن: سپس قرآن را بر او، فرو فرستاد، و آن، نوری است که چراغ هایش خاموش نمی شود... و جدا کننده ای [بین حق و باطل] است که [نور] برهانش، فرو نمی نشیند و بیان روشنی است که ارکانش فرو نمی ریزند.

امام علی علیه السلام: خداوند عز و جل در بسیاری از آیات قرآن، حق و باطل را از هم متمایز ساخته است و پس از روشنگری و برهان، دیگر بهانه ای برای بندگان در سرپیچی از فرمایش باقی نگذاشته است.

فاطمه علیها السلام از سخنان ایشان در حدیث فَلَکَ: کتاب خدا، شامل بصیرت های آشکار و آیاتی می شود که اسرار آنها پیداست، و برهانی است که ظواهر آن، روشن است.

امام کاظم علیه السلام: به نام خدای بخشنده مهربان. پاکی تو - ای خدا - و سپاس، تورا است... این چنین، خویشتن را در کتاب محفوظ و پاک و فرو فرستاده ات - که برهانی روشنگر است -، وصف کرده ای.

امام حسین علیه السلام در خبر مباحثه ای که میان امیر مؤمنان علیه السلام و یک یهودی عالم به تورات و انجیل و زیور و کتاب های پیامبران علیهم السلام و آشنا به دلایل آنان، صورت گرفت: یهودی گفت: این ابراهیم بود که با برهان نبوتش، آن کافر را مبهوت کرد. علی علیه السلام به او فرمود: «همین طور است. محمد صلی الله علیه و آله نیز هنگامی که آن شخص منکر حیات پس از مرگ، یعنی اُبَی بن خَلَف جُمَحی، نزدش آمد و استخوان پوسیده ای در دست داشت و آن را سایید و سپس گفت: ای محمد! «چه کسی این استخوان پوسیده را زنده می کند؟»، خداوند، محمد را به آیات استوار خویش، گویا ساخت و با برهان نبوتش، آن مرد را مبهوت ساخت و فرمود: «آن را همان کسی زنده می کند که نخستین بار، پدیدش آورد. او بر هر آفرینشی، داناست». پس آن منکر، بهت زده، راه خویش را گرفت و رفت».

الإمام زين العابدين عليه السلام: أشهد أن مُحَمَّدًا نَبِيُّهُ الْمُرْسَلُ... بَعَثَهُ بِالْأَمْرِ الشَّافِيَةِ، وَالزَّوْجِرِ النَّاهِيَةِ، وَالذَّلَائِلِ الْهَادِيَةِ، الَّتِي أَوْصَحَ بُرْهَانَهَا، وَشَرَحَ بَيَانَهَا (1) فِي كِتَابٍ مُهَيِّمٍ عَلَى كُلِّ كِتَابٍ (2).

عنه عليه السلام_ فِي فَضْلِ الْقُرْآنِ _ : وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ ... نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ (3).

عنه عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ أَمْشَاجِ (4) النَّسَمِ، وَمَوْلِجِ الْأَنْوَارِ فِي الظُّلْمِ... أَحْمَدُهُ عَلَى جَزِيلِ إِحْسَانِهِ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ حُلُولِ خِذْلَانِهِ، وَأَسْتَهْدِيهِ بِنُورِ بُرْهَانِهِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ حَقَّ إِيْمَانِهِ (5).

1- فِي الْمَصْدَرِ « بَيَانُهَا » ، وَمَا أَثْبَتَاهُ هُوَ الصَّحِيحُ كَمَا فِي الصَّحِيفَةِ السَّجَادِيَةِ الْجَامِعَةِ : ص 438 .

2- بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 94 ص 154 ح 22 تَقَالًا عَنِ كِتَابِ أُنَيْسِ الْعَابِدِينَ .

3- الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ : ص 157 الدَّعَاءُ 42 ، مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ : ص 519 ح 603 وَفِيهِ « لَا يَخْفَى عَلَى » بَدَلَ « لَا يَطْفَأُ عَنِ » ، الْإِقْبَالُ

: ج 1 ص 450 ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ص 617 .

4- أَمْشَاجُ : أَخْلَاطُ (مَفْرَدَاتُ أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ : ص 769 « مَشَج ») .

5- بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 94 ص 158 ح 22 تَقَالًا عَنِ كِتَابِ أُنَيْسِ الْعَابِدِينَ .

امام زین العابدین علیه السلام: گواهی می دهم که محمد، پیامبر فرستاده شده اوست ... او را با دستورهایی شفافبخش و نهی هایی باز دارنده و دلایلی هدایتگر فرستاد؛ دلایلی که برهان آنها را در کتابی حاکم بر همه کتاب ها [ی دیگر آسمانی]، روشن ساخت و به شرح و بیان آنها پرداخت.

امام زین العابدین علیه السلام_ در فضیلت قرآن_ آن را نوری قرار دادی که با پیروی از آن، از تاریکی های گم راهی و نادانی برهیم ...؛ نور هدایتی که فروغ برهانش از نظر بینندگان به خاموشی نمی گراید.

امام زین العابدین علیه السلام: سپاس، خدایی را که آفریننده جانداران از در هم آمیختن (1) نطفه هاست و فرو برنده روشنایی ها در دل تاریکی ها ... او را بر احسان بی شمارش، سپاس می گویم و از سلب توفیقش، به او پناه می برم و به واسطه نور برهانش، از او راه نمایی می جویم و به او_ چنان که بایسته ایمان است_، ایمان می آورم.

1- .واژه «امشاج» _ که در متن عربی حدیث آمده _، یعنی اخلاط . امروزه، به معنای یاخته جنسی به کار می رود .

الإمام الصادق عليه السلام_ في وَصْفِ الْقُرْآنِ _ وَنَوْرَهُ بِشَفَاءِ مِنَ الْبَيَانِ ، وَضِيَاءِ مِنَ الْبُرْهَانِ . (1)

عنه عليه السلام_ ما يُدْعَى بِهِ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ _ :اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا بُرْهَانًا عَلَى رُؤُوسِ الْمَلَائِكَةِ يَوْمَ يُجْمَعُ فِيهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ . (2)

ب _ تَسْمِيَةُ الْقُرْآنِ بِالْحُجَّةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :الْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ . (3)

الإمام علي عليه السلام :... فَالْقُرْآنُ أَمْرٌ زَاجِرٌ ، وَصَامِتٌ نَاطِقٌ ، حُجَّةٌ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، أَخَذَ عَلَيْهِ مِيثَاقَهُمْ ، وَارْتَهَنَ عَلَيْهِمْ أَنْفُسَهُمْ . (4)

عنه عليه السلام :... فَالْقُرْآنُ أَمْرٌ زَاجِرٌ ، حُدَّ فِيهِ الْحُدُودُ ، وَسُنَّ فِيهِ السُّنُنُ ، وَضُرِبَ فِيهِ الْأَمْثَالُ ، وَشُرِعَ فِيهِ الدِّينُ ، إِعْذَارًا مِنْ نَفْسِهِ ، وَحُجَّةً عَلَى خَلْقِهِ . (5)

عنه عليه السلام :كَفَى بِالْكِتَابِ حَاجِبًا وَحَصِيمًا . (6)

عنه عليه السلام_ في وَصْفِ الْقُرْآنِ _ :... شَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ ، وَفَلْجًا (7) لِمَنْ حَاجَّ بِهِ . (8)

1- تحف العقول : ص 348 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 209 ح 1 .

2- الكافي : ج 2 ص 575 ح 1 .

3- صحيح مسلم : ج 1 ص 203 ح 1 عن أبي مالك الأشعري ، تفسير القرطبي : ج 1 ص 2 .

4- نهج البلاغة : الخطبة 183 ، أعلام الدين : ص 102 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 20 ح 20 .

5- تفسير العياشي : ج 1 ص 7 ح 16 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 26 ح 26 .

6- نهج البلاغة : الخطبة 83 ، تحف العقول : ص 236 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 427 ح 44 .

7- الفلج : الظفر والفرور (الصحاح : ج 1 ص 335 « فلج ») .

8- الكافي : ج 2 ص 49 ح 1 عن الأصبغ بن نباتة ، الأمالي للمفيد : ص 275 ح 3 عن قبيصة بن جابر ، نهج البلاغة : الخطبة 198 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 350 ح 18 ؛ دستور معالم الحكم : ص 93 عن أبي العطاء .

ب - حجت نامیده شدن قرآن

امام صادق علیه السلام_ در توصیف قرآن_ آن را با بیانی شفافبخش و برهانی پُرفروغ، روشنائی بخشید.

امام صادق علیه السلام_ در دعای هنگام تلاوت قرآن_ :بار خدایا! آن را برای ما در حضور همگان_ آن روزی که همه اهل زمین و آسمان را گرد هم می آورند_ ، برهان قرار ده .

ب_ حجت نامیده شدن قرآنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قرآن، حجتی است، به سود یا زیان تو.

امام علی علیه السلام :قرآن، امر کننده ای باز دارنده و خاموشی، گویاست. حجت خدا بر آفریدگان اوست. از ایشان، نسبت به آن، پیمان گرفته و جانشان را بر آنان [برای عمل به قرآن]، در گرو گرفته است. (1)

امام علی علیه السلام :قرآن، مشتمل بر اوامر و نواهی است. حدود، در آن تعیین شده و سنت ها، وضع شده و مثل ها، زده شده و دین، مقرر گشته است، تا عذری باشد از جانب خدا و حجتی باشد بر خلق او.

امام علی علیه السلام :کافی است که قرآن، حجت آور و خصم باشد.

امام علی علیه السلام_ در توصیف قرآن_ : [قرآن] ... برای کسی که به وسیله آن اقامه دعوا کند، گواه است و برای کسی که به واسطه آن حجت آوری کند، [مایه] پیروزی است.

1- یعنی راه رهایی و نجات آنان از آتش دوزخ را در گروی وفای به این پیمان و پیروی از قرآن، قرار داد.

عنه عليه السلام: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي أَرْضِهِ حُجَّةٌ وَلَا حِكْمَةٌ أْبْلَغُ مِنْ كِتَابِهِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا ، وَلَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً (2) ، قَدْ عَرَفْتُمْ نَفْسَهُ ، وَبَعَثَ إِلَيْكُمْ رَسُولَهُ ، وَأَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ ، فِيهِ حَلَالُهُ وَحَرَامُهُ وَحُجَجُهُ وَأَمْثَالُهُ ، فَاتَّقُوا اللَّهَ ، فَقَدْ احْتَجَّ عَلَيْكُمْ رَبُّكُمْ فَقَالَ : « أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ * وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ * وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ » (3) ، فَهَذِهِ حُجَّةٌ عَلَيْكُمْ . (4)

الإمام الرضا عليه السلام_ فِي وَصْفِ الْقُرْآنِ _ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ ، وَعُرْوَةُ الْوُثْقَى ، وَطَرِيقَتُهُ الْمُثَلَى ، الْمُوَدِّي إِلَى الْجَنَّةِ ، وَالْمُنْجِي مِنَ النَّارِ ، لَا يَخْلُقُ (5) عَلَى الْأَزْمِنَةِ ، وَلَا يَعْثُ (6) عَلَى الْأَلْسِنَةِ ؛ لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ ، بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَالْحُجَّةِ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ . (7)

ج_ تَسْمِيَةُ التَّوْرَةِ بِالْبُرْهَانِ الْكَافِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ : إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ : يَا مُوسَى ... أَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلْتَ عَلَيْكَ ، فَقَدْ أَنْزَلْتَهُ [أَيِ التَّوْرَةِ] حُكْمًا بَيْنًا ، وَبُرْهَانًا تَبْرًا . (8)

1- نهج السعادة: ج 1 ص 347 نقلاً عن كتاب تيسير المطالب عن الحسن .

2- سُدى: أي مهملاً غير مكلف، لا يُحَاسِبُ ولا يُعَدَّبُ ولا يُسأل عن شيء (مجمع البحرين: ج 2 ص 832 «سدى»).

3- البلد: 8_ 10 .

4- تحف العقول: ص 274 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 131 ح 1 .

5- خَلَقَ الثَّوْبُ: أَي بَلِيَ (الصحاح: ج 4 ص 1472 «خلق»).

6- عَثَّ: أَي رَدُوْهُ وَفَسَدَ (الصحاح: ج 1 ص 288 «عَثَّ»).

7- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 130 ح 9 عن موسى الرازي، بحار الأنوار: ج 17 ص 210 ح 16 .

8- الكافي: ج 8 ص 43 ح 8 ، تحف العقول: ص 490 ، بحار الأنوار: ج 13 ص 332 ح 13 .

ج - برهان نامیده شدن تورات

امام علی علیه السلام: برای خداوند _ تبارك و تعالی _ در زمینش ، حجّتی و حکمتی رساتر از کتابش نیست .

امام زین العابدین علیه السلام: خداوند ، شما را بیهوده نیافریده و بی هدف ، رهایتان نکرده است . خودش را به شما شناسانده و پیامبرش را سوی شما فرستاده و کتابش را بر شما نازل کرده که حلال و حرامش ، و حجّت ها و مَثَل هایش در آن است . پس ، از خدا پروا کنید ؛ زیرا پروردگارتان ، برای شما حجّت آورده و فرموده است : «آیا برای او دو چشم ، قرار ندادیم ، و یک زبان و دو لب ؟ و دوراه [نیک و بد] را به او نشان دادیم» . این ، حجّتی بر شماست .

امام رضا علیه السلام_ در توصیف قرآن _ : آن ، ریسمانِ محکم خدا و دستاویز استوار و راه برتر اوست که به بهشت می کشاند و از آتش [دوزخ] می رهاآند و با گذر زمان ها ، کهنه نمی شود و [بر اثر تکرار] بر زبان ها ، تباه [و بی رونق] نمی گردد ؛ چرا که قرآن ، برای زمانی خاص قرار داده نشده است ؛ بلکه راه نمای برهان و حجّتی برای همه مردمان در نظر گرفته شده است . باطل ، از پیش رو و از پشت سرش ، بدان راه نمی یابد . فرود آمده از سوی فرزانه ای ستوده است .

ج _ برهان نامیده شدن توراتالکافی_ به نقل از علی بن عیسی که سند حدیث را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است _ : خداوند _ تبارك و تعالی _ در مناجاتش با موسی علیه السلام به او چنین گفت : «ای موسی ! ... در میان بنی اسرائیل ، بر اساس آنچه بر تو نازل کرده ام ، حکم کن ؛ چرا که تورات را به صورت حکمی آشکار و برهانی نورانی و روشن ، نازل کرده ام» .

3 / 2 الأنبياء عليهم السلام - تسمية النبي صلى الله عليه وآله بالبرهاني الكتاب «يأيتها الناس قد جاءكم برهان من ربكم وأنزلنا إليكم نوراً مُبيناً» . (1)

الحديث تفسير العياشي عن عبد الله بن سليمان: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: قوله: «قد جاءكم برهان من ربكم وأنزلنا إليكم نوراً مُبيناً» . قال: البرهان مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ وآلِهِ السَّلَامُ ، وَالنُّورُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (2)

الدر المنثور عن سفيان الثوري عن أبيه عن رجل لا يحفظ اسمه - في قوله: «قد جاءكم برهان من ربكم» - قال: مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله ، «وأنزلنا إليكم نوراً مُبيناً» قال: الكتاب . (3)

الإمام الهادي عليه السلام - في الزيارة الجامعة - ...: بَعِيثُكَ بِالْحَقِّ ، وَبُرْهَانُكَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ ، خَاتَمُ أَنْبِيَائِكَ ، وَحُجَّتُكَ الْبَالِغَةُ فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ . (4)

ب - تسمية النبي صلى الله عليه وآله بالبيّنة الكتاب «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ» . (5)

1- النساء: 174 .

2- تفسير العياشي: ج 1 ص 285 ح 308 ، بحار الأنوار: ج 9 ص 197 ح 47 .

3- الدر المنثور: ج 2 ص 753 نقلاً عن ابن عساكر .

4- المزار الكبير: ص 57 ، بحار الأنوار: ج 102 ص 179 .

5- البيّنة: 1 .

3 / 2 پیامبران علیهم السلام**الف - برهان نامیده شدن پیامبر صلی الله علیه وآله
ب - دلیل روشن نامیده شدن پیامبر صلی الله علیه وآله**

3 / 2 پیامبران علیهم السلام - برهان نامیده شدن پیامبر صلی الله علیه و آلهقرآن «ای مردم! در حقیقت، برای شما از جانب پروردگارتان، برهانی آمده است، و ما به سوی شما، نوری تابناک فرستاده ایم» .

حدیثتفسیر العیاشی - به نقل از عبد الله بن سلیمان - : از امام صادق علیه السلام در باره آیه شریف «در حقیقت، برای شما از جانب پروردگارتان، برهانی آمده است، و ما به سوی شما، نوری تابناک فرستادیم» پرسیدم . فرمود: «برهان، محمد است - که بر او و خاندانش سلام باد - و نور، علی علیه السلام است» .

الدّر المنثور - به نقل از سفیان ثوری، از پدرش، از مردی که نامش را به یاد نداشت، در باره آیه شریف: «در حقیقت، برای شما از جانب پروردگارتان، برهانی آمده است» - گفت: [یعنی] محمد صلی الله علیه و آله . «و ما به سوی شما، نوری تابناک فرستادیم»، گفت: [یعنی] قرآن را .

امام هادی علیه السلام - در «زیارت جامعه» - فرستاده بر حق تو و برهان تو برای همه آفریدگان، پایان بخش سلسله پیامبرانت، و حجّت رسای تو در زمین و آسمانت .

ب - دلیل روشن نامیده شدن پیامبر صلی الله علیه و آلهقرآن «کافران اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند تا آن که دلیلی روشن برایشان بیاید» .

الحديث للإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: « حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ » - : [\(1\)](#) البيِّنَةُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

ج - تَسْمِيَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحُجَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، بَعَثَهُ بِكِتَابِهِ حُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ ، مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُ عَصَى اللَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمْ كَثِيرًا ، إِمَامُ الْهُدَى ، وَالنَّبِيُّ الْمُصْطَفَى . [\(2\)](#)

عنه عليه السلام : أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الصَّفِيُّ ، وَأَمِينُهُ الرَّضِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، أَرْسَلَهُ بِوُجُوبِ الْحُجَجِ ، وَظُهُورِ الْفَلَاحِ ، وَإِضَاحِ الْمَنْهَجِ ، فَبَلَغَ الرَّسَالََةَ صَادِعًا بِهَا ، وَحَمَلَ عَلَى الْمَحَجَّةِ دَالًّا عَلَيْهَا . [\(3\)](#)

عنه عليه السلام : أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، أَرْسَلَهُ بِالذِّينِ الْمَشْهُورِ ، وَالْعَلَمِ الْمَأْثُورِ ، وَالكِتَابِ الْمَسْطُورِ ، وَالنُّورِ السَّاطِعِ ، وَالضِّيَاءِ اللَّامِعِ ، وَالْأَمْرِ الصَّادِعِ ، إِزَاحَةً لِلشُّبُهَاتِ ، وَاحْتِجَاجًا بِالْبَيِّنَاتِ ، وَتَحْذِيرًا بِالْآيَاتِ ، وَتَخْوِيفًا بِالْمَثَلَاتِ [\(4\)](#) . [\(5\)](#)

عنه عليه السلام في وصف النبي صلى الله عليه وآله - : [\(6\)](#) صَدَعٌ بِمَا أَمَرَهُ رَبُّهُ ، وَبَلَغَ مَا حَمَلَهُ ، حَتَّى أَفْصَحَ بِالتَّوْحِيدِ دَعْوَتَهُ ، وَأَظْهَرَ فِي الْخَلْقِ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، حَتَّى خَلَصَتْ لَهُ الْوَحْدَانِيَّةُ ، وَصَدَفَتْ لَهُ الرُّبُوبِيَّةُ ، وَأَظْهَرَ اللَّهُ بِالتَّوْحِيدِ حُجَّتَهُ ، وَأَعْلَى بِالإِسْلَامِ دَرَجَتَهُ . [\(7\)](#)

1- تفسير القمي : ج 2 ص 432 عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج 9 ص 253 ح 159 .

2- الكافي : ج 5 ص 370 ح 2 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام .

3- نهج البلاغة : الخطبة 185 ، أعلام الدين : ص 67 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 223 ح 59 .

4- المَثَلَاتُ : يعني عقوبات أمثالهم من المُكذِّبين (مجمع البحرين : ج 3 ص 1671 « مثل ») .

5- نهج البلاغة : الخطبة 2 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 217 ح 49 ؛ مطالب السؤول : ج 1 ص 241 .

6- صَدَعْتُ الشَّيْءَ : أَظْهَرْتُهُ وَبَيَّنْتُهُ (لسان العرب : ج 8 ص 195 « صدع ») .

7- التوحيد : ص 72 ح 26 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 123 ح 15 كلاهما عن الهيثم بن عبد الله الرماني عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 4 ص 223 ح 2 .

ج - حَجَّتِ نَامِيدِه شَدَن پيامبر صلی الله عليه وآله

حدیث امام باقر علیه السلام_ در باره این سخن خدای متعال: «تا دلیلی روشن برایشان بیاید»_ دلیل روشن، محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است.

ج_ حَجَّتِ نَامِيدِه شَدَن پيامبر صلی الله عليه و آله امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. او را با کتابش، به عنوان حَجَّتِی بر بندگانش فرستاد. هر که از او فرمان بُرد، از خدا فرمان بُرده است، و هر که نافرمانی اش کند، خدا را نافرمانی کرده است. سلام و درود فراوان خدا بر او و خاندانش باد؛ او که پیشوای راه راست و پیامبر برگزیده [ی خدا] است!

امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که محمد، بنده او و فرستاده برگزیده و امین پسندیده اوست. او را با حَجَّتِ های لازم [وقایع کننده] و پیروزی آشکار، و [برای] روشن ساختن راه فرستاد، و او پیام خداوند را آشکارا ابلاغ کرد و با راه نمایی کردن مردم، آنان را به راه راست کشاند.

امام علی علیه السلام: گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. او را با دین بلندآوازه و نشانه برگزیده و کتاب نوشته و نور درخشان و پرتو تابان و فرمان آشکار فرستاد تا شُبّهات را بُزُداید و با دلایل روشن، احتجاج کند و با آیات، هشدار دهد و به وسیله کيفرها [بی که بر سر گذشتگان کفرپیشه آمد]، بترساند.

امام علی علیه السلام_ در توصیف پیامبر صلی الله عليه و آله _: آنچه را پروردگارش به او دستور داد، آشکارا ابلاغ نمود و پیامی را که بر دوش او نهاد، [به مردم] ارسال، تا این که دعوت به یکتاپرستی اش را علنی نمود و اقرار به یگانگی و بی شریک بودن خدا را در میان مردمان، آشکار ساخت تا جایی که یگانگی برای خداوند، خالص گشت و ربوبیت، منحصر به او شد و خداوند به وسیله توحید، حَجَّتِ او را پیروز گردانید و به واسطه اسلام، درجه اش را بالا بُرد.

عنه عليه السلام: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ حُجَّةٌ فِي أَرْضِهِ أَوْ كُدٌ مِنْ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَا حِكْمَةٌ أْبْلَغُ مِنْ كِتَابِهِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ... (1)

د _ تَسْمِيَةُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِالْحُجَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ _ :الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَانَ فِي أَوْلِيَّتِهِ وَحْدَانِيًّا ... اسْتَرَّ عَنْ خَلْقِهِ، وَبَعَثَ إِلَيْهِمُ الرُّسُلَ لِتَكُونَ لَهُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى خَلْقِهِ، وَيَكُونَ رُسُلُهُ إِلَيْهِمْ شُهَدَاءَ عَلَيْهِمْ، وَابْتَعَثَ فِيهِمُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام _ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يَذْكُرُ فِيهَا بَنِي آدَمَ وَمَا بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ مِنْ بَيِّنَاتٍ وَحُجَجٍ _ :... . فَبَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَهُ، وَوَاتَرَ (3) إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ. (4)

عنه عليه السلام: بَعَثَ اللَّهُ رُسُلَهُ بِمَا خَصَّهِمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ، وَجَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ، لِئَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ. (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَحْتَجُّ بِأَرْبَعَةِ أَنْفُسٍ عَلَى أَرْبَعَةِ أَجْنَاسٍ مِنَ النَّاسِ: عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِسَلِيمَانَ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بَعِيسَى، وَعَلَى الْعَبِيدِ بِيُوسُفَ، وَعَلَى الْمَرْضَى بِأَيُّوبَ عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ. (6)

- 1- غررالحكم: ج6 ص468 ح11004، عيون الحكم والمواعظ: ص557 ح10253 وليس فيه «القرآن» .
- 2- التوحيد: ص44 ح4 عن إسحاق بن غالب عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج4 ص288 ح19 .
- 3- التواتر: التتابع . وقيل: هو تتابع الأشياء وبينها فجوات وفترات (لسان العرب: ج5 ص275 « وتر ») .
- 4- نهج البلاغة: الخطبة 1، بحار الأنوار: ج11 ص60 ح70 .
- 5- نهج البلاغة: الخطبة 144، بحار الأنوار: ج29 ص612 ح28 .
- 6- المواعظ العددية: ص212 .

د - حجت نامیده شدن پیامبران

امام علی علیه السلام: ای مردم! برای خداوند سبحان در زمین، حجتی محکم تر از پیامبر ما، محمد صلی الله علیه و آله، و حکمتی رساتر از کتابش، قرآن بزرگ، نیست ...

د - حجت نامیده شدن پیامبرانی خدا صلی الله علیه و آله در یکی از سخنرانی های ایشان - سپاس، خدایی را که از آغاز، یگانه بود (1) ... خویش را از آفریدگانش، در پرده داشت و فرستادگان را سوی ایشان فرستاد تا حجت رسای او بر آفریدگانش باشند و این فرستادگان بر آنها، گواهی بر ایشان؛ و پیامبران را در میان آنان، نوید دهنده و هشدار دهنده بر انگیخت، تا آن که نابود می شود، از روی دلیل نابود شود و آن که زنده می ماند، به جهت دلیل روشن داشتن، زنده بماند.

امام علی علیه السلام - از سخنان ایشان که در آن، از آدمیان و دلایل روشن و حجت هایی که خداوند به سوی ایشان فرستاده، یاد می کند - فرستادگان خود را در میان آنان بر انگیخت و پیامبرانش را پیاپی [و در فاصله های معین] به سوی ایشان فرستاد تا از آنان بخواهد که پیمان الهی را که در سرشت آنان نهاده، ادا کنند و نعمت فراموش شده او را به یادشان آورند و با رساندن پیام، حجت را بر آنان تمام کنند.

امام علی علیه السلام: خداوند، فرستادگانش را با وحی خویش - که به آنان اختصاص داده -، فرستاد و ایشان را حجت خود بر آفریدگانش قرار داد تا مردم، بهانه نیاورند که بیم داده نشده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند سبحان، به چهار نفر بر چهار گروه از مردم، احتجاج می کند: بر توانگران به سلیمان، بر تهی دستان به عیسی، بر بردگان به یوسف، و بر بیماران به ایوب - که برترین درود و سلام بر ایشان باد -.

3 / 3 مُعْجَزَاتُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ _ تَسْمِيَةُ الْإِعْجَازِ بِالْبُرْهَانِ الْكِتَابِ «اسْمُكَ يَدُكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضِدٌ مُمٌّ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَاكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَ بِهِ إِنْهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ». (1)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام في ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله _ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْآيَاتِ الْمُحْكَمَةِ ، وَالْبُرَاهِينَ الْوَاضِحَةِ . (2)

عنه عليه السلام _ لِلرَّزَنْدِقِيِّ الَّذِي سَأَلَهُ : مِنْ أَيْنَ اثْبَتَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالرُّسُلَ ؟ _ ثَبَّتَ ذَلِكَ فِي كُلِّ ذَهْرٍ وَزَمَانٍ ، مِمَّا أَتَتْ بِهِ الرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ مِنَ الدَّلَائِلِ وَالْبُرَاهِينَ ، لِكَيْلَا تَخْلُوَ أَرْضُ اللَّهِ مِنْ حُجَّةٍ ، يَكُونُ مَعَهُ عِلْمٌ يَدُلُّ عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ ، وَجَوَازِ عَدَالَتِهِ . (3)

1- .القصص : 32 .

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 250 ح 2325 ، التوحيد : ص 254 ح 4 كلاهما عن عيسى بن يونس ، الإرشاد : ج 2 ص 201 عن العباس بن عمرو الفقيمي ، علل الشرائع : ص 404 ح 4 ، الأمالي للصدوق : ص 715 ح 985 كلاهما عن الفضل بن يونس ، بحار الأنوار : ج 3 ص 34 ح 8 .

3- .الكافي : ج 1 ص 168 ح 1 ، علل الشرائع : ص 120 ح 3 ، التوحيد : ص 249 ح 1 كلُّها عن هشام بن الحكم ، الاحتجاج : ج 2 ص 213 ح 223 كلاهما نحوه .

3 / 3 معجزات پیامبران**الف - برهان نامیده شدن معجزه**

3 / 3 معجزات پیامبرانالف _ برهان نامیده شدن معجزهقرآن«دست خود را در گریبان ببرد تا سپید و بی گزند، بیرون آید؛ و [برای رهایی از این هراس، بازویت را به [بدن] خودت بچسبان. این دو [معجزه]، دو برهان از جانب پروردگار توست به سوی فرعون و سران او؛ زیرا آنان، قومی نافرمان اند».

حدیثامام صادق علیه السلام در یادکرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ :کسی است که خداوند، او را با آیاتی محکم و برهان هایی روشن فرستاد .

امام صادق علیه السلام به زندیقی که از ایشان پرسید : چگونه [ضرورت وجود] پیامبران و رسولان را اثبات می کنی؟ _ : ثابت شد که در هر عصر و زمانی، رسولان و پیامبران، دلایل و برهان هایی آوردند تا زمین خدا از حجتی که با خود، دانشی گواه بر راستگویی و عادل بودنش دارد، خالی نباشد .

الإمام المهدي عليه السلام_ في وصف الأنبياء عليهم السلام_ :بأين (1) بينهم وبين من بعثهم إليهم بالفضل الذي جعله لهم عليهم ، وما آتاهم من الدلائل الظاهرة والبراهين الباهرة ، والآيات الغالية . فمنهم من جعل النار عليه بردا وسلاما واتخذة خليلاً ، ومنهم من كلمه تكليماً وجعل عصاه ثعباناً مبيناً ، ومنهم من أحيا الموتى بإذن الله ، وأبرأ الأكمه (2) والأبرص بإذن الله ، ومنهم من علمه منطق الطير وأوتي من كل شيء . ثم بعث محمداً صلى الله عليه وآله رحمة للعالمين ، وتمم به نعمته ، وختم به أنبياءه ، وأرسله إلى الناس كافةً ، وأظهر من صدقه ما أظهر ، وبيّن من آياته وعلاماته ما بيّن . (3)

ب _ تسمية الإعجاز بالبيّنة « حقيق على أن لا أقول على الله إلا الحق قد جئتكم بيّنة من ربكم فأرسل معي بني إسرائيل » . (4)

« وإلى ثمود أخاهم صالحاً قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاءكم بيّنة من ربكم هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب أليم » . (5)

راجع : البقرة : 87 و 92 و 253 ، آل عمران : 105 و 183 و 184 ، المائدة : 32 و 110 ، الأنعام : 157 ، الأعراف : 85 و 101 ، التوبة : 70 ، يونس : 74 ، هود : 17 و 28 و 63 و 64 و 88 ، إبراهيم : 9 ، النحل : 44 ، طه : 72 ، العنكبوت : 39 ، فاطر : 25 ، غافر : 34 و 50 و 83 ، الزخرف : 63 ، الحديد : 25 ، الصف : 6 .

ج _ تسمية الإعجاز بالآية « قال إن كنت جئت بآية فات بها إن كنت من الصادقين * فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين * ونزع يده فإذا هي بيضاء للتأطرين » . (6)

1- في المصدر : « يأتين » ، وما في المتن أثبتناه من المصادر الأخرى .

2- الأكمه : هو الذي يولد أعمى (مجمع البحرين : ج 3 ص 1596 « كمه ») .

3- الغيبة للطوسي : ص 288 ح 246 ، الاحتجاج : ج 2 ص 539 ح 343 كلاهما عن أحمد بن إسحاق ، بحار الأنوار : ج 25 ص 182 ح 4 .

4- الأعراف : 105 .

5- الأعراف : 73 .

6- الأعراف : 106 _ 108 .

ب - دلیل روشن نامیده شدن معجزه**ج - آیه نامیده شدن معجزه**

امام مهدی علیه السلام در توصیف پیامبران علیهم السلام: [خداوند ،] میان پیامبران و کسانی که پیامبران را سوی ایشان فرستاد ، با امتیازی که پیامبران را بر ایشان داد و به واسطه دلایل آشکار و برهان های روشن و نشانه های چیره گری که به آنان عطا فرمود ، متمایز ساخت . بر یکی ، آتش را سرد و بی گزند ساخت و دوست حقیقی خود ، قرارش داد . با یکی ، سخن گفت و چوب دستش را به اژدهایی نمایان ، تبدیل کرد . یکی از آنان ، به اذن خداوند ، مُردگان را زنده می ساخت و با اجازه خداوند ، کور مادرزاد و پسر را شفا می داد . به یکی ، زبانِ مرغان را آموخت و از هر چیزی به او داده شد . سپس محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان رحمتی برای جهانیان بر انگیخت و نعمتش را با او تمام کرد و سلسله پیامبرانش را بدو پایان بخشید و او را به سوی همه مردمان فرستاد و در باره حقانیت و راستگویی او ، نشانه هایی را نمودار ساخت و آیات و علامت های بسیاری را از او نشان داد .

ب _ دلیل روشن نامیده شدن معجزه «شایسته است که بر خدا ، جز [سخن] حق نگویم . من ، در حقیقت ، دلیلی روشن از سوی پروردگارتان ، برای شما آورده ام . پس فرزندان اسرائیل را همراه من بفرست» .

«و به سوی [قوم] ثمود ، برادرشان صالح را [فرستادیم] . گفت : ای قوم من! خدا را بپرستید . برای شما ، هیچ معبودی جز او نیست . در حقیقت ، برای شما از جانب پروردگارتان ، دلیلی آشکار آمده است . این ، ماده شترِ خدا برای شماست که پدیده ای شگرف است . پس آن را بگذارید تا در زمین خدا بخورد و گزندی به او نرسانید ، تا [مبادا به سبب آن ،] شما را عذابی دردناک ، فرو گیرد» .

ر . ك : بقره : آیه 87 ، 92 و 253 ، آل عمران : آیه 105 ، 183 _ 184 ، مائده : آیه 32 و 110 ، انعام : آیه 157 ، اعراف : آیه 85 و 101 ، توبه : آیه 70 ، یونس : آیه 74 ، هود : آیه 17 و 28 و 63 _ 64 و 88 ، ابراهیم : آیه 9 ، نحل : آیه 44 ، طه : آیه 72 ، عنکبوت : آیه 39 ، فاطر : آیه 25 ، غافر : آیه 34 و 50 و 83 ، زخرف : آیه 63 ، حدید : آیه 25 ، صف : آیه 6 .

ج _ آیه نامیده شدن معجزه «[فرعون] گفت : «اگر معجزه ای آورده ای ، پس اگر راست می گویی ، آن را ارائه کن» . پس [موسی] عصایش را افکند و ناگاه ، اژدهایی آشکار شد . نیز دست خود را [از گریبان] بیرون کشید و ناگهان ، برای تماشاگران ، سپید [و درخشنده] بود» .

د _ تَسْمِيَةَ الْإِعْجَازِ بِالسُّلْطَانِ « يَسَّ ثَلَاثًا أَهْلَ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ السِّيَّاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَأَتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا ». (1)

« وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ * أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * وَ أَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي ءَاتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ». (2)

3 / 4 أهل بيت النبي عليهم السلام: نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَفَوْقَ الْأَرْضِ . (3)

الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ حُجَجٍ فِي أَرْضِكَ ، حُجَّةٌ بَعْدَ حُجَّةٍ عَلَى خَلْقِكَ ، يَهْدُونَهُمْ إِلَى دِينِكَ ، وَيُعَلِّمُونَهُمْ عِلْمَكَ كَيْلًا يَتَفَرَّقُ أَتْبَاعُ أَوْلِيَائِكَ . (4)

عنه عليه السلام: أَخْرَجُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ ، وَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ وَظَائِفِهِ ، أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ وَحَجِيحٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ . (5)

عنه عليه السلام في ذم العاصين من أصحابه _ : قَدْ دَارَسْتُمْ الْكِتَابَ ، وَفَاتَحْتُمْ الْحِجَابَ ، وَعَرَفْتُمْ مَا أَنْكَرْتُمْ ، وَسَوَّغْتُمْ (6) مَا مَجَّحْتُمْ ، لَوْ كَانَ الْأَعْمَى يَلْحَظُ ، أَوْ النَّائِمُ يَسْتَيْقِظُ . (7)

1- النساء : 153 .

2- الدخان : 17 _ 19 .

3- الكافي : ج 1 ص 270 ح 6 ، تفسير العياشي : ج 1 ص 383 ح 122 ، رجال الكشي : ج 2 ص 594 الرقم 551 ، بصائر الدرجات : ص 104 ح 6 ، إعلام الوری : ج 1 ص 535 كلها عن سدير ، بحار الأنوار : ج 25 ص 298 ح 62 .

4- الكافي : ج 1 ص 339 ح 13 ، الغيبة للنعماني : ص 137 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 23 ص 54 ح 116 .

5- نهج البلاغة : الخطبة 176 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 190 ح 56 .

6- ساغ الشراب : أي دخل سهلاً (النهاية : ج 2 ص 422 « سوغ ») .

7- نهج البلاغة : الخطبة 180 .

د - سلطان نامیده شدن معجزه**3 / 4 خاندان پیامبرعلیهم السلام**

د _ سلطان نامیده شدن معجزه «اهل کتاب ، از تو می خواهند که کتابی را از آسمان [یکباره] بر آنان ، فرود آوری . البته از موسی ، بزرگ تر از این را خواستند و گفتند : «خدا را ، آشکارا به ما بنمای» . پس به سزای ظلمشان ، صاعقه آنان را فرو گرفت . سپس ، بعد از آن که دلایل آشکار برایشان آمد ، گوساله را [به پرستش] گرفتند ، و ما از آن هم در گذشتیم و به موسی ، برهانی (معجزه ای) روشن ، عطا کردیم» .

«و به یقین ، پیش از آنان ، قوم فرعون را آزمودیم ، و فرستاده ای بزرگوار ، برایشان آمد که [به آنان گفت] : بندگان خدا را به من بسپارید ؛ زیرا من برای شما ، فرستاده ای امینم ؛ و بر خدا برتری مجوید که من برای شما ، حجّتی (معجزه ای) آشکار آورده ام» .

3 / 4 خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله امام صادق علیه السلام : ما بر هر آن که در زیر آسمان و روی زمین است ، حجّتی رسا هستیم .

امام علی علیه السلام : خدایا ! ناگزیر ، برای تو در زمینت ، حجّت هایی لازم است ؛ حجّتی از پی حجّتی بر آفریدگانت ، که ایشان را به دین تو ، راه نمایی کنند و علم تو را به آنان بیاموزند تا پیروان اولیای تو ، پراکنده نشوند .

امام علی علیه السلام : شما از عهده حقوقی که خداوند برای خویش بر شما واجب کرده و وظایفی که برایتان مشخص کرده است ، بیرون آید من هم روز قیامت ، برای شما شهادت می دهم و از شما ، دفاع می کنم .

امام علی علیه السلام _ در نکوهش یاران نافرمانش _ : من کتاب [خدا] را به شما آموختم و برایتان ، دلیل آوردم (/ باب احتجاج و استدلال را به روی شما گشودم) و آنچه را نمی شناختید ، به شما شناساندم و آنچه را که از دهانتان بیرون می افکندید ، به مذاق شما گوارا ساختم . ای کاش که نابینا ، بینا می گشت یا که خفته ، بیدار می شد!

عنه عليه السلام: إِنِّي لَعَلَى إِقَامَةِ حُجَّجِ اللَّهِ أَقْوَلُ ، وَعَلَى نُصْرَةِ دِينِهِ أَجَاهِدُ وَأَقَاتِلُ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ في زيارة الإمام علي عليه السلام المعروفة بزيارة أمين الله _ : أَلَزَمَ أَعْدَاءُكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَّجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ . (2)

الإمام الجواد عن الإمام الصادق عن أبيه الإمام الباقر عليهم السلام_ لِرَجُلٍ سَأَلَهُ عَن مَسَائِلَ _ : كَمَا أَنَّ الْأَمْرَ لَا بُدَّ مِنْ تَنْزِيلِهِ مِنَ السَّمَاءِ يَحْكُمُ بِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ ، كَذَلِكَ لَا بُدَّ مِنَ الْوَالِ ، فَإِنْ قَالُوا : لَا نَعْرِفُ هَذَا ، فَقُلْ لَهُمْ : قُولُوا مَا أَحْبَبْتُمْ ، أَبِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعَدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَتْرَكَ الْعِبَادَ وَلَا- حُجَّةَ عَلَيْهِمْ . قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ثُمَّ وَقَفَ [الرَّجُلُ] فَقَالَ : هَاهُنَا يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بَابٌ غَامِضٌ ، أَرَأَيْتَ إِنْ قَالُوا : حُجَّةُ اللَّهِ : الْقُرْآنُ ؟ قَالَ : إِذَنْ أَقُولُ لَهُمْ : إِنَّ الْقُرْآنَ لَيْسَ بِنَاطِقٍ يَأْمُرُ وَيَنْهَى ، وَلَكِنَّ الْقُرْآنَ أَهْلٌ يَأْمُرُونَ وَيَنْهَوْنَ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام_ في وصف أهل البيت عليهم السلام_ : هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِ أَكْرَمَهُمُ اللَّهُ بِسِرِّهِ ، وَشَرَفَهُمْ بِكِرَامَتِهِ ، وَأَعَزَّهُمْ بِالْهُدَى ، وَتَبَّهَهُمْ بِالْوَحْيِ ، وَجَعَلَهُمْ أئِمَّةً هُدَى وَنُوراً فِي الظُّلْمِ لِلنَّجَاةِ ، وَاحْتَصَّهُمْ لِدِينِهِ ، وَفَضَّلَهُمْ بِعِلْمِهِ ، وَأَتَاهُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ، وَجَعَلَهُمْ عِمَاداً لِدِينِهِ ، وَمُسْتَوْدَعاً لِمَكْنُونِ سِرِّهِ ، وَأَمْنَاءَ عَلَى وَحْيِهِ ، وَشُهَدَاءَ عَلَى بَرِيَّتِهِ ، وَاخْتَارَهُمُ اللَّهُ وَحِبَابَهُمْ ، وَخَصَّهُمْ وَاصْطَفَاهُمْ ، وَفَضَّلَهُمْ وَارْتَضَاهُمْ ، وَأَنْتَجَبَهُمْ وَأَنْتَقَاهُمْ ، وَجَعَلَهُمْ لِلْبِلَادِ وَالْعِبَادِ عُمَرَاءً ، وَأَدْلَاءَ لِلْأُمَّةِ عَلَى الصِّرَاطِ ، فَهُمْ أئِمَّةُ الْهُدَى ، وَالِدُّعَاءُ إِلَى التَّقْوَى ، وَكَلِمَةُ اللَّهِ الْعُلْيَا ، وَحُجَّةُ اللَّهِ الْعُظْمَى . (4)

1- غرر الحكم : ج 3 ص 43 ح 3777 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 169 ح 3557 .

2- كامل الزيارات : ص 92 ح 93 عن علي بن مهدي بن صدقة الرقي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 100 ص 264 ح 2 .

3- الكافي : ج 1 ص 246 ح 1 عن الحسن بن العباس بن الحريش ، بحار الأنوار : ج 25 ص 77 ح 64 .

4- اليقين لابن طاووس : ص 319 ، تفسير فرات : ص 396 ح 527 كلاهما عن زياد بن المنذر ، بحار الأنوار : ج 26 ص 251 ح 22 .

امام علی علیه السلام: هر آینه، من برای اقامه حجّت های خدا، گفتگو می کنم و برای یاری دادن دین خدا، جهاد و جنگ می نمایم.

امام زین العابدین علیه السلام در زیارت امام علی علیه السلام، معروف به «زیارت امین الله» _ در کنار حجّت های رسایی که تو را بر همه آفریدگان اوست، [خداوند] کشته شدن به دست دشمنان را نیز حجّتی [بر حقانیت تو] علیه دشمنان قرار داد.

امام جواد علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام _ پدرم باقر علیه السلام، در پاسخ به مردی که از ایشان سؤالاتی پرسید، فرمود: «همان گونه که فرمان [و قانون] باید از آسمان فرو فرستاده شود که مردم زمین، بر اساس آن حکم کنند، وجود زمامداری [از جانب خداوند] هم لازم است. اگر گفتند: ما آن زمامدار را نمی شناسیم، به آنها بگو: هر چه دوست دارید، بگویید؛ اما خداوند عز و جل نخواسته است که بعد از محمد صلی الله علیه و آله، بندگان را بدون حجّتی بر ایشان، رها کند». [آن مرد] ایستاد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! در این جا، موضوع پیچیده ای وجود دارد. بفرما که اگر گفتند: «حجّت خدا، [فقط] قرآن است»، چه بگوییم؟ [پدرم] فرمود: «آن گاه به ایشان می گویم: قرآن، زبان ندارد که امر و نهی کند؛ بلکه قرآن، اهلی دارد که آنها، امر و نهی می کنند».

امام باقر علیه السلام در توصیف اهل بیت علیهم السلام _ اینان، خاندانی هستند که خداوند، اسرار خویش را به آنان عطا فرموده و به کرامت خود، مفتخرشان ساخته است و به هدایت، ارجمندشان داشته و به وحی، ثابت قدمشان نموده است. ایشان را پیشوایان هدایت و نوری در تاریکی ها، برای نجات [بشر] قرار داده است و به دین خود، ویژه شان گردانیده و به علم خود، برتری شان داده و به آنها چیزی عطا کرده که به هیچ یک از مردمان نداده است. آنان را ستون دینش و سپردگاه راز نهانش و امین بر وحی اش و گواهان بر آفریدگانش قرار داده است. خداوند، ایشان را انتخاب کرد و به آنان بخشید و از بندگان ویژه خود، قرارشان داد. آنها را برگزید و برتری شان داد و پسندید. آنها را دستچین کرده، جدا ساخت و آباد کنندگان شهرها گردانید و آنها را بندگان و راه نمایان امت به راه راست قرار داد. پس ایشان، پیشوایان هدایت و دعوتگران به پرهیزگاری و کلمه برتر خدا و بزرگ ترین حجّت خدا هستند.

الكافي عن منصور بن حازم: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَكْرَمٌ مِنْ أَنْ يُعْرَفَ بِخَلْقِهِ، بَلِ الْخَلْقُ يُعْرَفُونَ بِاللَّهِ، قَالَ: صَدَقْتَ، قُلْتُ: إِنَّ مَنْ عَرَفَ أَنْ لَهُ رَبًّا، فَيَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَعْرِفَ أَنَّ لِدَيْكَ الرَّبَّ رِضًا وَسَخَطًا، وَأَنَّهُ لَا يُعْرَفُ رِضًا وَسَخَطُهُ إِلَّا بِوَحْيٍ أَوْ رَسُولٍ، فَمَنْ لَمْ يَأْتِهِ الْوَحْيُ فَقَدْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَطْلُبَ الرَّسُولَ، فَإِذَا لَقِيَهُمْ عَرَفَ أَنَّهُمُ الْحُجَّةُ، وَأَنَّ لَهُمُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ. وَقُلْتُ لِلنَّاسِ: تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ هُوَ الْحُجَّةَ مِنَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؟ قَالُوا: بَلَى، قُلْتُ: فَحِينَ مَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ كَانَ الْحُجَّةَ عَلَى خَلْقِهِ؟ فَقَالُوا: الْقُرْآنُ. فَتَنَظَرْتُ فِي الْقُرْآنِ فَإِذَا هُوَ يُخَاصِمُ بِهِ الْمُرْجِيَّ وَالْقَدْرِيَّ وَالزَّنَدِيَّ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ بِهِ، حَتَّى يَغْلِبَ الرَّجَالَ بِخُصُومَتِهِ، فَعَرَفْتُ أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقِيَمٍ، فَمَا قَالَ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ كَانَ حَقًّا، فَقُلْتُ لَهُمْ: مَنْ قِيَمَ الْقُرْآنُ؟ فَقَالُوا: ابْنُ مَسْعُودٍ قَدْ كَانَ يَعْلَمُ وَعُمَرُ يَعْلَمُ، وَحُدَيْفَةُ يَعْلَمُ. قُلْتُ: كُلُّهُ؟ قَالُوا: لَا! فَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا يُقَالُ: إِنَّهُ يَعْرِفُ ذَلِكَ كُلَّهُ إِلَّا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِذَا كَانَ الشَّيْءُ بَيْنَ الْقَوْمِ فَقَالَ هَذَا: لَا أُدْرِي، وَقَالَ هَذَا: لَا أُدْرِي، وَقَالَ هَذَا: لَا أُدْرِي، فَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ قِيَمَ الْقُرْآنِ، وَكَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةً، وَكَانَ الْحُجَّةَ عَلَى النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ مَا قَالَ فِي الْقُرْآنِ فَهُوَ حَقٌّ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ.

(1)

الکافی_ به نقل از منصور بن حازم_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : خدا ، بزرگ تر و ارجمندتر از آن است که به واسطه مخلوقش شناخته شود ؛ بلکه مخلوق ، به خدا شناخته می شود . فرمود : «درست است» . گفتم : کسی که بداند پروردگاری دارد ، لازم است بداند که برای آن پروردگار ، خشنودی و ناخشنودی ای است و این خشنودی و ناخشنودی او ، دانسته نمی شود ، مگر از طریق وحی یا پیامبر ، و کسی که به خود او وحی نمی شود ، لازم است تا در جستجوی پیامبران بر آید ؛ و چون ایشان را یافت ، در می یابد که آنان ، حجت هستند و اطاعتشان ، واجب است . من به مردم (مخالفان) گفتم : آیا شما می دانید [و معتقدید] که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، حجت خدا بر خلقش بود؟ آنها گفتند : آری . گفتم : پس هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت ، چه کسی حجت بر خلقش بود؟ گفتند : قرآن . من در قرآن نگریستم و دیدم که مُرجئی و قَدَری و [حتّی] زندیق که به آن ایمان ندارد ، برای چیره آمدن بر افراد در مجادله اش ، به قرآن استدلال می کند . پس دریافتم که قرآن ، حجت نیست ، مگر با متولّی ، و آنچه آن متولّی در باره قرآن بگوید ، همان درست است . پس به آنها گفتم : متولّی قرآن کیست؟ گفتند : ابن مسعود ، قرآن را می دانست . عمر هم می دانست . حُذیفه هم می دانست . گفتم : همه آن را [می دانستند]؟ گفتند : نه . پس من هیچ کس را نیافتم که گفته شود : «او ، همه قرآن را می داند» ، مگر علی علیه السلام . هر گاه مسئله ای میان مردم به وجود می آمد ، این (ابن مسعود) می گفت : «نمی دانم» و این (عمر) می گفت : «نمی دانم» و این (حُذیفه) می گفت : «نمی دانم» . این (علی علیه السلام) می فرمود : «می دانم» . پس گواهی می دهم که علی ، متولّی قرآن بود و اطاعت از او ، واجب است و بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، او حجت بر مردم بود و هر چه او در باره قرآن گفته ، همان درست است . امام صادق علیه السلام فرمود : «رحمت خدا بر تو باد !» .

الإمام الصادق عليه السلام_ في زيارة الإمام الحسين عليه السلام _ :السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ الَّذِينَ حَبَاهُمُ اللَّهُ بِالْحُجَجِ الْبَالِغَةِ ، وَالتَّوَرِ وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ . (1)

عنه عليه السلام : كُنَّا نَجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَاوِلِ الْبَرِيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمَ بُرْهَانُ (2)

الإمام الهادي عليه السلام_ في زيارة الإمام علي عليه السلام يوم الغدير _ :مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ، وَالْمَحَجَّةُ (3) الْوَاضِحَةُ ، وَالنَّعْمَةُ السَّابِغَةُ ، وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ . (4)

عنه عليه السلام_ في إحدى الزيارات الجامعة _ :كُلَّمَا غَابَ مِنْكُمْ حُجَّةٌ ، أَوْ أَقَلَ مِنْكُمْ عِلْمٌ ، أَطْلَعَ اللَّهُ لِخَلْقِهِ مِنْ عَقَبِ الْمَاضِي خَلْفًا ، إِمَامًا وَنُورًا هَادِيًا ، وَبُرْهَانًا مُبِينًا نَبِيًّا ، دَاعِيًا عَنِ دَاعٍ ، وَهَادِيًا بَعْدَ هَادٍ . (5)

عنه عليه السلام_ في الزيارة الجامعة الكبيرة _ :السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ (6) الدُّعَاةِ ، وَالْقَادَةِ الْهَيْدَاةِ ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاةِ ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ ، وَأَوْلِي الْأَمْرِ ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحَزْبِهِ ، وَعَيْبَةِ (7) عِلْمِهِ ، وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ ، وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ ... أَعَزَّكُمْ بِهِدَاةً ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ ... آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ . (8)

- 1- تهذيب الأحكام : ج 6 ص 59 ح 131 عن الحسين بن ثوير ، المزار للمفيد : ص 108 ، المزار الكبير : ص 377 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 101 ص 210 ح 33 .
- 2- المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 277 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 26 ح 26 .
- 3- المَحَجَّةُ : جَادَةُ الطَّرِيقِ (مجمع البحرين : ج 1 ص 364 « حجج ») .
- 4- المزار الكبير : ص 275 ح 12 عن أبي القاسم بن روح وعثمان بن سعيد العمري عن الإمام العسكري عليه السلام ، المزار للشهيد الأول : ص 81 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 100 ص 365 .
- 5- البلد الأمين : ص 300 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 152 .
- 6- في المصدر : « أئمة الدعاء » ، والتصويب من المصادر الأخرى .
- 7- العَيْبَةُ : مُسْتَوْدَعُ أَفْضَلِ الثِّيَابِ ، وَعَيْبَةُ الْعِلْمِ عَلَى الْإِسْتِعَارَةِ (مجمع البحرين : ج 2 ص 1296 « عيب »).
- 8- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 273 ح 1 ، المزار الكبير : ص 525 كلاهما عن موسى بن عمران النخعي ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 96 ح 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 610 ح 3213 كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعي وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 102 ص 128 ح 4 .

امام صادق علیه السلام_ در زیارت امام حسین علیه السلام_ :سلام بر تو، ای وارث پیامبران! سلام بر تو، ای وصی اوصیا! سلام بر تو و بر فرزندان تو که خداوند، حجت های رسا و نور و راه راست را به ایشان بخشید!

امام صادق علیه السلام: ما ستارگانی هستیم که از نور ما، راه، جسته می شود و برای مردمان، امروز، ما برهانیم.

امام هادی علیه السلام_ در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر_ :مولای من! تویی حجت رسا و راه روشن و نعمت سرشار و برهان روشنگر.

امام هادی علیه السلام_ در یکی از زیارت های جامعه_ :هر زمان که حجتی از شما در گذرد یا نشانه ای از شما اُفول کند، خداوند برای خلق خود، از نسل آن درگذشته، جانشینی بر می آورد که پیشوا و نوری هدایتگر و برهانی روشن و نورانی باشد که یکی از پی دیگری [به راه حق] دعوت می کند و یکی بعد از دیگری، [مردمان را] هدایت می نماید.

امام هادی علیه السلام_ در «زیارت جامعه کبیره»_ :سلام بر پیشوایان دعوتگر، و رهبران هدایتگر، و سروران حکومتگر، و مدافعان حمایتگر [از دین خدا]، و اهل ذکر، و اولیای امر، و یادگاران و برگزیدگان خدا و حزب او، و صندوق دانش او، و حجت و راه او، و نور و برهان او... خداوند، شما را به هدایتش، گرامی داشت و برهانش را به شما اختصاص داد و برای نور خویش، شما را برگزید... نشانه های خدا، در نزد شماست، و اراده و مشیت های او [همراه] با شماست، و نور و برهانش، پیش شماست.

المزار الكبير عن أبي جعفر محمد بن عبد الله الحميري_ فيما خرَجَ إليه مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ فِي زِيَارَةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : أَنْتُمْ حُجَّجُهُ وَبِرَاهِينُهُ . (1)

المزار الكبير عن محمد بن الحسين البزوفري_ فِي دُعَاءِ التُّدْبَةِ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : يَابْنَ الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ ، يَابْنَ الْبِرَاهِينِ الْبَاهِرَاتِ ، يَابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ . (2)

3 / 15 الإسلامُ إمامٌ عليٌّ عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ ، وَأَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَى مَنْ غَالَبَهُ ، فَجَعَلَهُ أَمِنًا لِمَنْ عَاقَبَهُ ، وَسَلَّمَ لِمَنْ دَخَلَهُ ، وَبُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ ، وَشَاهِدًا لِمَنْ خَاصَمَ عَنْهُ ، وَنُورًا لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِهِ . (3)

عنه عليه السلام_ فِي فَضْلِ الْإِسْلَامِ _ : هُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَثِيقُ الْأَرْكَانِ ، رَفِيعُ الْبُنْيَانِ ، مُنِيرُ الْبُرْهَانِ ، مُضِيءُ النَّيِّرَانِ ، عَزِيزُ السُّلْطَانِ . (4)

1- .المزار الكبير : ص 571 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 39 ح 23 .

2- .المزار الكبير : ص 580 ، الإقبال : ج 1 ص 510 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 102 ص 108 .

3- .نهج البلاغة : الخطبة 106 ، الكافي : ج 2 ص 49 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وبأسانيد مختلفة عن أصبغ بن نباتة ، الأمالي للمفيد : ص 275 ح 3 ، الأمالي للطوسي : ص 37 ح 40 كلاهما عن قبيصة بن جابر الأسدي ، الغارات : ج 1 ص 138 كلُّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 347 ح 17 .

4- .نهج البلاغة : الخطبة 198 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 345 ح 16 .

المزار الکبیر۔ به نقل از ابو جعفر محمّد بن عبد اللّٰه حمیری، در زیارت صاحب امر علیه السلام که از ناحیه مقدّسه برای او صادر شد۔
: شما، حجّت ها و برهان های خدا هستید .

المزار الکبیر۔ به نقل از محمّد بن حسین بزوفری، در «دعای ندبه» برای صاحب زمان علیه السلام۔: ای پسر نشانه های روشن! ای پسر
دلایل آشکار! ای پسر برهان های درخشان! ای پسر حجّت های رسا!

3 / 5 اسلام امام علی علیه السلام: سپاس، خدایی را که شریعت اسلام را بر نهاد و آبشخورهای آن را برای کسی که بخواهد بدان در آید،
آسان ساخت، و ارکانش را در برابر کسی که بخواهد بر آن چیرگی یابد، استوار گردانید، و آن را برای کسی که بدان چنگ زند، وسیله ای
امن قرار داد، و برای کسی که به آن در آید، [مایه] سلامت، و برای کسی که با آن سخن گوید، برهان، و برای کسی که از آن دفاع کند،
گواه، و برای کسی که بخواهد از آن پرتو گیرد، روشنایی قرار داد .

امام علی علیه السلام در بیان فضیلت اسلام۔: آن در نزد خداوند، پایه هایی استوار دارد و بنایی بلند، و برهانی روشنگر، و آتش هایی
فروزان، و قدرتی شکست ناپذیر است .

فاطمة عليها السلام_ في دُعائها عَقِيبَ فَرِيضَةِ الظُّهْرِ_ :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ ، ... اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ ، وَأَعْلِ كَعْبَهُ ، وَأَفْلِجْ (1) حُجَّتَهُ ، وَأَتِمِّمْ نُورَهُ ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ . (2)

الإمام الرضا عليه السلام :الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ (3) دِينًا ... وَجَعَلَ فِيهِ التَّوَرَّ وَالْبُرْهَانَ ، وَالشُّفَاءَ وَالْبَيَانَ . (4)

6/3 الْعِلْمُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :الْعِلْمُ كُلُّهُ حُجَّةٌ إِلَّا مَا عُمِلَ بِهِ . (5)

عنه عليه السلام :إِنَّهَا النَّاسُ ! إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا بِمَا عَلِمْتُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ، إِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بِغَيْرِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ عَن جَهْلِهِ ، بَلْ قَدْ رَأَيْتُ أَنَّ الْحُجَّةَ عَلَيْهِ أَعْظَمُ ، وَالْحَسْرَةَ أَدْوَمُ عَلَى هَذَا الْعَالِمِ الْمُنْسَلِخِ مِنْ عِلْمِهِ ، مِنْهَا عَلَى هَذَا الْجَاهِلِ الْمُتَحَيِّرِ فِي جَهْلِهِ . (6)

1- أفلج حُجَّتَهُ : أي أظهرها (مجمع البحرين : ج 3 ص 1412 « فليج ») .

2- فلاح السائل : ص 314 ح 212 ، مصباح المتهجد : ص 390 ح 512 عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه : « وأتمم نوره وثقل ميزانه » ، بحار الأنوار : ج 86 ص 68 ح 4 .

3- في المصدر « للإسلام » وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار .

4- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 154 ح 23 ، بحار الأنوار : ج 49 ص 157 ح 1 .

5- التوحيد : ص 371 ح 10 عن أبي أحمد الغازي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 281 ح 25 عن داود بن سليمان الغازي عن الإمام الرضا عن آبائه عنه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص 1800536 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 2 ص 29 ح 9 .

6- الكافي : ج 1 ص 45 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 39 ح 69 .

فاطمه علیها السلام_ در دعایش بعد از نماز ظهر_ :بار خدایا! بر محمد، خاتم پیامبران، درود فرست بار خدایا! او را روسپید گردان ، و مقامش را بلند دار ، و حجّتش را پیروز ساز ، و نورش را کامل و ترازویش را سنگین کن ، و برهانش را عظمت بخش .

امام رضا علیه السلام: سپاس ، خدای را که دین اسلام را بنا نهاد ... و در آن ، روشنایی و برهان ، و شفابخشی و بیان قرار داد .

3 / 6 علم امام علی علیه السلام: علم ، همه اش حجّت است ، مگر آنچه که بدان عمل شود .

امام علی علیه السلام: ای مردم! چون دانا شوید ، به آنچه می دانید ، عمل کنید ، باشد که هدایت شوید . عالمی که بر خلاف علمش عمل کند ، مانند نادان سرگردانی است که از [مستی] نادانی اش به هوش نیاید ؛ بلکه به نظر من ، حجّت بر او تمام تر است و افسوس چنین عالمی که از علم خویش جدا گشته ، پایدارتر باشد تا افسوس آن نادانی که در نادانی خویش ، سرگردان است .

عنه عليه السلام: عِلْمٌ بِلا عَمَلٍ ، حُجَّةٌ لِلَّهِ عَلَى الْعَبْدِ . (1)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِالْعِلْمِ ، كَانَ حُجَّةً عَلَيْهِ وَوَيْلًا . (2)

عنه عليه السلام_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : يَا عَالِمُ ، قَدْ قَامَ عَلَيْكَ حُجَّةُ الْعِلْمِ ، فَاسْتَيْقِظْ مِنْ رَقَدَتِكَ . (3)

عنه عليه السلام_ أَيْضًا _ : مَنْ أَزْدَادَ عِلْمًا ، فَلْيَحْذَرْ مِنْ تَوْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ . (4)

3 / 71 رُوَاةٌ حَدِيثِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَالِغِيْبَةً لِلطُّوسِي عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ : سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعَمْرِي رَحِمَهُ اللهُ (5) أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَيَّ ، فَوَزَدَ التَّوْقِيْعَ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا ؛ فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ ، وَأَنَا حُجَّةُ اللهِ عَلَيْكُمْ . (6)

3 / 8 الصُّلَحَاءُ الْكَافِي عَنْ إِسْمَاعِيلِ الْهَاشِمِي : شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَلْقَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ اسْتِخْفَافِهِمْ بِالْدِّينِ . فَقَالَ : يَا إِسْمَاعِيلُ ، لَا تُنْكِرْ ذَلِكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِكُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ حُجَّةً يَحْتَجُّ بِهَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ فِي الْقِيَامَةِ ، فَيُقَالُ لَهُمْ : أَلَمْ تَرَوْا فُلَانًا فِيكُمْ ؟ أَلَمْ تَرَوْا هَدِيَّةً فِيكُمْ ؟ أَلَمْ تَرَوْا صَلَاةً فِيكُمْ ؟ أَلَمْ تَرَوْا دِينَهُ ؟ فَهَلَا اقْتَدَيْتُمْ بِهِ ؟ ! فَيَكُونُ حُجَّةً عَلَيْهِمْ فِي الْقِيَامَةِ . (7)

-
- 1- . غرر الحكم : ج 4 ص 351 ح 6296 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 340 ح 5799 .
 - 2- . غرر الحكم : ج 5 ص 410 ح 8968 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 433 ح 7461 .
 - 3- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 317 ح 646 .
 - 4- . شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 320 ح 669 .
 - 5- . أحد نواب القائم عليه السلام في غيبته الصغرى .
 - 6- . الغيبة للطوسي : ص 291 ح 247 ، كمال الدين : ص 483 ح 4 ، الاحتجاج : ج 2 ص 542 ح 344 ، الخرائج والجرائح : ج 3 ص 1113 ح 30 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 90 ح 13 .
 - 7- . الكافي : ج 8 ص 83 ح 42 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 135 نحوه .

3 / 7 / 3 **راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام**3 / 8 **نیکان**

امام علی علیه السلام: علم بدون عمل، حجتی است برای خدا بر بنده.

امام علی علیه السلام: کسی که به علم عمل نکند، آن علم، حجتی علیه او و [مایه] مشقت است.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: ای عالم! حجت علم، بر تو اقامه شده است. پس، از خواب خود، بیدار شو.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: کسی که علمش بیشتر است، باید از قوی تر بودن حجت بر خود، بر حذر باشد.

3 / 7 / 3 **راویان حدیث اهل بیت علیهم السلام**، طوسی. به نقل از اسحاق بن یعقوب: از محمد بن عثمان عمری (1) خواهش کردم تا نامه مرا که در آن، مسائلی را که برایم مشکل شده بود، پرسیده بودم، به امام [مهدی] علیه السلام برساند. پس توقیعی (پاسخی) با دست خط مولایمان صاحب خانه علیه السلام رسید که [در آن آمده بود]: «... در مسائل جدیدی که پیش می آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان، حجت من بر شما هستند، و من، حجت خدا بر شما هستم».

3 / 8 **نیکان** کافی. به نقل از اسماعیل هاشمی: از این که می دیدم خانواده ام به دین، بی توجهی می کنند، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم. ایشان فرمود: «ای اسماعیل! این رفتار خانواده ات، تو را ناراحت نکند؛ (2) زیرا خداوند - تبارک و تعالی - برای هر خانواده ای، حجتی قرار داده است که با آن در روز قیامت، بر خانواده او احتجاج می کند و به آنها گفته می شود: مگر فلانی را در میان خود ندیدید؟ آیا راه و روش او را در جمع خود، مشاهده نکردید؟ آیا نماز خواندن او را در میان خود ندیدید؟ آیا دین او را ندیدید؟ پس چرا از او سرمشق نگرفتید؟! بدین ترتیب، آن شخص در قیامت، علیه آنان، حجت است».

1- یکی از نابیان چهارگانه امام مهدی علیه السلام در زمان غیبت صغرا.

2- یعنی رفتار آنان، به توزیانی نمی رساند و در هر خانواده ای، ممکن است که چنین کسانی پیدا شوند.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَكُونُ فِي الْمَحَلَّةِ فَيَحْتَجُّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى جِيرَانِهِ بِهِ فَيُقَالُ لَهُمْ: أَلَمْ يَكُنْ فُلَانٌ بَيْنَكُمْ؟ أَلَمْ تَسْمَعُوا كَلَامَهُ؟ أَلَمْ تَسْمَعُوا بُكَاءَهُ فِي اللَّيْلِ؟ فَيَكُونُ حُجَّةً لِلَّهِ عَلَيْهِمْ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ وَحَدَهُ حُجَّةٌ، وَالْمُؤْمِنُ وَحَدَهُ جَمَاعَةٌ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: دُخُولُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ تَرْعَةٌ (3)، وَدُخُولُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْكَافِرِ حُجَّةٌ، وَالْمُؤْمِنُ يَزْهُو نُورُهُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ! (4)

الإمام العسكري عليه السلام: الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ، وَحُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ. (5)

9/3 فقراء شيعية أهل البيت عليهم السلام: فقراء شيعتنا حجة على أغنيائهم. (6)

-
- 1- الكافي: ج 8 ص 84 ح 43، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 135 كلاهما عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 7 ص 285 ح 2.
 - 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 376 ح 1096، الخصال: ص 584 ح 10، بحار الأنوار: ج 28 ص 3 ح 1.
 - 3- في المصدر: « بدعة »، والتصويب من كنز العمال. والترعة: الروضة على المكان المرتفع خاصة (النهاية: ج 1 ص 187 « ترع »).
 - 4- الفردوس: ج 2 ص 221 ح 3073، كنز العمال: ج 1 ص 155 ح 773 كلاهما عن ابن عباس.
 - 5- تحف العقول: ص 489، بحار الأنوار: ج 78 ص 374 ح 20.
 - 6- أعلام الدين: ص 254.

3 / 9 پیروان تهی دست اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام: فردی از شما در محله ای زندگی می کند و خداوند عز و جل در روز قیامت ، با او بر همسایگانش احتجاج می کند و به ایشان گفته می شود : «آیا فلانی ، در بین شما نبود؟ آیا سخنان او را نشنیدید؟ آیا صدای گریه های شبانه او به گوش شما نرسید؟». بدین ترتیب ، او حجّت خدا بر آنان می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، به تنهایی حجّت است . مؤمن ، به تنهایی ، يك جماعت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وارد شدن مؤمن بر مؤمن [به منزله] بوستانی است ، و وارد شدن مؤمن بر کافر ، حجّت است . مؤمن ، نورش برای اهل آسمان می درخشد .

امام عسکری علیه السلام : مؤمن ، برای مؤمن [دیگر] ، برکت است و بر کافر ، حجّت .

3 / 9 پیروان تهی دست اهل بیت علیهم السلام: پیروان تهی دست ما ، حجّت بر توانگرانشان هستند .

3 / 10 ما يَمْنَعُ الْعِصْيَانَ الْكِتَابَ « وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ » . (1)

الحديث للإمام علي عليه السلام في قوله تعالى : « وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ » _ : طَمَعَتْ فِيهِ ، فَقَامَتْ إِلَى صَنْمٍ مُكَلَّلٍ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ ، فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ ، فَسْتَرَتْهُ بِثُوبٍ أبيضَ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ . فَقَالَ : أَيُّ شَيْءٍ تَصْنَعِينَ ؟ ! فَقَالَتْ : أَسْتَحِي أَنَا مِنْ إلهِي أَنْ يرَانِي عَلَى هَذِهِ السُّوءَةِ . فَقَالَ يوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَسْتَحِينَ مِنْ صَنْمٍ لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ ، وَلَا أَسْتَحِي أَنَا مِنْ إلهِي الَّذِي هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ؟ ثُمَّ قَالَ : لَا تَنَالِيْنَهَا مِنِّي أَبَدًا . وَهُوَ الْبُرْهَانُ (2) . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام في قول الله عز وجل : « لَوْلَا أَنْ رَءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ » _ : قَامَتْ امْرَأَةٌ الْعَزِيزِ إِلَى الصَّانِمِ فَأَلْقَتْ عَلَيْهِ ثُوبًا . فَقَالَ لَهَا يوسُفُ : مَا هَذَا ؟ قَالَتْ : أَسْتَحِي مِنَ الصَّانِمِ أَنْ يرَانَا . فَقَالَ لَهَا يوسُفُ : أَسْتَحِينَ مِمَّنْ لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ ، وَلَا يَقَعُّ وَلَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ ، وَلَا أَسْتَحِي أَنَا مِمَّنْ خَلَقَ الْإِنْسَانَ وَعَلَّمَهُ ! فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى : « لَوْلَا أَنْ رَءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ » . (4)

1- . يوسف : 24 .

2- . أي البرهان الذي رآه ، وأخبر عنه سبحانه وتعالى بقوله : «لَوْلَا أَنْ رَءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ» .

3- . كنز العمال : ج 2 ص 440 ح 4442 نقلاً عن مسند علي عليه السلام .

4- . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 45 ح 162 ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 257 ح 186 نحوه وكلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 12 ص 266 ح 35 .

3 / 10 آنچه مانع نافرمانی می شود

3 / 10 آنچه مانع نافرمانی می شود قرآن «و در حقیقت، [آن زن،] آهنگِ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگِ او می کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او باز گردانیم؛ چرا که او از بندگان با اخلاص ما بود».

حدیث امام علی علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «و در حقیقت، [آن زن،] آهنگِ وی کرد» _ یعنی هوسِ او (یوسف علیه السلام) کرد. پس به سوی بتی آراسته به دُر و یاقوت _ که در گوشه اتاق بود _ رفت و آن را با پارچه ای سفید پوشاند. یوسف علیه السلام گفت: «چه می کنی؟!». آن زن گفت: از خدایم خجالت می کشم که مرا با این وضع بد ببیند. یوسف علیه السلام گفت: «تواز بتی که نمی خورد و نمی آشامد، شرم می کنی. من، از خدای خود که بر کردار هر کس آگاه [و ناظر] است، شرم نکنم؟». سپس گفت: «هرگز به مراد خود از من، نخواهی رسید». این بود آن برهان [که یوسف علیه السلام دید] .

امام زین العابدین علیه السلام در باره سخن خداوند عز و جل: «اگر برهان پروردگارش را ندیده بود» _ همسر عزیز [مصر] به سوی بت رفت و پارچه ای بر آن افکند. یوسف علیه السلام به او گفت: «این، چه کاری است؟». زن گفت: از این که بت، ما را ببیند، شرم دارم. یوسف علیه السلام به او گفت: «آیا تواز چیزی که نه می شنود و نه می بیند و نه می فهمد و نه می خورد و نه می آشامد، شرم می کنی و من، از کسی که انسان را آفرید و به او علم آموخت، شرم نکنم؟!». این است معنای سخن خداوند متعال که: «اگر برهان پروردگارش را ندیده بود» .

تفسير العياشي عن بعض أصحابنا: قال أبو جعفر عليه السلام: أي شيء يقول الناس في قول الله جل وعز: «لولا أن رآه برهان ربه»؟ قلت: يقولون رأى يعقوب عاصاً على إصبعه. فقال: لا، ليس كما يقولون، فقلت: فأَيُّ شيء رأى؟ قال: لَمَّا هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا، قَامَتْ إِلَى صَنَمٍ مَعَهَا فِي الْبَيْتِ، فَأَلْقَتْ عَلَيْهِ ثُوبًا، فَقَالَ لَهَا يوسُفُ: مَا صَنَعْتَ؟ قَالَتْ: طَرَحْتُ عَلَيْهِ ثُوبًا أَسْتَحْيِي أَنْ يَرَانَا، قَالَ: فَقَالَ يوسُفُ: فَأَنْتِ تَسْتَحِينِ مِنْ صَنَمِكَ وَهُوَ لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ، وَلَا أَسْتَحِي أَنَا مِنْ رَبِّي؟! (1)

الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا، قَامَتْ إِلَى صَنَمٍ فِي بَيْتِهَا، فَأَلْقَتْ عَلَيْهِ الْمَلَاءَةَ (2) لَهَا، فَقَالَ لَهَا يوسُفُ: مَا تَعْمَلِينَ؟ قَالَتْ: أَلْقِي عَلَيَّ هَذَا الصَّنَمِ ثُوبًا لَا يَرَانَا فَإِنِّي أَسْتَحْيِي مِنْهُ. فَقَالَ يوسُفُ: فَأَنْتِ تَسْتَحِينِ مِنْ صَنَمٍ لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ، وَلَا أَسْتَحْيِي أَنَا مِنْ رَبِّي؟! فَوَثَبَ وَعَدَا وَعَدَّتْ مِنْ خَلْفِهِ، وَأَدْرَكَهُمَا الْعَزِيزُ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ. (3)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن علي بن محمد بن الجهم: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ وَعِنْدَهُ الرُّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَلَيْسَ مِنْ قَوْلِكَ: إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (4)... إِلَى أَنْ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ». فَقَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ، وَلَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ بِهَا كَمَا هَمَّتْ بِهِ، لَكِنَّهُ كَانَ مَعْصُومًا، وَالْمَعْصُومُ لَا يَهْتُمُّ بِذَنْبٍ وَلَا يَأْتِيهِ، وَلَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: هَمَّتْ بِأَنْ تَفْعَلَ وَهَمَّ بِأَنْ لَا يَفْعَلَ. فَقَالَ الْمَأْمُونُ: لِلَّهِ دَرْكٌ (5) يَا أَبَا الْحَسَنِ. (6)

1- تفسير العياشي: ج 2 ص 174 ح 19، بحار الأنوار: ج 12 ص 301 ح 97.

2- الملاءة: ثوب لين رقيق (مجمع البحرين: ج 3 ص 1714 «ملاء»).

3- تفسير القمي: ج 1 ص 342، بحار الأنوار: ج 12 ص 225 ح 3.

4- طه: 121.

5- لله دَرَّةٌ: دعاء له بالخير (مجمع البحرين: ج 1 ص 587 «در»).

6- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 195 و 201 ح 1، الاحتجاج: ج 2 ص 423 و 432 ح 308، بحار الأنوار: ج 11 ص

تفسیر العیاشی_ به نقل از یکی از راویان شیعه _ : امام باقر علیه السلام به من فرمود : «مردم ، در باره این سخن خداوند عز و جل : «اگر برهان پروردگارش را ندیده بود» ، چه می گویند؟» . گفتم : می گویند : [پدرش] یعقوب علیه السلام را دید که انگشش را به دندان می گزد . فرمود : «نه . چنین نیست که می گویند» . گفتم : پس چه دید؟ فرمود : «چون [زن عزیز] آهنگِ یوسف علیه السلام کرد و یوسف ، آهنگ او ، آن زن به طرف بتی که با خود در خانه داشت ، رفت و پارچه ای روی آن انداخت . یوسف علیه السلام به او گفت : چه کردی؟ . گفت : پارچه ای روی آن انداختم . شرم دارم که ما را [این چنین] ببیند . یوسف علیه السلام گفت : تو از بت خویش که نه می بیند و نه می شنود ، شرم داری و من ، از پروردگارم شرم نکنم؟!» .

امام صادق علیه السلام : چون [زن عزیز] آهنگِ یوسف علیه السلام کرد و یوسف ، آهنگِ او ، به طرف بتی که در خانه اش بود ، رفت و ملافه ای روی آن انداخت . یوسف علیه السلام به او گفت : «چه کار می کنی؟» . گفت : پارچه ای روی این بت می اندازم تا ما را نبیند ؛ زیرا من از او شرم می کنم . یوسف علیه السلام گفت : «تو از يك بت که نه می شنود و نه می بیند ، شرم می کنی و من ، از پروردگارم شرم نکنم؟!» . پس برخاست و [به طرف درِ اتاق] دوید و زلیخا هم به دنبال او دوید . در این حال ، عزیز از راه رسید .

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از علی بن محمد بن جهم _ : در مجلس مأمون ، حاضر شدم و علی بن موسی الرضا علیه السلام نزد او بود . مأمون به ایشان گفت : ای پسر پیامبر خدا! مگر نمی گویی که پیامبران ، معصوم اند؟ فرمود : «چرا» . مأمون گفت : پس این سخن خداوند عز و جل که : «آدم ، پروردگارش را نافرمانی کرد و بیراهه رفت» ، چه معنایی دارد ... ؟ تا آن که گفت : مرا از این سخن خداوند عز و جل خبر ده که : «و در حقیقت ، [آن زن ،] آهنگِ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود ، آهنگِ او می کرد» . امام رضا علیه السلام فرمود : «آن زن آهنگِ یوسف علیه السلام کرد و یوسف علیه السلام هم اگر برهان پروردگارش را ندیده بود ، همانند آن زن ، آهنگِ او می کرد ؛ اما او معصوم بود و معصوم ، نه آهنگِ گناهی را می کند و نه مرتکب آن می شود . پدرم ، از پدرش صادق علیه السلام برایم حدیث کرد که فرمود : آن زن ، تصمیم گرفت که انجام دهد و یوسف علیه السلام تصمیم گرفت که انجام ندهد» . مأمون گفت : خدایت خیر دهد ، ای ابو الحسن !

3 / 11 الشهود في القضاء رسول الله صلى الله عليه وآله : إنما أقضي بينكم بالبينات والأيمان ، وبعضكم ألحن بحجته (1) من بعض ، فأيا ما رَجُلٍ قَطَعْتُ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئًا فَإِنَّمَا قَطَعْتُ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ ذَهَبَ حَقُّهُ عَلَى غَيْرِ بَيِّنَةٍ لَمْ يُوجَرْ . (3)

عنه عليه السلام : أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ : ... وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَدَانَهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ ، فَيُقَالُ لَهُ : أَلَمْ أَمُرْكَ بِالشَّهَادَةِ . (4)

-
- 1- .ألحن بحجته : أي أظن لها وأحسن تصرفا (لسان العرب : ج 13 ص 382 « لحن ») .
 - 2- .الكافي : ج 7 ص 414 ح 1 عن سعد بن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 229 ح 552 عن سعد وهشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 518 ح 1857 بزيادة « يعلم أنه ليس له » بعد « شيئا » ، وسائل الشيعة : ج 18 ص 169 ح 33640 .
 - 3- .الكافي : ج 5 ص 298 ح 3 عن عبد الله بن سنان ، وسائل الشيعة : ج 13 ص 93 ح 23798 .
 - 4- .الكافي : ج 2 ص 511 ح 2 عن جعفر بن إبراهيم وج 5 ص 298 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 232 ح 1014 كلاهما عن عمران بن أبي عاصم وفيهما « يقول الله عز وجل » بدل « فيقال له » ، مجمع البيان : ج 7 ص 280 ، الدعوات : ص 33 ح 75 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 344 ح 1 .

3 / 11 گواه در داوری

3 / 11 گواه در داوری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جز این نیست که من ، میان شما بر اساس گواهان و سوگندها ، داوری می کنم ، و بعضی از شما در استدلالش ، قوی تر از دیگری است . بنا بر این ، هر مردی که من [با توجه به گواه و سوگند] چیزی از مال برادرش را به نفع او حکم کنم [و او بداند که حقیقت نیست و بگیرد] ، در حقیقت ، تگه ای آتش در اختیار او گذارده ام .

امام صادق علیه السلام : هر کس دلیل آشکاری (گواهی) بر نگیرد و [در نتیجه] حقیقت از بین برود ، [نزد خدا هم] مأجور نیست .

امام صادق علیه السلام : چهار نفرند که دعایشان ، مستجاب نمی شود : ... و مردی که مالی داشته باشد و آن را قرض دهد و مدرك و گواهی نگیرد ؛ زیرا به او گفته می شود : « آیا تو را به گرفتن گواه ، فرمان ندادم؟ » .

3 / 12 النوادر الإمام علي عليه السلام في وصيته _ :فيا لها حسرة على كل ذي غفلة، أن يكون عمره عليه حجة، أو تؤدبه أيامه إلى شقوة .
(1)

الإمام زين العابدين عليه السلام في المناجاة الإنجيلية _ :سأدي أسألك مسألة مسكين ضارع (2)، مُستكين خاضع، أن تجعلني من الموقنين خيراً وفهماً، والمُحيطين معرفةً وعِلماً، إنك لم تنزل كتبك إلا بالحق، ولم ترسل رسلك إلا بالصدق، ولم تترك عبادك هملاً ولا سدىً، ولم تدعهم بغير بيان ولا هدىً، ولم ترض منهم بالجهالة والإضاعة، بل خلقتهم ليعبدوك، ورزقتهم ليحمدوك، ودللتهم على وحدانيتك ليؤحدوك، ولم تكلفهم من الأمر ما لا يطيقون، ولم تُخاطبهم بما يجهلون، بل هم بمنهجك عالمون، وبِحجبتك مخصصون، أمرك فيهم نافذ، وقهرك بنواصيهم أخذ، تجتبي من تشاء فتدنيه، وتهدي من أناب إليك من معاصيك فتنجيه، تفضلنا منك بجسيم نعمتك، على من أدخلته في سعة رحمتك، يا أكرم الأكرمين، وأرف الرحمين . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إن الله لم يُنعم على عبدٍ نعمةً إلا وقد الرّمه فيها الحجة من الله؛ فمن منّ الله عليه فجعله قوياً فحجته عليه القيام بما كلفه، واحتمال من هو دونه ممن هو أضعف منه؛ ومن منّ الله عليه فجعله مؤسعا عليه فحجته عليه ماله، ثم تعاوده الفقراء بعد بنوافله؛ ومن منّ الله عليه فجعله شريفاً في بيته، جميلاً في صورته، فحجته عليه أن يحمّد الله تعالى على ذلك، وأن لا يتناول على غيره، فيمنع حقوق الضعفاء لحال شرفه وجماله . (4)

- 1- الكافي: ج 1 ص 299 ح 6، نهج البلاغة: الخطبة 64، بحار الأنوار: ج 42 ص 207 ح 11 .
- 2- تضرع: خضع وذلك (مجمع البحرين: ج 2 ص 1077 «ضرع»).
- 3- بحار الأنوار: ج 94 ص 170 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .
- 4- الكافي: ج 1 ص 163 ح 6، التوحيد: ص 414 ح 12 .

3 / 12 و این چند چیز

3 / 12 و این چند چیز امام علی علیه السلام در سفارش ایشان: در یغا بر هر غافلی که عمرش بر او حجت باشد، یا دوران زندگانی اش، او را به سوی بدبختی بکشاند!

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجیلیه» _ سَرور من! از تو درخواست می کنم، چونان درخواست کردن بینوای خوار و مستمند خاکسار، که مرا از کسانی قرار دهی که به یقین، خبر دارند و می فهمند و شناخت و دانشی فراگیر دارند، به این که تو کتاب هایت را جز به حق، نازل نکردی و پیامبرانت را جز با راستی نفرستادی و بندگان را بیهوده و بی هدف، رها نمودی و بدون بیان و راه نمایی کردن نگذاشتی و از آنان، نادانی و فروگذاری را نپسندیدی؛ بلکه ایشان را آفریدی تا تو را عبادت کنند و روزی شان دادی تا تو را سپاس گویند و بر یگانگی ات، راه نمایی شان کردی تا تو را به یگانگی بپرستند و بیش از توانشان بر آنها تکلیف نکردی، و با آنان به آنچه نمی دانند، سخن نگفتی؛ بلکه بندگان با راه تو آشنایند، و حجت بر آنان، تمام است. فرمان تو در میانشان، روان است و زمام آنان، در دست توست. هر که را خواهی، بر می گزینی و به خودت نزدیکش می سازی. آن را که از نافرمانی هایش به سوی تو باز گردد، راه نمایی می کنی و نجاتش می دهی، و این همه، از فضل و نعمت عظیم تو بر کسی است که او را به گستره رحمت، در آورده ای، ای کریم ترین کریمان و ای رؤف ترین مهربانان!

امام صادق علیه السلام: خدا به هیچ بنده ای، نعمتی ارزانی نداشت، مگر این که در آن نعمت، حجتی از خود بر او قرار دهد. کسی که خداوند بر او مَدّت گذاشته و نیرومندش گردانیده است، حجتش بر او این است که آنچه را به وی تکلیف کرده است، به جا آورد و به زیردستانش که از او ناتوان ترند، یاری رساند. کسی که خدا بر او مَدّت نهاده و بی نیازش ساخته است، حجت خدا بر او، دارایی [و حقوق مالی] اوست که به تهی دستان و نیازمندان، با اضافی آن مال، رسیدگی کند. کسی که خدا به او لطف کرده و در میان خاندانش، او را بزرگ و محترم و خوش چهره قرار داده، حجت خدا بر او این است که خداوند متعال را بر آن نعمت، سپاس گوید و به [مال] دیگران، دست اندازی نکند و به واسطه مقام و خوش نامی اش، ناتوانان را از حقوقشان محروم نگرداند.

الأمامي للطوسي عن داود بن سرحان: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ سَدِيدُ الصَّيْرِفِيِّ فَسَلَّمَ وَجَلَسَ ، فَقَالَ لَهُ : يَا سَدِيدُ ، مَا كَثُرَ مَا لَ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا عَظُمَتِ الْحُجَّةُ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ ، فَإِنْ قَدَرْتُمْ أَنْ تَدْفَعُوهَا عَنْ أَنْفُسِكُمْ فَافْعَلُوا . فَقَالَ لَهُ : يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ بِمَاذَا ؟ قَالَ : بِقَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ مِنْ أَمْوَالِكُمْ . (1)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ : مُتَّبِعُ شِرْعَةٍ ، وَمُتَّبِعُ بَدْعَةٍ ؛ لَيْسَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بُرْهَانٌ سُنَّةٌ ، وَلَا ضِيَاءٌ حُجَّةٌ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله - لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مُحِبُّكَ ... يَدِينُونَ لِلَّهِ بِمَا أَمَرَهُمْ بِهِ فِي كِتَابِهِ ، وَجَاءَهُمْ بِهِ الْبُرْهَانُ مِنْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : الصَّلَاةُ بُرْهَانٌ ، وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله - فِي فَضْلِ الْحِفَاظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَذَمِّ تَضْيِيعِهَا - : مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَمَنْ لَمْ يُحَافَظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَلَا بُرْهَانٌ وَلَا نَجَاةٌ ، وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأَبِي بَنِي خَلْفٍ . (5)

1- الأمامي للطوسي : ص 302 ح 600 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 302 ح 39 .

2- نهج البلاغة : الخطبة 176 ، أعلام الدين : ص 107 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 312 ح 76 .

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 261 ح 21 عن علي بن مهدي الرقي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 150 ح 3 .

4- سنن الترمذي : ج 2 ص 513 ح 614 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 106 ح 212 كلاهما عن كعب بن عجرة ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 451 ح 22972 عن عبدالرحمن الأشعري ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 141 ح 7162 عن عبدالرحمن بن سمرة وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 6 ص 71 ح 14892 .

5- مسند ابن حنبل : ج 2 ص 574 ح 6587 ، سنن الدارمي : ج 2 ص 757 ح 2621 ، صحيح ابن حبان : ج 4 ص 329 ح 1467 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 139 ح 353 ، مسند الشاميين : ج 1 ص 152 ح 245 كلاهما عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج 7 ص 277 ح 18862 .

الأمالی، طوسی_ به نقل از داوود بن سرحان _ در محضر امام صادق علیه السلام بودیم که سَدیر صیرفی وارد شد و سلام کرد و نشست . امام علیه السلام به او فرمود : «ای سَدیر ! هرگز دارایی مردی فراوان نشد ، مگر آن که حَجّت خدای متعال بر او ، بزرگ تر شد . پس اگر توانستید این حَجّت را از خود بردارید ، چنین کنید» . سَدیر گفت : ای پسر پیامبر خدا ! از چه طریق؟ فرمود : «با بر آوردن نیازهای برادران خود از دارایی هایتان» .

امام علی علیه السلام : مردم ، دو دسته اند : پیرو شریعت ، و گذارنده بدعت که با خود ، نه سنتی [وراه و قاعده ای] واضح از جانب خدا دارد ، و نه حجتی روشن .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام _ دوستداران تو ... از آنچه خداوند در کتابش به آنان فرمان داده است ، و از سنت پیامبر او که آن را برهانی برای ایشان قرار داده است ، پیروی می کنند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز ، برهان است ، و روزه ، حِفَاطی استوار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در فضیلت مواظبت بر نماز و نکوهش کوتاهی کردن در آن _ : کسی که بر نمازها ، مواظبت نماید ، در روز قیامت ، نماز برایش نور و برهان و [مایه] نجات باشد ، و کسی که بر آنها مواظبت نکند ، او را نه نوری باشد ، نه برهانی و نه نجاتی ، و روز قیامت ، باقارون و فرعون و هامان و اَبی بن خَلَف باشد .

مشكاة الأنوار: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُوسَى : هَلْ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا قَطُّ ؟ قَالَ : إِلَهِي صَلَّيْتُ لَكَ ، وَصُمْتُ وَتَصَدَّقْتُ وَذَكَرْتُكَ كَثِيرًا ! قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ : أَمَّا الصَّلَاةُ فَلَكَ بُرْهَانٌ ، وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ ، وَالصَّدَقَةُ ظِلٌّ ، وَالزَّكَاةُ نُورٌ وَذِكْرُكَ لِي قُصُورٌ ، فَأَيَّ عَمَلٍ عَمِلْتَ لِي ؟! (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ نُورٌ ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ نُورٌ ، وَالزَّكَاةُ بُرْهَانٌ . (3)

-
- 1- مشكاة الأنوار: ص 222 ح 617 ، الدعوات: ص 28 ح 50 ، بحار الأنوار: ج 69 ص 252 ح 33 .
 - 2- صحيح مسلم: ج 1 ص 203 ح 1 ، سنن الترمذي: ج 5 ص 536 ح 3517 ، سنن الدارمي: ج 1 ص 176 ح 658 وفيه « والوضوء » بدل « والصبر » ، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 448 ح 22965 ، المعجم الكبير: ج 3 ص 3423284 كلَّها عن أبي مالك الأشعري ، كنز العمال: ج 9 ص 276 ح 25998 .
 - 3- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 102 ح 280 ، سنن النسائي: ج 5 ص 5 ، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 124 ح 844 ، مسند الشاميين: ج 4 ص 116 ح 2874 كلَّها عن أبي مالك الأشعري ، كنز العمال: ج 1 ص 472 ح 2050 .

مشكاة الأنوار: خدای متعال به موسی علیه السلام فرمود: «آیا هرگز عملی را برای من انجام داده ای؟». موسی علیه السلام گفت: معبودا! من برای تو نماز گزاردم و روزه گرفتم و صدقه دادم، و فراوان یادت کرده ام. خدای _ تبارک و تعالی _ به او فرمود: «اما نماز، برهانی است برای خودت، و روزه، حفاظی [در برابر آتش دوزخ]، و صدقه، سایه ای [در برابر آفتاب سوزان قیامت]، و زکات، نوری، و یاد کردن از من، کاخ هایی است [برای خودت]. پس، چه عملی را برای من، انجام داده ای؟».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، نور است، و صدقه، برهان است و شکیبایی، روشنایی است و قرآن، حجّت است، به سود یا به زیان تو.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز، نور است و زکات، برهان.

الفصل الرابع : صفة براهين الله 4 / 1 التبيين والوضوح الكتاب « إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَـكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَتِهِ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَتِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ » . (1)

« وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ » . (2)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل : « وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ » : حَتَّى يُعَرِّفَهُمْ مَا يُرِضِيهِ وَمَا يُسْخِطُهُ . (3)

1- . الأنفال : 42 .

2- . التوبة : 115 .

3- . الكافي : ج 1 ص 163 ح 3 ، التوحيد : ص 411 ح 4 ، المحاسن : ج 1 ص 430 ح 993 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 301 ح 7 .

فصل چهارم : ویژگی برهان های خدا

4 / 1 روشنگری و وضوح

فصل چهارم : ویژگی برهان های خدا 4 / 1 روشنگری و وضوح قرآن «آن گاه که شما بر دامنه نزدیک تر [کوه] بودید و آنان ، در دامنه دورتر [کوه] و کاروان [تجاری قریش] ، در قسمت پایین تر از شما بودند [که توانستند بگریزند] ، و اگر با یکدیگر ، وعده گذارده بودید ، قطعاً در وعده گاه خود ، اختلاف می کردید ؛ ولی [چنین شد] تا خداوند ، کاری را که انجام شدنی بود ، به انجام رساند [و] تا کسی که هلاک [و گم راه] می شود ، از روی دلیل و برهان ، هلاک گردد ، و کسی که زنده می شود [و هدایت می یابد] ، از روی حجت و برهان ، زنده بماند ؛ و خداست که در حقیقت ، شنوای داناست» .

«و خدا بر آن نیست که گروهی را ، پس از آن که هدایتشان نمود ، بی راه بگذارد ، مگر آن که چیزی را که باید از آن پروا کنند ، برایشان بیان کرده باشد . همانا . خدا ، به هر چیزی داناست» .

حدیث امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «و خدا بر آن نیست که گروهی را ، پس از آن که هدایتشان نمود ، بی راه بگذارد ، مگر آن که چیزی را که باید از آن پروا کنند ، برایشان بیان کرده باشد» _ [یعنی] آنچه را که موجب خشنودی و ناخشنودی اوست ، به ایشان بشناساند .

رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا بَنِي آدَمَ... بِسُوءِ ظَنِّكَ بِي قَنَطْتُ (1) مِنْ رَحْمَتِي، فَلْيَا الْحَمْدُ وَالْحُجَّةُ عَلَيْكَ بِالْبَيَانِ، وَلْيَا السَّبِيلُ عَلَيْكَ بِالْعِصْيَانِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ... يَا ذَا الْقُدْسِ وَالسُّبْحَانَ، يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانَ، يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ، يَا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ. (3)

الإمام علي عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِئُهُ... الَّذِي خَلَقَ خَلْقَهُ لِعِبَادَتِهِ، وَأَقْدَرَهُمْ عَلَى طَاعَتِهِ بِمَا جَعَلَ فِيهِمْ، وَقَطَعَ عُذْرَهُمْ بِالْحُجَجِ، فَعَنْ بَيْتَةِ هَلْكَ مَنْ هَلَكَ، وَبِمَنْتِهِ نَجَا مَنْ نَجَا، وَلِلَّهِ الْفَضْلُ مُبَدِّئًا وَمُعِيدًا. (4)

عنه عليه السلام: مُعْتَصِمُ السُّعْدَاءِ بِالْإِيمَانِ، وَخِذْلَانُ الْأَشْقِيَاءِ بِالْعِصْيَانِ، مِنْ بَعْدِ إِجَابِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمُ بِالْبَيَانِ، إِذَا وَضَحَ لَهُمْ مَنَازِلَ الْحَقِّ وَسَبِيلَ الْهُدَى. (5)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعَذَرَ إِلَيْكُمْ بِالْجَلِيَّةِ، وَاتَّخَذَ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ، وَبَيَّنَّ لَكُمْ مَحَابَّةَ مِنَ الْأَعْمَالِ، وَمَكَارِهَهُ مِنْهَا، لِتَتَّبِعُوا هَذِهِ وَتَجْتَنِبُوا هَذِهِ. (6)

عنه عليه السلام: أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي أَعَذَرَ بِمَا أَنْذَرَ، وَاحْتَجَّ بِمَا نَهَجَ، وَحَذَّرَكُمْ عُدْوًا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ خَفِيًّا. (7)

عنه عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ... أَلْقَى إِلَيْكُمْ الْمَعْذِرَةَ، وَاتَّخَذَ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ، وَقَدَّمَ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ، وَأَنْذَرَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاسْتَدْرِكُوا بِقِيَّةِ أَيَّامِكُمْ. (8)

- 1- القنوط: اليأس من الخير (مفردات ألفاظ القرآن: ص 685 « قنط »).
- 2- التوحيد: ص 340 ح 10 عن عبد الله بن عمر، تفسير القمي: ج 2 ص 210، بحار الأنوار: ج 5 ص 49 ح 79.
- 3- البلد الأمين: ص 403، بحار الأنوار: ج 94 ص 386.
- 4- الكافي: ج 1 ص 141 ح 7 عن الحارث الأعور، بحار الأنوار: ج 4 ص 265 ح 14 نقلًا عن التوحيد.
- 5- دستور معالم الحكم: ص 94، كنز العمال: ج 16 ص 188 ح 44216.
- 6- نهج البلاغة: الخطبة 176، بحار الأنوار: ج 2 ص 180 ح 1.
- 7- نهج البلاغة: الخطبة 83، عيون الحكم والمواعظ: ص 507 ح 9295 وفيه: « اتقوا الله » بدل « أوصيكم بتقوى الله ».
- 8- نهج البلاغة: الخطبة 86.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند _ تبارک و تعالی _ فرمود: «ای پسر آدم! ... تو با بدگمانی ات به من ، از رحمتم نومید گشتی . پس مرا سپاس که با روشنگری ، مرا بر تو حجّت است ، و در برابر نافرمانی ات ، مرا بر تورا [مؤاخذه و مجازات] باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعای «جوشن کبیر» _ : بار خدایا! من به نام تو ، از تو درخواست می کنم ... ای خداوندگار تقدّس و پاکی ! ای خداوندگار حکمت و روشنگری ! ای خداوندگار مهر و خشنودی ! ای خداوندگار حجّت و برهان !

امام علی علیه السلام: سپاس ، خدای را که نمی میرد و شگفتی هایش پایان نمی گیرد ؛ ... خدایی که آفریدگانش را برای پرستش آفرید و با آنچه در ایشان قرار داد ، بر طاعت خویش ، توانایشان ساخت و با حجّت ها ، راه بهانه را بر آنان بست . پس هر که هلاک [و دوزخی] شود ، با وجود دلایل و براهین آشکار ، هلاک گشته است و آن که نجات یابد ، به لطف او نجات یافته است و خدا را از آغاز تا پایان ، همه ، لطف و فضل است .

امام علی علیه السلام: نگهداشتِ نیک بختان ، مرهون ایمان است و محروم ماندن شوربختان از یاری خداوند ، بر اثر نافرمانی خود ایشان است ، پس از آن که با روشنگری ، حجّت بر آنان تمام شد ؛ زیرا چراغ خانه حق و راه راست ، برایشان روشن گشته است .

امام علی علیه السلام: همانا خداوند ، آشکارا به شما هشدار داده و حجّت را بر شما تمام کرده و کارهایی را که برای او خوشایند و ناخوشایند است ، برایتان بیان کرده است تا به آن دسته [از کارها] عمل کنید و از این دسته ، دوری نمایید .

امام علی علیه السلام: شما را به پروا کردن از آن خدایی سفارش می کنم که با هشدارهایش جای عذری باقی نگذاشته و با نشان دادن راه ، حجّت را تمام کرده است و از دشمنی که پنهانی در سینه ها رخنه می کند ، بر حذر داشته است .

امام علی علیه السلام: خداوند سبحان ، ... جای بهانه ای برای شما نگذاشت و حجّت را بر شما تمام کرد و پیشاپیش ، شما را [از عذاب الهی] بیم داد و از عذابی سخت که پیش رو دارید ، هشدارتان داد . پس باقی مانده عمر خود را در یابید [و برای آخرت خویش ، کاری بکنید] .

عنه عليه السلام_ في ذكرِ المُلجدينِ _ :احتجَّ سبحانه عليهم وأوضحَ الحُجَّةَ ، وأبانَ الدليلَ ، وأثبتَ البرهانَ عليهم من أنفسهم ، ومن الآفاقِ ومن السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ ، ودلائلِ البرهانِ ، وأوضحَ البيانَ ، في تنزيلِ القرآنِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ شَكَ أَوْ ظَنَّ فَأَقَامَ عَلَى أَحَدِهِمَا أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ ، إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ هِيَ الْحُجَّةُ الْوَاضِحَةُ . (2)

عنه عليه السلام: يَا مَنْ أَهْلَكَ بَعْدَ الْبَيْتَةِ ، وَأَخَذَ بَعْدَ قَطْعِ الْمَعْذِرَةِ ، وَأَقَامَ الْحُجَّةَ ، وَدَرَأَ (3) عَنِ الْقُلُوبِ الشُّبُهَةَ ، وَأَقَامَ الدَّلَالَاتَةَ ، وَقَادَ إِلَى مُعَايِنَةِ الْآيَةِ . (4)

مصباح المتهجد_ في تسييحِ يَوْمِ الْخَمِيسِ _ :سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مَا أَوْسَعَ حُجَّتَكَ ، وَأَوْضَحَ بُرْهَانَكَ ! (5)

4 / 2 البُلُوغُ الْكَتَابُ « قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ » . (6)

1- بحار الأنوار: ج 93 ص 34 نقلاً عن النعماني في تفسيره .

2- الكافي: ج 2 ص 400 ح 8 عن المفضل ، وسائل الشيعة: ج 18 ص 25 ح 33142 .

3- دَرَأَ: أَي دَفَعَ (النهاية: ج 2 ص 109 « درأ ») .

4- مهج الدعوات: ص 224 عن الربيع ، بحار الأنوار: ج 94 ص 274 ح 1 .

5- مصباح المتهجد: ص 488 ح 575 ، البلد الأمين: ص 140 كلاهما من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 90 ص 213 ح 39 .

6- الأنعام: 149 .

4 / 2 رسایی

امام علی علیه السلام در یادکرد از کفر ورزندگان به خدا و قیامت _ : خداوند سبحان ، برای آنان حجّت های روشن آورد و دلایل را بیان کرد و از وجود خودشان و از جهان بیرون و از آسمان ها و زمین ، از طریق مشاهده عینی و برهان های روشن ، برایشان برهان استوار آورد و در قرآن نازل شده ، همه چیز را برای آنان بیان کرد .

امام صادق علیه السلام : هر کس شك کند یا دچار گمان شود و بر یکی از آن دو پایستد ، خداوند ، عمل او را باطل می گرداند ؛ زیرا حجّت خدا ، حجّتی روشن است .

امام صادق علیه السلام : ای آن که بعد از بیان ، [بندگان گنهکار را] هلاک می کند و پس از گرفتن بهانه ها ، مؤاخذه می نماید و حجّت را تمام کرده ، شُبّه را از دل ها دور می سازد و راه را نشان داده ، به دیدن نشانه ، ره نمون شده است !

مصباح المتهجّد در تسبیح روز پنجشنبه _ : منزّهی تو ! معبودی جز تو نیست . وه که چه گسترده است ، حجّت تو ! و چه روشن است ، برهان تو !

4 / 2 رساییقرآن «بگو : برهان رسا ، ویژه خداست و اگر [خدا] می خواست ، قطعاً همه شما را هدایت می کرد» .

الحديث للإمام علي عليه السلام: أوصيكم عباد الله! بتقوى الله الذي ضرب الأمثال... وآثركم بالنعم السوابغ، والرّفاد الرّوافع، وأنذرکم بالحجج البوالغ. (1)

عنه عليه السلام: أما بعد، فإنّ الله حلیم ذو أناة، لا يعجل بالعقوبة قبل البيّنة، ولا يأخذ المذنب عند أوّل وهلة، ولكنّه يقبل التوبة، ويستديم الأناة، ويرضى بالإناية (2)، ليكون أعظم للحجة، وأبلغ في المعذرة. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دعائه في عيد الفطر والجمعة: لم يهن على طول مدتهم سلطانك، ولم يدحض (4) لترك معاجلتهم برهانك، حجتك قائمة لا تدحض، وسلطانك ثابت لا يزول، فالويل الدائم لمن جنح (5) عنك، والخيبة الخاذلة لمن خاب منك، والشقاء الأشقى لمن اغترّبك، ما أكثر تصرّفه في عذابك، وما أطول تردده في عقابك، وما أبعد غايته من الفرج، وما أقنطه من سهولة المخرج! عدلاً من قضائك لا تجور فيه، وإنصافاً من حكمك لا تحيف عليه، فقد ظهرت الحجج، وأبليت الأعداء، وقد تقدّمت بالوعيد، وتلطّفت في التّرجيب، وضربت الأمثال، وأطلت الإمهال، وأخرت وأنت مستطيع للمعاجلة، وتأنّيت وأنت مليء بالمبادرة، لم تكن أناتك عجزاً، ولا إمهالك وهناً، ولا إمساكك غفلة، ولا انتظارك مداراة، بل لتكون حجتك أبلغ، وكرّمك أكمل، وإحسانك أوفى، ونعمتك أتمّ، كل ذلك كان ولم تزل، وهو كائن ولا تزال، حجتك أجل من أن توصف بكُلّها، ومجدك أرفع من أن تحدّ بكنهه، ونعمتك أكثر من أن تُحصى بأسرها، وإحسانك أكثر من أن تُشكر على أقلّه. (6)

1- نهج البلاغة: الخطبة 83، بحار الأنوار: ج 77 ص 441 ح 48.

2- الإناية: الرجوع إلى الله، بالتوبة (النهاية: ج 5 ص 123 «نوب»).

3- الغارات: ج 2 ص 403 عن كعب بن قعين، بحار الأنوار: ج 34 ص 39 ح 906؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 4 ص 49 عن كعب بن قعين.

4- دحضت: أي بطلت (المصباح المنير: ص 190 «دحض»).

5- جنح: أي مال (مجمع البحرين: ج 1 ص 322 «جنح»).

6- الصحيفة السجّادية: ص 183 _ 184 الدعاء 46.

حدیث امام علی علیه السلام: سفارش می کنم شما را _ ای بندگان خدا _ به پروا از خدایی که نمونه ها آورد ... و نعمت های سرشار و عطا های فراوانی به شما ارزانی داشت و با حجت های رسا ، هشدارتان داد .

امام علی علیه السلام: اما بعد ، همانا خداوند ، بردبار و شکیباست ، پیش از روشنگری به کیفر دادن نمی شتابد و گنهکار را در همان بار نخست ، مجازات نمی کند ؛ بلکه توبه را می پذیرد و بسی درنگ می کند و به بازگشت [بنده از گناه و باز آمدن به راه] ، رضایت می دهد تا حجتش ، قوی تر و عذرش ، رساتر باشد .

امام زین العابدین علیه السلام _ از دعای ایشان در عید فطر و روز جمعه _ : از به درازا کشیدن زمان سرکشی سرکشان ، سلطنت تو سستی نمی گیرد و از این که در مجازات کردن آنان شتاب نکنی ، حجت تو باطل نمی گردد . حجت تو ، هماره ، بر پاست و بطلان نمی پذیرد و سلطنتت ، پیوسته بر جاست و زوال نمی گیرد . پس وای پاینده بر کسی است که از تو ، رُخ برتافته است و نومیدی شکننده ، برای کسی است که از تو نومید گردد و بدترین بدبختی ، برای کسی است که از تو غافل شود . چه بسیار کس که در عذاب تو ، دست و پا می زند ! و چه روزگارانِ درازی که در کیفر تو ، به سر می برد ! و چه دور است فاصله اش تا گشایش [و رفع گرفتاری] ! و چه نومید است از رهیدن به آسانی ! و این همه ، از سرِ داوریِ عادلانه توست که در آن ، ستمی روا نمی داری ، و از روی حکم منصفانه توست که در آن ، از جاده عدالت بیرون نمی شوی ؛ چرا که تو حجت ، از پشتِ حجت آورده ای و عذرها را کهنه کرده ای [، از دیرباز ، هماره عذر و دلیل آورده ای] ، و پیشاپیش ، بیم داده ای و با لطافت ، تشویق کرده ای و مثال ها زده ای و مهلت های دراز داده ای و [مجازات و عذاب را] به تأخیر افکنده ای ، در حالی که می توانستی زود ، فروگیری ، و درنگ ورزیده ای ، در صورتی که توان شتافتن را داشتی . نه درنگ کردنت ، از ناتوانی بوده ، نه مهلت دادنت از سرِ ضعف . نه خودداری کردنت ، از غفلت بوده ، نه انتظار کشیدنت ، از روی مدارا ؛ بلکه [این همه ، برای آن بوده است] تا حجتت ، رساتر باشد و کرمّت ، کامل تر و احسانت ، جامع تر و لطف و نعمتت ، تمام تر ؛ و همه اینها پیوسته بوده و هست و خواهد بود . حجت تو ، فراتر از آن است که همه اش به وصف در آید و عظمت تو ، بالاتر از آن است که بر کُنه آن ، توان رسید و نعمتت ، فراوان تر از آن است که تمام آن ، شمارش شود و احسانت ، افزون تر از آن است که کم ترین آن را سپاس توان گفت .

الإمام الكاظم عليه السلام: جَمِيعُ أُمُورِ الْأَدِيَانِ أَرْبَعَةٌ: أَمْرٌ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ، وَهُوَ إِجْمَاعُ الْأُمَّةِ عَلَى الصَّرْوَةِ الَّتِي يُضْطَرُّونَ إِلَيْهَا، وَالْأَخْبَارُ الْمُجْمَعُ عَلَيْهَا وَهِيَ الْغَايَةُ الْمَعْرُوضُ عَلَيْهَا كُلُّ شَيْءٍ بِهَيْئَةٍ، وَالْمُسْتَنْبَطُ مِنْهَا كُلُّ حَادِثَةٍ، وَأَمْرٌ يَحْتَمِلُ الشَّكَّ وَالْإِنْكَارَ فَسَبِيلُهُ اسْتِضَاحُ أَهْلِهِ لِمُنْتَحَلِيهِ بِحُجَّةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مُجْمَعٍ عَلَى تَأْوِيلِهَا، وَسُنَّةٍ مُجْمَعٍ عَلَيْهَا لَا اخْتِلَافَ فِيهَا، أَوْ قِيَاسٍ تَعْرِفُ الْعُقُولُ عَدْلَهُ وَلَا يَسَعُ خَاصَّةَ الْأُمَّةِ وَعَامَّتَهَا الشَّكُّ فِيهِ وَالْإِنْكَارُ لَهُ، وَهَذَانِ الْأَمْرَانِ مِنْ أَمْرِ التَّوْحِيدِ فَمَا دُونَهُ وَأَرَشِ الْخَدَشِ فَمَا فَوْقَهُ فَهَذَا الْمَعْرُوضُ الَّذِي يُعْرَضُ عَلَيْهِ أَمْرُ الدِّينِ؛ فَمَا ثَبَتَ لَكَ بُرْهَانُهُ اصْطَفَيْتَهُ وَمَا غَمَضَ عَلَيْكَ صَوَابُهُ نَفَيْتَهُ. فَمَنْ أوردَ وَاحِدَةً مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثِ فَهِيَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ الَّتِي بَيَّنَّهَا اللَّهُ فِي قَوْلِهِ لِنَبِيِّهِ: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (1)، يَبْلُغُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ الْجَاهِلَ فَيَعْلَمُهَا بِجَهْلِهِ، كَمَا يَعْلَمُ الْعَالِمُ بِعِلْمِهِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ، يَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِهِ بِمَا يَعْلَمُونَ، وَيَدْعُوهُمْ إِلَى مَا يَعْرِفُونَ لَا إِلَى مَا يَجْهَلُونَ وَيُنْكِرُونَ. (2)

الإمام الرضا عليه السلام - من دُعَائِهِ فِي قُنُوتِهِ - : يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَأَلْهَمَ فَانْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّ (3) فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ. (4)

1- الأنعام: 149 .

2- تحف العقول: ص 407، بحار الأنوار: ج 2 ص 239 ح 31 .

3- في المصدر: « وأجنح » وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار .

4- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 173 ح 1 عن عبد السلام بن صالح الهروي، بحار الأنوار: ج 85 ص 258 ح 3 .

امام کاظم علیه السلام: همه امور دین، [در] چهار امر است: امری که در آن، اختلافی نیست و آن، اجماع امت بر ضرورتی است که از آن ناگزیرند و اخباری که بر آنها اتفاق صورت می گیرد و هدف نهایی است و هر شبهه ای با آنها سنجیده می شود و هر رُخداد تازه ای، از آنها استنباط می گردد؛ امری که محلّ شک و انکار است و راهش، این است که از اهل (کارشناس) آن، برای معتقدان به آن، توضیح می خواهند تا با دلیلی از کتاب خدا - که بر معنا و تفسیر آن، اجماع است - و با سنتی - که مقبول همگان است - و اختلافی در آن نیست یا با قیاسی (برهانی عقلی) که خردها، درستی آن را می دانند، و خواص و عوام امت، نتوانند در آن تردید کرده یا آن را انکار کنند، آن امر را توضیح دهند. این دو امر، (امور دین در اصول عقاید)، از امر توحید به پایین را و [در فروع و احکام] از دیه یک خراش تا بالاتر را شامل می شوند. این است معیار و سنجه ای که امر دین، با آن سنجیده می شود. پس هر چه برهانش برای تو ثابت شد، آن را می پذیری، و هر چه درستی اش بر تو پوشیده بود، کنار می نهی. پس هر کس [برای اثبات درستی امری از امور دین]، یکی از این سه [، یعنی قرآن، سنت و قیاس یا برهان عقلی] را آورد، آن، همان حجّت رسایی است که خداوند، آن را خطاب به پیامبرش بیان فرموده است که: «بگو: برهان رسا، ویژه خداست و اگر [خدا] می خواست، قطعاً همه شما را هدایت می کرد». این حجّت رسا، به نادان می رسد و با وجود نادانی خود، آن را در می یابد، چنان که دانا با دانش خود، آن را می شناسد؛ چرا که خدا، عادل است و ستم نمی کند، و بر خلق خویش، به آنچه می دانند، احتجاج می نماید، و آنان را به آنچه می شناسند و درک می کنند، فرا می خواند، نه به آنچه نمی دانند و انکار می کنند.

امام رضا علیه السلام - از دعای ایشان در قنوتش - ای آن که [آفریدگان را] آفرید و روزی داد، و سخن گفتن را الهام فرمود، و شریعت را بنا نهاد، و خود، بلندمرتبه و رفعت جایگاه است، و همه چیز را اندازه نیکو داد، و استادانه صورتگری کرد، و حجّت رسا آورد، و نعمت سرشار بخشید، و دَهش بی شمار کرد.

الإمام الصادق عليه السلام_ وقد سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» _ إذا كانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَكُنْتَ عَالِمًا؟ فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ لَهُ: أَفَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلِمْتَ؟ وَإِنْ قَالَ: كُنْتُ جَاهِلًا، قَالَ لَهُ: أَفَلَا تَعَلَّمْتَ؟ فَيُخَصِّصُ لَهُ، فَبِتِلْكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ. (1)

تاريخ دمشق عن أبي الدرداء: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ أَنْتَ يَا عُيَيْرُ إِذَا قِيلَ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَعَلِمْتَ أَمْ جَهَلْتَ؟ فَإِنْ قُلْتَ: عَلِمْتُ، قِيلَ لَكَ: فَمَاذَا عَمِلْتَ فِيمَا عَلِمْتَ؟ وَإِنْ قُلْتَ: جَهَلْتُ، قِيلَ لَكَ: فَمَا كَانَ عُذْرُكَ فِيمَا جَهَلْتَ؟ أَلَا تَعَلَّمْتَ. (2)

4 / 3 الشمول للإمام الصادق عليه السلام: إِذَا نَظَرْتَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ لَمْ تَجِدِ أَحَدًا فِي ضَيْقٍ، وَلَمْ تَجِدِ أَحَدًا إِلَّا وَلِلَّهِ عَلَيْهِ الْحُجَّةُ. (3)

الأمالي للطوسي عن سفيان بن عيينة: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَلِلَّهِ عَلَيْهِ حُجَّةٌ، إِمَّا فِي ذَنْبٍ اقْتَرَفَهُ، وَإِمَّا فِي نِعْمَةٍ قَصَرَ عَنْ شُكْرِهَا. (4)

4 / 4 الدوام للإمام الصادق عليه السلام: عَاشَ نُوْحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الطُّوفَانِ خَمْسَمِئَةَ سَنَةٍ، ثُمَّ أَتَاهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا نُوحُ، إِنَّهُ قَدْ انْقَضَتْ نُبُوَّتُكَ وَاسْتَكْمَلَتْ أَيَّامُكَ، فَانظُرْ إِلَى الْإِسْمِ الْأَكْبَرِ وَمِيرَاثِ الْعِلْمِ وَأَثَارِ عِلْمِ النُّبُوَّةِ الَّتِي مَعَكَ فَادْفَعْهَا إِلَى ابْنِكَ سَامٍ، فَإِنِّي لَا أَتْرُكُ الْأَرْضَ إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ تُعْرَفُ بِهِ طَاعَتِي، وَيُعْرَفُ بِهِ هُدَايَ، وَيَكُونُ نَجَاةً فِيمَا بَيْنَ مَقْبُضِ النَّبِيِّ وَمَبْعَثِ النَّبِيِّ الْآخِرِ، وَلَمْ أَكُنْ أَتْرُكُ النَّاسَ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِي، وَدَاعٍ إِلَيَّ، وَهَادٍ إِلَى سَبِيلِي، وَعَارِفٍ بِأَمْرِي، فَإِنِّي قَدْ قَضَيْتُ أَنْ أَجْعَلَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِيًا، أَهْدِي بِهِ السُّعْدَاءَ، وَيَكُونُ حُجَّةً لِي عَلَى الْأَشْقِيَاءِ. (5)

1- الأمالي للمفيد: ص 292 ح 1 و ص 227 ح 6، الأمالي للطوسي: ص 9 ح 10 كلاهما نحوه وكلها عن مسعدة بن زياد، بحار الأنوار: ج 2 ص 29 ح 10.

2- تاريخ دمشق: ج 67 ص 181 ح 13541 و ج 48 ص 68 ح 10363، كنز العمال: ج 10 ص 192 ح 29009 و ص 257 ح 29372.

3- الكافي: ج 1 ص 165 ح 4، المحاسن: ج 1 ص 369 ح 804 كلاهما عن حمزة بن الطيار، بحار الأنوار: ج 5 ص 301 ح 4.

4- الأمالي للطوسي: ص 211 ح 366، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 170، بحار الأنوار: ج 7 ص 262 ح 13.

5- الكافي: ج 8 ص 285 ح 430 عن إسماعيل بن جابر.

4 / 3 فراگیری

4 / 4 استمرار

امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی از این سخن خدای متعال: «بگو: برهان رسا، ویژه خداست» _ چون روز قیامت شود، خدای متعال می فرماید: «آیا می دانستی؟». اگر [بنده] بگوید: «آری»، خداوند به او می فرماید: «پس چرا به آنچه می دانستی، عمل نکردی؟» و اگر بگوید: «نمی دانستم»، به او می فرماید: «چرا نیاموختی؟». بدین سان، او را محکوم می کند. این است حجت رسای خداوند عز و جل بر آفریدگانش.

تاریخ دمشق_ به نقل از ابو دَرْدَا _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «ای عُوَیْمِر! چگونه خواهی بود، آن گاه که در روز قیامت به تو گفته شود: آیا می دانستی یا نمی دانستی؟؛ زیرا اگر بگویی: می دانستم، به تو گفته می شود: پس در باره آنچه می دانستی، چه عملکردی داری؟ و اگر بگویی: نمی دانستم، به تو گفته می شود: چه عذری برای ندانستن داری؟ چرا نیاموختی؟» .

4 / 3 فراگیری امام صادق علیه السلام: اگر در همه چیز بنگری، هیچ کس را در تنگنا نخواهی یافت، و هیچ کس را نمی یابی، مگر آن که خدا را بر او حجت است.

الأمالی، طوسی_ به نقل از سفیان بن عیینة _ از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «هیچ بنده ای نیست، مگر آن که خدا را بر او حجت است، چه در گناهی که مرتکب شده، چه در نعمتی که از شکر آن، فروگذار کرده است» .

4 / 4 استمرار امام صادق علیه السلام: نوح علیه السلام بعد از توفان، پانصد سال زندگی کرد. سپس جبرئیل علیه السلام نزد او آمد و گفت [که خداوند می فرماید]: ای نوح! نبوتت، تمام شد و عمرت به سر آمد. پس، نام اکبر (اسم اعظم) و میراث علم و آثار علم نبوت را که با خود داری، به فرزندان سام، تحویل ده؛ زیرا من، زمین را بدون عالمی که به واسطه او دستورهایی من دانسته و راهم شناخته شود و از درگذشت يك پیامبر تا برانگیخته شدن پیامبر دیگر [ماهه] نجات باشد، و مردم را بدون حجّتی از جانب خود، رها نمی کنم و کسی که به من دعوت کند و به راه من، ره نمون شود و فرمان مرا بشناسد، و انمی گذارم؛ زیرا من حکم کرده ام که برای هر قومی، راه نمایی قرار دهم تا به وسیله او، نیک بختان را هدایت کنم و حجّت من بر شوربختان باشد.

الإمام علي عليه السلام في إرسال الله تعالى الحجج إلى خلقه _ :إختار آدم عليه السلام ... فأهبطه بعد التوبة ليعمر أرضه بنسله ، وليقيم الحجة به على عباده . ولم يخلهم بعد أن قبضه ، مما يؤكد عليهم حجة زبويته ، ويصل بينهم وبين معرفته ، بل تعاهدهم بالحجج على السنن الخيرة من أنبيائه ، ومحملي ودائع رسالاته ، قرنا فقرنا حتى تمت بنينا محمدا صلى الله عليه وآله حجته ، وبلغ المقطع عذره ونذره .
(1)

عنه عليه السلام :إصطفى سبحانه من ولده [آدم عليه السلام] أنبياء أخذ على الوحي ميثاقهم ، وعلى تبليغ الرسالة أمانتهم ، لما بدل أكثر خلقه عهد الله إليهم فجعلوا حقه ، واتخذوا الأنداد معه ، واجتالتهم (2) الشياطين عن معرفته ، واقتطعتهم عن عبادته . فبعث فيهم رسلا ، وواتر إليهم أنبياءه ، ليستأدوهم ميثاق فطرته ، ويذكروهم منسي نعمته ، ويحتجوا عليهم بالتبليغ ، ويثيروا لهم ذفائن العقول ، ويروهم آيات المقدرة من سقف فوقهم مرفوع ، ومهاد تحتهم موضوع ، ومعايش تحييهم ، وآجال تقنيهم ، وأوصاب (3) تهرمهم ، وأحداث تتابع عليهم . ولم يخل الله سبحانه خلقه من نبي مرسل ، أو كتاب منزل ، أو حجة لازمة ، أو محجة قايمة . رسل لا تقصر بهم قلة عددهم ، ولا كثرة المكذبين لهم ، من سابق سمي له من بعده ، أو غابر عرفه من قبله ، على ذلك نسلمت القرون ، ومصت الدهور ، وسلمت الآباء ، وخالفت الأبناء . (4)

1- نهج البلاغة : الخطبة 91 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 112 ح 90 .

2- فاجتالتهم الشياطين : أي استخفقتهم فجالوا معهم في الضلال (النهاية : ج 1 ص 317 « جول ») .

3- الوصب : المرص والجمع أوصاب (مجمع البحرين : ج 3 ص 1940 « وصب ») .

4- نهج البلاغة : الخطبة 1 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 60 ح 70 .

امام علی علیه السلام در باره حجّت فرستادنِ خدای متعال به سوی خلقش _ :آدم علیه السلام را برگزید ... و او را ، پس از توبه ، به زمینِ فرو فرستاد تا زمینش را با نسل او ، آباد گرداند و به واسطه او ، بر بندگانش حجّت آورد و پس از آن که جان او را ستاند ، آنان را از وجود آنچه حجّت پروردگاری اش را بر آنان استوار سازد و ایشان را به شناخت او برساند ، خالی نگذاشت ؛ بلکه در هر قرنی و نسلی ، با حجّت ها و برهان هایی که از زبان پیامبران برگزیده و امانتداران پیام هایش فرستاد ، به مردم رسیدگی کرد تا این که حجّت او به پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله ختم شد و حجّت ها و هشدارهایش به پایان کار رسید .

امام علی علیه السلام :خدای سبحان ، از فرزندان او (آدم علیه السلام) ، پیامبرانی را برگزید و آنان را پیماندار وحی و امانتدار رساندن پیام [خویش] قرار داد ، در آن هنگام که بیشتر خلاق ، پیمان خدا را پای مال کردند و حقّ او را نشناختند و برایش شریک گرفتند و اهریمنان ، ایشان را از شناخت حق ، روی گردان ساختند و از بندگی او ، جدایشان کردند . پس خداوند ، فرستادگان خود را در میان آنان بر انگیخت و پیامبرانش را پیایی ، به سوی ایشان فرستاد تا از آنان بخواهند تا پیمان الهی را که در فطرت ایشان بود ، ادا کنند و نعمت های فراموش شده اش را به یادشان آورند و با رساندن [پیام الهی] ، حجّت را برایشان تمام کنند و خردهای نهفته شان را پدیدار سازند و نشانه های قدرت [خویش] را نشانشان دهد ؛ از بام بلند فراز سرشان گرفته تا بستر گسترده زیر پایشان ، و [مایه های] زندگی و حیاتشان ، و اجل هایی که نابودشان می کند و بیماری هایی که پیر و فرستوده شان می سازد و پیشامدهایی که پیایی ، بر آنان می رسد . خدای سبحان ، آفریدگان خود را از پیامبری مُرسَل یا کتابی آسمانی یا حجّتی مُتَقَن یا راهی پایدار ، بی بهره نگذاشت ؛ فرستادگانی که نه اندک بودن شمارشان ، آنان را [از ادای رسالتشان] سست کرد ، نه فراوانی تکذیب کنندگانشان . برای پیامبر پیشین ، نام پیامبر پس از او برده می شد و پیامبر گذشته ، پیامبر آینده را معرفی می کرد . بدین سان ، نسل ها گذشت و روزگاران ، سپری شد و پدران رفتند و پسران ، جای آنان را گرفتند .

عنه عليه السلام: لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، وَإِمَّا خَائِفًا (1) مَغْمُورًا؛ لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَيَبْنَأُتُهُ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام - لِأَبِي خَالِدٍ الْكُنَاسِيِّ - لَيْسَ تَبْقَى الْأَرْضُ - يَا أَبَا خَالِدٍ - يَوْمًا وَاحِدًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ، وَمَعَ الْخَلْقِ، وَبَعْدَ الْخَلْقِ. (4)

راجع: هذه الموسوعة: ج 6 ص 238 (الإمامة / استمرار الإمامة).

1- في الأمالي للطوسي: « مستترا » بدل « خائفا » .

2- نهج البلاغة: الحكمة 147، الأمالي للطوسي: ص 21 ح 23 عن كميل، بحار الأنوار: ج 23 ص 20 ح 16 نقلاً عن تفسير القمّي

3- الكافي: ج 1 ص 383 ح 1 عن يزيد الكناسي، بحار الأنوار: ج 38 ص 318 ح 26 نقلاً عن قصص الأنبياء .

4- الكافي: ج 1 ص 177 ح 4، بصائر الدرجات: ص 487 ح 1 كلاهما عن أبان بن تغلب، بحار الأنوار: ج 23 ص 38 ح 66 .

امام علی علیه السلام: زمین، از کسی که حجّت خدا را بر پا دارد، خواه آشکار و شناخته یا بیمناک و گم نام، خالی نمی ماند تا آن که حجّت ها و گواه های خدا از بین نرود.

امام باقر علیه السلام_ به ابو خالد کُناسی_ ای ابو خالد! زمین، حتّی یک روز، بدون حجّت خدا بر مردم، باقی نمی ماند. (1)

امام صادق علیه السلام: حجّت [خدا]، پیش از خلق بوده و با خلق هست و پس از خلق نیز خواهد بود.

ر. ک: همین دانش نامه: ج 6 ص 239 (فصل سوم: تداوم جریان امامت).

1- یا: زمین، بدون حجّت خدا بر مردم، حتّی یک روز هم باقی نمی ماند.

37 . بَسْمَلَهُ در آمد فصل یکم : تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» فصل دوم : ویژگی های (بسم الله الرحمن الرحيم) فصل سوم : جایگاه های ذکر (بسم الله) فصل چهارم : آثار «بسم الله» فصل پنجم : آداب «بسم الله الرحمن الرحيم»

درآمد

بِسْمَلَه ، در لغت

اشاره

درآمدبِسْمَلَه ، در لغتواژه «بِسْمَلَه» ، مصدری است که از جمله «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» گرفته شده است و به همین جهت ، به آن ، مصدر جعلی یا منحوت گفته می شود ؛ مانند «حَوْقَلَه» که مصدر جعلی «لا حول و لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ» است و «هَيْلَلَه» که مصدر جعلی «لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ» است . بنا بر این ، معنای کلمه «بِسْمَلَه» ، گفتن یا نوشتنِ ذکر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» است . ابن سِکِّیت می گوید : يُقَالُ : قَدِ اَكْثَرْتُ مِنَ الْبِسْمَلَةِ ، اِذَا اَكْثَرَ مِنْ قَوْلِهِ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» . (1) گفته می شود : «من بَسْمَلَه را افزودم» ؛ یعنی : «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بسیار گفتم . اما مقصود ما از «بِسْمَلَه» در این مجال ، اشاره به متونی است که در باره تفسیر «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» و ویژگی ها ، فضائل ، کاربردها و آداب گفتن این ذکر مبارك ، وارد شده است . البته پیش از آن ، توجه به این نکات ، سودمند است :

1. معنای «اسم»**2. فرق اسم و صفت****3. اتحاد اسم و صفت در باره خداوند عزوجل**

1. معنای «اسم» در باره ریشه واژه «اسم»، اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را برگرفته از «وَسْم» به معنای علامت می دانند و برخی آن را مشتق از «سُمُو» به معنای علوّ و رفعت گفته اند؛ ولی با این وصف، می پذیرند که از لحاظ معنای لغوی به مفهوم نشانه است. (1)

2. فرق اسم و صفتصفت، دو معنا دارد. گاه به معنای مصدر «وصف» است و گاه به معنای اسم مصدر، یعنی علامت و نشانه ای که یکی از ویژگی های موصوف را بیان می کند. بنا بر معنای دوم، اسم و صفت، هر دو به معنای علامت و نشانه مسما و موصوف اند و تنها تفاوت آنها این است که اسم، شامل هر گونه علامتی می شود؛ اما صفت، علامتی خاص است و در اصطلاح، نسبت میان آنها، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر صفتی، اسم نیز هست؛ ولی هر اسمی، صفت نیست. مثلاً «زید» اسم است، ولی صفت نیست؛ لیکن «عالم»، هم اسم است و هم صفت.

3. اتحاد اسم و صفت در باره خداوند عز و جلدر احادیث اسلامی، اسم و صفت، در مورد خداوند متعال، يك معنا دارند. برای مثال «سمیع» و «بصیر» در برخی از احادیث، به عنوان صفت آمده اند (2) و در برخی از احادیث، به عنوان اسم (3) و برخی از احادیث نیز تصریح می کنند که اسما و صفات خداوند، تفاوتی ندارند، چنان که از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

1- ر. ك: الإنصاف فی مسائل الخلاف بين النحويين: ج 6 ص 16، المصباح المنير: ص 290، لسان العرب: ج 14 ص 401،

مشكل إعراب القرآن: ج 10 ص 6.

2- التوحيد: ص 146 ح 14.

3- التوحيد: ص 187.

4. معنای اسما و صفات الهی

إِنَّ الْأَسْمَاءَ صِفَاتٌ وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ . (1) نام‌ها [ی خدا] ، صفاتی هستند که خداوند ، با آنها خود را وصف کرده است . امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ محمد بن سنان که از «اسم» پرسیده بود ، فرمود : صِفَةٌ لِمَوْصُوفٍ (2) . (3) صفتی است برای يك موصوف . بر این اساس ، از منظر احادیث اسلامی ، همه نام‌های خداوند (أَسْمَاءُ اللَّهِ) ، صفات اویند و همه صفات خداوند ، نام‌های او . به سخن دیگر ، ظاهراً خداوند متعال ، اسم جامد و غیر مشتقی که فقط علامت باشد ، ندارد و در همه اسمای او ، صفتی از صفات الهی لحاظ شده و حتی نام «الله» ، ریشه اشتقاق دارد . (4)

4 . معنای اسما و صفات الهیکنه بسیار دقیقی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام در تبیین معنای اسما و صفات الهی آمده ، این است که آنها هویتی جدا از ذات مقدس الهی ندارند ، چنان که از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود : أَسْمَاؤُهُ تَعْبِيرٌ ، وَ أَعْمَالُهُ تَفْهِيمٌ ، وَ ذَاتُهُ حَقِيقَةٌ . (5) نام‌های او ، برای بیان است و افعالش ، برای فهماندن است و ذاتش ، حقیقت است .

1- ر . ك : ص 204 ح 2 .

2- علامه مجلسی می گوید : جمله «صفتی است برای يك موصوف» ؛ یعنی نشانه و علامتی است که بر يك ذات ، دلالت می کند . پس اسم ، غیر از ذات است . یا به این معناست که : نام‌های خداوند متعال ، دلالت بر صفاتی دارند که بر او صدق می کنند . یا مراد از اسم در این جا ، همان است که پیش تر بدان اشاره کردیم ؛ یعنی مفهوم کلی ای که لفظ برای آن وضع می شود (مرآة العقول : ج 2 ص 31) .

3- ر . ك : ص 204 ح 1 .

4- ر . ك : ص 207 ح 3 .

5- ر . ك : ص 208 ح 6 .

5. معنای ذکر «بسم الله»

همچنین امام رضا علیه السلام می فرماید: **الإِسْمُ غَيْرُ الْمُسَمَّى**، فَمَنْ عَبَدَ الإِسْمَ دُونَ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَلَمْ يَعْبُدْ شَيْئًا، وَ مَنْ عَبَدَ الإِسْمَ وَ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَ عَبَدَ اثْنَيْنِ، وَ مَنْ عَبَدَ الْمَعْنَى دُونَ الإِسْمِ فَذَلِكَ التَّوْحِيدُ. (1) نام، غیر از نامور است. پس هر که نام را بپرستد، نه معنا را، او کافر است و چیزی را نپرستیده است، و هر که نام و معنا را بپرستد، او کافر است و دو چیز را پرستیده است، و هر که معنا را بپرستد، نه نام را، این یکتاپرستی است. بنا بر این، استعمال اسمای الهی، از یک سو نباید فاقد مفهوم و معنا باشد تا موجب تعطیل معرفت خداوند متعال گردد، چنان که از سوی دیگر، نباید برای آنها مفهومی جدا از ذات باری تعالی، تصور کرد تا به تشبیه و شرک منتهی گردد؛ بلکه اسما و صفات الهی، چیزی جز تعبیر از ذات واجد همه کمالات و فاقد تمام کاستی ها نیستند.

5. معنای ذکر «بسم الله» بر پایه آنچه شیخ صدوق در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» از امام رضا علیه السلام روایت کرده است، ذکر «بسم الله»، در حقیقت، به معنای «نشان بندگی خدا را بر خود گذاشتن» است. متن روایت، چنین است: **مَعْنَى قَوْلِ الْقَائِلِ: «بِسْمِ اللَّهِ»، أَيْ أَسْمُ عَلَى نَفْسِي سِمَةً مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هِيَ الْعِبَادَةُ.** (2) وقتی گوینده می گوید: «به نام خدا»، یعنی: نشان و داغی از نشان ها و داغ های خداوند عز و جل را بر خود می نهم که همان بندگی باشد.

1- ر. ك: ص 206 ح 3.

2- ر. ك: ص 216 ح 10.

این تفسیر زیبا و دقیق، بدان معناست که تنها کسی می تواند در گفتن این ذکر، هنگام انجام دادن کارها صادق باشد که حقیقتا خود را مستقل نداند، بلکه بنده خدا بداند؛ چرا که این ذکر، نشانه بندگی است. به تعبیر دیگر، کسی می تواند صادقانه «بسم الله» بگوید که باور کرده باشد هیچ توان و نیرویی برای انجام دادن کار، جز از جانب خداوند متعال نیست: «ولا حول و لا قوة الا بالله». چنین کسی به بیان منقول از امیر مؤمنان در تفسیر «بسم الله»، می تواند بگوید: بِهَذَا الْإِسْمِ أَعْمَلُ هَذَا الْعَمَلَ. (1) با این نام، این کار را به انجام می رسانم. اما کسی که برای خداوند متعال، در کار خود، نقشی قائل نیست، نمی تواند علامت بندگی بر خود بگذارد و ذکر شریف «بسم الله» را صادقانه بر زبان، جاری سازد. گفتنی است که در برخی از منابع، در تفسیر «بسم الله» از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: لَوْ شِئْتُ لَأَوْفَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا مِنْ بَاءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2) اگر می خواستم، هفتاد شتر را از تفسیر بای «بسم الله الرحمن الرحيم»، بار می کردم. اما در برخی روایات، به جای «مِنْ بَاءِ بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، عبارت «فِي تَفْسِيرِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ» (3) آمده است که در این صورت، ارتباطی با این بحث ندارد؛

1- ر. ك: ص 216 ح 11.

2- عوالی اللالی: ج 4 ص 102 ح 150، إحقاق الحق: ج 7 ص 595 (به نقل از شعرانی در لطائف المنن، که در آن آمده: «... لكم ثمانين بعيرا من معنى الباء»).

3- المناقب، ابن شهر آشوب: ج 2 ص 43.

6. عظمتِ ذکر «بسم الله»

لیکن هر دو روایت ، فاقد سند معتبرند و از این دو روایت ضعیف تر ، حدیثی است که به امام علی علیه السلام نسبت داده شده که فرمود :
 أَنَا النَّقْطَةُ الَّتِي تَحْتَ الْبَاءِ الْمَبْسُوطَةِ . (1) من ، همان نقطه زیر بای کشیده هستم .

6. عظمتِ ذکر «بسم الله» در احادیث اسلامی ، شش ویژگی برجسته برای «بسم الله الرحمن الرحيم» آمده است . این ویژگی ها عبارت اند از : 1 . نزدیک ترین نام خدا به اسم اعظم است ؛ 2 . همه کتاب های آسمانی ، با این نام آغاز شده اند ؛ 3 . نخستین سخنی است که بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد ؛ 4 . ارجمندترین آیه قرآن است ؛ 5 . تاج سوره های قرآن است ؛ (2) 6 . جزئی از نماز است . هر چند حکمت و حقیقت این ویژگی ها ، برای ما به طور کامل معلوم نیست ؛ لیکن بی تردید ، این ویژگی ها نشان دهنده عظمت این ذکر و نقش مؤثر و تعیین کننده آن در خودسازی و سازندگی است . همچنین آداب گفتن (3) و نوشتن و تأکید

1- . مشارق أنوار اليقين : ص 21 . در ينابيع المودة (ج 1 ص 213 ح 15) آمده : در الدر المنظم آمده است : همه اسرار كتاب های آسمانی ، در قرآن آمده است و همه آنچه در قرآن هست ، در سوره فاتحه آمده است و همه آنچه در سوره فاتحه هست ، در «بسم الله» آمده است و همه آنچه در «بسم الله» آمده است ، در نقطه زیر باء هست و امام علی علیه السلام فرموده است : «من ، نقطه زیر باء [بسم الله] هستم» .

2- . به استثنای سوره توبه .

3- ر . ك : ص 295 (آداب «بسم الله الرحمن الرحيم») .

7 . فضیلت تعلیم «بسم الله»**8 . برکات ذکر «بسم الله»**

در برخورد توأم با احترام با نوشته این ذکر ، دلیل دیگری بر اهمیت آن است .

7 . فضیلت تعلیم «بسم الله» عظمت این ذکر و نقش آن در خودسازی و سازندگی ، ایجاب می کند که تعلیم آن ، از فضیلت فوق العاده ای برخوردار باشد . از این رو ، شگفت آور نیست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : **إِنَّ الْمُعَلَّمَ إِذَا قَالَ لِلصَّبِيِّ : قُلْ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَقَالَ الصَّبِيُّ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ ، وَبَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ ، وَبَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ مِنَ النَّارِ . (1)** معلّم ، هر گاه به کودک بگوید : بگو : «بسم الله الرحمن الرحيم» و کودک بگوید : «بسم الله الرحمن الرحيم» ، خداوند ، يك برات آزادی از دوزخ برای کودک ، یکی برای معلّم و یکی برای پدر و مادر او می نویسد .

8 . برکات ذکر «بسم الله» گفتن ذکر «بسم الله» در آغاز هر کار ، همان طور که نشانه عبودیت ذاکر است ، صبغه الهی بودن کار را نیز می رساند ، بدین معنا که این ذکر ، کار را در جهت اهداف خداپسند قرار می دهد و از این رو ، کاری که با «بسم الله» آغاز شود ، رنگ الهی می گیرد و چون خداوند متعال ، باقی بوده ، مبدأ برکات است ، آن کار نیز باقی و پُربرکت و سودمند خواهد بود ، چنان که در حدیث قدسی آمده است : **إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ - : بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي ، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُتَمِّمَ لَهُ أَمْرَهُ ، وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ ... (2)** .

1- .تفسیر القرطبی : ج 1 ص 336 ، الکشف و البیان (تفسیر الثعلبی) : ج 1 ص 91 ؛ مجمع البیان : ج 1 ص 90 ، جامع الأخبار : ص 119 ح 214 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 257 ح 52 .
2- . ر . ك : ص 278 ح 115 .

9. چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟

هر گاه بنده بگوید: «به نام خداوند مهرگسترِ مهربان»، خداوند _ جلّ جلاله _ می فرماید: «بنده ام به نام من آغاز کرد. بر من است که کارهایش را برای او تمام گردانم و به او در احوالش برکت دهم...». بر این اساس، آنچه در فصل چهارم، در تبیین خواص «بسم الله» آمده (مانند: پناهجویی، درمان، اجابت دعا، تسبیح گفتن کوه ها همراه با ذاکر، حقیر شدن شیطان، مصون بودن از شرّ اشرار، مصون بودن از غرق شدن، دفع بلا- و وحشت، سنگین شدن میزان عمل و رهایی از آتش دوزخ)، همه این امور، در حقیقت تبیین و تفصیل برکات این ذکر مبارك است. البته باید توجه داشت که این برکات، در صورتی تحقق خواهند یافت که ذاکر، صادقانه این ذکر را بر زبان جاری سازد و هر چه صداقت او در گفتن این ذکر بیشتر شود، برکات بیشتری نصیب او خواهد شد.

9. چه کاری را باید با «بسم الله» آغاز کرد؟ با عنایت به آنچه در تبیین برکات «بسم الله» بدان اشارت رفت، گفتن این ذکر در آغاز هر کاری نیکوست. از امام علی علیه السلام روایت شده است: **فَكُلُّ أَمْرٍ يَعْمَلُهُ بِيَدَيْهِ ب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَإِنَّهُ يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ .** (1) هر کاری را که [آدمی] انجام می دهد، چنانچه با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کند، در آن کار به او برکت داده می شود. لیکن در موارد خاصی، گفتن این ذکر از اهمیت و برکت بیشتری برخوردار است و آن، مواردی است که در فصل سوم، به تفصیل خواهد آمد.

الفصل الأول : تفسير البسملة 1 / 1 معنى الإسم الكافي عن محمد بن سنان عن الإمام الرضا عليه السلام ، قال : سألتُهُ عليه السلام عن الإسم ما هو؟ قال : صِفَةٌ لِمَوْصُوفٍ (1) . (2)

الكافي عن عبد الرحمن بن أبي نجران : كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَوْ قُلْتُ لَهُ - : جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ! نَعْبُدُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الْوَاحِدَ الْأَحَدَ الصَّمَدَ؟ قَالَ : فَقَالَ : إِنَّ مَنْ عَبَدَ الْإِسْمَ دُونَ الْمُسَمَّى بِالْأَسْمَاءِ أَشْرَكَ وَكَفَرَ وَجَحَدَ وَلَمْ يَعْبُدْ شَيْئًا ، بَلْ اعْبُدِ اللَّهَ الْوَاحِدَ الْأَحَدَ الصَّمَدَ الْمُسَمَّى بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ دُونَ الْأَسْمَاءِ ، إِنَّ الْأَسْمَاءَ صِفَاتٌ وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ . (3)

1- قال العلامة المجلسي قدس سره : قوله عليه السلام : «صفة لموصوف» ، أي سمة وعلامة تدلّ على ذات فهو غير الذات ، أو المعنى أنّ أسماء الله تعالى تدلّ على صفات تصدق عليه ، أو المراد بالاسم هنا ما أشرنا إليه سابقا ، أي المفهوم الكليّ الذي هو موضوع اللفظ (مرآة العقول : ج 2 ص 31) .

2- الكافي : ج 1 ص 113 ح 3 ، التوحيد : ص 192 ح 5 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 129 ح 25 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 159 ح 3 .

3- الكافي : ج 1 ص 87 ح 3 .

فصل یکم : تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم»

1 / 1 معنای «اسم»

فصل یکم : تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» 1 / 1 معنای «اسم» الکافی_ به نقل از محمد بن سنان _ : از امام رضا علیه السلام در باره اسم [نام] پرسیدم . فرمود : «صفتی است برای يك موصوف» . (1)

الکافی_ به نقل از عبد الرحمان بن ابی نجران _ : به امام باقر علیه السلام نوشتم (/گفتم) : خداوند ، مرا فدایت کند! ما بخشنده مهربان ، یگانه یکتای بی نیاز را می پرستیم؟ فرمود : «هر که نام را به جای نامیده شده به نام ها بپرستد ، مشرک و کافر و منکر است و چیزی نپرستیده است ؛ بلکه تو ، خدای یگانه یکتای بی نیازی را که نامیده شده به این نام هاست ، عبادت کن ، نه نام ها را . نام ها ، صفاتی هستند که او با آنها ، صفات خود را بیان کرده است» .

1- . در باره شرح این حدیث ، ر . ک : ص 198 (پانوش 2) .

الكافي عن هشام بن الحكم عن الإمام الرضا عليه السلام_ عِنْدَمَا سَأَلَهُ عَنَ أَسْمَاءِ اللَّهِ وَاشْتِقَاقِهَا _ : يَا هِشَامُ ، اللَّهُ مُشْتَقٌّ مِنْ إِلَهٍ ، وَإِلَالُهُ يَقْتَضِي مَأْلُوها ، وَالِاسْمُ غَيْرُ الْمُسَمَّى ، فَمَنْ عَبَدَ الْإِسْمَ دُونَ الْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ وَلَمْ يَعْبُدْ شَيْئًا ، وَمَنْ عَبَدَ الْإِسْمَ وَالْمَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ (1) وَعَبَدَ اثْنَيْنِ ، وَمَنْ عَبَدَ الْمَعْنَى دُونَ الْإِسْمِ فَذَلِكَ التَّوْحِيدُ ، أَفَهَمْتَ يَا هِشَامُ؟ قَالَ : فَقُلْتُ : زِدْنِي ! قَالَ : إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا ، فَلَوْ كَانَ الْإِسْمُ هُوَ الْمُسَمَّى لَكَانَ كُلُّ اسْمٍ مِنْهَا إِلَهًا ، وَلَكِنَّ اللَّهَ مَعْنَى يَدُلُّ عَلَيْهِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ ، وَكُلُّهَا غَيْرُهُ . يَا هِشَامُ ، الْخُبْرُ اسْمٌ لِلْمَأْكُولِ ، وَالْمَاءُ اسْمٌ لِلْمَشْرُوبِ ، وَالثَّوْبُ اسْمٌ لِلْمَلْبُوسِ ، وَالتَّارُ اسْمٌ لِلْمُحْرِقِ ، أَفَهَمْتَ يَا هِشَامُ فَهَمَا تَدْفَعُ بِهِ وَتُنَاضِلُ (2) بِهِ أَعْدَاءَنَا وَالْمُتَّخِذِينَ مَعَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا غَيْرَهُ؟ قُلْتُ : نَعَمْ ، قَالَ : فَقَالَ : نَفَعَكَ اللَّهُ بِهِ وَتَبَّتْكَ يَا هِشَامُ . قَالَ هِشَامٌ : فَوَاللَّهِ مَا فَهَرَنِي أَحَدٌ فِي التَّوْحِيدِ حَتَّى قُمْتُ مَقَامِي هَذَا . (3)

الكافي عن الفتح بن يزيد الجرجاني عن أبي الحسن عليه السلام ، قال : سَمِعْتُهُ يَقُولُ : وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ، الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ ، لَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُ الْمُشَبِّهُةُ لَمْ يَعْرِفِ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِ ، وَلَا الْمُنشِئُ مِنَ الْمُنشِئِ ، لَكِنَّهُ الْمُنشِئُ ، فَرَّقَ بَيْنَ مَنْ جَسَمَهُ وَصَوَّرَهُ وَأَنْشَأَهُ ، إِذْ كَانَ لَا يُشَبَّهُهُ شَيْءٌ ، وَلَا يُشَبَّهُهُ هُوَ شَيْئًا . يَا فَتْحُ ، أَحَلَّتْ تَبَّتْكَ اللَّهُ! إِنَّمَا التَّشْبِيهُ فِي الْمَعْنَى ، فَأَمَّا فِي الْأَسْمَاءِ فَهِيَ وَاحِدَةٌ وَهِيَ دَالَّةٌ عَلَى الْمُسَمَّى ، وَذَلِكَ أَنَّ الْإِنْسَانَ وَإِنْ قِيلَ وَاحِدٌ فَإِنَّهُ يُخْبِرُ أَنَّهُ جُثَّةٌ وَاحِدَةٌ وَلَيْسَ بِاثْنَيْنِ ، وَالْإِنْسَانُ نَفْسُهُ لَيْسَ بِوَاحِدٍ ؛ لِأَنَّ أَعْضَاءَهُ مُخْتَلِفَةٌ وَالْوَانَةُ مُخْتَلِفَةٌ ، وَمَنْ الْوَانَةُ مُخْتَلِفَةٌ غَيْرٌ وَاحِدٍ ، وَهُوَ أَجْزَاءٌ مُجَزَّاةٌ لَيْسَتْ بِسَوَاءٍ ؛ دَمُهُ غَيْرُ لَحْمِهِ ، وَلَحْمُهُ غَيْرُ دَمِهِ ، وَعَصَبُهُ غَيْرُ عُرْوَقِهِ ، وَشَعْرُهُ غَيْرُ بَشَرِهِ ، وَسَوَادُهُ غَيْرُ بَيَاضِهِ ، وَكَذَلِكَ سَائِرُ جَمِيعِ الْخَلْقِ ، فَإِلَّا نِسَانٌ وَاحِدٌ فِي الْإِسْمِ لَا (4) وَاحِدٌ فِي الْمَعْنَى ، وَاللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ هُوَ وَاحِدٌ لَا وَاحِدَ غَيْرُهُ ، لَا اخْتِلَافَ فِيهِ وَلَا تَفَاوُتَ وَلَا زِيَادَةَ وَلَا نُقْصَانَ ... (5)

1- في التوحيد والموضع الآخر من الكافي : «فقد أشرك» .

2- أناضل : أي أجادل وأخاصم وأدافع . وفلان يناضل عن فلان : إذا رامى عنه وحاجج ، وتكلم بعذره ، ودفع عنه (النهاية : ج 5 ص 72 «نضل»).

3- الكافي : ج 1 ص 87 ح 2 وص 114 ح 2 ، التوحيد : ص 220 ح 13 وفيه «تنافر أعداءنا والملحدين في الله والمشركين» بدل «تناضل به أعداءنا والمتخذين مع الله جلّ وعزّ» ، الاحتجاج : ج 2 ص 203 ح 216 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 157 ح 2 .

4- في المصدر : «ولا» بدل «لا» ، والتصويب من المصادر الأخرى .

5- الكافي : ج 1 ص 118 ح 1 ، التوحيد : ص 185 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 127 ح 23 وفيهما «كفوا أحد منشئ الأشياء ومجسم الأجسام ومصوّر الصور ، لو كان كما يقولون لم يعرف» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 173 ح 2 .

الکافی_ به نقل از هشام بن حکم _ از امام رضا علیه السلام، در باره نام های خدا و اشتقاق آنها پرسیدم . فرمود : «ای هشام! الله، برگرفته از إله (پرستیدن) است و إله، مقتضی مألوه (پرستش شونده) ای است . نام، غیر از نامور است . پس هر که نام، نه معنا [و ذات] را بپرستد، کافر است و در حقیقت، چیزی را نپرستیده است . هر که نام و معنا (ذات)، هر دو را بپرستد، کافر است و دو چیز را پرستیده است، و هر که معنا را بپرستد، نه نام را، این، یکتاپرستی است . فهمیدی، ای هشام؟» . گفتم : بیشتر توضیح بده . فرمود : «خداوند، نود و نه نام دارد . بنا بر این، اگر نام، همان نامور باشد، برای هر نامی از این نام ها، خدایی خواهد بود ؛ اما خدا، معنایی (ذاتی) است که این نام ها، همگی بر او دلالت دارند ؛ ولی همه این نام ها غیر از اوست (هیچ کس از این نام ها، او نیست) . ای هشام! نان، نامی است برای خوردنی ها، و آب، نامی است برای نوشیدنی ها، و پوشاک، نامی است برای پوشیدنی ها، و آتش، نامی است برای آنچه سوزنده است [؛ ولی هیچ يك از این نام ها مصداق خارجی خود نیستند] . فهمیدی _ ای هشام _، آن چنان که بتوانی پاسخ دشمنان ما و کسانی را که غیر خداوند عز و جل را با او شریک می گردانند، بدهی و با آنان، مبارزه کنی؟» . گفتم : آری . فرمود : «ای هشام! خداوند، تو را با این توضیحات، سود دهد و استوارت بدارد!» . به خدا سوگند، از زمانی که از آن مجلس برخاستم، دیگر کسی در بحث توحید، مرا شکست نداد .

الکافی_ به نقل از فتح بن یزید جرجانی _ از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرماید : «و اوست ریزین آگاه، شنوای بینا، یگانه یکتای بی نیاز . نه فرزندی دارد و نه خود، فرزند کسی است و هیچ کس، همتای او نیست . اگر او چنان باشد که تشبیه کنندگان می گویند، آن گاه، نه آفریننده از آفریده شناخته می شود، و نه پدید آورنده از پدید آورده، در حالی که او پدید آورنده است . او میان کسی که جسم داده و صورت داده و پدید آورده، تفاوت گذاشته است ؛ زیرا هیچ چیز به او نمی ماند و او نیز به چیزی مانند نیست» . گفتم : همین طور است، فدایت شوم! اما فرمودی : «یکتای بی نیاز» و فرمودی : «هیچ چیز به او نمی ماند»، در حالی که می گوئیم : خدای واحد و انسان واحد . آیا نه این است که در واحد بودن، همانندند؟ فرمود : «سخن ناشدنی ای گفتمی . ای فتح! خدایت استوار بدارد! تشبیه، فقط در حوزه معانی است ؛ اما در نام ها [و لفظ]، همه یکی هستند و نام ها بر نامور، دلالت دارند . توضیح، این که وقتی گفته شود : انسان واحد، در واقع، گزارش می شود که او، يك فرد است، نه دو فرد ؛ اما خود انسان، واحد (بسیط) نیست ؛ چرا که اندام ها و رنگ هایش گونه گون است و کسی که رنگ هایش گونه گون باشد، واحد نیست و دارای اجزای جدا از هم و نایکسان است، خون او غیر از گوشت اوست و گوشتش، غیر از خونس و عصبش، غیر از رگ هایش و مویش، غیر از پوستش و سیاهی اش، غیر از سفیدی اش . دیگر مخلوقات نیز همین گونه اند . پس انسان در نام [و لفظ]، واحد است، در معنا [و حقیقت]، واحد نیست، در حالی که خداوند عز و جل یکتاست و جز او یکتایی نیست . هیچ دوگونگی و تفاوت و فزونی و کاستی ای وجود ندارد ... » .

الكافي عن ابن رثاب عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَبَدَ اللَّهَ بِالتَّوَهُّمِ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ عَبَدَ الإِسْمَ دُونَ المَعْنَى فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ عَبَدَ الإِسْمَ وَالمَعْنَى فَقَدْ أَشْرَكَ، وَمَنْ عَبَدَ المَعْنَى بِإِقْبَاعِ الأَسْمَاءِ عَلَيْهِ بَصِدِ فَمَاتِهِ الَّتِي وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ، فَعَقَدَ عَلَيْهِ قَلْبَهُ وَنَطَقَ بِهِ لِسَانَهُ فِي سَرَائِرِهِ وَعَلَانِيَتِهِ؛ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ حَقًّا. _ وفي حَدِيثٍ آخَرَ _ : أُولَئِكَ هُمُ المُؤْمِنُونَ حَقًّا. (1)

الإمام الرضا عليه السلام _ مِنْ كَلَامِهِ فِي التَّوْحِيدِ _ : أَسْمَاؤُهُ تَعْبِيرٌ، وَأَفْعَالُهُ تَفْهِيمٌ، وَذَاتُهُ حَقِيقَةٌ. (2)

-
- 1- الكافي: ج 1 ص 87 ح 1، التوحيد: ص 220 ح 12، عدّة الداعي: ص 315، بحار الأنوار: ج 4 ص 166 ح 7.
 - 2- التوحيد: ص 36 ح 2، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 151 ح 51 كلاهما عن محمّد بن يحيى والقاسم بن أيّوب العلوي، الاحتجاج: ج 2 ص 361 ح 283، تحف العقول: ص 63 عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 4 ص 228 ح 3.

الكافی_ به نقل از ابن رثاب _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر که خدا را با به وهم در آوردنش بپرستد ، کافر است . هر کس نام بدون معنا (ذات) را بپرستد ، کافر است . هر کس نام و معنا ، هر دو را بپرستد ، مشرک است . هر کس معنا را بپرستد ، با اطلاق کردن نام ها بر او با همان صفاتی که خود ، خویشتن را بدان ها وصف کرده است و به این ، اعتقاد قلبی داشته باشد و در نهان و آشکارش آن را به زبان آورد ، چنین کسانی ، پیروان راستین امیر مؤمنان علیه السلام هستند» . و در حدیثی دیگر ، آمده است که فرمود : «چنین کسانی ، مؤمن راستین هستند» .

امام رضا علیه السلام_ از سخنان ایشان در باره توحید _ : نام های او ، برای بیان است و افعالش ، برای فهماندن است و ذاتش ، حقیقت است .

1 / 2 معنی الله عز وجل للإمام الكاظم عليه السلام - لَمَا سُئِلَ عَن مَعْنَى اللَّهِ - : اسْتَوْلَى عَلَيَّ مَا دَقَّ وَجَلَّ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام - فِي جَوَابِ الرَّنْدِيقِ حِينَ سَأَلَهُ : فَمَا هُوَ؟ - : هُوَ الرَّبُّ ، وَهُوَ الْمَعْبُودُ ، وَهُوَ اللَّهُ ، وَلَيْسَ قَوْلِي : «اللَّهُ» إثبات هذه الحروف : أَلِفٍ وَلَا يَمٍ وَهَاءٍ ، وَلَا رَاءٍ وَلَا بَاءٍ ، وَلَكِنْ أَرْجِعُ (2) إِلَى مَعْنَى وَشَيْءٍ خَالِقِ الْأَشْيَاءِ وَصَانِعِهَا ، وَنَعْتِ هَذِهِ الْحُرُوفِ ، وَهُوَ الْمَعْنَى سُمِّيَ بِهِ اللَّهُ ، وَالرَّحْمَنُ ، وَالرَّحِيمُ ، وَالْعَزِيزُ ، وَأَشْبَاهُ ذَلِكَ مِنْ أَسْمَائِهِ ، وَهُوَ الْمَعْبُودُ جَلَّ وَعَزَّ . (3)

الإمام العسكري عليه السلام - فِي تَفْسِيرِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - : اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلِّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ ، وَتَقَطُّعِ الْأَسْبَابِ مِنْ جَمِيعِ مَا سِوَاهُ ، يَقُولُ : بِسْمِ اللَّهِ ؛ أَيِ اسْتَعِينُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا بِاللَّهِ الَّذِي لَا تَحِقُّ الْعِبَادَةُ إِلَّا لَهُ ، الْمُغِيثُ إِذَا اسْتُعِثَ ، وَالْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ . وَهُوَ مَا قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، ذُلَّنِي عَلَى اللَّهِ مَا هُوَ؟ فَقَدْ أَكْثَرَ عَلَيَّ الْمُجَادِلُونَ وَحَيَّرُونِي! فَقَالَ لَهُ : يَا عَبْدَ اللَّهِ ، هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : فَهَلْ كَسَرَ بِكَ حَيْثُ لَا سَفِينَةَ تُنْجِيكَ وَلَا سِبَاحَةَ تُغْنِيكَ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : فَهَلْ تَعَلَّقَ قَلْبُكَ هُنَالِكَ أَنَّ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ قَادِرٌ عَلَيَّ أَنْ يُخَلِّصَكَ مِنْ وَرَطَّتِكَ؟ فَقَالَ : نَعَمْ . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنْجَاءِ حَيْثُ لَا مُنْجِي ، وَعَلَى الْإِغَاثَةِ حَيْثُ لَا مُغِيثَ . ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَلَرُبَّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ، وَيَمَحَقَ عَنْهُ وَصْمَةَ (4) تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . قَالَ : وَقَامَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ : أَخْبِرْنِي مَا مَعْنَى «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَخْبِرْنِي عَن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَا مَعْنَاهُ؟ فَقَالَ : إِنَّ قَوْلَكَ «اللَّهُ» أَعْظَمُ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ؛ وَهُوَ الْإِسْمُ الَّذِي لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَمَّى بِهِ غَيْرُ اللَّهِ ، وَلَمْ يَتَسَمَّ بِهِ مَخْلُوقٌ . فَقَالَ الرَّجُلُ : فَمَا تَفْسِيرُ قَوْلِهِ : «اللَّهُ»؟ قَالَ : هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلِّ مَخْلُوقٍ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ جَمِيعِ مَنْ دُونَهُ ، وَتَقَطُّعِ الْأَسْبَابِ مِنْ كُلِّ مَنْ سِوَاهُ ، وَذَلِكَ أَنَّ كُلَّ مُتَرَسِّسٍ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَمُتَعَطِّمٍ فِيهَا ، وَإِنْ عَظَّمَ غَنَاؤَهُ وَطُغْيَانَهُ ، وَكَثَّرَتْ حَوَائِجَ مَنْ دُونَهُ إِلَيْهِ ، فَإِنَّهُمْ سَيَحْتَاجُونَ حَوَائِجَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا هَذَا الْمُتَعَاطِمُ ، وَكَذَلِكَ هَذَا الْمُتَعَاطِمُ يَحْتَاجُ حَوَائِجَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا ، فَيَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ وَفَاقَتِهِ ، حَتَّى إِذَا كُفِيَ هَمَّهُ عَادَ إِلَى شِرْكِهِ . أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ آتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلْ إِثَاءَ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ» . (5) فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِعِبَادِهِ : أَيُّهَا الْفُقَرَاءُ إِلَى رَحْمَتِي ، إِنِّي قَدْ أَلَزَمْتُكُمُ الْحَاجَةَ إِلَيَّ فِي كُلِّ حَالٍ ، وَذِلَّةَ الْعُبُودِيَّةِ فِي كُلِّ وَقْتٍ ، فَإِلَيَّ فَافْرَعُوا فِي كُلِّ أَمْرٍ تَأْخُذُونَ فِيهِ وَتَرْجُونَ تَمَامَهُ وَبُلُوغَ غَايَتِهِ ، فَإِنِّي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أُعْطِيَكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى مَنَعِكُمْ ، وَإِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَمْنَعَكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى إِعْطَائِكُمْ ، فَأَنَا أَحَقُّ مِنْ سَائِلٍ ، وَأَوْلَى مَنْ تُضَرِّعُ إِلَيْهِ . فَقَوْلُوا عِنْدَ افْتِتَاحِ كُلِّ أَمْرٍ صَغِيرٍ أَوْ عَظِيمٍ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ؛ أَيِ اسْتَعِينُ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ بِاللَّهِ الَّذِي لَا يَحِقُّ الْعِبَادَةُ لِغَيْرِهِ ، الْمُغِيثُ إِذَا اسْتُعِثَ ، الْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ ، الرَّحْمَنُ الَّذِي يَرْحَمُ بِسَطِّ الرِّزْقِ عَلَيْنَا ، الرَّحِيمُ بِنَا فِي أَدْيَانِنَا وَدُنْيَانَا وَآخِرَتِنَا ، خَفَّفَ عَلَيْنَا الدِّينَ وَجَعَلَهُ سَهْلًا خَفِيفًا ، وَهُوَ يَرْحَمُنَا بِتَمْيِيزِنَا مِنْ أَعْدَائِهِ . ثُمَّ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ تَعَاطَاهُ فَقَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَهُوَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ يَقْبَلُ بِقَلْبِهِ إِلَيْهِ ، لَمْ يَنْفَكْ مِنْ إِحْدَى اثْنَتَيْنِ : إِمَّا بُلُوغَ حَاجَتِهِ فِي الدُّنْيَا ، وَإِمَّا يُعَدُّ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَيُدْخِرُ لَدَيْهِ ، وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلْمُؤْمِنِينَ . (6)

راجع : ص 216 ح 10 و ص 218 ح 14 . وهذه الموسوعة : ج 5 ص 512 (معنى الله) .

- 1- .الكافي : ج 1 ص 114 ح 3 ، التوحيد : ص 230 ح 4 وفيه «سألته» ، معاني الأخبار : ص 4 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 372 ح 812 وفيه «عن معنى قول الله : «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»» ، بحار الأنوار : ج 4 ص 181 ح 6 .
- 2- .ويمكن ضبطها أيضا بهذا الشكل : ولكن ارجع ...
- 3- .الكافي : ج 1 ص 84 ح 6 ، التوحيد : ص 245 كلاهما عن هشام بن الحكم .
- 4- .الْوَصْمُ : العيب والعار . يقال : ما في فلان وَصْمَةٌ (الصحاح : ج 5 ص 2052 «وصم») .
- 5- .الأنعام : 40 و 41 .
- 6- .التوحيد : ص 230 ح 5 ، معاني الأخبار : ص 4 ح 2 وفيه إلى «حيث لا- مغيث» ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 21 ح 5 و 6 و 7 وص 27 ح 9 كلّها عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار ، بحار الأنوار : ج 92 ص 232 ح 14 وص 240 ح 48 .

1 / 2 معنای اللهام کاظم علیه السلام در پاسخ پرسش در باره معنای الله _ [یعنی] هر ریز و درشتی ، در قبضه قدرت اوست .

امام صادق علیه السلام در پاسخ زندیقی که از ایشان پرسید : پس او (خداوند) چیست؟ _ : او ، پروردگار است . او ، معبود است . او ، الله است . مقصودم از «الله» ، حروف الف و لام و ها ، و [مقصودم از رب] حروف راء و باء نیست ؛ بلکه مقصود ، معنا و آن وجودی است که آفریننده و سازنده موجودات و مصداق این حروف [و کلمات] است . او ، [ذات و] معنایی است که الله و رحمان و رحیم و عزیز و مانند این نام ها بر او نهاده شده است . او معبود عز و جلاست .

امام عسکری علیه السلام در تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» _ :الله ، آن موجودی است که هر آفریده ای به هنگام نیازها و سختی ها ، آن گاه که امیدش از هر آنچه جز اوست ، قطع می گردد و رشته ها از ما سیوای او به کلی بُریده می شود ، به او پناه می برد ، می گوید : «بِسْمِ اللَّهِ» ؛ یعنی در همه کارهایم ، از آن خدایی کمک می جویم که پرستش ، جز حقّ او نیست ؛ همو که هر گاه فریادخواهی شود ، به فریاد می رسد و هر گاه او را بخوانند ، پاسخ می دهد . این ، همان چیزی است که مردی به صادق علیه السلام گفت : ای فرزند پیامبر خدا ! مرا به خدا ، راه نمایی کن که چیست؟ زیرا مجادله کنندگان ، بر من هجوم آورده اند و سرگشته ام ساخته اند! به او فرمود : «ای بنده خدا ! آیا هرگز سوار کشتی شده ای؟» . گفت : آری . فرمود : «آیا شده که کشتی ات در هم شکند و نه کشتی دیگری باشد که نجات دهد ، و نه شنا کردن به کارت آید؟» . گفت : آری . فرمود : «آیا در آن هنگام ، از دلت گذشته است که موجودی از موجودات می تواند تو را از نابودی برهاند؟» . گفت : آری . فرمود : «آن موجود ، همان خداست که می تواند آن گاه که نجات بخشی نیست ، نجات دهد و آن گاه که فریادرسی نیست ، به فریادت برسد» . سپس فرمود : «گاه یکی از شیعیان ما در آغاز کار خود ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نمی گوید و خداوند ، او را به رنجی گرفتار می سازد تا او را متوجه سپاس گزاری از خداوند _ تبارک و تعالی _ گرداند و لگه ننگ کوتاهی در گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را از او بُرداید» . مردی نیز رو به علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام کرد و گفت : مرا از معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خبر ده که چیست؟ فرمود : «پدرم [حسین علیه السلام] ، از برادرش حسن علیه السلام ، از پدرش امیر مؤمنان علیه السلام برایم نقل کرد که مردی خطاب به امیر مؤمنان گفت : ای امیر مؤمنان ! به من بگو که معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چیست؟ [امیر مؤمنان] فرمود : کلمه الله ، بزرگ ترین نام از نام های خداوند عز و جل است . این ، نامی است که جز بر خدا نسزد که بر کسی نهاد و هیچ مخلوقی ، بدان نامیده نمی شود» . مرد گفت : [معنا و] تفسیر کلمه «الله» چیست؟ فرمود : «یعنی موجودی که هر مخلوقی در وقت نیازها و سختی هایش ، آن گاه که از هر آنچه جز اوست ، قطع امید شود و رشته ها از هر کسی جز او به کلی بُریده گردد ، به او پناه می برد ؛ چرا که هر رئیس و هر بزرگی در این دنیا ، هر اندازه هم توانگر و قدرتمند باشد و فرودستانش به او نیازمند باشند ، باز این فرودستان ، نیازهایی خواهند داشت که آن بزرگ ، از عهده برآوردن آنها بر نمی آید . خود آن بزرگ نیز نیازهایی پیدا می کند که قادر به تأمین آنها نیست . در این صورت ، دست نیاز و درویشی به سوی خدا دراز می کند ؛ اما چون خواسته اش بر آورده شد ، به شرك خویش باز می گردد . نشنیده ای که خداوند عز و جلی فرماید : «بگو : آیا دیده اید اگر عذاب خدا یا رستخیز بر شما در آید ، آیا جز خدا را می خوانید ، اگر راستگوئید؟ نه ، که تنها او را می خوانید و او _ اگر بخواهد _ اندوهی را که او را بدان می خوانید ، از شما باز می گشاید و آنچه را شریک قرار می دهید ، از یاد می برید» ؟ پس خداوند عز و جل به بندگانش می فرماید : ای نیازمندان به رحمت من ! شما را در هر حال ، نیازمند خودم ، و در هر زمان ، بنده خوار خودم قرار داده ام . پس در هر کاری که در پیش می گیرید و به اتمام آن و رسیدن به نهایتش چشم امید بسته اید ، به من متوسل شوید ؛ زیرا من اگر بخواهم به شما عطا کنم ، هیچ کس نمی تواند مانع شود ، و اگر بخواهم مانع شوم ،

هیچ کس نمی تواند به شما عطا کند . پس من ، سزاوارترین کس هستم برای این که از او چیزی بخواهند ، و شایسته ترین کس هستم برای این که به او التماس شود . بنا بر این ، در آغاز هر کاری ، کوچک یا بزرگ ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگویید ؛ یعنی در این کار ، از خدایی کمک می گیریم که بندگی ، سزاوار غیر از او نیست ؛ همو که هر گاه از وی فریادخواهی شود ، به فریاد می رسد و هر گاه خوانده شود ، پاسخ می دهد . بخشنده ای که از سرِ مهر ، سفره روزی را بر ما گسترده است ؛ مهربانی که در دین ما و دنیا و آخرتمان ، با ما مهربان است . دین را بر ما سبک گرفته و آن را آسان قرار داده است و با جدا ساختن ما از دشمنان خود ، به ما رحم می آورد» . سپس فرمود : «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر که را پیشامدی اندوهگین گرداند و از روی اخلاص و توجه قلبی به خداوند بگوید : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، از دو حال خارج نخواهد بود : یا در دنیا به حاجتش می رسد ، یا این که نزد پروردگارش برای او به حساب می آید و برایش ذخیره می شود ؛ و البته آنچه نزد خداست ، برای مؤمنان ، بهتر و ماندگارتر است » .

ر . ك : ص 217 ح 10 و ص 219 ح 14 . همین دانش نامه : ج 5 ص 513 (معنای «الله»).

1 / 3 معنى «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» رسول الله صلى الله عليه وآله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سُنَّةُ اللَّهِ ، سَبَقَتْ رَحْمَةُ اللَّهِ غَضَبَهُ .
(1)

التوحيد عن الحسن بن علي بن فضال: سَأَلْتُ الرَّضَا عَمِّي بَنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ «بِسْمِ اللَّهِ» ، قَالَ : مَعْنَى قَوْلِ الْقَائِلِ : «بِسْمِ اللَّهِ» أَي أَسْمُ عَلَى نَفْسِي سِمَةً مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُيَ الْعِبَادَةُ . قَالَ : فُقِّلتُ لَهُ : مَا السِّمَةُ؟ فَقَالَ : الْعَلَامَةُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: لَقَدْ دَخَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُحْيَى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : ... يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، مَا تَفْسِيرُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ أَوْ يَعْمَلَ عَمَلًا وَيَقُولُ «بِسْمِ اللَّهِ» : أَي بِهِذَا الْإِسْمِ أَعْمَلُ هَذَا الْعَمَلُ ، فَكُلُّ أَمْرٍ يَعْمَلُهُ يَبْدَأُ فِيهِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِنَّهُ يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ . (3)

معاني الأخبار عن صفوان بن يحيى عمّن حدّثه عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ؟ فَقَالَ : الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ ، وَالسَّيْنُ سَنَاءِ اللَّهِ ، وَالْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ . قَالَ : قُلْتُ : اللَّهُ؟ قَالَ : الْأَلِفُ آلاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنَ النَّعْمِ بِوَلَايَتِنَا ، وَاللَّامُ إِزَامُ اللَّهِ خَلْقَهُ وَوَلَايَتِنَا . قُلْتُ : فَالْهَاءُ؟ فَقَالَ : هَوَانٌ لِمَنْ خَالَفَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ . قُلْتُ : الرَّحْمَنُ؟ قَالَ : بِجَمِيعِ الْعَالَمِ . قُلْتُ : الرَّحِيمُ؟ قَالَ : بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً . (4)

1- .الاختصاص : ص 45 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 338 ح 20 .

2- .التوحيد : ص 229 ح 1 ، معاني الأخبار : ص 3 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 260 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 230 ح 9 .

3- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 25 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 242 ح 48 .

4- .معاني الأخبار : ص 3 ح 2 ، التوحيد : ص 230 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 231 ح 12 .

1 / 3 معنای (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

1 / 3 معنای (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، قانون خداست . رحمت خدا ، بر غضب او پیشی دارد .

التوحید_ به نقل از حسن بن علی بن فضال _ : از امام رضا علیه السلام در باره «بسم الله» پرسیدم . فرمود : «وقتی کسی می گوید : بسم الله ، یعنی [می گوید] : سِمه ای از سِمت خداوند را بر خود می نهم و آن ، سِمه بندگی است» . (1) گفتم : «سِمه» چیست؟ فرمود : «نشانه» .

امام صادق علیه السلام : عبد الله بن یحیی بر امیر مؤمنان علیه السلام وارد شد و گفت : ... ای امیر مؤمنان! تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چیست؟ فرمود : «بنده ، هر گاه بخواند بخواند (2) یا کاری را انجام دهد و بسم الله بگوید ، معنایش این است که : من با این نام ، این کار را انجام می دهم . پس اگر هر کاری را که انجام می دهد ، با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز کند ، در آن کار به او برکت داده می شود» .

معانی الأخبار_ به نقل از صفوان بن یحیی ، از کسی که از امام صادق علیه السلام روایت کرده است _ : از امام [صادق علیه السلام] در باره «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سؤال شد . فرمود : «باء ، به معنای بهای (نورائیت / زیبایی) خداست ، سین ، به معنای سنای (رفعت) خداست و میم ، به معنای مُلک (سلطنت و مالکیت) خدا» . من گفتم : «الله» چه؟ فرمود : «الف ، به معنای آلاء (نعمت های) خدا که نعمت ولایت ما را به خلقش ارزانی داشته است و لام ، به این معناست که خداوند ، خلقش را به ولایت ما ، ملزم ساخته است» . گفتم : «هاء» چه؟ فرمود : «اشاره به هوان (خواری) کسی که با محمد و خاندان محمد _ که دروهای خدا بر ایشان باد _ ، مخالف است» . گفتم : «الرحمن» چه؟ فرمود : «[به معنای رحمت او] نسبت به همه عالم است» . گفتم : «الرحیم» چه؟ فرمود : «[به معنای رحمت او] در خصوص مؤمنان است» .

1- امام علیه السلام ، کلمه «اسم» را برگرفته از ماده «وَسَمَ» دانسته است که مصدر آن «سِمَة» است ، به معنای نشانه و داغ .

2- مقصود ، خواندن قرآن است و شاید هم اعم از آن باشد .

الكافي عن عبد الله بن سنان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قَالَ: الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ، وَالسَّيْنُ سِنَاءُ اللَّهِ، وَالْمِيمُ مَجْدُ اللَّهِ - وَرَوَى بَعْضُهُمْ: الْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ -، وَاللَّهُ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، الرَّحْمَنُ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ، وَالرَّحِيمُ بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً. 1

راجع: هذه الموسوعة: ج 3 ص 505 (المبحث الثالث: أسماء الله عز وجل وصفاته).

الكافی_ به نقل از عبد الله بن سنان _ : از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پرسیدم . فرمود : «باء ، [اشاره به] بهای خداست ، سین ، به سنای خدا و میم ، به مجد (شکوه و بزرگواری) خدا» . برخی روایت کرده اند [که فرمود]: «میم، به مُلک خدا [اشاره دارد]، و اللّٰه ، به این که او معبود هر چیزی ، است و رحمان ، به مهربانی او با همه خلقتش ، و رحیم ، به مهربانی اش با مؤمنان» .

ر . ك : همین دانش نامه : ج 5 ص 489 (مبحث سوم : نام ها و صفات خدا) .

الفصل الثاني : خصائص البسملة 2 / 1 أقرب شَيْءٍ إِلَى الإِسْمِ الأعْظَمِ المستدرك على الصحيحين عن ابن عَبَّاسٍ : إِنَّ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَقَالَ : هُوَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ ، وَمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اسْمِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ إِلَّا كَمَا بَيْنَ سَوَادِ الْعَيْنِ وَبَيَاضِهَا مِنَ الْقُرْبِ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الأعْظَمِ مِنْ نَاطِرِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا . (2)

الإمام عليّ عليه السلام - فِي مَعْنَى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - : إِنَّ قَوْلَكَ «اللَّهُ» أعْظَمُ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ ... (3)

1- .المستدرك على الصحيحين : ج 1 ص 738 ح 2027 ، الدر المنثور : ج 1 ص 23 نقلاً عن البيهقي في شعب الإيمان والخطيب في تاريخه ، كنز العمال : ج 2 ص 296 ح 4047 نقلاً عن ابن النجار .

2- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 289 ح 1159 عن عبد الله بن يحيى الكاهلي عن الإمام الصادق عليه السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 5 ح 11 عن محمد بن سنان ، تفسير العياشي : ج 1 ص 21 ح 13 عن إسماعيل بن مهران وكلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام ، تحف العقول : ص 487 عن الإمام العسكري عليه السلام وفيها «سواد» بدل «ناظر» ، بحار الأنوار : ج 92 ص 233 ح 15 .

3- .التوحيد : ص 231 ح 5 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 27 ح 9 كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيّار عن الإمام العسكري عن الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عن الإمام الحسن عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 232 ح 14 وص 244 ح 48. أنظر تمام الحديث في ص 182 ح 537.

فصل دوم : ویژگی های (بسم الله الرحمن الرحيم)

1 / 2 نزدیک ترین چیز به اسم اعظم است

فصل دوم : ویژگی های (بسم الله الرحمن الرحيم) 1 / 2 نزدیک ترین چیز به اسم اعظم استالمستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابن عباس _ :عثمان بن عفان ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، در باره «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پرسید . ایشان فرمود : «آن ، نامی از نام های خداست و نزدیکی آن به اسم اعظم خدا ، چونان نزدیکی سیاهی چشم به سفیدی آن است» .

امام باقر علیه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، به اسم اعظم خدا نزدیک تر از مردمک چشم به سفیدی آن است .

امام علی علیه السلام_ در باره معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» _ :کلمه «الله» ، بزرگ ترین نام از نام های خداست .

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (1) - «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هُوَ اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، وَالسَّبْعُ الْمَثَانِي أُمُّ الْكِتَابِ، يُثْنَى بِهَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ. (2)

مُهْج الدعوات عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ - أَوْ قَالَ - : الْأَعْظَمُ. (3)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، كَانَ أَقْرَبَ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا، وَإِنَّهُ دَخَلَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ. (4)

2 / 2 مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ سَمَاوِيٌّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ. (5)

الإمام الباقر عليه السلام: أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَإِذَا قَرَأْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَلَا تُبَالِي أَنْ لَا تَسْتَعِيدَ، وَإِذَا قَرَأْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سَتَرْتِكَ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (6)

1- . الحجج: 87 .

2- . مستدرک الوسائل: ج 4 ص 157 ح 4362 نقلاً عن كتاب التنزيل والتحرير للسيّاري، بحار الأنوار: ج 92 ص 236 .

3- . مُهْج الدعوات: ص 379 عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 93 ص 223 ح 1 .

4- . مُهْج الدعوات: ص 379 عن سليمان بن جعفر الحميري، بحار الأنوار: ج 86 ص 162 ح 41 .

5- . الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع: ج 1 ص 407 ح 547 عن فرات بن أحنف عن الإمام الباقر عليه السلام، كنز العمال: ج 1 ص 555 ح 2490 .

6- . الكافي: ج 3 ص 313 ح 3 عن فرات بن أحنف .

2 / 2 سرآغاز هر کتاب آسمانی

امام صادق علیه السلام_ در باره این سخن خداوند عز و جل : «ما به تو ، سَدِّعِ مَثَانِي و قرآن بزرگ را دادیم» _ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، بزرگ ترین نام خداست و سَبَّعِ مَثَانِي ، همان «أُمُّ الْكِتَابِ (سوره فاتحه)» است که در هر نمازی ، دو بار خوانده می شود .

مهج الدعوات_ به نقل از معاویه بن عَمَّار _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، اسم اکبر خداست» یا فرمود : «اسم اعظم خداست» .

امام رضا علیه السلام : هر کس بعد از نماز صبح ، صد مرتبه بگوید : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، لا حول و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ، به نام اعظم خدا ، نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن باشد و اسم اعظم خدا ، در این جمله ، نهفته است .

2 / 2 سرآغاز هر کتاب آسمانی استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، سرآغاز هر کتاب [آسمانی] است .

امام باقر علیه السلام : سرآغاز هر کتابی که از آسمان فرود آمده ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بوده است . پس هر گاه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گفتم ، دیگر باکی نیست که استعاذه (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ) نگویی ؛ زیرا هر گاه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگویی ، تو را از [گزند] آنچه میان آسمان و زمین است ، می پوشاند .

الإمام الصادق عليه السلام: ما نَزَلَ كِتَابٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا وَأَوَّلُهُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (1)

عنه عليه السلام: ما أنزل الله من السماء كتابا إلا وفاتحته «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وإنما كان يُعرفُ انقضاء السورة بنزول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ابتداءً للأخرى. (2)

-
- 1- .المحاسن : ج 1 ص 111 ح 103 عن صفوان الجمال ، بحار الأنوار : ج 92 ص 234 ح 17 .
 - 2- .تفسير العياشي : ج 1 ص 19 ح 5 عن صفوان الجمال ، بحار الأنوار : ج 92 ص 236 ح 29 وراجع : السنن الكبرى : ج 2 ص 63 ح 2376 .

امام صادق علیه السلام: هیچ کتابی از آسمان نازل نشد، مگر آن که آغازش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بود.

امام صادق علیه السلام: خداوند، هیچ کتابی از آسمان فرو نفرستاد، مگر این که آغازش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بود و پایان یافتن هر سوره و آغاز شدن سوره ای دیگر، با نازل شدن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دانسته می شد.

سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله»

سخنی در باره آغاز شدن کتاب های آسمانی با «بسم الله» ظاهراً نباید تردید کرد که همه کتاب های آسمانی ، با نام خدا آغاز شده اند ؛ ولی آیا جمله «بسم الله» در آغاز کتاب های آسمانی ، با پسوند «الرحمن الرحيم» بوده یا نه؟ در این باره ، دو دسته حدیث ، نقل شده است : دسته اول ، احادیثی که تصریح می کنند همه کتاب های آسمانی ، با جمله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع شده اند ، مانند احادیثی که ملاحظه شد . دسته دوم ، احادیثی که تصریح می کنند آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، قبل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، بر هیچ پیامبری جز سلیمان علیه السلام ، نازل نشده است ؛ (1) مانند این حدیث نقل شده از امام علی علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ خَصَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَشَرَّفَهُ بِهَا وَلَمْ يُشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، يَحْكِي عَنْ بَلْقَيْسَ حِينَ قَالَتْ : «أَلْقَى إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (2) . (3)

-
- 1- الأُمالي ، صدوق : ص 241 ح 255 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 591 ح 353 ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 196 ح 625 ، سنن الدار قطنی : ج 1 ص 310 ح 29 ، فضائل القرآن ، ابو عبيد : ص 216 ، الدر المنثور : ج 1 ص 20 (به نقل از ابن مردويه و بیهقی در شعب الإيمان) .
 - 2- نمل : آیه 29 _ 30 .
 - 3- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 301 ح 60 ، الأُمالي ، صدوق : ص 240 ح 255 ، مجمع البيان : ج 1 ف ص 88 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 29 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 227 ح 5 .

خداوند، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به محمد صلی الله علیه و آله اختصاص داد و او را به آن، مفتخر ساخت و هیچ يك از پیامبرانش جز سلیمان علیه السلام را در آن، شریک او نکرد؛ چرا که به او نیز «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را عطا کرد، آن جا که به نقل از بلقیس می فرماید: «نامه ای ارجمند به من رسیده است. آن نامه از سلیمان است و [در] آن [آمده] است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». گفتنی است که از نظر سند، هر دو دسته از احادیث، ضعیف هستند؛ اما از نظر دلالت، می توان میان این دو دسته، بدین شکل جمع کرد که امام علیه السلام فرموده باشد: «أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نُزِّلَ مِنَ السَّمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ؛ آغاز هر کتابی که از آسمان نازل شده، بسم الله است»؛ ولی راوی پنداشته که مقصود امام، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است؛ اما با توجه به تعدد احادیث دسته اول، بعید به نظر می رسد که همه راویان، مرتکب چنین اشتباهی شده باشند. وجوه دیگری نیز برای جمع دلالتی این دو دسته روایت، گفته شده که از این وجه، ضعیف ترند.

2 / 3 أوّل ما نَزَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: كَانَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَاءَنِي بِالْوَحْيِ أَوَّلَ مَا يُلْقِي عَلَيَّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (1)

الدرّ المنثور عن ابن عباس: أوّل ما نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بِسْمِ اللَّهِ» يَا مُحَمَّدُ، يَقُولُ: إِقْرَأْ بِذِكْرِ اللَّهِ، وَ«اللَّهُ» ذُو الْأُلُوْهِيَّةِ وَالْمَعْبُوْدِيَّةِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، وَ«الرَّحْمَنُ» الْفَعْلَانِ مِنَ الرَّحْمَةِ، وَ«الرَّحِيمُ» الرَّفِيقُ الرَّفِيقُ بِمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْحَمَهُ، وَالْبَعِيدُ الشَّدِيدُ عَلَى مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُضْعِفَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ. (2)

2 / 4 أعظّم آية في كتاب الله عزّ وجلّ تفسير العياشي عن سليمان الجعفري: سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ آيَةٍ أَعْظَمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (3)

السنن الكبرى عن ابن عباس: إِنَّ الشَّيْطَانَ اسْتَرَقَ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ أَعْظَمَ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (4)

2 / 5 تيجان السُّورِ صحيح مسلم عن أنس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ...» (5)

-
- 1- سنن الدارقطني: ج 1 ص 305 ح 13 عن ابن عمر.
 - 2- الدرّ المنثور: ج 1 ص 23 نقلاً عن ابن جريج وابن أبي حاتم.
 - 3- تفسير العياشي: ج 1 ص 21 ح 14، بحار الأنوار: ج 92 ص 238 ح 37.
 - 4- السنن الكبرى: ج 2 ص 73 ح 2413.
 - 5- صحيح مسلم: ج 1 ص 300 ح 53، سنن النسائي: ج 2 ص 134، السنن الكبرى: ج 2 ص 64 ح 2380، كنز العمال: ج 14 ص 418 ح 39127؛ تفسير فوات: ص 610 ح 767.

2 / 3 نخستین چیزی که بر پیامبر صلی الله علیه وآله ، نازل شد

2 / 4 با عظمت ترین آیه در کتاب خدا

2 / 5 تاج سوره ها

2 / 3 نخستین چیزی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نازل شد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل علیه السلام هر گاه برایم وحی می آورد ، نخستین چیزی که بر من می افکند ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بود .

الدَّرِّ الْمُنْتَوِرِ_ به نقل از ابن عباس _ : نخستین بار که جبرئیل علیه السلام بر محمد صلی الله علیه و آله فرود آمد ، به او گفت : «بِسْمِ اللَّهِ» _ ای محمد _ ؛ یعنی : با نام خدا بخوان . «اللَّهُ» ، یعنی کسی که إله و معبود همه خلق است . «الرحمن» ، بر وزن «فَعْلَان» است ، [که] از رحمت [خدا به همگان ، سخن می گوید] ، و «الرحیم» ، یعنی نرم خو و مهربان است با کسی که دوست دارد به او رحم کند ، و دور و سختگیر است نسبت به کسی که دوست دارد عذابش را دوچندان سازد .

2 / 4 با عظمت ترین آیه در کتاب خدا تفسیر العیاشی _ به نقل از سلیمان جعفری _ : از ابو الحسن علیه السلام (1) سؤال شد : با عظمت ترین آیه در کتاب خدا ، کدام آیه است ؟ فرمود : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» .

السنن الکبری _ به نقل از ابن عباس _ : شیطان ، با عظمت ترین آیه قرآن را از اهل قرآن دزدید : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را .

2 / 5 تاج سوره ها صحیح مسلم _ به نقل از آنس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «لَئِذَا مَرَّ بِسُورَةِ الْبَقَرَةِ فَرَدَّهَا عَلَى مَنْ فِيهَا مِنْ أَهْلِهَا» ، خواند : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ...» .

1- در این جا ، منظور امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است .

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قرأ جبريل عليه السلام «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمْتُ أَنَّ السُّورَةَ قَدْ خُتِمَتْ . (1)

المعجم الكبير عن ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمَ أَنَّ السُّورَةَ قَدْ خُتِمَتْ ، وَاسْتَقْبَلَ الْآخَرَى . (2)

المستدرک على الصحيحين عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَعْلَمُ خَتَمَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزَلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)

المستدرک على الصحيحين عن ابن عباس: كَانَ الْمُسْلِمُونَ لَا يَعْلَمُونَ انْقِضَاءَ السُّورَةِ حَتَّى تَنْزَلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، فَإِذَا نَزَلَتْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» عَلِمُوا أَنَّ السُّورَةَ قَدْ انْقَضَتْ . (4)

أسباب نزول القرآن عن عبد الله بن مسعود: كُنَّا لَا نَعْلَمُ فَصْلَ مَا بَيْنَ السُّورَتَيْنِ حَتَّى تَنْزَلَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (5)

-
- 1- معجم السفر: ص 341 ح 1143 ، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 355 ح 844 نحوه وكلاهما عن ابن عباس .
 - 2- المعجم الكبير: ج 12 ص 64 ح 12545 ، مجمع الزوائد: ج 2 ص 282 ح 2634 نقلاً عن البزار نحوه .
 - 3- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 356 ح 845 ، سنن أبي داود: ج 1 ص 209 ح 788 ، السنن الكبرى: ج 2 ص 63 ح 2377 وفيهما «لا يعرف فصل» بدل «لا يعلم ختم» ، المعجم الكبير: ج 12 ص 64 ح 12544 ، أسباب النزول: ص 21 ح 16 .
 - 4- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 356 ح 846 ، السنن الكبرى: ج 2 ص 63 ح 2378 ، فضائل القرآن لأبي عبيد: ص 217 عن سعيد بن جبیر نحوه .
 - 5- أسباب النزول: ص 21 ح 17 ، الدر المنثور: ج 1 ص 20 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه جبرئیل علیه السلام «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می گفت، می فهمیدم که سوره [ی قبلی] پایان یافته است.

المعجم الكبير_ به نقل از ابن عباس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر گاه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بر او نازل می شد، در می یافت که سوره [ی قبلی]، پایان یافته و سوره دیگری آغاز شده است.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابن عباس _ : پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی به پایان یافتن سوره پی می برد که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» [دیگری] نازل می شد.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابن عباس _ : مسلمانان، پایان یافتن سوره [ها] را نمی دانستند تا آن که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد، و چون «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد، می فهمیدند که آن سوره به پایان رسیده است.

أسباب نزول القرآن_ به نقل از عبد الله بن مسعود _ : ما جدایی میان دو سوره را نمی دانستیم، مگر آن گاه که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نازل می شد.

أسباب نزول القرآن عن عبد الله بن عمر: نَزَلَتْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي كُلِّ سُورَةٍ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» تَبْجَانُ السُّورِ. (2)

6/2 مُفْتَتِحُ الصَّلَاةِ سَنَّ الترمذي عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَفْتَتِحُ صَلَاتَهُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (3)

الكشف والبيان عن أبي هريرة: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ، إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ يُصَلِّي، وَافْتَتَحَ الصَّلَاةَ وَتَعَوَّذَ، ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، فَسَمِعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَجُلُ! قَطَعْتَ عَلَى نَفْسِكَ الصَّلَاةَ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِنَ الْحَمْدِ؛ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ تَرَكَ آيَةً، وَمَنْ تَرَكَ آيَةً مِنْهُ فَقَدْ قَطَعْتَ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ؟! (4)

الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِي: كَيْفَ تَقْرَأُ إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ؟ قُلْتُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، قَالَ: قُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (5)

-
- 1- أسباب النزول: ص 21 ح 18 .
 - 2- نثر الدرّ: ج 1 ص 352 .
 - 3- سنن الترمذي: ج 2 ص 14 ح 245، سنن الدارقطني: ج 1 ص 304 ح 8 وص 305 ح 11، السنن الكبرى: ج 2 ص 70 ح 2403 كلاهما عن ابن عمر .
 - 4- الكشف والبيان (تفسير الثعلبي): ج 1 ص 104، الدرّ المنثور: ج 1 ص 21 وفيه «أفسد» بدل «قُطِعَتْ» .
 - 5- دعائم الإسلام: ج 1 ص 159 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 48 ح 42؛ سنن الدارقطني: ج 1 ص 302 ح 3 عن الحسين بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام وص 308 ح 22 عن الجهم بن عثمان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر .

2 / 6 آغاز نماز

أسباب نزول القرآن_ به نقل از عبد الله بن عمر_ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، با هر سوره ای نازل شده است .

امام صادق علیه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، تاج سوره هاست .

2 / 6 آغاز نماز سنن الترمذی_ به نقل از ابن عباس_ : پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز می کرد .

الكشف و البیان_ به نقل از ابو هریره_ : با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و ایشان برای یارانش سخن می گفت که مردی وارد شد و به نماز ایستاد و نمازش را آغاز کرد و استعاذه کرد («أعوذ بالله» گفت) و سپس گفت : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و فرمود : «ای مرد! نمازت را شکستی . مگر نمی دانی که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، جزء [سوره] حمد است و هر که آن را ترك کند ، در واقع ، آیه ای را ترك کرده است و هر کس آیه ای از حمد را ترك کند ، نمازش شکسته شده است؟!» .

امام باقر علیه السلام_ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود : «هر گاه به نماز می ایستی ، قرائتت را چگونه شروع می کنی ؟» . گفتم : [می گویم :] «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» . فرمود : «بگو : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قرأتم «الحمد لله» فاقروا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، إنها أم القرآن، وأم الكتاب، والسبع المثاني، و«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» إحداهما. (1)

عنه صلى الله عليه وآله - كان يقول - :«الحمد لله رب العالمين» سبع آيات، إحداهن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، وهي السبع المثاني والقرآن العظيم، وهي أم القرآن، وهي فاتحة الكتاب. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: من ترك «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فقد ترك آية من كتاب الله. (3)

سنن الدارقطني عن أبي هريرة: إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا قرأ وهو يؤم الناس، افتتح الصلاة ب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (4)

المستدرک علی الصحیحین عن أم سلمة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قرأ في الصلاة: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فعدها آية، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آيتين، «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ثلاث آيات، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» أربع آيات، وقال هكذا: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» وجمَعَ خَمْسَ أَصَابِعِهِ. (5)

1- سنن الدارقطني: ج 1 ص 312 ح 36، السنن الكبرى: ج 2 ص 67 ح 2390 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 437 ح 19665.

2- السنن الكبرى: ج 2 ص 67 ح 2389، مجمع الزوائد: ج 2 ص 282 ح 2635 نقلاً عن المعجم الأوسط وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 1 ص 560 ح 2519.

3- الكشف والبيان (تفسير الثعلبي): ج 1 ص 104 عن طلحة بن عبيدالله، الدر المنثور: ج 1 ص 21.

4- سنن الدارقطني: ج 1 ص 306 ح 17، السنن الكبرى: ج 2 ص 69 ح 2396 عن منصور بن أبي مزاحم عن جده.

5- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 356 ح 848، السنن الكبرى: ج 2 ص 66 ح 2385، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 248 ح 493 نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» را [در نماز] می خوانید، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را هم بخوانید. سوره حمد، اُمّ القرآن و اُمّ الكتاب (1) بوده، سَبْعِ مَثَانِي (2) است (هفت آیه دارد) و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، یکی از آن هفت تاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوره حمد، هفت آیه دارد. یکی از آنها «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است. این سوره، سَبْعِ مَثَانِي، قرآن عظیم، اُمّ القرآن و فاتحة الكتاب (3) است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را ترك گوید، آیه ای از کتاب خدا را ترك گفته است.

سنن الدار قُطْنِي_ به نقل از ابو هُرَيْرَةَ _ پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه با مردم نماز جماعت می خواند، قرائت نماز را با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز می کرد.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از اُمّ سلمه _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را خواند و آن را يك آیه شمرد، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را آیه دوم، «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را آیه سوم، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را آیه چهارم شَمْرَد و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را که گفت، پنج انگشتش را [به نشانه آیه پنجم] جمع کرد.

1- اُمّ الكتاب، یعنی: اُمّ القرآن، مادر قرآن، اصل قرآن.

2- سَبْعِ مَثَانِي، یعنی: هفت بند، هفت آیه، هفت ثنا.

3- فاتحة الكتاب، یعنی: سرآغاز قرآن.

الدر المنثور عن أم سلمة: قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»، وقال: هِيَ سَبْعٌ يَا أُمَّ سَلَمَةَ. (1)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ تَمَامُهَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2)

الإمام الحسين عليه السلام: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَخْبِرْنَا عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَهِيَ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقْرَأُهَا وَيَعُدُّهَا آيَةً مِنْهَا، وَيَقُولُ: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي. (3)

سنن الدار قطني عن عبد خير: سَمِعْتُ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ السَّبْعِ الْمَثَانِي، فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّمَا هِيَ سِتُّ آيَاتٍ! فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آيَةٌ. (4)

السنن الكبرى عن سعيد بن جبيرة: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ: «وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» قَالَ: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ. قِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ: فَأَيْنَ السَّبْعَةُ؟ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (5)

1- الدر المنثور: ج 1 ص 12 نقلاً عن ابن الأنباري في المصاحف.

2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 302 ح 60، الأمالي للصدوق: ص 240 ح 255 كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيّار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، جامع الأخبار: ص 122 ح 227 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مجمع البيان: ج 1 ص 88، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 29 ح 10 عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 48 ح 40 وج 92 ص 227 ح 5.

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 301 ح 59 عن محمد بن زياد ومحمد بن سيّار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للصدوق: ص 240 ح 254، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 59 ح 30، بحار الأنوار: ج 85 ص 60 ح 47 وج 92 ص 227 ح 3.

4- سنن الدارقطني: ج 1 ص 313 ح 40، السنن الكبرى: ج 2 ص 66 ح 2388، كنز العمال: ج 2 ص 296 ح 4048 وص 590 ح 4800.

5- السنن الكبرى: ج 2 ص 66 ح 2387 وزاد في آخره «وروي ذلك عن علي عليه السلام»، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 737 ح 2024، المصنّف لعبدالرزاق: ج 2 ص 94 ح 2629 عن عطاء نحوه.

الدرّ المنثور_ به نقل از امّ سلمه _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواند : « (به نام خداوند بخشنده مهربان . سپاس ، خدای را که پروردگار جهانیان است . بخشنده مهربان است . صاحب روز جزاست . تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم . ما را به راه راست ، راه نمایی کن . راه آنان که به ایشان نعمت دادی ، نه آنان که مورد خشم قرار گرفته اند و نه گم راهان») . سپس فرمود : « این ، شد هفت آیه ، ای امّ سلمه ! » .

امام علی علیه السلام : « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » ، آیه ای از فاتحة الكتاب است . فاتحة الكتاب ، هفت آیه دارد و « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » ، یکی از آنهاست .

امام حسین علیه السلام : به امیر مؤمنان علیه السلام گفته شد : ای امیر مؤمنان ! بفرما که آیا « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » ، جزء فاتحة الكتاب است ؟ فرمود : « آری . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، آن را [در قرائت نماز] می خواند و آیه ای از « حمد » به شمار می آورد و می فرمود : فاتحة الكتاب ، هفت آیه است » .

سنن الدار قُطنی_ به نقل از عبد الخیر _ : از علی علیه السلام در باره سَبْعِ مَثَانِی سؤال شد . فرمود : «سوره حمد است» . گفته شد : آن که شش آیه است! فرمود : « (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) هم آیه است» .

السنن الکبری_ به نقل از سعید بن جبیر _ : از ابن عباس در باره آیه «و هر آینه ، به تو ، آن هفت آیه را دادیم» ، نقل شده که گفت : مقصود ، فاتحة الكتاب است . به ابن عباس گفته شد : پس کو آیه هفتم؟! گفت : «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» است .

الكافي عن معاوية بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: نَعَمْ . قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَعَ السُّورَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ. (1)

1- الكافي: ج 3 ص 312 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 69 ح 251، الاستبصار: ج 1 ص 311 ح 1155.

الكافی_ به نقل از معاویة بن عمّار _ : به امام صادق علیه السلام گفتم : هر گاه به نماز می ایستم ، در سوره فاتحه قرآن (حمد) ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را هم بخوانم؟ فرمود : «آری» . گفتم : پس هر گاه سوره فاتحه را خواندم ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نیز با سوره بخوانم؟ فرمود : «آری» .

الفصل الثالث : مواضع البسملة 3 / 1 الكتابة الكتاب «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ . (2)

الدر المنثور عن الشعبي : كان أهل الجاهلية يكتبون «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» ، فَكَتَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوَّلَ مَا كَتَبَ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» ، حَتَّى نَزَلَتْ : «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا» (3) فَكَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ» . ثُمَّ نَزَلَتْ : «ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ» (4) فَكَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ» . ثُمَّ أُنزِلَتْ آيَةُ الَّتِي فِي طَس : «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَكَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (5)

1- النمل : 30 .

2- الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع : ج 1 ص 407 ح 547 عن فرات بن أحنف عن الإمام الباقر عليه السلام ، كنز العمال : ج 1 ص 555 ح 2490 .

3- هود : 41 .

4- الإسراء : 110 .

5- الدر المنثور : ج 6 ص 354 نقلاً عن عبد الرزاق وابن سعد وابن أبي شيبة وابن المنذر وابن أبي حاتم .

فصل سوم : جایگاه های ذکر (بسم الله)

3 / 1 نگارش

فصل سوم : جایگاه های ذکر (بسم الله) 3 / 1 نگارش قرآن «آن ، [نامه ای] از طرف سلیمان است و [مضمون] آن ، چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، سرآغاز هر کتابی است .

الدر المنثور به نقل از شَعْبِي _ : مردم عصر جاهلی می نوشتند : «به نام تو ، ای خداوند!» . پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در نخستین نوشته اش ، نگاشت : «به نام تو ، ای خداوند!» ، تا آن که آیه «رفتن و لنگر انداختنش ، به نام خداست» نازل شد . پس از آن ، پیامبر صلی الله علیه و آله می نوشت : «بسم الله» . سپس آیه «خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید» نازل شد . پس از آن ، پیامبر صلی الله علیه و آله می نوشت : «بسم الله الرحمن» . سپس آیه ای که در سوره نمل است ، نازل شد : «این ، [نامه ای] از طرف سلیمان است و [مضمون] آن چنین است : به نام خداوند بخشنده مهربان» . « پس از آن ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می نوشت : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» .

صحيح البخاري عن المسور بن مخرمة ومروان في ذكر خبر صلح الحديبية - جاء سهيل بن عمرو، فقال [للنبي صلى الله عليه وآله] : هات اكتب بيننا وبينكم كتابا، فدعا النبي صلى الله عليه وآله الكاتب، فقال النبي صلى الله عليه وآله : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». قَالَ سُهَيْلٌ : أَمَا الرَّحْمَنُ ، فَوَاللَّهِ مَا أُدْرِي مَا هُوَ؟! وَلَكِنْ اكْتُبْ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» كَمَا كُنْتَ تَكْتُبُ . فَقَالَ الْمُسْلِمُونَ : وَاللَّهِ لَا نَكْتُبُهَا إِلَّا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اُكْتُبْ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» . (1)

المراسيل عن أبي مالك : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَكْتُبُ «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ» ، فَلَمَّا نَزَلَتْ : «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» كَتَبَهَا . (2)

تحف العقول عن داود الصرمي : أَمَرَنِي سَيِّدِي [الإمام الهادي عليه السلام] بِحَوَائِجَ كَثِيرَةٍ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي : قُلْ ، كَيْفَ تَقُولُ؟ فَلَمْ أَحْفَظْ مِثْلَمَا قَالَ لِي ، فَمَدَّ الدَّوَاءَ وَكَتَبَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَذْكُرُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ، وَالْأَمْرُ بِيَدِ اللَّهِ» ، فَتَبَسَّمتُ . فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا لَكَ؟ قُلْتُ : خَيْرٌ . فَقَالَ : أَخْبِرْنِي؟ قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، ذَكَرْتُ حَدِيثًا حَدَّثَنِي بِهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ جَدِّكَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، إِذَا أَمَرَ بِحَاجَةٍ كَتَبَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَذْكُرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» فَتَبَسَّمتُ . (3)

-
- 1- صحيح البخاري : ج 2 ص 977 ح 2581 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 368 ح 18807 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 13 ح 13 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 187 ح 656 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 166 ح 2657 كلاهما عن عبد الله بن شداد نحوه .
 - 2- المراسيل : ص 86 ح 2 .
 - 3- تحف العقول : ص 483 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 50 ح 6 .

صحیح البخاری_ به نقل از مُسَوِّر بن مِخْرَمَه و مروان ، در نقل ماجرای صلح حُدَیبیَه _ :سهیل بن عمرو ، پیش آمد و [به پیامبر صلی الله علیه و آله] گفت : بیا تا میان خود و شما ، پیمانی بنویسیم . پیامبر صلی الله علیه و آله کاتب را فرا خواند و فرمود : «[بنویس :] «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . سهیل گفت : به خدا سوگند که من نمی دانم رحمان چیست ؛ بلکه همچنان که پیش تر می نوشتی ، بنویس : «به نام تو ، ای خداوند!» . مسلمانان گفتند : به خدا سوگند ، جز «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نمی نویسیم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «بنویس : به نام تو ، ای خداوند!» .

المراسیل_ به نقل از ابو مالک _ :پیامبر صلی الله علیه و آله [در مکتوباتش] می نوشت : «به نام تو ، ای خداوند!» ؛ اما چون این آیه نازل شد : «این ، [نامه ای] از طرف سلیمان است و [مضمون] آن ، چنین است : «به نام خداوند بخشنده مهربان» . پس از آن ، پیامبر صلی الله علیه و آله همین «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را می نوشت .

تحف العقول_ به نقل از داوود صَدْرَمی _ :سَدْرورم [امام هادی علیه السلام] دستوره‌ای بسیاری به من داد که انجام بدهم . سپس به من فرمود : «بگو که چه می گویی» . من ، عین آنچه را به من فرموده بود ، به یاد نداشتم . لذا دوات را برداشت و نوشت : «(به نام خداوند بخشنده مهربان» . به خواست خدا ، به یادم خواهد ماند ؛ و کارها در دست خداست» . من لبخندی زدم . ایشان فرمود : «چه شد؟» . گفتم : خیر است ! فرمود : «(به من بگو» . گفتم : فدایت شوم ! به یاد حدیثی افتادم که یکی از شیعیان ، از جدّ شما امام رضا علیه السلام برایم نقل کرد که هر گاه دستور کاری را می داد ، می نوشت : «(به نام خداوند بخشنده مهربان» . به خواست خدا ، یادم خواهد ماند» . پس لبخند زدم .

تحف العقول: كان [الإمام الرضا] عليه السلام إذا أراد أن يكتب تذكرات حوائجِه، كتب: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَذْكَرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»، ثُمَّ يَكْتُبُ مَا يُرِيدُ. (1)

كشف الغمّة: رُوِيَ عَن جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِمَوْلَاهُ نَافِذٍ: إِذَا كَتَبْتَ رُقْعَةً أَوْ كِتَابًا فِي حَاجَةٍ، فَأَرَدْتَ أَنْ تُنَجِّحَ حَاجَتَكَ الَّتِي تُرِيدُ، فَارْتَبِ رَأْسَ الرُّقْعَةِ بِقَلَمٍ غَيْرِ مَدِيدٍ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ الصَّابِرِينَ الْمَخْرَجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ، وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ، جَعَلْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». قَالَ نَافِذٌ: فَكُنْتُ أَفْعَلُ ذَلِكَ فَتُنَجِّحُ حَوَائِجِي. (2)

مستدرک الوسائل عن بعض الرواة من أصحابنا قال: من حقّ القلم على من أخذه، إذا كتب أن يبدأ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (3)

راجع: ص 312 (آداب البسملة / تجويد الكتابة).

3 / 2 الصَّبَاحُ وَالْمَسَاءُ رسول الله صلى الله عليه وآله من وصاياه لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ يَا عَلِيُّ، أَغْدُ بِسْمِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ بَارَكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ _ صَمَلَاوُثُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا _ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: «أَبْتَدِئُ يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نِسْيَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ»، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ الْعَبْدُ أَجْزَأَهُ مِمَّا نَسِيَ فِي يَوْمِهِ. (5)

1- تحف العقول: ص 443، بحار الأنوار: ج 78 ص 335 ح 12.

2- كشف الغمّة: ج 2 ص 374، بحار الأنوار: ج 76 ص 50 ح 8.

3- مستدرک الوسائل: ج 8 ص 434 ح 9918 نقلاً عن التنزيل والتحرير للسياري.

4- تاريخ بغداد: ج 3 ص 54 الرقم 997 عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، كنز العمال: ج 7 ص 815 ح 21537؛ الأمالي للطوسي: ص 136 ح 220 وفيه «على اسم الله» بدل «باسم الله»، جامع الأحاديث للقمي: ص 122 كلاهما عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني، كشف الغمّة: ج 3 ص 135 عن أحمد بن علي بن ثابت وكلها عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 78 ص 78 ح 50.

5- الكافي: ج 2 ص 523 ح 5 عن محمد بن مسلم، الأصول الستة عشر: ص 359 ح 601 عن محمد بن مسلم عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 288 ح 49.

3 / 2 بامداد و شامگاه

تحف العقول: [امام رضا علیه السلام] هر گاه می خواست کارهای خود را یادداشت کند ، می نوشت : «به نام خداوند بخشنده مهربان . به خواست خدا ، به یادم خواهد ماند» . سپس مطالب خود را می نوشت .

کشف الغمّة: روایت شده است که امام صادق علیه السلام به غلامش نافذ فرمود : «هر گاه کاغذی یا نامه ای برای حاجتی نوشتی و خواستی به حاجت خود برسی ، در بالای کاغذ ، با قلمی ناآغشته به مرگب بنویس : به نام خداوند بخشنده مهربان . خدا به شکیبایان وعده داده است که از آنچه ناخوش دارند ، نجات یابند و از جایی که گمان نمی کنند ، روزی داده شوند . خدا ، ما و شما را از آن کسانی قرار دهد که نه بیمی به آنان می رسد و نه اندوهگین می شوند » . نافذ می گوید : از آن پس ، من به این دستور ، عمل می کردم و حاجت هایم برآورده می شد .

مستدرک الوسائل_ به نقل از یکی از راویان شیعه _ یکی از حقوق قلم بر کسی که آن را به دست می گیرد ، این است که هر گاه چیزی می نویسد ، با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز کند .

ر . ک : ص 313 (آداب «بسم الله» / نیکو نوشتن «بسم الله») .

3 / 2 بامداد و شامگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در سفارش به علی علیه السلام _ ای علی ! بامدادان ، با نام خدا ، در پی کار خود بیرون شو ؛ زیرا خداوند برای امت من ، در بامدادانشان ، برکت نهاده است .

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: «أَبْتَدِئُ فِي يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَي نِسْبَانِي وَعَجَلْتِي بِاسْمِ اللَّهِ»، أَجْرَاهُ عَلَى مَا نَسِي مِنْ طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ .
(1)

عنه عليه السلام: لَا تَدَعُ أَنْ تَقُولَ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ» فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ إِصْرَافًا لِكُلِّ سُوءٍ . (2)

3 / 3 الخُرُوجُ مِنَ الْبَيْتِ وَالِدُخُولُ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ مِنْ بَيْتِهِ فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَهُ: سَلِمْتَ . فَإِذَا قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، قَالَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: كُفَيْتَ . فَإِذَا قَالَ: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لَهُ: وَقَيْتَ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ»، كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ، فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ»، وَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِكَ . وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»؛ فَإِذَا قَالَ ذَلِكَ فَرَّ الشَّيْطَانُ مِنْ مَنْزِلِهِ . (5)

1- دعائم الإسلام: ج 2 ص 118 ح 394، بحار الأنوار: ج 66 ص 384 ح 50 .

2- المقنع: ص 543، الدعوات: ص 85 ح 218، بحار الأنوار: ج 86 ص 283 ح 45 .

3- قرب الإسناد: ص 66 ح 211 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 168 ح 10 .

4- الكافي: ج 2 ص 541 ح 3، المحاسن: ج 2 ص 90 ح 1239، الأمان: ص 106 كلها عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 76 ص 240 ح 21 .

5- الأصول الستة عشر: ص 234 ح 273 عن جابر، مشكاة الأنوار: ص 341 ح 1093، جامع الأخبار: ص 231 ح 592 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 11 ح 46 .

3 / 3 هنگام خارج شدن از خانه یا وارد شدن به آن

امام صادق علیه السلام: علی بن الحسین - که دروذهای خدا بر آن دو باد - ، هر گاه صبح خود را آغاز می کرد ، می فرمود : « امروز خود را ، پیش از فراموش کردنم و شتاب ورزیدنم ، با نام خدا و به خواست خدا ، آغاز می کنم » . پس هر گاه بنده ای چنین کند ، او را از آنچه در آن روز فراموش کند ، بسنده باشد . (1)

امام صادق علیه السلام : هر کس هنگام صبح بگوید : « امروز خود را پیش از فراموشی و شتابکاری ام ، به نام خدا آغاز می کنم » ، همین ذکر ، او را برای آنچه [از ذکر بسم الله] که در هنگام خوردن یا نوشیدن فراموش کند ، کفایت می نماید .

امام صادق علیه السلام : گفتن ذکر «به نام خدا و به یاری خدا» را در هر بامداد و شامگاه ، ترك مکن ؛ زیرا این ذکر ، هر گونه بدی ای را می گرداند .

3 / 3 هنگام خارج شدن از خانه یا وارد شدن به آن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه شخص در هنگام خارج شدن از خانه اش بگوید : «به نام خدا» ، فرشتگان به او می گویند : به سلامت ! هر گاه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به [مدد] خداوند» ، فرشتگان به او می گویند : «خدا ، یارت باد!» و هر گاه بگوید : «به خدا توکل کردم» ، فرشتگان می گویند : «خدا ، نگهدارت باد!» .

امام باقر علیه السلام : هر کس در هنگام بیرون رفتن از خانه اش بگوید : «به نام خدا . خدا ، مرا بس است . به خدا توکل می کنم . بار خدایا! در همه کارهایم ، از تو خیر درخواست می کنم ، و از خواری در دنیا و عذاب آخرت ، به تو پناه می آورم» ، خداوند ، غم ها و نگرانی های دنیا و آخرت او را برطرف می سازد .

1- . یعنی : پیش از آن که دچار فراموشی شود و بدون بردن نام خدا به کاری مشغول شود ، در همان آغاز صبح ، بگوید : «با نام خدا و به خواست خدا!» . پس هر گاه این جمله را بگوید ، چنانچه در طول روز یادش برود که قبل از کاری «بسم الله» بگوید ، همان که در آغاز روز گفته است ، برایش کفایت می کند و جای گزین مواردی خواهد شد که فراموش می کند . م .

الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، لَا بِحَوْلِ مِنِّي وَلَا قُوَّتِي، بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ، فَاتْتَنِي بِهِ فِي عَاقِبَةِ (1).

راجع: نهج الذكر: ج 2 ص 88 (أهم مواضع الحوقلة / عند الخروج من البيت).

3 / 4 الوضوء رسول الله صلى الله عليه وآله من وصاياه لعلي عليه السلام: يَا عَلِيُّ، إِذَا تَوَضَّأْتَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ، وَتَمَامَ الصَّلَاةِ، وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ، وَتَمَامَ مَغْفِرَتِكَ»، فَهَذَا زَكَاةُ الْوُضُوءِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ قَالَ [الْعَبْدُ] فِي أَوَّلِ وُضُوءِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، طَهَّرَتْ أَعْضَاؤُهُ كُلُّهَا مِنَ الذُّنُوبِ. (3)

-
- 1- الكافي: ج 2 ص 542 ح 7، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 6 ح 11، المحاسن: ج 2 ص 91 ح 1241 كلها عن محمد بن سنان، بحار الأنوار: ج 76 ص 169 ح 13 وص 171 ح 21.
 - 2- جامع الأخبار: ص 165 ح 394، بحار الأنوار: ج 80 ص 317 ح 9.
 - 3- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 521، بحار الأنوار: ج 80 ص 316 ح 7.

3 / 4 هنگام وضو گرفتن

امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد خانه خویش شدی، بگو: «به نام خدا. گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست و محمد _ که درود خدا بر او و بر خاندانش باد _، فرستاده خداست» و بر خانواده خود نیز سلام کن، و اگر کسی در خانه نبود، بگو: «به نام خدا، و درود بر پیامبر خدا! درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا!». پس هر گاه کسی چنین بگوید، شیطان از خانه اش می‌گریزد.

امام رضا علیه السلام: پدرم [امام کاظم] علیه السلام هر گاه از خانه اش بیرون می‌آمد، می‌گفت: «به نام خداوند بخشنده مهربان». با توش و توان [از جانب] خدا بیرون می‌آیم، نه با توش و توانی از خویش، که با توش و توان تو _ ای پروردگار من _، در جستجوی روزی تو می‌روم. پس آن را با عافیت به من عطا فرما».

ر. ك: نهج الذکر (با ترجمه فارسی): ج 3 ص 149 (مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوة إلا بالله» / هنگام بیرون رفتن از خانه).

3 / 4 هنگام وضو گرفتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در سفارش به علی علیه السلام _: ای علی! هر گاه وضو می‌گیری، بگو: «به نام خدا. بار خدایا! از تو درخواست می‌کنم وضوی کامل و نماز کامل و خشنودی کامل و آمرزش کامل را»؛ زیرا این [ذکر]، زکات وضوست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه [بنده] در آغاز وضویش بگوید: «به نام خداوند بخشنده مهربان»، همه اعضایش از گناهان، پاک می‌شود.

الإمام علي عليه السلام: لا يتوضأ الرجل حتى يسمي؛ يقول قبل أن يمسه الماء: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْني مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْني مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ». (1)

الإمام الباقر عليه السلام: إذا قُمتَ بالليلِ من منامِكَ فقل: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبَدَهُ...». ثُمَّ اسْتَكَ وَتَوَضَّأَ، فَإِذَا وَضَعْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ، فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْني مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْني مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ». فَإِذَا فَرَّغْتَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ وَلَمْ يُسَمِّ، كَانَ لِلشَّيْطَانِ فِي وُضُوئِهِ شِرْكٌ، وَإِنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ، وَكُلُّ شَيْءٍ صَنَعَهُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُسَمَّى عَلَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ كَانَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكٌ. (3)

3 / 5 القِيَامُ إِلَى الصَّلَاةِ الإمام الباقر عليه السلام: إذا قُمتَ (4) إلى صَلَاتِكَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَإِلَى اللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْني مِنْ زُورِ بَيْتِكَ، وَعُمَارِ مَسَاجِدِكَ، وَافْتَحْ لِي بَابَ تَوْبَتِكَ، وَأَغْلِقْ عَنِّي بَابَ مَعْصِيَتِكَ وَكُلِّ مَعْصِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلْني مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ»، ثُمَّ افْتَحِ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ. (5)

-
- 1- الخصال: ص 628 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن: ج 1 ص 118 ح 120 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وليس فيه «باسم الله وبالله»، تحف العقول: ص 117، بحار الأنوار: ج 80 ص 314 ح 1.
 - 2- الكافي: ج 3 ص 445 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 123 ح 467 و ج 1 ص 76 ح 41 نحوه وكلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 87 ص 188 ح 5.
 - 3- المحاسن: ج 2 ص 211 ح 1629 عن الفضيل، بحار الأنوار: ج 63 ص 203 ح 27.
 - 4- أي إذا أردت القيام (مرآة العقول: ج 15 ص 403).
 - 5- الكافي: ج 3 ص 445 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 123 ح 467 كلاهما عن زرارة، دعائم الإسلام: ج 1 ص 167 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 377 ح 30.

3 / 5 هنگام ایستادن برای نماز

امام علی علیه السلام: انسان نباید بدون بردن نام خدا، وضو بگیرد. پیش از آن که دست به آب بزند، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا. بار خدایا! مرا از توبه کنندگان و از پاکیزه کاران قرار ده».

امام باقر علیه السلام: هر گاه شب [برای نماز] از خواب برخاستی، بگو: «سپاس، خداوند را که روح مرا به من، باز گرداند تا او را سپاس و عبادت کنم...». سپس مسواک بزن و وضو بگیر، و چون دستت را در آب گذاشتی، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا. بار خدایا! مرا از توبه کاران و از پاکیزه کاران، قرار ده». و چون وضویت را تمام کردی، بگو: «سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است».

امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما وضو بگیرد و نام خدا را نبرد، شیطان در وضوی او شریک می شود. هنگام خوردن یا آشامیدن یا پوشیدن و هر کار دیگری که انجام می دهد، باید نام خدا را ببرد؛ زیرا اگر چنین نکند، شیطان با او شریک می شود.

3 / 5 هنگام ایستادن برای نماز امام باقر علیه السلام: هر گاه به نماز ایستادی، بگو: «به نام خدا و به [یاری] خدا، و به سوی خدا و از جانب خدا. آنچه خدا بخواهد [، خواهد شد]. هیچ توش و توانی نیست، مگر به [مدد] خدا. بار خدایا! مرا از زیارت کنندگان خانه ات و آباد کنندگان مسجدهایت قرار ده و در توبه ات را برایم بگشای، و در نافرمانی ات و هر نوع گناه و نافرمانی را بر من ببند. سپاس، خدای را که مرا از مناجات کنندگانش قرار داد. بار خدایا! با وجه خودت، به من رو کن. بزرگ است ثنای تو!». سپس نماز را با تکبیر (گفتن «الله أكبر») آغاز کن.

3 / 6 دُخُولِ الْمَسْجِدِ وَالْخُرُوجِ مِنْهَا طَمَاطِمَةٌ عَلَيْهَا السَّلَامُ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ : «بِسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْ ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» ، وَإِذَا خَرَجَ يَقُولُ : «بِسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» . (1)

عنها عليها السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ : «بِسْمِ اللَّهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» ، وَإِذَا خَرَجَ قَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» . (2)

المصنّف لعبد الرزّاق عن المطّلب بن عبد الله بن حنطب : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ : بِسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ ، وَسَهِّلْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ . (3)

1- دلائل الإمامة : ص 75 ح 14 عن فاطمة الصغرى عن الإمام الحسين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 23 ح 14 وفيه «اللهم صلّ على محمد وآل محمد» في كلا الموضعين .

2- سنن ابن ماجه : ج 1 ص 253 ح 771 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 159 ح 26479 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 1 ص 373 ح 1 وج 7 ص 123 ح 1 ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 167 ح 6721 كلّها عن عبد الله بن الحسن عن أمه فاطمة بنت الحسين عليه السلام ، كنز العمال : ج 8 ص 321 ح 23109 .

3- المصنّف لعبد الرزّاق : ج 1 ص 426 ح 1666 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 1 ص 373 ح 2 وج 7 ص 123 ح 2 وليس فيهما «باسم الله» .

3 / 6 هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن

3 / 6 هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آنفاطمه علیهاالسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مسجد می شد، می گفت: «به نام خدا. بار خدایا! بر محمد، درود فرست، گناهانم را بیامرز و درهای رحمت را به رویم بگشای». و هر گاه از مسجد بیرون می آمد، می گفت: «به نام خدا. بار خدایا! بر محمد، درود فرست، گناهانم را بیامرز و درهای بخششت را بر من بگشای».

فاطمه علیهاالسلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر گاه وارد مسجد می شد، می گفت: «به نام خدا. سلام بر پیامبر خدا! بار خدایا! گناهانم را بیامرز و درهای رحمت را برای من بگشای». و هر گاه از مسجد بیرون می آمد، می گفت: «به نام خدا. سلام بر پیامبر خدا. بار خدایا! گناهانم را بیامرز و درهای بخششت را برایم بگشای».

المصنّف، عبد الرزّاق_ به نقل از عبد المطلب بن عبد الله بن حنطب _: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر گاه وارد مسجد می شد، می گفت: «به نام خدا. بار خدایا! درهای رحمت را بر من بگشای و راه های روزی ات را برایم آسان گردان».

جامع الأخبار: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى وَيَقُولُ : «بِسْمِ اللَّهِ ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ، وَإِذَا خَرَجَ ، يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَيَقُولُ : «بِسْمِ اللَّهِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» . (1)

الإمام عليّ عليه السلام_ أَنَّهُ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ _ :بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ . (2)

تهذيب الأحكام عن سماعة : إِذَا دَخَلَتِ الْمَسْجِدَ فَقُلْ : «بِسْمِ اللَّهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» ، وَإِذَا خَرَجْتَ فَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ . (3)

3 / 7 الذَّبْحُ لِكِتَابِ «فَكُلُّوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ» . (4)

الحديثا لإمام عليّ عليه السلام : إِذَا ذَبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ : بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ . (5)

-
- 1- . جامع الأخبار : ص 175 ح 417 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 26 ح 19 .
 - 2- . مسند زيد : ص 154 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 150 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 23 ح 12 .
 - 3- . تهذيب الأحكام : ج 3 ص 263 ح 744 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 21 ح 8 .
 - 4- . الأنعام : 118 .
 - 5- . دعائم الإسلام : ج 2 ص 174 ح 627 ، بحار الأنوار : ج 65 ص 328 ح 41 .

3 / 7 هنگام ذبح حیوان

جامع الأخبار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر گاه وارد مسجد می شد، ابتدا پای راستش را داخل می گذاشت و می گفت: «به نام خدا. به خدا توکل کردم. نیرو و توانی نیست، مگر به [مدد] خدا». و هر گاه از مسجد بیرون می آمد، نخست پای چپش را بیرون می گذاشت و می گفت: «به نام خدا. به خدا پناه می برم از شیطان رانده شده».

امام علی علیه السلام در ذکر هنگام ورود به مسجد _ به نام خدا و به یاری خدا. سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پیامبر! سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا!

تهذیب الأحکام به نقل از سماعه _ هر گاه وارد مسجد شدی، بگو: «به نام خدا. سلام بر پیامبر خدا! خدا و فرشتگانش بر محمد و خاندان محمد، درود می فرستند. درود و رحمت و برکات خدا، بر ایشان باد. پروردگارا! گناهان مرا بیامرز و درهای بخشش را بر من بگشای». در هنگام خارج شدن نیز همین را بگو.

3 / 7 هنگام ذبح حیوانقرآن «پس اگر به آیات او ایمان دارید، از آنچه نام خدا [به هنگام ذبح] بر آن برده شده است، بخورید».

حدیثامام علی علیه السلام: هر گاه یکی از شما [حیوانی را] ذبح می کند، بگوید: «به نام خدا. خدا، بزرگ تر است [از آنچه وصف می شود]». .

3 / 18 الأكل والشرب رسول الله صلى الله عليه وآله من وصاياه لعلي عليه السلام - يا علي، إذا أكلت فقل: «بِسْمِ اللَّهِ»، وإذا فرغت فقل: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ فَإِنَّ حَافِظِيكَ لَا يَبْرَحَانِ يَكْتَبَانِ لَكَ الْحَسَنَاتِ حَتَّى تُبْعِدَهُ عَنْكَ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ الْفَاكِهَةَ وَبَدَأَ بِبِسْمِ اللَّهِ لَمْ تَضُرَّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: زَيَّنُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبَقْلِ؛ فَإِنَّهَا مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ مَعَ التَّسْمِيَةِ . (3)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا فَسَمَّى اللَّهَ عَلَى أَوَّلِهِ، وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَى آخِرِهِ، لَمْ يُسَأَلْ عَنِ نَعِيمِ ذَلِكَ الطَّعَامِ كَائِنًا مَا كَانَ . (4)

الكافي عن داود بن فرقد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ أَسْمِي عَلَى الطَّعَامِ؟ فَقَالَ: إِذَا اخْتَلَفَتِ الْآيَةُ، فَسَمِّ عَلَى كُلِّ إِنَاءٍ. قُلْتُ: فَإِنْ نَسِيْتُ أَنْ أَسْمِيَ؟ قَالَ: تَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ . (5)

1- المحاسن: ج 2 ص 210 ح 1626 عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 371 ح 12 .

2- بحار الأنوار: ج 66 ص 119 ح 10 نقلاً عن مكارم الأخلاق: ج 1 ص 368 ح 1213 عن ابن عباس وقد سقطت لفظة «باسم الله» من النسخة المطبوعة التي عندنا .

3- طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 30، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 382 ح 1279، بحار الأنوار: ج 92 ص 300؛ الفردوس: ج 2 ص 292 ح 3333 عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 15 ص 246 ح 40781 .

4- قرب الإسناد: ص 90 ح 302 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الكافي: ج 6 ص 294 ح 14 عن عبد الرحمن العزمي عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 368 ح 2 .

5- الكافي: ج 6 ص 295 ح 20، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 99 ح 431، المحاسن: ج 2 ص 220 ح 1662، بحار الأنوار: ج 66 ص 379 ح 44 .

3 / 8 هنگام خوردن و آشامیدن

3 / 8 هنگام خوردن و آشامیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه شروع به خوردن می کنی، بگو: «به نام خدا»، و چون تمام کردی، بگو: «سپاس، خدای را»؛ زیرا [اگر چنین کنی]، دو [فرشته] نگهبان تو، تا وقتی آن غذا را از خودت دفع کنی، پیوسته برایت ثواب می نویسند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس میوه ای بخورد و به نام خدا شروع کند، آن میوه به او زیان نمی رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سفره هایتان را با سبزی بیارید؛ زیرا [خوردن] سبزی ها همراه با بردن نام خدا، شیاطین را دور می کنند.

امام علی علیه السلام: هر کس غذایی بخورد و در آغاز آن، نام خدا را ببرد و در پایش، خدا را سپاس بگوید، در باره نعمت آن غذا - هر چه باشد -، بازخواست نخواهد شد.

الکافی - به نقل از داوود بن فرقان - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: هنگام غذا خوردن، چگونه «بسم الله» بگوییم؟ فرمود: «اگر ظرف ها متعدد بود، برای هر ظرف غذایی، بسم الله بگو». گفتم: اگر فراموش کردم که «بسم الله» بگوییم، چه؟ فرمود: «می گویی: به نام خدا، برای آغاز و پایان این [غذا]».

مكارم الأخلاق: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا شرب بدأ فسمي وحسا حسوة وحسوتين، ثم يقطع فيحمد الله، ثم يعود فيسمي، ثم يزيد في الثالثة، ثم يقطع فيحمد الله، فكان له صلى الله عليه وآله في شربه ثلاث تسميات وثلاث تحميدات، ويمض الماء مضا ولا يعبه عبا (1). (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا شرب أحدكم الماء فقال: «بِسْمِ اللَّهِ» ثم شرب، ثم قطع فقال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، ثم شرب فقال: «بِسْمِ اللَّهِ»، ثم قطع فقال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، ثم شرب فقال: «بِسْمِ اللَّهِ»، ثم قطع فقال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ سبغ ذلك الماء له مادام في بطنه إلى أن يخرج (3).

عنه عليه السلام: إن الرجل منكم ليشرب الشربة من الماء فيوجب الله له بها الجنة! _ ثم قال: _ إنه ليأخذ الإناء فيضعه على فيه فيسمي ثم يشرب، فينحيه وهو يشتهي، فيحمد الله، ثم يعود فيشرب، ثم ينحيه فيحمد الله، ثم يعود فيشرب، ثم ينحيه فيحمد الله؛ فيوجب الله عز وجل بها له الجنة (4).

راجع: ص 282 ح 125.

3 / 9 التورموسول الله صلى الله عليه وآله: إذا قال العبد عند منامه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، يقول الله: ملائكتي! أكتبوا بالחסنات نفسه إلى الصباح (5).

1- العب: شرب الماء من غير مص، وقيل: أن يشرب الماء دغرة؛ أي أن يصب الماء مرة واحدة، وقيل: العب الجرع (لسان العرب: ج 1 ص 572 «عب»).

2- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 76 ح 113، بحار الأنوار: ج 66 ص 472 ح 54.

3- الكافي: ج 6 ص 384 ح 3، المحاسن: ج 2 ص 406 ح 2422 كلاهما عن عمر (عمرو) بن يزيد، بحار الأنوار: ج 66 ص 469 ح 38.

4- الكافي: ج 2 ص 96 ح 16 عن أبي بصير، معاني الأخبار: ص 385 ح 17، المحاسن: ج 2 ص 406 ح 2421 كلاهما عن عبد الله بن سنان نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 463 ح 15.

5- جامع الأخبار: ص 120 ح 218، بحار الأنوار: ج 92 ص 258 ح 52.

3 / 9 هنگام خوابیدن

مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام آشامیدن، نخست نام خدا را می گفت و یکی دو جرعه می نوشید. سپس، [نوشیدن را] قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت. آن گاه، دوباره نام خدا را می برد و در مرتبه سوم، بیشتر می نوشید. سپس [نوشیدن را] قطع می کرد و خدا را سپاس می گفت. ایشان، در هنگام آشامیدنش، سه بار «بسم الله» و سه بار «الحمد لله» می گفت. آب را جرعه جرعه می آشامید و یکباره، سر نمی کشید.

امام صادق علیه السلام: هر گاه فردی از شما خواست که آب بنوشد، بگوید: «به نام خدا» و سپس بیاشامد. آن گاه، قطع کند و بگوید: «سپاس، خدای را». سپس بیاشامد و بگوید: «به نام خدا». آن گاه، قطع کند و بگوید: «سپاس، خدای را». [اگر چنین کند، آن آب از زمانی که در شکم او جای می گیرد، تا زمانی که دفع شود، تسبیح [خدا] می گوید.

امام صادق علیه السلام: گاه، مردی از شما جرعه ای آب می نوشد و خداوند، بدان سبب، بهشت را بر او واجب می گرداند! ... [بدین سان که] ظرف را بر می دارد و بر دهانش می گذارد و نام خدا را می برد و آن گاه می آشامد. سپس آن را از دهانش دور می کند. با آن که هنوز آب میل دارد. و خدا را سپاس می گوید. سپس دوباره شروع به آشامیدن می کند و باز، ظرف را از دهانش دور می کند و خدا را سپاس می گوید. آن گاه، سه باره شروع به آشامیدن می کند و باز، ظرف را از دهانش دور می کند و خدا را سپاس می گوید. پس خداوند عز و جل به سبب این کارش، بهشت را بر او واجب می گرداند.

ر. ك: ص 283 ح 125.

3 / 9 هنگام خوابیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده در هنگام خوابیدن بگوید: «به نام خداوند بخشنده مهربان»، خداوند می فرماید: «فرشتگان من! نفس های او را تا صبح، ثواب بنویسید».

عنه صلى الله عليه وآله - كان يقول عند منامه - : بِسْمِ اللَّهِ أَمُوتُ وَأَحْيَا وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ، اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي ، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي ، وَأَدِّ عَنِّي أَمَانَتِي . (1)

الإمام علي عليه السلام : إذا أراد أحدكم النوم فليضع يده اليمنى تحت خده الأيمن ، وليقل : «بِسْمِ اللَّهِ ، وَضَعْتُ جَنبِي لِلَّهِ ، عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ» ، فَمَنْ قَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مَنْامِهِ حَفِظَ مِنَ اللَّصِّ ، وَالْمُغِيرِ ، وَالْهَدْمِ ، وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام : إذا توسّد الرجل يمينه ، فليقل : «بِسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ ، وَالْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ ، تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ ، أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ ، وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ» ، ثُمَّ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ . (3)

10/3 اللُّبْسُ الإِمام الباقر عليه السلام - حين سئل عن الرجل يلبس الثوب الجديد - يقول : بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقْوَى وَبِرَكَّةٍ ، اللَّهُمَّ ارزُقني فيه حُسنَ عِبَادَتِكَ ، وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ ، وَأَدَاءً شَدِيدًا لِحَقِّ نِعْمَتِكَ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي ، وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ . (4)

1- مكارم الأخلاق : ج 1 ص 93 ح 175 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 202 ح 19 .

2- النخصال : ص 631 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 120 وزاد في ذيله «حتى ينتبه» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 191 ح 1 .

3- تهذيب الأحكام : ج 2 ص 116 ح 435 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 469 ح 1351 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 43 ح 2097 كلها عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 76 ص 195 ح 12 .

4- مكارم الأخلاق : ج 1 ص 222 ح 654 ، الكافي : ج 6 ص 458 ح 1 عن محمد بن مسلم وليس فيه «باسم الله وبالله» .

3 / 10 هنگام پوشیدن جامه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ذکر هنگام خوابیدن _ به نام خدا می میرم و زندگی می کنم ، و حرکت ، به سوی خداست. بار خدایا ! ترس مرا به آرامش ، تبدیل فرما و عیبم را بپوشان و امانتم را از طرف من بپرداز .

امام علی علیه السلام : هر گاه یکی از شما خواست که بخوابد ، دست راستش را زیر گونه راستش بگذارد و بگوید : «به نام خدا . پهلویم را برای خدا [بر زمین] نهادم ، در حالی که بر آیین ابراهیم و دین محمد و دوستی [و پیروی] کسی هستم که خداوند ، فرمانبری از او را واجب گردانیده است . آنچه خدا بخواهد ، همان می شود و آنچه نخواهد ، نمی شود» . هر کس این [دعاها] را در هنگام خوابش بگوید ، از دزد و غارت و زیر آوار رفتن ، محفوظ می ماند و فرشتگان ، برایش آمرزش می طلبند .

امام باقر علیه السلام : هر گاه کسی گونه راست خود را بر بالین نهاد ، بگوید : «به نام خدا . بار خدایا ! خودم را تسلیم تو کردم و رو به سوی تو نمودم . کارم را به تو وا نهادم و تو را پشت و پناهم قرار دادم و از سر بیم و امید به تو ، بر تو توکل کردم . هیچ پناهی و گریزی از تو نیست ، مگر به سوی خود تو . به کتابت که آن را نازل کردی و به پیامبرت که او را فرستادی ، ایمان آوردم» . سپس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید .

3 / 10 هنگام پوشیدن جامه امام باقر علیه السلام در پاسخ سؤال در باره کسی که جامه نو می پوشد _ بگوید : «به نام خدا و به یاری خدا . بار خدایا ! این جامه را جامه برکت و پرهیزگاری و برکت ، قرار ده . بار خدایا ! در این جامه ، حُسن عبادت و به کار بستن طاعت و گزاردن شکر نعمت را روزی من فرما . سپاس ، خدای را که بر من چیزی پوشاند که با آن ، برهنگی ام را بپوشانم و بدان در میان مردم ، آراسته گردم» .

3 / 11 التَّخْلِيرُ سَوَّلَ اللّٰهُ صَلىَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا انْكَشَفَ أَحَدُكُمْ لِيَوْمٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ ، فَلْيَقُلْ : «بِسْمِ اللّٰهِ» ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَعْصُ بَصَرَهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَخْرَجَ فَقُلْ : بِسْمِ اللّٰهِ ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُنْخَبِثِ ، الرَّجْسِ النَّجِسِ ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (2)

فلاح السائل عن أبي خديجة: إِنَّ عَمْرَو بْنَ عُبَيْدٍ ، وَوَصِلَ بْنَ عَطَاءٍ ، وَبَشِيرًا الرَّحَّالَ سَأَلُوا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ حَدِّ الْخَلَاءِ إِذَا دَخَلَهُ الرَّجُلُ ، فَقَالَ : إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ قَالَ : «بِسْمِ اللّٰهِ» ، فَإِذَا جَلَسَ يَقْضِي حَاجَتَهُ قَالَ : «اللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْأَذَى ، وَهَنْتَنِي طَعَامِي» ، فَإِذَا قَضَى حَاجَتَهُ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى ، وَهَتَّأَنِي طَعَامِي» . (3)

-
- 1- تهذيب الأحكام : ج 1 ص 353 ح 1047 عن محمد بن الحسين عن الحسن بن عليّ عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 25 ح 43 عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 30 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، وفيهما بزيادة «عنه حتى يفرغ» ، بحار الأنوار : ج 80 ص 176 ح 22 .
 - 2- الكافي : ج 3 ص 16 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 1 ص 25 ح 63 كلاهما عن معاوية بن عمّار ، فلاح السائل : ص 118 ح 54 عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 80 ص 179 ح 27 .
 - 3- فلاح السائل : ص 119 ح 56 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 179 ح 28 .

3 / 11 هنگام قضای حاجت

3 / 11 هنگام قضای حاجت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما برای ادرار کردن یا کار دیگری، کشفِ عورت کرد، بگوید: «به نام خدا». در این صورت، شیطان، چشم خود را می بندد.

امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد آبریزگاه شدی، بگو: «به نام خدا. بار خدایا! از آن ناپاکِ ناپاکِ کننده، پلیدِ آلوده و شیطانِ رانده شده، به تو پناه می برم».

فلاح السائل— به نقل از ابو خدیجه — عمرو بن عبید و واصل بن عطا و بشیر رَحَّال، از امام صادق علیه السلام در باره آداب وارد شدن به آبریزگاه پرسیدند. فرمود: «هر گاه شخص وارد آبریزگاه شد، بگوید: به نام خدا، و چون برای قضای حاجت نشست، بگوید: بار خدایا! ناراحتی را از من ببر و غذایی را که خورده ام، گوارایم ساز، و چون قضای حاجت کرد، بگوید: سپاس، خدای را که ناراحتی را از من، دور ساخت و غذایی را که خورده ام، گوارایم ساخت».

3 / 12 الجَمَاعُرسول اللّٰه صلى الله عليه وآله من وصاياه لِعَلِّيِّ عليه السلام _ يا عَلِيُّ ، إذا جَامَعْتَ فَقُلْ : «بِسْمِ اللّٰهِ ، اللّٰهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي» ، فَإِنْ فَضِيَ أَنْ يَكُونَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ ، لَمْ يَضُرَّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا أرادَ الرَّجُلُ أَنْ يُجَامِعَ أَهْلَهُ ، فَلْيَسِّمِ اللّٰهَ وَيَدْعُوهُ بِمَا قَدَرَ عَلَيْهِ ... (2)

تفسير العياشي عن سليمان الجعفري: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ أَهْلُهُ فَلْيَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُلَاطِفَةً ؛ فَإِنَّهُ أَبْرُّ (3) لِقَلْبِهَا ، وَأَسَلُّ (4) لِسَخِيمَتِهَا (5) ، فَإِذَا أَفْضَى إِلَى حَاجَتِهِ قَالَ : «بِسْمِ اللّٰهِ» ثَلَاثًا ، فَإِنْ قَدَرَ أَنْ يَقْرَأَ أَيَّ آيَةٍ حَضَرَتْهُ مِنَ الْقُرْآنِ فَعَلْ ، وَإِلَّا قَدْ كَفَّتْهُ التَّسْمِيَةُ . (6)

3 / 13 أَخَذَ الشَّارِبُ بِالإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَخَذَ مِنْ أَظْفَارِهِ وَشَارِبِهِ كُلِّ جُمُعَةٍ وَقَالَ حِينَ يَأْخُذُ : «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ ، وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» ، لَمْ يَسْقُطْ مِنْهُ قَلَامَةٌ وَلَا جُرْازَةٌ (7) إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِتْقَ نَسَمَةٍ . (8)

- 1- تحف العقول : ص 12 ، الكافي : ج 5 ص 503 ح 3 عن أبي القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 66 ح 5 ؛ صحيح البخاري : ج 3 ص 1193 ح 3098 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 1058 ح 116 ، سنن الترمذي : ج 3 ص 401 ح 1092 كلّها عن ابن عبّاس نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 345 ح 44847 .
- 2- دعائم الإسلام : ج 2 ص 211 ح 774 .
- 3- في تفسير البرهان : ج 1 ص 99 ح 246 «ألين» .
- 4- السِّلُّ : انتزاعك الشيء وإخراجه في رفق (القاموس المحيط : ج 3 ص 396 «سلل») .
- 5- السَّخِيمَةُ : الحِقْدُ (النهاية : ج 2 ص 351 «سخم») .
- 6- تفسير العياشي : ج 1 ص 21 ح 14 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 238 ح 37 .
- 7- جَزَّ الصُّوفَ وَالشَّعَرَ : قَطَعَهُ . وَالْجُرْازَةُ : مَا جُرِّ مِنْهُ (لسان العرب : ج 5 ص 319 و 320 «جزز») .
- 8- الكافي : ج 6 ص 491 ح 9 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 237 ح 627 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 126 ح 303 كلّها عن عبد الرحيم القصير ، الخصال : ص 391 ح 87 عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 153 ح 403 وفي الثلاثة الأخيرة «على سنة محمد وآل محمد» .

3 / 12 هنگام هم بستر شدن**3 / 13 هنگام کوتاه کردن سیل**

3 / 12 هنگام هم بستر شدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه هم بستر شدی، بگو: «به نام خدا. بار خدایا! ما را از شیطان، دور بدار و شیطان را از آنچه روزی من کرده ای، دور بدار». پس اگر مقدر شد که از شما فرزندی به دنیا آید، هرگز شیطان به او گزند نمی رساند.

امام صادق علیه السلام: هر گاه مرد خواست با همسرش نزدیکی کند، نام خدا را ببرد و هر دعایی را که توانست، بخواند.

تفسیر العیاشی - به نقل از سلیمان جعفری - از ابو الحسن علیه السلام (1) شنیدم که می فرماید: «هر گاه یکی از شما خواست با همسرش هم بستر شود، نخست نوازش کند؛ زیرا این کار، در به دست آوردن دل او و از بین بردن تکدر خاطرش، بیشترین تأثیر را دارد. و چون کارش را انجام داد، سه بار بگوید: به نام خدا، و اگر توانست آیاتی از قرآن را که به ذهنش می رسد، بخواند، این کار را بکند و اگر نتوانست، همان بردن نام خدا برایش کافی است».

3 / 13 هنگام کوتاه کردن سیل امام باقر علیه السلام: هر کس هر جمعه، ناخن ها و سیلش را بگیرد و هنگام گرفتن آنها بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا و بر سنت محمد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله»، هیچ چیده ناخن یا مویی از او بر زمین نمی افتد، مگر آن که خداوند به ازای آن، [ثواب] آزاد کردن يك برده را برایش می نویسد.

1- در این جا مقصود، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است.

مكارم الأخلاق: إذا أخذ الشارب يقول (1): بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (2)

3 / 14 الرُّكُوبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ قَالَ إِذَا رَكِبَ الدَّابَّةَ: بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تَتَّكُمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (3) و«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» (4)؛ حَفِظْتَ لَهُ نَفْسَهُ وَدَابَّتَهُ حَتَّى يَنْزَلَ . (5)

الأمالي عن علي بن ربيعة الأسدي: رَكِبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرَّكَابِ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، فَلَمَّا اسْتَوَى عَلَى الدَّابَّةِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا وَحَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ، وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا»، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» . (6)

1- في هامش المصدر: «كذا ورد الحديث، وهو مبتور...».

2- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 157 ح 423، بحار الأنوار: ج 76 ص 112 ح 14 .

3- الأعراف: 43 .

4- الزخرف: 13. ومقرنين: أي مطيقين، من أقرن له: إذا أطاقه (مجمع البحرين: ج 3 ص 1472 «قرن»).

5- الكافي: ج 6 ص 540 ح 17، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 165 ح 309، ثواب الأعمال: ص 228 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 470 ح 2631 كلها عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 296 ح 25 .

6- الأمالي للطوسي: ص 515 ح 1126، بحار الأنوار: ج 76 ص 295 ح 23 .

3 / 14 هنگام نشستن بر مرکب

مکارم الأخلاق: [مرد،] هنگام کوتاه کردن سبیل، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا و بر آیین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله» .

3 / 14 هنگام نشستن بر مرکب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگام سوار شدن بر مرکب، بگوید: «به نام خدا . هیچ توش و توانی نیست، مگر به [مدد] خدا . «خدا را سپاس که ما را به این [مسیر]، ره نمون شد، و اگر خدا ما را راه نمایی نمی کرد، ما خود، هدایت نمی یافتیم . در حقیقت، فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند . و به آنان، ندا داده می شود که: این، همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید، میراث یافته اید» و «منزه است خدایی که این [مرکب] را رام ما ساخت و ما بر آن، توانا نبودیم» ، خودش و چارپایش، تا زمانی که پیاده شود، در امان خواهند بود .

الأمالی، طوسی_ به نقل از علی بن ربیعہ اسدی _ : امام علی علیه السلام بر مرکب نشست . چون پایش را در رکاب نهاد، گفت: «به نام خدا»، و چون روی مرکب قرار گرفت، گفت: «سپاس، خدای را که گرامی مان بداشت و در خشکی و آب، ما را حمل کرد و از خوراکی های پاکیزه، روزی مان داد و ما را بر بسیاری از آفریدگانش، بسی برتری داد . «منزه است خدایی که این [مرکب] را رام ما ساخت و ما بر آن، توانا نبودیم» .

الأمان عن صفوان الجمال: إنَّه [أي الصادق] عليه السلام لَمَّا رَكِبَ الْجَمَلَ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ». (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ ... فَإِذَا جَعَلْتَ رِجْلَكَ فِي الرِّكَابِ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ... (2)

3 / 15 السَّفَرُ المزار الكبير_ في ذِكْرِ مَا يُقَالُ عِنْدَ الْخُرُوجِ لِلسَّفَرِ _ وَتَقُولُ أَيْضًا مَا رُوِيَ عَنِ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: جَاءَنِي جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: رَبُّكَ يَقْرَأُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِكَ أَنْ أَحْفَظَهُ فِي سَفَرِهِ، وَأُوَدِّيَهُ سَالِمًا، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ... فَإِذَا وَصَّعْتَ رِجْلَكَ عَلَى بَابِكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله_ كَانَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الْغَرَزِ (4) وَهُوَ يُرِيدُ السَّفَرَ يَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ ازْوِلْنَا الْأَرْضَ، وَهَوِّنْ عَلَيْنَا السَّفَرَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ (5)، وَمِنْ كَاتِبَةِ الْمُتَقَلِّبِ، وَمِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ. (6)

- 1- الأمان: ص 109، بحار الأنوار: ج 76 ص 298 ح 34.
- 2- الكافي: ج 4 ص 284 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 50 ح 154 كلاهما عن معاوية بن عمار.
- 3- المزار الكبير: ص 49، المزار للمفيد: ص 62 وفيه من «فإذا وضعت...»، بحار الأنوار: ج 76 ص 263 ح 57.
- 4- الغرز: ركاب الرحل (لسان العرب: ج 5 ص 386 «غرز»).
- 5- وَعْثَاءُ السَّفَرِ: أي شدته ومشقته. وأصله من الوعث، وهو الرمل، والمشى فيه يشتد على صاحبه ويشق (النهاية: ج 5 ص 206 «وعث»).
- 6- الموطأ: ج 2 ص 977 ح 34، سنن أبي داود: ج 3 ص 33 ح 2598، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 109 ح 2484 كلاهما عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 550 ح 2311 عن ابن عباس، السنن الكبرى: ج 5 ص 410 ح 10303 عن عبد الله بن سرجس وكلها نحوه، كنز العمال: ج 6 ص 714 ح 17536.

الأمان_ به نقل از صفوان جمال_ : هنگامی که امام صادق علیه السلام بر شتر نشست ، گفت : «به نام خدا . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر از سوی خدا . «منزه است خدایی که این [مَرکَب] را رام ما کرد و ما بر آن ، توانا نبودیم ؛ و ما به سوی پروردگار خود ، باز می گردیم» .» .

امام صادق علیه السلام : هر گاه به خواست خدا ، از خانه ات به قصد حج و عمره خارج شدی ، دعای فَرَج را بخوان ... و چون پایت را در رکاب نهادی ، بگو : «به نام خداوند بخشنده مهربان» . به نام خدا . خدا ، بزرگ تر است

3 / 15 هنگام سفرالمزار الکبیر_ در بیان ذکرهایی که هنگام رفتن به سفر ، گفته می شود _ : همچنین همان چیزی را می گویی که از سَرورمان ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، روایت شده است که فرمود : «جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت : پروردگارت ، به تو سلام می رساند و می گوید : ای محمّد! هر کس از امت تو که می خواهد در سفرش از او محافظت کنم و او را به سلامت برسانم ، بگوید : «به نام خداوند بخشنده مهربان» . به خدا توکل کردم و آن گاه که برای بیرون رفتن ، پایت را دم در گذاشتی ، بگو : به نام خدا . به خدا ، ایمان دارم . بر خدا ، توکل کردم . هر چه خدا خواهد . نیرو و توانی نیست ، مگر از سوی خدا » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ هر گاه به قصد سفر ، پایش را در رکاب می گذاشت ، می فرمود _ : به نام خدا . بار خدایا ! تویی همراه در سفر ، و جانشین [هر مسافری] در میان خانواده [اش] . بار خدایا ! زمین را برای ما در هم بیچان (راهمان را کوتاه ساز) ، و سفر را بر ما آسان گردان . بار خدایا ! از سختی سفر و از اندوه بازگشت و از [رو به رو شدن با] صحنه بد در اموال و خانواده ، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله - لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ - إِذَا تَوَجَّهَتْ إِلَى سَبِيلِ الْحَجِّ ، ثُمَّ رَكِبَتْ راحِلَتَكَ ، ثُمَّ قُلْتَ : «بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» ، ثُمَّ مَضَتْ راحِلَتَكَ ، لَمْ تَضَعْ خُفًّا وَلَمْ تَرَفَعْ خُفًّا إِلَّا كُتِبَ لَكَ حَسَنَةٌ ، وَمُجِيَّ عَنْكَ سَيِّئَةٌ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ ... ثُمَّ قُلْ : «اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» ، ثُمَّ قُلْ : «بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ ، وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيَّ نِسْيَانِي وَعَجَلَتِي بِسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا» . (2)

16/3 كُلُّ أَمْرٍ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ ابْتَدَأَ بِأَمْرٍ وَقَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ» ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ . (3)

-
- 1- تهذيب الأحكام : ج 5 ص 20 ح 57 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 203 ح 2138 كلاهما عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عليه السلام ، روضة الواعظين : ص 394 .
 - 2- الكافي : ج 4 ص 284 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 50 ح 154 كلاهما عن معاوية بن عمّار .
 - 3- كنز العمال : ج 10 ص 164 ح 28854 نقلاً عن الرافعي عن الإمام علي عليه السلام .

3 / 16 در هر کاری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی از انصار _ هر گاه آهنگ سفر حج کردی و بر شترت نشستی و گفتی: «به نام خدا . سپاس ، خدای را» و سپس شترت حرکت کرد ، با هر سومی که بگذارد و بردارد ، برای تو يك ثواب نوشته می شود و يك گناه از تو پاك می گردد .

امام صادق علیه السلام : چون به خواست خدا ، از خانه ات به قصد حج و عمره خارج شدی ، دعای فرج را بخوان ... و سپس بگو : «بار خدایا ! مرا از هر زورگویی سرکشی و از هر شیطان متمردی ، در پناه خود بگیر » . سپس بگو : «به نام خدا ، داخل شدم و به نام خدا ، خارج شدم و در راه خدا [، سفر می کنم] . بار خدایا ! در این سفرم ، پیش از آن که فراموش کنم یا شتاب ورزم ، می گویم : به نام خدا . آنچه خدا بخواهد [، خواهد شد] » .

3 / 16 در هر کاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس کاری را با «بسم الله» آغاز کند ، خداوند ، او را می آمرزد .

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَجْذَمٌ (1). (2)

الإمام علي عليه السلام: قولوا عند افتتاحِ كُلِّ أَمْرٍ صَغِيرٍ أَوْ عَظِيمٍ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: أغلقوا أبوابَ المَعْصِيَةِ بِالِاسْتِعَاذَةِ، وَافْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ. (4)

عنه عليه السلام: لا تَدَعُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَإِنْ كَانَ بَعْدَهُ شِعْرٌ. (5)

عنه عليه السلام: لَرُبَّمَا تَرَكَ فِي افْتِتَاحِ أَمْرٍ بَعْضُ شَيْعَتِنَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ؛ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ، وَيَمْحُو عَنْهُ وَصَمَةَ تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». لَقَدْ دَخَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهِ كُرْسِيٌُّّ، فَأَمَرَهُ بِالْجُلُوسِ عَلَيْهِ، فَجَلَسَ، فَمَالَ بِهِ حَتَّى سَقَطَ عَلَى رَأْسِهِ، فَأَوْضَحَ (6) عَنْ عَظِيمِ رَأْسِهِ وَسَالَ الدَّمَ، فَأَمَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَاءٍ فَغَسَلَ عَنْهُ ذَلِكَ الدَّمَ. ثُمَّ قَالَ: أُدْنُ مِنِّي، فَدَنَا مِنْهُ، فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى مَوْضِعِهِ - وَقَدْ كَانَ يَجِدُ مِنَ أَلْمِهَا مَا لَا صَبْرَ لَهُ مَعَهُ - وَمَسَحَ يَدَهُ عَلَيْهَا، وَتَقَلَّ فِيهَا، فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ فَعَلَ ذَلِكَ حَتَّى انْدَمَلَ (7)، وَصَارَ كَأَنَّهُ لَمْ يُصِبْهُ شَيْءٌ قَطُّ. ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ تَمْحِيطَ ذُنُوبِ (8) شَيْعَتِنَا فِي الدُّنْيَا بِمَحَنِهِمْ، لِتَسَلَّمَ لَهُمْ طَاعَاتُهُمْ وَيَسْتَحَقُّوا عَلَيْهَا ثَوَابَهَا... فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَدْ أَفَدْتَنِي وَعَلَّمْتَنِي، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعَرِّفَنِي ذَنْبِي الَّذِي امْتَحَنْتَ بِهِ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ حَتَّى لَا أَعُودَ إِلَى مِثْلِهِ. قَالَ: تَرَكَتُ حِينَ جَلَسْتَ أَنْ تَقُولَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَجَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ لِسِّ هَوَاكَ عَمَّا نَدَبْتَ إِلَيْهِ تَمْحِيطًا بِمَا أَصَابَكَ. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَدَّثَنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُدْكَرْ «بِسْمِ اللَّهِ» فِيهِ فَهُوَ أُبْتَرٌ؟! فَقُلْتُ: بَلَى بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي، لَا أَتْرُكُهَا بَعْدَهَا. قَالَ: إِذَنْ تُحْصِنُ بِذَلِكَ وَتَسْعَدُ. (9)

راجع: ص 210 ح 9.

1- الجذم: القطع (المصباح المنير: ص 94 «جذم»).

2- تلخيص الحبير: ج 1 ص 76 ح 70 عن أبي هريرة، تفسير الفخر الرازي: ج 1 ص 213، إحياء العلوم: ج 1 ص 305 وفيهما «فهو أبتَر»، كنز العمال: ج 1 ص 555 ح 2491 نقلاً عن عبد القادر الرهاوي في الأربعين وفيه «فهو أقطع».

3- التوحيد: ص 232 ح 5 عن محمد بن زياد ومحمد بن سيار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 28 ح 9 عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسن عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 92 ص 233 ح 14.

4- الدعوات: ص 52 ح 130، بحار الأنوار: ج 93 ص 313 ح 17.

5- الكافي: ج 2 ص 672 ح 1 عن جميل بن دراج.

6- الموضحة: الشجّة التي تُبدي وَضَحَ العظام (القاموس المحيط: ج 1 ص 255 «وضح»).

7- اندمل: برئ (القاموس المحيط: ج 3 ص 377 «دمل»).

8- تمحيص الذنوب: إزالتها (النهاية: ج 4 ص 302 «محص»).

9- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 22 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 305 ح 1 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کار با اهمیتی که با نام خدا آغاز نشود، بی دنباله (ناتمام) خواهد بود.

امام علی علیه السلام: در شروع هر کاری، کوچک یا بزرگ، بگوئید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

امام صادق علیه السلام: درهای گناه را با پناه بردن به خدا [و گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ»] ببندید، و درهای طاعت را با بردن نام خدا، باز کنید.

امام صادق علیه السلام: گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را وا مگذار، هر چند پیش از خواندن شعری.

امام صادق علیه السلام: گاه یکی از شیعیان ما، در آغاز کاری، گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را ترك می گوید و از این رو، خداوند، او را به امر ناخوشایندی گرفتار می سازد تا وی را متوجه سپاس گزاری از خداوند متعال و ثنای او گرداند و لگه ننگِ تقصیر در ترك «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را از او بزداید. يك بار عبد الله بن یحیی نزد امیر مؤمنان علیه السلام رفت. جلوی ایشان، چهارپایه ای بود و به عبد الله فرمود که روی آن چهارپایه بنشیند. تا عبد الله نشست، چهارپایه، کج شد و او به سر [بر زمین] افتاد و سرش شکست و خون جاری شد. امیر مؤمنان علیه السلام دستور داد تا آب آوردند و خونش را شست. سپس [علی علیه السلام به او] فرمود: «نزدیک من بیا». عبد الله، نزدیک شد. ایشان، دستش را بر شکاف سر او - که از شدت درد آن، تاب نمی آورد - نهاد و بر آن، دست کشید و از آب دهان خود بر آن نهاد. بلافاصله، زخم سر به هم آورد، به طوری که انگار اصلاً صدمه ای ندیده است. سپس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «ای عبد الله! سپاس، خدا را که زدودن گناهان شیعیان ما را در دنیا با ایجاد رنج و گرفتاری برای آنان قرار داد تا همچنان طاعت هایشان برقرار بماند و برای آنها پاداش داده شوند...». عبد الله بن یحیی گفت: ای امیر مؤمنان! مرا آگاه کردی و به من آموختی. اکنون اگر صلاح می دانی، به من بفرما که چه گناهی مرتکب شده بودم که به سبب آن، در این مجلس تنبیه شدم، تا دیگر آن را تکرار نکنم. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «وقتی نشستی، نگفتی: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». پس خداوند، این تنبیه را برای غفلت تو از کاری قرار داد که به آن، فرا خوانده شده ای، تا با این وسیله، تو را [از این گناه] پاک گرداند. مگر نمی دانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم گفت که خداوند عز و جل فرمود: هر کار مهمی که در آن، بسم الله گفته نشود، ناقص است؟!». عبد الله بن یحیی گفت: چرا، پدر و مادرم به فدایت! از این پس، آن را ترك نمی کنم. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «در این صورت، در امان و خوش بخت خواهی بود».

ر.ك: ص 211 ح 9.

الفصل الرابع : آثار البسمة 1 / 4 البركة رسول الله صلى الله عليه وآله : قال الله عز وجل : قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي ، فَصَفُّهَا لِي وَنَصْفُهَا لِعَبْدِي ، وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ . إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ : بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي ، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُتَمِّمَ لَهُ أُمُورَهُ ، وَأُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ ... (1)

4 / 12 الاعتصام بالإمام علي عليه السلام_ في وصيَّته لِكُمَيْلٍ _ : يَا كُمَيْلُ ، سَمَّ كُلَّ يَوْمٍ بِسْمِ اللَّهِ ، وَقُلْ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ، وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ . (2)

1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 300 ح 59 ، الأمل للصدوق : ص 239 ح 253 كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيَّار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 226 ح 3 وج 85 ص 59 وراجع : شعب الإيمان : ج 2 ص 447 ح 2362 وكنز العمال : ج 2 ص 299 ح 4055 .

2- . تحف العقول : ص 171 ، بشارة المصطفى : ص 25 عن كميل ، بحار الأنوار : ج 77 ص 268 ح 1 و ص 414 ح 38 .

فصل چهارم : آثار «بسم الله»

4 / 1 برکت یافتن

4 / 2 قرار گرفتن در پناه خدا

فصل چهارم : آثار «بسم الله» 4 / 1 برکت یافتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : « [سوره] فاتحة الكتاب را میان خودم و بنده ام قسمت کرده ام ؛ نیش از آن من است و نیش از آن بنده ام ، و آنچه بنده ام بخواهد ، به او می دهم» . هر گاه بنده بگوید : «به نام خداوند بخشنده مهربان» ، خداوند عز و جل می فرماید : «بنده ام ، به نام من آغاز کرد و بر من است که کارهای او را برایش تمام گردانم و در احوالش به او برکت دهم ...» .

4 / 2 قرار گرفتن در پناه خدا امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل _ ای کمیل ! هر روز ، نام خدا را ببر و بگو : «هیچ توش و توانی نیست ، مگر به [یاری] خدا» ، و به خدا توکل کن .

عنه عليه السلام: إِنَّ اسْمَ اللَّهِ فَاتِقٌ لِلرُّتُوقِ (1) ، وَخَائِطٌ لِلخُرُوقِ (2) ، وَمُسَدَّ هَلٍّ لِلوُعُورِ ، وَجُنَّةٌ عَنِ الشُّرُورِ ، وَحِصْنٌ مِنْ مِحَنِ الدُّهُورِ ، وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ ، وَأَمَانٌ يَوْمَ التُّشُورِ . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ (4) ، وَمَقَالَةُ الْمُتَحَرِّزِينَ . (5)

عنه عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ اسْتَعَنْتُ ، وَبِسْمِ اللَّهِ اسْتَجَرْتُ ، وَبِهِ اعْتَصَمْتُ ، وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ . (6)

عنه عليه السلام: أَعِيدُ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي ، وَجَمِيعَ مَا تَلَحُّقُهُ عِنَايَتِي ، وَجَمِيعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِي ، بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . (7)

عنه عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ ، بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ، أَسْتَدْفِعُ كُلَّ مَكْرُوهِ أَوَّلُهُ سَخَطُهُ ، وَأَسْتَجْلِبُ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلُهُ رِضَاؤُهُ ، وَآخِثِمُ (8) لِي مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا وَلِيَّ الْإِحْسَانِ . (9)

الإمام العسكري عليه السلام: اِحْتَجَبْتُ بِحِجَابِ اللَّهِ ... وَاحْتَطْتُ عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَالِي وَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ عِنَايَتِي بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . (10)

1- الرَّتْقُ : ضِدُّ الْفَتْقِ ، وَهُوَ الْإِلْتِمَامُ (مجمع البحرين : ج 2 ص 672 «رتق»).

2- الْخَرْقُ : الشَّقُّ (النهاية : ج 2 ص 26 «خرق»).

3- مستدرک الوسائل : ج 5 ص 304 ح 5927 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

4- قال المجلسي قدس سره : «كلمة المعتصمين» المضبوط في النسخ الرفع ، أي التسمية كلمة المعتصمين بالله يفتتحون بها في كل أمر ، ويحتمل أن يكون خبر «بسم الله» من غير تقدير ، وهو بعيد ، ولعلّ الجرّ أظهر؛ صفة للاسم (بحار الأنوار : ج 90 ص 241) .

5- البلد الأمين : ص 100 ، المصباح للكفعمي : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 152 ح 11 .

6- مُهَجَّ الدَّعَوَاتُ : ص 356 ، البلد الأمين : ص 549 ، المصباح للكفعمي : ص 291 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 374 ح 1 .

7- مُهَجَّ الدَّعَوَاتُ : ص 26 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 336 ح 5 .

8- في البلد الأمين و بحار الأنوار : «فآخِثِمُ» .

9- المصباح للكفعمي : ص 164 ، البلد الأمين : ص 123 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 188 ح 25 .

10- مُهَجَّ الدَّعَوَاتُ : ص 63 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 363 ح 1 .

امام علی علیه السلام: نام خدا، رُفُو کننده پارگی ها و دوزنده چاك ها و هموار کننده ناهمواری ها و سپرِ بدی ها و سنگر در برابر رنج های روزگار و شفابخشِ بیماری های سینه ها و [مایه] امان در روز رستاخیز است .

امام زین العابدین علیه السلام: ب_ه_ن_ا_م_خ_دا_ک_ه_س_خ_ن_پ_نا_ه_ج_و_ی_ا_ن_ا_س_ت_ (1) و گفت_ار_ح_م_ای_ت_خ_وا_ه_ا_ن_ .

امام زین العابدین علیه السلام: از نام خدا، کمک گرفتم و خود را در پناه نام خدا در آوردم و به نام او چنگ زدم و جز از خدا، توفیق نمی جویم . به او توکل کرده ام .

امام زین العابدین علیه السلام: خودم و همسرم و اموالم و فرزندانم و همه آنچه را مورد توجّه من است ، و همه نعمت هایی را که از خدا دارم ، در پناه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در می آورم .

امام زین العابدین علیه السلام: به نام خدا که بهترین نام هاست . به نام خدا که پروردگارِ زمین و آسمان است . هر ناخوشایندی را _ که در رأس آنها ناخشنودیِ خود اوست _ از خودم دور می کنم و هر امر دوست داشتنی ای را _ که در رأس آنها خشنودیِ خود اوست _ به سوی خود می کشانم . عمر مرا به آمرزشِ ختم فرما ، ای صاحب احسان !

امام عسکری علیه السلام: خود را در پسِ پرده خدا پوشاندم ... و خودم و همسرم و فرزندانم و اموالم و هر آنچه را مورد توجّه من است ، در پناه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قرار دادم .

1- .عَلَّامَه مَجْلِسِی قَدَس سِرَه می گوید : «كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ» _ که در متن عربی حدیث آمده _ ، در نسخه ها به رفع «هاء» ، ضبط شده است ، یعنی : «بُرْدَن نام خدا ، سخن کسانی است که به خدا پناه می آورند و در هر کاری ، با آن آغاز می کنند» . احتمال هم دارد که خبر «بِسْمِ اللَّهِ» باشد ، بدون آن که چیزی را در تقدیر بگیریم . اما شاید جرّ آن ، ظهور بیشتری داشته باشد که در این صورت ، صفت اسم است .

4 / 13 الشفاء رسول الله صلى الله عليه وآله : «بِسْمِ اللَّهِ» ؛ تَحْفَظُكَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى الْجَنَّةِ ، وَهُوَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ . (1)

الإمام علي عليه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ» شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَعَوْنٌ لِكُلِّ دَوَاءٍ . (2)

عنه عليه السلام في وصية لِكَمِيلٍ - : يَا كَمِيلُ ، إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَسَمِّ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَصُدُّهُ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ الشِّفَاءُ مِنْ جَمِيعِ الْأَسْوَاءِ . (3)

الإمام المهدي عليه السلام في دُعَاءٍ لَهُ - : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ . (4)

المصنّف لابن أبي شيبة عن أبيهيرة : دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا أَشْتَكِي ، فَقَالَ : أَلَا أُرْقِيكَ بِرُقِيَّةٍ (5) عَلَّمَنِيهَا جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِسْمِ اللَّهِ أُرْقِيكَ ، وَاللَّهُ يَشْفِيكَ مِنْ كُلِّ إِرْبٍ (6) يُؤْذِيكَ ، وَمِنْ شَرِّ التَّفَاتَاتِ فِي الْعُقَدِ (7) ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ . (8)

1- . مستدرک الوسائل : ج 4 ص 389 ح 4995 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب عن عبد الله بن مسعود وراجع : بحار الأنوار : ج 92 ص 258 ح 52 .

2- . نزهة الناظر : ص 66 ح 128 ، إرشاد القلوب : ص 366 نحوه ، بحار الأنوار : ج 10 ص 60 ح 4 وج 92 ص 259 ح 53 ؛ تفسير القرطبي : ج 1 ص 107 .

3- . بشارة المصطفى : ص 25 عن كميل ، تحف العقول : ص 171 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 267 ح 1 وص 412 ح 38 .

4- . بحار الأنوار : ج 53 ص 226 نقلاً عن البلد الأمين .

5- . الرُقِيَّةُ : العوذة التي يُرْقَى بها صاحب الآفة كالحُمَى والصَّرَع وغير ذلك من الآفات (النهاية : ج 2 ص 254 «رقي»).

6- . الإزب : الدَّهَاءُ وَالتُّكْرُ (النهاية : ج 1 ص 36 «أرب»).

7- . العُقْدُ : جمع عُقْدَةٍ ؛ وهي ما تعقده الساحرة ، وأصله من العزيمة (مفردات ألفاظ القرآن : ص 577 «عقد»).

8- . المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 78 ح 6 وص 79 ح 16 عن أبي سعيد الخدري وج 5 ص 443 ح 6 عن عبادة بن الصامت وح 9 عن أبي سعيد الخدري وكلها نحوه ، كنز العمال : ج 10 ص 105 ح 28534 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 246 ح 2595 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 17 ح 16 .

4 / 3 شفا یافتن

3 / 4 شفا یافتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر «بسم الله» بگویی، فرشتگان، تورا تا بهشت محافظت می کنند و آن، شفای هر دردی است.

امام علی علیه السلام: «بسم الله»، شفای هر دردی و کمک برای هر دارویی است.

امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل _ ای کمیل! هر گاه خواستی غذا بخوری، نام خدا را ببر؛ چرا که با وجود نام او، هیچ دردی آسیب نمی رساند و در آن، شفای همه بدی ها [و دردها] هست.

امام مهدی علیه السلام در یکی از دعاهایش _ : «به نام خداوند بخشنده مهربان». «به نام خدا»، داروست و «سپاس، خدای را»، شفاست.

المصطفی، ابن ابی شیبَه به نقل از ابو هُریره _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نزد من که بیمار بودم، آمد و فرمود: «آیا تورا با تعویذی (حرزی) که جبرئیل علیه السلام آن را به من آموخته، افسون کنم؟ تورا با نام خدا، افسون می کنم. خدا، تورا از هر دردی که رنجت می دهد، و از گزند دَمندگان در گِره ها (جادوگران)، و از گزند هر حسودی، آن گاه که حسادت ورزد، (1) شفا می دهد».

1- یا: از گزند هر شوز چشمی، آن گاه که چشم زخم زند.

الإمام الصادق عليه السلام: حُمَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَآتَاهُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَوَّدَهُ، فَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ يَا مُحَمَّدُ، وَبِسْمِ اللَّهِ أَشْفِيكَ، وَبِسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُعِيْبُكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَافِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَلَنتَهْتِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا أَقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النَّجُومِ، لَتَبْرَأَنَّ بِإِذْنِ اللَّهِ. (1)

4 / 14 الإجابة رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يُرَدُّ دُعَاءُ أَوْلَاهُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2)

4 / 5 تَسِيخُ الْجِبَالِ مَعَ مَنْ يَقْرَأُهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مَوْقِنًا، سَبَّحَتْ مَعَهُ الْجِبَالُ، إِلَّا أَنَّهُ لَا يُسْمَعُ ذَلِكَ مِنْهَا. (3)

4 / 6 تَصَاغُرُ الشَّيْطَانِ مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ أَبِي تَمِيمَةَ الْهَجِيمِيِّ عَمَّنْ كَانَ رَدِيفَ (4) النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ أَبِي تَمِيمَةَ الْهَجِيمِيِّ عَمَّنْ كَانَ رَدِيفَ (5) النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُنْتُ رَدِيفَهُ عَلَى حِمَارٍ فَعَثَرَ الْحِمَارُ، فَقُلْتُ: «تَعَسَّ الشَّيْطَانُ». فَقَالَ لِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَقُلْ: تَعَسَّ الشَّيْطَانُ؛ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ: «تَعَسَّ الشَّيْطَانُ» تَعَاظَمَ الشَّيْطَانُ فِي نَفْسِهِ، وَقَالَ: صَرَغَتْهُ بِقُوَّتِي، فَإِذَا قُلْتَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، تَصَاغَرَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ حَتَّى يَكُونَ أَصْغَرَ مِنْ ذَبَابٍ. 6

1- الكافي: ج 8 ص 109 ح 88 عن بكر بن محمد الأزدي، قرب الإسناد: ص 42 ح 134، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 243 ح 2585 وفيهما «يعنيك» بدل «يعيبك»، طب الأئمة عليهم السلام لابني بسطام: ص 38، بحار الأنوار: ج 95 ص 65 ح 44 وراجع: كنز العمال: ج 10 ص 71 ح 28407.

2- ربيع الأبرار: ج 2 ص 336؛ الدعوات: ص 52 ح 131، بحار الأنوار: ج 93 ص 313 ح 17.

3- الدر المنثور: ج 1 ص 26 نقلاً عن أبي نعيم والديلمي عن عائشة.

4- الرديف: الذي تحمله خلفك على ظهر الدابة (المصباح المنير: ص 224 «ردف»).

5- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 349 ح 20614 وح 20615 نحوه، سنن أبي داود: ج 4 ص 296 ح 4982 نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 324 ح 7792، كنز العمال: ج 1 ص 247 ح 1244.

4 / 4 مستجاب شدن دعا**4 / 5 تسبیح گویی کوه ها همراه کسی که «بسم الله» می گوید****4 / 6 کوچك شدن شیطان**

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، تب کرد . جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و او را افسون کرد و گفت : «به نام خدا ، تو را افسون می کنم _ ای محمد _ و به نام خدا ، شفایت می دهم _ به نام خدا _ ، از هر دردی که تو را رنج می دهد ، _ به نام خدا _ ؛ و خدا ، شفا دهنده توست . به نام خدا ، این را بگیر که تو را به سلامت می دارد . «به نام خداوند بخشنده مهربان» . به جایگاه های ستارگان ، سوگندی نمی خورم . به خواست خدا ، حتما بهبود می یابی» .

4 / 4 مستجاب شدن دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعایی که با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز گردد ، رد نمی شود .

4 / 5 تسبیح گویی کوه ها همراه کسی که «بسم الله» می گوید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از سر یقین بگوید : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، کوه ها هم صدا با او تسبیح خدا می گویند ؛ اما تسبیح گویی آنها شنیده نمی شود .

4 / 6 کوچك شدن شیطانمسند ابن حنبل _ به نقل از ابو تمیمه هجیمی ، از کسی که در ترك پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود _ : من پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بر الاغی نشسته بودم که ناگاه ، الاغ ، سیه کنندی خورد . من گفتم : مرگ بر شیطان! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « مگو : مرگ بر شیطان ؛ زیرا هر گاه بگویی : مرگ بر شیطان ، شیطان در خودش احساس غرور می کند و می گوید : من با قدرت خود ، آن [الاغ] را زمین زدم . اما اگر بگویی : به نام خدا ، شیطان ، چنان احساس کوچکی می کند که گویی از مگس هم کوچك تر است» .

كنز العمال عن أسامة بن زيد: بينا رسول الله صلى الله عليه وآله على بعلغة شهباء (1)، وأنا ردفه، إذ عثرت البعلة، فقلت: «تعمس إبليس»، فصرب رسول الله صلى الله عليه وآله على منكبي، فقال: يا أسامة، لا تقل هكذا؛ فإن لإبليس عند ذلك نخرة (2)، يقول: ذكرني ونسي ربه! ولكن قل: «بسم الله». (3)

4 / 7 الاحتجاز من الأشرار الإمام الصادق عليه السلام - للمفضل بن عمر - : يا مفضل، احتجز من الناس كلهم ب «بسم الله الرحمن الرحيم» وب «قل هو الله أحد»، اقرأها عن يمينك وعن شمالك ومن بين يديك ومن خلفك ومن فوقك ومن تحتك، فإذا دخلت على سلطان جائر فاقراها حين تنظر إليه ثلاث مرات، واعد بيدك اليسرى، ثم لا تقارحها حتى تخرج من عنده. (4)

-
- 1- الشهباء في الألوان: البياض الذي غلب على السواد (الصحاح: ج 1 ص 159 «شهب»).
 - 2- نخر: مد الصوت في خياشيمه (القاموس المحيط: ج 2 ص 139 «نخر»).
 - 3- كنز العمال: ج 3 ص 888 ح 9041 نقلاً عن الخطيب في المتفق والمفترق.
 - 4- الكافي: ج 2 ص 624 ح 20، عده الداعي: ص 275 وفيه «احتجب» بدل «احتجز» وكلاهما عن المفضل بن عمر، بحار الأنوار: ج 92 ص 351 ح 22.

4 / 7 محفوظ ماندن از اشرار

کنز العمال_ به نقل از أسامة بن زید _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر استری خاکستری سوار بود و من ، در ترک وی نشسته بودم که ناگاه ، استر ، سیکندری خورد . من گفتم : مرگ بر ابلیس ! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر شانه من زد و فرمود : «ای أسامة ! چنین مگو ؛ زیرا ابلیس با شنیدن این حرف ، خُرناسی می کشد [و باد به غبغب می اندازد] و می گوید : مرا یاد کرد و پروردگارش را از یاد برد ؛ بلکه بگو : به نام خدا » .

4 / 7 محفوظ ماندن از اشرار امام صادق علیه السلام_ به مُفضَّل بن عمر _ : ای مُفضَّل ! با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و [سوره] « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ، خود را از [گزند] همه مردم ، محفوظ بدار . آن را از سمت راست و سمت چپ و پیش رو و پشت سر و بالای سر و پایین پایت [در شش جهت خود] بخوان ، و هر گاه بر سلطان ستمگری وارد شدی ، با دیدن او ، سه بار آن (سوره توحید) را بخوان و با دست چپ بشمار و سپس انگشتانت را همچنان بسته نگه دار (/ خواندن سوره را ادامه بده) تا زمانی که از نزد او خارج شوی .

الإمام الحسين عليه السلام_ في حجابٍ له_ :إجعلني اللهم في حرزك وفي جزبك... بِسْمِ اللَّهِ اسْتَشْفَيْتُ ، وَبِسْمِ اللَّهِ اسْتَكْفَيْتُ ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ ، وَبِهِ اسْتَعْنَيْتُ ، وَإِلَيْهِ اسْتَعْدَيْتُ عَلَى كُلِّ ظَالِمٍ ظَلَمَ ، وَغَاشِمٍ غَشِمَ ، وَطَارِقٍ طَرَقَ ، وَزَاجِرٍ زَجَرَ ، «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (1) . (2)

4 / 18 الأمان من الغرق الكتاب «وَقَالَ اذْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله :أمانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْغَرَقِ إِذَا رَكِبُوا فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَقُولُوا : «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» ، «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (4) إلى آخِرِ الْآيَةِ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله :أمانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْغَرَقِ إِذَا هُمْ رَكِبُوا السُّفْنَ فَقَرَّوْا : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» ، «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» . (6)

1- يوسف : 64 .

2- مُهَجَّ الدَّعَوَات : ص 356 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 374 ح 1 .

3- هود : 41 .

4- الزمر : 67 .

5- عمل اليوم والليلة لابن السني : ص 176 ح 500 ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 181 ح 6748 ، الدعاء للطبراني : ص 255 ح 803 كلها عن طلحة بن عبيدالله عن الإمام الحسين عليه السلام ، كنز العمال : ج 6 ص 709 ح 17513 .

6- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 370 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 333 ح 2656 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 58 ح 3 ؛ المعجم الكبير : ج 12 ص 97 ح 12661 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 184 ح 6136 كلاهما عن ابن عباس وفيهما «أن يقولوا باسم الله الملك» بدل «فقرؤوا بسم الله الرحمن الرحيم» .

4 / 8 در امان ماندن از غرق شدن

امام حسین علیه السلام در نیایش _ : بار خدایا! مرا در پناه و در دسته خودت قرار ده ... با «به نام خدا»، شفا می جویم . با «به نام خدا»، طلب کفایت می کنم و بر خدا، توکل می کنم و از او کمک می طلبم و از او در برابر هر ستمگری که ستم کند و هر بیدادگری که بیداد کند و هر کوبنده ای که بکوبد و هر باز دارنده ای که باز دارد، یاری می جویم «که خدا، بهترین نگهدار است و او، مهربان ترین مهربانان است» .

4 / 8 در امان ماندن از غرق شدن قرآن «و [نوح] گفت: «در آن [کشتی]، سوار شوید. به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش . بی گمان، پروردگار من، آمرزنده مهربان است»» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه امت من در کشتی بنشینند و بگویند : «رفتن و لنگر افکندنش ، به نام خداست . بی گمان ، پروردگارم ، آمرزگار و مهربان است» (و خدا را چنان که سزای اوست ، ارج نهند ...) تا آخر آیه ، از غرق شدن در امان خواهند بود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه [کسانی از] امت من ، سوار کشتی شوند و بخوانند : «به نام خداوند بخشنده مهربان» . «و خدای را چنان که سزای اوست ، ارج نهند . در روز رستاخیز ، سراسر زمین ، در مشت اوست و آسمان ها ، در هم پیچیده به دست اویند . او منزه است و برتر از آنچه [برایش] شریک آورند» . «رفتن و لنگر انداختنش ، به نام خداست . بی گمان ، پروردگارم ، آمرزگار و مهربان است» ، از غرق شدن ، در امان خواهند بود .

4 / 9 صَرَفَ الْبَلَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا عَلِيُّ، أَلَا أَعَلَّمْتُكَ كَلِمَاتٍ؛ إِذَا وَقَعَتْ فِي وَرْطَةٍ أَوْ بَلِيَّةٍ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَصْرِفُ بِهَا عَنْكَ مَا يَشَاءُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ. (1)

4 / 10 دَفَعُ الْوَحْشَةَ الْكَافِي عَنْ سَلِيمَانَ الْجَعْفَرِيِّ: قُلْتُ لَهُ [أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: إِنِّي صَاحِبُ صَيْدِ السَّبْعِ (2)، وَأَنَا أَبِيتُ فِي اللَّيْلِ فِي الْخَرَابَاتِ وَأَتَوَحَّشُ، فَقَالَ لِي: قُلْ إِذَا دَخَلْتَ: «بِسْمِ اللَّهِ أَدْخُلْ» وَأَدْخِلْ رِجْلَكَ الْيُمْنَى، وَإِذَا خَرَجْتَ فَأَخْرِجْ رِجْلَكَ الْيُسْرَى، وَسَمِّ اللَّهَ؛ فَإِنَّكَ لَا تَرَى مَكْرُوهًا. (3)

-
- 1- الكافي: ج 2 ص 573 ح 14 عن بكير عن الإمام علي عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 159 ح 2391 نحوه، عدّة الداعي: ص 264 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 95 ص 194 ح 24؛ الفردوس: ج 5 ص 324 ح 8323.
 - 2- صاحب صيد السبع: أي أصيد السبع (مرآة العقول: ج 12 ص 438).
 - 3- الكافي: ج 2 ص 570 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 119 ح 1325، بحار الأنوار: ج 76 ص 248 ح 39 وج 95 ص 143 ح 8.

4 / 9 گرداندن بلا**4 / 10 برطرف شدن وحشت**

4 / 9 گرداندن بلا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «ای علی! آیا چند کلمه ای به تو نیاموزم؟ هر گاه در مشکلی سخت یا بلایی افتادی، بگو: «به نام خداوند بخشنده مهربان». هیچ نیرو و توانی نیست، مگر از سوی خدای بلندمرتبه و بزرگ؛ زیرا خداوند به برکت این دعا، از انواع بلا، آنچه را که بخواهد، از تو می گرداند».

4 / 10 برطرف شدن وحشت الکافی_ به نقل از سلیمان جعفری_ : به ابو الحسن علیه السلام (1) گفتم: من، شکارچی حیوانات درنده هستم و شب ها در ویرانه ها می خوابم و دچار وحشت می شوم. فرمود: «هر گاه وارد [ویرانه ای] شدی، بگو: به نام خدا، وارد می شوم و پای راست را داخل بگذار، و هنگامی که بیرون می آیی، نخست پای چپت را بیرون بگذار و نام خدا را ببر. در این صورت، ناراحتی ای نخواهی دید».

1- در این جا، مقصود، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است.

4 / 11 ثِقْلُ الْمِيزَانِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أُمَّتِي يَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُمْ يَقُولُونَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَتَثْقُلُ حَسَنَاتُهُمْ فِي الْمِيزَانِ، فَتَقُولُ الْأُمَّةُ: مَا أَرْجَحَ مَوَازِينَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟! فَتَقُولُ الْأَنْبِيَاءُ: إِنَّ ابْتِدَاءَ كَلَامِهِمْ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ؛ لَوْ وُضِعَتْ فِي كَفَّةِ الْمِيزَانِ، وَوُضِعَتْ سَيِّئَاتُ الْخَلْقِ فِي كَفَّةٍ أُخْرَى، لَرَجَحَتْ حَسَنَاتُهُمْ. (1)

4 / 12 النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ عَلَى الصَّرَاطِ فَيَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» طَفِئَتْ لَهُبُ النَّيِّرَانِ، وَتَقُولُ: جُزْ يَا مُؤْمِنُ، فَإِنَّ نَوْرَكَ قَدْ أَطْفَأَ لَهَبِي! (2)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَجِّيَهُ اللَّهُ مِنَ الزَّبَانِيَةِ التَّسْعَةَ عَشَرَ، فَلْيَقْرَأْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِنَّهَا تِسْعَةُ عَشَرَ حَرْفًا، لِيَجْعَلَ اللَّهُ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا جَنَّةً (3) مِنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ. (4)

-
- 1- ربيع الأبرار: ج 2 ص 336.
 - 2- جامع الأخبار: ص 120 ح 219، بحار الأنوار: ج 92 ص 258 ح 52.
 - 3- الجَنَّةُ: الوقاية (النهاية: ج 1 ص 308 «جنن»).
 - 4- جامع الأخبار: ص 119 ح 215، مجمع البيان: ج 1 ص 90 كلاهما عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج 92 ص 257 ح 52؛ الدر المنثور: ج 1 ص 26 نقلاً عن وكيع والثعلبي وراجع: المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 401.

4 / 11 سنگین شدن ترازوی اعمال**4 / 12 رهیدن از آتش دوزخ**

4 / 11 سنگین شدن ترازوی اعمال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اَمْتَم در روز قیامت ، در حال گفتنِ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» وارد می شوند و کارهای نیکشان ، در ترازو سنگین می شود . اَمْت های دیگر می گویند : ترازوهای [اعمال] اَمْتِ مُحَمَّد ، چه سنگین است! پیامبران می گویند : [به این دلیل است که] آغاز سخنشان ، [با] سه نام از نام های خدا بود که اگر آن سه نام در يك کفّه ترازو نهاده شوند و بدی ها و گناهان خلاق در کفّه دیگر ، باز هم کفّه خوبی های آنان می چربد .

4 / 12 رهیدن از آتش دوزخ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤمن بر صراط بگذرد و بگوید : «به نام خداوند بخشنده مهربان» ، زبانه آتش ، خاموش می شود و می گوید : عبور کن ، ای مؤمن! زیرا نور تو ، زبانه مرا خاموش کرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می خواهد که خداوند ، او را از نگهبانان نوزده گانه [ی دوزخ] نجات دهد ، «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بخواند ؛ زیرا این ذکر ، نوزده حرف است ، تا آن که خداوند ، هر حرفی از آن را سپر او در برابر یکی از آن نگهبانان دوزخ قرار دهد .

الفصل الخامس : آداب البسملة 5 / 1 الإجهاراً - أَحَقُّ مَا أُجْهَرَ بِهِ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَحَقُّ مَا أُجْهَرَ بِهِ (1)، وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّأْ عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (2) . (3)

ب - إجهار النبي صلى الله عليه وآله بها في القراءة الإمام الباقر عليه السلام : كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا تهجد بالقرآن تسمع له فريش بحسن صوته (4)، وكان إذا قرأ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَرَّوا عَنْهُ . (5)

-
- 1- . جَهَرَ الْكَلَامَ وَبِالْكَلامِ : أَعْلَنَ بِهِ ، كَأَجْهَرَ (القاموس المحيط : ج 1 ص 394 «جهر») . وَجَهَرَ بِالْقَوْلِ : رَفَعَ بِهِ صَوْتَهُ (الصحاح : ج 2 ص 618 «جهر») .
 - 2- . الإسراء : 46 .
 - 3- . تفسير القمي : ج 1 ص 28 عن ابن أذينة ، تفسير العياشي : ج 2 ص 295 ح 86 عن زرارة عن أحدهما عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 85 ص 82 ح 25 .
 - 4- . في بحار الأنوار : «لِحُسْنِ قِرَاءَتِهِ» .
 - 5- . تفسير القمي : ج 2 ص 20 عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج 85 ص 82 ح 25 .

فصل پنجم : آداب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

5 / 1 بلند گفتن

الف - سزاوارترین آیه به خوانده شدن با صدای بلند

ب - بلند (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) گفتن پیامبر خدا صلی الله علیه وآله

فصل پنجم : آداب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» 5 / 1 بلند گفتن الف _ سزاوارترین آیه به خوانده شدن با صدای بلند امام صادق علیه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، سزاوارترین چیز به خوانده شدن با صدای بلند است ، و آن ، همان آیه ای است که خداوند عز و جلفرموده است : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را بر یکتایی اش یاد کنی ، از سر بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

ب _ بلند «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» گفتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهامام باقر علیه السلام : هر گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، نیمه های شب [در نماز] قرآن تلاوت می کرد ، به سبب صوت نیکویش ، قریش به آن گوش می دادند ، و چون «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را می خواند ، از او می گریختند .

المستدرک عن أبي هريرة: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يجهرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1)

الإمام الباقر عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يجهرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» يرفعُ بها صوتَهُ، فإذا سمعَهَا المُشْرِكُونَ ولَّوْا مُدْبِرِينَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» . (2)

تفسير العياشي عن زيد بن عليّ: دَخَلْتُ عَلَىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَقَالَ: تَدْرِي مَا نَزَلَ فِي «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؟ فَقُلْتُ: لَا! فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَ يُصَدِّمُنِي بِفِنَاءِ الْكَعْبَةِ فَرَفَعَ صَوْتَهُ، وَكَانَ عُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ، وَشَيْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ، وَأَبُو جَهْلٍ بْنُ هِشَامٍ، وَجَمَاعَةٌ مِنْهُمْ يَسْتَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ. قَالَ: وَكَانَ يُكْثِرُ قِرَاءَةَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَيَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ. قَالَ: فَيَقُولُونَ: إِنَّ مُحَمَّدًا لَيُرَدُّ اسْمُ رَبِّهِ تَرْدَادًا، إِنَّهُ لَيُحِبُّهُ! فَيَأْمُرُونَ مَنْ يَقُومُ فَيَسْتَمِعُ عَلَيْهِ، وَيَقُولُونَ: إِذَا جَاءَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَأَعْلِمْنَا حَتَّى نَقُومَ فَنَسْتَمِعَ قِرَاءَتَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ» بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: كَتَمُوا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، فَنِعَمَ - وَاللَّهِ - الْأَسْمَاءُ كَتَمُوهَا، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَاجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ قُرَيْشٌ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَيَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ، فَتَوَلَّى قُرَيْشٌ فِرَارًا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» . (4)

- 1- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 357 ح 850، سنن الدارقطني: ج 1 ص 310 ح 32 عن عائشة، السنن الكبرى: ج 2 ص 69 ح 2397 وزاد في آخره «فترك الناس ذلك»، كنز العمال: ج 8 ص 116 ح 22164.
- 2- تفسير العياشي: ج 1 ص 20 ح 6، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 167 ح 4396 نقلاً عن أحمد بن محمد أبي عبد الله السيارى في كتاب التنزيل والتحريف وكلاهما عن أبي حمزة الشمالي، بحار الأنوار: ج 85 ص 82 ح 24.
- 3- تفسير العياشي: ج 2 ص 295 ح 85، بحار الأنوار: ج 85 ص 73 ح 3.
- 4- الكافي: ج 8 ص 266 ح 387 عن هارون؛ الدر المنثور: ج 5 ص 298 نقلاً عن البخاري في تاريخه عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 454 ح 4486 نقلاً عن ابن النجار عن الإمام الباقر عليه السلام.

المستدرک علی الصحیحین۔ به نقل از ابو هُرَیْرَه _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بلند می گفت .

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را با صدای بلند می گفت و قریش ، با شنیدن آن می گریختند . پس خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را بر یکتایی اش یاد کنی ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

تفسیر العیاشی۔ به نقل از زید بن علی _ : خدمت [برادرم] باقر علیه السلام رسیدم . «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» گفت و سپس فرمود : «می دانی در باره «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» چه نازل شده است؟» . گفتم : نه . فرمود : «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، قرآن را خوش تر از هر کس می خواند . ایشان ، در جلوی کعبه نماز می گزارد و با صدای بلند می خواند . عتبه بن ربیع و شیبه بن ربیع و ابو جهل بن هشام و گروهی دیگر از ایشان (کافران) به خواندن او گوش می دادند . پیامبر صلی الله علیه و آله «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بسیار می خواند و آن را با صدای بلند می گفت . [قریش] می گفتند : محمد ، نام خدایش را فراوان تکرار می کند و عاشق اوست! سپس کسی را مأمور می کردند که برخیزد و به نماز خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله گوش کند و [به او] می گفتند : هر گاه «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را رد کرد ، به ما خبر ده تا برخیزیم و به قرائتش گوش دهیم . پس خداوند ، در این باره نازل کرد : «و هر گاه در قرآن پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی («بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» بگویی) ، آنان ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

امام صادق علیه السلام : «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را پنهان داشتند (1) و به خدا سوگند که بهترین نام ها را پنهان داشتند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، هر گاه وارد خانه اش می شد و قریش ، گرد او جمع می شدند ، با صدای بلند «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» می گفت و قریش می گریختند . پس خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی ، آنان ، از سرِ بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» .

1- مقصود از پنهان داشتن ، ترك کردن آن در سوره و آن را جزء سوره نشمردن است .

تفسير فرات عن عمرو بن شمر: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أُؤْمُّ قَوْمِي فَأَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قَالَ: نَعَمْ، فَأَجْهَرُ بِهَا؛ قَدْ جَهَرَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، فَإِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يُصَلِّي جَاءَ أَبُو جَهْلٍ وَالْمُشْرِكُونَ يَسْتَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ، فَإِذَا قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَضَعُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَهَرَبُوا، فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ ذَلِكَ جَاءُوا فَاسْتَمَعُوا، وَكَانَ أَبُو جَهْلٍ يَقُولُ: إِنَّ ابْنَ أَبِي كَبْشَةَ لَيُرَدُّ اسْمَ رَبِّهِ، إِنَّهُ لِيُحِبُّهُ! فَقَالَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَدَقَ وَإِنْ كَانَ كَذُوبًا. قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَ لَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» وَهُوَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (1)

ج - إجهاز النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِهَا فِي الصَّلَاةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَجْهَرُ فِي الْمَكْتُوباتِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (2)

عنه عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعًا. (3)

1- تفسير فرات: ص 241 ح 327، بحار الأنوار: ج 85 ص 84 ح 29.

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 439 ح 1111، سنن الدارقطني: ج 1 ص 303 ح 4 كلاهما عن أبي الطفيل، كنز العمال: ج 8 ص 116 ح 22166.

3- سنن الدارقطني: ج 1 ص 302 ح 2 عن عمر بن علي بن أبي طالب.

ج - بلند «بِسْمِ اللَّهِ» گفتن پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در نماز

تفسیر فرات_ به نقل از عمرو بن شمر_ : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : من ، پیش نماز قوم خود می شوم . آیا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگویم ؟ فرمود : «آری . آن را بلند بگو . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، آن را بلند می گفت» . سپس فرمود : «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، قرآن را خوش تر از هر کسی می خواند . هر گاه شب برای نماز بر می خاست ، ابو جهل و مشرکان می آمدند و به قرآن خواندن او ، خوب گوش می دادند و چون «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می گفت ، انگشتانشان را در گوش هایشان می گذاشتند و می گریختند ، و آن را که تمام می کرد ، دوباره می آمدند و گوش می دادند . ابو جهل می گفت : پسر ابو کبشه (یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله) ، نام پروردگارش را تکرار می کند و عاشق اوست!» . سپس امام صادق علیه السلام فرمود : «او راست می گفت ، هر چند آدم بسیار دروغگویی بود . پس خداوند ، فرو فرستاد : «و هر گاه در قرآن ، پروردگارت را به یکتایی اش یاد کنی ، آنان ، از سر بیزاری ، پشت می کنند و می گریزند» ؛ و آن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بود» .

ج_ بلند «بِسْمِ اللَّهِ» گفتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز امام علی علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازهای واجب ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند می گفت .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در هر دو سوره [ی هر رکعت نماز] ، با صدای بلند ، قرائت می کرد .

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَّنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْكَعْبَةِ ، فَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1)

سنن الدارقطني عن الحكم بن عمير :صَدَلَيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَهَرَ فِي الصَّلَاةِ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ؛ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ ، وَفِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَصَلَاةِ الْجُمُعَةِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)

المستدرک علی الصحیحین عن أنس :سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (4)

المغني :عَنْ أَنَسٍ أَنَّهُ صَلَّى وَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وَقَالَ : أَقْتَدِي بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَّمَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلَاةَ ، فَقَامَ فَكَبَّرَ لَنَا ، ثُمَّ قَرَأَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِيمَا يُجْهَرُ بِهِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ . (6)

د_ إجهار أهل البيت عليهم السلام بها في الصلاة السنن الكبرى عن الشعبي :رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَلَّى وَرَاءَهُ ، فَسَمِعْتُهُ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (7)

1- سنن الدارقطني : ج 1 ص 309 ح 27 عن النعمان بن بشير .

2- سنن الدارقطني : ج 1 ص 310 ح 31 ، كنز العمال : ج 8 ص 118 ح 22179 نقلاً عن أبي نعيم .

3- تفسير العياشي : ج 2 ص 295 ح 87 عن منصور بن حازم ، بحار الأنوار : ج 85 ص 74 ح 3 .

4- المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 358 ح 853 ، الدر المنثور : ج 1 ص 22 نقلاً عن الطبراني والدارقطني والبيهقي في شعب الإيمان .

5- المغني لابن قدامة : ج 1 ص 522 .

6- سنن الدارقطني : ج 1 ص 307 ح 18 عن أبي هريرة .

7- السنن الكبرى : ج 2 ص 70 ح 2401 ، كنز العمال : ج 8 ص 118 ح 22177 .

د - بلند «بِسْمِ اللَّهِ» گفتن اهل بیت علیه السلام در نماز

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام در کنار کعبه، پیش نماز من شد و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند گفت.

سنن الدار قُطْنِي_ به نقل از حکم بن عُمَيْر_: پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستادم. در نماز، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند گفت و [همچنین] در نماز شب و در نماز صبح و نماز جمعه.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هر گاه با مردم نماز می خواند، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند می گفت.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از آنس_: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند می گوید.

المغنی: روایت شده است که آنس، نماز خواند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند گفت و اظهار داشت: من به نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اقتدا می کنم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام نماز را به من آموخت. او ایستاد و برای ما تکبیر [نماز را] گفت. سپس در هر رکعت از نمازهایی که بلند خوانده می شوند، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند گفت.

د_ بلند «بِسْمِ اللَّهِ» گفتن اهل بیت علیهم السلام در نماز السنن الکبری_ به نقل از شعیب_: علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم و پشت سر او به نماز ایستادم. شنیدم که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند گفت.

مسند زيد: زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1)

الكافي عن صفوان الجمال: صَدَلَيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّامًا ، فَكَانَ إِذَا كَانَتْ صَلَاةٌ لَا يُجْهَرُ فِيهَا ، جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ، وَكَانَ يَجْهَرُ فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعًا . (2)

الأمالي للطوسي عن أبي حفص الصائغ: صَدَلَيْتُ خَلْفَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَجَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (3)

قرب الإسناد عن حنّان بن سدير: صَدَلَيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ ، فَتَعَوَّذَ جَهَارًا : أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ ، ثُمَّ جَهَرَ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (4)

الإمام الرضا عليه السلام: الإِجْهَارُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ سُنَّةٌ . (5)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك: بَعَثَنِي الْمَأْمُونُ فِي إِشْخَاصِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَدِينَةِ ... فَكُنْتُ مَعَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرَوْ ، فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا كَانَ أَتَقَى لِلَّهِ تَعَالَى مِنْهُ ... وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْهَرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي جَمِيعِ صَلَوَاتِهِ ؛ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . (6)

1- .مسند زيد : ص 104 .

2- .الكافي : ج 3 ص 315 ح 20 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 68 ح 246 .

3- .الأمالي للطوسي : ص 273 ح 513 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 79 ح 17 .

4- .قرب الإسناد : ص 124 ح 436 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 289 ح 1158 نحوه ، بحار الأنوار : ج 85 ص 35 ح 25 وص 79 ح 16 .

5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 123 ح 1 عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 85 ص 75 ح 6 .

6- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 180 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 79 ح 15 .

مسند زید: زید بن علی، از پدرش [امام زین العابدین علیه السلام]، از جدش [امام حسین علیه السلام]، از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که ایشان (علی علیه السلام)، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند می گفت.

الکافی_ به نقل از صفوان جمّال _ چند روز پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم. ایشان، در نمازی هم که بلند خوانده نمی شود، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند می گفت، و در هر دو سوره [ی هر رکعت نماز]، آن را بلند می گفت.

الأمالی، طوسی_ به نقل از ابو حفص صائغ _ پشت سرِ امام صادق علیه السلام نماز خواندم. او «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را با صدای بلند گفت.

قرب الإسناد_ به نقل از حنّان بن سَدیر _ نماز مغرب را پشت سرِ امام صادق علیه السلام خواندم. بلند گفت: «به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده؛ و به خدا پناه می برم از این که شیاطین، نزد من بیایند». سپس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را هم با صدای بلند گفت.

امام رضا علیه السلام: بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در همه نمازها، سنّت [و مستحب] است.

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از رجاء بن ابی ضحّاك _ مأمون، مرا فرستاد تا علی بن موسی [الرضا علیه السلام] را از مدینه [به خراسان] بیاورم... من از مدینه تا مرو با ایشان بودم. به خدا سوگند، مردی خداترس تر از او ندیدم... در همه نمازهایش، در شب و روز، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند می گفت.

الإمام الصادق عليه السلام: اجتمع آل محمد عليهم السلام على الجهر بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (1)

دعائم الإسلام: رُوينا عن رسول الله صلى الله عليه وآله وعن عليّ والحسين وعليّ بن الحسين ومحمد بن عليّ وجعفر بن محمد صلوات الله عليهم أجمعين أنهم كانوا يجهرون بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فيما يجهر فيه بالقراءة من الصلوات في أول فاتحة الكتاب وأول السورة في كل ركعة، ويخافون بها فيما تخافت فيه تلك القراءة من السورتين جميعاً. وقال عليّ بن الحسين عليه السلام: اجتمعنا ولد فاطمة عليها السلام على ذلك (2). (3)

هـ - الإجهار بها من علامات الإيمان رسول الله صلى الله عليه وآله في حديث ذكر فيه أن الله عز وجل لما خلق إبراهيم عليه السلام كشف له عن بصره فنظر إلى أنوار محمد صلى الله عليه وآله وأهل بيته عليهم السلام في جانب العرش، إلى أن قال - قال [إبراهيم عليه السلام]: إلهي وسدي، وأرى عدة أنوار حولهم لا يحصي عدتهم إلا أنت! قال: يا إبراهيم، هؤلاء شيعتهم ومحبوهم. قال: إلهي وسدي، بم يعرف شيعتهم ومحبوهم؟ قال: يا إبراهيم، بصلاة الإحدى والخمسين، والجهر بـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، والقنوت قبل الركوع، وسجدتي الشكر، والتختم باليمين. (4)

1- تفسير روض الجنان: ج 1 ص 50 عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام.

2- قال العلامة الحلبي في تذكرة الفقهاء: «يجب الجهر بالبسملة في مواضع الجهر، ويستحب في مواضع الإخفات في أول الحمد وأول السورة عند علمائنا... وقال الشافعي: يستحب الجهر بها قبل الحمد والسورة في الجهرية والإخفائية، وبه قال عمر وابن زبير وابن عباس وابن عمر وأبو هريرة وهو مذهب عطاء وطاووس وسعيد بن جبيرة ومجاهد... وقال الثوري والأوزاعي وأبو حنيفة وأحمد وأبو عبيد: لا يجهر بها بحال... وقال النخعي: جهر الإمام بها بدعة. وقال مالك: المستحب أن لا يقرأها. وقال ابن أبي ليلى، والحكم وإسحاق: إن جهرت فحسن، وإن أخفيت فحسن» (ولمزيد الاطلاع على هذه الأقوال ومصادرها راجع: تذكرة الفقهاء: ج 3 ص 152 و 153).

3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 160، بحار الأنوار: ج 85 ص 81 ح 22.

4- الفضائل: ص 133 عن عبد الله بن أبي وقاص، بحار الأنوار: ج 36 ص 151 ح 131 وج 85 ص 80 ح 20.

ه - بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» از نشانه های ایمان است

امام صادق علیه السلام: خاندان محمد صلی الله علیه و آله بر بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، هم داستان اند.

دعائم الإسلام: برای ما روایت شده است که پیامبر خدا و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد - که درودهای خدا بر همه ایشان باد -، در نمازهایی که قرائت در آنها بلند خوانده می شود، در آغاز «فاتحة الكتاب» و آغاز سوره، در هر رکعتی، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند می گفتند، و در نمازهایی که هر دو سوره در آنها آهسته خوانده می شود، آن را آهسته می گفتند. امام زین العابدین علیه السلام نیز فرموده است: «ما فرزندان فاطمه علیها السلام، بر این، هم داستانی». (1)

ه - بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» از نشانه های ایمان است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در حدیثی که در آن فرمود: خداوند عز و جل چون ابراهیم را آفرید، پرده از دیده اش کنار زد و او، انوار محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را در کنار عرش دید - : [ابراهیم علیه السلام] گفت: معبودا و سرورا! پیرامون ایشان، نورهایی می بینم که شمار آنها را کسی جز تو نمی داند. خداوند فرمود: «ای ابراهیم! آنها پیروان و دوستداران ایشان اند». ابراهیم علیه السلام گفت: معبودا و سرورا! پیروان و دوستداران ایشان، به چه شناخته می شوند؟ فرمود: «ای ابراهیم! به پنجاه و یک [رکعت] نماز (2) و بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و قنوت خواندن پیش از رکوع و گزاردن دو سجده شکر [در پایان نماز] و انگشتی را در دست راست کردن».

1- علامه حلی رحمه الله در تذکرة الفقهاء می گوید: در نمازهایی که با صدای بلند خوانده می شوند، بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، واجب است و در نمازهای آهسته، از نظر علمای امامیه، بلند گفتن آن در اول حمد و اول سوره، مستحب است... شافعی می گوید: بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» قبل از حمد و سوره در نمازهای بلند و آهسته، هر دو، مستحب است. عمر و ابن زبیر و ابن عباس و ابن عمر و ابو هریره و عطا و طاووس و ابن جبیر و مجاهد، همین نظر را دارند...؛ اما ثوری و اوزاعی و ابو حنیفه و احمد و ابو عبید گفته اند: در هیچ حال، نباید آن را با صدای بلند گفت... نخعی، گفته است: بلند گفتن آن، بدعت است. مالک می گوید: مستحب است که «بِسْمِ اللَّهِ»، بلند قرائت نشود. ابن ابی لیلی، حکم و اسحاق نیز گفته اند: چه بلند گفته شود و چه آهسته، در هر دو صورت، نیکوست.

2- هفده رکعت واجب و سی و چهار رکعت نافله.

الإمام الصادق عليه السلام: إذا كان يوم القيامة يُقْبَلُ قَوْمٌ عَلَى نَجَائِبٍ (1) من نورٍ يُنادون بأعلى أصواتهم: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْرَثَنَا أَرْضَهُ نَتَبَوَّأُ (2) مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ: هَذِهِ زُمْرَةُ الْأَنْبِيَاءِ، فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ لِأَنَّ شَيْعَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَهُمْ (3) صَفَوْتِي مِنْ عِبَادِي، وَخَيْرَتِي مِنْ بَرِيَّتِي، فَتَقُولُ الْخَلَائِقُ: إِلَهَنَا وَسَيِّدُنَا، بِمَا نَالُوا هَذِهِ الدَّرَجَةَ؟ فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ: بِتَخْتُمُهُم بِالْيَمِينِ، وَصَلَاتِهِمْ إِحْدَى وَخَمْسِينَ، وَإِطْعَامِهِمُ الْمَسْكِينِ، وَتَعْفِيرِهِمُ الْجَبِينِ، وَجَهْرِهِمْ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (4)

الإمام العسكري عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي خَصَصْتُكَ وَعَلِيًّا وَحُجَّجِي مِنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَشِيعَتَكُمْ بِعَشْرِ خِصَالٍ - إِلَى أَنْ قَالَ - وَالْجَهْرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (5)

عنه عليه السلام: عَلامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ الْخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ، وَتَعْفِيرُ الْجَبِينِ، وَالْجَهْرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». (6)

- 1- التَّجِيبُ: الْفَاضِلُ مِنْ كُلِّ حَيَوَانَ، وَالْجَمْعُ: التَّجْبَاءُ؛ وَالْأُنْثَى: التَّجِييَةُ، وَالْجَمْعُ: النِّجَابُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 3 ص 1749 «نَجْب»).
- 2- أَي نَنْزَلُ مَنَازِلَهَا حَيْثُ نَهَوَى (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 1 ص 200 «بَوَاء»).
- 3- فِي الْمَصْدَرِ: «فَهُوَ»، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.
- 4- تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَةِ: ج 2 ص 524 ح 38 نَقْلًا عَنِ الْكِرَاجِكِيِّ فِي كَنْزِ الْفَوَائِدِ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 36 ص 69 ح 16 وَج 85 ص 79 ح 19.
- 5- مَسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ: ج 4 ص 188 ح 4454 نَقْلًا عَنِ الْهَدَايَةِ لِلْحَسَنِ بْنِ حَمْدَانَ.
- 6- تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ: ج 6 ص 52 ح 122، الْمَزَارُ لِلْمَفِيدِ: ص 53، مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ: ص 788، الْإِقْبَالُ: ج 3 ص 100، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص 215 وَفِيهَا «صَلَاةُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ» بَدَلُ «صَلَاةِ الْخَمْسِينَ»، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 101 ص 106 ح 17.

امام صادق علیه السلام: چون روز قیامت شود، مردمانی سوار بر ماده شترانی نژاده از نور می آیند و بانگ بر می دارند که: «سپاس، خدای را که به وعده اش با ما وفا کرد و زمینش را به ما میراث داد تا در هر جای از بهشت که بخواهیم، ساکن شویم». پس خلائق می گویند: «اینان، گروه پیامبران اند»؛ اما از جانب خداوند عز و جل بانگ می آید که: «اینان، پیروان علی بن ابی طالب اند. اینان، بندگان برگزیده من و آفریدگانِ منتخب من هستند». خلائق می گویند: ای معبود ما و ای سرور ما! از چه سبب به این مقام رسیده اند؟ از جانب خداوند، ندا می آید که: «از برای کردن انگشتی در دست راست، گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز، غذا دادن به مستمندان، نهادن پیشانی بر خاک [در سجده]، و بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»».

امام عسکری علیه السلام: خداوند عز و جل به جدّم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وحی فرمود که: «من، تو و علی را و حجّت هایم را از نسل او تا روز قیامت و [نیز] پیروان شما را، به ده خصلت، ممتاز گردانیدم ...» تا آن که فرمود: «و بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»».

امام عسکری علیه السلام: نشانه های مؤمن، پنج چیز است: [گزاردن] پنجاه رکعت نماز [در شبانه روز]، زیارت اربعین، انگشتی را در دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن [در برابر خدا]، و بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

پژوهشی در باره جهر به «بَسْمَلَه»

1. جهر به «بَسْمَلَه» در سنت نبوی صلی الله علیه وآله

2. سنت جهر به «بَسْمَلَه»، در عمل صحابه

پژوهشی در باره جهر به «بَسْمَلَه» در مورد «جَهْرُ بِبَسْمَلَه (بلند گفتن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)» در نماز، چند نکته قابل توجه است:

1. جهر به «بَسْمَلَه» در سنت نبوی صلی الله علیه و آله از احادیث مُستفیض (1) و غیر قابل تردید اهل سنت و شیعیان اهل بیت علیهم السلام، چنین برمی آید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او، (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) را در همه نمازها، حتی نمازهای اخفاتی، (2) به جهر می خوانده اند. (3) از این رو، همه فقیهان امامیه، بر وجوب جهر به بَسْمَلَه در نمازهای صبح و شب و جمعه، و بر مطلوب بودن آن در نمازهای اخفاتی، اجماع دارند.

2. سنت جهر به «بَسْمَلَه»، در عمل صحابه علاوه بر امیر مؤمنان علیه السلام، دیگر صحابیان و حتی خلفای سه گانه نیز این سنت را رعایت می نمودند. در نقل های معتبر از جمعی از صحابیان و تابعیان آمده است که پشت سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام، ابو بکر و عمر و عثمان، نماز خواندند و آنان، همگی بَسْمَلَه را به جهر می خواندند. از جمله صحابیانی که جهر به بَسْمَلَه از

1- مُستفیض، به حدیثی اطلاق می شود که پایین تر از حدّ «تَوَاتُر» است؛ اما راویان متعدّد در هر طبقه از راویان دارد.

2- مقصود، نمازهایی هستند که باید با «اِخْفَات (آهستگی)» خوانده شوند، نه با «جَهْر (بلند خواندن)».

3- کثرت این احادیث، در حدّی است که بعید نیست به حدّ تَوَاتُر نیز برسند.

آنان نقل شده، عَمَّار، أَنَس، عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عمر، عبد الله بن زبیر، عایشه، ابو بکر، عمر، عثمان، حکم بن عمیر، عامر بن وائله لیثی (ابو طفیل)، نعمان بن بشیر، عبید بن رفاعه و ابو هُرَیره هستند. در مقابل، باید برخی نقل ها را که به پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام، أَنَس، خلفای سه گانه و ابن عَبَّاس نسبت داده اند که اصلاً نماز را بدون بَسْمَلَه و یا به اخفات می خوانده اند، تلاش هایی برای توجیه بدعت بنی امیه شمرد، چنان که در ادامه این تحلیل، روشن خواهد شد. علاوه بر کثرت و قوت غیر قابل قیاس احادیث دسته اول، از جمله شواهد آن، احادیثی هستند که اعتراض عمومی اهل مدینه را در مقابل معاویه در تغییر دادن سنت جَهْر و ترک بَسْمَلَه نقل می کنند. وقتی معاویه در زمان حکومتش به ترک این سنت و سیره اقدام می کند، با اعتراض فراگیر صحابیان و تابعیان حاضر در مدینه مواجه می گردد. شافعی، در کتاب الأُمّ و دارقُطنی و بیهقی در کتاب های سنن خود، در باره ترک سنت و سیره جَهْر به «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» توسّط معاویه و اعتراض عمومی به این کار او، نقل کرده اند که: معاویه به مدینه آمد و نماز جماعت را برای مردم خواند و «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را نخواند و هر گاه به سجده می رفت و سر بر می داشت، تکبیر نمی گفت. چون نمازش را سلام داد، مهاجران و انصار، صدا زدند: «ای معاویه! از نمازت دزدیدی!» «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» و تکبیر، کجا رفت؟». از آن پس، چون نماز خواند، در اُمّ القرآن (سوره حمد) و سوره بعد از آن، «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» گفت و هنگامی که برای رفتن به سجده خم شد، «اللّٰهُ أَكْبَرُ» گفت. (1) حاکم نیشابوری نیز پس از نقل این روایت در کتاب المستدرک، آن را صحیح می شمارد. (2)

1- ر. ک: الدر المنثور: ج 1 ص 20.

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 233.

3. دگرگونی سنت جهر به «بَسْمَلَه»

ملاحظه می کنید که با حذف «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» از سوره های نماز، صحابیان و تابعیان، فریاد برمی آورند. این، نشانگر آن است که علاوه بر این که جزئیت «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» برای سوره حمد و دیگر سوره ها، از مسلمات در نزد صحابیان بوده است، جهر به آن نیز از سنت مستمر، شمرده می شده است؛ زیرا اگر خلفای پیشین نیز پایبند به جهر به بَسْمَلَه نبودند، معاویه با چنان اعتراضی عمومی رو به رو نمی شد و بهانه ای هم برای توجیه عمل خود داشت.

3. دگرگونی سنت جهر به «بَسْمَلَه» مطابق نقل محدثان شیعه و اهل سنت، التزام به جهر به بَسْمَلَه، تا اوایل زمان حکومت بنی امیه ادامه داشت و این بدعت، در زمان حکومت سلاطین اموی پیدا شد. نخستین کسی که سنت جهر به بَسْمَلَه را به إخفات تغییر داد، عمرو بن سعید بن عاص، حاکم اموی مدینه بود. بیهقی، از زهری نقل می کند که: از سنت نماز، این بود که «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» قرائت شود و نخستین کسی که آن را آهسته خواند، عمرو بن سعید بن عاص، حاکم مدینه بود. او فردی خجالتی بود. (1) البته چنان که از روایت شافعی و دارقطنی و بیهقی دانستید، نخستین کسی که اقدام به ترك گفتن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» در نماز کرد، معاویه بود؛ ولی پس از مواجهه با اعتراض عمومی صحابیان و تابعیان مدینه، عقب نشینی نمود؛ لیکن این سیاست، توسط زمامداران و حاکمان اموی ادامه یافت. علامه امینی، پس از نقل خبر نقل شده، می گوید: این احادیث، نشان می دهند که از زمان نزول قرآن، بَسْمَلَه همچنان جزئی از سوره

4. ستیز اهل بیت علیهم السلام با این بدعت

شمرده می شده است و اَمّت، با آن، این گونه رفتار می کرده اند و بدان، باور قلبی داشته اند. به همین دلیل، زمانی که معاویه آن را [در ذوق] ترک کرد، مهاجران و انصار گفتند: «او از نماز، دزدیده است» و معاویه هم دلیلی بر این که بَسْمَلَه، جزئی از سوره نیست، نیاورد؛ بلکه نمازش را اعاده کرد و این بار «بِسْمِ اللّٰهِ» گفت و یا در بقیّه نمازش به آن، پایبندی نشان داد. در صورتی که اگر در آن روز، قولی در خصوص این که بَسْمَلَه، جزئی از سوره نیست، وجود می داشت، قطعاً معاویه به آن احتجاج می کرد؛ اما چنین قولی بعدها ساخته شد تا عمل معاویه و دیگر اُمویان مانند او که با وجود روشن شدن راه از بیراهه، همچنان از او پیروی کردند، توجیه گردد. (1)

4. ستیز اهل بیت علیهم السلام با این بدعت از احادیث اهل بیت علیهم السلام به روشنی بر می آید که آنان برای ادای تکلیف خود در تبیین احکام الهی و نیز برای حراست از سنت نبوی صلی الله علیه و آله و ستیز با بدعت حذف بَسْمَلَه و یا اِخْفَاتِ (آهسته گفتن) آن، بر بیان حکم واقعی آن، تأکید و اصرار مضاعفی داشته اند. در این جهت، آنان، جَهر به «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را به عنوان یکی از شعارهای اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان برشمردند؛ بلکه وضوح سنت بودن جَهر به بَسْمَلَه را (در مقابل بدعت حذف را اِخْفَاتِ آن)، در حدّ وضوح حرمت خَمَر و باطل بودن مسح بر کفش (به جای مسح بر پا) دانستند و تقیّه را در این موارد، روا نشمردند. (2)

1- الغدیر: ج 10 ص 202.

2- امام صادق علیه السلام می فرماید: «التَّحِيَّةُ دِينِي وَدِينُ آبَائِي إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: فِي شُرْبِ الْمُسْكِرِ، وَالْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ، وَتَرْكِ الْجَهْرِ بِ «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»؛ تقیّه کردن، آیین من و آیین پدرانم است؛ مگر در سه چیز: در نوشیدن شراب، مسح کردن [هنگام وضو] بر کفش ها، و ترک بلند خواندن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» [در نماز]» (دعائم الإسلام: ج 1 ص 110).

2/5 تجويدُ الكِتَابَةِ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا كَتَبْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَبَيِّنِ السِّينَ فِيهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله_ في بيانِ آدابِ كِتَابَةِ البِسْمَلَةِ _ : لا تَمُدَّ البَاءَ إِلَى الميمِ حَتَّى تَرْفَعَ السِّينَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: أُكْتُبُ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مِنْ أَجْوَدِ كِتَابِكَ ، وَلا تَمُدَّ البَاءَ حَتَّى تَرْفَعَ السِّينَ . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا كَتَبَ أَحَدُكُمْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَلْيَمُدَّ الرَّحْمَنَ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَتَبَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَجَوَّدَهُ تَعْظِيمًا لِلَّهِ ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ . (5)

الإمام عليّ عليه السلام: تَتَوَقَّ (6) رَجُلٌ فِي «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فُغْفِرَ لَهُ . (7)

1- .تاريخ بغداد : ج 12 ص 340 ، تاريخ دمشق : ج 16 ص 6 ح 3826 ، البداية والنهاية : ج 10 ص 195 ، الفردوس : ج 1 ص 278 ح 1087 كلُّها عن زيد بن ثابت ، كنز العمال : ج 10 ص 244 ح 29300 ؛ منية المريد : ص 350 عن زيد بن ثابت ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 .

2- .منية المريد : ص 350 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 ؛ الدرّ المنثور : ج 1 ص 27 نقلاً عن السلفي في جزء له عن ابن عبّاس .

3- .الكافي : ج 2 ص 672 ح 2 عن سيف بن هارون مولى آل جعدة ، مشكاة الأنوار : ص 250 ح 734 عن هارون مولى آل أبي جعدة .

4- .منية المريد : ص 350 عن أنس ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 ؛ الفردوس : ج 1 ص 296 ح 1168 عن أنس ، كنز العمال : ج 10 ص 244 ح 29299 نقلاً عن الخطيب في الجامع .

5- .منية المريد : ص 351 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 34 ح 4 ؛ الدرّ المنثور : ج 1 ص 27 نقلاً عن أبي نعيم في تاريخ أصبهان وابن اشته في المصاحف عن أنس .

6- .تتوقّ وتنتيقّ : تجوّد وبالغ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1850 «نوق»).

7- .شعب الإيمان : ج 2 ص 546 ح 2667 عن قيس بن أبي حازم ، كنز العمال : ج 2 ص 296 ح 4045 ؛ منية المريد : ص 351 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 35 ح 4 .

5 / 2 نیکو نوشتن «بسم الله»

5/2 نیکو نوشتن «بسم الله» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می نویسی ، «سین» آن را واضح بنویس .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان شیوه نوشتن «بسم الله» _ : «باء» را تا «میم» نکش ؛ بلکه «سین» را بالا ببر (دندانۀ دار کن) .

امام صادق علیه السلام : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به نیکوترین شکل بنویس و باء را [تا میم] نکش ؛ بلکه سین را بالا ببر (دندانۀ بده) .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نوشت ، «الرحمن» را بکشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بنویسد و آن را ، به احترام خداوند ، نیکو بنویسد ، خدا ، او را می آمرزد .

امام علی علیه السلام: مردی در نوشتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دقت به خرج داد و نیکو نوشت و بدین سبب ، آمرزیده شد .

منية المرید: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ كُتَّابِهِ: أَلَيْقَ (1) الدَّوَاةُ، وَحَرَّفَ (2) الْقَلَمَ، وَانصَبَ البَاءَ، وَفَرَّقَ السَّيْنَ، وَلَا تُعَوِّرِ الميمَ، وَحَسَّنِ اللَّهُ، وَمُدَّ الرَّحْمَنَ، وَجَوَّدَ الرَّحِيمَ، وَضَعَ قَلَمَكَ عَلَى أُذُنِكَ الْيُسْرَى؛ فَإِنَّهُ أَذَكَرُ لَكَ. (3)

3 / 5 إكرامُ المَكْتُوبِ رسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ رَفَعَ قِرطاساً مِنَ الْأَرْضِ مَكْتُوباً عَلَيْهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» إِجْلالاً لِلَّهِ وَيَاسِماً عَنِ أَنْ يُدَاسَ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ، وَخُفِّفَ عَنِ الْوِذْيَةِ وَإِنْ كَانَ مُشْرِكِينَ. (4)

الدرّ المنثور عن عمر بن عبد العزيز: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَى كِتَابٍ فِي الْأَرْضِ، فَقَالَ لِفَتَى مَعَهُ: مَا فِي هَذَا؟ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ»، قَالَ: لَعَنَ مَنْ فَعَلَ هَذَا، لَا تَضَعُوا «بِسْمِ اللَّهِ» إِلَّا فِي مَوْضِعِهِ. (5)

- 1- لاقَ الدَّوَاةَ وَأَلَاقَهَا: أَصْلَحَ مِدَادَهَا [والمِدادُ: الحِجْر] فَلَاقَتِ الدَّوَاةُ؛ لَصِقَ المِدادُ بِصَوْفِهَا (القاموس المحيط: ج 3 ص 281 «لاق»).
- 2- تحريفُ القلم: قَطُّهُ مُحَرَّفًا (الصحاح: ج 4 ص 1343 «حرف»).
- 3- منية المرید: ص 349، بحار الأنوار: ج 92 ص 34 ح 4؛ الشفا بتعريف حقوق المصطفى: ص 448 ح 1093، أدب الإملاء والاستملاء: ج 2 ص 588 ح 507، تفسير القرطبي: ج 13 ص 353، كنز العمال: ج 10 ص 314 ح 29566 نقلاً عن الديلمي وكلها عن معاوية.
- 4- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 32 عن أنس، إرشاد القلوب: ص 185؛ ربيع الأبرار: ج 2 ص 335، الدرّ المنثور: ج 1 ص 29 نقلاً عن الخطيب في تالي التلخيص وكلاهما عن أنس.
- 5- الدرّ المنثور: ج 1 ص 29 نقلاً عن أبي داود في مراسيله.

5 / 3 احترام نهادن به نوشته «بسم الله»

منية المرید: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که به یکی از نویسندگان فرمود: «دوات را ليقه کن و قلم را کج برش بزن ، [سَر] بآء را بالا- بکش ، سین را دندانۀ دار بنویس ، میم را کور مکن ، الله را خوش بنویس ، الرحمن را بکش و الرحیم را نیکو بنویس و قلمت را بر پشت گوشت بگذار ، که این کار ، برای به یاد سپردنت بهتر است» .

5 / 3 احترام نهادن به نوشته «بسم الله» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس کاغذی را که بر آن «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» نوشته شده و روی زمین افتاده است ، به احترام خداوند و جلوگیری از پایمال شدن نام او ، از زمین بردارد ، نزد خداوند ، از راستگویان به شمار می آید و [عذاب] برای پدر و مادرش سبک می شود ، اگر چه مشرک بوده باشند .

الدر المنثور_ به نقل از عمر بن عبد العزیز _ پیامبر صلی الله علیه و آله به نوشته ای که روی زمین افتاده بود ، بر خورد . به جوانی که همراهش بود ، فرمود : «در این ، چه نوشته است؟» . گفت : «بسم الله» . فرمود : «ملعون است کسی که این کار را کرده است . بسم الله را جز در جایگاهش قرار ندهید» .

38 . گشاده رویی و خوش رویی

اشاره

38 . گشاده رویی و خوش روییدرآمدفصل یکم : تشویق به گشاده رویی و خوش روییفصل دوم : خاستگاه های گشاده روییفصل سوم : برکت های گشاده روییفصل چهارم : گشاده رویی نکوهیده

«بِشَاشَتْ» و «بِشْرٌ»، در لغت

درآمدبشاشت و بِشْرٌ، در لغتواژه «بشاشت»، از ریشه «بشش» به معنای گشاده رویی، شادابی، خوش رویی و اظهار شادی در برخورد با دیگران است. ابن منظور، در این باره می گوید: البشُّ، اللُّطْفُ فِي الْمَسْأَلَةِ وَالْإِقْبَالُ عَلَى الرَّجُلِ... وَالْبِشَاشَةُ طَلَاقَةُ الْوَجْهِ... بِشَاشَةٌ اللَّقَاءِ: الْفَرَحُ بِالْمَرْءِ وَالْإِنْسِاطُ إِلَيْهِ وَالْأُنْسُ بِهِ. (1) بَشٌّ، نرمش و مهربانی در خواهش، و نیز روی آوردن به کسی است... و بِشَاشَتْ: شکفتگی و باز بودن روی است... بشاشت در دیدار، اظهار شادی و انبساط خاطر و خون گرمی نمودن در برخورد با دیگران است. نیز وی در تبیین معنای «بِشْرٌ» آورده است: الْبِشْرُ: الطَّلَاقَةُ... وَهُوَ حَسَنُ الْبِشْرِ أَيْ طَلَّقَ الْوَجْهَ. (2) بِشْرٌ، گشادگی است... و او خوش روست، یعنی گشاده روست. ابن فارس نیز در تبیین معنای ماده «بشْر» می گوید: الْبَاءُ وَالشَّيْنُ وَالرَّاءُ، أَصْلٌ وَاحِدٌ: طُهورُ الشَّيْءِ مَعَ حُسْنٍ وَجَمَالٍ. (3) بَاءٌ وَشَيْنٌ وَرَاءٌ، يك ريشه است به معنای آشکار شدن چیزی با نیکویی و زیبایی.

1- لسان العرب: ج 6 ص 266 ماده «بشش».

2- لسان العرب: ج 4 ص 61_ 62 ماده «بشْر».

3- معجم مقاییس اللّغة: ج 1 ص 251 ماده «بشْر».

گشاده رویی ، در حدیث

1. رابطه گشاده رویی و حُسن خُلق

2. ارزش گشاده رویی

با این بیان، بشر به معنای سُروَر و خوش رویی و برخورد کردن با چهره باز و شادمانه است. بنا بر این، «بَشاشت» و «بِشَّر» ، به معنای شادی و سُروری است که هنگام دیدار با دیگران، در چهره آشکار می گردد و حاکی از علاقه قلبی دیدار کننده است.

گشاده رویی، در حدیث قرآن کریم، واژه های «بَشاشت» و «بِشَّر» به کار نرفته است؛ ولی در احادیث نقل شده از اهل بیت علیهم السلام، این واژه ها کاربرد فراوانی دارند. پیش از ملاحظه این روایات، به نکات زیر، توجه فرمایید:

1. رابطه گشاده رویی و حُسن خُلق گشاده رویی هنگام دیدار با دیگران، یکی از مصادیق حُسن خُلق است، بدین سان که حُسن خُلق در روایات اسلامی، در دو معنا به کار رفته است: گاه به معنای گشاده رویی، و گاه به معنای مطلق مکارم اخلاقی که گشاده رویی، یکی از مصادیق آنهاست. از این رو، افزون بر احادیث این بخش، همه متون دینی که به حُسن خُلق (1) توصیه کرده اند، نیز از متون این بخش محسوب می شوند.

2. ارزش گشاده رویی گشاده رویی در برخورد با دیگران، یکی از ویژگی های همه پیامبران و اولیای دین، بویژه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام است. در روایات اسلامی، گشاده رویی، نوعی صدقه و بذل و بخشش محسوب شده است؛ بلکه پیش از بذل و بیش از آن، اهمیت و ارزش دارد.

1- این متون، در ذیل عنوان «خُلق» در این دانش نامه خواهند آمد. إن شاء الله!

3. فواید گشاده رویی**4. خاستگاه گشاده رویی**

این خصلت، برای همه پسندیده است؛ ولی برای کارگزاران نظام اسلامی، اهمّیت بیشتری دارد. لذا امام علی علیه السلام رسماً از کارگزاران خود می‌خواست که با گشاده رویی با مردم برخورد کنند. (1)

3. فواید گشاده رویی گشاده رویی، آثار و برکات فراوانی برای زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان دارد. این خصلت، سبب می‌شود که کینه و کدورت، جای خود را به انس و الفت و محبّت دهد و بدین سان، زمینه ساز آسایش جسم و جان و مهم‌تر از آن، همدلی، رفاه و آسایش خانوادگی و اجتماعی است. افزون بر این، اگر گشاده رویی با قصد قربت انجام شود، موجب نورانیت جان و نزدیکی به خدای مهربان و آسایش همیشگی در بهشت جاویدان است، چنان‌که از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: **الْبِشْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَاقَةُ الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَ قُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ، وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ وَ سُوءُ الْبِشْرِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ وَ بَعْدُ مِنَ اللَّهِ.** (2) روی خوش داشتن و گشاده رویی، باعث جلب محبّت و تقرب به خدا می‌شود، و ترش رویی و بدبرخوردی، موجب دشمنی و دوری از خدا.

4. خاستگاه گشاده رویی عیناً به نقش مثبت و سازنده گشاده رویی در زندگی مادی و معنوی انسان، روشن می‌گردد که توصیه اکید اسلام بر این خصلت پسندیده، ریشه عقلی و انسانی دارد، و حتّی اگر کسی عقیده به آخرت هم نداشته باشد، برای آسایش دنیای خود،

1- ر. ک: ص 341 (تأکید بر گشاده رویی بودن حکمرانان و کارگزاران).

2- ر. ک: ص 362 ح 103.

5. گشاده رویی زیانبار

نیازمند خوش رویی است .

5. گشاده رویی زیانبار آخرین نکته این که گشاده رویی ، در همه جا و با همه کس ، پسندیده نیست ؛ بلکه گاه زیانبار و نکوهیده است ، مانند خوش رویی با افراد فاسد و تبهکار و بدعت گذار ، در صورتی که موجب تجزی آنها به تبهکاری گردد . از این رو ، از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود : *أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ* . (1) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد که با گنه پیشگان ، با چهره های در هم کشیده ، روبه رو شویم . اما اگر گشاده رویی با گناهکاری ، موجب تنبّه و پشیمانی او گردد ، طبعاً پسندیده و نیکوست ، چنان که خوش رویی با اشرار برای مصون ماندن از شرارت آنها ، بلا مانع است . (2)

1- . رك : ص 364 ح 109 .

2- . رك : ص 343 (گشاده رویی از روی مدارا و ملاحظه) و ص 359 (از بین رفتن کینه) .

الفصل الأول : الحث على البشاشة والبشرى 1 / 1 فضل البشاشة والبشرى _ من مكارم أخلاق الأنبياء والأولياء رسول الله صلى الله عليه وآله : إن من مكارم أخلاق النبيين والصدّيقين والشهداء والصالحين ، البشاشة إذا تراوروا ، والمصافحة والترحيب إذا التقوا . (1)

ب _ من خصائص النبي صلى الله عليه وآله شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد عن أبي سعيد الخدري : إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان ... طلق الوجه ، بساما من غير ضحك ، محزوناً من غير عبوس . (2)

الطبقات الكبرى عن عكرمة : إن النبي صلى الله عليه وآله ، كان إذا أتاه رجل فرأى في وجهه بشراً أخذ بيده . (3)

1- .كنز العمال : ج 9 ص 39 ح 24826 نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 29 كلاهما عن جابر بن عبد الله الأنصاري .

2- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 11 ص 196 ؛ بحار الأنوار : ج 73 ص 208 .

3- .الطبقات الكبرى : ج 1 ص 378 ، كنز العمال : ج 7 ص 137 ح 18382 .

فصل یکم : تشویق به گشاده رویی و خوش رویی

1 / 1 ارزش گشاده رویی و خوش رویی

الف - از خوی های والای پیامبران و اولیا

ب - از ویژگی های پیامبر صلی الله علیه وآله

فصل یکم : تشویق به گشاده رویی و خوش رویی 1 / 1 ارزش گشاده رویی و خوش رویی الف - از خوی های والای پیامبران و اولیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از جمله خوی های والای پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکان ، این است که هر گاه به دیدار هم می روند ، گشاده رو باشند ، و چون به هم می رسند ، دست می دهند و به گرمی از یکدیگر استقبال می کنند .

ب - از ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله شرح نهج البلاغة ، ابن ابی الحدید - به نقل از ابو سعید خُدری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ... گشاده رو بود و چهره ای شاد داشت ، بی آن که بخندد ، و اندوهگین بود ، بی آن که ترش رو باشد .

الطبقات الکبری - به نقل از عکرمه - : پیامبر صلی الله علیه و آله چنان بود که هر گاه مردی نزدش می آمد و در چهره اش شادی می دید ، دست او را می گرفت .

الإمام الحسن عليه السلام: سَأَلْتُ خَالِي هِنْدَ بْنَ أَبِي هَالَةَ عَنِ حَلِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَكَانَ وَصَافًا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... فَقَالَ: كَانَ دَائِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلُقِ، لَيِّنَ الْجَانِبِ. (1)

إرشاد القلوب: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... خَفِيفَ الْمُؤَنَّةِ، كَرِيمَ الطَّبِيعَةِ، جَمِيلَ الْمُعَاشَرَةِ، طَلَقَ الْوَجْهَ، بَشَّاشًا مِنْ غَيْرِ ضِحْكٍ، مَحْزُونًا مِنْ غَيْرِ غُبُوسٍ. (2)

كتاب الإخوان عن عكرمة: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا لَقِيَ الرَّجُلَ فَرَأَى فِي وَجْهِهِ الْبِشْرَ صَافِحَهُ. (3)

سنن الترمذي عن عبد الله بن الحارث: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَكْثَرَ تَبَسُّمًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (4)

المعجم الصغير عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَفْكِهِ النَّاسِ مَعَ الصَّبِيِّ. (5)

المعجم الكبير عن أبي أمامة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَضْحَكِ النَّاسِ وَأَطْيَبِهِمْ نَفْسًا. (6)

ج. مِنْ خَصَائِصِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرَآشُوبَ عَنْ حَرِيثٍ فِي وَصْفِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشْرُهُ دَائِمًا، وَتَغْرُهُ بِاسْمٍ. (7)

1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 316 و 318 ح 1، معاني الأخبار: ص 80 و 83 ح 1 كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 41 و ص 45 ح 1، بحار الأنوار: ج 16 ص 148 و 152 ح 4؛ المعجم الكبير: ج 22 ص 155 و 158 ح 414 عن ابن أبي هالة التميمي، كنز العمال: ج 7 ص 166 ح 18535.

2- إرشاد القلوب: ص 115.

3- الإخوان لابن أبي الدنيا: ص 193 ح 137.

4- سنن الترمذي: ج 5 ص 601 ح 3641، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 215 ح 17720، الشمائل المحمدية: ص 111 ح 228، الطبقات الكبرى: ج 1 ص 372، أسد الغابة: ج 3 ص 205 الرقم 2873.

5- المعجم الصغير: ج 2 ص 39، دلائل النبوة للبيهقي: ج 1 ص 331، مداراة الناس لابن أبي الدنيا: ج 1 ص 55 وليس فيه «مع الصبي».

6- المعجم الكبير: ج 8 ص 208 ح 7838، مداراة الناس لابن أبي الدنيا: ج 1 ص 55 وفيه «من أضحك الناس سنًا»، كنز العمال: ج 7 ص 140 ح 18399.

7- المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 115، بحار الأنوار: ج 41 ص 51 ح 3.

ج - از ویژگی های علی علیه السلام

امام حسن علیه السلام: از دایی ام هند بن ابی هاله _ که وصف کننده پیامبر صلی الله علیه و آله بود _ ، در باره هیئت و شکل ظاهری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم : ... پس گفت : همیشه خوش رو ، نرم خو ، فروتن و مهربان بود .

إرشاد القلوب : پیامبر صلی الله علیه و آله ... کم خرج و زحمت ، آقامنش ، خوش معاشرت و گشاده رو بود . چهره ای شاد داشت ، بی آن که بخندد ، و اندوهگین بود ، بی آن که ترش رو باشد .

الإخوان ، ابن ابی الدنیا _ به نقل از عِکْرَمَه _ : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه به کسی می رسید و در چهره اش شادی می دید ، با او دست می داد .

سنن الترمذی _ به نقل از عبد الله بن حارث _ : هیچ کس را ندیدم که به اندازه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تبسم بر لب داشته باشد .

المعجم الصغیر _ به نقل از آنس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، از شوخ ترین مردمان با کودکان بود .

المعجم الکبیر _ به نقل از ابو امامه _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خندان ترین و پاک نهادترین مردمان بود .

ج _ از ویژگی های علی علیه السلام المناقب ، ابن شهر آشوب _ به نقل از حرith ، در وصف امام علی علیه السلام _ : همیشه خوش رو بود و لبخند بر لب داشت .

د _ مِنْ خِصَائِصِ الْعُرَفَاءِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَارِفُ وَجْهَهُ مُسْتَبَشِرٌ مُتَبَسِّمٌ ، وَقَلْبُهُ وَجِلٌّ مَحْزُونٌ . (1)

ه _ أَوَّلُ الْبِرِّ وَالنَّوَالِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبِشْرُ أَوَّلُ الْبِرِّ . (2)

عنه عليه السلام: بِشْرُكَ أَوَّلُ بَرِّكَ ، وَوَعْدُكَ أَوَّلُ عَطَائِكَ . (3)

عنه عليه السلام: الْبِشْرُ أَوَّلُ النَّوَالِ . (4)

عنه عليه السلام: الْبِشْرُ أَوَّلُ النَّائِلِ ! (5)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الْبِشْرِ أَوَّلُ الْعَطَاءِ ، وَأَسْهَلُ السَّخَاءِ . (6)

و _ أَوَّلُ الْمُرُوَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ الْمُرُوَّةِ الْبِشْرُ ، وَأَخْرَجَهَا اسْتِدَامَةُ الْبِرِّ . (7)

عنه عليه السلام: أَوَّلُ الْمُرُوَّةِ طَلَاقَةُ الْوَجْهِ ، وَأَخْرَجَهَا التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ . (8)

ز _ أَحَدُ الْعَطَاءِ يَنْسُوبُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ، إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ ، فَالْقَوْمُ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبِشْرِ . (9)

-
- 1- غرر الحكم: ج 2 ص 105 ح 1985 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 60 ح 1515 .
 - 2- غرر الحكم: ج 1 ص 79 ح 296 .
 - 3- غرر الحكم: ج 3 ص 268 ح 4452 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 196 ح 4010 .
 - 4- غرر الحكم: ج 1 ص 167 ح 634 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 25 ح 254 .
 - 5- غرر الحكم: ج 1 ص 140 ح 519 .
 - 6- غرر الحكم: ج 3 ص 388 ح 4835 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 228 ح 4385 .
 - 7- غرر الحكم: ج 2 ص 460 ح 3292 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 124 ح 2824 وفيه « الفتوة » بدل « المروة » .
 - 8- غرر الحكم: ج 2 ص 460 ح 3290 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 124 ح 2822 .
 - 9- الكافي: ج 2 ص 103 ح 1 عن الحسن بن الحسين عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار: ص 393 ح 1291 ، بحار الأنوار: ج 74 ص 169 ح 36 .

د - از ویژگی های عارفان

ه - نخستین احسان و دَهِش

و - آغاز جوان مردی

ز - یکی از دو دَهِش

د - از ویژگی های عارفان امام علی علیه السلام: عارف، چهره اش شادان و خندان است، و دلش، ترسان و اندوهناک.

ه - نخستین احسان و دَهِش امام علی علیه السلام: خوش رویی، نخستین احسان است [که به همراهت می کنی].

امام علی علیه السلام: خوش رویی تو، نخستین احسان توست و وعده ات، نخستین دَهِشت.

امام علی علیه السلام: خوش رویی، نخستین بخشش است.

امام علی علیه السلام: خوش رویی، نخستین دَهِش است.

امام علی علیه السلام: خوش رویی، نخستین دَهِش و آسان ترین سخاوتمندی است.

و - آغاز جوان مردی امام علی علیه السلام: آغاز جوان مردی، خوش رویی است و پایانش، ادامه دادن نیکی.

امام علی علیه السلام: آغاز جوان مردی، گشاده رویی است و پایانش، مهرورزی با مردم.

ز - یکی از دو دَهِش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پسران عبد المطلب! شما هرگز نمی توانید همه مردم را از اموال خود، بهره مند

سازید. پس با آنان با گشاده رویی و خوش رویی برخورد کنید.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّكُمْ لَا تَسْعُونَ النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، وَلَيَسَعُهُمْ مِنْكُمْ بَسْطُ الْوَجْهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ اللَّقَاءِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ. (2)

عنه عليه السلام: الْبِشْرُ أَحَدُ الْعَطَاءَيْنِ. (3)

عنه عليه السلام: بِشَاشَةُ الْوَجْهِ عَطِيَّةٌ ثَانِيَةٌ. (4)

ح_ أَحَدُ الْبِشَارَتَيْنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ: حُسْنُ الْبِشْرِ أَحَدُ الْبِشَارَتَيْنِ. (5)

ط_ أَحَدُ الْقَرَائِنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ: الْبِشَاشَةُ أَحَدُ الْقَرَائِنِ (6). (7)

-
- 1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 212 ح 427 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 6 ص 90 ح 20 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 461 ح 536 كلّها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 6 ح 5158 ؛ الزهد للحسين بن سعيد : ص 92 ح 13 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 98 .
 - 2- .الأمالی للصدوق : ص 531 ح 718 عن عبد العظيم الحسني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 384 ح 22 .
 - 3- .غرر الحكم : ج 2 ص 13 ح 1613 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 26 ح 319 .
 - 4- .المواعظ العددية : ص 54 .
 - 5- .غرر الحكم : ج 3 ص 391 ح 4849 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 227 ح 4364 .
 - 6- .قَرِيْتُ الضَّيْفِ _ من باب رَمَى _ قَرِيٌّ بالكسر والقصر ، والاسم : الْقَرَاءُ بالفتح والمدّ (المصباح المنير : ص 501 « قري ») .
 - 7- .غرر الحكم : ج 2 ص 28 ح 1692 .

ح - یکی از دو مژده**ط - یکی از دو میهمان نوازی**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما نمی توانید با اموالتان به همه مردم کمک کنید [؛ زیرا دارایی شما ، جوابگوی همگان نیست] . پس با گشاده رویی و خوش اخلاقی خود ، آنان را پوشش دهید .

امام علی علیه السلام : شما هرگز نمی توانید همه مردم را از اموالتان برخوردار سازید . پس ، از گشاده رویی و خوش برخوردی خویش ، برخوردارشان سازید ؛ زیرا من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : شما هرگز نمی توانید مردم را با اموال خود ، پوشش دهید . پس با اخلاقتان ، آنها را پوشش دهید .» .

امام علی علیه السلام : خوش رویی ، یکی از دو دَهِش است .

امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، دَهِش دوم (/ دیگری) است .

ح - یکی از دو مژده امام علی علیه السلام : خوش رویی ، یکی از دو مژده است . (1)

ط - یکی از دو میهمان نوازی امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، یکی از دو میهمان نوازی است . (2)

1- مراد ، این است که چنان که وعده عطا و احسان ، برای کسی که طلب می کند ، مژده است ، خوش رویی با او نیز برای او مژده است و او را امیدوار می سازد . پس در اوّل ، آن مژده را باید به او داد .

2- خوش رویی نسبت به دیگری ، یکی از دو میهمانی کردن است ، یعنی حکم میهمانی کردن را دارد .

ي_ أَعَدُّ النَّجْحَيْنِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُسْنُ الْمَلَقَى أَحَدُ النَّجْحَيْنِ . (1)

1 / 2 تَأْكِيدُ طَلَاقَةِ الْوَجْهِ لِجَمِيعِ النَّاسِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَحِمَ اللَّهُ كُلَّ سَهْلٍ طَلِقٍ (2) . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَنِ الْمَعْرُوفِ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِقٍ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَحْقِرَنَّ شَيْئًا مَنِ الْمَعْرُوفِ ، وَأَنْ تُكَلِّمَ أَخَاكَ وَأَنْتَ مُنْبَسِطٌ إِلَيْهِ وَجْهَكَ ، إِنَّ ذَلِكَ مَنِ الْمَعْرُوفِ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ ، وَمَنِ الْمَعْرُوفِ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ وَوَجْهَكَ إِلَيْهِ مُنْبَسِطٌ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَحْقِرَنَّ مَنِ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا... وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ وَوَجْهَكَ إِلَيْهِ مُنْطَلِقٌ ، وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ فَتَسَلَّمَ عَلَيْهِ . (7)

1- غرر الحكم : ج 3 ص 391 ح 4850 .

2- طَلِقٌ : مُنْبَسِطُ الْوَجْهِ مُتَهَلِّلُهُ (النهاية : ج 3 ص 134 « طلق ») .

3- الزهد للحسين بن سعيد : ص 92 ح 70 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 316 ح 995 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 395 ح 71 .

4- سنن الترمذي : ج 4 ص 347 ح 1970 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 111 ح 14715 و ص 143 ح 14883 ، الأدب المفرد : ص 99 ح 304 ، المعجم الأوسط : ج 9 ص 31 ح 9044 كلَّها عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج 6 ص 418 ح 16339 .

5- سنن أبي داود : ج 4 ص 56 ح 4084 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 399 ح 21093 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 359 ح 20658 و ج 9 ص 64 ح 23265 ، الأدب المفرد : ص 344 ح 1182 كلاهما نحوه وكلَّها عن جابر بن سليم ، كنز العمال : ج 15 ص 881 ح 43496 .

6- تاريخ دمشق : ج 26 ص 385 ح 5689 عن جابر ، كنز العمال : ج 6 ص 418 ح 16339 .

7- مسند ابن حنبل : ج 5 ص 402 ح 15955 عن أبي تميمة الهجيني ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2026 ح 144 ، صحيح ابن حبان : ج 2 ص 282 ح 523 كلاهما عن أبي ذر نحوه ، كنز العمال : ج 6 ص 440 ح 16444 ؛ تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 104 نحوه .

ی - یکی از دو کامیابی

1 / 2 تأکید بر گشاده رویی با همه مردم

ی - یکی از دو کامیابی امام علی علیه السلام: خوش برخوردی، یکی از دو کامیابی است.

1 / 2 تأکید بر گشاده رویی با همه مردم پیامبر صلی الله علیه و آله: رحمت خدا بر هر نرم خوی گشاده رو باد!

پیامبر صلی الله علیه و آله: از جمله نیکی، آن است که با برادرت با روی گشاده، برخورد کنی.

پیامبر صلی الله علیه و آله: هرگز چیزی از نیکی را کوچک مشمار؛ این که با برادرت با چهره ای گشاده سخن بگویی، این خود از نیکی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله: هر کار نیکی، صدقه است، و از نیکی است که در برخورد با برادرت، با او گشاده رو باشی.

پیامبر صلی الله علیه و آله: هرگز چیزی از نیکی را کوچک مشمار...، اگر چه در برخورد با برادرت، با او گشاده رو باشی و یا هنگام رسیدن به برادرت، بر او سلام بگویی.

تنبيه الخواطر عن سليمان بن جابر: أتيت رسول الله صلى الله عليه وآله فقلت: علمني خيراً ينفَعُنِي اللهُ بِهِ . قَالَ : لا تحقرنَّ مِنَ المَعْرُوفِ شَيْئاً ، وَلَوْ أَن تَصَبَّ دَلُوكَ فِي إِيَاءِ المُسْتَسْقَى وَأَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ ، وَإِذَا أَدْبَرَ فَلَا تَغْتَابَهُ . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّاسِ وَأَنْتَ مُنْطَلِقُ الْوَجْهِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً ، فقال : يا رسول الله أوصني ، فكان فيما أوصاه أن قال : إلق أخاك بوجهٍ مُنْبَسِطٍ . (3)

الإمام علي عليه السلام: استأذن رجلاً على رسول الله صلى الله عليه وآله فقال : يا رسول الله أوصني . قال : أوصيك أن لا تُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئاً ... وَإِذَا لَقَيْتَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ ، فَالْقَهُ بِبِشْرٍ حَسَنٍ . (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله : إِذَا التَّقَى الْمُسْلِمَانِ فَسَلِّمَ أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ ، كَانَ أَحَبَّهُمَا إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُ نُهُمَا بِشْرًا لِصَاحِبِهِ ، وَنَزَلَتْ بَيْنَهُمَا مِئَةٌ رَحْمَةٍ ، لِلْبَادِي تِسْعِينَ وَلِلْمُصَافِحِ عَشْرًا . (5)

-
- 1- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 115 ؛ كنز العمال : ج 6 ص 440 ح 16445 نقلاً عن ابن أبي الدنيا .
 - 2- تفسير الألويسي : ج 5 ص 102 عن الحسن ، الدرّ المنثور : ج 2 ص 608 نقلاً عن البيهقي عن الحسن .
 - 3- الكافي : ج 2 ص 103 ح 3 ، مشكاة الأنوار : ص 144 ح 345 كلاهما عن أبي بصير ، تحف العقول : ص 42 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 171 ح 38 .
 - 4- الزهد للحسين بن سعيد : ص 81 ح 45 عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 134 ح 44 ؛ كنز العمال : ج 16 ص 73 ح 43986 نقلاً عن الديلمي عن الإمام علي عليه السلام .
 - 5- الفردوس : ج 1 ص 325 ح 1287 عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمال : ج 9 ص 114 ح 25245 ؛ بحار الأنوار : ج 76 ص 39 وليس فيه ذيله من « ونزلت » .

تنبيه الخواطر_ به نقل از سلیم بن جابر _ : خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسیدم و گفتم : مرا خیری بیاموز که خداوند با آن ، مرا سود ببخشد . فرمود : «هیچ کار نیکی را کوچک مشمار ، اگر چه دلو آب را در ظرف جوینده آبی بریزی یا با برادرت با خوش رویی برخورد کنی ، و چون رفت ، غیبتش را نکنی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از شمار صدقه به حساب می آید که با گشاده رویی به مردم سلام کنی .

امام باقر علیه السلام : مردی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! به من سفارشی فرما . از جمله سفارش هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود ، این بود که : «با برادرت ، با روی گشاده ، رو به روشو» .

امام علی علیه السلام : مردی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اجازه ملاقات خواست و گفت : ای پیامبر خدا ! به من سفارشی فرما . فرمود : «به تو سفارش می کنم که چیزی را شریک خدا نسازی ... و هر گاه به برادر مسلمان رسیدی ، با روی خوش ، برخورد کنی » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه دو مسلمان به هم برسند و یکی از آنها به دیگری سلام گوید ، محبوب ترین آن دو نزد خدا ، آن یکی است که با دیگری خوش روتر باشد ، و میان آنان ، صد رحمت فرود آید که نود رحمت ، برای آغاز کننده [ی سلام و خوش رویی] است ، و ده تای آن برای دست دهنده .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُسْلِمِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا وَتَسَاءَلَا ، أَنْزَلَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مِئَةَ رَحْمَةٍ ، تِسْعَةٌ وَتِسْعِينَ لِأَبْسَئِهِمَا وَأَطْلَقَهُمَا وَأَبْرَهُمَا وَأَحْسَنَهُمَا مُسَاءَلَةً بِأَخِيهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أُطْلِبُوا حَوَائِجَكُمْ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِ ، فَإِنْ قَضَاهَا قَضَاهَا بِوَجْهِ طَلِقٍ ، وَإِنْ رَدَّهَا رَدَّهَا بِوَجْهِ طَلِقٍ . (2)

الإمام علي عليه السلام: الْبِشْرُ مَنْظَرٌ مُنَوَّقٌ (3) ، وَخُلُقٌ مُشْرِقٌ . (4)

عنه عليه السلام: الْبِشْرُ إِسْدَاءُ الصَّنِيعَةِ بِغَيْرِ مَوْوِنَةٍ . (5)

عنه عليه السلام: الْبَشَاشَةُ إِحْسَانٌ . (6)

عنه عليه السلام: إِصْحَابُ السُّلْطَانِ بِالْحَدَرِ ، وَالصَّدِيقَ بِالتَّوَاضُعِ وَالْبِشْرَ ، وَالْعَدُوَّ بِمَا تَقَوْمُ بِهِ عَلَيْهِ حُبَّتَكَ . (7)

عنه عليه السلام: فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ _ : أْبْذُلْ لِمَنْ دَيْقَكَ نَفْسَكَ وَمَالَكَ ، وَلِمَعْرِفَتِكَ رِفْدَكَ (8) وَمَحْضَرَكَ ، وَلِلْعَامَّةِ بِشْرَكَ وَمَحَبَّتَكَ . (9)

1- المعجم الأوسط : ج 7 ص 341 ح 7672 ، تاريخ بغداد : ج 3 ص 58 ، تاريخ دمشق : ج 53 ص 326 كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريرة .

2- تاريخ أصبهان : ج 1 ص 363 الرقم 667 عن جابر ، قضاء الحوائج لابن أبي الدنيا : ص 58 ح 54 عن عمرو بن دينار ، كنز العمال : ج 6 ص 520 ح 16810 .

3- مونتق : حَسَنٌ مُعْجِبٌ (تاج العروس : ج 13 ص 12 « أنق ») .

4- غرر الحكم : ج 2 ص 156 ح 2168 .

5- غرر الحكم : ج 1 ص 389 ح 1503 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 48 ح 1217 وفيه « ابتداء » بدل « إسداء » .

6- غرر الحكم : ج 1 ص 13 ح 18 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 18 ح 47 .

7- غرر الحكم : ج 2 ص 234 ح 2464 .

8- الرِفْدُ : الْعَطَاءُ وَالْعَوْنُ (مجمع البحرين : ج 2 ص 717 « رfd ») .

9- النخصال : ص 147 ح 178 عن حماد بن عيسى عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 212 ، غرر الحكم : ج 2 ص 235 ح 2466 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 175 ح 6 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 312 ح 586 نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دو مسلمان به هم برسند و با یکدیگر دست بدهند و حال یکدیگر را بپرسند، خداوند، میان آن دو، صد رحمت فرو می فرستد که نود و نه تایی آنها برای آن یکی است که با برادرش خوش روتر و گشاده روتر و نیکی کننده تر باشد و بهتر احوالپرسی کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیازهایتان را از خوش رویان بخواهید؛ زیرا اگر آنها را برآورده سازند، با روی گشاده بر می آورند، و اگر رد کنند، باز با روی گشاده، رد می کنند.

امام علی علیه السلام: خوش رویی، منظری زیبا و خوبی تابناک است.

امام علی علیه السلام: خوش رویی، احسانی بی خرج و زحمت است.

امام علی علیه السلام: خوش رویی، خود، یک احسان است.

امام علی علیه السلام: با سلطان، به احتیاط همنشینی کن، با دوست، به فروتنی و خوش رویی، و با دشمن، آن گونه که بر او حجّت داشته باشی [و بهانه ای دستش ندهی].

امام علی علیه السلام: در توصیه اش به فرزند خود، محمد بن حنفیه _ به دوستت، جان و مالت را ببخش، به آشنایت، کمک و همنشینی ات را، و به عموم مردم، خوش رویی و محبتت را.

عنه عليه السلام: لِيَجْتَمَعَ فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَالِاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ، فَيَكُونَ افْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِي لَيْنِ كَلَامِكَ وَحُسْنِ بَشْرِكَ، وَيَكُونَ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عَرْضِكَ وَبِقَاءِ عَزِّكَ. (1)

عنه عليه السلام: أَظْهَرُوا الْبِشْرَ فِيمَا بَيْنَكُمْ، وَالشَّرُورَ فِي مُلَاقَاتِكُمْ. (2)

عنه عليه السلام: إِذَا اجْتَمَعَ الْمُسْلِمَانِ فَتَذَكَّرَا غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لِأَبْشِهِمَا بِصَاحِبِهِ. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: قَامَ رَجُلٌ بِالْبَصْرَةِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَخْبِرْنَا عَنِ الْإِخْوَانِ. فَقَالَ: الْإِخْوَانُ صِنْفَانِ: إِخْوَانُ الثَّقَةِ وَإِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ (4)؛ فَأَمَّا إِخْوَانُ الثَّقَةِ فَهُمْ الْكَفُّ وَالْجَنَاحُ، وَالْأَهْلُ وَالْمَالُ، فَإِذَا كُنْتَ مِنْ أُخِيكَ عَلَى حَدِّ الثَّقَةِ، فَاذِلُّ لَهُ مَا لَكَ وَبَدَنَكَ، وَصَافٍ مَنْ صَافَاهُ، وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَآكُتْمَ سِرِّهِ وَعَيْبَهُ، وَأَظْهَرَ مِنْهُ الْحُسْنَ. وَاعْلَمْ أَيُّهَا السَّائِلُ، أَنَّهُمْ أَقْلُ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ. وَأَمَّا إِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ، فَإِنَّكَ تُصِيبُ لَدُنَّكَ مِنْهُمْ، فَلَا تَقْطَعَنَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَلَا تَطْلُبَنَّ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ مِنْ ضَمِيرِهِمْ، وَابْدُلْ لَهُمْ مَا بَدَلُوا لَكَ مِنْ طَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحَلَاوَةِ اللِّسَانِ. (5)

عنه عليه السلام: مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ مَعَ مُوَافِقِيهِ لِيُوَسِّسَهُمْ، وَبَسَطَ وَجْهَهُ لِمُخَالَفِيهِ لِيَأْمَنَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ، فَقَدْ حَوَى مِنَ الْخَيْرِ وَالذَّرَجَاتِ الْعَالِيَةِ عِنْدَ اللَّهِ مَا لَا يُقَادِرُ قَدْرَهُ غَيْرُهُ. (6)

- 1- الكافي: ج 2 ص 149 ح 7 عن عمّار الساباطي، معاني الأخبار: ص 267 ح 1 عن يحيى بن عمران، مشكاة الأنوار: ص 312 ح 977 كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 204، بحار الأنوار: ج 74 ص 158 ح 9.
- 2- مصباح المتهجد: ص 757 ح 112 عن الفيض بن محمّد الطرسوسي، عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: 97 ص 117 ح 8 نقلاً عن مصباح الزائر.
- 3- النهاية في غريب الحديث: ج 1 ص 130، لسان العرب: ج 6 ص 266، تاج العروس: ج 9 ص 61.
- 4- المُكَاشَرَةُ: مِنْ كَاشَرَهُ؛ إِذَا تَبَسَّمَ فِي وَجْهِهِ وَابْتَسَطَ مَعَهُ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1573 «كشر»).
- 5- الكافي: ج 2 ص 248 ح 3، الإختصاص: ص 251 كلاهما عن أبي مريم الأنصاري، الخصال: ص 49 ح 56 عن جابر، مصادقة الإخوان: ص 132 عن يونس بن عبد الرحمن عن الإمام الجواد عليه السلام، تحف العقول: ص 204 من دون إسناد إلى الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 67 ص 193 ح 3.
- 6- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 355 ح 246، بحار الأنوار: ج 75 ص 401 ح 42.

امام علی علیه السلام: باید نیاز به مردم و بی نیازی از آنها، هر دو در دلت جمع باشد. نیازت به آنها در نرمگویی و خوش رویی تو باشد و بی نیازی ات از آنان، در حفظ آبرو و نگهداری عزّتت.

امام علی علیه السلام: به یکدیگر خوش رویی نشان دهید و در ملاقات هایتان، اظهار شادمانی کنید.

امام علی علیه السلام: هر گاه دو مسلمان با هم جمع شوند و با یکدیگر سخن بگویند، خداوند متعال، آن يك را که با دوستش گشاده روتر است، می آمرزد.

امام باقر علیه السلام: مردی در بصره از جا برخاست و به امیر مؤمنان علیه السلام گفت: ای امیر مؤمنان! ما را از برادران [و دوستان] آگاه فرما. فرمود: « برادران، دو دسته اند: برادران مورد اعتماد، و برادران [هنگام] بگو بخند. اما برادران مورد اعتماد، اینان [به منزله] دست و بال و خانواده و دارایی [انسان] هستند. پس هر گاه به برادرت اعتماد داشتی، مال و جانت را نثار او کن، و با دوستانش، دوست و با دشمنانش، دشمن باش و رازدار و عیب پوش او باش و خوبی هایش را آشکار ساز. بدان _ ای پرسنده _ که این دسته برادران، از کبریتِ أَحْمَرِ کمیاب ترند. و اما برادران [هنگام] بگو بخند، تو از ایشان به لذت خود می رسی. پس این را از آنان مَبْرُ و بیش از آن هم از درون آنان مجوی و با آنان، گشاده رو و شیرین زبان باش، آن سان که ایشان با تو هستند.

امام باقر علیه السلام: هر کس با موافقانش خوش گفتار باشد تا با آنان، انس و الفت بگیرد، و با مخالفانش گشاده رو باشد تا خود و برادرانش را از گزند ایشان، در امان بدارد، هر آینه، به چنان خیر و درجات بلندی نزد خدا نائل آمده است که اندازه آنها را جز خدا، کسی نمی داند.

الكافي عن ابن محبوب عن بعض أصحابه عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلُقِ؟ قَالَ: تُلِينُ جَنَاحَكَ (1)، وَتُطَيِّبُ كَلَامَكَ، وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يُسْتَدَلُّ بِهَا عَلَى إِصَابَةِ الرَّأْيِ: حُسْنُ اللَّقَاءِ، وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ، وَحُسْنُ الْجَوَابِ. (3)

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (4) _ قولوا لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ حُسْنًا مُؤْمِنِهِمْ وَمُخَالَفِهِمْ؛ أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسُطُّ لَهُمْ وَجْهَهُ وَبِشْرَهُ. وَأَمَّا الْمُخَالَفُونَ فَيَكَلِّمُهُمْ بِالْمَدَارَةِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ، فَإِنْ يِيَّاسٌ مِنْ ذَلِكَ يَكْفُفُ شُرُورَهُمْ عَنِ نَفْسِهِ، وَعَنِ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ. (5)

الإمام الرضا عليه السلام: إِصْحَابُ السُّلْطَانِ بِالْحَذَرِ، وَالصَّادِقُ بِالتَّوَاضُعِ، وَالْعَدُوُّ بِالتَّحَدُّرِ، وَالْعَامَّةُ بِالبِشْرِ. (6)

-
- 1- الجَنَاحُ: مَا بَيْنَ أَسْفَلِ الْعَضُدِ إِلَى الْإِبْطِ، وَهَذَا بِمَعْنَى التَّوَاضُعِ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج 1 ص 323 «جَنَحٌ»).
 - 2- الكافي: ج 2 ص 103 ح 4، كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه: ج 4 ص 412 ح 5897، مَعَانِي الْأَخْبَارِ: ص 253 ح 1 وَفِيهِمَا «جَانِبُكَ» بَدَلُ «جَنَاحِكَ»، تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ: ج 2 ص 188، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 71 ص 389 ح 42.
 - 3- تَحْفُ الْعُقُولِ: ص 323، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 78 ص 237 ح 73.
 - 4- الْبَقْرَةُ: 83.
 - 5- التَّفْسِيرُ الْمَنْسُوبُ إِلَى الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ص 353 ح 240، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 71 ص 309.
 - 6- الدَّرَةُ الْبَاهِرَةُ: ص 38، الْعَدَدُ الْقَوِيَّةُ: ص 299 ح 34، نَزْهَةُ النَّازِرِ: ص 204 ح 445 وَفِيهِمَا «بِالتَّحَرُّزِ» بَدَلُ «بِالتَّحَدُّرِ»، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 74 ص 167 ح 34.

الكافی۔ به نقل از ابن محبوب، از یکی از یارانش _ به امام صادق علیه السلام گفتم: تعریف حُسنِ خُلق چیست؟ فرمود: «این که نرم خو و فروتن باشی، گفتارت، پاکیزه و مؤدبانه باشد، و با برادرت، با روی خوش برخورد کنی.

امام صادق علیه السلام: سه چیز، نشانگر درستی اندیشه است: خوش برخوردی، خوب گوش دادن [به سخن]، و خوب پاسخ دادن.

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «و با مردم، نیک سخن بگویند» _ [یعنی] با همه مردم، از مؤمن و مخالف، نیک سخن بگویند. [انسان، باید] با مؤمنان، گشاده رو و خوش رو باشد و با مخالفان، به مدارا سخن بگوید تا آنها را به ایمان جذب کند؛ و اگر از این امر مأیوس شد، [لااقل] شر آنها را از خود و برادران مؤمن خود، باز دارد.

امام رضا علیه السلام: با سلطان، با احتیاط همنشینی کن و با دوست، با فروتنی و با دشمن، با هشیاری و با عموم مردم، با خوش رویی.

1 / 3 تَأْكِيدُ طَلَاقَةِ الْوَجْهِ لِلْأَمْرَاءِ وَالْمُوظَّفِينَ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ: عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَوْصَى مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمٍ الْأَزْدِيَّ وَقَدْ بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِوَصِيَّةٍ طَوِيلَةٍ أَمَرَهُ فِيهَا بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّهِ فِي سَرَائِرِ أُمُورِهِ وَخَفِيَّاتِ أَعْمَالِهِ، وَأَنْ يَلْقَاهُمْ بِبَسْطِ الْوَجْهِ وَلِينِ الْجَانِبِ. (1)

الإمام علي عليه السلام في كتابه إلى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ حِينَ قَلَدَهُ مِصْرَ: إِخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَأَسِ (2) بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ. (3)

عنه عليه السلام في كتابه إلى بَعْضِ عُمَّالِهِ: أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّكَ مِمَّنْ اسْتَظْهَرُ (4) بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ، وَأَقْمَعُ بِهِ نَخْوَةَ (5) الْأَثِيمِ، وَأَسُدُّ بِهِ لِهَاءَ الثَّغْرِ (6) الْمَخُوفِ، فَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَهَمَّكَ، وَاخْلَطِ الشَّدَّةَ بِضِغْثِ (7) مِنَ اللَّيْنِ، وَارْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ، وَاعْتَزِمِ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ، وَاخْفِضِ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ، وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ، وَالْإِشَارَةِ وَالتَّحِيَّةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ (8)، وَلَا يَبْأَسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ، وَالسَّلَامُ. (9)

1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 252، بحار الأنوار: ج 96 ص 85 ح 7.

2- آس بين الناس: أي سَوَّ بَيْنَهُمْ واجعل كل واحدٍ منهم إِسْوَةً خَصَمَهُ (لسان العرب: ج 14 ص 35 «آسا»).

3- نهج البلاغة: الكتاب 27، تحف العقول: ص 177، بحار الأنوار: ج 33 ص 581 ح 726.

4- يَسْتَظْهَرُ: أي يطلب الغلبة عليهم بما عرفه الله من الحجج (مجمع البحرين: ج 2 ص 1149 «ظهر»).

5- نَخْوَةٌ: كِبْرٌ وَعُجْبٌ (النهاية: ج 5 ص 34 «نخا»).

6- الثَّغْرُ: الموضع الذي يكون فاصلاً بين بلاد المسلمين والكفار (النهاية: ج 1 ص 312 «ثغر»).

7- الضِغْثُ: أي الحُزْمَةُ (لسان العرب: ج 2 ص 164 «ضغث»).

8- الحَيْفُ: الجورُ والظلمُ (النهاية: ج 1 ص 469 «حيف»).

9- نهج البلاغة: الكتاب 46 والكتاب 19 نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 482 ح 687 وراجع: الأمالي للمفيد: ص 80 ح 40 و

الغارات: ج 1 ص 258 و أنساب الأشراف: ج 2 ص 390.

1 / 3 تأکید بر گشاده رو بودن حکمرانان و کارگزاران

1 / 3 تأکید بر گشاده رو بودن حکمرانان و کارگزاران دعائم الإسلام: روایت شده است که علی علیه السلام چون میخفت بین سلیم ازدی را برای جمع آوری صدقات (زکات و وجوهات شرعی) فرستاد، سفارش های بسیاری به او کرد. از جمله به او فرمود که در کارهای پنهانی و اعمال پوشیده اش [از چشم مردم]، از خداوند، پروردگارش، بترسد و با مردم با گشاده رویی و فروتنی برخورد کند.

امام علی علیه السلام در نامه اش به محمد بن ابی بکر، آن گاه که او را بر حکومت مصر گماشت _ با آنان (مردم)، مهربان و فروتن و گشاده رو باش، و به همگان، یکسان بنگر.

امام علی علیه السلام در نامه اش به یکی از کارگزاران خود _ تو از آن کسانی هستی که من در بر پا داشتن دین، به آنان پشت گرمم و به وسیله ایشان، نخوت گناهکار را سرکوب می کنم و رخنه گاه های دشمن را در مرزها می بندم. پس در مأموریت خویش، از خدا کمک بجوی و خشونت و سختگیری را با قدری نرمش، در آمیز و آن جا که مدارا، کارسازتر است، مدارا کن و آن گاه که چاره ای جز سختگیری نداری، سختگیری در پیش گیر و با توده مردم، فروتن و گشاده رو و مهربان باش و در نیم نگاه ها و نگاه ها، و اشاره کردن ها و سلام گفتن هایت، با همگان یکسان رفتار کن، تا قدرتمندان در خارج کردن تو از مسیر انصاف و داد، طمع نکنند و ناتوانان، از دادگری تو نومید نشوند. بدرود!

1 / 4 البَشَائِدُ لِلْمُدَارَةِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَا هُوَ ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ عَائِشَةَ، إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بِئْسَ أَخُو الْعَشِيرَةِ، فَقَامَتِ عَائِشَةُ فَدَخَلَتِ الْبَيْتَ، وَأَذِنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلرَّجُلِ، فَلَمَّا دَخَلَ أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَبَشَّرَهُ إِلَيْهِ (1) يُحَدِّثُهُ، حَتَّى إِذَا فَرَّغَ وَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ، قَالَتْ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بَيْنَا أَنْتَ تَذْكُرُ هَذَا الرَّجُلَ بِمَا ذَكَرْتَهُ بِهِ، إِذْ أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِوَجْهِكَ وَبَشَّرْتَ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ ذَلِكَ: إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تَكَرَّرَ مُجَالَسَتُهُ لِفَحْشِهِ. (2)

الإمام العسكري عليه السلام في التفسير المنسوب إليه _: إِنَّ مُدَارَةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَنْزِلِهِ، إِذْ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي بَنْدَةَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بِئْسَ أَخُو الْعَشِيرَةِ، إِذْ نَوَّاهُ، فَأَذْنَاهُ. فَلَمَّا دَخَلَ أَجْلَسَهُ وَبَشَّرَ فِي وَجْهِهِ، فَلَمَّا خَرَجَ قَالَتْ لَهُ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْتَ فِيهِ مَا قُلْتَ، وَفَعَلْتَ بِهِ مِنْ الْبَشْرِ مَا فَعَلْتَ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عُويشُ، يَا حَمِيرَا، إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، مَنْ يُكْرَمُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ. (3)

1- «بشره» بالرفع و«إليه» خبره والجملة حالية ك«يحدثه» وليس في بعض النسخ «عليه» أولاً، فبشره مجرور عطفاً على وجهه وهو أظهر. ويحتمل زيادة «إليه» آخرًا، كما يومي إليه قولها: «إذ أقبلت عليه بوجهك وبشرك» (بحار الأنوار: ج 75 ص 281).

2- الكافي: ج 2 ص 326 ح 1، الزهد للحسين بن سعيد: ص 68 ح 16 كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 22 ص 131 ح 109.

3- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 354 ح 241، بحار الأنوار: ج 75 ص 401 ح 42؛ الأدب المفرد: ص 107 ح 338 عن أبي يونس مولى عائشة، المصنّف لعبدالرزاق: ج 11 ص 141 ح 20144 عن عائشة وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 603 ح 8122.

1 / 4 گشاده رویی از روی مدارا و ملاحظه

1 / 4 گشاده رویی از روی مدارا و ملاحظه امام صادق علیه السلام: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد عایشه بود که مردی اجازه ورود خواست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نکوهیده مردی!». پس عایشه برخاست و به اتاق [دیگری] رفت و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن مرد، اجازه ورود داد. چون مرد داخل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رو به او کرد و با خوش رویی با وی سخن گفت، تا این که صحبت هایش تمام شد و آن مرد رفت. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! با این که آن حرف را در باره این مرد زدی، باز با خوش رویی با او برخورد کردی! در این هنگام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از جمله بدترین بندگان خدا، آن کسی است که به خاطر بدزبانی اش، همنشینی با او را خوش نداشته باشند».

امام عسکری علیه السلام در تفسیر منسوب به ایشان: مدارا با دشمنان خدا، از بهترین صدقه هایی است که انسان برای خود و برادرانش می دهد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خانه اش بود که عبد الله بن اُبی بن سلول، اجازه ورود خواست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نکوهیده مردی است! اجازه اش دهید». به او اجازه ورود دادند. چون داخل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را نشانند و با وی با خوش رویی برخورد کرد. چون خارج شد، عایشه گفت: ای پیامبر خدا! شما در باره او چنان گفتی و سپس با وی، چنین خوش رویی نمودی! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عایشه! ای حُمیرا! بدترین مردم نزد خدا در روز قیامت، کسی است که از ترس شرش احترامش کنند».

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّا لَنَبَشِّرُ فِي وُجُوهِ قَوْمٍ ، وَإِنَّ قُلُوبَنَا لَتَقْلِبُهُمْ (1) ، أُولَئِكَ أَعْدَاءُ اللَّهِ نَتَقَيَّهُمْ عَلَى إِخْوَانِنَا لَا عَلَى أَنْفُسِنَا . (2)

1 / 5 ذمّ العُبوس بالكتاب «عَبَسَ وَتَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّي * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى » . (3)

الحديث للإمام عليّ عليه السلام: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُعَبَّسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ . (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْبُخْلُ وَعُبُوسُ الْوَجْهِ يَكْسِبَانِ الْبَغَاضَةَ ، وَيُبَاعِدَانِ مِنَ اللَّهِ ، وَيُدْخِلَانِ النَّارَ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ ، لَا تَكُنْ لَنِيْمًا وَلَا بَخِيْلًا ، وَعَلَيْكَ بِالْبِشْرِ وَالْحُسْنِ وَالكَرَمِ وَالسَّخَاءِ ؛ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْ سَخِيٌّ ، وَإِنَّ الْمُتَنَافِقَ حَسِيْنٌ لَيِيْمٌ . (6)

الإمام عليّ عليه السلام: الْبِشْرُ مَبْرَةٌ (7) ، الْعُبُوسُ مَعْرَةٌ (8) . (9)

1- القلي: البغض (النهاية: ج 4 ص 105 «قلا»).

2- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 354 ح 242 ، بحار الأنوار: ج 75 ص 401 ح 42 .

3- عبس: 1 _ 4 .

4- كشف الريبة: ص 83 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل: ج 8 ص 321 ح 9552 ؛

الفردوس: ج 1 ص 153 ح 555 ، كنز العمال: ج 3 ص 441 ح 7350 .

5- مستدرک الوسائل: ج 7 ص 27 ح 7554 نقلاً عن كتاب الأخلاق .

6- الفردوس: ج 5 ص 322 ح 8319 عن الإمام عليّ عليه السلام .

7- المبرّة: ضد العقوق (لسان العرب: ج 4 ص 53 «بر»).

8- المعرّة: الشدّة، الإثم، الأذى، الجناية (لسان العرب: ج 4 ص 556 «عر»).

9- غرر الحكم: ج 1 ص 63 ح 236 .

1 / 5 نکوهش شخص ترش رو

امام علی علیه السلام: ما به عده ای روی خوش نشان می دهیم، در حالی که دل هایمان، آنها را دشمن می دارد. اینان، دشمنان خدا هستند و ما از آنان بر جان برادرانمان می ترسیم، نه بر خود.

1 / 5 نکوهش شخص ترش رو قرآن «چهره در هم کشید و روی گردانید، که آن مرد نابینا، پیش او آمد. و توجه می دانی؟ شاید او به پاکی گراید یا پند پذیرد و اندرز، سودش دهد».

حدیث امام علی علیه السلام: [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] می فرمود: «خداوند، کسی را که به برادرانش رو تَرش کند، دشمن می دارد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخل و ترش رویی، نفرت و دشمنی می آورند و از خدا دور می کنند و شخص را به آتش [دوزخ] در می آورند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! فرومایه و بخیل مباش. بر تو باد خوش رویی و نیکویی و بزرگواری و بخشندگی! مؤمن، نرم خو و بخشنده است، و منافق، درشت خوی فرومایه.

امام علی علیه السلام: خوش رویی، نوعی نیکی و احسان است، و ترش رویی، عیب و مایه آزار.

عنه عليه السلام: مَنْ بَخَلَ عَلَيْكَ بَشْرِهِ، لَمْ يَسْمَحْ بِرَّو. (1)

1 / 6 النّوادر رسول الله صلى الله عليه وآله: بَسَطَ الْوَجْهَ زِينَةَ الْحِلْمِ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: وَجْهٌ مُسْتَبَشِّرٌ خَيْرٌ مِنْ قَطُوبٍ (3) مُؤَثِّرٍ. (4)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الْبِشْرِ مِنْ عَلَائِمِ النَّجَاحِ. (5)

عنه عليه السلام: بِالْبِشْرِ وَيَسَطُ الْوَجْهِ، يَحْسُنُ مَوْقِعَ الْبَدْلِ. (6)

عنه عليه السلام: كَثْرَةُ الْبِشْرِ آيَةُ الْبَدْلِ. (7)

الإمام زين العابدين عليه السلام: لِيَأْسِي لِلدُّنْيَا التَّجَلُّدُ (8) وَالصَّبْرُ وَلِيَأْسِي لِالْآخِرَى الْبِشَاشَةُ وَالْبِشْرُ (9)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لَكُمْ نُورًا تُعْرَفُونَ بِهِ، حَتَّىٰ إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا صَافَحَ أَخَاهُ يَرَىٰ بَشَاشَةً عِنْدَ تَسْلِيمِهِ عَلَيْهِ. (10)

-
- 1- غرر الحكم: ج 5 ص 465 ح 9199.
 - 2- جامع الأخبار: ص 337 ح 947، كنز الفوائد: ج 1 ص 299 عن الإمام علي عليه السلام، أعلام الدين: ص 322 وفيه «الحكم» بدل «الحلم»، بحار الأنوار: ج 77 ص 131 ح 41.
 - 3- القَطُوبُ: الْعَبُوسُ (النهاية: ج 4 ص 79 «قطب»).
 - 4- غرر الحكم: ج 6 ص 226 ح 10084، عيون الحكم والمواعظ: ص 504 ح 9251.
 - 5- غرر الحكم: ج 3 ص 394 ح 4866، عيون الحكم والمواعظ: ص 228 ح 4402.
 - 6- غرر الحكم: ج 4 ص 589 ح 4313، عيون الحكم والمواعظ: ص 188 ح 3877.
 - 7- غرر الحكم: ج 4 ص 589 ح 7089، عيون الحكم والمواعظ: ص 389 ح 6582.
 - 8- في المصدر: «التجمل» والتصويب من بحار الأنوار.
 - 9- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 166 عن الأصمعي، بحار الأنوار: ج 46 ص 97 ح 85.
 - 10- مشكاة الأنوار: ص 353 ح 1147، مستدرک الوسائل: ج 9 ص 58 ح 10201.

1 / 6 گوناگون

امام علی علیه السلام: کسی که روی خوشش را از تو دریغ ورزد، احسان و نیکی اش را به تو ارزانی نمی دارد .

1 / 6 گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گشاده رویی ، زیور بُردباری است .

امام علی علیه السلام : روی خوش داشتن ، بهتر است از این که با روی ترش ، ایثار کنی . 1

امام علی علیه السلام : خوش رویی ، از نشانه های کامیابی و موفقیت است .

امام علی علیه السلام : با خوش رویی و چهره گشاده ، بخشش ، جایگاهی نیکو می یابد .

امام علی علیه السلام : خوش رویی بسیار ، نشانه بخشنده است .

امام زین العابدین علیه السلام : جامه من برای دنیا ، بردباری و شکیبایی است و جامه آخرتم ، گشاده رویی و خوش رویی .

امام صادق علیه السلام : شما نورانیتی دارید که با آن شناخته می شوید ، به طوری که هر گاه یکی از شما با برادرش دست دهد ، هنگام سلام کردنش به او ، شادی را در چهره اش می بیند .

شعب الإيمان عن الملطي: أراد موسى أن يُفارقَ الخِضِرَ عليهما السلام، قالَ لَهُ موسى: أوصِنِي . قالَ: كُنْ نَفَّاعًا وَلَا تَكُنْ ضَرَّارًا، كُنْ بَشَّاشًا وَلَا تَكُنْ غَضْبَانًا . (1)

1- .شعب الإيمان : ج 5 ص 291 ح 6694 ، تاريخ دمشق : ج 16 ص 416 .

شُعْبُ الْإِيمَانِ - به نقل از مَلَطَى - : چون موسی علیه السلام خواست از خضر علیه السلام جدا شود ، به خضر علیه السلام گفت : مرا پندی ده . خضر علیه السلام گفت : سوردسان باش و زینبار مباح . گشاده رو باش و دُزَم (غضبناك) مباح .

الفصل الثاني : مبادئ البشاشة والبشر 1 / 2 العقل رسول الله صلى الله عليه وآله : حُسْنُ الْبِشْرِ بِالنَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ . (1)

2 / 2 الإيمان رسول الله صلى الله عليه وآله : مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ ، حُسْنُ الْحَدِيثِ إِذَا حَدَّثَ ، وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِذَا حُدِّثَ ، وَحُسْنُ الْبِشْرِ إِذَا لُقِيَ ، وَوَفَاءُ الْوَعْدِ إِذَا وَعِدَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ (3) لَعِبٌ ، وَالْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ . (4)

التمحيص : رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِئَةِ وَثَلَاثِ خِصَالٍ ... بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ ... هَشَّاشًا (5) هَشَّاشًا ، لَا حَسَّاسٌ وَلَا جَسَّاسٌ (6) . (7)

1- . الأمامي للطوسي : ص 614 ح 1269 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 60 ح 16 .

2- . الفردوس : ج 3 ص 637 ح 5997 ، كنز العمال : ج 1 ص 155 ح 775 .

3- . الدعابة : المزاح وما يُستملح (مجمع البحرين : ج 1 ص 593 « دعب ») .

4- . تحف العقول : ص 49 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 153 ح 115 .

5- . هَشَّ هَشَّاشَةً : إِذَا فَرِحَ وَاسْتَبَشَرَ (النهاية : ج 5 ص 264 « هشش ») .

6- . التجسسُ : التفتيش عن بواطن الأمور ، وقيل : البحث عن العورات ، والجاسوس : صاحب الشرِّ (النهاية : ج 1 ص 272 « جسس ») .

7- . التمحيص : ص 74 ح 171 ، بحار الأنوار : ج 67 ص 310 _ 311 ح 45 .

فصل دوم : خاستگاه های گشاده رویی

1 / 2 خرد

2 / 2 ایمان

فصل دوم : خاستگاه های گشاده رویی 1 / 2 خرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوش رویی با مردم ، نیمی از خرد است .

2 / 2 ایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از اخلاق مؤمن ، آن است که هر گاه سخن گوید ، نیکو می گوید و هر گاه با او سخن گویند ، نیکو می شنود و هر گاه با او برخورد شود ، خوش رویی می نماید و هر گاه وعده دهد ، به وعده اش وفا می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمن ، شوخ طبع و بذله گوشت ، و منافق ، عبوس و خشم آلود .

التمحیص : روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « مؤمن ، ایمانش کامل نیست تا آن گاه که صد و سه خصلت در او باشد : ... شادی اش ، در چهره او باشد ... خوش حال و شادان باشد ، و اهل تفتیش و تجسس نباشد .

الإمام علي عليه السلام_ في صِفَةِ الْمُؤْمِنِ _ : هَشَّاشٌ بِشَاشٍ ، لَا يَبْعَاسٍ وَلَا يَجَسَّاسٍ . (1)

عنه عليه السلام_ أيضا _ : هُوَ الْكَيِّسُ (2) الْفَطِنُ ، بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ ، وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ . (3)

عنه عليه السلام : إِنَّ بَشَرَ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِهِ ، وَقُوَّتَهُ فِي دِينِهِ ، وَحُزْنَهُ فِي قَلْبِهِ . (4)

3 / 2 التَّقْوَى الإمام علي عليه السلام : الْمُتَّقُونَ أَنْفُسَهُمْ قَانِعَةً ، وَشَهْوَانَهُمْ مَيِّتَةً ، وَوُجُوهُهُمْ مُسْتَبَشِرَةٌ ، وَقُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ . (5)

4 / 2 الْحُرِّيَّةُ الإمام علي عليه السلام : الْبَشِيرُ شِيمَةُ الْحُرِّ . (6)

1- .الكافي : ج 2 ص 229 ح 1 عن عبدالله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 67 ص 366 ح 70 .

2- .الكَيِّسُ : الْعَاقِلُ (النّهاية : ج 4 ص 217 « كيس ») .

3- .الكافي : ج 2 ص 226 ح 1 عن عبدالله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام ، نهج البلاغة : الحكمة 333 ، عيون الحكم والمواعظ

: ص 196 ح 4020 وليس فيهما « هو الكَيِّسُ الْفَطِنُ » ، بحار الأنوار : ج 67 ص 305 ح 37 .

4- .غرر الحكم : ج 2 ص 505 ح 3454 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 150 ح 3300 .

5- .غرر الحكم : ج 2 ص 84 ح 1932 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 58 ح 1478 .

6- .غرر الحكم : ج 1 ص 173 ح 656 .

2 / 3 پرهیزگاری

2 / 4 آزادی

امام علی علیه السلام_ در باره صفات مؤمن _ : خندان و گشاده روست ، نه ترش روی و اهل تجسس .

امام علی علیه السلام_ در توصیف مؤمن _ : او زیرک و باهوش است ، چهره ای شاد دارد و دلی اندوهناک .

امام علی علیه السلام : شادی مؤمن ، در چهره اوست ، قدرت او ، در دینش و اندوهش ، در دلش .

2 / 3 پرهیزگاری امام علی علیه السلام : پرهیزگاران ، جان هایشان ، قانع است ، شهواتشان ، مُرده است ، چهره هایشان ، شادان است و دل هایشان ، اندوهناک است .

2 / 4 آزادی امام علی علیه السلام : خوش رویی ، خصلت آزادمرد است .

عنه عليه السلام: حُسْنُ الْبِشْرِ شِيمَةٌ كُلُّ حُرٍّ . (1)

عنه عليه السلام: الطَّلَاقَةُ شِيمَةُ الْحُرِّ . (2)

2 / 5 الحَيَاءُ رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَّا الْحَيَاءُ: فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ اللَّيْنُ وَالرَّافَةُ وَالْمُرَاقَبَةُ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالسَّلَامَةُ وَاجْتِنَابُ الشَّرِّ، وَالْبِشَارَةُ وَالسَّمَاخَةُ، وَالظَّفَرُ وَحُسْنُ الثَّنَاءِ عَلَى الْمَرْءِ فِي النَّاسِ، فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلُ بِالْحَيَاءِ، فَطَوْبَى لِمَنْ قَبِلَ نَصِيحَةَ اللَّهِ، وَخَافَ فَضِيحَتَهُ . (3)

2 / 6 كَرَامَةُ النَّفْسِ إِمَامُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسْتَدَلُّ عَلَى كَرَمِ الرَّجُلِ بِحُسْنِ بَشْرِهِ وَيَذَلُّ بِرَّهِ . (4)

عنه عليه السلام: بِشْرُكَ يَدُلُّ عَلَى كَرَمِ نَفْسِكَ، وَتَوَاضُعُكَ يُبَيِّنُ عَن شَرِيفِ خُلُقِكَ . (5)

-
- 1- غرر الحكم: ج 3 ص 393 ح 4858، عيون الحكم والمواعظ: ص 227 ح 4367.
 - 2- غرر الحكم: ج 1 ص 127 ح 467.
 - 3- تحف العقول: ص 17، بحار الأنوار: ج 1 ص 118 ح 11.
 - 4- غرر الحكم: ج 6 ص 450 ح 10963، عيون الحكم والمواعظ: ص 550 ح 10156 وفيه «الكريم» بدل «كرم الرجل».
 - 5- غرر الحكم: ج 3 ص 269 ح 4453، عيون الحكم والمواعظ: ص 196 ح 4009.

2 / 6 بزرگواری و بزرگ منشی

امام علی علیه السلام: خوش رویی، خصلت هر آزاده ای است .

امام علی علیه السلام: گشاده رویی، خصلت آزاد مرد است .

2 / 5 آزم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اما آزم: آنچه از آن شاخه می گیرد، نرمش و مهربانی و در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان است و سلامت [نفس] و دوری کردن از بدی، و گشاده رویی و گذشت، و پیروزی، و خوش نامی در میان مردم. این است آنچه خردمند، از آزم به دست می آورد. پس خوشا بر کسی که نصیحت خدا را بپذیرد و از رسواگری او بترسد!

2 / 6 بزرگواری و بزرگ منشیامام علی علیه السلام: از خوش رویی و نیکوکاری مرد، به بزرگواری او پی برده می شود .

امام علی علیه السلام: خوش رویی تو، بر بزرگ منشی تو دلالت می کند و فروتنی ات، از اخلاق والای تو خبر می دهد .

الفصل الثالث : بركات البشاشة والبشر 3 / 1 الأنسالإمام علي عليه السلام :البشر يُؤنس الرفاق . (1)

3 / 2المحبة رسول الله صلى الله عليه وآله :ثلاث يُصفين ود المرء لأخيه المسلم : يلقاه بالبشر إذا لقيه ، ويوسع له في المجلس إذا جلس إليه ، ويدعوه بأحب الأسماء إليه . (2)

الإمام علي عليه السلام :البشاشة جباله (3) المودة . (4)

-
- 1- غرر الحكم : ج 1 ص 191 ح 736 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 43 ح 1016 .
 - 2- الكافي : ج 2 ص 643 ح 3 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 358 ح 7 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .
 - 3- جباله : وهي ما يُصاد بها من أي شيء كان (مجمع البحرين : ج 1 ص 355 « جبل ») .
 - 4- نهج البلاغة : الحكمة 6 ، مشكاة الأنوار : ص 394 ح 1297 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 31 ، روضة الواعظين : ص 413 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 409 ح 120 .

فصل سوم : برکت های گشاده رویی

3 / 1 اُنس و الفت

3 / 2 محبت

فصل سوم : برکت های گشاده رویی 3 / 1 اُنس و الفت امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، [مایه] اُنس و اُلفت رفیقان (همراهان و همسفران) است .

3 / 2 محبت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز است که دوستی آدمی را نسبت به برادر مسلمانش ، خالص می گرداند : هر گاه به او بر خورد ، گشاده رویی نماید ، هر گاه کنارش نشست ، برایش جا باز کند ، و او را با محبوب ترین نام هایش صدا بزند .

امام علی علیه السلام : گشاده رویی ، کمند دوستی است .

عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالبَشَاشَةِ ، فَإِنَّهَا حِبَالَةُ المَوَدَّةِ . (1)

عنه عليه السلام: سَبَبُ المَحَبَّةِ البِشْرُ . (2)

عنه عليه السلام: طَلَاقَةُ الوَجْهِ بالبِشْرِ وَالعَطِيَّةُ ، وَفِعْلُ البِرِّ وَبَدْلُ التَّحِيَّةِ ، دَاعٍ إِلَى مَحَبَّةِ البَرِيَّةِ . (3)

عنه عليه السلام: البَشَاشَةُ فَحْخُ المَوَدَّةِ . (4)

عنه عليه السلام: حُسْنُ اللِّقَاءِ يَزِيدُ فِي تَأَكُّدِ الإِخَاءِ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام: صَنِيعُ المَعْرُوفِ وَحُسْنُ البِشْرِ ، يَكْسِبَانِ المَحَبَّةَ ، وَيُقَرِّبَانِ مِنَ اللّهِ ، وَيُدْخِلَانِ الجَنَّةَ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لِقَمَانٍ لِابْنِهِ ... يَا بُنَيَّ ، إِنْ عَدِمَكَ مَا تَصِلُ بِهِ قَرَابَتِكَ وَتَتَفَضَّلُ بِهِ عَلَى إِخْوَتِكَ ، فَلَا يَعدَمَنَّكَ حُسْنُ الخُلُقِ وَبَسْطُ البِشْرِ ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَحْسَنَ خُلُقَهُ أَحَبَّهُ الأَخْيَارُ وَجَانِبَهُ الفُجَّارُ . (7)

3 / 3 ذَهَابُ السَّخِيمَةِ رسول الله صلى الله عليه وآله : حُسْنُ البِشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ (8) . (9)

-
- 1- غرر الحكم : ج 4 ص 288 ح 6101 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 335 ح 5725 .
 - 2- غرر الحكم : ج 4 ص 126 ح 5546 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 282 ح 5090 .
 - 3- غرر الحكم : ج 4 ص 259 ح 6032 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 318 ح 5541 .
 - 4- تحف العقول : ص 202 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 93 ، نثر الدرّ : ج 1 ص 285 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 39 ح 13 .
 - 5- غرر الحكم : ج 3 ص 386 ح 4827 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 227 ح 4372 وليس فيه « تأكّد » .
 - 6- مستدرک الوسائل : ج 12 ص 344 ح 22 نقلاً عن كتاب الأخلاق .
 - 7- قصص الأنبياء للراوندي : ص 195 ح 244 عن حمّاد بن عيسى ، بحار الأنوار : ج 13 ص 420 ح 14 .
 - 8- السخيمة : الحقد في النفس (النهاية : ج 2 ص 351 « سخم ») .
 - 9- الكافي : ج 2 ص 104 ح 6 عن جماعة عن الإمام الكاظم عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 138 ح 321 عن الإمام الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تحف العقول : ص 45 ، إرشاد القلوب : ج 1 ص 133 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 172 ح 41 .

3 / 3 از بین رفتن کینه

امام علی علیه السلام: بر تو باد گشاده رویی؛ زیرا که آن، کمند دوستی است!

امام علی علیه السلام: سبب (/ریسمان) محبت، خوش رویی است.

امام علی علیه السلام: گشاده رویی، دِهش، نیکی کردن و سلام گفتن، موجب محبت مردم می شوند.

امام علی علیه السلام: گشاده رویی، دام دوستی است.

امام علی علیه السلام: برخوردِ خوش، پیوند برادری را استوارتر می سازد.

امام باقر علیه السلام: نیکی کردن و خوش رویی، دوستی می آورند و [شخص را] به خدا نزدیک می سازند و [او را] به بهشت می برند.

امام صادق علیه السلام: لقمان به پسرش گفت: «... پسرم! اگر چیزی نداشتی که با آن به خویشانت کمک کنی و به برادران و دوستانت بیخشی، زنهار که خوش خویی و گشاده رویی را از دست مدهی؛ زیرا کسی که خوش اخلاق باشد، نیکان، او را دوست می دارند و بدان، از او کناره می گیرند».

3 / 3 از بین رفتن کینه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوش رویی، کینه را از بین می برد.

الإمام علي عليه السلام: البِشْرُ يُطْفِي نَارَ الْمُعَانَدَةِ. (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ أَحْسَنَ مَا يَأْلَفُ بِهِ النَّاسُ قُلُوبَ أَوْلَادِهِمْ، وَنَفَوا بِهِ الضُّغْنَ (2) عَن قُلُوبِ أَعْدَائِهِمْ، حُسْنُ البِشْرِ عِنْدَ لِقَائِهِمْ، وَالتَّقَدُّ فِي غَيْبَتِهِمْ، وَالبِشَاشَةُ بِهِمْ عِنْدَ حُضُورِهِمْ. (3)

عنه عليه السلام: دارِ النَّاسِ تَسْتَمْتِعُ بِإِخَائِهِمْ، وَالقَهْمُ بِالبِشْرِ تُمِتُّ أضعَانَهُمْ. (4)

عنه عليه السلام: إقبَلْ أَعْدَارَ النَّاسِ تَسْتَمْتِعُ بِإِخَائِهِمْ، وَالقَهْمُ بِالبِشْرِ تُمِتُّ أضعَانَهُمْ. (5)

3 / 4 ذَهَابُ السَّيِّئَاتِ إِلَى إمام علي عليه السلام: إِذَا لَقَيْتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَأَظْهَرُوا لَهُمُ البِشَاشَةَ وَالبِشْرَ، تَتَفَرَّقُوا وَمَا عَلَيْكُمْ مِنَ الأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ. (6)

3 / 5 التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا تَلَاقَى الرَّجُلَانِ فَتَصَافَحَا تَحَاتَّتْ (7) ذُنُوبُهُمَا، وَكَانَ أَقْرَبَهُمَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَكْثَرُهُمَا بِشْرًا بِصَاحِبِهِ. (8)

-
- 1- غرر الحكم : ج 1 ص 150 ح 561، عيون الحكم والمواعظ : ص 50 ح 1282 .
 - 2- الضِّغْنُ : الحِقْدُ (مجمع البحرين : ج 2 ص 1082 « ضغن ») .
 - 3- تحف العقول : ص 218، بحار الأنوار : ج 78 ص 57 ح 124 .
 - 4- غرر الحكم : ج 4 ص 16 ح 5129، عيون الحكم والمواعظ : ص 251 ح 4704 .
 - 5- غرر الحكم : ج 2 ص 215 ح 2420، عيون الحكم والمواعظ : ص 77 ح 1857 .
 - 6- النخصال : ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار : ج 10 ص 111 ح 1 .
 - 7- تحاتت : أي تساقطت (النهاية : ج 1 ص 337 « حت ») .
 - 8- عوالي اللآلي : ج 1 ص 435 ح 142، بحار الأنوار : ج 76 ص 39 ح 35؛ راجع : تاريخ بغداد : ج 8 ص 305 .

3 / 4 از بین رفتن بدی ها و گناهان

3 / 5 نزدیک شدن به خداوند سبحان

امام علی علیه السلام: خوش رویی، آتش عناد و خیره سری را خاموش می کند.

امام علی علیه السلام: بهترین چیزی که مردم به وسیله آن، دل های دوستان خود را به دست می آورند و کینه ها را از دل های دشمنانشان می زدایند، خوش رویی، در هنگام برخورد با آنان، و جویای احوال آنان شدن در غیابشان و گشاده رویی با آنان در حضورشان است.

امام علی علیه السلام: با مردم، مدارا کن تا از برادری آنان، بهره مند شوی، و با خوش رویی با آنان برخورد کن تا کینه هایشان را بمیرانی.

امام علی علیه السلام: پوزش های مردم را بپذیر تا از برادری آنان، برخوردار شوی، و با خوش رویی با آنها برخورد کن تا کینه هایشان را بمیرانی.

3 / 4 از بین رفتن بدی ها و گناهان امام علی علیه السلام: هر گاه با برادرانتان، رو به رو شدید و دست دادید و با آنها گشاده رویی و خوش رویی نمودید، آن گاه که از هم جدا می شوید، هر چه گناه داشته اید، از بین رفته است.

3 / 5 نزدیک شدن به خداوند سبحان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دو مرد به هم برسند و با هم دست بدهند، گناهانشان فرو می ریزد و نزدیک ترین آن دو به خدای متعال، آن کسی است که با دیگری، خوش روتر باشد.

الإمام الباقر عليه السلام: الْبِشْرُ الْحَسَنُ وَطَلَاقَةُ الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَقُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ . وَعُبُوسُ الْوَجْهِ وَسُوءُ الْبِشْرِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ وَبُعْدٌ مِنَ اللَّهِ (1) .

3 / 6 دخول الجنة فاطمة عليها السلام: الْبِشْرُ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوَجِّبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ ، وَالْبِشْرُ فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ الْمُعَادِي يَتَّقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ . (2)

الكافي عن فضيل: قَالَ (3): صَدَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَحُسْنُ الْبِشْرِ يَكْسِبَانِ الْمَحَبَّةَ وَيُدْخِلَانِ الْجَنَّةَ ، وَالْبُخْلُ وَعُبُوسُ الْوَجْهِ يُعِيدَانِ مِنَ اللَّهِ وَيُدْخِلَانِ النَّارَ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ أَتَى اللَّهُ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ: الْإِنْفَاقُ مِنْ إِقْتَارٍ ، وَالْبِشْرُ لِجَمِيعِ الْعَالَمِ ، وَالْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ . (5)

-
- 1- تحف العقول: ص 296، مشكاة الأنوار: ص 316 ح 6، بحار الأنوار: ج 78 ص 176 ح 43 .
 - 2- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 354 ح 243، بحار الأنوار: ج 75 ص 401 ح 42 .
 - 3- الضمير في «قال» راجع إلى الباقر أو الصادق عليهما السلام، وكأنه سقط من النسخ أو الرواة (هامش المصدر) .
 - 4- الكافي: ج 2 ص 103 ح 5 عن فضيل، بحار الأنوار: ج 74 ص 172 ح 40 .
 - 5- الكافي: ج 2 ص 103 ح 2 عن سماعة بن مهران، مشكاة الأنوار: ص 315 ح 992، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 188، دعائم الإسلام: ج 2 ص 329 ح 1242، بحار الأنوار: ج 74 ص 169 ح 37 .

3 / 6 رفتن به بهشت

امام باقر علیه السلام: روی خوش داشتن و گشاده رویی، موجب جلب محبت و تقرب به خدا می شود، و ترش رویی و بد برخوردی، موجب دشمنی و دوری از خدا.

3 / 6 رفتن به بهشت فاطمه علیها السلام: خوش رویی با مؤمن، بهشت را بر صاحبش واجب می گرداند و خوش رویی با خیره سر کینه توز، صاحبش را از عذاب آتش [دوزخ]، حفظ می کند.

الکافی_ به نقل از فضیل_ : امام علیه السلام (1) فرمود: «نیکی کردن و خوش رویی، محبت می آورند و به بهشت می برند، و بخل و ترش رویی، [شخص را] از خدا دور می کنند و به آتش [دوزخ] می برند.

امام صادق علیه السلام: سه چیز است که هر کس یکی از آنها را انجام دهد، خداوند، بهشت را بر او واجب می گرداند: انفاق کردن در هنگام تنگ دستی، خوش رویی نمودن با همه مردمان، و انصاف به خرج دادن در باره خویشان.

1- مقصود، امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام است که گویا از قلم ناسخان یا راویان، افتاده است.

الفصل الرابع : البشاشة المذمومة 4 / 1 البشاشة مَعَ صَاحِبِ بَدْعِ رَسولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ صَاحِبِ بَدْعَةٍ ، أَوْ لَقِيَهِ بِالْبِشْرِ ، أَوْ اسْتَقْبَلَهُ بِمَا يَسُرُّهُ ، فَقَدِ اسْتَحَفَّ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (1)

4 / 2 البشاشة مَعَ أَهْلِ الْمَعَاصِيرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي ، وَالْقَوْمِ بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ (2) . (3)

الإمام علي عليه السلام : أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ . (4)

1- تاريخ بغداد : ج 10 ص 264 عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 13 ص 82 ح 5599 .

2- اكْفَهَرٌ : عَبَسَ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1584 « كفهَر ») .

3- الفردوس : ج 2 ص 56 ح 2320 عن ابن مسعود ، كنز العمال : ج 3 ص 65 ح 5518 .

4- الكافي : ج 5 ص 59 ح 10 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، وراجع : تهذيب الأحكام : ج 6 ص 177 ح 356 و عوالي اللآلي : ج 3 ص 190 ح 29 .

فصل چهارم : گشاده رویی نکوهیده

4 / 1 گشاده رویی با بدعت گذار

4 / 2 گشاده رویی با گنه پیشگان

فصل چهارم : گشاده رویی نکوهیده 4 / 1 گشاده رویی با بدعت گذار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به بدعت گذاری ، سلام کند یا با او با گشاده رویی برخورد کند ، یا از او به گونه ای که خوش حالش نماید ، استقبال کند ، بی گمان ، آنچه را خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده ، سبک شمرده است .

4 / 2 گشاده رویی با گنه پیشگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با نفرت از گنه پیشگان ، خود را به خداوند عز و جل نزدیک گردانید و با آنان ، با چهره های در هم کشیده ، روبه رو شوید .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد که با گنه پیشگان ، با چهره های در هم کشیده ، روبه رو شویم .

4 / 3 بِشَاشَةُ أَهْلِ الْفِسْقِ إِلَى إمام العسكري عليه السلام - لِأبي هاشم الجعفري - : يا أبا هاشم ، سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى النَّاسِ وَجُوهُهُمْ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ، وَقُلُوبُهُمْ مُظْلِمَةٌ مُنْكَدِرَةٌ ، السُّنَّةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ ، وَالْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ ، الْمُؤْمِنُ بَيْنَهُمْ مُحَقَّرٌ ، وَالْفَاسِقُ بَيْنَهُمْ مُوقَّرٌ . (1)

1- . حديقة الشيعة : ص 592 عن عبد الجبار ، مستدرک الوسائل : ج 11 ص 380 ح 13308 عن محمد بن عبد الجبار .

4 / 3 گشاده رویی فاسقان

4 / 3 گشاده رویی فاسقانامام عسکری علیه السلام به ابو هاشم جعفری _ ای ابو هاشم! به زودی زمانی فرا می رسد که مردم، چهره هایشان، خندان و شادان است و دل هایشان، تاریک و تیره . سنت، در میان آنان، بدعت به شمار می آید و بدعت، سنت . مؤمن را به دیده حقارت می نگرند و فاسق را محترم می شمارند .

39 . بصیرت

اشاره

3 . بصیرت در آمد فصل یکم : چشم بصیرت فصل دوم : تشویق به تحصیل بصیرت فصل سوم : خاستگاه های بصیرت فصل چهارم : عوامل رشد بصیرت فصل پنجم : آثار بصیرت فصل ششم : اهل بصیرت فصل هفتم : نداشتن بصیرت فصل هشتم : موانع بصیرت

بصیرت، در لغت

درآمد بصیرت، در لغتواژه «بصیرت»، از ماده «بصر» است که، دو معنای اصلی دارد: یکی، علم و دیگری، درستی، سختی و خشونت. در این جا، معنای نخست مقصود است. احمد بن فارس، در این باره می گوید: الباءُ وَ الصَّادُ وَ الرَّاءُ أَصْلَانِ: أَحَدُهُمَا الْعِلْمُ بِالشَّيْءِ . يُقَالُ: هُوَ بَصِيرٌ بِهِ... وَ البَصِيرَةُ: التَّرْسُ فِيمَا يُقَالُ، وَ البَصِيرَةُ الْبُرْهَانُ وَ أَصْلُ ذَلِكَ كُلُّهُ وَضُوحُ الشَّيْءِ . . . وَ أَمَّا الْأَصْلُ الْآخَرُ فَبَصْرُ الشَّيْءِ غَلْظُهُ وَ مِنْهُ الْبَصَرُ، هُوَ أَنْ يُضَمَّ أُدِيمٌ إِلَى أُدِيمٍ يُخَاطَبُ كَمَا تُخَاطَبُ حَاشِيَةُ الثَّوبِ . (1) باء و صاد و راء (بصر)، دو معنای اصلی را تشکیل می دهند: یکی، عبارت است از علم به چیزی. گفته می شود: «هُوَ بَصِيرٌ بِهِ» یعنی: «او به آن چیز، داناست» . . . بصیرت، به معنای سپر است و به معنای برهان هم آمده است. اصل همه اینها، روشن بودن چیزی است . . . اما معنای اصلی دوم، درستی [وزمختی] است. از همین معناست «بَصْر» که عبارت از دو چرم را بر هم دوختن است، چنان که کنار پارچه، دوخته می شود.

1- . معجم مقایس اللغة: ج 1 ص 253_ 254 ماده «بصر» .

ابن منظور، «بصر» و «بصیرت» را چنین معنا کرده است: البَصْرُ العَيْنُ، إِلَّا أَنَّهُ مُدَكَّرٌ وَقِيلَ: البَصْرُ حَاسَّةُ الرُّؤْيَةِ... وَ البَصِيرَةُ: الحُجَّةُ... وَ البَصْرُ: نَفَاذٌ فِي القَلْبِ، وَ بَصَرَ القَلْبِ: نَظَرُهُ وَ خَاطِرُهُ، وَ البَصِيرَةُ عَقِيدَةُ القَلْبِ... وَ البَصِيرَةُ: الفِطْنَةُ... وَ فَعَلَ ذَلِكَ عَلَى بَصِيرَةٍ أَى عَلَى عَمَدٍ وَ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ أَى عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ... عَلَى بَصِيرَةٍ أَى عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ يَقِينٍ... وَ البَصِيرَةُ: العِبْرَةُ... وَ البَصْرُ: العِلْمُ وَ بَصُرْتُ بِالشَّيْءِ، عِلْمْتُهُ... وَ البَصِيرُ: العَالِمُ. (1) بَصَرَ، یعنی چشم؛ اما [بر خلاف «عین»]، مذکر است. گفته شده: بصر، عبارت از حواس دیدن است... بصیرت، یعنی حجت... بَصَرَ، یعنی نفوذ در دل. «بَصَرَ القَلْبِ»، به نگاه و خطور آن می گویند و بصیرت، یعنی عقیده قلبی... بصیرت، یعنی هوش... «فَعَلَ ذَلِكَ عَلَى بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی قصد و آگاهی و «عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی غیر یقین... «عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ يَقِينٍ»، یعنی: «با داشتن شناخت و یقین در کار شما»... بصیرت، یعنی عبرت... بَصَرَ، یعنی علم. «بَصُرْتُ بِالشَّيْءِ»، یعنی: «آن چیز را دانستم»... و بصیر، به معنای «عالم» است. راغب اصفهانی، در توضیح معنای «بصر» و «بصیرت» می گوید: البَصْرُ يُقَالُ لِلجَارِحَةِ التَّائِظَةِ... وَ لِلقُوَّةِ الَّتِي فِيهَا، وَ يُقَالُ لِقُوَّةِ القَلْبِ المُدْرِكَةِ: بَصِيرَةٌ وَ بَصْرٌ... وَ لَا يَكَادُ يُقَالُ لِلجَارِحَةِ بَصِيرَةٌ، وَ يُقَالُ مِنَ الأَوَّلِ: أَبْصَرْتُ، وَ مِنَ الثَّانِي أَبْصَرْتُهُ وَ بَصَّرْتُهُ بِهِ، وَ قَلَمَا يُقَالُ بَصَّرْتُ فِي الحَاسَّةِ إِذَا لَمْ تُضَامَةً رُؤْيَةً القَلْبِ. (2) بَصَرَ، به عضو بینایی... و به نیرویی که در آن است، گفته می شود. به نیروی ادراک کننده قلب هم «بصیرت» و «بَصَرَ» می گویند... و به عضو بینایی، کمتر بصیرت گفته می شود. در صورت اول (دیدن با چشم)، «أَبْصَرْتُ» می گویند. و در صورت

1- لسان العرب: ج 4 ص 64 و 65 مادّه «بصر».

2- مفردات ألفاظ القرآن: ص 127 مادّه «بصر».

بصیرت، در قرآن و حدیث

اشاره

دوم: «أَبْصَرْتُ» و «بَصُرْتُ بِهِ». در صورت دیدن با حواس بینایی، چنانچه با رؤیت قلبی همراه نباشد، به ندرت گفته می‌شود: «بَصُرْتُ». بررسی آنچه در تبیین معنای بصیرت آمده، (1) نشان می‌دهد که این واژه، در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ مانند: دانش، بینش دل، نور دل، آگاهی، زیرکی، هوشیاری، برهان، عبرت و اعتقاد صحیح دینی. اما همه این معانی، در واقع همان طور که ابن فارس گفته _ به معنای اولیه ماده بصیرت، باز می‌گردند. حتی اطلاق «بصر» به چشم نیز بدان جهت است که چشم، یکی از مهم ترین راه های تحصیل علم و معرفت است. گفتنی است که هر چند بصیرت، در اصل به معنای علم است؛ لیکن باید توجه داشت که هر علمی، بصیرت نیست و هر عالمی، بصیر نامیده نمی‌شود؛ بلکه این واژه، حاکی از نوعی احاطه علمی و آینده نگری است. (2)

بصیرت، در قرآن و حدیث قرآن کریم، مشتقات «بصر»، 148 بار و واژه «بصیرت»، دوبار تکرار شده است. به طور کلی، واژه «بصر» در متون اسلامی، گاه در باره بینایی ظاهری و حسی، و

-
- 1- ر. ک: دانش نامه جهان اسلام: ج 3 ص 484 مدخل «بصیرت»، دائرة المعارف قرآن کریم: ج 5 ص 573 مدخل «بصیرت».
 - 2- بر پایه برخی از پژوهش ها، واژه بصیرت، در فرهنگ های مختلف، بیش از سی معنای مختلف را به خود اختصاص داده که موضوع آینده و آینده نگری در میان بیشتر آنها مشترک است. همچنین بررسی سیر تاریخی این واژه، نشان می‌دهد که این واژه، از زبان سانسکریت و از شرق به غرب رفته است. وجوه اشتراك فرهنگی این واژه، در شرق و غرب فراوان است که مهم ترین آنها، آینده نگری و تفاوت اصلی در چگونگی آن است. اولیای خدا، در جستجوی شهود معنوی از طریق بصیرت اند، در حالی که رهبران و مدیران، در جستجوی بصیرتی هستند که آینده سازمان خود را با موفقیت، قرین سازند (ر. ک: مقاله «بصیرت در رهبری و مدیریت اسلامی»، محمد آژگلی).

گاه در باره بینایی باطنی و عقلی به کار می رود . به تعبیر دیگر ، مردم از نظر بینش ، به دو دسته تقسیم می شوند : دسته اول ، دیده عقل آنها نزدیک بین است ، آینده خود و جهان را نمی بینند و ادراکات آنها در محسوسات خلاصه می شود و به تعبیر زیبای قرآن : «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ . (1) از زندگی دنیا، ظاهری را می شناسند، حال آن که از آخرت غافل اند» . این دسته ، هر چند به ظاهر بینا هستند ؛ ولی در فرهنگ قرآن و حدیث ، کور محسوب می شوند . بر پایه گزارشی ، امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی های خود در مدینه ، به این نکته مهم ، این گونه اشاره فرموده است : مَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلِيْبٍ ، وَلَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيْعٍ ، وَلَا كُلُّ نَاطِرٍ بِبَصِيْرٍ . (2) نه هر که دلی دارد ، به خردی داننده است ، و نه هر که گوشش دارد نیک شنونده است ، و نه هر که دیده ای دارد بیننده است . دسته دوم ، جامع نگر و واقع نگرند ؛ هم نزدیک را خوب می بینند و هم دور را . ادراکات آنها ، در محسوسات خلاصه نمی شود ؛ هم خانه دنیا را می بینند و هم خانه آخرت را . در فرهنگ قرآن و حدیث ، این دسته از مردم ، بصیر و بینا نامیده می شوند . بر پایه روایتی ، امام علی علیه السلام ، این دو دسته از مردم را این گونه معرفی نموده است :

1- روم : آیه 7 .

2- نهج البلاغة : خطبه 88 ، الكافی : ج 8 ص 64 ح 22 ، الإرشاد : ج 1 ص 292 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 43 ح 28 .

1. همتایان بصیرت، در مفهوم

الف - یقظه

إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَّرَاءَهَا شَيْئاً، وَ الْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصَرَهُ، وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَّرَاءَهَا. فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ، وَ الْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَ الْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ، وَ الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ. (1) همانا دنیا، واپسین دیدرس انسان کور [دل] است و در فراسوی آن، چیزی نمی بیند؛ اما بینشور، نگاهش از دنیا فراتر می رود و می داند که سرا [ی حقیقی] در وراي این دنیا است. پس بینشور، از دنیا دل و دیده بر می گیرد و کور [دل] به آن می نگرد. بینشور، از آن توشه بر می گیرد و کور [دل]، برای آن توشه فراهم می آورد. بنا بر این، بصیرت و بینایی حقیقی در فرهنگ قرآن و حدیث، به معنای جامع نگری و آینده نگری علمی و عملی است و کسانی «بصیر» نامیده می شوند که در پرتو بینش صحیح، در جهت تأمین منافع مادی و معنوی، و دنیا و آخرت خود، حرکت کنند. همه آیات و روایاتی که در این بخش در باره دیده بصیرت، ارزش بصیرت، عوامل تقویت بصیرت، مبادی، آثار و موانع آن آمده است، تعریف یاد شده را تأیید می نمایند. پیش از ملاحظه آیات و روایات مربوط، به این نکات توجه فرمایید:

1. همتایان بصیرت، در مفهوم مدر قرآن و روایات اسلامی، واژه هایی وجود دارند که می توان گفت که معادل واژه بصیرت اند و یا بسیار نزدیک به آن اند، مانند:

الف - یقظهیکی از واژه های معادل بصیرت، «یقظه» است. در این باره، از امام علی علیه السلام نقل شده:

ب - نور**ج - فرقان**

الْيَقِظَةُ اسْتَبْصَارٌ . (1) يقظه (بیداری)، بصیرت یافتن است . و در روایتی دیگر از ایشان ، در معرفی اهل بصیرت ، آمده است : فَاسْتَصْبَحُوا بِنُورٍ يَقِظَةٌ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْئِدَةِ . (2) پس بدین سبب ، چشم ها و گوش ها و دل هایشان ، از نور بیداری روشن گردید .

ب _ نور همتای دیگر بصیرت ، نور است : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ . (3) ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش ، شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن ، راه سپرید» .

ج _ فرقانیکه دیگر از واژه های بسیار نزدیک به مفهوم بصیرت ، واژه «فرقان» است : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا . (4) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از خدا پروا کنید ، برای شما فرقانی (نیروی جدا کننده حق از باطل) قرار می دهد» .

1- غرر الحکم : ج 1 ص 50 ح 176 .

2- ر ك : ص 452 ح 122 .

3- حدید : آیه 28 .

4- انفال : آیه 29 .

2 . بینای مطلق**3 . معنای دیده بصیرت**

همچنین در بسیاری از روایات ، واژه های دیگری همچون : عقل ، (1) معرفت ، علم و حکمت (2) نیز در معنای بصیرت به کار رفته اند .

2 . بینای مطلقدر نوزده آیه از قرآن ، خداوند متعال ، با صفت بینایی ، توصیف شده است . (3) این صفت ، حاکی از احاطه علمی و ذاتی آفریدگار بر همه چیز است . لذا برخی از روایات ، بصیر را از صفات ذات خداوند دانسته اند . بنا بر این ، بینای مطلق اوست و همه چیز ، بینایی را از او دریافت می کنند (4) و هر کس به او نزدیک تر باشد ، از بصیرت و بینش بیشتری برخوردار خواهد بود .

3 . معنای دیده بصیرتاز منظر قرآن ، در باطن انسان ، شعور مرموزی وجود دارد که با الهام فطری الهی ، می تواند خوب را از بد ، و حق را از باطل تشخیص دهد . متن سخن خداوند متعال در این باره ، چنین است : « وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا . (5) سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد ! سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن ، الهام کرد» . در روایتی از امام صادق علیه السلام ، این الهام فطری ، چنین تفسیر شده است :

1- ر . ك : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 1 ص 175 (معرفت شناسی / پژوهشی در باره معنای خرد) .

2- ر . ك : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 2 ص 247 (معرفت شناسی / پژوهشی در باره معنای دانش) .

3- ر . ك : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 5 ص 369 (خداشناسی / فصل نهم : بصیر) .

4- دریافت عقل از خدا _ که در شماری از احادیث آمده _ ، اشاره به این معناست (ر . ك : دانش نامه عقاید اسلامی : ج 1 ص 426 پاورقی 1) .

5- شمس : آیه 7 _ 8 .

أَيَّ عَرَفَهَا وَ أَلْهَمَهَا ، ثُمَّ خَيْرَهَا فَاخْتَارَتْ . (1) یعنی به آن شناساند و الهام فرمود . سپس ، او را مخیر ساخت و او انتخاب کرد . و در حدیث دیگری از ایشان ، آمده است که در باره الهام فجور و تقوا می فرماید : عَرَفَهُ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ . (2) حق و باطل را به او شناساند . و نیز در تفسیر آیه « وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ؛ (3) و دوراه را به او نشان دادیم » ، از ایشان روایت شده : نَجَدَ الْخَيْرِ وَ نَجَدَ الشَّرِّ . (4) [یعنی :] راه نیکی و راه بدی را [نشان دادیم] . دیده بصیرت ، در واقع ، همان شعور فطری مرموز و ادراك باطنی موجود در باطن انسان است که قدرت تشخیص نیک و بد ، خیر و شر ، و حق و باطل را دارد و او را به آینده نگری و پیروی از حق و دوری گزیدن از باطل ، دعوت می نماید . این شعور و ادراك ، در ابتدای زندگی ، به صورت استعداد و اجمال ، در نهاد همه انسان ها وجود دارد و به تدریج ، شکوفا می شود . شکوفایی این شعور ، شکوفایی انسانیّت است و فلسفه بعثت انبیای الهی ، چیزی جز رشد و بالندگی و شکوفایی انسانیّت و سازندگی جامعه مطلوب انسانی نیست . با بهره گیری از برنامه انبیا در تقویت ادراکات باطنی ، قدرت دیده بصیرت ، به

-
- 1- . ر ك : ص 396 ح 23 .
 - 2- . ر ك : ص 398 ح 24 .
 - 3- . بلد : آیه 10 .
 - 4- . ر ك : ص 396 ح 22 .

4. خاستگاه های بصیرت

تدریج، افزایش می یابد تا آن جا که حقایق معقول، به صورت محسوس برای انسان قابل رؤیت می گردند، چنان که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که می فرماید: ما من عبدٍ إلا وفي وجهه عینان یبصرُ بهما أمرَ الدُّنیا، وَعَینانِ فی قلبه یبصرُ بهما أمرَ الآخِرَةِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَتَحَّ عَیْنَهُ اللَّتَیْنِ فی قلبه، فَأَبْصَرَ بِهِمَا ما وَعَدَهُ بِالْغَیْبِ، فَأَمَّنَ بِالْغَیْبِ عَلَى الْغَیْبِ. (1) هیچ بنده ای نیست، مگر آن که دو چشم در چهره اش دارد که با آنها، امور دنیا را می بیند و دو چشم در دلش که با آنها امور آخرت را مشاهده می کند. پس هر گاه خدا، خیر بنده ای را بخواهد، دو چشمی را که در دل اوست، می گشاید و او با آنها، آنچه را خداوند در عالم غیب وعده اش را داده است، می بیند و به وسیله غیب (دو چشم دل) به غیب (/ به غیب بر روی غیب)، ایمان می آورد. بدیهی است که خواست خداوند حکیم در باره باز شدن دیده بصیرت شماری از انسان ها، گزاف نیست؛ بلکه به مقتضای نظام حکیمانه آفرینش، دیده بصیرت کسانی باز شده، تقویت می گردد که در جهت شکوفایی ادراکات باطنی خود، حرکت کرده باشند.

4. خاستگاه های بصیرت بر پایه آنچه در تبیین معنای بصیرت ارائه شد، خاستگاه بصیرت، مشابه خاستگاه علم، معرفت و حکمت است، همان گونه که عوامل و موانع آن نیز با اسباب و آفات عناوین یاد شده، مشابهت دارند. لذا برای تکمیل مباحث مربوط به بصیرت، ملاحظه بخش قابل عمده ای از آیات و روایات مرتبط با معرفت شناسی، (2) ضروری است. اما آنچه را در این فصل، با عنوان «خاستگاه های بصیرت» مطرح شده،

1- ر.ك: ص 382 ح 2.

2- ر.ك: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 1_ 3 (شناخت).

5. عوامل تقویت دیده بصیرت

می توان به خاستگاه درونی و بیرونی بصیرت، تقسیم کرد: خاستگاه درونی بصیرت، عبارت است از نیروی باطنی قادر بر تشخیص حق و باطل، و خیر و شر. خاستگاه بیرونی بصیرت، خود، دو گونه است: گونه اول، شامل ره نمودها و برنامه هایی که ریشه در قرآن و تعالیم انبیا دارند و موجب شکوفایی فطرت بصیرت می شوند؛ گونه دوم نیز امدادهای غیبی الهی که در نتیجه اجرای تعالیم انبیا در زندگی، موجب تقویت نیروی بصیرت می گردند و بر این اساس، خاستگاه های بصیرت، در فصل دوم، در ذیل عناوین فطرت، کتاب خدا، اسلام و توفیق، خلاصه شده است.

5. عوامل تقویت دیده بصیرت عوامل تقویت بصیرت، دو دسته اند: عوامل علمی و عوامل عملی. به سخن دیگر، بر پایه ره نمودهای انبیا الهی، شکوفایی فطرت بصیرت، هم به مجاهدت علمی نیاز دارد و هم به مجاهدت عملی. متونی که در فصل چهارم، با عناوین: تفکر، تعقل، تعلم و اعتبار آمده اند، به نقش اندیشه و تلاش های علمی، در تقویت دیده بصیرت، اشاره دارند و متونی که با عناوین: پرهیزگاری، یاد خدا، اخلاص، زهد و... آمده اند، به نقش تلاش های عملی در این باره، اشاره می نمایند. جالب توجه این که همه این عوامل، در این آیه شریف، خلاصه شده اند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (1) و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین، راه های خود را بر آنان می نمایانیم».

6. برکات افزایش نیروی بصیرت**7. اصلی ترین آفت دیده بصیرت**

6. برکات افزایش نیروی بصیرت بر پایه آنچه گذشت، به میزان مجاهدت های علمی و عملی انسان، بینش باطنی، افزایش می یابد و سالک، در نخستین گام، کاستی های درونی خود را بهتر می بیند، زیرکی، آینده نگری، شجاعت و سایر کمالات انسانی، در او تقویت می شوند و در نهایت، در نتیجه خودسازی، به نقطه ای از قوت بصیرت و بینایی باطنی می رسد که حقایق معقول را به صورت محسوس می بیند و به بالاترین مراتب ایمان - که ایمان شهودی است - دست می یابد و پیشوای اهل بصیرت می گردد. (1)

7. اصلی ترین آفت دیده بصیرت نقطه مقابل مجاهدت های علمی و عملی - که موجب تقویت دیده بصیرت می گردند -، پیروی از تمایلات نفسانی است. از این رو، اصلی ترین آفت دیده بصیرت یافتن، هواپرستی و پیروی عملی از خواسته های ناپسند درونی است و بدین سان، هر چه پیروی انسان از نفس اماره، بیشتر شود، چشم بصیرت او ضعیف تر می گردد. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده : **الهُوَى شَرِيكُ الْعَمَى**. (2) هوس، شریک کوردلی است. وقتی انسان، به چیزی علاقه پیدا کرد، دیگر نمی تواند معایب آن را ببیند و زشتی های آن را بشنود : **عَيْنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمَحْبُوبِ ، وَ أُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ مَسَاوِيهِ**. (3) دیده عاشق، از دیدن عیب های معشوق، کور است و گوش او، از شنیدن زشتی معایش، گر.

1- ر. ک : ص 383 (چشم بصیرت) و ص 449 (اهل بصیرت / پیشوایان بصیرت).

2- ر. ک : ص 470 ح 144.

3- ر. ک : ص 476 ح 160.

سایر آفات و موانع بصیرت، ریشه در پیروی از تمایلات نفسانی دارد و بدین جهت، اصلی ترین راه مبارزه با آفات، داشتن دیده بصیرتِ جهاد با نفس است که در فرهنگ روایات اسلامی، «جهاد اکبر» نامیده شده است. کسی که توفیق این جهاد را نیابد و در میدان مبارزه با تمایلات نفسانی، شکست بخورد، نه تنها دیده بصیرت را از دست می دهد و از درجه انسانیت سقوط می کند، بلکه از هر حیوانی، گم راه تر و خطرناک تر می گردد. چنین انسانی، سرنوشتی جز دوزخ، نخواهد داشت.

الفصل الأول : البصيرة القلبية رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا أراد الله بعبدٍ خيراً ففتح له قفلاً قلبه ، وجعل فيه اليقين والصدق ، وجعل قلبه واعياً لما سلك فيه ، وجعل قلبه سليماً ولسانه صادقاً وخليقته مستقيمة ، وجعل أذنه سميعةً وعينه بصيرةً . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : ما من عبدٍ إلا وفي وجهه عيانٌ يُصيرُ بهما أمر الدنيا ، وعيانٌ في قلبه يُصيرُ بهما أمر الآخرة ، فإذا أراد الله بعبدٍ خيراً ففتح عينيه اللتين في قلبه فأبصر بهما ما وعدّه بالغيب ، فأمن بالغيب على الغيب . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام : ألا إن للعبد أربع أعين : عيانٌ يُصيرُ بهما أمر دينه ودنياه ، وعيانٌ يُصيرُ بهما أمر آخرته ، فإذا أراد الله بعبدٍ خيراً ففتح له العينين اللتين في قلبه فأبصر بهما الغيب وأمر آخرته (3) ، وإذا أراد به غير ذلك ترك القلب بما فيه . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إنما شيعتنا أصحاب الأربعة الأعين : عيانٌ في الرأس ، وعيانٌ في القلب ، ألا والخلائق كلُّهم كذلك ، ألا إن الله عز وجل فتح أبصاركم وأعمى أبصارهم . (5)

راجع : ص 452 ح 122 .

- 1- .كنز العمال : ج 11 ص 96 ح 30768 نقلاً عن أبي الشيخ عن أبي ذر .
- 2- .الفردوس : ج 4 ص 14 ح 6040 ، كنز العمال : ج 2 ص 42 ح 3043 .
- 3- .في المصدر : «... الغيب في أمر آخرته» ، والتصويب من بحار الأنوار . وفي التوحيد : «العيب» بدل «الغيب» .
- 4- .الخصال : ص 240 ح 90 ، التوحيد : ص 367 ح 4 نحوه وكلاهما عن الزهري ، بحار الأنوار : ج 70 ص 53 ح 16 .
- 5- .الكافي : ج 8 ص 215 ح 260 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 81 ح 142 .

فصل یکم : چشم بصیرت

فصل یکم : چشم بصیرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند ، خیر بنده ای را بخواهد ، قفلِ دل او را برایش می گشاید و یقین و راستی را در آن می نهد و دلش را برای راهی که در آن قدم گذاشته است ، آگاه می سازد و دلش را پاک و زبانش را راستگو و اخلاقش را درست و گوشش را شنوا و چشمش را بینا می گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست ، مگر آن که دو چشم در صورتش دارد که با آنها ، امور دنیا را می بیند و دو چشم در دلش که با آنها ، امور آخرت را مشاهده می کند . پس هر گاه خدا ، خیر بنده ای را بخواهد ، دو چشمی را که در دل اوست ، می گشاید و او با آنها ، آنچه را خداوند در عالم غیب به او وعده داده است ، می بیند و به وسیله غیب (دو چشم دل) ، به غیب ایمان می آورد (/ به غیب روی غیب ، ایمان می آورد) .

امام زین العابدین علیه السلام : آگاه باشید که برای بنده ، چهار چشم است : دو چشم [سر] که با آنها ، امور دین و دنیا را می بیند ، و دو چشم [دل] که با آنها ، امور آخرتش را مشاهده می کند . پس هر گاه خداوند ، خیر بنده ای را بخواهد ، دو چشمی را که در دل اوست ، برایش می گشاید و او با آنها ، عالم غیب و امور آخرتش را می بیند ، و هر گاه جز خیر بنده ای را بخواهد ، دلش را به حال خود ، رها می کند .

امام صادق علیه السلام : شیعیان ما ، چهار چشم دارند : دو چشم در سر ، و دو چشم در دل . البته همه مردمان ، این گونه اند . هان که خداوند عز و جل ، چشم های شما را باز کرده و چشم های آنان را کور کرده است !

ر.ك : ص 453 ح 122 .

الفصل الثاني : الحث على البصيرة 2 / 1 البصير من صفات الله عز وجل لكتاب «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» . (1)

«إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ» . (2)

«إِنَّ اللَّهَ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ» . (3)

«إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ» . (4)

الحديث للإمام علي عليه السلام: كُلُّ بَصِيرٍ غَيْرُهُ يَعْمَى عَنْ خَفِيِّ الْأَلْوَانِ ، وَلَطِيفِ الْأَجْسَامِ . (5)

1- . غافر : 20 .

2- . فاطر : 31 .

3- . غافر : 44 .

4- . الملك : 19 .

5- . نهج البلاغة : الخطبة 65 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 309 ح 37 .

فصل دوم : تشویق به تحصیل بصیرت

1 / 2 بصیرت ، از صفات خداست

فصل دوم : تشویق به تحصیل بصیرت 1 / 2 بصیرت ، از صفات خداستقرآن «همانا خدا ، شنوا و بیناست» .

«همانا خدا ، نسبت به بندگانش ، آگاه و بیناست» .

«همانا خدا ، نسبت به بندگان ، بیناست» .

«به راستی که او ، به همه چیز بیناست» .

حدیثامام علی علیه السلام : هر بینایی جز خدا ، از دیدن رنگ های پنهان و اجسام ریز [و نامرئی] ، ناتوان است .

عنه عليه السلام: بَصِيرٌ إِذْ لَا مَنْظُورَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ . (1)

عنه عليه السلام: بَصِيرٌ لَا بِأَدَاةٍ . (2)

عنه عليه السلام: بَصِيرٌ لَا يُوصَفُ بِالْحَاسَةِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام_ لَمَّا سَأَلَهُ الزُّنْدِيقُ : أَفَرَأَيْتَ قَوْلَهُ : سَمِعَ بَصِيرٌ عَالِمٌ؟ _ : إِنَّمَا يُسَمَّى تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِذِهِ الْأَسْمَاءِ ؛ لِأَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِمَّا لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ ، مِنْ شَخْصٍ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ ، أَوْ ذَقِيقٍ أَوْ جَلِيلٍ ، وَلَا نَصْفُهُ بَصِيرًا بِلِحْظِ عَيْنٍ كَالْمَخْلُوقِ . (4)

عنه عليه السلام: لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَبَّنَا ... وَالْبَصْرَ ذَاتَهُ وَلَا مُبْصَرَ ... فَلَمَّا أَحْدَثَ الْأَشْيَاءَ وَقَعَ ... الْبَصْرَ عَلَى الْمُبْصَرِ . (5)

الإمام الكاظم عليه السلام_ فِي الدُّعَاءِ _ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ... أَنْتَ ... بَصِيرٌ لَا يَرْتَابُ . (6)

الإمام الرضا عليه السلام: قُلْنَا : إِنَّهُ بَصِيرٌ لَا يَبْصُرُ ؛ لِأَنَّهُ يَرَى أَثَرَ الذَّرَّةِ السَّحْمَاءِ (7) فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ عَلَى الصَّخْرَةِ السَّوْدَاءِ ، وَيَرَى دَبِيبَ النَّمْلِ فِي اللَّيْلَةِ الدَّجِيَّةِ ، وَيَرَى مَضَارَّهَا وَمَنَافِعَهَا وَأَثَرَ سِفَادِهَا وَفِرَاحَهَا وَنَسْلَهَا ، فَقُلْنَا عِنْدَ ذَلِكَ : إِنَّهُ بَصِيرٌ لَا كَبْرَ خَلْقِهِ . (8)

1- نهج البلاغة : الخطبة 1 ، الاحتجاج : ج 1 ص 474 ح 113 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 247 ح 5 .

2- الكافي : ج 1 ص 139 ح 4 عن الإمام الصادق عليه السلام وص 140 ح 5 عن إسماعيل بن قتيبة عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، التوحيد : ص 308 ح 2 عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 151 ح 51 عن محمد بن يحيى والقاسم بن أيوب العلوي عن الإمام الرضا عليه السلام ، الأمالي للمفيد : ص 255 ح 4 عن محمد بن زيد الطبري عن الإمام الرضا عليه السلام ، الأمالي للطوسي : ص 23 ح 28 عن محمد بن يزيد الطبري عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 4 ص 229 ح 3 .

3- نهج البلاغة : الخطبة 179 ، بحار الأنوار : ج 4 ص 53 ح 29 .

4- بحار الأنوار : ج 3 ص 194 عن المفضل بن عمر .

5- الكافي : ج 1 ص 107 ح 1 ، التوحيد : ص 139 ح 1 كلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 5 ص 161 ح 96 .

6- بحار الأنوار : ج 95 ص 445 ح 1 نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي وراجع : قصص الأنبياء : ص 123 ح 124 .

7- السَّحْمَاءُ : أي السوداء (لسان العرب : ج 12 ص 281 «سحم»).

8- التوحيد : ص 252 ح 3 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 133 ح 28 وفيه «الدجئة» بدل «الدجئة» ، الاحتجاج : ج 2 ص

356 ح 281 كلُّها عن محمد بن عبد الله الخراساني ، بحار الأنوار : ج 4 ص 176 ح 4 .

امام علی علیه السلام: [خداوند،] بینا بوده، آن گاه که هنوز آفریده ای نبود تا دیده شود.

امام علی علیه السلام: [خداوند،] بیناست؛ اما نه با ابزاری [برای دیدن، مانند چشم].

امام علی علیه السلام: [خداوند،] بینایی است که به داشتن حس [و ابزار بینایی]، وصف نمی شود.

امام صادق علیه السلام در پاسخ زندقی که پرسید: نظرت در باره این گفته خدا چیست که: «شنوا و بینا و داناست»؟ _ :خداوند _ تبارک و تعالی _، به این نام ها نامیده شده است؛ چون هیچ چیزی از آنچه چشم ها می بینند، بر او پوشیده نیست، از شیء کوچک گرفته تا بزرگ و ریز یا درشت، و اگر ما او را به بینایی وصف می کنیم، به معنای آن نیست که مانند مخلوقات، با چشم می بیند.

امام صادق علیه السلام: خدای عز و جل، همیشه پروردگار ما بوده... و بینایی، ذاتی او بوده است، آن گاه که هنوز چیزی برای دیدن وجود نداشت... و چون اشیا را آفرید...، دیدن به شیء دیدنی تعلق گرفت.

امام کاظم علیه السلام در دعا _ :منزهی تو _ ای خدا _ و سپاس، تو راست... تو... بینایی هستی که [در صحت آنچه می بیند] شك نمی کند.

امام رضا علیه السلام: گفتیم: او (خداوند) بیناست؛ اما نه با چشمی؛ چرا که او رد پای مورچه سیاه بر روی تخته سنگ سیاه، در شب تاریک را می بیند و زیان و سود و اثر جفتگیری و بیچه ها و نسل آن را می بیند [و می داند]. این جاست که می گوئیم: او بیناست؛ اما نه مانند بینا بودن آفریدگانش.

الإمام الجواد عليه السلام: كَذَلِكَ سَمَّيْنَاهُ بَصِيرًا؛ لِأَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا يُدْرِكُ بِالْأَبْصَارِ، مِنْ لَوْنٍ أَوْ شَخْصٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ، وَلَمْ نَصِفْهُ بِبَصِيرٍ لِحَظَةِ الْعَيْنِ. (1)

2 / 2 قيمة البصيرة الكتاب «قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ». 2 .

الحديث للإمام علي عليه السلام: «فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» هذه الآية جامعة لآبصار العيون وإبصار القلوب. (2)

عنه عليه السلام_ لَمَّا سَأَلَهُ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ عَنْ أَكَيْسٍ (3) النَّاسِ _: مَنْ أَبْصَرَ رُشْدَهُ مِنْ غَيْرِهِ، فَمَالَ إِلَى رُشْدِهِ. (4)

1- الكافي: ج 1 ص 117 ح 7، التوحيد: ص 194 ح 7 وفيه «بنظر لحظ» بدل «ببصر لحظة»، الاحتجاج: ج 2 ص 468 ح 321 وفيه «طرفة العين» بدل «لحظة العين» وكلها عن أبي هاشم الجعفري، بحار الأنوار: ج 4 ص 154 ح 1 .

2- بحار الأنوار: ج 69 ص 76 ح 29 و ج 93 ص 51 كلاهما نقلاً عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام .

3- الكيِّسُ: العاقلُ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1609 «كيس»).

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 383 ح 5833، معاني الأخبار: ص 199 ح 4 كلاهما عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للصدوق: ص 478 ح 644، الأمالي للطوسي: ص 436 ح 974 كلاهما عن عبد الله بن بكر [بكران] المرادي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عن الإمام زين العابدين عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 70 ص 106 ح 1؛ دستور معالم الحكم: ص 84 .

2 / 2 ارزش بصیرت

امام جواد علیه السلام: همچنین او (خداوند) را بینا نامیده ایم؛ چون هر آنچه از رنگ و جسم و جز آن که با چشم ها دیده می شود، بر او پوشیده نیست و او را بینا به معنای نگریستن با نگاه چشم، وصف نمی کنیم.

2 / 2 ارزش بصیرت قرآن «به راستی، بصیرت هایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که دید، به سود خود اوست و هر که کور بود، به زیان خود اوست، و من بر شما نگهبان نیستم». (1)

حدیث امام علی علیه السلام: این آیه: «پس هر که دید، به سود خود اوست و هر که کور بود، به زیان خود اوست»، دیدن چشم ها و دیدن دل ها هر دورا در بر می گیرد.

امام علی علیه السلام - در پاسخ پرسش زید بن صوحان عبدی، در باره زیرک ترین مردمان - کسی که راهش را از کژراهه، باز شناسد و به راه گراید.

1- علامه طباطبایی قدس سره می گوید: شاید خداوند با جمله «به راستی بصیرت هایی برای شما آمده است»، به دلایل و براهین روشنی که در آیات پیشین بر یگانگی خویش و نداشتن شریک اقامه کرده، اشاره دارد. پس، معنای آیه، این است که این حجّت ها، بصیرت هایی هستند که از جانب خدا به وسیله وحی برای ما آمده اند و خطاب، از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله است.

الإمام الصادق عليه السلام في وصيته لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ _ يَا بْنَ جُنْدَبٍ ، إِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ : ... طَوْبِي لِمَنْ جُعِلَ بَصْرُهُ فِي قَلْبِهِ ، وَلَمْ يُجْعَلْ بَصْرُهُ فِي عَيْنِهِ . (1)

عنه عليه السلام : ما أنتم والبراءة ، يبرأ بعضكم من بعض ! إن المؤمنين بعضهم أفضل من بعض ، وبعضهم أكثر صلاة من بعض ، وبعضهم أنفذ بصراً من بعض ، وهي الدرجات . (2)

عنه عليه السلام : كان أمير المؤمنين عليه السلام يكتب بهذه الخطبة إلى أكابر أصحابه ، وفيها كلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله ... :
أما بعد : فإن نور البصيرة روح الحياة الذي لا ينفع إيمان إلا به مع اتباع كلمة الله والتصديق بها ، فالكلمة من الروح ، والروح من النور ، والنور نور السماوات والأرض ، فبايديكم سبب وصل إليكم من نعمة من الله لا تعقلون شكرها ، خصكم بها واستخلصكم لها « وتلك الأمثال نضربها للناس وما يعقلها إلا العالمون » (3) . (4)

-
- 1- تحف العقول : ص 305 وص 502 عن عيسى عليه السلام وفيه «قلبه في نظر عينه» بدل «بصره في عينه» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 284 ح 1 ؛ تاريخ دمشق : ج 47 ص 452 عن عمران بن سليمان عن عيسى عليه السلام وفيه «ولم يكن قلبه في بصره» بدل «ولم يجعل ..» . وص 462 عن عيسى المرادي عن عيسى عليه السلام وفيه «ولم يكن قلبه في بصر عينه» بدل «ولم يجعل ...» .
 - 2- الكافي : ج 2 ص 45 ح 4 عن الصباح بن سيابة ، وسائل الشيعة : ج 11 ص 429 ح 21246 .
 - 3- العنكبوت : 43 .
 - 4- كشف المحجبة : ص 270 عن سنان بن طريف ، مختصر بصائر الدرجات : ص 196 وفيه «روح البصر» بدل «نور البصيرة» ، بحار الأنوار : ج 30 ص 37 ح 2 .

امام صادق علیه السلام_ در سفارش به عبداللّه بن جُنْدَب _ : ای پسر جُنْدَب! عیسی بن مریم علیه السلام به یارانش فرمود: « ... خوشا بر کسی که بینایی اش در دلش قرار داده شده ، نه [فقط] در چشمش ! » .

امام صادق علیه السلام: شما را چه به بیزاری جستن؟! این یکی ، از آن یکی ، بیزاری می جوید! همانا مؤمنان ، برخی شان ، برتر از برخی دیگرند . برخی شان ، بیشتر از برخی دیگر ، نماز می خوانند . برخی شان ، از بصیرتِ بیشتری برخوردارند . اینها درجات است . (1)

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام ، این خطابه را به یاران بزرگش می نوشت و در آن ، گفتاری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است ... : « اما بعد ، نور بصیرت ، جان زندگی است و ایمان ، سودی نمی بخشد ، مگر با این نور و با پیروی از کلمه خدا (کلمه توحید) و تصدیق آن . این کلمه ، از جان است و جان ، از نور است و نور ، نور آسمان ها و زمین است . پس در دستانتان شما ، رشته ای است که از ما به شما وصل شده است و این رشته ، نعمتی الهی است که از عهده شکر آن بر نمی آید . خداوند ، این نعمت را به شما اختصاص داده و شما را برای آن ، برگزیده است : « و این مثل ها را برای مردم می زنیم و آنها را جز دانایان نمی فهمند » .

1- . یعنی : اینها ، همان درجات ایمان است در این سخن خداوند که فرموده است: « هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ » (آل عمران : آیه 163) .

الإمام الكاظم عليه السلام_ في وصية لِهشام بن الحَكَم _ يا هِشامُ احذر هذه الدنيا واحذر أهلها ، فإنَّ النَّاسَ فيها على أربعة أصنافٍ : رَجُلٌ مُتَرَدِّ مُعَانِقٍ لِهَوَاهُ . وَمُتَعَلِّمٌ مُقَرَّرٍ (1) كَلَّمَا ازدادَ علماً ازدادَ كِبَرًا ، يَسْتَعْلِي بِقِرَاءَتِهِ وَعِلْمِهِ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ . وَعَابِدٌ جَاهِلٌ يَسْتَصْغِرُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي عِبَادَتِهِ ، يُحِبُّ أَنْ يُعْظَمَ وَيُوقَّرَ . وَذِي بَصِيرَةٍ عَالِمٍ عَارِفٍ بِطَرِيقِ الْحَقِّ يُحِبُّ الْقِيَامَ بِهِ ، فَهُوَ عَاجِزٌ أَوْ مَغْلُوبٌ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْقِيَامِ بِمَا يَعْرِفُ [هـ] ، فَهُوَ مَحْزُونٌ مَغْمُومٌ بِذَلِكَ ، فَهُوَ أَمِثَلُ أَهْلِ زَمَانِهِ وَأَوْجَهُهُمْ عَقْلاً . (2)

الإمام الرضا عليه السلام_ في الفقه المنسوب إليه _ :اعلم أن العمل الدائم القليل على اليقين والبصيرة ، أفضل عند الله من العمل الكثير على غير اليقين والجهل . (3)

عنه عليه السلام_ أيضا _ :أروي عن العالم عليه السلام : إنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَلَا خَصَّ رَسُولَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ ، فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ ، فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحِمِدُوا اللَّهَ ، وَإِلَّا فَاسْأَلُوهُ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا . قَالَ: وَذَكَرَهَا عَشْرَةً : الْيَقِينُ ، وَالْقَنَاعَةُ ، وَالْبَصِيرَةُ ... (4)

1- .في بعض النسخ : «المتقري» (هامش المصدر) .

2- .تحف العقول : ص 400 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 316 ح 1 .

3- .فقه الرضا : ص 356 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 348 ح 5 .

4- .فقه الرضا : ص 353 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 394 ح 77 .

امام کاظم علیه السلام در سفارش به هشام بن حکم _ ای هشام! از این دنیا و مردم آن ، بر حذر باش؛ زیرا مردم در دنیا چهار گروه اند : شخص افتاده در ورطه هلاکت و هماغوش هوس ؛ طالب دانش و قرآن خوان که هر چه دانشش افزون گردد ، بر غرورش افزوده شود و قرآن دانی خویش و دانش خود را وسیله گردن فزازی بر فرودستان خود سازد ؛ عابد نادانی که هر کس را که در عبادت ، از او کمتر است ، کوچک شمارد و دوست بدارد که او را تعظیم و تکریم کنند ؛ و صاحب بصیرت دانای آشنا به راه حق که دوست دارد حق را بر پای دارد ؛ اما یا ناتوان است یا مغلوب و فرومانده که نمی تواند آنچه را می داند ، به کار ببندد و از این رو ، اندوهناک و غم زده است . پس او ، بهترین فرد روزگار خود و خردمندترین آنان است .

امام رضا علیه السلام در کتاب فقه منسوب به ایشان _ بدان که عمل مداوم اندک ، اما توأم با یقین و بصیرت ، در نزد خداوند ، برتر از عمل بسیار توأم با غیر یقین و جهل است .

امام رضا علیه السلام در کتاب فقه منسوب به ایشان _ از موسی بن جعفر علیه السلام روایت می کنم که : «خداوند بزرگ و بلندمرتبه ، مکارم اخلاق را به پیامبرش ارزانی داشت . پس شما نیز خود را بیازمایید . اگر این خوی ها در شما بود ، خدا را سپاس گوئید ، و گرنه ، آنها را با رغبت از او بخواهید» . سپس ، ده تا از این خوی ها را برشمرد : «یقین ، قناعت ، بصیرت ...» .

الفصل الثالث : مبادئ البصيرة 3 / 1 الفطرة الكتاب « وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا » . (1)

الحديث الكافي عن حمزة بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ « وَ هَدَيْتَاهُ النَّجْدَيْنِ » (2) ، قَالَ : نَجْدَ الْخَيْرِ وَ نَجْدَ الشَّرِّ . (3)

تفسير القمي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ : « وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا » ، قَالَ : خَلَقَهَا وَ صَوَّرَهَا ، وَ قَوْلِهِ : « فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا » ، أَي عَرَّفَهَا وَأَلْهَمَهَا ، ثُمَّ خَيَّرَهَا فَاخْتَارَتْ . (4)

1- . الشمس : 7 و 8 .

2- . البلد : 10 .

3- . الكافي : ج 1 ص 163 ح 4 ، التوحيد : ص 411 ح 5 ، الأمل للطوسي : ص 660 ح 1367 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 196 ح 6 و 9 .

4- . تفسير القمي : ج 2 ص 424 ، بحار الأنوار : ج 24 ص 71 ح 4 .

فصل سوم : خاستگاه های بصیرت

3 / 1 سرشت

فصل سوم : خاستگاه های بصیرت 1 / 3 سرشتقرآن «سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد و سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن ، الهام کرد!» .

حدیثالکافی_ به نقل از حمزة بن محمد _ :از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «و دوراه را به او نشان دادیم» ، پرسیدم . فرمود: «[یعنی :]راه نیکی و راه بدی را [نشان داد]» .

تفسیر القمّی_ به نقل از ابو بصیر _ :از امام صادق علیه السلام در باره آیه شریف : «سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد!» ، پرسیدم . فرمود: «[یعنی]آن را آفرید و صورت بخشید» . و در باره آیه شریف : «پس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن ، الهام کرد» ، پرسیدم . فرمود : «[یعنی] به آن شناساند و الهام فرمود . سپس او را مُخَيَّر ساخت و او انتخاب کرد» .

تأويل الآيات الظاهرة عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام_ في قوله تعالى: «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» _ :عَرَفَهُ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ: «وَأَنْفُسٍ وَمَا سَوَّاهَا» . (1)

3 / 2 كتابُ الله عزَّ وجلَّ لكتاب « وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ » (2) .

« وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بآيَةً قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْنَاهَا قُلْ إِنَّمَا اتَّبَعْتُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هـ ذَا بَصَائِرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ » . (3)

« هـ ذَا بَصَائِرٍ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ » . (4)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : القرآن هُدًى مِنَ الضَّلَالَةِ ، وَتَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى . (5)

الإمام علي عليه السلام : كتابُ الله تُبْصِرُونَ بِهِ ، وَتَنْطِقُونَ بِهِ ، وَتَسْمَعُونَ بِهِ ، وَبِنَطْقِ بَعْضِهِ بَبَعْضٍ ، وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ ، وَلَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ ، وَلَا يُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّهِ . (6)

1- . تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 804 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 24 ص 72 ح 6 .

2- . القصص : 43 .

3- . الأعراف : 203 .

4- . الجاثية : 20 .

5- . الكافي : ج 2 ص 600 ح 8 عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير العياشي : ج 1 ص 5 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 26 ح 28 .

6- . نهج البلاغة : الخطبة 133 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 22 ح 23 .

3 / 2 کتاب خدا

تأویل الآيات الظاهرة_ به نقل از حَلَبی ، از امام صادق علیه السلام ، در باره آیه شریف : «پس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن ، الهام کرد» _ : حق و باطل را به او شناساند ، و این است معنای سخن او که: «سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد» .

2 / 3 کتاب خدا قرآن «و به راستی ، پس از آن که نسل های نخستین را نابود کردیم ، به موسی کتاب دادیم که [در بر دارنده] بصیرت ها و ره نمود و رحمتی برای مردم بود ، امید که پند گیرند» .

«و هر گاه برای آنان ، آیتی نیآوری ، می گویند: «چرا آن را خود برنگزیدی؟» . بگو : من ، فقط از آنچه که از پروردگارم به من وحی می شود ، پیروی می کنم . این [قرآن] ، بصیرت هایی است از جانب پروردگار شما ، و برای گروهی که ایمان می آورند ، هدایت و رحمتی است» .

«این [کتاب] ، برای مردم بصیرت بخش و برای قومی که یقین دارند ، ره نمود و رحمتی است» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : قرآن ، از گم راهی به راه می آورد و کوری [دل] را بینایی می بخشد .

امام علی علیه السلام : کتاب خداست که با آن می بینید و با آن ، سخن می گوید و با آن می شنوید و برخی از آن ، از برخی دیگر ، سخن می گوید و برخی از آن ، بر برخی دیگرش گواهی می دهد و در باره خدا ، سخن ناهمساز نمی گوید و پیرو خود را از خدا ، جدا نمی گرداند .

امام علی علیه السلام : هیچ کس با این قرآن نشست ، مگر آن که با افزایشی یا کاهشی از کنارش برخاست : افزایش در هدایت و یا کاستی از کوری [دل و باطن] .

عنه عليه السلام: ما جالس هذا القرآن أحد إلا قام عنه بزيادة أو نقصان؛ زيادة في هدى أو نقصان من عمى. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: في كتاب الله نجاة من الردى، وبصيرة من العمى، ودليل إلى الهدى. (2)

3 / 3 الإسلام للإمام علي عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى شرع الإسلام وسهل شرائعه لمن ورده، وأعز أركانه لمن حازبه، وجعله عزاً لمن تولاّه... وبصيرة لمن عزم. (3)

3 / 4 التوفيق رسول الله صلى الله عليه وآله: الحمد لله الذي... هدى من الضلالة، وبصر من العمى. (4)

الإمام علي عليه السلام: إن الله تعالى ربما أظهر آية لبعض المؤمنين ليزيد في بصيرته، ولبعض الكافرين ليبالغ في الإغدار إليه. (5)

-
- 1- نهج البلاغة: الخطبة 176، أعلام الدين: ص 105، غرر الحكم: ج 6 ص 103 ح 9680، بحار الأنوار: ج 92 ص 24 ح 24.
 - 2- تفسير العياشي: ج 1 ص 198 ح 143 عن أبي عمرو الزبيري، بحار الأنوار: ج 6 ص 32 ح 39.
 - 3- الكافي: ج 2 ص 49 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وبأسانيد مختلفة عن الأصبع بن نباتة، نهج البلاغة: الخطبة 106، الأمالي للمفيد: ص 275 ح 3 عن قبيصة عن جابر الأسدي، تحف العقول: ص 163، الغارات: ج 1 ص 138 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 349 ح 18.
 - 4- صحيح ابن حبان: ج 12 ص 23 ح 5219، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 731 ح 2003، تفسير ابن كثير: ج 3 ص 239 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 257 ح 40850؛ الإرشاد: ج 1 ص 229 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 31 ح 19.
 - 5- المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 329، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 424 ح 289، بحار الأنوار: ج 42 ص 40 ح 13.

3 / 3 اسلام

3 / 4 توفیق

امام صادق علیه السلام: کتاب خدا، [مایه] نجات از هلاکت است و بینایی بخشش از کوری و راه نما به راه راست .

3 / 3 اسلام امام علی علیه السلام: خداوند _ تبارك و تعالی _ ، شریعت اسلام را مقرر داشت و آبشخورهایش را برای کسی که بخواهد بدان وارد شود، آسان و هموار ساخت و ارکان آن را در برابر کسی که بخواهد با آن بجنگد، استوار گردانید و برای کسی که از آن پیروی کند، [مایه] عزّت قرارش داد ... و برای کسی که مصمم باشد، [مایه] بصیرت .

3 / 4 توفیق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سپاس، خدایی را که ... از گم راهی به راه آورد و کوری [دل] را بینایی بخشید .

امام علی علیه السلام: خداوند متعال، گاه نشانه ای را برای مؤمنی نمودار می سازد تا بر بصیرت او بیفزاید، و برای کافر، تا عذر و حجّت را بر او تمام تر سازد .

عنه عليه السلام: إِنَّمَا أَنَا وَأَنْتُمْ عِبِيدٌ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَا رَبَّ غَيْرُهُ . يَمْلِكُ مِنَّا مَا لَا نَمْلِكُ مِنْ أَنْفُسِنَا ، وَأَخْرَجَنَا مِمَّا كُنَّا فِيهِ إِلَى مَا صَلَحْنَا عَلَيْهِ ، فَأَبَدَلْنَا بَعْدَ الضَّلَالَةِ بِالهُدَى ، وَأَعْطَانَا الْبَصِيرَةَ بَعْدَ الْعَمَى . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ في المُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ _ :اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَعِذُّ وَأَعْتَصِمُ ، وَبِرُكْنِكَ الْوُدُّ وَأَتَحَرِّمُ ، وَبِقُوَّتِكَ أَسْتَجِيرُ وَأَسْتَنْصِرُ ، وَبِنُورِكَ أَهْتَدِي وَأَسْتَبْصِرُ ، ... سَيِّدِي لَوْ لَا نُوْرُكَ عَمِيْتُ عَنِ الدَّلِيلِ ، وَلَوْ لَا تَبْصِيرُكَ ضَلَلْتُ عَنِ السَّبِيلِ ، وَلَوْ لَا تَعْرِيفُكَ لَمْ أُرْشِدْ لِلْقَبُولِ ، وَلَوْ لَا تَوْفِيقُكَ لَمْ أَهْتَدِ إِلَى مَعْرِفَةِ التَّأْوِيلِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا ، زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا ، وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ ، وَبَصَّرَهُ عُيُوبَهَا ، وَمَنْ أُوْتِيَهُنَّ فَقَدِ أُوْتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام_ فِيمَا كَتَبَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ وَهُوَ فِي الْحَبْسِ _ :الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي بَعَّظَمَتِهِ وَنُورِهِ أَبْصَرَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ (4) ، وَبَعَّظَمَتِهِ وَنُورِهِ عَادَاهُ الْجَاهِلُونَ ، وَبَعَّظَمَتِهِ وَنُورِهِ ابْتَغَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ بِالْأَعْمَالِ الْمُخْتَلِفَةِ وَالْأَدْيَانِ الْمُتَضَادَّةِ ، فَمُصِيبٌ وَمُخْطِئٌ ، وَضَالٌّ وَمُهْتَدٍ ، وَسَمِيعٌ وَأَصْمٌ ، وَبَصِيرٌ وَأَعْمَى حَيْرَانَ . (5)

1- .الكافي : ج 8 ص 356 ح 550 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغة : الخطبة 216 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 359 ح 32 .

2- .بحار الأنوار : ج 94 ص 153_161 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

3- .الكافي : ج 2 ص 130 ح 10 عن عبد الله بن القاسم ، مشكاة الأنوار : ص 206 ح 556 وفيه «عيوبه» بدل «عيوبها» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 55 ح 28 ؛ شعب الإيمان : ج 7 ص 347 ح 10535 عن محمد بن كعب القرظي عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيه ذيله ، كنز العمال : ج 10 ص 137 ح 28689 . وراجع : تاريخ دمشق : ج 81 ص 78 .

4- .أي ما أبصروا وعلموا (بحار الأنوار : ج 58 ص 12) .

5- .الكافي : ج 8 ص 124 ح 95 عن علي بن سويد وج 1 ص 129 ح 1 عن الإمام علي عليه السلام ، رجال الكشي : ج 2 ص 754 ح 859 عن علي بن سويد النسائي وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 328 ح 6.

امام علی علیه السلام: من و شما، در حقیقت، بندگان زرخرد پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست. او چنان اختیاری از ما دارد که ما خود، از خویش نداریم و ما را از وضعیتی که در آن قرار داشتیم، به آنچه مصلحت ما در آن است، بیرون بُرد، گم راهی ما را به هدایت تبدیل کرد و ما را که کور [دل] بودیم، بینایی بخشید.

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات انجیلیه» _ :بار خدایا! به یاد تو پناه می برم و چنگ می زنم و خویشتن را در سایه زُکن تو در می آورم و از نیروی تو، حمایت و یاری می طلبم و از نور تو، راه نمایی و بصیرت می خواهم سَرور من! اگر نور تو نبود، راه نما را نمی دیدم، و اگر بینش بخشی تو نبود، راه را گم می کردم، و اگر معرفی تو به پذیرش نبود، راه نمی بُردم، و اگر توفیق دهی تو نبود، به شناخت تأویل [و معانی قرآن]، هدایت نمی شدم.

امام صادق علیه السلام: هر گاه خداوند، خیر بنده ای را اراده کند، او را نسبت به دنیا، بی رغبت می گرداند و در دین، دانایش می کند و عیب هایش را به او می نمایاند. به هر کس این چیزها داده شود، خیر دنیا و آخرت، داده شده است.

امام کاظم علیه السلام در نامه ای که از زندان، به علی بن سُوید نوشت _ :سپاس، خدای والا و بزرگی را که از بزرگی و نور او، دل های مؤمنان بینا شد و به سبب همین بزرگی و نور اوست که نادانان، با وی دشمنی کردند و به واسطه بزرگی و نور او، هر آن کس که در آسمان ها و در زمین است، با کارهای گونه گون و آیین ها و باورهای ناهمگون، در صدد نزدیک شدن به او بر آمدند. پس برخی، درست رفتند و برخی، خطا نمودند. برخی، گم راه شدند و برخی، ره یافتند. برخی، شنوا شدند و برخی، گر گشتند. برخی بینا شدند و برخی، کور و سرگردان ماندند.

الفصل الرابع : ما ينمي البصيرة 4 / 1 التَّفَكُّرُ الْكِتَابُ « أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ * وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَبْنَيْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ * تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ». (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَبِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ ، فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ التَّخَلُّصِ وَقِلَّةِ التَّرَبُّصِ . (2)

الإمام علي عليه السلام: فَتَفَكَّرُوا أَيُّهَا النَّاسُ وَتَبَصَّرُوا ، وَاعْتَبَرُوا وَاتَّعَظُوا ، وَتَزَوَّدُوا لِلْآخِرَةِ تَسْعَدُوا . (3)

1- ق: 6_8 .

2- الكافي : ج 2 ص 599 ح 2 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ج 1 ص 28 ح 34 عن يحيى بن عمران عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليه السلام ، النوادر للراوندي : ص 144 ح 197 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام وكلاهما نحوه ، الدرّة الباهرة : ص 22 وفيه صدره إلى «البصير» ، العدد القويّة : ص 38 ح 49 وفيه صدره إلى «بالنور» وكلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 135 ح 46 .

3- غرر الحكم : ج 4 ص 432 ح 6589 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 359 ح 6089 .

فصل چهارم : عوامل رشد بصیرت

4 / 1 اندیشیدن

فصل چهارم : عوامل رشد بصیرت 4 / 1 اندیشیدنقرآن «مگر به آسمانِ بالای سرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن ، هیچ گونه شکافتگی ای نیست؟! و زمین را گسترديم و در آن ، کوه های ثابت و استوار افکنديم و در آن ، از هر گونه جفتِ دل انگیزی رویانیدیم تا برای هر بنده توبه کاری ، بینش افزا و پندآموز باشد» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اندیشیدن ، حیاتِ بخشِ دلِ شخصِ بابصیرت است ، همان گونه که شخصِ چراغ به دست در تاریکی ها ، در پرتونور [چراغ] راه می رود . پس بر شما باد نیکُ رهیدن و کمتر درنگ کردن !

امام علی علیه السلام : پس ، ای مردم! بیندیشید و بینا شوید ، عبرت بگیرید و پند آموزید و برای آخرت ، توشه بگیرید تا سعادت مند شوید .

عنه عليه السلام: مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ. (1)

عنه عليه السلام: مَنْ فَكَّرَ أَبْصَرَ الْعَوَاقِبَ. (2)

عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَدَّجَعَ وَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ وَأَبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ، وَسَلَكَ جَدَّاداً (3) وَاضِحاً، يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهْوَى.

(4)

عنه عليه السلام: أَفْكَرَ تَسْتَبِيرَ. (5)

عنه عليه السلام: رَأْسُ الْإِسْتِبْصَارِ الْفِكْرَةُ. (6)

عنه عليه السلام: مَنْ طَالَتْ فِكْرُهُ حَسَّنَتْ بَصِيرَتُهُ. (7)

عنه عليه السلام: لَا بَصِيرَةَ لِمَنْ لَا فِكْرَ لَهُ. (8)

عنه عليه السلام: تَفَكُّرُكَ يُفِيدُكَ الْإِسْتِبْصَارَ، وَيَكْسِبُكَ الْإِعْتِبَارَ. (9)

الإمام الحسن عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ، فَإِنَّهُ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ، وَمَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ. (10)

4 / 2 التَّعَقُّلُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَسَمَ الْعَقْلُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ، فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ كَمَلٌ عَقْلُهُ، وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا عَقْلَ لَهُ: حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لَهُ، وَحُسْنُ الْبَصِيرَةِ عَلَى أَمْرِهِ. (11)

1- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 79، أعلام الدين: ص 287، بحار الأنوار: ج 77 ص 216 ح 1؛ دستور معالم الحكم: ص 28.

2- غرر الحكم: ج 5 ص 324 ح 8577، عيون الحكم والمواعظ: ص 459 ح 8316.

3- الجدد: الأرض الصلبة التي يسهل المشي فيها (مجمع البحرين: ج 1 ص 274 «جدد»).

4- تحف العقول: ص 155، بحار الأنوار: ج 77 ص 407 ح 38.

5- غرر الحكم: ج 2 ص 171 ح 2239، عيون الحكم والمواعظ: ص 75 ح 1815.

6- غرر الحكم: ج 4 ص 48 ح 5232، عيون الحكم والمواعظ: ص 264 ح 4809 وفيه «التبصرة الفكر» بدل «الاستبصار الفكرة».

7- غرر الحكم: ج 5 ص 272 ح 8319.

8- غرر الحكم: ج 6 ص 401 ح 10774.

9- غرر الحكم: ج 3 ص 316 ح 4574، عيون الحكم والمواعظ: ص 199 ح 4036.

10- أعلام الدين: ص 297، بحار الأنوار: ج 78 ص 115 ح 12.

11- .الخصال : ص 102 ح 58 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 106 ح 1 .

4 / 2 خردمندی

امام علی علیه السلام: هر که بیندیشد ، بینا می شود .

امام علی علیه السلام: هر که بیندیشد ، فرجام ها را می بیند .

امام علی علیه السلام: بینا ، کسی است که بشنود و بیندیشد ، بنگرد و بینا شود و از عبرت ها بهره گیرد و راه هموار و آشکار را بپوید و از فرو افتادن و پرتگاه های آن ، بپرهیزد .

امام علی علیه السلام: بیندیش تا بینش یابی .

امام علی علیه السلام: اساس بصیرت ، اندیشیدن است .

امام علی علیه السلام: کسی که بسیار اندیشه می کند ، بصیرتِ نیکویی می یابد .

امام علی علیه السلام: کسی که اندیشه ندارد ، بصیرت ندارد .

امام علی علیه السلام: اندیشیدنِ تو ، به تو بصیرت می دهد و عبرت آموزی می بخشد .

امام حسن علیه السلام: بر شما باد اندیشیدن ؛ زیرا آن ، زندگی بخش دلِ شخصِ بابصیرت و کلید درهای حکمت است .

4 / 2 خردمندی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خرد ، به سه جزء تقسیم شده است . پس هر کس که این سه جزء در او باشد ، خردش کامل است و در هر کس نباشد ، از خرد ، بی بهره است : نیکو شناختن خداوند عز و جل ، نیکو فرمان بردن از او ، و بصیرتِ نیکو داشتن در کار او .

عنه صلى الله عليه وآله: عَلِيٌّ الْعَاقِلُ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام: نَاطِرُ قَلْبِ اللَّيْبِ بِهِ يُبْصِرُ أَمَدَهُ (2) ، وَيَعْرِفُ غَوْرَةَ وَنَجْدَهُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ ، وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ ، وَبِالْعَقْلِ يَكْمُلُ ، وَهُوَ دَلِيلُهُ وَمُبْصِرُهُ وَمِفْتَاحُ أَمْرِهِ . (4)

عنه عليه السلام: قَالَ لِقَمَانُ لِابْنِهِ : ... إِنَّ الْعَاقِلَ إِذَا أَبْصَرَ بِعَيْنِهِ شَيْئًا عَرَفَ الْحَقَّ مِنْهُ ، وَالشَّاهِدَ يَرَى مَا لَا يَرَى الْغَائِبُ . (5)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْقِلْ عَنِ اللَّهِ ، لَمْ يَعْقِدْ قَلْبَهُ عَلَى مَعْرِفَةٍ ثَابِتَةٍ يُبْصِرُهَا وَيَجِدُ حَقِيقَتَهَا فِي قَلْبِهِ . (6)

13 / 4 التَّعَلُّمُ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ ، وَضِيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ ، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ . (7)

1- النخصال: ص 525 ح 13 ، معاني الأخبار: ص 334 ح 1 ، الأمالي للطوسي: ص 540 ح 1163 ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 383 ح 2661 كلها عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار: ج 77 ص 72 ح 1 ؛ صحيح ابن حبان: ج 2 ص 78 ح 361 عن أبي ذرّ ، كنز العمال: ج 16 ص 133 ح 44158 .

2- الأمد: نهاية البلوغ (مجمع البحرين: ج 1 ص 68 «أمد»)

3- نهج البلاغة: الخطبة 154 ، بحار الأنوار: ج 29 ص 600 ح 20 .

4- الكافي: ج 1 ص 25 ح 23 ، علل الشرائع: ص 103 ح 2 ، مشكاة الأنوار: ص 440 ح 1484 وفيه «الإسلام» بدل «الإنسان» ، بحار الأنوار: ج 1 ص 90 ح 17 .

5- الكافي: ج 8 ص 348 ح 547 ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 297 ح 2505 ، المحاسن: ج 2 ص 126 ح 1348 وفيه «بعينه» بدل «بعينه» ، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 538 ح 1869 ، مجمع البيان: ج 8 ص 496 كلها عن حماد ، بحار الأنوار: ج 13 ص 423 ح 18 .

6- الكافي: ج 1 ص 18 ح 12 عن هشام بن الحكم ، تحف العقول: ص 388 ، بحار الأنوار: ج 78 ص 302 ح 1 .

7- الأمالي للطوسي: ص 488 ح 1069 ، عدّة الداعي: ص 64 كلاهما عن محمد بن عليّ بن الحسين بن زيد بن الإمام زين العابدين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، منية المرید: ص 109 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج 1 ص 171 ح 24 .

4 / 3 دانش آموختن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خردمند ، باید به زمان خود ، بصیرت داشته باشد .

امام علی علیه السلام : خردمند ، با چشم دل ، پایان کار خویش را می بیند و نشیب و فراز آن را می شناسد .

امام صادق علیه السلام : ستون [وجود] انسان ، خرد است ، و هوشمندی و فهم و حافظه و دانش ، از خرد بر می خیزد و با خرد به کمال می رسد و خرد ، راه نمای او و بینش بخش او و کلید کارهای اوست .

امام صادق علیه السلام : لقمان به فرزندش گفت : «... خردمند ، هر گاه با چشم خود ، چیزی را ببیند ، حق را از آن می شناسد . شاهد ، چیزی را می بیند که غایب نمی بیند» .

امام کاظم علیه السلام : کسی که خدا را نشناخته است ، دلش با شناخت استواری که آن را ببیند و حقیقتش را در قلب خویش بیابد ، گره نمی خورد .

4 / 3 دانش آموختن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا دانش ، زندگی بخش دل ها [ی مُرده] از نادانی است و روشنایی بخش دیدگان ، از تاریکی [و کوری] است ، و نیروبخش بدن های ناتوان است . 1

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ ، وَنُورُ الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى ، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ ، وَمَصَابِيحُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمِ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام: الْحِكْمَةُ ضِيَاءٌ لِلْبَصْرِ . (3)

عنه عليه السلام: جَاوِرِ الْعُلَمَاءَ تَسْتَبْصِر . (4)

الإمام الكاظم عليه السلام: تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ ، فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ . (5)

عيسى عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ : لَا يَجْتَمِعُ الْمَاءُ وَالنَّارُ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ الْفِقْهُ وَالْعَمَى فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ . (6)

4 / 4 الإعتبار الكتاب « أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ » . (7)

1- .الخصال: ص 523 ح 12 عن الإمام عليّ عليه السلام، تحف العقول: ص 28، الأمالي للصدوق: ص 713 ح 982 عن الأصبغ بن نباتة عن الإمام عليّ عليه السلام، مجمع البيان: ج 2 ص 717 عن أنس وليس فيه «من العمى، من الضعف»، روضة الواعظين: ص 13 عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 166 ح 7.

2- .جامع بيان العلم وفضله: ج 1 ص 55 عن معاذ بن جبل؛ كنز الفوائد: ج 2 ص 108، أعلام الدين: ص 82 كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيهما «من الجهل» وكلاهما بزيادة «وقوة الأبدان من الضعف» في آخره، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 245 عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «من الجهل، من الظلم».

3- .مختصر بصائر الدرجات: ص 196.

4- .غرر الحكم: ج 3 ص 378 ح 4801، عيون الحكم والمواعظ: ص 221 ح 4297.

5- .تحف العقول: ص 410، فقه الرضا: ص 337، بحار الأنوار: ج 78 ص 321 ح 19.

6- .تحف العقول: ص 512.

7- .الحجج: 46.

4 / 4 عبرت آموختن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا دانش ، زندگی بخشِ دل هاست و روشنی بخشِ دیدگان ، از کوری و نیروبخش بدن های ناتوان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا دانش ، زندگی بخش دل ها [ی مُرده] از نادانی و چراغ [و روشنی بخش] چشم ها در تاریکی هاست .

امام علی علیه السلام : حکمت ، نوری برای دیده است .

امام علی علیه السلام : با دانشمندان همنشینی کن تا بصیرت یابی .

امام کاظم علیه السلام : در دین خدا ، ژرفکاو کنی ؛ زیرا دین شناسی ، کلید بصیرت است .

عیسی علیه السلام : به حق ، با شما می گویم : آب و آتش ، در یک ظرف جمع نمی شوند . همچنین دین شناسی و کوری ، در یک دل ، جمع نمی شوند .

4 / 4 عبرت آموختن قرآن «پس آیا در زمین سیر نمی کنند تا برای ایشان ، دل هایی باشد تا با آنها بفهمند یا گوش هایی [باشد] تا با آنها بشنوند ؛ زیرا در حقیقت ، دیدگان کور نیستند ؛ بلکه دل هایی که در سینه هاست ، کورند» .

الحديث للإمام علي عليه السلام: مَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ. (1)

عنه عليه السلام: فِي كُلِّ اعْتِبَارٍ اسْتِبْصَارٌ. (2)

عنه عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ. (3)

عنه عليه السلام: دَوَامُ الْإِعْتِبَارِ يُؤَدِّي إِلَى الْإِسْتِبْصَارِ، وَيُثْمِرُ الْإِزْدِجَارَ. (4)

عنه عليه السلام_ فِي خُطْبَةٍ خَطَبَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ _ أَوْ لَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ وَفِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ مُعْتَبِرٌ وَبَصِيرَةٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؟! (5)

4 / 5 التَّقْوَى الْكِتَابُ « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا ». (6)

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ». (7)

-
- 1- نهج البلاغة : الحكمة 208 ، خصائص الأئمة : ص 118 ، العدد القويّة : ص 292 ح 18 و ص 300 ح 36 كلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام ، نزهة الناظر : ص 80 ح 153 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 73 ح 27 .
 - 2- غرر الحكم : ج 4 ص 396 ح 6461 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 353 ح 5962 .
 - 3- نهج البلاغة : الخطبة 103 ، غرر الحكم : ج 4 ص 42 ح 5206 ؛ دستور معالم الحكم : ص 45 وفيه «عبدًا» بدل «امرأ» .
 - 4- غرر الحكم : ج 4 ص 22 ح 5150 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 251 ح 4709 .
 - 5- مصباح المتهجد : ص 381 ح 508 عن زيد بن وهب ، الدعوات : ص 238 ح 666 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 238 ح 68 .
 - 6- الأنفال : 29 .
 - 7- الحديد : 28 .

4 / 5 پروای از خدا

حدیث امام علی علیه السلام: هر که عبرت بیاموزد، بینا می شود.

امام علی علیه السلام: در هر عبرت آموختنی، بیناشدنی است.

امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن کس که اندیشید و عبرت گرفت، و عبرت گرفت و بینا شد!

امام علی علیه السلام: عبرت گرفتن مداوم، به بصیرت می انجامد، و باز ایستادن [از گناه و خطا] را به بار می نشاند.

امام علی علیه السلام: در خطبه ای که روز جمعه ایراد فرمود: آیا در آثار پیشینیان و در پدران گذشته شما، [مایه های] عبرت و بصیرت نیست، اگر خرد می ورزیدید؟!

4 / 5 پروای از خدا قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از خدا پروا کنید برای شما فرقانی (نیروی جدا کننده حق از باطل) قرار می دهد».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید، و به پیامبرش، ایمان آورید تا دو بهره از رحمتش به شما عطا کند و برایتان، نوری قرار دهد که با آن، راه بروید و شما را پیامرزد، و خدا، آمرزگاری مهربان است».

الحديث للإمام علي عليه السلام: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٌ قُلُوبِكُمْ ، وَبَصَرٌ عَمَى أَفْنِدَتِكُمْ ، وَشِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ ، وَصَدِّ لَاحُ فَسَادِ صُدُورِكُمْ ، وَطَهُورٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ ، وَجَلَاءٌ عَشَا أَبْصَارِكُمْ . (1)

عنه عليه السلام : فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِنْ أَيْقَنَ فَأَحْسَنَ ، وَعُيِّرَ فَاعْتَبَرَ ، وَحُدِّرَ فَازْدَجَرَ ، وَبُصِّرَ فَاسْتَبَصَّرَ ، وَخَافَ الْعِقَابَ ، وَعَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ . (2)

4 / 6 ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِكِتَابِ «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» . (3)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَعْنِي بِمُجَاهِدَةِ نَفْسِهِ لِيُغْلِبَهَا عَلَى هَوَاهَا ، فَمَرَّةً يُقِيمُ أَوْدَهَا (4) وَيُخَالِفُ هَوَاهَا فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ ، وَمَرَّةً تَصْرَعُهُ نَفْسُهُ فَيَتَّبِعُ هَوَاهَا فَيَنْعَشُهُ اللَّهُ فَيَنْتَعِشُ ، وَيُقِيلُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَيَتَذَكَّرُ وَيَفْزَعُ إِلَى التَّوْبَةِ وَالْمَخَافَةِ ، فَيَزِدَادُ بَصِيرَةً وَمَعْرِفَةً لِمَا زِيدَ فِيهِ مِنَ الْخَوْفِ ، وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ : «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» . (5)

عنه عليه السلام _ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» _ : إِذَا ذَكَرَهُمُ الشَّيْطَانُ الْمَعَاصِيَّ وَحَمَلَهُمْ عَلَيْهَا ، يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ . (6)

1- نهج البلاغة : الخطبة 198 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 284 ح 6 .

2- غرر الحكم : ج 4 ص 437 ح 6598 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 360 ح 6099 نحوه .

3- الأعراف : 201 .

4- الأود : العوج (مجمع البحرين : ج 1 ص 96 «أود»).

5- تحف العقول : ص 284 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 163 ح 1 .

6- تفسير القمي : ج 1 ص 253 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 236 ح 79 .

4 / 6 یاد خدا

حدیث امام علی علیه السلام: همانا پروای از خدا، داروی درد دل های شما و بینا کننده کوری دل های شما و شفابخش بیماری بدن های شما و اصلاح کننده تباهی سینه های شما و پاک کننده آلودگی جان های شما و روشنی بخش ضعف دیدگان شماست .

امام علی علیه السلام: از خدا پروا کنید، همچون پروا کردن کسی که یقین کرد و نیکی به جا آورد، پند داده شد و پند گرفت، بر حذر داشته شد و [از گناه] باز ایستاد، بینایش کردند و بینا شد، و از کیفر ترسید و برای روز حساب، کار کرد .

4 / 6 یاد خدا قرآن «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد آورند و آن گاه، بینا شوند» .

حدیث امام باقر علیه السلام: مؤمن، همواره در کار مبارزه با نفس خویش است تا بر هوس آن، چیره آید. گاه نفس خود را از کژی [و انحراف] به راستی می آورد و در راه محبت خدا، با هوای نفس، مخالفت می ورزد. گاه نفسش، او را بر زمین می افکند و در نتیجه، پیرو هوس آن می گردد؛ اما خداوند، دستش را می گیرد و بر می خیزد، و خدا، لغزش او را می بخشد و مؤمن، به خود می آید (/ به یاد خدا می افتد) و به توبه و ترس از خدا، پناه می برد و بر اثر افزایش ترسش [از خدا]، بر بصیرت و معرفت او افزوده می گردد. گواه این مطلب، این سخن خداوند است که: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد می آورند و آن گاه، بینا می شوند» .

امام باقر علیه السلام_ در باره این سخن خداوند متعال: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ، [خدا را] به یاد می آورند و آن گاه، بینا می شوند» _ هر گاه شیطان، آنان را به یاد گناهان بیندازد و بر [انجام دادن] آنها وادارشان سازد، خدا را یاد می کنند و آن گاه، بینا می شوند .

عنه عليه السلام: ثلاثٌ من أشدِّ ما عمِلَ العِبَادُ: إنصافُ المؤمنِ من نفسه، ومُواساةُ المرءِ أخاه، وذكُرُ اللهِ على كُلِّ حالٍ، وهو أن يذكُرَ اللهَ عز و جل عندَ المعصيةِ يَهُمُّ بها، فيحوِلُ ذكُرُ اللهِ بينَهُ وبينَ تلكَ المعصيةِ، وهو قولُ الله عز و جل: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» . (1)

الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سألتُهُ عليه السلام عن قولِ الله عز و جل: «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» قال: هو العبدُ يَهُمُّ بالذنبِ ثُمَّ يَتَذَكَّرُ فَيَمْسِكُ، فذلكَ قولُهُ: «تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» . (2)

الإمام عليّ عليه السلام: إنَّ اللهَ سبحانه وتعالى جَعَلَ الذِّكْرَ جِلاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ (3)، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ (4) . (5)

عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللهَ اسْتَبَصَرَ . (6)

عنه عليه السلام: ذِكْرُ اللهِ يُنِيرُ الْبَصَائِرَ، وَيُونِسُ الضَّمَائِرَ . (7)

1- الخصال: ص 131 ح 138، معاني الأخبار: ص 192 ح 2، جامع الأحاديث: ص 189 كلاهما نحوه وكلها عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 69 ص 379 ح 36.

2- الكافي: ج 2 ص 434 ح 7، تفسير العياشي: ج 2 ص 43 ح 128 عن زيد بن أبي أسامة و ص 44 ح 129 عن علي بن أبي حمزة وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 6 ص 40 ح 72.

3- الوقرة: هي المرّة من الوقر؛ ثَقُلُ السَّمْعُ (لسان العرب: ج 5 ص 289 «وقر»).

4- العَشْوَةُ: الأمر الملتبس، وأن يركب أمراً بجهل لا يعرف وجهه، مأخوذ من عَشْوَةُ الليل، وهي ظلمته (النهاية: ج 3 ص 242 «عشا»).

5- نهج البلاغة: الخطبة 222، إرشاد القلوب: ص 59 وفيه: «الغشوة» بدل «العشوة»، غرر الحكم: ج 2 ص 558 ح 3573 نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 325 ح 39.

6- غرر الحكم: ج 5 ص 166 ح 7800، عيون الحكم والمواعظ: ص 429 ح 7297.

7- غرر الحكم: ج 4 ص 29 ح 5167، عيون الحكم والمواعظ: ص 255 ح 4720.

امام باقر علیه السلام: سه چیز، از سخت ترین کارها برای بندگان است: انصاف داشتن مؤمن در باره خود، همدردی و کمک مالی انسان به برادرش، و به یاد خدا بودن در همه حال. این، بدان معناست که آدمی، هنگام رو به رو شدن با گناه و آهنگ آن کردن، خدا را یاد می کند، و یاد خدا، مانع میان او و آن گناه می شود. این است معنای سخن خداوند عز و جل که می فرماید: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد می آورند و آن گاه، بینا می شوند».

الکافی_ به نقل از ابو بصیر_: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل که: «چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد می آورند و آن گاه، بینا می شوند»، پرسیدم. فرمود: «[معنایش این است که] آن بنده، آهنگ گناه می کند. سپس [خدا را] یاد آور می شود و دست نگره می دارد. این است معنای سخن او که: «بی درنگ، [خدا را] به یاد می آورند و آن گاه، بینا می شوند».

امام علی علیه السلام: خداوند پاک و بلند مرتبه، یاد [خود] را صیقل دهنده دل ها قرار داده است. گوش های سنگین شده دل ها، با یاد خدا، شنوا می شوند و چشم های [کور و] تار شده دل ها به وسیله آن، بینا می گردند.

امام علی علیه السلام: هر که خدا را یاد کند، بصیرت می یابد.

امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنی بخش دیدگان و آرام بخش دل هاست.

عنه عليه السلام: الذِّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ ، وَتَبَصُّرَةُ النُّفُوسِ . (1)

عنه عليه السلام: الذِّكْرُ جِلَاءُ الْبَصَائِرِ ، وَنُورُ السَّرَائِرِ . (2)

4 / 7 الإخلاص للإمام علي عليه السلام: عِنْدَ تَحَقُّقِ الْإِخْلَاصِ تَسْتَبِيرُ الْبَصَائِرِ . (3)

عنه عليه السلام- في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ... يَا أَحْمَدُ ... مَنْ عَمِلَ بِرِضَائِي أُلْزِمُهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ : أَعْرَفُهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ ، وَذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النَّسِيَانُ ، وَمَحَبَّةً لَا يُؤَثِّرُ عَلَى مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ ، فَإِذَا أَحَبَّنِي أَحَبَّبْتُهُ ، وَأَفْتَحُ عَيْنَ قَلْبِهِ إِلَى جَلَالِي ، وَلَا أُخْفِي عَلَيْهِ خَاصَّةَ خَلْقِي ، فَأَنَاجِيهِ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَنُورِ النَّهَارِ حَتَّى يَنْقَطِعَ حَدِيثُهُ مَعَ الْمَخْلُوقِينَ ، وَمُجَالَسَتُهُ مَعَهُمْ ، وَأُسْمِعُهُ كَلَامِي وَكَلَامَ مَلَائِكَتِي ، وَأَعْرِفُهُ السِّرَّ الَّذِي سَتَرْتُهُ عَن خَلْقِي ، وَالْبِسْمَةَ الْحَيَاءِ حَتَّى يَسْتَحْيِيَ مِنْهُ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ ، وَيَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُورًا لَهُ ، وَأَجْعَلُ قَلْبَهُ وَاعِيًا وَبَصِيرًا ، وَلَا أُخْفِي عَلَيْهِ شَيْئًا مِنْ جَنَّةٍ وَلَا نَارٍ ، وَأَعْرِفُهُ مَا يَمُرُّ عَلَى النَّاسِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنَ الْهَوْلِ وَالشَّدَّةِ ، وَمَا أُحَاسِبُ الْأَغْنِيَاءَ وَالْفُقَرَاءَ وَالْجُهَّالَ وَالْعُلَمَاءَ... فَهَذِهِ صِفَاتُ الْمُجَبِّينِ . (4)

4 / 8 الزُّهْدُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي التَّرْغِيبِ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا - مَنْ زَهَّدَ فِيهَا فَقَصَّرَ فِيهَا أَمَلَهُ ، أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بِغَيْرِ تَعَلُّمٍ ، وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ ، فَأَذْهَبَ عَنْهُ الْعَمَى وَجَعَلَهُ بَصِيرًا . (5)

- 1- غرر الحكم : ج 1 ص 369 ح 1403 .
- 2- غرر الحكم : ج 1 ص 362 ح 1377 .
- 3- غرر الحكم : ج 4 ص 323 ح 6211 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 338 ح 5765 .
- 4- إرشاد القلوب : ص 199_204 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 28 ح 6 .
- 5- تحف العقول : ص 60 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 163 ح 187 ؛ حلية الأولياء : ج 1 ص 72 عن نصير بن حمزة عن أبيه عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عن الإمام الحسين عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 197 ح 6149 .

4 / 7 اخلاص

4 / 8 پارسایی

امام علی علیه السلام: یاد [خدا]، هدایت کننده خردها و بینا کننده جان هاست .

امام علی علیه السلام: یاد خدا، صیقل دهنده دیدگان [دل ها] و نورِ درون هاست .

4 / 7 اخلاص امام علی علیه السلام: چون اخلاص تحقق یابد، دیده بصیرت، روشنی می گیرد .

امام علی علیه السلام_ در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله _ :خدای متعال فرمود: «... ای احمد! ... هر که برای خشنودی من کار کند، سه خصلت در وجود او می نهم: سپاس گزاری ای را به او می شناسانم که با نادانی آمیخته نباشد، و یادی را که با فراموشی در نیامیزد، و محبتی را که محبت مخلوقات را بر محبت من بر نگزیند. پس هر گاه مرا دوست بدارد، من هم او را دوست می دارم و چشم دلش را به سوی جلالم می گشایم و بندگان ویژه خود را از او پنهان نمی دارم و در تاریکی های شب و روشنایی روز، با او نجوا می کنم، آن سان که همسخنی اش با آفریدگان و همنشینی با آنان را رها کند. سخن خودم و سخن فرشتگانم را به او می شنوایم و رازی را که از آفریدگانم پوشانده ام، برای او فاش می سازم و جامه حیا بر او می پوشانم تا تمام آفریدگان، از او حیا کنند و آمرزیده، بر روی زمین راه می رود و دلش را پذیرا و بینا می گردانم و هیچ چیزی از بهشت و دوزخ را بر او پوشیده نمی دارم و ترس ها و سختی هایی را که مردم در روز قیامت، از سر می گذرانند و حساسی را که از توانگران و تهی دستان و نادانان و دانایان می کشم، به او می شناسانم...» . این است صفات دوستان [خدا] .

4 / 8 پارسایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در تشویق به پارسایی در دنیا _ :هر که در دنیا پارسایی ورزد و آرزویش را در آن، کوتاه کند، خداوند، بدون آموختن، به او دانشی می دهد و بدون هدایت شدن، هدایتی . پس کوری را از او می زُداید و او را بینا می گرداند .

الإمام علي عليه السلام: ازهد في الدنيا؛ يُبصرك الله عوراتها. (1)

4 / 9 قبول التصحاح الإمام علي عليه السلام: قد نصحتهم فانتصحو، وبصرتهم فأبصروا، وأرشدتهم فاسترشدوا. (2)

عنه عليه السلام: لقد بصرتهم إن أبصرتهم، وأسمعتهم إن سمعتهم، وهديتهم إن اهتديتهم. (3)

عنه عليه السلام: بالهدى يكثر الاستبصار. (4)

4 / 10 استقبال الأمور الإمام علي عليه السلام: من استقبل الأمور أبصر. من استدبر الأمور تحير. (5)

4 / 11 الجوع الإمام علي عليه السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله سأل ربه سبحانه ليلة المعراج فقال: ... يا رب ما ميراث الجوع؟ قال: الحكمة، وحفظ القلب، والتقرب إلي، والحزن الدائم، وخفة المؤنة بين الناس، وقول الحق، ولا يبالي عاش يبسر أم بعسر... يا أحمد، إن العبد إذا جاع بطنه وحفظ لسانه، علمته الحكمة، وإن كان كافراً تكون حكمته حجة عليه ووبالاً (6)، وإن كان مؤمناً تكون حكمته له نوراً وبرهاناً وشفاءً ورحمةً، فيعلم ما لم يكن يعلم ويصير ما لم يكن يصير، فأول ما أبصره عيوب نفسه حتى يشغل بها عن عيوب غيره، وأبصره دقائق العلم حتى لا يدخل عليه الشيطان. (7)

- 1- نهج البلاغة: الحكمة 391، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 297، غرر الحكم: ج 2 ص 197 ح 2362 وفيه «عيوبها» بدل «عوراتها»، بحار الأنوار: ج 70 ص 319 ح 34.
- 2- غرر الحكم: ج 4 ص 475 ح 6683.
- 3- نهج البلاغة: الخطبة 20، غرر الحكم: ج 3 ص 199 ح 7346.
- 4- غرر الحكم: ج 3 ص 199 ح 4186، عيون الحكم والمواعظ: ص 187 ح 3810.
- 5- غرر الحكم: ج 5 ص 166 ح 7802 و 7803، عيون الحكم والمواعظ: ص 452 ح 8093 و 8094.
- 6- الوبال: الوخامة وسوء العاقبة (مجمع البحرين: ج 3 ص 1900 «وبل»).
- 7- إرشاد القلوب: ص 199_205، بحار الأنوار: ج 77 ص 21 ح 6.

4 / 9 نصیحت پذیری**4 / 10 به پیشواز رفتن کارها****4 / 11 گرسنگی**

امام علی علیه السلام: در دنیا پارسا باش تا خداوند، تو را به معایب آن، بینا گرداند.

4 / 9 نصیحت پذیری امام علی علیه السلام: شما نصیحت شده اید. پس نصیحت پذیر باشید. به شما بینایی داده شده است. پس ببینید. [به راه راست،] ارشاد شده اید. پس راه راست در پیش گیرید.

امام علی علیه السلام: هر آینه، به شما، بینایی داده شده است، اگر ببینید، و شنوایده شده اید، اگر بشنوید، و راه به شما نشان داده شده است، اگر به راه آید. (1)

امام علی علیه السلام: با راه نمایی، بصیرت، افزون می شود.

4 / 10 به پیشواز رفتن کارها امام علی علیه السلام: هر که به پیشواز کارها رود (2)، بینا می شود و هر که به دنبال کارها رود، حیران می شود.

4 / 11 گرسنگی امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگار پاکش پرسید و گفت: ... ای پروردگار من! میراث [و ثمره] گرسنگی چیست؟ فرمود: «حکمت، نگاه داشتن دل، نزدیک شدن به من، اندوه همیشگی داشتن، کم خرج و زحمت بودن برای مردم، حقگویی و باک نداشتن از این که در آسانی زندگی کند یا در سختی ... ای احمد! بنده، هر گاه شکمش گرسنه باشد و زیانتش را نگه دارد، من به او حکمت می آموزم. چنانچه کافر باشد، حکمتش، حجتی بر او و وبال او خواهد بود، و اگر مؤمن باشد، حکمتش برای او نور و برهان و شفا و رحمت است، به طوری که آنچه را نمی دانسته است، می داند و آنچه را نمی دیده است، می بیند. پس نخستین چیزی که به او می نمایانم، عیب های خود اوست تا با پرداختن به آنها، از پرداختن به عیب های دیگران، باز بماند و [دیگر آن که] دقایق و نکته های باریک دانش و معرفت را به او نشان می دهم تا این که شیطان به او راه نیابد».

1- یعنی آنچه مایه بینش و بصیرت شماست و آنچه باید به گوش شما رسانیده شود، به شما گفته شده و راه درست، به شما نمایانده شده است. پس چشم و گوش خود را باز کنید و راه درست را در پیش گیرید.

2- ظاهراً مقصود آن است که اندیشیدن و تدبیر قبل از انجام هر کار، موجب بصیرت و فکر کردن بعد از انجام آن موجب حیرت و سرگردانی است.

4 / 12 الدُّعَاءُ للإمام عليّ عليه السلام_ في المُناجاة الشَّعبانيَّة_ :إلهي هَبْ لي كَمَالَ الإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ ، وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ ، حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ ، فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ ، وَتَصِيرَ أرواحنا مُعَلِّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ . (1)

الإمام الحسين عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي قُنُوتِهِ _ :اللَّهُمَّ وَإِنِّي مَعَ ذَلِكَ كُلِّهِ عَائِدٌ بِكَ ... مُسْتَبَصِّرٌ فِي مَا بَصَّرْتَنِي ... فَلَا تُخْلِنِي مِنْ رِعَايَتِكَ ... وَاجْعَلْ عَلَيَّ الْبَصِيرَةَ مَدْرَجَتِي . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ في أَدْعِيَةِ السَّحْرِ فِي لَيْالِي شَهْرِ رَمَضَانَ _ :اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ ، وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ ، وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ ، وَكِفْلَيْنِ (3) مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَوَرَعًا يَحْجِزُنِي عَنِ مَعَاصِيكَ ، وَيَبِيضَ وَجْهِي بِنُورِكَ . (4)

-
- 1- .الإقبال : ج 3 ص 299 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 99 ح 13 نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي عن نوف البكالي .
 - 2- .مهج الدعوات : ص 68 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 214 .
 - 3- .كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ : أي نصيبين منها (مجمع البحرين : ج 3 ص 1582 «كفل»).
 - 4- .مصباح المتهجد : ص 596 ح 691 ، الإقبال : ج 1 ص 173 ، المصباح للكفعمي : ص 796 كلُّها عن أبي حمزة الشمالي ، بحار الأنوار : ج 98 ص 92 ح 2 .

4 / 12 دعا امام علی علیه السلام_ در «مناجات شعبانیه» _ :خدایا! کمال [گسستن از همه و] روی آوردن به خودت را ارزانی ام بدار و دیدگانِ دل های ما را با فروغِ نگاهی که به تو می افکنند، روشنایی بخش، تا آن گاه که دیدگان دل ها، پرده های نور را از هم بدرند و به کانون عظمت [تو] بار یابند و جان های ما به سُکوه قدس و پاکی تو بیاویزند .

امام حسین علیه السلام_ در دعای قنوت _ :بار خدایا! با این همه، من به تو پناه آورده ام ... و در آنچه به من نشان داده ای، بینایم پس مرا از حمایت خویش، بی بهره مگذار ... و مرا در مسیر خویش، با بینش [و آگاهی] قرار ده .

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعاهای سحر شب های ماه رمضان _ :بار خدایا! بصیرت در دینت و فهمیدن احکامت و فهم عمیق در علمت را به من عطا کن و نیز دو بهره از رحمتت و وَرَعی که مرا از گناهانت باز دارد، و رویم را با نور خود، سپید گردان .

الإمام الصادق عليه السلام_ في دُعَاءِ عَلمَهُ لَوَجَعَ العَيْنِ _ :وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي . (1)

عنه عليه السلام :أَسأَلُكَ بِاسْمِكَ العَظِيمِ رِضَاكَ عِنْدَ السُّخْطَةِ ، وَالفَرَجَةَ عِنْدَ الكُرْبَةِ ، وَالتُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ ، وَالبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشَبُّهِ الفِتْنَةِ . (2)

عنه عليه السلام :الحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيِّ الحَمْدِ وَأَهْلِهِ ، وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلُّهُ ... أَسأَلُكَ اللَّهُمَّ الهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ ، وَالبَصِيرَةَ مِنَ العَمَى ، وَالرُّشْدَ مِنَ العُورَايَةِ . (3)

الإمام الرضا عليه السلام_ فِي الفِقْهِ المَنْسُوبِ إِلَيْهِ _ :وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَكْتَحِلَ فَخُذِ المِيلَ بِيَدِكَ اليُمْنَى وَاضْرِبْهُ فِي المُكْحَلَةِ ، وَقُلْ : «بِسْمِ اللَّهِ» ، فَإِذَا جَعَلْتَ المِيلَ فِي عَيْنِكَ فَقُلْ : «اللَّهُمَّ نَوِّرْ بَصَرِي ، وَاجْعَلْ فِيهِ نُوراً أَبْصِرُ بِهِ حَقِّكَ ، وَاهْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الحَقِّ ، وَأرْشِدْني إِلَى سَبِيلِ الرِّشَادِ ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي» . (4)

1- .الكافي : ج 2 ص 550 ح 11 ، الأُمالي للمفيد : ص 179 ح 9 ، الأُمالي للطوسي : ص 196 ح 334 ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 247 ح 2597 كلَّها عن مُحَمَّد الجعفي عن أبيه، بحار الأنوار: ج 95 ص 86 ح 2.

2- .الكافي : ج 2 ص 592 ح 31 عن عبد الرحمن بن سيابة ، مصباح المتهجِّد : ص 276 ح 383 ، جمال الأسبوع : ص 143 وفيهما : «شِدَّة الغفلة» بدل «تَشَبُّهُ الفِتْنَةِ» ، بحار الأنوار : ج 89 ص 302 ح 10 .

3- .الكافي : ج 2 ص 590_591 ح 31 عن عبد الرحمن بن سيابة ، مصباح المتهجِّد : ص 275 ح 383 ، جمال الأسبوع : ص 141 وليس فيهما صدره إلى «ومحلُّه» ، بحار الأنوار : ج 89 ص 301 ح 10 .

4- .فقه الرضا : ص 397 ، المقنع : ص 542 نحوه من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 76 ص 59 ح

امام صادق علیه السلام_ در دعایی که برای دردِ چشم آموخت _ :و در دیده ام ، روشنایی قرار ده و در دینم ، بصیرت .

امام صادق علیه السلام :به نام بزرگت ، از تو می خواهم که خشنودی ات را در هنگام خشم ، گشایش را در هنگام رنج [و گرفتاری] ، روشنایی را در وقت تاریکی و بصیرت را در زمان در هم شدن امور بر اثر فتنه [نصیبم کنی] .

امام صادق علیه السلام :سپاس ، خدای را که صاحبِ سپاس و سزاوارِ آن و منتهای آن و جایگاه آن است بار خدایا ! از تو می خواهم هدایت شدن از گم راهی را ، و بینا شدن از کوری را ، و به راه آمدن از کج روی را .

امام رضا علیه السلام_ در کتاب فقه منسوب به ایشان _ :و هر گاه خواستی سرمه بکشی ، میل را در دست راست بگیر و آن را در سرمه دان بزن و «بسم الله» بگو . همچنین هنگامی که میل را در چشم قرار دادی ، بگو : «بار خدایا ! چشمم را روشنی گردان ، و در آن ، نوری قرار ده که با آن ، حقّ تو را ببینم و مرا به راه حق ، راه نمایی کن و به راه درست ، ارشادم فرما . بار خدایا ! دنیا و آخرتم را بر من ، روشن ساز» .

الإمام العسكري عليه السلام: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَاسْتَقْبِلْ بِي صِحَّةً مِنْ سُقْمِي ، وَسَعَةً مِنْ عُدْمِي ، وَسَلَامَةً شَامِلَةً فِي بَدَنِي ،
وَبصِيرَةً وَنَظْرَةً نَافِذَةً فِي دِينِي . (1)

راجع : موسوعة العقائد الإسلامية : ج 2 ص 141 (المعرفة / القسم السادس : مبادئ المعرفة / الفصل الرابع : مبادئ الإلهام) .

1- .المصباح للكفعمي : ص 115 ، مصباح المتهجد : ص 230 ح 337 وليس فيه «وسعة من عدمي ، وبصيرة» ، العدد القويّة : ص 207 نحوه وكلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 176 ح 45 .

امام عسکری علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان او، درود فرست ... و بیماری ام را به تن درستی و ناداری ام را به گشایش، تبدیل کن و بدنم را سراسر سالم بدار و بصیرت و نگاهی نافذ در دینم، عطایم فرما.

ر.ك: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 2 ص 481 (معرفت شناسی / مبادی شناخت / فصل چهارم: خاستگاه الهام).

الفصل الخامس : آثار البصيرة 5 / 1 العلمُ رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُمْ بِالْحَقِّ إِذَا اخْتَلَفَتِ النَّاسُ وَإِنْ كَانَ مُقْصِرًا فِي الْعَمَلِ ، وَإِنْ كَانَ يَزْحَفُ عَلَى اسْتِثْنَاءِ (1) . (2)

الإمام علي عليه السلام : مَنْ أَبْصَرَ فَهَمَّ ، وَمَنْ فَهَمَ عَلِمَ . (3)

عنه عليه السلام : لَا عِلْمَ لِمَنْ لَا بَصِيرَةَ لَهُ . (4)

عنه عليه السلام_ في ذِكْرِ صِفَةِ الْإِيمَانِ _ : الْيَقِينُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ : تَبَصُّرَةُ الْفِطْنَةِ (5) ، وَتَأَوُّلُ الْحِكْمَةِ ، وَمَعْرِفَةُ الْعِبْرَةِ ، وَسُنَّةُ الْأَوَّلِينَ . فَمَنْ أَبْصَرَ الْفِطْنَةَ عَرَفَ الْحِكْمَةَ ، وَمَنْ تَأَوَّلَ الْحِكْمَةَ عَرَفَ الْعِبْرَةَ ، وَمَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ عَرَفَ السُّنَّةَ ، وَمَنْ عَرَفَ السُّنَّةَ فَكَانَتْهَا كَانَتْ مَعَ الْأَوَّلِينَ ، وَاهْتَدَى إِلَى الَّتِي هِيَ أَقْوَمُ ، وَنَظَرَ إِلَى مَنْ نَجَا بِمَا نَجَا ، وَمَنْ هَلَكَ بِمَا هَلَكَ ، وَإِنَّمَا أَهْلَكَ اللَّهُ مَنْ أَهْلَكَ بِمَعْصِيَتِهِ ، وَأَنْجَى مَنْ أَنْجَى بِطَاعَتِهِ (6) .

- 1- .الاست : العجزُ ، وقد يراد به حَلَقَةُ الدُّبُرِ (مجمع البحرين : ج 2 ص 816 «سته»).
- 2- .المستدرك على الصحيحين : ج 2 ص 522 ح 3790 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 220 ح 10531 بزيادة «زحفاً» في آخره ، شعب الإيمان : ج 7 ص 69 ح 9510 ، نوادر الأصول : ج 1 ص 44 ، حلية الأولياء : ج 4 ص 177 الرقم 271 كلَّها عن ابن مسعود ، كنز العمال : ج 15 ص 890 ح 43525 .
- 3- .نهج البلاغة : الحكمة 208 ، خصائص الأئمة : ص 119 ، نزهة الناظر : ص 80 ح 153 ، العدد القويّة : ص 292 ح 18 عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 327 ح 25 .
- 4- .غرر الحكم : ج 6 ص 401 ح 10773 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 539 ح 9979 .
- 5- .قال العلامة المجلسي قدس سره : تبصرة الفطنة : التبصرة مصدر باب التفعيل ، والفطنة الحذق وجودة الفهم ، وقال ابن ميثم : هي سرعة هجوم النفس على حقائق ما تورده الحواس عليها ، وقال : تبصرة الفطنة إعمالها . أقول : يمكن أن تكون الإضافة إلى الفاعل ؛ أي جعل الفطنة الإنسان بصيراً ، أو إلى المفعول ، أي جعل الإنسان الفطنة بصيرة ، ويحتمل أن تكون التبصرة بمعنى الإبصار والرؤية ، فرويتها كناية عن التوجّه والتأمل فيها وفي مقتضاها ، فالإضافة إلى المفعول ، وحمله على الإضافة إلى الفاعل محجوج إلى تكلف (بحار الأنوار : ج 56 ص 367).
- 6- .الكافي : ج 2 ص 50 ح 1 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغة : الحكمة 31 ، الخصال : ص 231 ح 74 عن الأصبغ بن نباتة ، تحف العقول : ص 165 كلَّها نحوه وليس فيها ذيله من «واهدى ..» ، بحار الأنوار : ج 68 ص 351 ح 19 ؛ تاريخ دمشق : ج 42 ص 515 عن قبيصة بن جابر الأسدي نحوه ، وليس فيه ذيله من «واهدى ..» ، كنز العمال : ج 1 ص 285 ح 1388 .

فصل پنجم: آثار بصیرت 5 / 1 دانایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: داناترین مردم، کسی است که هر گاه مردم [در حق] اختلاف کنند، او بیناترین آنان به حق باشد، اگر چه در عمل، کوتاهی کند، و اگر چه بر نشیمن خویش بخزد. (1)

امام علی علیه السلام: کسی که بینا باشد، می فهمد، و کسی که بفهمد، دانا می شود.

امام علی علیه السلام: کسی که بصیرت ندارد، دانشی ندارد.

امام علی علیه السلام در یادکرد اوصاف ایمان - یقین، بر چهار شاخه است: تیزبینی، حکمت دانی، عبرت شناسی، و شناخت سنت (راه و رسم و سرگذشت) پیشینیان. هر که تیزبین باشد، حکمت شناس می شود و هر که حکمت شناس شود، عبرت را می شناسد و کسی که عبرت شناس باشد، سنت را بشناسد و کسی که سنت را بشناسد، گویی با گذشتگان بوده است، درست ترین راه را می یابد و نجات یافتگان و عوامل نجات آنها را، و نیز نابودشدگان و عوامل نابودی آنان را می شناسد؛ و البته خدا، آنانی را که نابود کرده، به سبب نافرمانی از او، نابود کرده است، و آنانی را که نجات بخشیده، به سبب فرمان برداری از او، نجات بخشیده است.

1- اگر چه بر نشیمن خویش بخزد، شاید کنایه از کودک بودن باشد.

5 / 12 إيماناً الكتاب « مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ » . (1)

« وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ * وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ * وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ » . (2)

« وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ » . (3)

« قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن آتَيْتُكَ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ » . (4)

1- .هود : 24 .

2- .فاطر : 19 _ 21 .

3- .غافر : 58 .

4- .الأنعام : 50 .

2 / 5 ایمان

2 / 5 ایمانقرآن «مَثَل این دو گروه ، همچون نابینا و ناشنوا [در مقایسه] با بینا و شنواست . آیا در مَثَل ، یکسان اند؟ پس آیا پند نمی گیرید؟»

«نابینا و بینا ، یکسان نیستند ، و نه تاریکی ها و روشنایی ، و نه سایه و آفتاب» .

«نابینا و بینا ، یکسان نیستند ، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، [نیز] با [مردم] بدکار ، یکسان نیستند ، چه اندک ، پند می پذیرید!» .

«بگو : «به شما نمی گویم که گنجینه های خدا ، نزد من است ، و غیب نیز نمی دانم ، و به شما نمی گویم که من فرشته ام . جز از آنچه به من وحی می شود ، پیروی نمی کنم» . بگو : «آیا نابینا و بینا ، یکسان اند؟ آیا نمی اندیشید؟»» .

« قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ » . (1)

« أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ » . (2)

« وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا * وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا * أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا » . (3)

الحديث الإمام علي عليه السلام - في صفة خلفاء الله في الأرض - هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ ، وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ ، وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَعْوَرَهُ (4) الْمُتَرَفُونَ ، وَأَنَسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ ، وَصَدَّجُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أرواحها مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى ، أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَالِدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ . آه ، آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ . (5)

عنه عليه السلام : إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى ، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا ، وَالْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بِصَرِّهِ ، وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا . فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ ، وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَرَوِّدٌ ، وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَرَوِّدٌ . (6)

1- الرعد : 16 .

2- الرعد : 19 .

3- الفرقان : 73_75 .

4- هكذا في المصدر ، وفي المصادر الأخرى «ما استوعره» وهو الأنسب . وهو من الوعر من الأرض ضدّ السهل ، أي استسهل ما استصعبه المتنعّمون (مجمع البحرين : ج 3 ص 1952 «وعر»).

5- نهج البلاغة : الحكمة 147 عن كميل ، خصائص الأئمة : ص 106 ، نزهة الناظر : ص 90 ح 169 ، أعلام الدين : ص 86 بزيادة «سراً وجهرًا» بعد «دينه» .

6- نهج البلاغة : الخطبة 133 ، غرر الحكم : ج 2 ص 655 ح 3690 ، إرشاد القلوب : ص 19 نحوه .

«بگو: «پروردگار آسمان ها و زمین کیست؟». بگو: «خدا». بگو: «پس آیا جز او، سرپرستانی گرفته اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟». بگو: «آیا نابینا و بینا، یکسان اند؟ یا تاریکی ها و روشنایی برابرند؟ یا برای خدا، شریکانی پنداشته اند که مانند آفرینش او آفریده اند و در نتیجه، [این دو] آفرینش بر آنان، مُشْتَبَه شده است؟». بگو: «خدا، آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قَهَّار» .

«آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حَقّ است، مانند کسی است که نابیناست؟ در حقیقت، خردمندان، پند می گیرند» .

«و کسانی که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، گر و کور، روی آن نمی افتند. و کسانی اند که می گویند: «پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان، آن ده که [مایه] روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان». اینان اند که به [پاس] آن که شکیبایی کردند، غرفه [های بهشت را] پاداش خواهند یافت و در آن جا با سلام و درود، مواجه خواهند شد» .

حدیث امام علی علیه السلام در توصیف جانشینان خدا در زمین _ :علم، آنان را به حقیقت بصیرت کشانده است و با روح یقین، در آمیخته اند و آنچه را ناز پروردگان، دشوار دیده اند، آنان، آسان یافته اند، و با آنچه نادانان از آن زَمیده اند، اُنس گرفته اند، و در این دنیا، با بدن هایی زندگی می کنند که روح آنها به جایگاه برین، تعلق دارد. اینان، جانشینان خدا در زمین او هستند و دعوتگران او به سوی دینش . وَه، وَه که چه شوقی است مرا به دیدن ایشان!

امام علی علیه السلام: همانا دنیا، واپسین دیدرس انسان کور [دل] است و در فرا سوی آن، چیزی نمی بیند. اما شخص با بصیرت، نگاهش از دنیا فراتر می رود و می داند که سر [ای حقیقی]، در ورای این دنیا است. پس شخص با بصیرت، از دنیا دل و دیده بر می گیرد و کور [دل]، به آن می نگرد، با بصیرت، از آن توشه بر می گیرد و کور [دل]، برای آن، توشه فراهم می آورد .

الإمام الصادق عليه السلام: لَمْ يُؤْمِنِ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ هَزَاهِزِ الدُّنْيَا، وَلَكِنَّهُ آمَنَهُ مِنَ الْعَمَى فِيهَا، وَالشَّقَاءَ فِي الْآخِرَةِ. (1)

راجع: هذه الموسوعة: ج 5 ص 221 (الإيمان / الفصل الثالث: مبادئ الإيمان).

5 / 3 الاعتبار الكتاب «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ التَّائِمَاتِ فَأَذَّتُنَّ فَأَقَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ». (2)

«يَقْلِبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ». (3)

«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ». (4)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَصِحُّ الْإِعْتِبَارُ إِلَّا لِأَهْلِ الصَّفَاءِ وَالْبَصِيرَةِ. (5)

الإمام علي عليه السلام: بِالْإِسْتِبْصَارِ يَحْصُلُ الْإِعْتِبَارُ. (6)

1- الكافي: ج 2 ص 255 ح 18 عن محمد بن بهلول العبدي، صفات الشيعة: ص 109 ح 50 عن معاوية بن عمّار نحوه، بحار الأنوار: ج 67 ص 213 ح 20.

2- آل عمران: 13.

3- النور: 44.

4- الحشر: 2.

5- مصباح الشريعة: ص 206 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 71 ص 326 ح 21.

6- غرر الحكم: ج 3 ص 239 ح 4351، عيون الحكم والمواعظ: ص 189 ح 3896.

اشاره

امام صادق علیه السلام: خداوند، مؤمن را از [فشارها و] تکان های دنیا، در امان ندانسته است؛ بلکه او را از کور[دل]ی در دنیا و شقاوت در آخرت، امان بخشیده است.

ر. ک: همین دانش نامه: ج 8 ص 137 (فصل سوم: خاستگاه های ایمان).

3/5 عبرت آموختن قرآن «قطعا در برخورد میان دو گروه، برای شما نشانه ای [و درس عبرتی] بود. گروهی در راه خدا می جنگیدند و دیگر گروه، کافر بودند که آنان (مؤمنان) را به چشم، دو برابر خود می دیدند؛ و خدا، هر که را بخواهد، به یاری خود، تأیید می کند. یقیناً در این ماجرا، برای صاحبان بصیرت، عبرتی است».

«خداست که شب و روز را با هم جا به جا می کند. قطعا در این [تبدیل] برای صاحبان بصیرت، عبرتی است».

«پس عبرت بگیرید، ای صاحبان بصیرت!».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عبرت آموختن، تنها برای اهل صفا و بصیرت، حاصل می شود.

امام علی علیه السلام: با بصیرت است که عبرت آموختن، حاصل می شود.

عنه عليه السلام: مَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ، ثَبَّتَ لَهُ الْحِكْمَةَ وَعَرَفَ الْعِبْرَةَ. (1)

عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَاتَّقَعَ بِالْعِبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدِّدًا (2) وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَالضَّلَالَ فِي الْمَغَاوِي، وَلَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ الْغَوَاةَ بِتَعَسُّفٍ فِي حَقِّ، أَوْ تَحْرِيفٍ فِي نُطْقٍ، أَوْ تَخَوُّفٍ مِنْ صِدْقٍ. (3)

1- غرر الحكم: ج 5 ص 381 ح 8849.

2- الجدد: الأرض الصلبة التي يسهل المشي عليها (مجمع البحرين: ج 1 ص 274 «جدد»)

3- نهج البلاغة: الخطبة 153، تحف العقول: ص 155 نحوه، غرر الحكم: ج 3 ص 85 ح 3891 وفيه «فتفكر» بدل «فتفكر» وليس فيه ذيله من «ثم سلك جددًا...»، بحار الأنوار: ج 77 ص 407 ح 38.

امام علی علیه السلام: کسی که هوشمندانه بنگرد، حکمت برایش استوار می گردد و عبرت شناس می شود.

امام علی علیه السلام: صاحب بصیرت، کسی است که بشنود و بیندیشد، بنگرد و ببیند و از عبرت ها بهره گیرد. آن گاه، راه روشن و همواری را بیاید و از افتادن در پرتگاه های آن و گم شدن در کژراهه هایش بپرهیزد و با منحرف شدن از حق، یا تحریف در گفتار، یا ترسیدن از [گفتن] سخن راست، گم راهان را در گم راه کردن خودش، یاری نرساند.

توضیحی در باره این که بصیرت ، حاصل عبرت

توضیحی در باره این که بصیرت ، حاصل عبرت آموختن است یا عامل آن؟ بر پایه شماری از روایات فصل چهارم ، پندآموزی ، عامل پدید آمدن بصیرت است : **مَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ . (1)** هر که عبرت بیاموزد ، بینا می شود . به عکس ، روایات این فصل (پنجم) ، دلالت دارند بر این که بصیرت ، پدیدآورنده عبرت آموزی است : **بِالِاسْتِبْصَارِ يَحْصُلُ الْإِعْتِبَارُ . (2)** با بصیرت است که عبرت آموختن ، حاصل می شود . بنا بر این ، جا دارد که این سؤال مطرح شود که : چگونه می شود بصیرت ، هم حاصل عبرت آموزی باشد و هم عامل آن ؟ و آیا این امر ، بعید نیست ؟ آیا احادیث این دو فصل ، با هم تعارض ندارند؟ پاسخ ، منفی است ؛ زیرا بصیرتی که پدیدآورنده اعتبار است ، با بصیرتی که حاصل آن است ، تفاوت دارد . توضیح مطلب ، این که بصیرت نخست ، بینشی است که ذاتا همه انسان ها از آن برخوردارند و باره نموده‌های انبیای الهی ، تقویت می شود . عمل به مقتضای این

1- ر.ك : ص 412 ح 60 .

2- ر.ك : ص 434 ح 101 .

بصیرت، «اعتبار (عبرت گرفتن)» نامیده می‌شود و اعتباری که محصول بصیرتِ نخست است، خود نیز عامل پدیدآورنده بصیرت جدیدی است که اعتبار جدیدتری را به همراه دارد. همچنین هر چه بصیرت افزایش یابد، اعتبار و پندآموزی، بیشتر می‌گردد و هر چه پندآموزی بیشتر شود، دیده بصیرت، قوت بیشتری پیدا می‌کند، همانند رهروی که در تاریکی شب، در پرتو نور، حرکت می‌کند. در این جا نیز دیدن، مقدمه رفتن، و رفتن، مقدمه دیدن ادامه راه تا رسیدن به مقصد است. بنا بر این، خلاصه پاسخ، این است که بصیرت، هم حاصل عبرت آموختن است و هم عامل آن؛ ولی این دو بصیرت با هم متفاوت اند، چنان که در فرهنگ روایات اسلامی، علم، هم میوه و محصول عمل است، و هم عامل حصول و پیدایش آن؛ اما علمی که محصول عمل است و علمی که عامل حصول آن است، با هم تفاوت دارند.

5 / 4 الحزْمُ للإمام عليّ عليه السلام: التَّائِظُ بِالْقَلْبِ الْعَامِلُ بِالْبَصَرِ ، يَكُونُ مُبْتَدَأَ عَمَلِهِ أَنْ يَعْلَمَ : أَعْمَلُهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَضَى فِيهِ ، وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَقَفَ عَنْهُ . (1)

5 / 5 الشَّجَاعَةُ للإمام عليّ عليه السلام : إِنِّي وَاللَّهِ لَوْ لَقَيْتُهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طِلَاعُ (2) الْأَرْضِ كُلِّهَا ، مَا بَالَيْتُ وَلَا اسْتَوْحَشْتُ ، وَإِنِّي مِنْ ضَلَالِهِمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ وَالْهُدَى الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ ، لَعَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ نَفْسِي وَيَعِينُ مِنْ رَبِّي . (3)

5 / 6 الْفِطْنَةُ للإمام عليّ عليه السلام : الْعِلْمُ بِالْفَهْمِ . الْفَهْمُ بِالْفِطْنَةِ . الْفِطْنَةُ بِالْبَصِيرَةِ . (4)

5 / 7 رُؤْيُ عُيُوبِ النَّفْسِ للإمام عليّ عليه السلام : أَبْصَرَ النَّاسَ مَنْ أَبْصَرَ عُيُوبَهُ ، وَأَقْلَعَ عَنْ ذُنُوبِهِ . (5)

-
- 1- نهج البلاغة : الخطبة 154 ، غرر الحكم : ج 2 ص 556 ح 3569 وفيه «ينظر» بدل «يعلم» ، بحار الأنوار : ج 1 ص 209 ح 11 .
 - 2- طِلَاعُ الْأَرْضِ : أي ما يملؤها (النهاية : ج 3 ص 133 «طلع»).
 - 3- نهج البلاغة : الكتاب 62 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 597 ح 743 .
 - 4- غرر الحكم : ج 1 ص 18 ح 38 و 39 و 40 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 36 ح 743 و 745 و 746 .
 - 5- غرر الحكم : ج 2 ص 410 ح 3061 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 120 ح 2716 .

5 / 4 دورانديشى

5 / 5 شجاعت

5 / 6 تيزهوشى

5 / 7 ديدن عيب هاى خود

4 / 5 دورانديشيامام على عليه السلام: كسى كه با دل مى بيند و با بينش ، عمل مى كند ، پيش از آن كه عمل كند ، مى انديشد كه : آيا عمل او به زيان اوست يا به سودش ؟ اگر به سود او بود ، آن را انجام مى دهد و اگر به زيانش بود ، از انجام دادن آن ، باز مى ايستد .

5 / 5 شجاعتامام على عليه السلام : به خدا سوگند ، اگر يك تنه با آنان رو به رو مى شدم و آنها ، سراسر زمين را پُر مى كردند ، نه باكى داشتم و نه مى هراسيدم ؛ چرا كه من بر گم راهى آنان وره يافتگى خويش ، نيك آگاهم ، با بصيرت درونم و يقين از جانب پروردگارم .

5 / 6 تيزهوشيامام على عليه السلام : دانش ، به فهميدن است ، فهميدن ، به تيزهوشى است و تيزهوشى ، به بصيرت .

5 / 7 ديدن عيب هاى خودامام على عليه السلام : بيناترين مردم ، كسى است كه عيب هاى خود را ببيند و از گناهان خويش ، دست شويد

عنه عليه السلام: أَعْقَلَ النَّاسِ مَنْ كَانَ بِعَيْهِ بَصِيرًا، وَعَنْ عَيْبٍ غَيْرِهِ ضَرِيرًا. (1)

8/5 فِعْلُ الْخَيْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ طَرْفُهُ. أَلَا إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَقَبْلَهُ. (2)

الإمام الحسن عليه السلام: إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ، وَأَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَانْتَفَعَ بِهِ. (3)

9/5 صَلَاحُ السَّرَائِرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَاحُ السَّرَائِرِ بُرْهَانُ صِحَّةِ الْبَصَائِرِ. (4)

عنه عليه السلام: قَدْ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ. (5)

10/5 إِصَابَةُ سَبِيلِ السَّلَامَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طُوبَى لِمَنْ لَدَى قَلْبٍ سَلِيمٍ، أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ، وَتَجَنَّبَ مَنْ يُرِيدِيهِ، وَأَصَابَ سَبِيلَ السَّلَامَةِ بِبَصَرٍ مَنْ بَصَّرَهُ، وَطَاعَةَ هَادٍ أَمْرَهُ. (6)

1- غرر الحكم : ج 2 ص 445 ح 3233 .

2- نهج البلاغة : الخطبة 105 ، غرر الحكم : ج 2 ص 330 ح 2757 و 2758 وفيهما «من» بدل «ما» في الموضوعين ، بحار الأنوار : ج 34 ص 236 ح 998 .

3- تحف العقول : ص 235 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 109 ح 17 .

4- غرر الحكم : ج 4 ص 196 ح 5807 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 301 ح 5334 .

5- نهج البلاغة : الخطبة 108 ، غرر الحكم : ج 4 ص 476 ح 6676 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 240 ح 999 .

6- نهج البلاغة : الخطبة 214 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 311 ح 32 .

5 / 8 انجام دادن کار نیک

5 / 9 درستی درون ها

5 / 10 رسیدن به راه سلامت

امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم، کسی است که نسبت به عیب خویش، بینا باشد و از [دیدن] عیب دیگران، کور.

5 / 8 انجام دادن کار نیک امام علی علیه السلام: هان! بیناترین چشم ها، چشمی است که نگاهش به سوی خوبی باشد. هان! شنواترین گوش ها، گوش‌هایی است که پند را در یابد و آن را پذیرا شود.

امام حسن علیه السلام: بیناترین بینایی ها، آن است که در خیر، نفوذ کند و شنواترین شنوایی ها، آن است که پند و یادآوری را بشنود و از آن، بهره گیرد.

5 / 9 درستی درون ها امام علی علیه السلام: درستی درون ها، دلیل سلامتِ بینش هاست.

امام علی علیه السلام: نهانی ها، برای اهل بصیرت، آشکار است.

5 / 10 رسیدن به راه سلامت امام علی علیه السلام: خوشا به حال آن که دلی پاک دارد: از کسی که هدایتش کند، پیروی می کند و از کسی که او را به تباهی کشاند، دوری می‌گزیند و با بینایی کسی که به او بینایی می‌بخشد و با اطاعت از راه‌نمایی که به او فرمان می‌دهد، به راه سلامت دست می‌یابد.

5 / 11 تلك الآثار الإمام علي عليه السلام: عباد الله! إن من أحب عباد الله إليه عبداً أعانه الله على نفسه، فاستشعر الحزن، وتجلبب الخوف؛ فزهر مصباح الهدى في قلبه، وأعد القري ليومه النازل به، فقرَّب على نفسه البعيد، وهون الشديد. نظر فأبصر، وذكر فاستكثر، وارتوى من عذب فوات سهلت له موارده، فشرب نهلاً (1)، وسلك سبيلاً جديداً. قد خلع سراويل الشهوات، وتخلَّى من الهموم، إلا همماً واحداً انفرد به، فخرج من صفة العمى، ومشاركة أهل الهوى، وصار من مفاتيح أبواب الهدى، ومغاليق أبواب الردى. قد أبصر طريقه، وسلك سبيله، وعرف مناره، وقطع غماره (2)، واستمسك من العرى بأوثقها، ومن الجبال بامتتها، فهو من اليقين على مثل ضوء الشمس، قد نصب نفسه لله - سبحانه - في أرفع الأمور، من إصدار كل وارد عليه، وتصيير كل فرع إلى أصله. مصباح ظلمات، كشف عشوات (3)، مفتاح مبهمات، دافع معضلات، دليل فلوات (4)، يقول فيهم، ويسكت فيسلم. قد أخلص لله فاستخلصه، فهو من معادن دينه، وأوتاد أرضه. قد ألزم نفسه العدل، فكان أول عدله نفي الهوى عن نفسه، يصف الحق ويعمل به، لا يدع للخير غاية إلا أمها، ولا مظنة إلا قصدها، قد أمكن الكتاب من زمامه، فهو قائده وإمامه، يحل حيث حل ثقله، وينزل حيث كان منزله (5).

- 1- نهل: شرب الشرب الأول حتى روي (المصباح المنير: ص 628 «نهل»).
- 2- الغمرة: الشدة (لسان العرب: ج 5 ص 29 «غمر»).
- 3- العشوة: الأمر الملتبس ويجمع على عشوات (النهاية: ج 3 ص 242 «عشو»).
- 4- الفلاة: الأرض التي لا ماء فيها ولا أنيس (لسان العرب: ج 15 ص 164 «فلا»).
- 5- نهج البلاغة: الخطبة 87، أعلام الدين: ص 127 نحوه، غرر الحكم: ج 2 ص 561 ح 3577 وفيه صدره إلى «ليومه النازل به»، بحار الأنوار: ج 2 ص 56 ح 36.

5 / 11 و این چند اثر

11 / 5 و این چند اثر امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! از محبوب ترین بندگان خداوند در نزد او، آن بنده ای است که خدا، وی را در برابر نفسش یاری رسانده است و از این رو، اندوه را جامه زیرین خویش ساخته است و ترس را جامه رویین خود، قرار داده است. پس چراغ هدایت، در دلش می تابد و خود را برای پذیرایی از آن روزی که به آن وارد می شود، آماده ساخته، و دور را بر خود، نزدیک کرده است و سخت را آسان. می نگرد و بینش می یابد، [خدا را] یاد می کند و [بر کردارهای نیک خود] می افزاید. از [چشمه های] آب گوارا و شیرینی که آبشخورهایش برای او هموار شده، سیراب می شود و در همان نخستین نوشیدن، سیر می شود. راهی راست و روشن را می پوید. جامه های شهوت را [از خود] برکنده است و از خواسته ها، جز یک خواسته _ که در آن منحصر شده _، فارغ شده است. بدین سبب، از کوری [باطنی] و مشارکت با هوسرانان، بیرون آمده است. او از کلیدهای درهای هدایت و از قفل های درهای هلاکت، گشته است. راه خود را دیده و جاده خویش را پیموده است. نشانه های راهیابی را شناخته و سختی های آن را در نور دیده است. از دستگیره ها، به محکم ترین آنها و از کوه ها، به استوارترین آنها چنگ زده است. پس به چنان یقینی رسیده است که مانند نور خورشید است. خویشتن را برای خداوند سبحان، در بالاترین امور، جای داده است، آن سان که هر تشنه ای را سیراب می سازد و هر فرعی را به اصل آن، باز می گرداند. چراغ تاریکی هاست. برطرف کننده کوری ها، کلید مبهمات، زُداينده معضلات و راه نمای بیابان هاست. [به موقع] می گوید و می فهماند و [به وقتش] سکوت می کند و سالم می ماند. او برای خدا، اخلاص ورزیده و خداوند، خالصش گردانیده است (/ او را از بندگان خالص خود گردانیده است). پس او معدن های دین خدا و میخ های زمین اوست. خویشتن را ملزم به عدالت کرده است و نخستین گام عدالت او، دور کردن هوس از خویشتن بود. حق را می گوید و بدان، عمل می کند. کار نیک را تا رسیدن به پایانش انجام می دهد. هر جا خیری می بیند، آهنگ آن می کند. زمام خویش را به دست قرآن سپرده است و قرآن، جلودار و پیشوای او گشته است. هر جا که قرآن، بار افکند، او نیز بار می افکند، و هر جا قرآن منزل کند، او هم منزل می کند.

الفصل السادس : أهل البصيرة 6 / 1 أئمة أهل البصيرة الكتاب « وَادْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدَى وَالْأَبْصَارِ » . (1)

« قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ » . (2)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام: أتى رجلُ النبيِّ صلى الله عليه وآله فقال: إلى ما تدعوا يا مُحَمَّدٌ؟ فقال صلى الله عليه وآله: أدعو إلى الله على بصيرةٍ أنا ومن اتبعني . (3)

عنه عليه السلام_ في قوله: «أُولَى الْأَيْدَى وَالْأَبْصَارِ» _ يعني أولي القُوَّة في العبادة والبصر فيها . (4)

1- ص: 45 .

2- يوسف: 108 .

3- مشكاة الأنوار: ص 144 ح 345 عن أبي بصير ، تحف العقول: ص 41 نحوه ، بحار الأنوار: ج 77 ص 145 ح 45 .

4- بحار الأنوار: ج 12 ص 7 ح 17 نقلاً عن تفسير القمّي: ج 2 ص 242 عن أبي الجارود وفيه «الصبر» بدل «البصر» .

فصل ششم : اهل بصیرت

6 / 1 پیشوایان بصیرت

فصل ششم : اهل بصیرت 6 / 1 پیشوایان بصیرتقرآن(و از بندگان ما ، ابراهیم و اسحاق و یعقوب ، یاد کن که نیرومند و بابصیرت بودند) .

«بگو : این است راه من . خودم و هر که را از من پیروی کند ، با بصیرت ، به سوی خدا فرا می خوانم و منزّه است خدا ، و من ، از مشرکان نیستم» .

حدیثامام باقر علیه السلام : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : تو به چه چیز ، دعوت می کنی ، ای محمّد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خودم و هر که را از من پیروی کند ، با بصیرت ، به سوی خدا فرا می خوانم» .

امام باقر علیه السلام_ در باره سخن خداوند : «نیرومند و باینش بودند» _ : یعنی در عبادت ، با قدرت و بصیرت ، عمل می کردند .

الإمام عليّ عليه السلام في بيان صفة النبيّ صلى الله عليه وآله - فهو إمام من اتقى ، وبصيرة من اهتدى . (1)

عنه عليه السلام في ذكر النبيّ صلى الله عليه وآله - طيب دَوارٍ بَطْبِهِ ، قد أحكم مراهمه (2) وأحمى مواسمه (3) ، يضع ذلك حيث الحاجة إليه ؛ من قلوب عمي ، وأذان صمّ ، وألسنة بكم (4) ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ ، وَمَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ . (5)

عنه عليه السلام : أرى نور الوحي والرّسالة ، وأشم ريح النبوة ، ولقد سمعت رنة الشيطان حين نزل الوحي عليه صلى الله عليه وآله ، فقلت : يا رسول الله ، ما هذه الرنة ؟ فقال : هذا الشيطان قد أيس من عبادته ، إنك تسمع ما أسمع ، وترى ما أرى ، إلا أنك لست بنبيّ ، ولكنك لوزير ، وإنك لعلّى خير . (6)

عنه عليه السلام : إنّي لعلّى بيّنة من ربّي ، وبصيرة من ديني ، ويقين من أمري . (7)

عنه عليه السلام من خطبة له يومي فيها إلى الملاحم والفتن - ثمّ ليشحدن فيها [أي الفتنة] قوم شحد القين (8) التصل ، تجلى بالتنزيل أبصارهم ... وطال الأمد بهم ليستكملوا الخزي ، ويستوجبوا الغير ، حتّى إذا اخلوّل (9) الأجل ، واستراح قوم إلى الفتن ، وأسالوا عن لقاح حربهم ، لم يمتوا على الله بالصبر ، ولم يستعظمو بآذل أنفسهم في الحق ، حتّى إذا وافق وارد القضاء انقطاع مدة البلاء ، حملوا بصائرهم على أسيافهم ، ودانوا لربهم بأمر واعظهم . (10)

- 1- نهج البلاغة : الخطبة 94 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 379 ح 91 .
- 2- المرهم : شيء يوضع على الجراحات (مجمع البحرين : ج 2 ص 740 «رهم»).
- 3- مواسم : جمع ميسم : اسم الآلة التي يكوى بها (مجمع البحرين : ج 3 ص 1935 «وسم»).
- 4- بكم : جمع أبكم ، هو الذي خلّق أخرس لا يتكلم (النهاية : ج 1 ص 150 «بكم»).
- 5- نهج البلاغة : الخطبة 108 ، غرر الحكم : ج 4 ص 260 ح 6033 وفيه «يتبع» بدل «متبع» ، بحار الأنوار : ج 34 ص 240 ح 999 .
- 6- نهج البلاغة : الخطبة 192 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 476 ح 37 .
- 7- غرر الحكم : ج 3 ص 42 ح 3772 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 169 ح 3558 وفيه «في» بدل «من» في الموضوعين الأخيرين .
- 8- القين : الحداد (النهاية : ج 4 ص 135 «قين»).
- 9- اخلوّل الأجل : إذا تقادم عهده (مجمع البحرين : ج 1 ص 548 «خلق»).
- 10- نهج البلاغة : الخطبة 150 ، بحار الأنوار : ج 29 ص 616 ح 29 .

امام علی علیه السلام در یادکرد ویژگی پیامبر صلی الله علیه و آله _ : او پیشوای پرهیزگاران و [چشم] بصیرت ره یافتگان است .

امام علی علیه السلام در یادکرد از پیامبر صلی الله علیه و آله _ : طبیعی بود که با طبابت خود ، میان مردم می گردید . مرهم هایش را درست و آماده کرده و ابزار داغ کردنش را تافته بود و آنها را بر هر جا از دل های کور و گوش های کر و زبان های گنگ ، که نیاز بود ، می گذاشت . با داروی خود ، مواضع غفلت و جایگاه های سرگردانی را می جُست [و درمان می کرد] .

امام علی علیه السلام : من ، نور وحی و رسالت را می دیدم و رایحه نبوت را می بوییدم . فریاد (/ ناله) شیطان را در هنگامی که وحی بر ایشان ، نازل شد ، شنیدم . گفتم : ای پیامبر خدا ! این ، چه فریادی است؟ فرمود : « این ، شیطان است که از پرستیده شدنش ، مأیوس شده است . تو آنچه را من می شنوم ، می شنوی و آنچه را من می بینم ، می بینی ، جز آن که تو پیامبر نیستی ؛ بلکه تو دست یار [من] هستی و تو در راه خیری » .

امام علی علیه السلام : من از جانب پروردگارم ، دلیلی آشکار و در دینم ، بصیرت و در کارم ، یقین دارم .

امام علی علیه السلام از سخنان ایشان که در آن به کشتارها و فتنه های آینده اشاره می کند _ : سپس در آن [فتنه] ، عده ای چنان تیز [و آب داده] می شوند که آهنگر ، سرنیزه (/ تیغه شمشیر) را تیز می کند و دیدگانشان به نور قرآن ، روشنی می یابد ... (1) و روزگارشان ، به درازا می کشد تا خواری را به نهایت می رسانند و مستوجب دگرگونی [پیشامدهای روزگار و زوال نعمت ها] می شوند ، تا آن که به پایان روزگار خویش ، نزدیک می شوند . گروهی نیز به آشوب ها روی می آورند و دست به جنگ افروزی می زنند و تخم جنگ می افشانند . (2) [اما مؤمنانِ بینشور] با شکیبایی خود [در میدان جهاد] بر خدا منتی نمی نهند ، و جان فشانی های خویش در راه حق را بزرگ نمی پندارند تا آن که چون قضای الهی به تمام شدن مدّت بلا و آزمایش تعلق گیرد ، [عقاید و] بینش های خود را بر سر شمشیران می نهند [و آن را برای مردمان ، آشکارا تبلیغ می کنند] و به فرمان اندررگویی خویش مطیع پروردگار خود می گردند . (3)

1- تا این جای حدیث ، مربوط به بیان حوادث و فتنه های آینده است .

2- این قسمت از حدیث ، به بیان حال و روز مردم در روزگار جاهلی گریز می زند .

3- این قسمت از حدیث ، به پس از ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله و مبارزات و جان فشانی های مسلمانان ، اشاره می فرماید .

عنه عليه السلام من كلامٍ قاله عند تلاوته: «يَسْبُحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» - إنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ (1) ، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ (2) ، وَتَتَقَادُّ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ . وَمَا بَرِحَ اللَّهُ - عَزَّتْ آلاؤُهُ - فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ ، وَفِي أَرْمَانَ الْفَتْرَاتِ (3) ، عِبَادٌ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ ، وَكَلَّمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ ، فَاسْتَصْبَحُوا بِنُورِ يَقْظَةٍ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْنِدَةِ ، يُذَكِّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ ، وَيُخَوِّفُونَ مَقَامَهُ ، بِمَنْزِلَةِ الْأَدِلَّةِ فِي الْفَلَوَاتِ (4) ، مَنْ أَخَذَ الْقَصْدَ (5) حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ ، وَبَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ ، وَمَنْ أَخَذَ يَمِينًا وَشَدَّ حِمْلًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ ، وَحَذَّرُوهُ مِنَ الْهَلَكَةِ ، وَكَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ ، وَأَدِلَّةَ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ . وَإِنَّ لِلذِّكْرِ لِأَهْلًا ، أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا ، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ ، يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ ، وَيَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ ، وَيَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَيَأْتَمِرُونَ بِهِ ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ ، فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا ، فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ ، فَكَأَنَّمَا أَطْلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرَزَخِ فِي طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ ، وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا ، فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا ، حَتَّى كَانَتْهُمْ يَرُونَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ ، وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ . (6)

- 1- الوقرة: هي المرة من الوقر؛ ثقل السمع (النهاية: ج 5 ص 213 «وقر»).
- 2- العشوة: المرة من العشا؛ أي سوء البصر بالليل والنهار، أو العمى (القاموس المحيط: ج 4 ص 362 «عشا»).
- 3- الفترة: ما بين الرسولين من رسل الله تعالى من الزمان الذي انقطعت فيه الرسالة (النهاية: ج 3 ص 408 «فتر»).
- 4- الفلاة: القفر أو المفازة لا ماء فيها، أو الصحراء الواسعة (القاموس المحيط: ج 4 ص 375 «فلا»).
- 5- القصد: الرشد. قصد في الأمر قصدا: توسط وطلب الأسد، ولم يُجاوز الحد (المصباح المنير: ص 505 «قصد»).
- 6- نهج البلاغة: الخطبة 222، بحار الأنوار: ج 69 ص 325 ح 39.

امام علی علیه السلام از گفتار ایشان ، هنگام تلاوت این آیات : «در آن خانه ها ، هر بامداد و شامگاه ، او را نیایش می کنند ؛ مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی ، ایشان را از یاد خدا ، باز نمی دارد» _ :خدای پاک و بلندمرتبه ، یاد [خویش] را روشنی بخش دل ها قرار داده است . گوش های سنگین شده دل ها ، با یاد خدا ، شنوا می شوند و چشم های کم سو (/ کور) گشته آنها به وسیله آن ، بینا می گردند و دل های خیره سر [و سرکش] به واسطه آن ، رام می شوند . همواره ، برای خداوند _ که نعمت هایش گران بهاست _ ، در هر بُرهه ای از زمان و در فاصله های زمانی میان بعثت پیامبران ، بندگانی بوده که در اندیشه هایشان ، با آنان نجوا می کرده است و در درون خردهایشان ، با ایشان سخن می گفته است و بدین سبب ، چشم ها و گوش ها و دل هایشان ، از نور بیداری ، روشن گردید . اینان ، روزهای [نعمت و عذاب] خدا را به مردم ، یادآوری می کردند و از مقام او می ترساندند ، چونان راه نمایان بیابان ها که هر کس را راه راست در پیش گیرد ، راهش را می ستایند و نوید نجات به او می دهند و هر کس را که به چپ و راست منحرف شود ، راهش را نکوهش می کنند و او را از نابودی بر حذر می دارند . آنان ، همچنان ، چراغ هایی در آن تاریکی ها و راه نمایانی در آن شبّهات بودند . یادِ خدا را اهلی است که آن را به جای این دنیا بر گرفته اند . از این رو ، هیچ تجارتی و داد و ستدی ، ایشان را از آن ، باز نمی دارد . ایام عمر را با آن می گذرانند و بازدارندگان از حرام های خدا را در گوش های غافلان ، فریاد می زنند و به دادگری ، فرا می خوانند و خود به آن ، عمل می کنند . از زشتی ها ، نهی می کنند و خود ، از آنها باز می ایستند . تو گویی دنیا را پشت سر نهاده ، به آخرت رسیده اند و هم اکنون ، در آن به سر می برند ، و آنچه رافرا سوی دنیاست ، دیده اند . گویی بر احوال پنهان برزخیان ، در طول مدّتی که آن جایند ، آگاه اند . قیامت ، وعده هایش را برای آنان ، تحقّق بخشیده است . بدین سبب ، پرده های آن را برای مردم دنیا ، کنار می زنند ، چنان که گویی آنچه را مردم نمی بینند ، می بینند و آنچه را مردم نمی شنوند ، می شنوند .

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ، صَلَّى الْإِيمَانِ، جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا، وَمَضَى شَهِيدًا. (1)

عنه عليه السلام_ حِينَ سُئِلَ عَنِ النَّعِيمِ (2)_: النَّعِيمُ نَحْنُ؛ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الصَّلَاةِ، وَبَصَّرَهُمْ بِنَا مِنَ الْعَمَى، وَعَلَّمَهُمْ بِنَا مِنَ الْجَهْلِ. (3)

6 / 2 الدُّعَاءُ لِأَهْلِ الْبَصِيرَةِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ_ مِنْ دُعَائِهِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى أَتْبَاعِ الرَّسُولِ وَمُصَدِّقِيهِمْ _: اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ _ الَّذِينَ يَقُولُونَ: « رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ » (4) _ خَيْرَ جَزَائِكَ، الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ (5)، وَتَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ، وَمَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ، لَمْ يَنْبَغِ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ (6) شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَالْإِنْتِمَاءِ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ، مُكَانِفِينَ (7) وَمُؤَاوِرِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّقُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَتَّهِمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ. (8)

- 1- سرّ السلسلة العلوية: ص 89، عمدة الطالب: ص 356 كلاهما عن المفضل بن عمر.
- 2- أي حين سُئِلَ عن الآية الشريفة: «ثُمَّ لَسْتُمْ لَنَا يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (التكاثر: 8).
- 3- تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 852 ح 8 عن محمد بن السائب الكلبي، بحار الأنوار: ج 10 ص 209 ح 10.
- 4- الحشر: 10.
- 5- السمّت: الطريق (النهاية: ج 2 ص 397 «سمت»).
- 6- لا يختلج: لا يتحرك فيه شيء من الريبة والشك (النهاية: ج 2 ص 60 «خلج»).
- 7- اكتنفته القوم: إذا أحاطوا به يمنة ويسرة (مجمع البحرين: ج 3 ص 1599 «كنف»).
- 8- الصحيفة السجادية: ص 32 الدعاء 4.

6 / 2 دعا برای اهل بصیرت

امام صادق علیه السلام: عمویمان عباس علیه السلام، بصیرتی عمیق و ایمانی استوار داشت و در کنار ابا عبد الله الحسین علیه السلام جهاد کرد و مردانه جنگید و شهید شد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از «نَعِيم» (1) _ نَعِيم، ما هستیم که خداوند، به واسطه ما، مردم را از گم راهی رهانید و به وسیله ما، به آنان بصیرت بخشید و به وسیله ما، از نادانی [خارج کرده]، دانا گردانید.

6 / 2 دعا برای اهل بصیرت امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در درود فرستادن بر پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران _ بار خدایا! و به آنان که از یاران محمد صلی الله علیه و آله، به نیکی پیروی کردند (یعنی تابعیان)، همانان که می گویند: «ای پروردگار ما! ما را و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند، بیامرز»، بهترین پاداشت را عطا فرما؛ همانان که راه ایشان را در پیش گرفتند و جهت و مقصد آنان را جستند و به شیوه آنان رفتند و تردیدی در بصیرت ایشان، راه نیافت و شکی در گام برداشتن از پی ایشان و اقتدا به فروغ تابناک هدایتشان، با وجود آنها در نیامیخت؛ بلکه همواره، حامی و پشتیبان آنان اند و از دین آنان، پیروی می کنند و راه آنان را می پویند و بر [پیروی از] آنان، هم داستان اند و در آنچه به ایشان رسانده اند، متهمشان نمی کنند.

1- یعنی سؤال از آیه شریف: «ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ».

الفصل السابع : فقد البصيرة 7 / 1 التحذير من فقد البصيرة الكتاب « وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ » . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : شَرُّ الْعَمَى عَمَى الْقَلْبِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : لَيْسَ الْأَعْمَى مَن عَمِيَ بَصَرُهُ ، وَلَكِنَّ الْأَعْمَى مَن تَعَمَّى بَصِيرَتُهُ . (3)

الإمام علي عليه السلام : نَظَرَ الْبَصَرَ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيََتِ الْبَصِيرَةُ . (4)

1- الأعراف : 179 .

2- الأُمالي للصدوق : ص 577 ح 788 عن أبي الصباح الكناني عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 70 ص 51 ح 7 .

3- شعب الإيمان : ج 2 ص 127 ح 1372 ، نوادر الأصول : ج 1 ص 131 ، الفردوس : ج 3 ص 403 ح 5227 وفيه «العمى» بدل

«الأعمى» في الموضوعين وكلها عن عبد الله بن جرادة ، كنز العمال : ج 1 ص 243 ح 1220 .

4- غرر الحكم : ج 6 ص 174 ح 9972 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 497 ح 9170 .

فصل هفتم : نداشتن بصیرت

1 / 7 بر حذر داشتن از بی بصیرتی

فصل هفتم : نداشتن بصیرت 1 / 7 بر حذر داشتن از بی بصیرتیقرآن(و در حقیقت ، ما بسیاری از جنیان و انسان ها را برای جهنم آفریدیم ؛ [چرا که] دل هایی دارند که با آنها نمی فهمند ، و چشم هایی دارند که با آنها نمی بینند ، و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند . آنان ، همانند چارپایان اند ؛ بلکه گم راه ترند . آنان ، همان غافل ماندگان اند» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدترین کوری ، کوری دل است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کور ، آن کسی نیست که دیده اش کور است ؛ بلکه کور [واقعی] ، کسی است که [چشم] بصیرتش کور باشد .

امام علی علیه السلام : نگاه چشم ، سودی نمی دهد ، وقتی [چشم] بصیرت ، کور باشد .

عنه عليه السلام: فَقَدْ الْبَصَرَ أَهْوَنَ مِنْ فَقْدَانِ الْبَصِيرَةِ . (1)

عنه عليه السلام: ذَهَابُ الْبَصَرِ خَيْرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ . (2)

2 / 7 ذُمَّ فَاقِدَ الْبَصِيرَةِ إِمَامَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى قُتَيْبِ بْنِ الْعَبَّاسِ وَهُوَ عَامِلُهُ عَلَى مَكَّةَ - : أَمَا بَعْدُ ، فَإِنَّ عَيْنِي (3) - بِالْمَغْرِبِ - كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وَجَّهَ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنْسَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ الْعُمَى الْقُلُوبِ ، الصَّمَّ الْأَسْمَاعِ ، الْكُمَةَ (4) الْأَبْصَارِ ، الَّذِينَ يَلْسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ ، وَيُطِيعُونَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ ، وَيَحْتَلِبُونَ الدُّنْيَا دَرَّهَا (5) بِالدِّينِ ، وَيَشْتَرُونَ عَاجِلَهَا بِأَجْلِ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ ؛ وَلَنْ يَقُوزَ بِالْخَيْرِ إِلَّا عَامِلُهُ ، وَلَا يُجْزَى جَزَاءَ الشَّرِّ إِلَّا فَاعِلُهُ . فَأَقِمْ عَلَى مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيبِ ، وَالنَّاصِحِ اللَّيْبِ ، التَّابِعِ لِسُلْطَانِهِ ، الْمُطِيعِ لِأَمَامِهِ . وَإِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدَّرُ مِنْهُ ، وَلَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ بَطْرًا (6) ، وَلَا عِنْدَ الْبِئْسَاءِ فَشَلًّا ، وَالسَّلَامُ . (7)

عنه عليه السلام_ فِي خُطْبَةٍ لَهُ يَذَمُّ فِيهَا أَهْلَ الْكُوفَةِ - : يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ ، مُنِيتُ مِنْكُمْ بِثَلَاثٍ وَائْتِنْتِنِي : صَمُّ ذُؤُوسِ الْأَسْمَاعِ ، وَبُكْمُ ذُؤُوسِ الْكَلَامِ ، وَعُمَى ذُؤُوسِ الْأَبْصَارِ ، لَا أَحْرَارُ صِدْقٍ عِنْدَ اللَّقَاءِ ، وَلَا إِخْوَانُ ثِقَةٍ عِنْدَ الْبَلَاءِ . (8)

- 1- .غرر الحكم : ج 4 ص 413 ح 6536 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 358 ح 6071 .
- 2- .غرر الحكم : ج 4 ص 32 ح 5182 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 256 ح 4733 .
- 3- .العَيْن : الجاسوسُ (النهاية : ج 3 ص 331 «عين»).
- 4- .الْكُمَةُ : العمى (النهاية : ج 4 ص 201 «كمه»).
- 5- .الدَّرُّ : اللَّبْنُ (مجمع البحرين : ج 1 ص 587 «در»).
- 6- .الْبَطْرُ : الطغيان عند النعمة (مجمع البحرين : ج 1 ص 160 «بطر»).
- 7- .نهج البلاغة : الكتاب 33 ، الغارات : ج 2 ص 509 عن قثم بن العباس نحوه وفيه : «البكم الأبصار» بدل «الكمه الأبصار» ، بحار الأنوار : ج 33 ص 491 ح 697 .
- 8- .نهج البلاغة : الخطبة 97 ، الإرشاد : ج 1 ص 282 ، الاحتجاج : ج 1 ص 414 ح 89 وفيهما : «ذوو ألسن ، لا إخوان صدق» بدل «ذوو كلام ، لا أحرار صدق» ، بحار الأنوار : ج 34 ص 81 ح 938 .

7 / 2 نکوهشِ شخصِ بی بصیرت

امام علی علیه السلام: نداشتن بینایی، آسان تر از نداشتن بصیرت است.

امام علی علیه السلام: کوری چشم، بهتر از کوری بصیرت است.

7 / 2 نکوهشِ شخصِ بی بصیرت امام علی علیه السلام از نامه ایشان به قُثم بن عَبَّاس، کارگزارش در مکه: «اَما بعد، جاسوس من در مغرب (شام)، به من نوشته و اطلاع داده است که مردمانی از شامیان کوردل که گوش هایشان گر و چشم هایشان، کور است، سوی حج ، گسیل شده اند؛ مردمانی که حق را با باطل می آمیزند و از مخلوق، به بهای نافرمانی از خالق، فرمان می برند و دنیا را به وسیله دین می دوشند [و آن را ابزار رسیدن به دنیا قرار داده اند] و آخرت را - که از آن نیکان پرهیزگار است -، به دنیای گذرا می فروشند، در حالی که به خیر، دست نمی یابند، مگر آن که به کارش بندد، و به کیفر بدی نمی رسد، مگر کسی که آن را به جای آورد. پس بر آنچه در دست توست (حکومت مکه)، ایستادگی کن، همچون ایستادن شخص قاطع و باصلابت و خیرخواه خردمندی که پیرو فرمان روای خویش و فرمان بُردار پیشوای خویش است. و مبادا کاری کنی که به عذرخواهی بینجامد! نه هنگام نعمت ها، سرمست شو، و نه در هنگام سختی ها، سست [و دل سرد]. بدرود!

امام علی علیه السلام در سخنانش در نکوهش کوفیان: «ای کوفیان! من به سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که در شما نیست]، گرفتار آمده ام: گوش دارید؛ اما گرید، و زبان دارید؛ اما لالید، و چشم دارید؛ اما کورید. [و اما آن دو خصلتی که ندارید: نه هنگام رویارویی با دشمن، آزدگانی پاکبازید، و نه به گاه سختی، برادرانی مورد اعتماد.]»

عنه عليه السلام_ أيضاً_ يا أهل الكوفة، أعظكم فلا تتعظون... فيا لله ماذا منيت به منكم! لقد منيت بصم لا يسمعون، وكمه لا يبصرون، وبكم لا يعقلون. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: الخلق خيارى عمهون (2) سكارى، في طغيانهم يترددون، وبشياطينهم وطواغيتهم يقتدون، بصراء عمي لا يبصرون، نطقاء بكم لا يعقلون، سمعاء صم لا يسمعون، رضوا بالدون وحسبوا أنهم مهتدون، حادوا عن مدرجة الأكياس، ورعوا في مرعى الأرجاس الأنجاس. (3)

3 / 7 مضاير فقد البصيرة_ الشك الإمام علي عليه السلام: من عمي عما بين يديه، غرس الشك بين جنبيه. (4)

عنه عليه السلام_ من كلام له عليه السلام لكميل بن زياد النخعي_ :ها إن ههنا لعلماً جمّاً_ وأشار بيده إلى صدره_ لو أصبت له حملة، بلى أصبت لقتناً (5) غير مأمون عليه، مستعملاً آله الدين للدنيا، ومستظهاً بنعم الله على عباده، وبحججه على أوليائه، أو متقاداً لحملة الحق، لا بصيرة له في أحناؤه، يتقدح الشك في قلبه لأول عارض من شبهة، ألا لا ذا ولا ذاك، أو منهوماً باللذة سلس القياد للشهوة، أو مغرماً بالجمع والإدخار، ليسا من رعاة الدين في شيء، أقرب شيء شهباً بهما الأنعام السائمة، كذلك يموت العلم بموت حامله. (6)

1- الفتوح: ج 4 ص 258، مطالب السؤل: ج 1 ص 246؛ بحار الأنوار: ج 77 ص 338 ح 26.

2- العمه في البصيرة كالعمرى في البصر (النهاية: ج 3 ص 304 «عمه»).

3- بحار الأنوار: ج 3 ص 90 نقلاً عن توحيد المفصل.

4- غرر الحكم: ج 5 ص 382 ح 8855.

5- لقتناً غير مأمون: أي فهماً غير ثقة (النهاية: ج 4 ص 266 «لقن»).

6- نهج البلاغة: الحكمة 147، كمال الدين: ص 291 ح 2، تحف العقول: ص 170 كلاهما نحوه، خصائص الأئمة: ص 105 كلها عن كميل، بحار الأنوار: ج 78 ص 76 ح 46.

الف - شك

امام علی علیه السلام در سخنانش در نکوهش کوفیان _ ای کوفیان! من ، شما را اندرز می دهم ؛ اما به گوش نمی گیرید ... چه مصیبتی است این که من ، گرفتار شما شده ام! گرفتار مُشتی گر شده ام که نمی شنوند و مُشتی کور که نمی بینند و مُشتی لال که نمی فهمند!

امام صادق علیه السلام: مردمان ، سرگشته و کور و مست اند . در سرکشی خویش ، غوطه ورنند و از اهریمنان و طاغوت های خود ، پیروی می کنند . چشم دارند ؛ اما کورند و نمی بینند . زبان دارند ؛ لیکن لال اند و نمی فهمند . گوش دارند ؛ اما گزند و نمی شنوند . به پستی ، رضایت داده اند و خویشتن را ره یافته می پندارند . از راه زیرکان و خردمندان ، منحرف گشته اند و در چراگاه پلیدان و ناپاکان می چرند .

7 / 3 زیان های بی بصیرت یالف _ شکامام علی علیه السلام: هر که از دیدن آنچه پیش روی اوست ، کور باشد ، [نهال] شك را در سینه خود می نشاند .

امام علی علیه السلام از گفتار ایشان به کمیل بن زیاد نَحعی _ هان! در این جا (با دستش به سینه اش اشاره فرمود) دانش فراوانی است . کاش برای آن ، فراگیرندگانی می یافتم! البته تیزهوشانی یافته ام ؛ لیکن امین و مورد اعتماد نیستند ؛ زیرا ابزارهای دین را برای دنیا به کار می گیرند و نعمت های خدا را ، وسیله تسلط و برتری بر بندگان او قرار می دهند و حجت هایش را دستاویز چیره آمدن بر دوستانش . یا [گروه دیگری را یافته ام که] در برابر حاملان حق ، فرمان بردارند ؛ اما به پیچ و خم های حق ، بصیرت ندارند و با اولین شُبّه ای که برایشان پیش می آید ، آتش تردید در دل هایشان ، برافروخته می شود . هان! نه این [گروه] و نه آن [گروه] ، صلاحیت برخورداری از دانش مرا ندارند . گروهی هم هستند که گرسنه لذت هاینده و رام شهوت ها . جماعتی هم شیفته گردآوردن مال و اندوختن ثروت اند . این دو گروه ، به هیچ رو ، دین نگهدار نیستند . مانندترین چیز به اینان ، حیوانات چرنده اند . چنین است که با مرگ دانشمندان ، دانش نیز می میرد .

ب _ الضلالة الكتاب « وَ مِنْهُمْ مَن يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ » . (1)

« وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ » . (2)

« وَ تَقَلَّبُ أَفْئِدَتُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ نَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ » . (3)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى « وَ تَقَلَّبُ أَفْئِدَتُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ » _ : نَكَّسُ قُلُوبَهُمْ فَيَكُونُ أَسْفَلَ قُلُوبِهِمْ أَعْلَاهَا ، وَ نُعْمِي أَبْصَارُهُمْ فَلَا يُبْصِرُونَ الْهُدَى . (4)

تفسير القمّي: في رواية أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: « وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ » يقول: فَأَعْمَيْنَاهُمْ «فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» الْهُدَى، أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ وَقُلُوبَهُمْ فَأَعْمَاهُمْ عَنِ الْهُدَى. نَزَلَتْ فِي أَبِي جَهْلٍ بِنِ هِشَامٍ وَنَقَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَذَلِكَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ يُصَلِّي، وَقَدْ حَلَفَ أَبُو جَهْلٍ لَئِنْ رَأَاهُ يُصَلِّي لَيَدْمَغَنَّهُ (5)، فَجَاءَ وَمَعَهُ حَجَرٌ وَالنَّبِيُّ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَجَعَلَ كُلَّمَا رَفَعَ الْحَجَرَ لَيَرْمِيَهُ أَثَبَتَ اللَّهُ يَدَهُ إِلَى عُنُقِهِ وَلَا يَدُورُ الْحَجَرُ بِيَدِهِ، فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى أَصْحَابِهِ سَقَطَ الْحَجَرُ مِنْ يَدِهِ، ثُمَّ قَامَ رَجُلٌ آخَرٌ وَهُوَ مِنْ رَهْطِهِ أَيْضًا فَقَالَ: أَنَا أَفْتُلُهُ، فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ فَجَعَلَ يَسْمَعُ قِرَاءَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَرَعَبَ فَرَجَعَ إِلَى أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ كَهَيْئَةِ الْعَجَلِ يَخْطُرُ بِذَنْبِهِ فَخِفْتُ أَنْ أَتَقَدَّمَ. (6)

1- يونس: 43 .

2- يس: 9 .

3- الأنعام: 110 .

4- تفسير القمّي: ج 1 ص 213 عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج 5 ص 197 ح 12 .

5- دَمَغَهُ: أَي شَجَّهُ بِحَيْثُ يَبْلُغُ الدِّمَاغَ فَيَهْلِكُهُ (مجمع البحرين: ج 1 ص 610 «دمغ»).

6- تفسير القمّي: ج 2 ص 212 عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج 18 ص 52 ح 6 وراجع: مجمع البيان: ج 8 ص 652 .

ب - گم راهی

ب _ گم راهیقرآن «واز آنان ، کسی است که به سوی تو می نگرَد . آیا تو نابینایان را _ هر چند نبینند _ هدایت توانی کرد ؟» .

«و ما فرا سوی آنان ، سدّی و پشت سرشان ، سدّی نهاده ، پرده ای بر [چشمان] آنان ، فروگسترده ایم . در نتیجه ، نمی بینند» .

«و دل ها و دیدگان نشان را بر می گردانیم [. در نتیجه ، به آیات ما ایمان نمی آورند] ، چنان که نخستین بار ، به آن ایمان نیاوردند ، و آنان را رها می کنیم تا در طغیانشان ، سرگردان بمانند» .

حدیثامام باقر علیه السلام _ در باره این سخن خداوند متعال : «و دل ها و دیدگان نشان را بر می گردانیم» _ : [یعنی] دل هایشان را وارونه می سازیم ، آن سان که پایین دل هایشان ، بالا قرار می گیرد ، و دیدگان نشان را کور می کنیم ، چنان که راه درست را نمی بینند .

تفسیر القمّی _ به نقل ابو جارود ، از امام باقر علیه السلام در باره آیه شریف : «و ما فرا سوی آنان ، سدّی و پشت سرشان ، سدّی نهاده ، پرده ای بر [چشمان] آنان ، فروگسترده ایم» _ : آنها را کور کردیم «در نتیجه ، نمی بینند» راه درست را . خدا ، گوش و چشم و دل آنها را گرفت و از دیدن راه درست و هدایت ، نابینایشان کرد . این آیه ، در باره ابو جهل بن هشام و چند نفر از خانواده اش نازل شد . علتش آن بود که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد . ابو جهل که سوگند یاد کرده بود اگر ایشان را در حال نماز خواندن ببیند ، مغزش را متلاشی خواهد کرد ، سنگی برداشت و آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز خواندن بود . هر بار که او سنگ را بلند می کرد تا به ایشان بزند ، خداوند ، دست او را در هوا ننگه می داشت و سنگ در دستش نمی چرخید . چون نزد دوستانش باز گشت ، سنگ از دستش افتاد . مرد دیگری _ که وی نیز از گروه او بود _ برخاست و گفت : من ، او را می گُشم . چون نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله شد ، صدای قرائت [قرآن] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را شنید . دچار وحشت شد و نزد دوستانش بر گشت و گفت : يك چیز گوساله مانندی ، میان من و او حائل شد که دُمش را تکان می داد و من ، ترسیدم که جلوتر بروم .

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّمَا سُدَّ مَمِّتِ الشُّبُهَةَ شُدَّ بَهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ، فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَاؤُهُمْ فِيهَا الْبَقِيَّةُ، وَدَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى، وَأَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ إِلَيْهَا الضَّلَالُ وَدَلِيلُهُمُ الْعَمَى. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ، لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا. (2)

ج - الرِّبَاءُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي جَوَابِ زَيْدِ بْنِ صَوْحَانَ الْعَبْدِيِّ لَمَّا سَأَلَ لَهُ عَنْ أَعْمَى الْخَلْقِ - الَّذِي عَمِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ يَطْلُبُ بِعَمَلِهِ الثَّوَابَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (3)

1- غرر الحكم: ج 3 ص 93 ح 3909.

2- الكافي: ج 1 ص 43 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 401 ح 5864، الأمالي للصدوق: ص 507 ح 705 كلّها عن طلحة بن زيد، مستطرفات السرائر: ص 120 ح 4 والثلاثة الأخيرة بزيادة «من الطريق» بعد «السير»، كنز الفوائد: ج 2 ص 109، بحار الأنوار: ج 1 ص 206 ح 1.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 383 ح 5833، معاني الأخبار: ص 199 ح 4 كلاهما عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للصدوق: ص 479 ح 644، الأمالي للطوسي: ص 436 ح 974 كلاهما عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عن الإمام زين العابدين عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 378 ح 1؛ دستور معالم الحكم: ص 85.

ج - ریا

امام علی علیه السلام: شبّه، به این دلیل شبّه نامیده شده که [در ظاهر،] شبیه حق است؛ اما دوستان خدا، چراغ راهشان در [تاریکی های] شبّه، یقین است و راه نمایشان، راه راست؛ ولی دشمنان خدا، انگیزه شان برای شبّه، گم راهی است و راه نمایشان، کوری [و بی بصیرتی].

امام صادق علیه السلام: کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه می رود. چنین کسی، هر چه تندتر برود، [از راه] دورتر می شود.

ج - ریا امام علی علیه السلام در پاسخ سؤال زید بن صوحان عبّدی که پرسید: کورترین خلق، چه کسی است؟ _: کسی که برای غیر خدا، کار کند و برای کارش از خداوند عز و جل پاداش بخواهد.

د _ بُغِضَ أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشَدُّ الْعَمَى مَنْ عَمِيَ عَن فَضْلِنَا ، وَنَاصَبَنَا الْعَدَاوَةَ بِلَا ذَنْبٍ سَبَقَ إِلَيْهِ مِنَّا ، إِلَّا أَنَا دَعَوْنَا إِلَى الْحَقِّ وَدَعَاهُ مَنْ سِوَانَا إِلَى الْفِتْنَةِ وَالْدُّنْيَا . (1)

ه _ نَدَامَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْكِتَابُ « وَ لَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ » . (2)
« وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا » . (3)

الحديث الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام _ في قولِ اللَّهِ عز و جل : « وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى » (4) _ : يَعْنِي أَعْمَى الْبَصَرَ فِي الْآخِرَةِ ، أَعْمَى الْقَلْبِ فِي الدُّنْيَا عَن وِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : وَهُوَ مُتَحَيِّرٌ فِي الْقِيَامَةِ يَقُولُ : « لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا » قَالَ : الْآيَاتُ الْأَيْمَةُ « فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى » (5) يَعْنِي تَرَكْتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُتْرَكُ فِي النَّارِ كَمَا تَرَكْتَ الْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَلَمْ تُطِعْ أَمْرَهُمْ وَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَهُمْ . (6)

-
- 1- .الخصال: ص 632 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم ، غرر الحكم : ج 2 ص 461 ح 3296 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 124 ح 2828 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 111 ح 1 .
 - 2- .السجدة : 12 .
 - 3- .الإسراء : 72 .
 - 4- .طه : 124 .
 - 5- .طه : 125 و 126 .
 - 6- .الكافي : ج 1 ص 435 ح 92 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 97 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 321 ح 21 ، بحار الأنوار : ج 24 ص 348 ح 60 .

د - کین ورزی با اهل بیت علیهم السلام

ه - پشیمانی در روز قیامت

د - کین ورزی با اهل بیت علیهم السلام امام علی علیه السلام: کورترین مردم، کسی است که از دیدن برتری ما، کور باشد و بدون آن که گناهی در حق او کرده باشیم، با ما دشمنی ورزد. تنها گناهمان، این است که ما او را به حق، دعوت کرده ایم، در حالی که دیگران، او را به سوی فتنه و دنیا، فرا خوانده اند.

ه - پشیمانی در روز قیامتقرآن «کاش هنگامی را که مجرمان، نزد پروردگارشان، سرهاشان را به زیر افکنده اند، می دیدی [که می گویند]: پروردگارا! دیدیم و شنیدیم. ما را باز گردان تا کار شایسته انجام دهیم؛ چرا که ما، یقین داریم».

«و کسی که در این [زندگی دنیا]، کور باشد، در آخرت نیز کور و گمراه تر است».

حدیثالکافی - به نقل از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام، در باره این سخن خداوند عز و جل: «و روز قیامت، او را کور محشور می کنیم» - یعنی در آخرت، کور چشم، در دنیا، کور دل از [دیدن] ولایت امیر مؤمنان علیه السلام. چنین کسی، در قیامت، حیرت زده می گوید: «چرا مرا کور محشور کردی، در حالی که من، بینا بودم؟ [خداوند] می فرماید: همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی». مراد از نشانه ها، امامان است. «و آن را به فراموشی سپردی، امروز، همان گونه فراموش می شوی»؛ یعنی تو آن نشانه ها را رها کردی و امروز، تو نیز در آتش، رها می شوی، چنان که امامان علیهم السلام را رها کردی و از فرمانشان، اطاعت نمودی و به سخنانشان، گوش نکردی.

الفصل الثامن : موانع البصيرة 8 / 1 إتباع الهوى الكتاب « أفرءيت من اتخذ إلهه هواه وأضله الله على علم وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد الله أفلا تذكرون » . (1)

الحديث للإمام علي عليه السلام: الهوى شريك العمى . (2)

عنه عليه السلام: من زكب الهوى ، أدرك العمى . (3)

عنه عليه السلام: أوصيكم بمجانبة الهوى ؛ فإن الهوى يدعو إلى العمى ، وهو الضلال في الآخرة والدنيا . (4)

1- الجاثية : 23 .

- 2- نهج البلاغة : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 83 ، غرر الحكم : ج 1 ص 153 ح 580 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 230 ح 2 ؛ دستور معالم الحكم : ص 20 ، كنز العمال : ج 16 ص 181 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .
- 3- غرر الحكم : ج 5 ص 278 ح 8352 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 455 ح 8207 .
- 4- دعائم الإسلام : ج 2 ص 350 ح 1297 عن الإمام زين العابدين والإمام الباقر عليهما السلام .

فصل هشتم : موانع بصیرت

8 / 1 پیروی از هوای نفس

فصل هشتم : موانع بصیرت 8 / 1 پیروی از هوای نفسقرآن«پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده است و خدا ، او را دانسته ، گم راه گردانیده و برگوش او و دلش ، مَهر زده و بر دیده اش ، پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا ، چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟» .

حدیثامام علی علیه السلام : هوس ، شریك كوردلی است .

امام علی علیه السلام : کسی که بر [مَرکب] هوس بنشیند ، به کوری می رسد .

امام علی علیه السلام : شما را به دوری گزیدن از هوای نفس ، سفارش می کنم ؛ چرا که هوای نفس ، به کوری [دل و بینش] فرا می خواند و آن ، [موجب] گم راهی در آخرت و دنیا است .

عنه عليه السلام: إذا أَبْصَرَتِ الْعَيْنُ الشَّهْوَةَ عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الْعَاقِبَةِ. (1)

راجع: هذه الموسوعة: ج 3 ص 131 (الأكل / كثرة الأكل / مضار النهم الباطنية / حجاب الفطنة وظلمة القلب).

2/8 الرَغْبَةُ فِي الدُّنْيَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَرِغِبُ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ، أَعْمَى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدْرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا. (2)

الإمام علي عليه السلام_ في صِفَةِ الدُّنْيَا _ مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ 3. (3)

عنه عليه السلام_ في صِفَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا _ سَدَّ لَكَتَ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى، وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَن مَنَارِ الْهُدَى، فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا، وَغَرِقُوا فِي نِعْمَتِهَا، وَاتَّخَذُوا رَبًّا، فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَلَعِبُوا بِهَا، وَسَوَّاهَا وَرَاءَهَا. (4)

1- غرر الحكم: ج 3 ص 137 ح 4063.

2- تحف العقول: ص 60، بحار الأنوار: ج 77 ص 163 ح 187؛ تاريخ أصبهان: ج 1 ص 162 الرقم 144، كنز العمال: ج 3 ص 209 ح 6194 نقلاً عن أبي عبد الرحمن السلمي في كتاب المواعظ والوصايا وكلاهما عن ابن عباس وفيهما «رغبته» بدل «أمله».

3- نهج البلاغة: الخطبة 82، خصائص الأئمة: ص 118، تحف العقول: ص 201 وفيه «نظر» بدل «أبصر» في الموضوعين، مشكاة الأنوار: ص 469 ح 1570، نزهة الناظر: ص 104 ح 185، بحار الأنوار: ج 73 ص 133 ح 136؛ تذكرة الخواص: ص 136 وفيه «عمته» بدل «أعمته».

4- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 76 وفيه «منهج الصواب... فتننتها» بدل «منار الهدى... نعمتها»، بحار الأنوار: ج 77 ص 225 ح 2؛ كنز العمال: ج 16 ص 174 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ وفيه «منهج الصواب... فتننتها... رياً» بدل «منار الهدى... نعمتها... رياً».

8 / 2 گرایش به دنیا

امام علی علیه السلام: هر گاه چشم، شهوت بین شود، دل از دیدن عاقبت، کور می گردد.

ر.ك: همین دانش نامه: ج 4 ص 379 (پرخوری و شکم بارگی / ضررهای معنوی پرخوری / حجاب فهم و زیرکی) و ص 381 (تاریکی دل).

8 / 2 گرایش به دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به دنیا گراید و آرزوهای دنیوی اش، دور و دراز گردد، خداوند به اندازه گرایش او به دنیا، دلش را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام_ در توصیف دنیا _ : هر که به دنیا بنگرد [و آن را آینه عبرت سازد]، دنیا او را بینا می گرداند و آن که به دنیا [به عنوان هدف] بنگرد، دنیا کورش می سازد.

امام علی علیه السلام_ در ویژگی دنیا طلبان _ : دنیا، آنها را به کوره راه برده و دیدگانشان را از دیدن نشانه های راهیابی، فرو پوشانده است. از این رو، در حیرتکده دنیا، سرگشته اند و در نعمت های آن، غرقه. دنیا را پروردگار خویش گرفته اند. از این رو، دنیا، آنها را بازیچه ساخته است و آنها هم دنیا را، و فراسوی آن را، از یاد برده اند.

عنه عليه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الأَسْمَاعُ عَنِ سَمَاعِ الحِكْمَةِ ، وَعَمِيَّتِ القُلُوبُ عَنِ نورِ البَصِيرَةِ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتَهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الآمَالِ ، وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ (2) الأَمَانِيِّ ؛ أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا ، وَأَلْبَسَتْهُ عَمِيًّا ، وَقَطَعَتْهُ عَنِ الأُخْرَى ، وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى . (3)

عنه عليه السلام: مَنْ غَلَبَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ ، عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ . (4)

عنه عليه السلام: مَنْ قَصَرَ نَظْرُهُ عَلَى أبنَاءِ الدُّنْيَا ، عَمِيَ عَنِ سَبِيلِ الهُدَى . (5)

عنه عليه السلام_ فيما كَتَبَهُ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ _ : اِرْفُضِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَيُصِمُّ وَيُبْكِمُ ، وَيُذِلُّ الرِّقَابَ . (6)

8 / 3 العَفَلَةُ الكِتَابُ «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَصْلٌ أُولَئِكَ هُمُ العَافِلُونَ » . (7)

1- غرر الحكم : ج 5 ص 42 ح 7363 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 404 ح 6841 .

2- الزورُ : الكذبُ والباطلُ (النهاية : ج 2 ص 318 «زور»).

3- غرر الحكم : ج 2 ص 538 ح 3532 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 152 ح 3337 وفيه «وأكسبته عمها» بدل «وألبسته عمي» .

4- غرر الحكم : ج 5 ص 383 ح 8856 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 457 ح 8281 .

5- غرر الحكم : ج 5 ص 386 ح 8870 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 458 ح 8295 وليس فيه «أبناء» .

6- الكافي : ج 2 ص 136 ح 23 ، مشكاة الأنوار : ص 466 ح 1556 كلاهما عن أبي جميلة عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه

الخواطر : ج 2 ص 195 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 73 ص 75 ح 39 .

7- الأعراف : 179 .

امام علی علیه السلام: به خاطر عشق به دنیاست که گوش ها، از شنیدن حکمت، گر گشته اند و دل ها، از نور بصیرت، کور.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا، او را با آمال مُحال، فریفته و با آرزوهای دروغین، فریب داده است، میراث بی بینشی برایش بر جا گذاشته و [جامه] کوری بر او پوشانده است و از آخرت، محرومش ساخته و او را به جایگاه های هلاکت و تباهی می آورد.

امام علی علیه السلام: کسی که دنیا بر او غالب آید، از [دیدن] آنچه فراپیش اوست، کور می گردد.

امام علی علیه السلام: کسی که نگاهش به دنیاپرستان محدود گردد، از دیدن راه راست، کور می شود.

امام علی علیه السلام_ در نامه ای که به یکی از یارانش نوشت _ دنیا را رها کن؛ زیرا دوستی دنیا، کور و گر و لال می گرداند و سرافکنگی می آورد.

8 / 3 غفلتقرآن «و در حقیقت، ما بسیاری از جتّیان و آدمیان را برای جهنّم آفریده ایم؛ [چرا که] دل هایی دارند که با آنها [حقایق را] دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان، همانند چارپایان اند؛ بلکه گم راه ترند. آنان، همان غافلان اند».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في خبر طويلٍ - وأما علامة الغافل فأربعة: العمى، والسهُو، واللَّهُو، والنَّسيانُ. (1)

الإمام علي عليه السلام: دَوَامُ الْغَفْلَةِ يُعْمِي الْبَصِيرَةَ. (2)

4/8 الحُبُّ والبُغْضُ رسول الله صلى الله عليه وآله: حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَيُصِمُّ. (3)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَعشى (4) بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِيحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ، وَوَلَّهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلَمْ يَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا. (5)

عنه عليه السلام: عَيْنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمَحْبُوبِ، وَأُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ مَسَاوِيهِ. (6)

1- تحف العقول: ص 22، بحار الأنوار: ج 1 ص 122 ح 11.

2- غرر الحكم: ج 4 ص 22 ح 5146، عيون الحكم والمواعظ: ص 250 ح 4684.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 380 ح 5814، المجازات النبوية: ص 171 ح 138، عوالي اللآلي: ج 1 ص 124 ح 57 عن أبي الدرداء، بحار الأنوار: ج 77 ص 165 ح 2؛ سنن أبي داود: ج 4 ص 334 ح 5130، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 163 ح 21752، التاريخ الكبير: ج 3 ص 172 الرقم 584 كلها عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج 16 ص 115 ح 44104.

4- أعشاه: أعماه (هامش المصدر).

5- نهج البلاغة: الخطبة 109.

6- غرر الحكم: ج 4 ص 356 ح 6314، عيون الحكم والمواعظ: ص 340 ح 5807 وفيه «عمياء عن عيب» بدل «عمية عن معاييب»

8 / 4 عشق و نفرت

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در حدیثی طولانی_ : و اما نشانه غافل ، چهار چیز است : کوری ، اشتباه کردن ، سرگرمی ، و فراموشی .

امام علی علیه السلام : ادامه یافتن غفلت ، دیده بصیرت را کور می کند .

8 / 4 عشق و نفرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عشق تو به يك چیز ، [تورا] کور و گر می کند .

امام علی علیه السلام : هر که عاشق چیزی شود ، آن چیز ، دیده اش را کور و دلش را بیمار می کند . چنین کسی با دیده ای ناسالم می نگرد و با گوشی ناشنوا می شنود . شهوت ها ، خردش را از هم گسیخته و دنیا ، دلش را میرانده و جانش ، شیفته آن گشته است . بنا بر این ، بنده دنیا و بنده دنیاداران است ، هر جا دنیا برود ، او نیز می رود و به هر سو که دنیا رو کند ، او بدان رو می کند .

امام علی علیه السلام : دیده عاشق ، از دیدن عیب های معشوق ، کور است و گوش او ، از شنیدن زشتی معایش ، گر .

8 / 5 تَرَكَ الْعَمَلَ بِالْعِلْمِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ ، حَسْرَةُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى . (1)

راجع : ح 162 .

8 / 6 اللِّجَاجُ « الَّذِينَ يَصِدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَبِغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ * أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ » . (2)

8 / 7 تِلْكَ الْخِصَالُ الْكِتَابُ « فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ » . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا ظَهَرَ الْعِلْمُ وَاحْتَرَزَ الْعَمَلُ ، وَاتَّخَذَتِ الْأَلْسُنُ وَاحْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ ، وَتَقَاطَعَتِ الْأَرْحَامُ ، هُنَالِكَ «لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ» . (4)

1- . مكارم الأخلاق : ج 2 ص 348 ح 2660 عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 100 ح 1 .

2- . هود : 19 و 20 .

3- . محمد : 22 و 23 .

4- . ثواب الأعمال : ص 289 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضة الواعظين : ص 458 ، مشكاة الأنوار : ص 157 ح 393 و ص 221 ح 613 ، منية المرید : ص 334 كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 96 ح 27 ؛ المعجم الكبير : ج 6 ص 263 ح 6170 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 161 ح 1578 ، حلية الأولياء : ج 3 ص 109 الرقم 227 كلها عن سلمان ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 303 كلها نحوه ، كنز العمال : ج 9 ص 23 ح 24740 .

8 / 5 عمل نکردن به علم

8 / 6 لجاجت و خیره سری

8 / 7 این خصلت ها

8 / 5 عمل نکردن به علم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس علم بیاموزد و به آن عمل نکند، خداوند در روز قیامت، او را کور محشور می کند.

ر.ك: ص 481 ح 162.

8 / 6 لجاجت و خیره سری «همانان که [مردم را] از راه خدا، باز می دارند و آن را کج می شمارند و خود، به آخرت، باور ندارند. آنان در زمین، درمانده کنندگان [خدا] نیستند و جز خدا، دوستانی برای ایشان نیست. عذاب برای آنان، دوچندان می شود. آنان، توان شنیدن [حق را] نداشتند و [آن را] نمی دیدند».

8 / 7 این خصلت ها قرآن «پس [ای منقار!] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید (/ حاکمیت یافتید)، در زمین فساد کنید و خویشاوندی های خود را از هم بگسلید؟ اینان، همان کسانی اند که خدا، آنان را لعنت کرده و ایشان را ناشنوا و چشم هایشان را نابینا کرده است».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه علم آشکار شود و از عمل، دوری شود و زبان ها با هم شوند و دل ها از هم جدا گردند و پیوندهای خویشاوندی بگسلند، این جاست که «خدا، آنان را لعنت می کند و ناشنوایشان می گرداند و چشم هایشان را نابینا می سازد».

عنه صلى الله عليه وآله: لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى الْمَلَكَوتِ . (1)

الإمام علي عليه السلام: الأمانِي تُعمي أعينَ البصائرِ . (2)

عنه عليه السلام: مَنْ نَسِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ ، أنساهُ اللَّهَ نَفْسَهُ وأعمى قلبَهُ . (3)

عنه عليه السلام: ما أعمى النَّفْسَ الطَّامِعَةَ عَنِ العُقْبَى الفاجِعَةِ . (4)

عنه عليه السلام: مَنْ استَهْدَى الغاويَ (5) ، عَمِيَ عَنِ نَهْجِ الهُدَى . (6)

عنه عليه السلام: إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وإقبالاً وإدباراً ، فَاتَتْها مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِها وإقبالِها ، فَإِنَّ القَلْبَ إِذا أُكْرِهَ عَمِيَ . (7)

عنه عليه السلام: إِذا مَلَأَ البَطْنُ مِنَ المُبَاحِ ، عَمِيَ القَلْبُ عَنِ الصَّلاحِ . (8)

عنه عليه السلام: مَنْ غَنِيَ عَنِ النَّجَارِبِ ، عَمِيَ عَنِ العَوَاقِبِ . (9)

-
- 1- عوالي اللآلي: ج 4 ص 113 ح 174 ، بحار الأنوار: ج 70 ص 59 ح 39 .
 - 2- نهج البلاغة: الحكمة 275 ، غرر الحكم: ج 1 ص 362 ح 1375 ، بحار الأنوار: ج 73 ص 170 ح 7 .
 - 3- غرر الحكم: ج 5 ص 387 ح 8875 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 458 ح 8300 .
 - 4- غرر الحكم: ج 6 ص 93 ح 9643 .
 - 5- غاوي: أي مُضِلٌّ غير مُرشد (مجمع البحرين: ج 2 ص 1343 «غوى»).
 - 6- غرر الحكم: ج 5 ص 323 ح 8569 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 441 ح 7677 .
 - 7- نهج البلاغة: الحكمة 193 ، خصائص الأئمة: ص 112 ، نزهة الناظر: ص 74 ح 145 ، غرر الحكم: ج 2 ص 602 ح 3631
بزيادة «وكرهة» بعد «شهوة» ، بحار الأنوار: ج 70 ص 61 ح 41 .
 - 8- غرر الحكم: ج 3 ص 176 ح 4139 .
 - 9- غرر الحكم: ج 5 ص 346 ح 8680 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 461 ح 8369 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر نبود این که شیاطین، پیرامون دل های آدمیان پُرسه می زنند، هر آینه، انسان ها ملکوت را می دیدند.

امام علی علیه السلام: آرزوها، چشم های بصیرت را کور می کنند.

امام علی علیه السلام: هر کس خدای سبحان را از یاد ببرد، خداوند، خودش را از یادش می برد و دلش را کور می گرداند.

امام علی علیه السلام: چه کور است نفس طمع و رز از دیدن فرجام دردآور [طمع]!

امام علی علیه السلام: هر که از گم راه، راه نمایی جوید، راه راست را نمی بیند.

امام علی علیه السلام: همانا دل ها را خواهش و روی آوردن و روی گردانی ای است. پس هر گاه خواستند و روی آوردند، آنها را به کار گیرید؛ چرا که دل، اگر [به کاری] مجبور گردد، کور می شود.

امام علی علیه السلام: هر گاه شکم از خوردنی های مباح، پُر گردد، دل از دیدن خیر و صلاح، کور می شود.

امام علی علیه السلام: هر که خود را از تجربه ها بی نیاز ببیند، فرجام ها را نمی بیند.

عنه عليه السلام: إحدَرِ الشُّبْهَةَ وَاشْتِمَالَهَا عَلَى لُبْسَتِهَا، فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أُغْدَفَتْ (1) جَلَابِيئِهَا، وَأَغَشَتْ الْأَبْصَارَ ظُلْمَتُهَا. (2)

عنه عليه السلام: زُبَيْمًا أَخْطَأَ الْبَصِيرُ رُشْدَهُ. (3)

عنه عليه السلام: نَزُولُ الْقَدْرِ يُعْمِي الْبَصَرَ. (4)

راجع : هذه الموسوعة : ج 4 ص 119 (الأمل / مضار الآمال الباطلة / زوال العقل وذهاب البصيرة) . موسوعة العقائد الإسلامية : ج 2 ص 163 (المعرفة / القسم السابع : موانع المعرفة) .

1- .أغدت المرأة قناعها : أي أرسلته على وجهها (الصحيح : ج 4 ص 1409 «غدف»).

2- .نهج البلاغة : الكتاب 65 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 118 ح 410 .

3- .غرر الحكم : ج 4 ص 79 ح 5368 .

4- .غرر الحكم : ج 6 ص 171 ح 9961 .

امام علی علیه السلام: از شبّه و اشتباه افکنی های آن بپرهیز؛ زیرا فتنه، چندی است که پرده های خود را فرو هیسته و تاریکی اش، دیده ها را نابینا کرده است.

امام علی علیه السلام: چه بسا که بینا در دیدن راه درست خویش، خطا می کند!

امام علی علیه السلام: فرود آمدن تقدیر، دیده [ی بصیرت] را کور می کند.

ر.ك: همین دانش نامه: ج 6 ص 187 (زیان های آرزوهای باطل / از بین رفتن خرد) و ص 189 (از بین رفتن بینش) و دانش نامه عقاید اسلامی: ج 2 ص 517 (معرفت شناسی / بخش هفتم: موانع شناخت).

40 . کینه (/ نفرت)

اشاره

40 . کینه (/ نفرت) در آمد فصل یکم : دشمنی با یکدیگر و آشتی دادن دو دشمن فصل دوم : بر حذر داشتن از دشمنی با اینان فصل سوم :
خاستگاه های کینه فصل چهارم : آثار کین و ورزی فصل پنجم : درمان کینه فصل ششم : برخی از آداب دشمنی

درآمد

بُغْض ، در لغت

درآمدبُغْض ، در لغتواژه «بُغْض» ، مصدر است از ماده «بغض» در برابر «حُبّ (دوستی)» و در اصطلاح ، نفرت از چیز آزار دهنده و مخالف طبع است و اگر شدت یابد ، «بَغْضَاء» و «بِغْضَةٍ» و یا «مَمْت» نامیده می شود . ابن فارس ، در این باره می گوید : البَاءُ وَالغَيْنُ وَالصَّادُ ، أَصْلٌ وَاحِدٌ ، وَهُوَ يَدُلُّ عَلَى خِلَافِ الْحُبِّ . (1) باء و غین و ضاد ، يك معنای اصلی دارد و آن ، خلاف حُبّ است . نیز خلیل بن احمد فراهیدی ، آورده است : البِغْضَةُ وَالْبَغْضَاءُ : شِدَّةُ البُغْضِ . (2) بِغْضَةٍ وَبِغْضَاءٍ ، شِدَّةٌ كَيْفَةٍ وَرِزْيٌ . راغب اصفهانی نیز در معنای «بغض» می گوید : البُغْضُ : نِفَارُ النَّفْسِ عَنِ الشَّيْءِ الَّذِي تَرَعَّبُ عَنْهُ ، وَهُوَ ضِدُّ الْحُبِّ ، فَإِنَّ الْحُبَّ

1- .معجم مقایس اللغة : ج 1 ص 273 ماده «بغض» .

2- .ترتیب کتاب العین : ص 89 ماده «بغض» .

بغض، در قرآن و حدیث

انجذابُ النَّفْسِ إِلَى الشَّيْءِ الَّذِي تَرَعَّبُ فِيهِ . (1) بُغْضٌ : نفرت انسان از چیزی است که از آن ، ناخشنود است . بغض ، ضِدَّ حُبِّ است . حب ، شیفتگی انسان به چیزی است که بدان رغبت دارد . همچنین ، در تبیین معنای «مَقْتٌ» می گوید : المَقْتُ : البُغْضُ الشَّدِيدُ لِمَنْ تَرَاهُ تَعَاظَى القَبِيحَ . (2) مَقْتُ ، نفرت شدید نسبت به کسی است که می بینی دنبال کار زشت است . گفتنی است که «بُغْضٌ» ، امری نفسانی است ، اعمّ از آن که بروز و ظهور داشته باشد یا نداشته باشد ، بر خلاف مفهوم عداوت و خصومت که انجام دادن کار دشمنانه ، جزئی از معنای آنهاست . بنا بر این ، رابطه این دو مفهوم ، رابطه اعمّ و اخصّ است ؛ یعنی هر دشمنی ای ، ناشی از بغض است ؛ اما هر بغضی ، موجب دشمنی نیست . (3)

بغض ، در قرآن و حدیثواژه «بغض» ، در قرآن به کار رفته ؛ ولی «بغضاء» ، به معنای شدت بغض ، پنج بار آمده است (4) و گفتنی است که چهار مورد آنها ، همراه با واژه «عداوت» به کار رفته است . (5) این امر ، حاکی از ارتباط نزدیک این دو مفهوم و همراه بودن شدت بغض با عداوت و انجام دادن کار دشمنانه است.

-
- 1- مفردات ألفاظ القرآن : ص 136 ماده «بغض» .
 - 2- مفردات ألفاظ القرآن : ص 772 ماده «مقت» .
 - 3- ر . ك : تاج العروس ، ج 10 ص 15 ، التحقيق في كلمات القرآن الكريم : ج 1 ص 306 ، الميزان في تفسير القرآن ، ج 6 ص 360 ، الكلّيات ، ج 1 ص 644 (به نقل از : دائرة المعارف قرآن كريم : ج 5 ص 587) .
 - 4- آل عمران : آیه 118 ، مائده : آیه 14 و 64 و 91 ، ممتحنه : آیه 4 .
 - 5- مانند : «وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ» (ممتحنه : آیه 4) و «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» (مائده : آیه 91) .

دین محبت

این نکته نیز قابل توجه است که واژه هایی مانند: «شنآن»، (1) «أضغان»، (2) «مقت»، (3) «غلّ»، (4) «قلی»، (5) «حادّ»، (6) «یُحادّ» (7) و «یُحادّون» (8) نیز_ که مفاهیمی نزدیک به مفهوم «بغض» دارند_، در قرآن کریم به کار رفته اند. با تأمل در آیات و روایاتی که در این بخش آمده، چند نکته در باره خصلت «بغض»، قابل توجه است:

دین محبتبر پایه متون دینی ای که در این بخش خواهد آمد، خصلت «بغض»، بیماری خطرناکی است، ضدّ دین، که دامنگیر امت های پیشین بوده و امت اسلامی را نیز تهدید می نماید: دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ؛ الْبَغْضَاءُ وَالْحَسَدُ، وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ. لَيْسَ حَالِقَةَ الشَّعْرِ لَكِنْ حَالِقَةَ الدِّينِ. (9) بیماری امت های پیشین، به شما سرایت کرده است: کینه و حسادت. کینه، زُداينده است، نه زُداينده مو؛ بلکه زُداينده (/ ریشه کن کننده) دین. کسانی که به این بیماری مبتلا هستند، بدترین انسان ها شمرده شده اند (10) و

1- مائده: آیه 2 و 8.

2- محمد: آیه 29 و 37.

3- نساء: آیه 22، فاطر: آیه 39، غافر: آیه 10 و 35، صف: آیه 3.

4- اعراف: آیه 43، حجر: آیه 47، حشر: آیه 10.

5- شعرا: آیه 168، ضحی: آیه 3.

6- مجادله: آیه 22.

7- توبه: آیه 63.

8- مجادله: آیه 5 و 20.

9- ر.ك: ص 506 ح 12.

10- ر.ك: ص 505 (نکوهش کسی که مردم را دشمن بدارد و مردم، او را).

خطر بیماری بغض

بدین سان، این خصلت، مذموم شمرده و محکوم گردیده است و اجتناب از آن، لازم و تلاش برای مبارزه با آن و اصلاح ذات البین، مورد تأکید قرار گرفته است. (1) این متون، در کنار متونی که مبادی این بیماری اجتماعی (2) و آثار (3) و راه درمان (4) آن را نشان داده اند، به روشنی، بیانگر این حقیقت اند که اسلام، دین اُلفت، محبّت، صلح و هم زیستی مسالمت آمیز است. متونی که ذیل عنوان «محبّت» خواهد آمد، نیز این واقعیت را مورد تأکید قرار می دهند.

خطر بیماری بغض همان طور که اشاره شد، بیماری بغض، از بیماری های خطرناکی است که زندگی مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی انسان را تهدید می کند. کمترین ضرر این بیماری، آن است که زندگی را تلخ و جهان را بر انسان، تنگ می نماید: ضَاقَتِ الدُّنْيَا عَلَى الْمُتَبَاغِضِينَ. (5) دنیا بر کینه ورزان، تنگ می شود. بدین جهت، در اسلام، کارهایی که موجب بر ملا شدن عیوب پنهانی دیگران و نفرت از آنها می گردد، نکوهیده است، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده: مَنْ تَبَعَ حَفِيَّاتِ الْعُيُوبِ حَرَمَهُ اللَّهُ مَوَدَّاتِ الْقُلُوبِ. (6)

-
- 1- ر.ك: ص 501 (فصل یکم: دشمنی با یکدیگر و آشتی دادن دو دشمن).
 - 2- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 9 (فصل سوم: خاستگاه های کینه).
 - 3- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 31 (فصل چهارم: آثار کین ورزی).
 - 4- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 37 (فصل پنجم: درمان کینه).
 - 5- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 30 ح 92.
 - 6- غرر الحکم: ج 5 ص 371 ح 8800.

هر کس در پی عیب های پنهان [دیگران] باشد، خداوند، او را از مهرورزی دل ها محروم می کند. در روایتی دیگر از ایشان آمده: **أُخْبِرَ تَقْلِهِ . (1)** بیازمای تا دشمن بداری . 2 و امام صادق علیه السلام نیز، طبق نقلی، می فرماید: **خَالِطِ النَّاسِ تَخْبِرُهُمْ ، وَ مَتَى تَخْبِرُهُمْ تَقْلِيهِمْ . (2)** با مردم بیامیز تا آنان را بیازمایی و چون آنها را بیازمایی [و بشناسی]، دشمنشانی خواهی داشت . 4

1- نهج البلاغة: حکمت 434، بحار الأنوار: ج 74 ص 164 ح 28.

2- الكافي: ج 8 ص 176 ح 196، عدّة الداعي: ص 218، بحار الأنوار: ج 70 ص 111 ح 14.

خطرناك ترين بغض

و در روایتی دیگر از ایشان، آمده: لا تُقَسِّسِ النَّاسَ، فَتَبْقَى بِلا صَدِيقٍ. (1) در پی یافتن عیب مردم مباش که بی دوست می مانی. از نظر اجتماعی نیز، این بیماری، موجب اختلاف و زمینه ساز زوال حکومت هاست. (2) اما خطرناك ترين آثار زیانبار این بیماری، دور ساختن انسان از آفریدگار جهان و رو به زوال گذاشتن ایمان از جامعه اسلامی است. (3)

خطرناك ترين بغضبديهی است هر چه آثار مخرب و زیانبار بیماری بغض، بیشتر باشد، خطرناك تر است. از این رو، بغض و دشمنی با خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت بزرگوار ایشان، همچنین بغضِ اهل ایمان، دانشمندان، حق مداران و مستضعفان، با عنوان

1- .الكافی : ج 2 ص 651 ح 2 .

2- ر . ك : همین دانش نامه : ج 14 ص 33 (زوال آمدن دولت) .

3- ر . ك : همین دانش نامه : ج 14 ص 31 (دوری از خداوند عز و جل) .

ریشه اصلی بیماری بغض

1. عوامل بیرونی

2. عوامل درونی

«بر حذر داشتن از دشمنی با اینان»، در فصل دوم، آمده است. (1) اکنون باید دید که ریشه اصلی این بیماری چیست؟ و چگونه می توان آن را درمان کرد؟

ریشه اصلی بیماری بغضدر فصل سوم، عوامل مختلفی به عنوان عوامل مؤثر در پدید آمدن خصلت بغض و دشمنی و کینه توزی، مطرح شده اند. این عوامل را به چند دسته می توان تقسیم کرد:

1. عوامل بیرونی دسته اول، عبارت است از عواملی که خارج از وجود انسان، موجب پدید آمدن بیماری بغض می گردند؛ مانند شیاطین جنّ و انس (2) که با تحریک کردن انسان نسبت به کارهایی که موجب کینه و عداوت می شود، مردم را به دشمنی وادار می نمایند.

2. عوامل درونیاين عوامل نیز به شرح زیر، قابل دسته بندی هستند: الف _ مبادی روانی، مانند: عدم هماهنگی روحی. (3) ب _ مبادی معرفتی، مانند: نادانی و سفاهت. (4) ج _ مبادی اعتقادی، مانند: کفر. (5)

1- ر.ك: ص 519 (فصل دوم: بر حذر داشتن از دشمنی با اینان).

2- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 9 (خاستگاه های کینه / شیطان).

3- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 27 (ناسازگاری میان ارواح).

4- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 11 (نادانی) و ص 27 (سبک سری).

5- ر.ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 13 (کفر).

درمان بیماری بَغْض

د _ مبادی اخلاقی، مانند: بخل، بداخلاقی، بدگمانی، خودبینی، غرور، حسد و نفاق. (1) ه _ مبادی عملی، مانند: مشروبخواری، قماربازی، خیرچینی، زراندوزی (2) و ... اما در يك ریشه یابی دقیق و عمیق، به این نتیجه می رسیم که ریشه اصلی بیماری بغض و دشمنی، خودبینی و خودخواهی است. بی تردید، همه آنچه به عنوان عوامل و مبادی بغض بدان ها اشاره شد و همه جنگ ها، خونریزی ها و مفاسد فرهنگی و اجتماعی ناشی از آنها، بلکه همه رذائل اخلاقی و عملی، ریشه در خودخواهی دارند. امام خمینی قدس سره در این باره، خطاب به فرزندش، خودخواهی را اصلِ اصولِ فتنه می نامد: فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به در آی، که این، ارث شیطان است که به واسطه خودبینی و خودخواهی، از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او _ جلّ و علا _ سر باز زد، و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم، از این ارث شیطانی است که اصلِ اصولِ فتنه است. (3)

درمان بیماری بَغْضبا عنایت به آنچه در ریشه یابی این بیماری گذشت، مشخص می گردد که درمانِ اساسی آن، جهاد اکبر و مبارزه با خودبینی و خودخواهی است و از این رو، آنچه

1- ر. ک: همین دانش نامه: ج 14 ص 17 (بخل) و ص 21 (بداخلاقی) و (بدگمانی) و (خودشیفتگی) و ص 23 (تکبر) و (حسادت) و ص 29 (این خصلت ها).

2- ر. ک: همین دانش نامه: ج 14 ص 13 (دنیا دوستی) و ص 23 (سخن چینی) و ص 25 (ستیزه جویی) و (بسیار سرزنش کردن و گله گزاری) و ص 29 (این خصلت ها).

3- صحیفه نور: ج 22 ص 371 و 372.

فلسفه بُغض برای خدا

زمینه ساز این جهاد است و به این مبارزه، کمک می کند، با عنوان درمان این بیماری، قابل طرح است؛ مانند: ولایت و حاکمیت خاندان رسالت که زمینه ساز سیاسی و اجتماعی مبارزه با خودخواهی است، چنان که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: پنا **يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ الْعِدَاوَةِ وَ الْبَغْضَاءِ . (1)** به برکت وجود ماست که خدا، دل های شما را پس از کینه و دشمنی، با یکدیگر، پیوند می دهد. و نیز هدیه، نرمش در گفتار، تقدّم در سلام و استعانت از خداوند متعال، که زمینه سازِ عملی مبارزه با خودخواهی هستند و یا انصاف ورزیدن، رحم کردن و تركِ حسد، که زمینه سازِ اخلاقیِ درمان این بیماری هستند.

فلسفه بُغض برای خدا سؤال مهمی که در این جا قابل طرح است، این که اگر اسلام، دین محبت است و بغض و کینه را یکی از بیماری های خطرناکی می داند که زندگی مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی انسان را تهدید می کند، چرا پیروان خود را به دشمنی برای خدا، تشویق می فرماید و آن را جزئی از ایمان، **(2)** بلکه محکم ترین دستاویزهای ایمان می داند، چنان که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: **أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ، الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ . (3)** استوارترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست. همچنین چگونه است که اسلام بر لزوم بُغض داشتن نسبت به کفار،

1- ر. ک: همین دانش نامه: ج 14 ص 38 ح 105.

2- ر. ک: همین دانش نامه: ج 14 ص 45 ح 113.

3- کتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 362 ح 5762، عدّة الداعی: ص 174، الدعوات: ص 28 ح 51، بحار الأنوار: ج 74 ص 237 ح 38؛ المصنّف، ابن ابی شیبّه: ج 7 ص 229 ح 92 و ص 226 ح 69، كنز العمال: ج 1 ص 43 ح 105.

معنای دشمنی برای خدا

بدعت گذاران ، ستمگران و فاسقان و ... تأکید می نماید؟ (1) آیا بُغض برای خدا ، بیماری نیست؟ اساساً دشمنی کردن با دیگران ، با هر انگیزه ای ، چه دردی از دردهای جامعه را درمان می کند؟ و کدام مشکل را حل می نماید؟ و در يك جمله ، فلسفه دشمنی برای خدا چیست؟

معنای دشمنی برای خدا برای دانستن چرایی دشمنی برای خدا ، ابتدا باید دید که معنای آن چیست؟ اگر دشمنی برای خدا ، درست تفسیر و تبیین شود ، فلسفه آن ، نیاز به بیان ندارد . دشمنی برای خدا ، بدین معناست که دشمنی کننده ، خصومت شخصی با فرد یا گروه مورد دشمنی ندارد و دشمنی او ، به دلیل منافع شخصی نیست . لذا در موردی که بُغض و نفرت دشمن ، مرتبط با حقوق فردی و منافع شخصی است ، کرامت روحی مسلمان پرورش یافته در مکتب خاندان رسالت ، ایجاب می نماید که بغض و نفرت او را با محبت ، تلافی کند ، چنان که در دعای «مکارم الأخلاق» صحیفه سجّادیه آمده : **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ ... وَ سَدِّدْنِي لِأَيْنِ أَعَارِضَ مَنْ عَشَنِي بِالنُّصْحِ ، وَ أَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ ، وَ أَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ ، وَ أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَاةِ ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ ...** (2) خداوندا ! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و بغض و کینه دشمنان را به دوستی بدل کن و حسد سرکشان را به مهر ... و مرا استوار کن تا به کسی که با من

1- ر. ك : همین دانش نامه : ج 14 ص 43 (کسانی که سزاوار دشمنی اند / کافر) و ص 47 (دشمنان خدا) و ص 49 (بدعت گذار) و (ستمگر) و ص 501 (گنهکار / منحرف از دین) .

2- .الصحيفة السجّادية : ص 82 و 83 دعای بیستم .

ناراستی می کند، با خیرخواهی پاسخ دهم و به کسی که از من دوری می کند، پاداش نیک عطا کنم و به آن که مرا محروم می نماید، با بخشش بنوازم و با آن که رابطه اش را با من قطع می کند، پیوند برقرار کنم و با آن که از من بدگویی کرده، با یاکرد نیکو پاسخ دهم... این سخن، بدین معناست که دشمنی و نفرت اهل ایمان، برای تأمین منافع شخصی نیست. دشمنی مؤمن، برای خداست، نه برای خود. بدین سان، بغض او به ریشه خودخواهی و خودبینی - که نوعی بیماری روانی است -، نمی رسد. بنا بر این، میان دشمنی برای خدا و دشمنی برای خود، تفاوت جوهری و اصولی وجود دارد. دشمنی برای خود و با انگیزه تأمین منافع فردی و گروهی، مبدأ همه فسادها و فتنه ها و ویرانی هاست؛ اما دشمنی برای خدا، مانند دوستی برای خدا، مبدأ و سرچشمه و زمینه انواع خیرات و برکات و سازندگی های فردی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، دشمنی برای خدا، دشمنی برای تأمین منافع مردم است؛ چرا که دشمنی انسان با انسانی دیگر، نمی تواند نفعی برای خدا داشته باشد، زیرا او بی نیاز مطلق است. تنها انسان و جامعه انسانی از دوستی و دشمنی برای خدا سود می برند. بی تردید، محبت کردن به کسانی که به جامعه انسانی رحم نمی کنند، نه تنها برای جامعه سودمند نیست؛ بلکه بسیار زیانبار و خطرناک است، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده: رَحْمَةٌ مَنْ لَا يَرْحَمُ تَمْنَعُ الرَّحْمَةَ وَ اسْتِيقَاءُ مَنْ لَا يُبْقِي يُهْلِكُ الْأُمَّةَ. (1) رحم به کسی که رحم نمی کند، مانع رحمت است و تلاش برای نگه داشتن کسی که چیزی را باقی نمی گذارد، امت را به نابودی می کشد.

تلازم حُب و بُغْض

چند ره نمود مهم در مورد بُغْض

اشاره

از این رو، دشمنی با دشمنان خدا، کفّار، بدعت گزاران، ستمگران و همه کسانی که آفت سلامت جامعه اند و کوتاه کردن دست آنها از تجاوز به حریم انسانیت، در واقع، به معنای محبّت به جامعه انسانی است. بر این اساس، فلسفه دشمنی کردن برای خدا، مبارزه با موانع شکوفایی ارزش های انسانی و پاک سازی جامعه از عناصر ضدّ ارزشی است. اهمّیت این مبارزه، نه تنها کمتر از تلاش برای ساماندهی جامعه مبتنی بر محبّت نیست، بلکه جزئی از این تلاش، محسوب می شود.

تلازم حُب و بُغْضتوجّه به این نکته نیز ضرور است که اصولاً حُب و بُغْض، ملازم یکدیگرند و انسان به هر چیزی علاقه پیدا کند، به طور طبیعی از ضدّ آن، متنفر می گردد. نمی شود که انسان، کسی را واقعا دوست داشته باشد و دشمن او را دشمن ندارد. بغض نسبت به دشمن، در حقیقت، یکی از نشانه های روشن واقعی بودن مدّعیان محبّت است. از این رو، در متون اسلامی، دشمنی برای خدا، در کنار دوستی برای خدا، مورد توجّه و تأکید است.

چند ره نمود مهم در مورد بُغْضدر مواردی که بغض و نفرت قلبی، ارزش شمرده شده یا به جهت خاصی و یا بدون جهت، انسان در خود نسبت به دیگری و یا دیگران، احساس تنفر قلبی می نماید، در قرآن و روایات اسلامی، ره نمودهایی دیده می شود که بسیار مهم و قابل توجّه اند:

1 . اجتناب از ظلم

2 . اجتناب از زیاده روی

1 . اجتناب از ظلمره نمود اول ، این که تنفر قلبی هر چند ارزش هم شمرده شود ، نباید به تجاوز به حقوق مبعوض و ظلم بر او بینجامد : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ سُدَّ هُدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ . (1) ای کسانی که ایمان آورده اید ! برای خدا قیام کنید و به عدل ، گواهی دهید ، مبادا دشمنی با گروهی ، شما را وادار کند که عدالت پیشه نکنید . به عدالت رفتار کنید که این ، به پروا ، نزدیک تر است . از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه می کنید ، آگاه است» . امام علی علیه السلام در تبیین ویژگی های مؤمن ، طبق نقلی ، می فرماید : الْمُؤْمِنُ لَا يَحِيفُ عَلَىٰ مَنْ يُبْغِضُ ، وَلَا يَأْتِمُ فِيمَنْ يُحِبُّ . (2) مؤمن به کسی که دشمنش می دارد ، ستم نمی کند و به خاطر کسی که او را دوست دارد ، مرتکب گناه نمی شود .

2 . اجتناب از زیاده روی نمود دوم ، رعایت اعتدال و اجتناب از افراط و زیاده روی در ابراز تنفر قلبی است ، چنان که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده : أَبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْنَا مَا ، عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا . (3) دشمنت را در حدّ میانه دشمن بدار ؛ زیرا شاید روزی دوست تو شود .

1- . مائده : آیه 8 . نیز ، ر . ك : مائده : آیه 2 .

2- . ر . ك : همین دانش نامه : ج 14 ص 64 ح 147 .

3- . ر . ك : همین دانش نامه : ج 14 ص 66 ح 149 .

3. اجتناب از جدایی

4. رعایت احتیاط

3. اجتناب از جدایی نکتته سوم، این که شخص مسلمان، اگر به هر دلیلی نسبت به مسلمان دیگر، احساس بغض و تنفر کرد، نباید با او قهر کند و از او جدا شود و اگر قهر کرد، نباید جدایی بیش از سه روز، ادامه یابد: لا هِجْرَةَ فَوْقَ ثَلَاثٍ. (1) بیش از سه روز، نباید قهر کرد.

4. رعایت احتیاط آخرین نکته این که اگر انسان، بدون جهت، نسبت به کسی احساس تنفر قلبی کرد، این احساس، نشانه آن است که میان آنها هماهنگی روانی وجود ندارد و روح، احساس خطر می نماید. لذا در معاشرت با چنین افرادی باید مراقبت های لازم به کار گرفته شود. (2)

1- ر. ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 70 ح 154.

2- ر. ك: همین دانش نامه: ج 14 ص 73 (بر حذر بودن از کسی که دل، او را دشمن می دارد).

الفصل الاوّل : التباض وإصلاح المتباضين 1 / 1 التّهي عن التّباض رسول الله صلى الله عليه وآله : كونوا عباد الله إخوانا ؛ لا تعادوا ولا تباضوا ، سدّدوا وقاربوا وأبشروا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : لا تقاطعوا ، ولا تدابروا ، ولا تباضوا ، ولا تحاسدوا ، وكونوا إخوانا كما أمركم الله . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إتقوا الله وارحموا ترحموا ، ولا تباضوا . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : إياكم والظن ؛ فإنّ الظنّ أكذب الحديث ، ولا تحسسوا (4) ، ولا تجسسوا ، ولا تناجشوا (5) ، ولا تحاسدوا ، ولا تباضوا ، ولا تدابروا ، وكونوا عباد الله إخوانا . (6)

1- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 455 ح 9770 عن أبي هريرة .

2- .صحيح مسلم : ج 4 ص 1986 ح 30 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 524 ح 10223 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 391 ح 21060 كلّها عن أبي هريرة .

3- .كنز العمال : ج 15 ص 784 ح 43097 نقلاً عن ابن عدي في الكامل عن أنس .

4- .تحسس الخبر : تطلبه وتبحثه (لسان العرب : ج 6 ص 49 «حسس»).

5- .التناجش : الزيادة في السلعة أو المهر ليسمع بذلك فيزيد فيه (لسان العرب : ج 6 ص 351 «نجش»).

6- .صحيح البخاري : ج 5 ص 2254 ح 5719 و ص 2253 ح 5717 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 1985 ح 28 ، مسند ابن حنبل : ج

3 ص 600 ح 10706 كلّها عن أبي هريرة والثلاثة الأخيرة نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 86 ح 44026 وراجع : قرب الإسناد : ص 29 ح 94 وبحار الأنوار : ج 75 ص 252 ح 28 .

فصل یکم : دشمنی با یکدیگر و آشتی دادن دو دشمن

1 / 1 نهی از دشمن داشتن یکدیگر

فصل یکم : دشمنی با یکدیگر و آشتی دادن دو دشمن 1 / 1 نهی از دشمن داشتن یکدیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای بندگان خدا! با هم برادر باشید و از دشمنی و کین ورزی به یکدیگر پرهیزید ، درست عمل کنید و راه اعتدال را بپویید و خوش حال [و امیدوار] باشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از یکدیگر بُرید و به هم پشت نکنید و از هم [کینه و] نفرت نداشته باشید و نسبت به یکدیگر حسادت نورزید و همچنان که خدا به شما فرمان داده است ، با هم برادر باشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از خدا پروا کنید و رحم کنید تا به شما رحم شود و از یکدیگر ، [کینه و] نفرت نداشته باشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از بدگمانی [به یکدیگر] پرهیزید ؛ زیرا گمان بد ، دروغ ترین سخن است ، و [نسبت به هم ،] کنجکاوی و تجسس نکنید ، بازازگرمی نکنید ، به هم حسادت نورزید ، کین ورزی نکنید ، به هم پشت نکنید و با هم _ ای بندگان خدا _ برادر باشید .

عنه صلى الله عليه وآله: رَجَبُ شَهْرِ اللَّهِ الْأَصَمِّ (1)، يَصُبُّ اللَّهُ فِيهِ الرَّحْمَةَ عَلَى عِبَادِهِ، وَشَهْرُ شَعْبَانَ تَنْشَعِبُ فِيهِ الْحَيْرَاتُ. وَفِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تُغَلُّ الْمَرَدَّةُ مِنَ الشَّيَاطِينِ، وَيُغْفَرُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سَبْعِينَ أَلْفًا. فَإِذَا كَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ غَفَرَ اللَّهُ بِمِثْلِ مَا غَفَرَ فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَشَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى ذَلِكَ الْيَوْمِ، إِلَّا رَجُلٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءُ (2)، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَنْظِرُوا هَؤُلَاءِ حَتَّى يَصْطَلِحُوا. (3)

الإمام عليّ عليه السلام حين حَصَلَتْ مُشَادَّةٌ كَلَامِيَّةٌ بَيْنَ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، وَوَجَدَ فِيهَا الْعَصْبِيَّةَ وَالْفُرْقَةَ _ مَه! تَنَاهَا أَيْهَا النَّاسُ، وَلِيَرِدَ عَكُمْ الْإِسْلَامُ وَوَقَاظَهُ عَنِ التَّبَاغِي وَالتَّهَادِي (4)، وَلِتَجْتَمَعَ كَلِمَتُكُمْ، وَالزَّمُوا دِينَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ غَيْرَهُ، وَكَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ الَّتِي هِيَ قِوَامُ الدِّينِ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا مُشْرِكِينَ مُتَفَرِّقِينَ مُتَبَاغِضِينَ فَأَلَّفَ بَيْنَكُمْ بِالْإِسْلَامِ، فَكَثُرْتُمْ وَاجْتَمَعْتُمْ وَتَحَابَبْتُمْ، فَلَا تَفَرَّقُوا بَعْدَ إِذْ اجْتَمَعْتُمْ، وَلَا تَبَاغَضُوا بَعْدَ إِذْ تَحَابَبْتُمْ. (5)

- 1- الْأَصَبُّ (خ ل).
- 2- الشَّحْنَاءُ: الْعَدَاوَةُ (النَّهَائِيَّةُ: ج 2 ص 449 «شحن»).
- 3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 71 ح 331 عن دارم بن قبيصة عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 75 ص 188 ح 11.
- 4- في بحار الأنوار: «والتهاوي» بدل «والتهادي». وتهاوى القومُ: أي سقط بعضهم في أثر بعض (مجمع البحرين: ج 3 ص 1890 «هوى»).
- 5- الغارات: ج 2 ص 395، بحار الأنوار: ج 34 ص 36 ح 906؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 4 ص 45.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رجب، ماه اصم (1) خداست. در این ماه، خداوند، رحمت را بر بندگانش فرو می ریزد. در ماه شعبان، خوبی ها و برکات، شاخه شاخه [جاری] می شود. در اولین شب ماه رمضان، شیاطین سرکش به زنجیر کشیده می شوند و در هر شبی از آن، هفتاد هزار [گناه] آمرزیده می شود. چون شب قدر شود، خداوند، به اندازه ای که در ماه رجب و شعبان و آن روز ماه رمضان آمرزیده است، می آمرزد، مگر کسی را که میان او و برادرش، دشمنی ای باشد. پس خداوند عز و جل [به فرشتگان] می فرماید: «در باره آنان، دست نگه دارید تا آن گاه که آشتی کنند».

امام علی علیه السلام_ آن گاه که میان برخی از یارانش، کشمکش لفظی در گرفت و امام علیه السلام از آن، بوی قبیله گرایی و تفرقه استشمام کرد_ : خاموش! دست بردارید، ای مردم! اسلام و وقار آن، باید شما را از ستم و هذیان گویی نسبت به یکدیگر، باز بدارد. باید با هم متحد باشید و به دین خدا_ که جز آن را از هیچ کس نمی پذیرد_ و به کلمه توحید_ که جان مایه دین و محبت خدا بر کافران است_، چنگ زنید. به یاد آورید زمانی را که اندک جماعتی مشرک، پراکنده و دشمن هم بودید؛ اما خداوند به واسطه اسلام، میان شما همدلی و اتحاد برقرار ساخت و جمعیت شما، فزونی گرفت و هم داستان و دوستدار یکدیگر شدید. پس، از این هم داستانی و اتحاد، به تفرقه مگرایید و محبت به یکدیگر را به [نفرت و] دشمنی از هم تبدیل نکنید.

1- اصم، به معنای کر و ناشنواست، و چون ماه رجب، از ماه های حرام است و جنگ در آن، حرام و ممنوع است. از آن جا که در آن، صدای چکاچک شمشیرها به گوش نمی رسد، بدان اصم می گویند. در بعضی نسخه ها «أصب» آمده که به معنای «ریزش رحمت» است.

لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ، إِنَّمَا هُوَ خَلْقُكَ وَخُلُقُكَ، فَخَلِّقْ دِينَكَ، وَخُلِّقْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ، فَلَا تَتَّبِعْ غَضَ إِلَيْهِمْ، وَتَعَلَّمْ مَحَاسِنَ الْأَخْلَاقِ. (1)

1 / 2 دُزْمٌ مَن أَبْغَضَ النَّاسَ وَأَبْغَضُوهَا لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَن أَبْغَضَ النَّاسَ وَأَبْغَضَهُ النَّاسُ. (2)

المعجم الكبير عن ابن عباس: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى الْمِنْبَرِ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِشَرِّ رِجَالِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، إِنْ شِئْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: فَإِنَّ شَرِّ رِجَالِكُمُ الَّذِي يَنْزِلُ وَحَدَهُ، وَيَجْلِدُ عَبْدَهُ، وَيَمْنَعُ رِفْدَهُ. (3) قَالَ: أَفَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِشَرِّ مَن ذَلِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، إِنْ شِئْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَن يُبْغِضُ النَّاسَ وَيُبْغِضُونَهُ. (4)

تحف العقول من كلامه صلى الله عليه وآله... قَالَ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَن نَزَلَ وَحَدَهُ، وَمَنَعَ رِفْدَهُ، وَجَلَدَ عَبْدَهُ. أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِشَرِّ مَن ذَلِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَن لَا يُقِيلُ عَثْرَةَ، وَلَا يَقْبَلُ مَعْذِرَةً. ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِشَرِّ مَن ذَلِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَن لَا يُرْجِي خَيْرَهُ، وَلَا يُؤْمِنُ شَرَّهُ. ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِشَرِّ مَن ذَلِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَن يُبْغِضُ النَّاسَ وَيُبْغِضُونَهُ. (5)

- 1- معاني الأخبار: ص 253 ح 1، بحار الأنوار: ج 13 ص 417 ح 11 نقلاً عن قصص الأنبياء للراوندي وفي النسخة التي بأيدينا ص 191 ح 239 «فلا ينقصن» بدل «فلا تبغضن».
- 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 400 ح 5858، معاني الأخبار: ص 196 ح 2، الأمالي للصدوق: ص 381 ح 486 كلها عن جميل بن صالح، بحار الأنوار: ج 72 ص 203 ح 1.
- 3- الرِّفْدُ: العَطَاءُ وَالْعَوْنُ (مجمع البحرين: ج 2 ص 717 «رُفْدٌ»).
- 4- المعجم الكبير: ج 10 ص 318 ح 10775، تاريخ دمشق: ج 55 ص 132 ح 11641، نصب الرأية: ج 3 ص 62 ح 42 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 93 ح 44046.
- 5- تحف العقول: ص 27، جامع الأحاديث للقمي (الغايات): ص 220، تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 98 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 128 ح 34.

1 / 2 نکوهش کسی که مردم را دشمن بدارد و مردم ، او را

لقمان علیه السلام: پسر! [تورا، در حقیقت] راهی است و رفتاری. راه تو، همان دینِ توست و رفتار تو، به رابطه تو با مردم، مربوط می شود. پس با آنان، کین ورزی مکن و خوی های نیکو را بیاموز.

1 / 2 نکوهش کسی که مردم را دشمن بدارد و مردم، او را امام صادق_ از پدرانش علیهم السلام_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... آیا شما را از بدترین مردمان، خبر ندهم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که او، مردم را دشمن بدارد و مردم نیز او را دشمن بدارند».

المعجم الکبیر_ به نقل از ابن عباس_ پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر فرمود: «آیا شما را از بدترینان، خبر ندهم؟». گفتند: چرا. اگر می خواهی، ای پیامبر خدا! فرمود: «بدترین شما، کسی است که تنها در منزلی فرود بیاید، برده اش را بزند و از عطا [و کمک به دیگران]، دریغ ورزد». [سپس فرمود:] «آیا شما را به بدتر از این، آگاه نسازم؟». گفتند: چرا. اگر می خواهی، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که او از مردم، نفرت داشته باشد و مردم نیز از او نفرت داشته باشند».

تحف العقول: از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله است... که فرمود: «آیا شما را از بدترین آدمیان، خبر ندهم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که تنها منزل کند و [کمک و] عطای خود را [از دیگران] دریغ بدارد و برده اش را بزند». [سپس فرمود:] «آیا شما را از بدتر از چنین کسی خبر ندهم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که از لغزشی در نمی گذرد و پوزشی را نمی پذیرد». باز فرمود: «آیا بدتر از او را به شما معرفی نکنم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که به خیرش امید نیست و از شرش ایمنی نیست». باز فرمود: «آیا بدتر از او را به شما معرفی نکنم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که او، مردم را دشمن بدارد و مردم نیز او را دشمن بدارند».

1 / 3 التَّبَاغُضُ دَاءٌ الْأُمَمِ الْمَسْتَدْرِكِ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: سَيُصِيبُ أُمَّتِي دَاءٌ الْأُمَمِ . فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا دَاءُ الْأُمَمِ؟ قَالَ: الْأَشْرُ وَالْبَطْرُ، وَالتَّكَاثُرُ وَالتَّتَابُحُ فِي الدُّنْيَا، وَالتَّبَاغُضُ وَالتَّحَاوُدُ حَتَّى يَكُونَ الْبَغْيُ. (1)

مسند البزار عن ابن الزبير: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ؛ الْبَغْضَاءُ وَالْحَسَدُ، وَالْبَغْضَاءُ هِيَ (2) الْحَالِقَةُ، لَيْسَ حَالِقَةَ الشَّعْرِ لَكِنِ حَالِقَةَ الدِّينِ. وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا، وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَفَلَا أُبَيِّنُكُمْ - أَظُنُّهُ [قَالَ:] - بِمَا يَتَّبَعُ لَكُمْ؟ أَفَسُّوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ. (3)

1- .المستدرك على الصحيحين : ج 4 ص 186 ح 7311 ، المعجم الأوسط : ج 9 ص 23 ح 9016 نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 526 ح 7738 .

2- .في المصدر : («وهي» ، وهو خطأ مطبعي .

3- .مسند البزار : ج 6 ص 192 ح 2232 ، جامع بيان العلم وفضله : ج 2 ص 150 عن الزبير .

1 / 3 دشمن داشتن همدیگر ، بیماری امت هاست

1 / 3 دشمن داشتن همدیگر ، بیماری امت هاست المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابو هُریره _ : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «به زودی امتم به بیماری امت ها دچار خواهند شد» . گفتند : بیماری امت ها چیست ؟ فرمود : «غرور و سرمستی و فزونخواهی و رقابت بر سر دنیا و کینه توزی و حسدورزی نسبت به یکدیگر ، تا جایی که دست ستم به سوی یکدیگر دراز کنند» .

مسند البزار_ به نقل از ابن زبیر _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بیماری امت های پیشین ، به شما سرایت کرده است : کینه و حسادت . کینه ، زُداینده است ، نه زُداینده مو ؛ بلکه زُداینده دین (دین را ریشه کن می کند) . سوگند به آن که جانم در دست اوست ، شما به بهشت نمی روید ، مگر آن که ایمان آورید ، و مؤمن نیستند ، مگر آن گاه که یکدیگر را دوست بدارید . آیا شما را از آنچه برایتان استوار می ماند ، خبر ندهم ؟» . به گمانم [پرسش ایشان] همین بود . [سپس در جواب فرمود :] «سلام را در میان خودتان اشاعه دهید» .

1 / 4 الحث على الإصلاح بين المتباغضين الكتاب «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» . (1)

«لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» . (2)

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: ما عمل امرؤ عملاً بعد إقامة الفرائض خيراً من إصلاح بين الناس؛ يقول خيراً، ويتمنى خيراً. (4)

الزهد لابن المبارك عن سعيد بن المسيب: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ألا أخبركم بخير من كثير من صلاة وصدقة؟ قالوا: بلى يا رسول الله. قال: صلاح ذات البين. وإياكم والبغضة؛ فإنها هي الحالقة (5). (6)

1- الحجرات : 10 .

2- النساء : 114 .

3- الأنفال : 1 .

4- الأماشي للطوسي : ص 522 ح 1152 عن أبي موسى المجاشعي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، إرشاد القلوب : ج 1 ص 165 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 176 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 43 ح 1 .

5- الحالقة : الخصلة التي من شأنها أن تحلق؛ أي تهلك وتستأصل الدين كما يستأصل موسى الشعر (النهاية : ج 1 ص 428 «حلق»)

6- الزهد لابن المبارك : ص 256 ح 738 ، كنز العمّال : ج 3 ص 59 ح 5485 نقلاً عن الدار قطني في الأفراد عن أبي الدرداء نحوه وراجع : سنن أبي داود : ج 4 ص 280 ح 4919 و سنن الترمذي : ج 4 ص 663 ح 2509 ومسند ابن حنبل : ج 10 ص 422 ح 27578 .

1 / 4 تشویق به آشتی دادن دو دشمن

1 / 4 تشویق به آشتی دادن دو دشمنقرآن«در حقیقت ، مؤمنان با هم برادرند . پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا ، پروا بدارید ، امید که مورد رحمت قرار گیرید» .

«در بسیاری از رازگویی های ایشان ، خیری نیست ، مگر کسی که [بدین وسیله]به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم ، فرمان دهد . و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند ، به زودی ، به او پاداش بزرگی خواهیم داد» .

«پس ، از خدا پروا بدارید و با یکدیگر سازش نمایید ، و اگر ایمان دارید ، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :انسان ، بعد از انجام دادن فرائض ، هیچ عملی انجام نداده است که از آشتی دادن میان مردم ، بهتر باشد ، نیک بگوید و نیک آرزو کند .

الزهد ، ابن مبارک_ به نقل از سعید بن مُسَیب _ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا شما را از کاری که بهتر از نماز خواندن و صدقه دادن بسیار است ، خبر ندهم ؟» . گفتند : چرا ، ای پیامبر خدا ! فرمود : «رفع اختلاف و دشمنی میان مردم . از کینه و دشمنی بپرهیزید ؛ زیرا آن ، مُهَلْک و دین برانداز است» .

رسول الله صلى الله عليه وآله - لأبي أيوب - يا أبا أيوب، ألا أخيرك بما يُعظمُ اللهُ به الأجرَ ويمحو به الذنوبَ؟ تمشي في إصلاح النَّاسِ إذا تباغضوا وتفاسدوا؛ فإنَّها صدقةٌ يُحبُّ اللهُ موضعها. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: صدقةٌ يُحبُّها اللهُ؛ إصلاحُ بينِ النَّاسِ إذا تفاسدوا، وتعارُفٌ بينهم إذا تباعدوا. (2)

عنه عليه السلام - للمفضل - إذا رأيتَ بينَ اثنينٍ من شيعتنا مُنازعةً، فافتديها من مالي. (3)

الكافي عن أبي حنيفة سابق الحاجِّ: مرَّ بنا المفضلُ وأنا وختي (4) نتشاجرُ في ميراثٍ، فوقفَ علينا ساعةٌ ثمَّ قالَ لنا: تعالوا إلى المنزلِ، فأتيناه فأصلحَ بيننا بأربعمئةٍ درهمٍ، فدفعها إلينا من عنده، حتَّى إذا استوثقَ كلُّ واحدٍ مِنَّا من صاحبه، قال: أما إنَّها ليست من مالي، ولكن أبو عبدِ اللهِ عليه السلام أمرني إذا تنازعَ رجلانِ من أصحابنا في شيءٍ أن أصلحَ بينهما وأفتديها (5) من مالي، فهذا من مالِ أبي عبدِ اللهِ عليه السلام. (6)

الكافي عن المفضل: سمعتُ أبا عبدِ اللهِ عليه السلام يقول: لا يفتريقُ رجلانِ على الهجرانِ إلا استوجبَ أحدهما البراءةَ واللعنةَ، ورُبَّما استحقَّ ذلكَ كلاهما. فقالَ له مُعتَبٌ: جعلني اللهُ فداك، هذا الظالمُ، فما بالُ المظلومِ؟ قال: لأنَّه لا يدعو أخاه إلى صِدْمَتِهِ، ولا يتغامسُ له عن كلامِهِ؛ سمعتُ أبي يقول: إذا تنازعَ اثنانِ فعازَّ (7) أحدهما الآخرَ فليرجعِ المظلومُ إلى صاحبه حتَّى يقولَ لصاحبه: أي أخي، أنا الظالمُ؛ حتَّى يقطعَ الهجرانَ بينَهُ وبينَ صاحبه، فإنَّ اللهَ تبارك وتعالى حكَمَ عدلٌ يأخذُ للمظلومِ مِنَ الظالمِ. (8)

- 1- شعب الإيمان: ج 7 ص 490 ح 11093، الدر المنثور: ج 2 ص 684.
- 2- الكافي: ج 2 ص 209 ح 1 عن حبيب الأحوال، الأمالي للمفيد: ص 12 ح 10 عن عمرو الأفرق وحذيفة بن منصور، مشكاة الأنوار: ص 335 ح 1066 وفيهما «تقريب» بدل «تقارب»، بحار الأنوار: ج 76 ص 44 ح 6.
- 3- الكافي: ج 2 ص 209 ح 3 عن المفضل، بحار الأنوار: ج 76 ص 44 ح 8.
- 4- الختن: كلُّ من كان من قبَل المرأة؛ مثل الأب والأخ، وهم الأختان. وأما عند العامة: فختن الرجل: زوج ابنته (الصحيح: ج 5 ص 2107 «ختن»).
- 5- في بحار الأنوار: «وأفتديهما» بدل «وأفتديها».
- 6- الكافي: ج 2 ص 209 ح 4، بحار الأنوار: ج 76 ص 45 ح 9.
- 7- عازَّة: غالبه (مجمع البحرين: ج 2 ص 1208 «عزز»).
- 8- الكافي: ج 2 ص 344 ح 1، تحف العقول: ص 514 نحوه، منية المرید: ص 326، مشكاة الأنوار: ص 365 ح 1195 وفيه «يتغامس» بدل «يتغامس»، بحار الأنوار: ج 78 ص 382 ح 1.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به ابو ایوب_ : ای ابو ایوب! آیا تو را از چیزی خبر ندهم که خداوند به سبب آن ، پاداش بسیار می دهد و به واسطه آن ، گناهان را پاک می کند ؟ تلاش برای آشتی دادن مردم ، آن گاه که میانشان دشمنی و خصومت بیفتد ؛ زیرا این کار ، صدقه ای است که خدا ، جایگاه آن را دوست دارد» .

امام صادق علیه السلام : صدقه ای که خدا آن را دوست می دارد ، عبارت است از : اصلاح دادن میان مردم ، آن گاه که با هم بد شوند و نزدیک کردن آنها با یکدیگر ، آن گاه از هم دور شوند» .

امام صادق علیه السلام_ به مُفضَّل_ : هرگاه میان دو نفر از شیعیان ما دعوی [مالی] دیدی ، آن [وجه] را از اموال من پرداز [و آنها را آشتی بده] .

الکافی_ به نقل از ابو حنیفه سابق الحاج_ : من و دامادم ، بر سر میراثی با هم مشاجره می کردیم که مُفضَّل به ما برخورد . ساعتی در کنار ما ایستاد و سپس به ما گفت : به خانه من بیایید . ما رفتیم و او به چهارصد درهم ، ما را با هم به توافق رساند و آن مبلغ را از خودش پرداخت . چون خیال ما دو نفر از هم آسوده شد ، (1) مُفضَّل گفت : بدانید که این پول ، از مال من نیست ؛ بلکه امام صادق علیه السلام به من دستور داده که هر گاه دو نفر از ما شیعیان در چیزی نزاع کردند ، میان آنها صلح دهم و آن مبلغ را از اموال ایشان پردازم . پس این پول ، از اموال امام صادق علیه السلام است .

الکافی_ به نقل از مُفضَّل_ : شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود : «هیچ گاه دو نفر با حالت قهر از یکدیگر جدا نمی شوند ، مگر این که یکی از آن دو ، سزاوار بیزاری [خدا و پیامبرش از او] و لعنت باشد ، و چه بسا که هر دوی آنها سزاوار این باشند» . مُعْتَب به ایشان گفت : خدا مرا فدایت کند ! ستمکار ، آری [مستحق این کیفر است] ؛ اما ستم دیده ، چرا ؟ فرمود : «برای آن که برادرش را به آشتی با خود ، دعوت نمی کند و سخن او را نشنیده نمی گیرد . از پدرم [باقر علیه السلام] شنیدم که می فرماید : هر گاه دو نفر با هم ستیزه کردند و یکی از آن دو ، بر دیگری چیره آمد ، باید آن که در حق او ستم شده ، نزد آن دیگری برود و به او بگوید : ای برادر! من ستمکارم ، تا قهر و جدایی میان دو رفیقش برطرف شود ؛ زیرا خداوند _ تبارک و تعالی_ ، داوری عادل است و حق ستم دیده را از ستمکار می ستاند» .

1- یا : هر يك از ما دو نفر ، از دیگری وثیقه گرفت که دیگر نسبت به یکدیگر ، ادعایی نداشته باشیم .

1 / 5 مَحَبَّةُ أَهْلِ الشَّنَانِ لِإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ - ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ (1) الْمَحَبَّةَ ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةَ ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَّةَ ، وَمِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ (2) ، وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ ... ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَسَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ ، وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ ، وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَدَلِ ، وَأُكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ ، وَأُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ ، وَأُغْضِي (3) عَنِ السَّيِّئَةِ . (4)

1- الشَّنَانُ : الْبُغْضُ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 465 «شناً») .

2- الْمَقَّةُ : الْمَحَبَّةُ (النهاية : ج 4 ص 348 «مقه») .

3- الْإِغْضَاءُ : التَّغَافُلُ عَنِ الشَّيْءِ (مجمع البحرين : ج 2 ص 1323 «غضى») .

4- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص 82 الدعاء 20 .

1 / 5 تبدیل بغض و کینه دشمن به دوستی

1 / 5 تبدیل بغض و کینه دشمن به دوستی امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در باره «مکارم اخلاق» _ خداوندا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و [بغض و] کینه دشمن را به دوستی بدل کن و حسد سرکشان را به مهر . بدگمانی اهل صلاح را به اعتماد و دشمنی آشنایان را به دوستی و بد رفتاری خویشاوندان را به نیک رفتاری و خوار گردانیدن نزدیکان را به یاری کردن و دوستی ناپایدار مدارا کنندگان (دوستان ظاهری) را به دوستی واقعی و ناسازگاری معاشران را به معاشرتی کریمانه، تبدیل گردان خداوندا! بر محمد و خاندانش، درود فرست و مرا استوار کن تا به کسی که با من ناراستی می کند، با خیر خواهی پاسخ دهم و به کسی که از من دوری می کند، پاداش نیک عطا کنم و به آن که مرا محروم می نماید، با بخشش بنوازم و با آن که رابطه اش را با من قطع می کند، پیوند برقرار کنم و به آن که از من بدگویی کرده، با یادکرد نیکو، پاسخ دهم و در برابر نیکی، سپاس گزار باشم و از بدی، چشمپوشی کنم .

1 / 6 التَّوَادُّرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْبَغْضَاءُ وَإِنْ قُرَّبَ نَسَبُهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ وَجْهَكَ وَعَيْنَيْكَ قَبْلَ أَنْ تَمْسَحَ بِالْمِنْدِيلِ، وَتَقُولَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْبِغْضَةِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: ... أَمَّا عَلَامَةُ الْخَائِنِ فَأَرْبَعَةٌ: عِصْيَانُ الرَّحْمَنِ، وَأَذَى الْجِيرَانِ، وَبُغْضُ الْأَقْرَانِ، وَالْقُرْبُ إِلَى الطُّغْيَانِ. (3)

الإمام عليّ عليه السلام في صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - بَعْدَهُ مِمَّنْ تَبَاعَدَ مِنْهُ بُغْضٌ وَنَزَاهَةٌ، وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَرَحْمَةٌ، لَيْسَ تَبَاعُدُهُ تَكْبَرًا وَلَا عَظَمَةً، وَلَا دُنُوهُ خَدِيعَةً وَلَا خِلَابَةً (4)، بَلْ يَقْتَدِي بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، فَهُوَ إِمَامٌ لِمَنْ بَعْدَهُ مِنْ أَهْلِ الْبِرِّ. (5)

علل الشرائع عن سفيان بن عيينة: قُلْتُ لِلزُّهْرِيِّ: لَقِيتَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: نَعَمْ لَقِيتُهُ، وَمَا لَقِيتُ أَحَدًا أَفْضَلَ مِنْهُ! وَاللَّهِ مَا عَلِمْتُ لَهُ صَدِيقًا فِي السَّرِّ، وَلَا عَدُوًّا فِي الْعَلَانِيَةِ. فَقِيلَ لَهُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّي لَمْ أَرِ أَحَدًا وَإِنْ كَانَ يُحِبُّهُ إِلَّا وَهُوَ لِشِدَّةِ مَعْرِفَتِهِ بِفَضْلِهِ يَحْسُدُهُ، وَلَا رَأَيْتُ أَحَدًا وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُهُ إِلَّا وَهُوَ لِشِدَّةِ مُدَارَاتِهِ لَهُ يُدَارِيهِ. (6)

- 1- .كنز العمال : ج 16 ص 122 ح 44143 نقلًا عن أبي نعيم والديلمي عن جعفر بن محمد بن أبيه معضلاً، وعن ابن النجار عن جعفر بن محمد عن آبائه عن عليّ بن أبي طالب عليهم السلام موصولاً .
- 2- .المحاسن : ج 2 ص 204 ح 1603 ، بحار الأنوار : ج 66 ص 359 ح 27 .
- 3- .تحف العقول : ص 22 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 122 ح 11 وفيه «الجائر» بدل «الخائن» ، «والقرآن» بدل «الأقران» .
- 4- .خِلَابَةٌ: أَي خَدِيعَةٌ بِاللِّسَانِ بِالْقَوْلِ اللَّطِيفِ (مجمع البحرين : ج 1 ص 534 «خلب»).
- 5- .الكافي : ج 2 ص 230 ح 1 ، أعلام الدين : ص 117 كلاهما عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار : ج 67 ص 367 ح 70 وراجع : صفات الشيعة : ص 101 ح 35 .
- 6- .علل الشرائع : ص 230 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 64 ح 21 .

1 / 6 گوناگون

1 / 6 گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خویشتاوند ، کسی است که پیوند دوستی ، او را نزدیک کرده باشد ، هر چند نسبتش دور باشد ، و بیگانه ، کسی است که شدت کینه ، او را دور کرده ، اگر چه نسبتش نزدیک باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بعد از غذا ، دستت را شستی ، پیش از آن که با حوله خشک کنی ، آن را به صورت و چشمانت بکش و بگو : «بار خدایا ! از توزینت و محبت می طلبم ، و از دشمنی و کینه ، به تو پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نشانه خیانتکار ، چهار چیز است : نافرمانی از خداوند مهربان ، آزدن همسایگان ، کین ورزی با همگنان ، و نزدیک شدن به سرکشی .

امام علی علیه السلام _ در توصیف مؤمن _ : اگر از کسی دوری می کند ، دوری کردنش از سرِ نفرت و کناره گیری از آلودگی است و اگر به کسی نزدیک می شود ، نزدیک شدنش از روی ملامت و مهربانی است . نه دوری کردنش از سرِ تکبر و بزرگی کردن است ، و نه نزدیک شدنش از روی مکر و فریب ؛ بلکه [در این رفتار و روش] به نیکان پیش از خود ، اقتدا می کند . بنا بر این ، برای نیکان پس از خود نیز [الگو و] پیشواست .

علل الشرائع _ به نقل از سفیان بن عیینه _ : به زُهری گفتم : علی بن الحسین (زین العابدین علیه السلام) را ملاقات کرده ای ؟ گفت : آری . ملاقاتش کرده ام و هیچ کس را برتر از او ندیده ام . به خدا سوگند ، نه دوستی نهانی [و قلبی] برای او می شناسم ، نه دشمنی آشکار . به زُهری گفته شد : چگونه ؟ گفت : چون هیچ کس را ندیدم که اگر چه او را دوست می داشت ، مگر این که از بسیاری فضائل و امتیازاتی که در وی می دید ، بر او حسادت می ورزید ، و هیچ کس را ندیدم که اگر چه او را دشمن می داشت ، مگر این که از بس در او بردباری و مدارا می دید ، [به ناچار ، در ظاهر] با او مدارا می کرد [و آشکارا با ایشان ، دشمنی نمی ورزید] .

الإمام الصادق عليه السلام_ في جوابه لابن أبي العوجاء لَمَّا أَشْكَلَ عَلَيَّ عَادِمَ ظُهُورِ اللَّهِ لِخَلْقِهِ وَاحْتِجَابِهِ عَنْهُمْ _ وَبَلَكَ! وَكَيْفَ احْتَجَبَ عَنْكَ مَنْ أَرَاكَ قُدْرَتَهُ فِي نَفْسِكَ؟! نُشِئُكَ وَلَمْ تَكُنْ ، وَكَبَّرَكَ بَعْدَ صِيغَةِ غَرِكَ ، وَفُوتَكَ بَعْدَ ضَعْفِكَ ، وَضَعْفَكَ بَعْدَ قُوَّتِكَ ، وَسَقَمَكَ بَعْدَ صِحَّتِكَ ، وَصِيحَّتَكَ بَعْدَ سَقَمِكَ ، وَرِضَاكَ بَعْدَ غَضَبِكَ ، وَغَضَبَكَ بَعْدَ رِضَاكَ ، وَحُزْنَكَ بَعْدَ فَرَحِكَ ، وَفَرَحَكَ بَعْدَ حُزْنِكَ ، وَحُبَّكَ بَعْدَ بُغْضِكَ ، وَبُغْضَكَ بَعْدَ حُبِّكَ . (1)

الأصول الستة عشر عن زيد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ مِنْ مَوَالِيكُمْ يَكُونُ عَارِفًا (2) يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَيَرْتَكِبُ الْمَوْبِقَ مِنَ الذَّنْبِ ، نَتَبَّرًا مِنْهُ؟ فَقَالَ: تَبَرَّؤُوا مِنْ فِعْلِهِ وَلَا تَتَبَرَّؤُوا مِنْهُ ، أَحِبُّوهُ وَأَبْغِضُوا عَمَلَهُ . (3)

1- الكافي: ج 1 ص 75 ح 2 ، التوحيد: ص 127 ح 4 ، بحار الأنوار: ج 3 ص 43 ح 18 .

2- في تأويل الآيات الظاهرة: «عاقا» بدل «عارفا» .

3- الأصول الستة عشر: ص 200 ح 174 ، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 594 ح 6 ، بحار الأنوار: ج 27 ص 137 ح 139 .

امام صادق علیه السلام_ در پاسخ این اشکال ابن ابی العوجا که : چرا خداوند بر بندگانش آشکار نمی شود و خود را از آنان ، در پرده داشته است ؟ _ : وای بر تو! کسی که قدرتش را در وجود تو نشانت داده ، چگونه خود را از تو پوشیده داشته است؟! نبودى ، تو را به وجود آورد . خُرد بودى ، بزرگت کرد . ناتوان بودى ، توانایت گردانید . بعد از توانا شدنت ، ناتوانت می سازد . تن درست هستی ، بیمار می کند . بیمار هستی ، تن درستت می کند . خشم می گیری ، خشنودت می گرداند . خشنود و آرامی ، خشمگینت می سازد . شاد هستی ، اندوهگینت می گرداند و اندوهگینی ، شادت می سازد . نفرت داری ، محبت به تو می بخشد . محبت داری ، [کینه و] دشمنی ، در تو پدید می آورد . [این حالات متضاد و گوناگون که به تو دست می دهد ، همه آشکارا ، نشان از وجود او دارد] .

الأصول الستة عشر_ به نقل از زید _ : به امام کاظم علیه السلام گفتم : دوستی از دوستان [و شیعیان] شما ، عارف [و مؤمن به حق و ولایت شما] است ؛ اما شراب می خورد و مرتکب گناهان مهلك می شود . از او برائت بجوییم ؟ فرمود : «از کردارش برائت بجوید ؛ اما از خودش برائت نجوید . خودش را دوست بدارید ؛ اما کردارش را دشمن بدارید» .

الفصل الثاني : التحذير من بغض هؤلاء ومحادثتهم 1 / 2 / الله عز وجل ورسوله صلى الله عليه وآله «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُتِبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ قَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» . (1)

«إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُوتُوا فِي الْأَذَلِّينَ» . (2)

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ» . (3)

2 / 2 أهل البيت عليهم السلام رسول الله صلى الله عليه وآله : لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ ، رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ ، فَاطِمَةُ أَمَةٌ اللَّهِ ، عَلَى باغضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ . (4)

1- .المجادلة : 5 .

2- .المجادلة : 20 .

3- .التوبة : 63 .

4- .الأمالى للطوسى : ص 355 ح 737 ، كشف اليقين ، ص 449 ح 551 كلاهما عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 27 ص 4 ح 8 ؛ تاريخ بغداد : ج 1 ص 259 الرقم 88 ، تاريخ دمشق : ج 14 ص 170 ح 3511 كلاهما نحوه ، المناقب للخوارزمي : ص 302 ح 297 كلها عن ابن عباس .

فصل دوم : بر حذر داشتن از دشمنی با اینان

1 / 2 خدا و پیامبرش

2 / 2 خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله

فصل دوم : بر حذر داشتن از دشمنی با اینان 1 / 2 خدا و پیامبرش «بی گمان ، کسانی که با خدا و پیامبر او مخالفت می کنند ، ذلیل خواهند شد ، همان گونه که آنانی که پیش از ایشان بودند ، ذلیل شدند ، و به راستی ، ما آیات روشن [خود] را فرستاده ایم و برای کافران ، عذابی خفّت آور خواهد بود» .

«در حقیقت ، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی بر می خیزند ، آنان در زمره زبونان خواهند بود» .

«آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و پیامبر او در افتد ، برای او آتش جهنّم است که در آن ، جاودانه خواهد بود ؟ این ، همان رسوایی بزرگ است» .

2 / 2 خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و الهیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی که به آسمان بالا برده شدم ، این نوشته را بر در بهشت دیدم : «خدایی جز خدای یگانه نیست . محمد ، پیامبر خداست . علی ، محبوب خداست . حسن و حسین ، برگزیده خدایند . فاطمه ، کنیز خداست . لعنت خدا بر کینه ورزان به آنان باد !

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَرَ (2) بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَصَلَّى وَصَامَ، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ مُبْغِضٌ لِأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، دَخَلَ النَّارَ . (3)

الإمام عليّ عليه السلام: لِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٌ مِّنْ غَضَبِ اللَّهِ . (4)

عنه عليه السلام: أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا، وَأَسْوَأُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا . (5)

راجع : هذه الموسوعة : ج 6 ص 461 (الفصل العاشر: بغض أهل البيت عليهم السلام) .

1- .الكشاف : ج 3 ص 403 ، تفسير القرطبي : ج 16 ص 23 ، تفسير الثعلبي : ج 8 ص 314 ح 181 عن جرير بن عبد الله البجلي ؛ فضائل الشيعة : ص 47 ح 1 وليس فيه صدره ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 865 ح 1 كلاهما عن ابن عمر ، بشارة المصطفى : ص 197 عن جرير بن عبد الله البجلي ، بحار الأنوار : ج 23 ص 233 .

2- .الصافئ : الذي يَصْفُ قَدَمَيْهِ (الصحاح : ج 6 ص 2152 «صفن»).

3- .المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 161 ح 4712 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 142 ح 11412 وفيه «مات» بدل «لقي الله» وكلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 12 ص 42 ح 33910 ؛ الأمالي للطوسي : ص 21 ح 26 و ص 118 ح 184 كلاهما عن ابن عباس نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 171 ح 13 .

4- .الخصال : ص 627 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 116 ، غرر الحكم : ج 7342 وفيهما «سخط» بدل «غضب» ، بحار الأنوار : ج 27 ص 88 ح 39 .

5- .غرر الحكم : ج 2 ص 480 ح 3363 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 126 ح 2881 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که هر کس با کینه خاندان محمد بمیرد، کافر مُرده است. آگاه باشید که هر کس با بغض خاندان محمد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نکرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر شخصی میان رُکن و مقام [کعبه]، جفت پا بایستد و نماز بخواند و روزه بگیرد، اما با بغض اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله خدا را دیدار کند، به آتش می رود.

امام علی علیه السلام: برای بغض ورزان به ما، افواجی از خشم خداست.

امام علی علیه السلام: خوب ترین خوبی ها، دوست داشتن ماست و بدترین بدی ها، دشمن داشتن ماست.

ر. ک: همین دانش نامه: ج 10 ص 489 (فصل دهم: دشمنی با اهل بیت علیهم السلام).

2 / 13 الإمام عَلِيُّرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ. (1)

الإمام علي عليه السلام: عَهْدَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنْ لَا يُحِبَّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، لَوْ أَنَّ أُمَّتِي أَبْغَضُوكَ لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ عَلَى مَنَاحِرِهِمْ فِي النَّارِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، أَنْتَ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيَا سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ، حَبِيبُكَ حَبِيبِي، وَحَبِيبِي حَبِيبُ اللَّهِ؛ وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي، وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ، وَالْوَيْلُ (4) لِمَنْ أَبْغَضَكَ بَعْدِي! (5)

1- المعجم الكبير: ج 23 ص 380 ح 901 عن أم سلمة، تاريخ بغداد: ج 13 ص 32 الرقم 6988 عن ابن مسعود نحوه، تاريخ دمشق: ج 42 ص 270 ح 8800 عن يعلى بن مرة الثقفي، كنز العمال: ج 11 ص 610 ح 32953؛ الأمالي للطوسي: ص 248 ح 437 عن عمّار بن ياسر و ص 309 ح 623 عن ابن عباس وكلاهما نحوه، الأصول الستة عشر: ص 214 ح 206، بحار الأنوار: ج 22 ص 197 ح 11.

2- سنن النسائي: ج 8 ص 117، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 204 ح 731 و ص 183 ح 642 كلاهما نحوه، تاريخ بغداد: ج 2 ص 255 كلها عن زر بن حبيش؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 60 ح 235 عن الحسن بن عبد الله الرازي التميمي، الأمالي للطوسي: ص 258 ح 465، كنز الفوائد: ج 2 ص 83 كلاهما عن زر بن حبيش نحوه، بحار الأنوار: ج 34 ص 362.

3- تاريخ دمشق: ج 42 ص 297 ح 8831، شواهد التنزيل: ج 1 ص 550 ح 583 نحوه، الفردوس: ج 5 ص 321 ح 8316 كلها عن جابر؛ مجمع البيان: ج 7 ص 371، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 412 ح 22 كلاهما عن جابر نحوه، بحار الأنوار: ج 39 ص 261 ح 33 نقلاً عن المناقب لابن شهر آشوب.

4- الويل: كلمة تُقالُ عندَ الهلكةِ، ويقالُ: «ويل» وادٍ في جهنم (مجمع البحرين: ج 3 ص 1987 «ويل»).

5- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 138 ح 4640، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 642 ح 1092 نحوه، تاريخ بغداد: ج 4 ص 41، تاريخ دمشق: ج 42 ص 292 ح 8822 و 8823 والأربعة الأخيرة نحوه وكلها عن ابن عباس؛ شرح الأخبار: ج 1 ص 154 ح 100 عن ابن عباس نحوه.

2 / 3 امام علی علیه السلام

2 / 3 امام علی علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس علی را دوست بدارد، هر آینه، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد، بی گمان، خدا را دوست داشته است و هر کس علی را دشمن بدارد، هر آینه، مرا دشمن داشته است و هر کس مرا دشمن بدارد، بی گمان، خدا را دشمن داشته است.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که مرا جز مؤمن، دوست نمی دارد و جز منافق، با من دشمنی نمی ورزد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! اگر امتم تو را دشمن بدانند، خداوند، همه آنها را در آتش، سرنگون خواهد کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! تو در دنیا و آخرت، آقای. دوست تو، دوست من است و دوست من، دوست خدا. دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست. وای بر کسی که پس از من، با تو کین بورزد!

عنه صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَكَانَ حَقِيقًا (حَقًّا) عَلَى اللَّهِ أَنْ يُسَكِّنَ مُجِيبِيهِ الْجَنَّةَ. يا عَلِيُّ، مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَكَانَ حَقِيقًا (حَقًّا) عَلَى اللَّهِ أَنْ يُوَقِّعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَوْقِفَ الْبَغْضَاءِ، وَلَا يُقْبَلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ وَلَا إِجَارَةٌ. (1)

الإمام علي عليه السلام: لَوْ صَدَّرْتُ حَيْشُومَ (2) الْمُؤْمِنِ بِسَيِّفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي، وَلَوْ صَدَّبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا (3) عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي، وَذَلِكَ أَنَّهُ فُضِيَ فَأَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ. (4)

سنن الترمذي عن أبي سعيد الخُدري: إِنَّا كُنَّا لَنَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ - نَحْنُ مَعَشَرَ الْأَنْصَارِ - بِبُغْضِهِمْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (5)

الإمام الحسين عليه السلام: مَا كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِلَّا بِبُغْضِهِمْ عَلِيًّا وَوُلْدَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (6)

راجع: موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج 7 ص 69 (القسم الخامس عشر / بغض الإمام علي عليه السلام).

- 1- تفسير فرات: ص 598 ح 760 عن سلمان، بحار الأنوار: ج 21 ص 90 ح 9.
- 2- الخيشوم: أقصى الأنف، ومنهم من يُطلقه على الأنف (المصباح المنير: ص 170 «خشم»).
- 3- الجمّة: الاجتماع والكثرة (النهاية: ج 1 ص 300 «جمم»). وفي مجمع البيان ومشكاة الأنوار: «بجملتها»، وفي الغارات «بحدافيرها».
- 4- نهج البلاغة: الحكمة 45، مجمع البيان: ج 6 ص 823، الغارات: ج 1 ص 43 عن فرقد البجلي نحوه، مشكاة الأنوار: ص 151 ح 365، بحار الأنوار: ج 34 ص 51.
- 5- سنن الترمذي: ج 5 ص 635 ح 3717، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 639 ح 1086، المعجم الأوسط: ج 4 ص 264 ح 4151 كلاهما عن جابر بن عبد الله نحوه، تاريخ دمشق: ج 42 ص 285 نحوه؛ مجمع البيان: ج 9 ص 160، كفاية الأثر: ص 102 عن زيد بن أرقم وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 39 ص 263 عن المناقب لابن شهر آشوب.
- 6- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 67 ح 305 عن عبد الله التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، قرب الإسناد: ص 26 ح 86 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن عبد الله بن عمر نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! هر کس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته است و هر کس خدا را دوست بدارد، خدا هم او را دوست می دارد، و بر خدا سزاوار است (/ حق دارد) که دوستانش را در بهشت، جای دهد. ای علی! هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است و هر کس مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است و هر کس خدا را دشمن بدارد، خدا نیز او را دشمن می دارد و لعنتش می کند و بر خدا سزاوار است (/ حق دارد) که روز قیامت، او را در ایستگاه کینه ورزان، نگه دارد. نه توبه ای از او پذیرفته می شود، نه فدیة ای و نه پناه خواستی.

امام علی علیه السلام: اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن، فرو کوبم تا مرا دشمن بدارد، دشمنم نخواهد داشت و اگر همه دنیا را به پای منافق بریزم تا مرا دوست بدارد، دوستم نخواهد داشت، و این، از آن روست که قضا [بر این امر] جاری گشت و بر زبان پیامبر اُمّی صلی الله علیه و آله گذشت. او فرمود: «ای علی! هیچ مؤمنی با تو دشمنی نمی ورزد و هیچ منافقی، دل به دوستی تو نمی سپارد».

سنن الترمذی_ به نقل از ابو سعید خُدْری _ : ما گروه انصار، منافقان را از دشمنی شان نسبت به علی بن ابی طالب می شناختیم.

امام حسین علیه السلام: ما در روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، منافقان را جز از طریق دشمنی شان نسبت به علی و فرزندان او علیه السلام نمی شناختیم.

ر. ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: ج 12 ص 295 (بخش پانزدهم: دشمنی با امام علی علیه السلام).

2 / 4 فاطمة الزهراء تاريخ دمشق عن زيد بن أرقم: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا ، فَمَرَّتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَعَهَا كَلِيمٌ (1) ، وَهِيَ خَارِجَةٌ مِنْ بَيْتِهَا إِلَى حُجْرَةِ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَمَعَهَا ابْنَاهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آثَارِهِمْ ، فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِمْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : مَنْ أَحَبَّ هَؤُلَاءِ فَقَدْ أَحَبَّنِي ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنِي . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: فاطمة بضعة مني ، فمن أغضبها أغضبتني . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل ليغضب ليغضب فاطمة ، ويرضى ليرضاها . (4)

1- .كليم : كذا بالأصل ، والظاهر أنّ اللفظة فارسية والمراد منها «اللباس الخشن» (هامش المصدر) .

2- .تاريخ دمشق : ج 14 ص 154 ح 3473 .

3- .صحيح البخاري : ج 3 ص 1361 ح 3510 و ص 1374 ح 3556 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 5 ص 97 ح 8371 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 404 ح 1012 كلها عن المسور بن مخرمة ، كنز العمال : ج 12 ص 108 ح 34222 ؛ الطرائف : ص 262 ح 364 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 332 عن عامر الشعبي والحسن البصري وسفيان الثوري ومجاهد وابن جبير وجابر الأنصاري والإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 29 ص 336 ح 1 .

4- .الأمالى للمفيد : ص 95 ح 4 عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 46 ح 176 عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، معاني الأخبار : ص 303 ح 2 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 43 ص 19 ح 2 ؛ كنز العمال : ج 12 ص 111 ح 34237 نقلاً عن الديلمي عن الإمام علي عليه السلام .

2 / 4 فاطمه زهرا علیها السلام

2 / 4 فاطمه زهرا علیها السلام تاریخ دمشق_ به نقل از زید بن ارقم_ نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم که فاطمه علیها السلام در حالی که لباسی زبر بر تن داشت، از خانه اش بیرون آمد و به سوی اقامتگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت، در حالی که پسرانش حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، با او بودند و علی علیه السلام در پی ایشان، حرکت می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به آنان کرد و فرمود: «هر کس اینان را دوست بدارد، هر آینه، مرا دوست داشته است و هر کس ایشان را دشمن بدارد، هر آینه، مرا دشمن داشته است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فاطمه، پاره تن من است. هر که او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند عز و جل با خشم فاطمه، به خشم می آید و با خشنودی او، خشنود می شود.

عنه صلى الله عليه وآله - لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَغْضَبُ لِعُضْبِكَ ، وَيَرْضَى لِرِضَاكِ . (1)

5 / 2 الحَسَنَانِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ابْنَايَ ؛ مَنْ أَحَبَّهُمَا أَحَبَّنِي ، وَمَنْ أَحَبَّنِي أَحَبَّهُ اللَّهُ ، وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا أَبْغَضَنِي ، وَمَنْ أَبْغَضَنِي أَبْغَضَهُ اللَّهُ ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ أَدْخَلَهُ النَّارَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَبْغَضَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ ، وَلَمْ تَنْلُهُ شَفَاعَتِي . (4)

1- .المستدرك على الصحيحين : ج 3 ص 167 ح 4730 عن عمر بن علي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، المعجم الكبير : ج 1 ص 108 ح 182 عن علي بن عمر بن علي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 12 ص 111 ح 34238 ؛ الأمالي للطوسي : ص 427 ح 954 ، الأمالي للصدوق : ص 467 ح 622 كلاهما عن علي بن عمر بن علي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الاحتجاج : ج 2 ص 255 ح 226 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 43 ص 20 ح 8 .

2- .المستدرك على الصحيحين : ج 3 ص 181 ح 4776 ، تاريخ دمشق : ج 14 ص 156 ح 3479 نحوه وكلاهما عن سلمان ، كنز العمال : ج 12 ص 120 ح 34286 ؛ الإرشاد : ج 2 ص 28 ، شرح الأخبار : ج 3 ص 101 ح 1032 كلاهما عن سلمان نحوه ، بحار الأنوار : ج 43 ص 275 ح 42 .

3- .المعجم الكبير : ج 3 ص 48 ح 2648 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 102 ح 4795 ، مسند أبي يعلى : ج 5 ص 449 ح 6187 كلهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 12 ص 116 ح 34268 ؛ الأمالي للطوسي : ص 251 ح 446 عن أبي هريرة ، بحار الأنوار : ج 43 ص 264 ح 17 .

4- .كامل الزيارات : ص 115 ح 122 عن عباس بن الوليد عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 43 ص 270 ح 32

2 / 5 حسن و حسین علیهم السلام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به فاطمه علیها السلام_ : همانا خداوند ، با خشم تو به خشم می آید و با خشنودی تو ، خشنود می شود .

2 / 5 حسن و حسین علیهما السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حسن و حسین ، پسران من اند . هر کس آن دو را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد ، خدا او را دوست می دارد و هر کس که خدا دوستش بدارد ، او را به بهشت می برد و کسی که آن دو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است و کسی که مرا دشمن بدارد ، خدا او را دشمن می دارد و خدا هر که را دشمن بدارد ، به دوزخش می برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس حسن و حسین را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هر کس آن دو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس حسن و حسین را دشمن بدارد ، روز قیامت ، در حالی می آید که بر چهره اش گوشتی نباشد و شفاعت من نیز به او نمی رسد .

2 / 6 المؤمنالكتاب» وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: أشرار (2) الناس من يبغض المؤمنين وتبغضه قلوبهم ، المشاؤون بالتميمة ، المفترقون بين الأحبة . (3)

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ؛ فَإِنَّ مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْهُ أَعَادَهُ اللَّهُ ، وَتَعَوَّذُوا مِنْ هَمَزَاتِهِ وَنَفَخَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ (4) ، أَتَدْرُونَ مَا هِيَ؟ أَمَا هَمَزَاتُهُ : فَمَا يَلْقِيهِ فِي قُلُوبِكُمْ مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَكَيْفَ بُبْغِضُكُمْ بَعْدَ مَا عَرَفْنَا مَحَلَّكُمْ مِنَ اللَّهِ وَمَنْزِلَتِكُمْ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بَأَنَّ بُبْغِضُوا أَوْلِيَاءَنَا وَتُحِبُّوا أَعْدَاءَنَا . (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لِلْمُؤْمِنِ أَرْبَعَةٌ أَعْدَاءٌ : مُؤْمِنٌ يَحْسُدُهُ ، وَمُنَافِقٌ يُبْغِضُهُ ، وَشَيْطَانٌ يُضِلُّهُ ، وَكَافِرٌ يُقَاتِلُهُ . (6)

1- الحشر : 10 .

2- في بحار الأنوار : «شرار» بدل «أشرار» .

3- الأُمالي للطوسي : ص 462 ح 1030 عن حسين بن زيد بن علي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 265 ح 9 .

4- النفث : قذف الريق القليل ، وهو أقل من التفل (مفردات ألفاظ القرآن : ص 816 «نفث»).

5- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 584 ح 347 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 204 ح 29 .

6- الفردوس : ج 3 ص 320 ح 4961 عن أبي هريرة وج 4 ص 176 ح 6548 و ص 181 ح 6560 كلاهما عن أنس نحوه ، تاريخ دمشق : ج 24 ص 72 عن أبي أمامة من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله نحوه ، كنز العمال : ج 1 ص 146 ح 715 .

6 / 2 مؤمنقرآن «و آنان که پس از اینها می آیند، می گویند: پروردگارا! ما را و برادرانمان را که از ما بر ایمان پیشی گرفتند، پیامرز و در دل های ما، کینه ای نسبت به آنان که ایمان آوردند، قرار مده، که تو اهل مهر و رأفتی.»

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین مردمان، کسی است که مؤمنان را دشمن بدارد و دل های مؤمنان هم او را دشمن بدارند؛ سخن چینانِ جدایی انداز میان دوستان.

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه ببرید؛ زیرا کسی که از او به خدا پناه ببرد، خداوند، او را پناه می دهد. از همزات و نفخات و نفثات (1) او به خدا پناه ببرید. آیا می دانید اینها چیستند؟ همزات او، دشمنی کردن با ما اهل بیت است که او در دل های شما می افکند». گفتند: ای پیامبر خدا! بعد از شناخت جایگاه و منزلت شما در نزد خدا، چگونه ممکن است با شما دشمنی کنیم؟ فرمود: «با دشمنی کردن با دوستان ما و دوست داشتن دشمنان ما».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، چهار دشمن دارد: مؤمنی که بر او حسادت می ورزد؛ منافقی که او را دشمن می دارد؛ شیطانی که در گم راهی او می کوشد؛ و کافری که با او می جنگد.

1- «نفث» _ در اصل عربی حدیث _ تُفّ ریزه انداختن است و «نفخات»، جمع «نفخة»، به معنای دمیدن است. دَمَش ها، کنایه از القائنات و وسوسه های شیطان است.

الإمام علي عليه السلام_ في وصيته _ :إياكم والبغضة لذوي أرحامكم المؤمنين ؛ فإنها الحالقة للدين . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : إن الرجل ليحببكم وما يعرف ما أنتم عليه ، فيدخله الله الجنة بحببكم ، وإن الرجل ليبغضكم وما يعرف ما أنتم عليه ، فيدخله الله يبغضكم النار . (2)

الأصول الستة عشر عن جابر : سمعته [الإمام الصادق عليه السلام] يقول : دخل على أبي قوم فقال لهم : ما لكم وللبراءة بعضكم من بعض؟ إنما أخذتم أخذ الخوارج ، صدقوا على أنفسهم حتى برئ بعضهم من بعض! إن أمرنا أوسع مما بين السماء والأرض ، وإذا أبغضت الرجل فقد برئت منه . (3)

7 / 2 العالمرسول الله صلى الله عليه وآله : إذا أبغض المسلمون علماءهم ، وأظهروا عمارة أسواقهم ، وتناكحوا (4) على جمع الدراهم ، رماهم الله عز وجل بأربع خصال : بالفحط من الزمان ، والجور من السلطان ، والخيانة من ولاة الأحكام ، والصولة من العدو . (5)

-
- 1- دعائم الإسلام : ج 2 ص 352 ح 1297 عن الإمام زين العابدين والإمام الباقر عليهما السلام .
 - 2- الكافي : ج 2 ص 126 ح 10 عن هشام بن سالم وحفص بن البختري و ج 8 ص 315 ح 495 عن الصباح بن سيابة نحوه ، بحار الأنوار : ج 69 ص 246 ح 21 .
 - 3- الأصول الستة عشر : ص 229 ح 255 .
 - 4- في كنز العمال : «وتألبوا» بدل «وتناكحوا» وهو الأنسب . وتألبوا : أي تجتمعوا (الصحاح : ج 1 ص 88 «ألب»).
 - 5- المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 361 ح 7923 عن ابن أبي مليكة عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال : ج 16 ص 39 ح 43841 .

امام علی علیه السلام در سفارش ایشان _ : از کین ورزی با خویشاوندان مؤمن خود بپرهیزید ؛ زیرا این کار ، نابود کننده دین است .

امام صادق علیه السلام : شخصی شما [شیعیان] را دوست می دارد ، در حالی که نمی داند شما بر چه عقیده ای هستید . پس خداوند ، او را به سبب دوست داشتن شما به بهشت می بَرَد . شخصی نیز شما را دشمن می دارد ، در حالی که نمی داند شما بر چه عقیده ای هستید . پس خداوند ، او را به سبب دشمن داشتن شما ، به آتش می بَرَد .

الأصول الستة عشر _ به نقل از جابر _ : از امام [صادق علیه السلام] شنیدم که می فرماید : «عده ای به نزد پدرم [امام باقر علیه السلام] آمدند . پدرم به آنها فرمود : شما را چه شده است که از یکدیگر ، بیزاری می جوئید ؟ راه خوارج را در پیش گرفته اید . آنها چنان عرصه را بر خود تنگ کردند [و تنگ نظری نشان دادند] که از یکدیگر ، بیزاری جُستند! کار ما گسترده تر از فاصله میان آسمان و زمین است و بدانید که [هر گاه کسی [از همکیشان خود] را دشمن بداری ، از او بیزاری جُسته ای » .

7 / 2 دانشمند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه مسلمانان ، دانشمندان خود را دشمن بدانند و آبادانی بازارهایشان را آشکار سازند و برای گردآوری درهم ها با هم وصلت کنند ، (1) خداوند عز و جل آنان را به چهار چیز ، مبتلا می کند : روزگار قحطی ، ستم پادشاه ، خیانت حکم صادر کنندگان (2) و تهاجم دشمنان .

1- در کنز العمال ، به جای «تناکحوا (وصلت می کنند)» ، «تألّیوا» ، به معنای «گرد آمدن» و «هم داستان شدن» آمده که مناسب تر است .

2- در کنز العمال : «ولاة الحکّام» ، یعنی «کارگزاران حکومت ها» آمده است .

عنه صلى الله عليه وآله: أُغْدُ عَالِمًا، أَوْ مُتَعَلِّمًا، أَوْ أَحِبَّ الْعُلَمَاءَ، وَلَا تَكُنْ رَابِعًا فَتَهْلِكَ يُبْغِضُهُمْ. (1)

2 / 8 أهل الحقا لإمام الصادق عليه السلام: لَا تَغْضَبُوا مِنْ الْحَقِّ إِذَا قِيلَ لَكُمْ، وَلَا تُبْغِضُوا أَهْلَ الْحَقِّ إِذَا صَدَعَكُمْ (2) بِهِ؛ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَغْضَبُ مِنَ الْحَقِّ إِذَا صَدَعَهُ بِهِ. (3)

2 / 9 المُسْتَضْعَفُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي سِتْرِ اللَّهِ مَا لَمْ يُبْغِضْ أَهْلَ الْجُوعِ وَقِلَّةِ الطَّعَامِ، فَإِذَا أَبْغَضَهُمْ هَتَكَ سِتْرَهُ وَمَقَّتَهُ. (4)

-
- 1- الخصال: ص 123 ح 117 عن محمد بن مسلم وغيره عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافي: ج 1 ص 34 ح 3، المحاسن: ج 1 ص 355 ح 754، مستطرفات السرائر: ص 157 ح 24 والثلاثة الأخيرة عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 1 ص 187 ح 2.
 - 2- صَدَعَ بِالْحَقِّ: تَكَلَّمَ بِهِ جَهَارًا (المصباح المنير: ص 335 «صدع»).
 - 3- تحف العقول: ص 515 عن المفصل بن عمر، بحار الأنوار: ج 78 ص 382 ح 1.
 - 4- الفردوس: ج 5 ص 96 ح 7580 عن ابن عباس.

2 / 8 حق گویان

2 / 9 مستضعفان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یا دانشمند باش، یا دانش آموز، و یا دوستدار دانشمندان، و چهارمین مباحث که از دشمنی ورزیدن با آنان، تباہ می شوی .

2 / 8 حق گویان امام صادق علیه السلام: از حق، هر گاه به شما گفته شد، عصبانی نشوید و اهل حق را، هر گاه حق را به شما گفتند، دشمن ندارید؛ زیرا مؤمن، از گفته شدن حق به او، عصبانی نمی شود .

2 / 9 مستضعفان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، پیوسته نسبت به بنده، پرده پوشی می کند تا زمانی که اهل گرسنگی و کم خوری را دشمن ندارد . پس هر گاه آنان را دشمن بدارد، خداوند، پرده اش را می درَد و از او متنفر می شود .

ص: 563

فهرست تفصیلی .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

